

جنبش کارگری و مروری بر اعتراضات و اعتصابات کارگران در ایران!

روزشمار اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۹ - ۲۰۱۰

گردآوری و تدوین : امیر جواهری لنگرودی
تیر ۱۳۸۹

یادداشت :

در اردیبهشت سال ۸۹ با حوادث پر شماری در وضعیت کارگران ایران روبرو هستیم . دشواری امنیت شغلی کارگران ، تعطیلی کارخانجات و اخراج و بیکار سازی ، عدم دریافت به موقع حقوق ها ، گرانی و فقر ، بازهم از ورشکستگی صنعت نساجی و واردات بیرویه کالاها گزارش شده است. روز جهانی حوادث کاری و برونسوانح حین کار و اعلامیه مشترک پیرامون این روز فرارسیدن روز جهانی کارگر و همبستگی واتحاد عمل موفقیت آمیز کارگران بمناسبت این روز ، نقاط قوت و ضعف این حرکت ، پشتیبانی دانشجویان از اقدام کارگران به مناسبت روز جهانی کارگر ، دستگیری معلمان و حضور معلمان در صحنه رودرویی ها و اعدام یک معلم شناخته شده به همراه چهارتن دیگر ، اعتصاب عمومی در کردستان بزرگ ، دشواری وضعیت زنان ، وضعیت کودکان خیابانی ، آلودگی هوا و خشکی تالاب ها و نابودی رودخانه ها و دریاچه ها و ایران جزو ۱۰ کشور تخریب کننده محیط زیست معرفی می گردد ، شرکت های هرمی و زدوبند های سران رژیم در این رابطه و افزایش بحران و فساد در سازمان های دولتی ، زندگی حاشیه نشینان تهران و استان ها و مشلات زندگی آنان و غیره ... همه و همه از مسائل و مشکلات زندگی کارگران شهری و روستایی ایران بوده است .

در گزارشات این ماه آمده است که در اواخر اردیبهشت ماه امسال کارگران کارخانه تولید نوشابه ساسان ۶۵۰ کارگر با سابقه شرکت این واحد تولیدی اخراج شدند. اخراج کارگران با سابقه و آشنا با سنت های مبارزات کارگری بدون تردید به جنبش اعتراضی زحمتکشان لطمه وارد می آورد.

آنچه در بیانیه مشترک تاریخ ۸ اردیبهشت (۲۸ آوریل) روز جهانی همدردی با کارگران آسیب دیده در محیط کار را انتشار می یابد و امضاء ده تشکل را با خود دارد - عینا در روز شمار کارگری آمده است - به عمل مشترک فعالان و تشکل های شناخته شده کارگری درون کشور به مناسبت این روز جهانی ، سطح همیاری ها را وسعت بخشید و آنرا با روز جهانی کارگر در ایران پیوند زد.

روز جهانی کارگر اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) امسال ما شاید اتحاد عمل موفقیت آمیزی بین گروه بندیهای متشکل کارگری ۱۰ گانه در ایران با نام های ۱- سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ۲- سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه ۳- اتحادیه آزاد کارگران ایران ۴- هیئت بازگشائی سندیکای فلز کار و مکانیک ۵- هیئت بازگشایی سندیکای کارگران نقاش ۶- انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه ۷- کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری ۸- کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری ۹- انجمن دفاع از کارگران اخراجی و بیکار سقز ۱۰- شورای زنان، بودیم که به اتفاق یکدیگر ، پای قطعنامه مشترکی را امضاء گذاشتند. این فصل مشترک با بهره گیری از تجربه سال قبل ۸۸ اول ماه مه در پای اجتماع پارک لاله بود که هنوز پرونده فعالان اجتماع کننده و دستگیر شده در آن پارک در پیشخوان قضات شرع پائین و بالا می گردد. این تجارب در طی سال های اخیر مشحون از همسویی ها و همراهی های فعالان کارگری و تشکل های شناخته شده کارگری در برابر رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی و نهاد های شبه کارگری آن نظیر ؛ خانه کارگر - شورای های اسلامی کار- حزب اسلامی کار و انجمن ها و بسیج کارگری است ، که علیرغم شکست و ورشکستگی سالیان هنوز از دخالت و کارشکنی در مختصات مبارزاتی کارگری و

چرخش مطالبات آنان بر علیه کارگران در جهت منافع سرمایه داری حاکم قدمی فروگذار نمی کنند .

جدا از قطعنامه مشترک بیانیه های " شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر سال ۸۹" نیز گام دیگری در راستای بر جستگی بخشیدن به خواست ها و مطالبات معوقه کارگران و تحکیم همبستگی طبقاتی آنان بوده است . میتوان گفت : بیانیه های " شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر سال ۸۹" خواست ها و نیز مفاهیمی را طرح کردند که اولاً جهت گیری سوسیالیستی روشنی داشتند ؛ ثانیاً موضع ضد دیکتاتوری دقیقی را بیان می کردند و ثالثاً نشان می دادند که نویسندگان این بیانیه ها از افق های محدود مسلط در میان غالب جریان های چپ فراتر رفته اند ، با تأکید بر هم هویتی طبقاتی با معلمان و امثال آنها ؛ طرح مسائل بازنشستگان ؛ تأکید بر همبستگی با جنبش های زنان و دانشجویان ؛ اعلام همبستگی با مهاجران افغانی را اعلام داشتند . نکته غائب "بیانیه شورا ... " طرح مسئله ملی و پیوند آن با منافع کارگران مناطق ملی ایران بوده است . فراموش نباید کرد که کارگران ملیت های ساکن کشور با هزاران رشته با همدیگر پیوند خورده و در تماسی دائمی هستند و هم سرنوشتی شان نیز این پیوندها را مستحکم تر می کند. این هم سرنوشتی بدان معناست که کارگران فارس و آذری و بلوچ و کرد و ترکمن و عرب؛ نه تنها توسط بورژوازی به طور عموم استثمار می شوند بلکه اکثر کارگران آذری با کرد توسط سرمایه داران آذری و کرد استثمار می شوند؛ یا کارگران و زحمتکشان بلوچ توسط خوانین و ملاکین بلوچ استثمار می شوند در مورد دیگر ملیت ها نیز وضع به همین منوال است. از این روست که کارگران ملیت های گوناگون کشور که توسط بورژوازی خودی استثمار می شوند احساس همبستگی بیشتری با کارگران دیگر ملیت ها خواهند داشت تا با بورژوازی خودی. از سوی دیگر به دنبال در هم ریختن مناسبات تولیدی در مناطق سکونت ملیت های تحت ستم و عدم جذب نیروهای رها شده برای بازار کار، بخش وسیعی از نیروی کار این مناطق برای یافتن کارهای فصلی و موقتی و یا دائم راهی شهرهای بزرگ صنعتی شده اند. از این رو در بسیاری از شهرهای کشور با تعداد وسیعی از کارگران آذری، کرد، بلوچ و .. روبرو هستیم که در کارهای کشاورزی، ساختمان سازی و یا در کارخانه ها و یا کارگاه ها مشغول به کارند. این نیروی گسترده کار، به دلیل خصلت کارش با کارگران دیگر مناطق در تماس دائمی قرار دارد و زمینه ی هم سرنوشتی و پیوندهای وسیع تر را فراهم آورده است. بادر نظر گرفتن همه این وجوه پر اهمیت و غیر قابل کتمان، جا ندادن این رابطه در "بیانیه شورا ... " کمبود چشمگیری بود که باید جبران گردد تا نا خواسته به ستیز و دشمنی با کارگران و زحمتکشان شهری و روستایی مناطق ملی نیانجامد و باعث بهره برداری نیروهای عظمت طلب نگردد .

از سویی اعلام اعتصاب غذای سراسری معلمان در ۱۲ اردیبهشت که از طرف "شورای هم آهنگی تشکل های صنفی معلمان" اعلام شد، اقدام شجاعانه ای بود که فضای مبارزاتی موجود را نشان می داد. هرچند حرکتی در پاسخ به این فراخوان صورت نگرفت ، ولی خود فراخوان نشان می داد که تشکل های معلمان تلاش دشوار سازمان یابی خود را پیش می برند و نیروی سازمان یافته بزرگی در حال شکل گیری است. انگار سران جمهوری اسلامی برای انتقام گیری از سلسله اعتراضات کارگران و خاصه معلمان بود که در همین ماه دستگاه قضایی ایران ، با اعدام پنج زندانی سیاسی بار دیگر طبیعت غیر دمکراتیک و ضد خلقی خود را نشان داد. در نخستین ساعات روز ۱۹ اردیبهشت (۹ ماه مه)، آموزگار شناخته شده و خوش آوازه کودکان خطه کردستان فرزند کمانگر را در کنار شیرین علم هولی، فرهاد وکیلی، علی حیدریان و مهدی اسلامیان، در خفا و بدون آگاهی وکلا و خانواده آنان، به دار آویخته شدند. این زندانیان در سال های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۸ با اتهام به مخاطره انداختن امنیت کشور و دشمنی با خدا دستگیر شدند، و بی آنکه از حد اقل مراحل دادرسی عادلانه برخوردار شوند ، به اعدام محکوم شدند.

درارتباط با اعتراضات معلمان می توان این سخن را بیان داشت؛ دراین میان هرچند اعلام همبستگی های متعددی که از طرف دانشجویان در بعضی شهرها با کارگران ومعلمان صورت گرفت ، ولی نتوانست نیروی مهمی را برای اقدام مستقیم گرد آورد، ولی فضای جدیدی را

نشان می داد که مسلماً می تواند بستربسیارپرثمری برای ارتباطات میان جنبش های اجتماعی مختلف فراهم بیاورد.

می توان گفت ؛ مجموعه تلاش هایی که دراول ماه مه امسال صورت گرفت نشان داد؛ که جنبش ضد دیکتاتوری درایجاد امکانات سازمان یابی درمیان بخش های کلیدی فعالان کارگری ومعلمان وسایرجنبش های اجتماعی قطعاً مؤثر بوده است.

در اردبهشت ماه با اعدام جنایت بار چهار فعال کرد (فرزاد کمانگر را در کنار شیرین علم هولی، فرهاد وکیلی، علی حیدریان) و یک تن از شیراز(مهدی اسلامیان)، مابا آغاز اعتصاب عمومی مردم در شهرهای کردستان روبرو هستیم . این اعتصاب درشهرهای سنندج، مریوان، بوکان، دیواندره، سفز، مهاباد، کامیاران، شهر دهگلان، اشنویه، سردشت، جوانرود،پاوه، بانه ، نوسود، اسلام آباد، شهر بیجار،ماکو،پیرانشهر ایلام، شیروان و چرداول نمود واقعی یافت و اعتصاب عمومی به طور فراگیر و منسجم گسترش یافت- روزشمار کارگری در این باب گزارش متعددی را از منابع گوناگون گرد آورده است - بطوری که کسبه آن سامان ازبازکردن مغازه هاواماکن کاری خویش، خودداری کرده اند.نیروهای حکومتی باایجاد ترس،رعب و وحشت خشونت آمیزدر این شهرها و با فشار به کسبه ،خواستند مجبورشان کنند مغازه های شان را باز کنند. همچنین هیئت کنترل بحران وزارت کشور رژیم برای پیگیری امور و بررسی شعاع عمل اعتصاب عمومی کردستان،وارد سنندج شد. حضور نیروهای سرکوبگر درتمامی شهرهای کردستان و کردنشین برجسته می نمود. تجربه این اعتصاب تا حدی سراسری وفلج کننده ، به مثابه شکلی ازنافرمانی وگزینش ضد خشونت از جانب مردم ، خشونت طلبان حاکمیت را به هراس انداخت وبرآن داشت که با موج دستگیری و ایجاد رعب در بین مردم ، از سرایت آن به دیگر نقاط استان ها و کل کشور با موج دستگیری ها و اعمال خشونت پایان ببخشند . تجربه اعتصاب عمومی کردستان در این ماه آموختنی و درس آموز می نماید.

امروز که با موج وسیع دستگیری ها روبرو هستیم ؛ بیگمان تجربه اتحاد عمل اول ماه مه ، تجربه تحرک وسیع معلمان سراسر کشور در برابر دستگیری همکاران خود و همچنین اعتصاب عمومی کردستان در برابر محکومیت اعدام ها می تواند به نوعی به اتحاد عمل گسترده جدیدی در درون کشور نسبت به موج دستگیری مهدی فرحی شاندیز- علیرضا اخوان – سعید ترابیان – رضا شهابی – بهنام ابراهیم زاده ، پدرام نصرالله هی ، و دشواری آنچه در زندگی زندان مانند منصور اسالو و ابراهیم مددی و دیگر فعالان زن و دانشجویان دستگیر شده ، توسط زندانبانان نظام صورت می پذیرد، به حرکتی بزرگ وبا کیفیت از دل وحدت عمل و اراده و همسویی تشکل های کارگران با دیگر فعالان جنبش های اجتماعی بیانجامد .هیچ نیرویی به تنهایی نمی تواند رژیم را به عقب نشینی وا دارد. شرایط امروزبرای کارگران به مانند سه یاچهار سال پیش نبوده و نیست، امروز نمیشود در قبال پیشروی شمشیر از رو بسته حکومتگران، برفضای عمومی و درصحنه مانده پیشروان کارگری ، به تنهایی پیشروی را میسر ساخت . اساس این کار امروز بابرگشت به اعماق، سازمان یابی ازدرون، تحرک درخود محیط کار، محلات و اماکن کارگری و با تلفیق کار مخفی و علنی و همسویی و همراهی با دیگر فعالان جنبشهای اجتماعی و در دل جنبش ضد استبدادی واقعا موجود میسر می گردد. چرا که جمهوری اسلامی بعد ازاول ماه مه امسال به این سو جدا از اینکه به سرکوبی در قبال کارگران شدت بخشیده ، دیگر فعالین را نیز دستگیر و روانه زندان ها ساخته است . همچنان به اعدام ها ادامه می دهد. موج سرکوب ها تا به امروز نشان داد که سرکوبگران دستگاه جهنمی جمهوری اسلامی و ارباب ولایت برای جلوگیری از این همسوئی و همگامی و وحدت اراده مشترک تشکل ها و فعالان و توده کارگر با دیگر همگامان طبقاتی خوداست که با دستگیری فعالین کارگری، زنان، جوانان و دانشجویان و فعالین سیاسی - مدنی ملیت های تحت ستم، تلاش می ورزند تا مانع یک پارچه شدن جنبش ضداستبدادی و پیوند مستحکم آن با جنبش مطالباتی گردد. جا دارد که تشکل های واقعا موجود به این نیروی سرکوب نشان دهند که هیچگاه هم طبقه ی های خود و خانواده های دستگیر شده گان را فراموش نخواهند کرد .

اما آنچه که درخارج از کشور برگرده ماست ؛صد چندان قویتر و قدرتمند تر می بایست از تمامی شیوه های تا به امروز تجربه شده بهره گرفت و برای آزادی موج وسیع دستگیر شده گان اقدام کرد . برجسته کردن حوزه اختلافات بین فعالین کارگری درخارج و یا بین فعالان

سازمان ها و احزاب و به انحصار خود در آوردن تحرکات هیچ سود و منفعتی را متوجه عقب نشینی رژیم نخواهد کرد بلکه رژیم را نسبت به پیشروی سرکوبگرانه نسبت به جان یکایک فعالان کارگران به دستگیری و زندان کشاندن وا می دارد.

نابودی جنگل ها و تالاب ها ، دریاچه ها ورودخانه ها به همراه آلودگی هوا و در نتیجه بالا رفتن میزان بیماری و مرگ به شکل سکنه و سرطان را افزایش داده است. نابودی دریاچه ارومیه اعتراضات گسترده ای را در این ماه و در آستانه اول ماه مه با خود داشت . نابودی بخش های وسیعی از جنگل های بلوط در سلسله کوه های زاگرس که آخرین نمونه آن قطع درختان در جنگل های دنا بود، سبب تهدید سلامت ساکنان شهرهای آن منطقه را بوجود آورد. بطوری که خبرگزاری دولتی ایسنا، در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ماه، به نقل از رییس سازمان هواشناسی گزارش داد: "گرد و غبار افزایش می یابد و سلامت شهروندان دچار خسارت های جبران ناپذیر می شود... کانون اصلی بحران گرد و غبار در ۶ منطقه در کشورهای غربی ایران شناسایی شده که چهار کانون آن در عراق، سوریه و عربستان است...".

در اردیبهشت ماه جانشین فرمانده نیروی انتظامی سردار رادان، این چهره شناخته شده سرکوب گری ها دربارداشتگاه کهریزک از آغاز عملیات شناسایی و دستگیری سران و اعضای بیش از ۴۰۰ دفتر شرکت های هرمی خبرداد، وی اظهار داشت: " امیدواریم با شناسایی و برخورد با این شرکتها از این پس هیچ کس به خود اجازه ندهد در جمهوری اسلامی با چنین روشهایی مطامع خود و بیگانگان را تامین کند." وی فعالیت شرکت های هرمی را نوعی گروگان گیری، گروگان کشی و باج خواهی نامید و افزود: "ماحصل فعالیت این شرکتها خروج میلیاردها تومان از جمهوری اسلامی ایران است که امیدواریم با اطلاعاتی که مردم از سراسر کشور از این شرکتها اعلام می کنند دیگر شاهد فعالیت قارچ گونه آنها نباشیم" (خبرگزاری مهر، ۲۰ اردیبهشت). فساد در بین دستگاه دولت ، مجلسیان و روحانیت آنچنان بالا گرفته که جنبه هایی از آن رد روز شمار کارگری و تاثیر مخرب و ویرانگر آن در زندگی کارگران بازتاب یافته است .

پدیده دردناک حاشیه نشینی در شهرهای بزرگ کشور به یک معضل عمده اجتماعی بدل شده است. مطابق آخرین آمار رسمی رژیم جمهوری اسلامی ایران ، جمعیت حاشیه نشین شهرهای بزرگ چون تهران، مشهد، اصفهان و تبریز به نزدیک ۸ میلیون نفر رسیده است. خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ماه گزارش داد: "معاون دبیرخانه ستاد ملی توانمند سازی و سامان دهی سکونت گاه های غیر رسمی کشور گفت، براساس برآوردهای انجام شده، هفت میلیون و ۵۰۰ هزار نفر در مناطق حاشیه ای شهرهای کشور ساکن هستند. وی ادامه داد حاشیه نشینی با مشکلات اجتماعی و اقتصادی بویژه مشکل اشتغال همراه است. ۹۱ درصد سکونتگاه های غیر رسمی در محدوده شهرهای کشور واقع اند که ۸۵ درصد آنها قدمت بیش از ۱۵ سال دارند ...". مراجعه به خود روزشمار اردیبهشت ۱۳۸۹ ما را بیشتر به حجم اخبار و مصادیق واقعی حوادث کارگری مربوط به این ماه قرار می دهد.

دوستان عزیز خواننده همانگونه که پیشتر آوردم ؛ در این مجموعه آنچه به نظرتان می رسد، گردآمده از منابع گوناگون از جمله : خبرگزاری های ایران (ایلنا - ایسنا - مهر- فارس، سایت آفتاب، کلمه، مردمک وسایت سفیر...) وتشکل ها، نهادها وسایت های مستقل مانند : (کمیتة هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران وحومه ، کانون مدافعان حقوق کارگر، وبلاگ دانشجویان مدافع حقوق کارگر، کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری، وبلاگ کارگرفلزکار، خبرنگار، خبرنگار، خبرنگار، سایت میدان زنان، کانون صنفی معلمان تهران، کردستان میدیا، ساوالان سسی، سحام نیوزو غیره) در داخل وهمینطور امکانات خبررسانی های خارج از کشور (تارنمای چشم انداز کارگری- سایت روشنگری- اشتراک - پیام - وبلاگ کارگری راه کارگو غیره ...) وخبرهای دریافتی به ایمیل آدرس هایم فراهم آمده و به نظرتان می رسد.

خوشحال می‌گردم که هر خبر و مطلب و نظر و اصلاح و انتقادات خود را برای مجموعه داشته باشید به همراه خبرهای جدید کارگری به آدرس زیر ارسال دارید .
با تشکر و امتنان

Rooshomar_k@yahoo.com

اخبار کارگری و گزارشات عمومی مربوط به جنبش کارگری ایران در اردیبهشت ماه 89

نمایندگان کارگران ساختمانی سراسر کشور:

چرا بیمه کارگران ساختمانی را اجرا نمی‌کنید

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ اول اردیبهشت 89 آمده است: نمایندگان کارگران ساختمانی سراسر کشور با حضور در محل خانه کارگر تهران و طی نشست خواستار عمل دولت به قول خود مبنی بر تهیه و ابلاغ و اجرای آیین‌نامه بیمه کارگران ساختمانی شدند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، این نمایندگان کارگری تاکید کردند: از دولت آقای احمدی‌نژاد که زیر بار بیمه کارگران ساختمانی آن هم با نرخ حق بیمه 7 درصد رفته است تشکر می‌کنیم اما از وزیر رفاه و مدیرعامل تامین اجتماعی به دلیل عدم اجرای این خواسته گله‌مند هستیم.

آنان با اشاره به دعوت از مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی برای حضور در این نشست گفت: وی نه تنها در این نشست حاضر نشده است بلکه حتی حاضر نشده تا نماینده‌ای از سازمان را هم به این نشست بفرستد.

نمایندگان کارگران ساختمانی سراسر کشور با اشاره به تصویب بودجه 81 میلیارد تومانی بیمه کارگران ساختمانی در دولت اظهار داشت: حتی نامه‌هایی را هم از نمایندگان مجلس به وزیر رفاه و مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی داده‌ایم و خواستار اجرای هرچه سریع‌تر بیمه کارگران ساختمانی شده‌ایم اما خبری از اجرا نیست.

در این نشست نمایندگان کارگران ساختمانی ورامین، تبریز، شمیران، شیراز، قم، زنجان، اهر و خرمدره، تهران، یزد، کرمان، کرمانشاه، ساری، قائمشهر، تبریز، بابلسر، آمل و ری حضور داشتند.
پایان پیام

رییس سازمان بسیج کارگری در نشست خبری:

امنیت شغلی حداقل نیاز یک کارگر است

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ اول اردیبهشت 89 آمده است: رییس سازمان بسیج کارگری گفت: یکی از عوامل اصلی در پیروزی انقلاب اسلامی همین قشر کارگر بودند که با بستن شیرهای نفت و فلج چرخه اقتصادی کشور تاثیر خود را در پیروزی انقلاب نمایان ساختند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، علی سلیمیان در نشستی خبری به منظور تجلیل از شهدای کارگرافزود: شهید عبدالحسین برونسی نماد بسیجیان کارگر است که سالروز شهادت وی 9 اردیبهشت است.

وی با اشاره به تشکیل سازمان بسیج کارگری در سال 87 گفت: این سازمان در خردادماه سال 88 به صورت رسمی کار خود را آغاز کرد.

او تصریح کرد: اگر کار و تلاش، ارزش معنوی پیدا کند عبادت می‌شود.

سلیمیان تاکید کرد: اولین نکته مهم برای کار و کارگر امنیت شغلی است که حداقل نیاز یک کارگر است که اگر این مورد تحقق یابد خلأ و تلاش درمیان کارگران افزایش می‌یابد.

رییس سازمان بسیج کارگری کشور وجدان کاری و انضباط اجتماعی را هم از نکات مهم برای کارگران عنوان کرد و اظهار داشت: بسیج موظف است در مثلث کارگر، کارفرما و دولت نقش آفرینی کند.

این مقام مسوول در سازمان بسیج مستضعفین با بیان اینکه خواستار حذف کارگر و کارفرما نیستیم، گفت: کمک به تدوین قانون، توسعه فرهنگ کار، کمک به اجرای اصل 44 که متناسفانه نقش بسیج کمرنگ دیده شده است، کمک به تحقق منویات رهبری، کمک به رفع مطالبات کارفرمایان از نقش‌های اساسی بسیج کارگری است.

سلیمیان با اشاره به اینکه امروزه دشمن روی بخش کارگری و دانشجویی انگشت گذاشته است، گفت: بسیج باید در این زمینه نقش خود را ایفا کند.

وی تصریح کرد: بسیج کارگری می‌خواهد سرباز صنعت باشد نه سربازان.

او با اشاره به وجود 7/5 میلیون کارگر در کشور گفت: تنها 5 درصد از این افراد تحت پوشش بسیج کارگری هستند که باید سعی شود این رقم افزایش یابد.

رییس سازمان بسیج کارگری کشور از برگزاری مراسم این سازمان در روز 9 اردیبهشت خبر داد و گفت: این مراسم در مشهد مقدس و با حضور وزیرکار، رییس بسیج کشور و کارگران برگزار خواهد شد.

سلیمیان بسیج کارگری را فراجنبی دانست و گفت: اگر لازم باشد حتی با احزاب و تشکلات کارگری هم تعامل خواهیم داشت.

وی در پاسخ به سوال خبرنگار ایلنا مبنی بر اینکه برنامه‌های شما برای تامین امنیت شغلی کارگران

چيست، گفت: جلساتي را با وزارت كار، صنايع و معادن و مجلس دنبال خواهيم كرد كه امنيت شغلي كارگران را نهدينه كنيم. او با انتقاد از قراردادهاي 80 روزه و سفيد امضا گفت: به دنبال پيشنهاد شرايطي به دولت هستيم كه ارزش كارگران حفظ شود. پايان پيام

بازتاب تشديد بحران ناكارآمدي و فساد: شكايات از دستگاههاي دولتي 30 درصد افزايش يافته است

خبرگزاري مهر در اول ارديبهشت 89 گزارش مي دهد: رئيس ديوان عدالت اداري با اشاره به 89 هزار فقره پرونده شكايات از دستگاههاي دولتي در سال 88 گفت: اين آمار نسبت به سال گذشته 30 درصد افزايش يافته كه مي خواهيم رئيس جمهور از جزئيات آن مطلع شود.

به گزارش خبرنگار مهر، حجت الاسلام محمد جعفر منتظري صبح امروز چهارشنبه در اولين جلسه هم انديشي معاونان حقوقی وزارتخانه‌ها، سازمانها و موسسات عمومی با اشاره به آمار 70 هزار فقره پرونده شکوائیه علیه سازمانهای دولتی در سال 87 گفت: این آمار در سال 88 با 30 درصد افزایش به 89 هزار پرونده رسیده است. وی از آمار چهار هزار و 800 نفری شکایات های مردمی از سازمانهای دولتی در 18 روز اول سال 89 خبر داد و گفت: وقتی که در اولین ماه از سال جدید موج شکایات مردمی از سازمانهای دولتی به دیوان عدالت اداری سرازیر می‌شود به این معنی است که امسال بیش از یکصد هزار پرونده شکایت از دولت خواهیم داشت. منتظری در ادامه از تهیه جزوه آمار و نمودار شکایات و موضوعات پرونده‌های شاکیان از دولت خبر داد و افزود: در این جزوه آماري، براساس موضوعات تفکيک شده هر دستگاه، تعداد شکايات ثبت شده است كه ارائه آن به عموم ممنوع است ولی مدیران اجرایی دستگاهها می‌توانند از این جزوه استفاده کنند.

وی افزود: شهرداری با 41 موضوع شکایت، وزارتخانه های ارتباطات 36، جهاد 45، آموزش و پرورش 50، کار و امور اجتماعی 41، اقتصاد و دارایی 44، نیرو 35، بهداشت و درمان 47، امور خارجه 17، اطلاعات 11، مسکن 38، راه و ترابری 41، بازرگانی 30، علوم و تحقیقات 40، فرهنگ و ارشاد 30، دادگستری 25، تعاون 20، وزارت کشور 38، دفاع و پشتیبانی 23 و صنایع 32 و سازمانهای حج و زیارت 19، زندانها 11، تعزیرات 21، انرژی اتمی 12، نظام پزشکی 4، محیط زیست 39، بازرسی کل کشور 3، میراث فرهنگی 17، تامین اجتماعی 47، تربیت بدنی 19، نیروی انتظامی 44، بنیاد شهید 37، بیمه 19، صدا و سیما 15، ریاست جمهوری 14، دیوان محاسبات 13، بانکها 35، هیئت دولت 11، ارتش 34، دیوان عدالت 13، قوه قضائیه 20، سپاه 33 و ثبت اسناد با 38 موضوع شکایت در دیوان عدالت اداری پرونده دارند.

رئيس ديوان عدالت اداري عوامل مهم در افزايش شكايات از دستگاهها و سازمانهاي دولتي را سوء مديريت و جاگزینی رابطه به جای ضابطه در دستگاهها عنوان کرد و افزود: ضعف در سیستم کارشناسی بخشهای دولتي، اجرای ناقص قوانین، سلیقه‌ای عمل کردن مدیران در اجرای قوانین در بخشنامه‌ها، ضعف اعتماد عمومی به برخی از سازمانها، بی توجهی به آراء هیئت عمومی دیوان عدالت اداری و استخدام های غیرکارشناسی و رابطه‌ای از مهمترین عوامل شکایات از سازمانهای دولتی است. وی گفت: متاسفانه هنوز دیوان عدالت اداری نتوانسته است در شهرستانها و استانهای کشور شعبه ایجاد کند و بسیاری از مردم به دلیل دوری راه به پایتخت از شکایت منصرف می‌شوند در غیر این صورت آمار شکایات چندین برابر بود.

منتظری با اشاره به ابلاغ سیاست‌های اداری از سوی مقام معظم رهبری اظهار داشت: تعامل بیشتر دستگاهها، خدمت رسانی برتر، ارتقاء سطح ولایتمندی، اجتناب از برخورد سلیقه‌ای، قانونگرایی و اشاعه فرهنگ قانون مداری از مهمترین موضوعات ابلاغ سیاستهای اداری رهبری است که برای تمام قوا لازم الاجرا است.

وی گفت: یکی از اهداف برگزاری جلسه هم‌اندیشی دیوان عدالت اداری با معاونان حقوقی سازمانهای دولتي، ایجاد تعامل بیشتر برای قانونگرایی و کاهش شکایات مردمی است و اعضای جلسه نباید این روند را نوعی شوخی و یا یک جلسه معمولی تصور کنند.

رئيس ديوان عدالت اداري با اشاره به افزايش روزافزون آمار شكايات مردمی از دولت و ترویج فرهنگ پیگیری مطالبات در جامعه گفت: دیوان عدالت اداری چند راهکار را برای برون رفت از وضعیت موجود ارائه کرده که می‌توان به معرفی نمایندگان ویژه از طرف هر دستگاه به عنوان رابط و پل ارتباطی دیوان و سازمان دولتي، فعال کردن کمیسیونهای تخصصی در دیوان عدالت اداری خارج از وقت اداری، ارجاع به موقع بخشنامه‌ها و آیین نامه‌های روز سازمانها به دیوان و اجرای احکام دیوان اشاره کرد.

حجت الاسلام منتظری با بیان اینکه برخی از دستگاههای دولتی به دلیل مسلط نبودن به مسائل حقوقی و نداشتن کارشناس حقوقی پاسخ‌های غیرکارشناسی به نامه‌ها، اخطاریه‌ها و احکام دیوان صادر می‌کنند، افزود: دستگاهها باید بدانند که هزینه استخدام کارشناس خبره حقوقی بسیار کمتر از هزینه محکومیت دستگاه است. وی گفت: هر دستگاهی که حکم دیوان عدالت اداری را خلاف موازین قانونی احساس کرد می‌تواند شخصاً به بنده مراجعه کند تا آن مشکل رفع شود.

رئيس ديوان عدالت اداري با بیان اینکه سازمانها موظفند ظرف مدت یک ماه به ابلاغیه، اخطار و احکام دیوان عدالت اداری پاسخ دهند، افزود: در صورت بی توجهی به اجرای احکام، دیوان عدالت اداری می‌تواند از اختیارات قانونی خود استفاده کند که در این مورد در سالهای گذشته بسیاری از مسئولان تا مرز اخراج پیش رفته‌اند.

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه قند بردسیر کرمان

به نوشته سایت آژانس ایران خبر در اول اردیبهشت آمده است: روز چهارشنبه 89.2.1 بیش از 50 نفر از کارگران کارخانه قند بردسیر، مقابل کارخانه قند بردسیر تجمع اعتراضی کردند، یکی از کارگران معترض به خبرنگار آژانس ایران خبر گفت: "تا کنون هیچ مسئولی به ما در رابطه با مشکل بیکارشدنمان، سه سال حقوق معوقه مان پاسخ نداده است، اوضاع معیشتی مان بسیار خراب و فاجعه بار است. خانواده های بسیاری از ما از شدت فقر و تنگدستی در حال فروپاشی است، بعضی ها به بیراهه رفته اند. از یک طرف ادعاها و مستضعف پناهی مقامات دولتی گوش فلک را کر کرده و از طرف دیگر فقر و فلاکت ما خانواده هایمان را از هم پاشیده است." لازم به توضیح است که تجمع کارگران از ساعت 0800 تا 1200 مقابل کارخانه ادامه داشت.

90 درصد ساختمانهای تهران نا امن هستند

خبر آنلاین در تاریخ اول اردیبهشت می نویسد: شهرداری تهران و تمامی دستگاه های اجرایی و سیاسی موضوع زلزله را جدی نگرفته اند و اگر فاجعه پیش بیاید همگی مقصرند. تهران شهری است که این روزها بیش از هر زمان دیگری خطر زلزله آن را تهدید می کند. گرچه بسیاری از مردم هنوز از ناامنی خانه هایشان با خبر نیستند. محمد غرضی رییس سازمان نظام مهندسی ایران در این رابطه به خبر گفت: در تهران 90 درصد خانه ها چه نوساز و چه قدیمی غیر استاندارد ساخته شده اند و بعید به نظر می رسد که با زلزله 4 ریشتری هم تهران تخریب نشود چه برسد به زلزله 7 ریشتری. محمد غرضی در ادامه گفت: متأسفانه در ساخت ساختمانها در تهران قانون مقررات ملی رعایت نمی شود و به همین دلیل است که نمی توان در این شهر ساختمان امنی را پیدا کرد. او در ادامه گفت: باید بگویم که شهرداری تهران و تمامی دستگاه های اجرایی و سیاسی این موضوع را جدی نگرفته اند و اگر فاجعه پیش بیاید همگی. متن کامل را اینجا بخوانید

گزارش ماهانه نقض حقوق کارگران / فروردین ماه ۸۹

آنچه در پی می آید حداقل موارد نقض حقوق کارگران در ایران در محدوده زمانی فروردین ماه سال 89 است که توسط مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران گردآوری یا ثبت شده است:

تجمع و اعتراض

تجمع 150 کارگر که هفت ماه است حقوق نگرفته اند: حدود 150 نفر از کارکنان کارخانه سبلان پارچه اردبیل فروردین ماه در اعتراض به عدم پرداخت حقوق هفت ماهشان در مقابل ساختمان استانداری اردبیل تجمع کردند. اعتراض کارگران شرکت صنایع اراک به دلیل عدم پرداخت حقوق: بیش از 150 کارگر شرکت صنایع اراک به دلیل عدم پرداخت حقوق شش ماهه اخیر و معرفی تعدادی از آنها به بیمه بیکاری در آستانه بازنشستگی و اجرا نشدن تعهدات کارفرما معترضند و قصد تجمع در برابر نهاد ریاست جمهوری را دارند. ادامه اعتراض کارکنان تامین اجتماعی به عدم افزایش دستمزدها: اعتراضات جمعی از کارکنان سازمان تامین اجتماعی به دلیل

عدم افزایش دستمزد و عدم پرداخت بخشی از بهره وری و کارانه ادامه دارد. تجمع اعتراض آمیز چهارصد کارگر بارانداز در آبادان: کارگران و نمایندگان 23 شرکت تخلیه و بارگیری فعال در بارانداز شلمچه در مقابل ساختمان مرکزی منطقه آزاد اروند در آبادان و در محل نماز جمعه خرمشهر تجمع اعتراض آمیز برپا کردند. کارگران چینی حمید مقابل اداره کل کارشهر قم تجمع کردند: بیش از 50 نفر از کارگران کارخانه تعطیل شده چینی حمید قم، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود امروز صبح در مقابل در اداره کل کار و امور اجتماعی استان تجمع کردند.

کارگران نساجی بافته ها در مقابل استانداری کرمان تجمع کردند: تعدادی از کارگران نساجی بافته های کرمان به دلیل تعطیلی و عدم پرداخت سنوات در محل استانداری کرمان تجمع کردند. موج اعتراضات کارگری در خوزستان: پس از کارگران شهرداری آبادان، نوشابه خرمشهر و تخلیه و بارگیری خرمشهر در استان خوزستان، کارگران اتوبوسرانی و لوله سازی اهواز هم دست به تجمع اعتراض آمیز زدند و به موج وسیع اعتراضات کارگری در ایران پیوستند.

تجمع اعتراضی 60 تن از کارگران شرکت میلاد اصفهان: صبح روز دوشنبه 30 فروردین ماه، 60 نفر از کارگران شرکت میلاد از توابع مجتمع صنایع قائم رضا در برابر دفتر این مجتمع واقع در سه راه توحید شهر اصفهان تجمع کردند.

دومین تجمع کارگران شرکت میلاد اصفهان برگزار شد: صبح امروز سه شنبه 31 فروردین بار دیگر 60 تن از کارگران شرکت میلاد روبروی دفتر مجتمع صنایع قائم رضا واقع در سه راه توحید شهر اصفهان تجمع کردند.

خطر جانی و شرایط سخت کاری

ادامه کار کارگران یک معدن زغال سنگ در شرایطی بسیار دشوار: کارگران یک معدن زغال سنگ در استان کرمان در شرایط بسیار نامناسبی به کار ادامه می دهند و امنیت جانی ندارند. مصدومیت شدید یکی از کارگران کارخانه ذوب آهن اصفهان در حین کار: هفته گذشته مهدی امیدی، کارگر شرکت تابان نیرو سپاهان در حین انجام تعمیرات در نیروگاه حرارتی کارخانه ذوب آهن اصفهان به علت سقوط

قلاب جرثقیل از ناحیه بینی، فک، گردن و کمر دچار آسیب دیدگی شد.
تعطیلی کارخانه - اخراج

اخراج کارگران و تعطیلی بزرگترین کارخانه نوشابه سازی خاورمیانه؛ کارکنان شرکت تولید نوشابه خرمنوش خرمشهر اخراج شدند و این واحد تولیدی که یکی از بزرگترین خطوط تولید نوشابه در خاورمیانه و ایران محسوب می شود، تعطیل شد.

آغاز اخراج‌ها در شرکت مخابرات پس از تصاحب آن توسط: شرکت مخابرات ایران پس از واگذاری به کنسرسیوم توسعه اعتماد مبین وابسته به شرکتهای زیرمجموعه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تعدیل نیرو در شرکتهای وابسته را آغاز کرده است.

پلمپ شرکت صنعت و معدن فولاد ابرکوه و بیکاری دهها کارگر؛ در پی پلمپ شرکت صنعت و معدن فولاد ابرکوه که با دستور مدیر کل سازمان محیط زیست استان هرمزگان صورت گرفت دهها کارگر و کارمند این شرکت از کار بیکار شدند.

نود درصد کارگران عسلویه اخراج شدند: اخراج های گسترده در عسلویه تعداد کارگران را از ۴۰ هزار نفر در سال ۸۳ به ۴ هزار نفر کاهش داده است.

موج اخراج نیروهای جوان از صندوق پس انداز کارکنان راه آهن: مدیرعامل جدید صندوق پس انداز کارکنان راه آهن در طول سه ماه گذشته تاکنون در دو مرحله 10 نفر از نیروهای جوان خود را تعدیل و از نیروهای بازنشسته به جای آنها استفاده می‌کند.

اخراج گسترده کارگران شرکت های دولتی در شهر اراک: درآستانه روز جهانی کارگر، روز اول ماه مه، وضعیت کارگری در شهر اراک، بزرگترین قطب صنعتی ایران، بحرانی است و شرکت های دولتی در شهر اراک، بسیاری از کارگران خود را اخراج نموده اند.

نیمی از واحدهای صنعتی خیرآباد تعطیل شده است: در اثر رسیدگی نکردن مسوولان حدود 50 درصد واحد صنعتی خیر آباد ورامین تعطیل شده است.

رانندگان معترض اتوبوس حمل و نقل همگانی شهرستان لنجان حقوق دریافت نکردند: در پی 4 ماه تاخیر در پرداخت حقوق رانندگان اتوبوس حمل و نقل همگانی شهرستان لنجان استان اصفهان در اواخر سال گذشته و نامه نگاری 15 تن از رانندگان به فرمانداری شهرستان نماینده شهرستان در مجلس و نیز استانداری در حالی که حقوق سایر رانندگان به طور کامل پرداخت گردید به 15 راننده معترض حقوقی داده نشد.

تعطیلی‌های دامنه‌دار کارخانه‌های چرم مشهد: تعطیلی کارخانه‌های چرم‌سازی در مشهد ادامه دارد و این تعطیلی‌ها موجب بیکار شدن حداقل هزار و پانصد کارگر شده است.

اخراج و بیکاری هزار کارگر در ایلام: علی غیائی یک فعال کارگری در استان ایلام از بحران واحدهای صنعتی خبر داد و گفت: طی سال‌های 87 و 88 تعداد 20 واحد استان تعطیل شده و بیش از هزارکارگر اخراج و بیکار شده‌اند.

بیکاری و عدم امنیت شغلی

کارخانه صنایع فلزی تا پایان فروردین به روی کارگران بسته می شود: به دلیل نبود مواد خام، کارخانه صنایع فلزی شماره یک تهران، تا پایان فروردین ماه تعطیل و درهای آن به روی تمامی کارگران آن که تنها نزدیک به 350 تن از ایشان کارگر رسمی اند؛ بسته خواهد شد

نگرانی نسبت به افزایش بیکاری کارگران در قزوین: بیشتر واحدهای تولیدی استان قزوین تا پایان فروردین ماه تعطیل هستند و کارفرمایان از قبل شروع سال 89 با تمامی کارگران قراردادی تسویه حساب کرده و به آنها گفته بودند که از آغاز سال جدید در سرکار خود حاضر نشوند.

اخراج کارگران در تعطیلات عید نوروز سال‌جاری رشد 70 درصدی داشته است: معاون امور استان‌های خانه‌کارگر معتقد است که اخراج‌ها در تعطیلات عید نوروز سال‌جاری نسبت به سال 87 در استان تهران از رشد 49 درصدی برخوردار است و اگر رقم این آمار را به کل کشور تعمیم دهیم بیش از 50 درصد خواهد بود.

علی رغم وجود 380 کارخانه؛ پنج هزار نفر در کمالشهر کرج بیکار هستند: به رغم وجود 380 کارخانه در کمالشهر بیش از پنج هزار بیکار ثبت نام شده در این منطقه وجود دارد.

سه هزار دویست کارگر در تبریز در معرض بی کاری: شماری از کارخانه‌های تبریز به دلیل مشکلات مالی، سوءمدیریت و بدهی‌های هنگفت به بانک‌ها و پیمانکاران، دست به تعدیل یا اخراج کارکنان خود زده‌اند و ۳۳۰۰ کارگر نیز بر همین اساس در معرض تهدید جدی قرار گرفته اند.

جلوگیری از تجمع

ابهام در پاسخ مسوولین به درخواست رئیس خانه کارگر برای برگزاری راهپیمایی روز جهانی کارگر: رئیس خانه کارگر، برای برگزاری تجمع و راهپیمایی روز کارگر امسال از دولت درخواست مجوز کرده است اما وزارت کار و دولت با این درخواست او موافقت نکرده اند و برگزاری راهپیمایی امسال خانه کارگر در هاله ای از ابهام قرار دارد.

عدم پرداخت حقوق و مزایا

کارگران کارخانه ایران پتو و تهران پتو بیست و شش ماه است که حقوق دریافت نکرده اند: یکی از کارگران کارخانه نیمه تعطیل ایران ترمه و تهران پتو گفت: "کارخانه ای که روزی 3 هزار نفر مستقیم و 20 هزار نفر غیرمستقیم از آن نان می بردند، با وضعیت فعلی در حال نابودی است و کارگران آن بیست و شش ماه است که حقوق و مزایایی دریافت نکرده اند."

سه نفر از اعضای هیئت مدیره زندانی سندیکا هفت تبه آزاد شدند علی نجاتی همچنان در زندان می باشد .

3 نفر از اعضای هیئت مدیره زندانی سندیکا هفت تبه در روز دوشنبه از زندان دزفول آزاد شدند . آقایان فریدون نیکوفرد - قربان علیپور و جلیل احمدی از اعضای آزاد شده سندیکا می باشند
قابل ذکر است علی نجاتی همچنان در زندان می باشد .

1 اردیبهشت

امتناع از اعلام نرخ بیکاری: سایه نگرانی دولت ایران بر روی اول ماه مه

صدای آلمان در تاریخ اول اردیبهشت 89 گزارش می دهد :به نوشته رسانه‌های ایران، همزمان با بالاگرفتن بحران تولید و تشدید معضل بیکاری، دولت نیز از اعلام نرخ بیکاری خودداری می‌کند. در همین حال، ابعاد گسترده‌ی رکود در صنایع ایران حتی در رسانه‌های رسمی نیز بی‌بازتاب نمانده است.
به گفته‌ی بسیاری از دست‌اندرکاران مطبوعات ایران، این رسانه‌ها در ماه‌های اخیر بیش از پیش از بازتاب دادن سخنان انتقادآمیز علیه دولت، چه از سوی بخش‌هایی از حاکمیت و چه از سوی رهبران و فعالان جنبش سبز، منع شده‌اند. یکی از انتقادهای پررنگی که گهگاه حتی از زبان اصول‌گرایان شنیده می‌شود، ارائه آمار و اطلاعات غلط در باره شاخص‌های وضعیت اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور از سوی دولت است. اینک اما این انتقاد مطرح است که دولت در برخی از عرصه‌ها به سکوت آماری و اطلاعاتی روی آورده است تا عدم کارآیی‌اش در زمینه‌های مختلف آشکار نشود.

روزنامه اصول‌گرای "تهران امروز" در شماره روز سه‌شنبه (۳۱ فروردین) خود از عدم اطلاع‌رسانی دولت در باره‌ی نرخ بیکاری در فصل زمستان ۱۳۸۸ و برای کل این سال خبر داده است. تا کنون رسم بر این بوده است که نرخ بیکاری هر فصل سال دو هفته پس از آن فصل اعلام می‌شده است. حال ماه اول سال جدید هم پایان یافته، اما خبری از اعلام نرخ بیکاری در فصل آخر سال گذشته نیست.
«بیگانه با آمار و ارقام»

شماری از کارشناسان انحلال نهادهایی مانند سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در دولت نهم، عدم رعایت اصول اولیه بودجه‌نویسی، نحوه‌ی ارائه آمار و ارقام در طرح هدفمندی‌سازی پارانه‌ها و ارائه ارقام و آمار فله‌ای از سوی رئیس دولت کنونی و وزرای آن را نشانه‌های بارزی از فقدان نگاه علمی و بی‌اعتنایی به مدیریت عقلایی در این دولت می‌دانند. این در حالی است که در پنهان‌نگهداشتن آمار و ارقام مربوط به عمده‌ترین شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی، برملا نشدن ضعف مدیریت و ناکارایی نیز انگیزه‌ای مهم تلقی می‌شود.
در گزارش روزنامه "تهران امروز" گفته می‌شود که نرخ رشد بیکاری در تابستان گذشته برخلاف معمول رو به افزایش گذاشت و مطابق آمارهای رسمی به ۳ / ۱۱ درصد رسید. این رقم در پاییز نیز ادامه یافته است. این در حالی است که طبق برنامه چهارم که سال گذشته به پایان رسید، می‌بایست نرخ بیکاری در ایران به ۴ / ۸ درصد برسد. این که رقم بیکاران کشور در زمستان گذشته تا چه حد از این شاخص دور افتاده، نکته‌ای است که به دلیل عدم اعلام نرخ بیکاری این فصل همچنان در پرده ابهام است.
آمارهایی تردیدآمیز

این نیز هست که بسیاری از کارشناسان مستقل و فعالان بخش خصوصی و کارگری آمارهای رسمی اعلام‌شده را حتی قبل از تشدید بحران تولید در ماه‌های اخیر غیرواقعی می‌دانستند. بنا به ارزیابی این محافل، نرخ واقعی بیکاری در ایران تا ۲۵ درصد هم می‌رسد. به ویژه بحرانی که اینک بخش‌های مختلف تولیدی را فراگرفته مسئله بیکاری را به یک بحران بدل کرده است.

رسانه‌های رسمی و نیمه‌رسمی در ایران در ماه‌های اخیر آمارها و گزارش‌های مختلفی در باره‌ی توقف تولید در کارگاه‌های بزرگ و کوچک دولتی و خصوصی منتشر Bildunterschrift: Gro Ansicht des Bildes mit der توقف فاحش فعالیت‌ها در میدان گازی پارس جنوبی از نمونه‌های بارز تعطیل فعالیت‌های اقتصادی و افزایش بیکاری استکرده‌اند. بنا به همین آمارها، بسیاری از فعالیت‌ها در پروژه‌های عظیم گاز کشور در عسلویه متوقف شده و از ۶۰ هزار نیروی کار مشغول در این منطقه تنها ۴ تا ۶ هزار نفر باقی مانده‌اند.
روزنامه "پول" نیز در شماره ۲۸ فروردین خود از رکود گسترده در شهرک‌های صنعتی استان تهران که یکی از قطب‌های عمده‌ی تولیدی کشور به شمار می‌آید، خبر داده است. به نوشته این روزنامه در حال حاضر ۱۱ شهرک صنعتی در استان تهران وجود دارد: شهرک‌های پرند، شمس آباد، اشتهارد، عباس‌آباد، نصیرآباد، فیروزکوه، علی‌آباد، چرم‌شیر و سالاریه، خوارزمی، نظرآباد و پیشوا. آمارهای رسمی که سایت "شهرک‌های صنعتی استان تهران" منتشر کرده، نشان می‌دهد که ۸۹۰۱ قرارداد در این شهرک‌ها منعقد شده که تنها ۳۵۲۷ واحد آن فعال هستند. در حال حاضر ۵۷ هزار و ۲۷۹ نفر در این شهرک‌ها مشغول به فعالیت‌اند، در حالی که با محاسبه تعداد قراردادهای این تعداد در حال حاضر باید به بیش از ۴۲۰ هزار نفر برسد.
طرحی که بی‌نتیجه ماند

یکی از طرح‌های دولت نهم برای مقابله با بیکاری، به راه انداختن "طرح‌های زودبازده" بود. کارشناسان از همان ابتدا نسبت به نتیجه‌بخش بودن چنین طرح‌هایی نگاهی منفی داشتند و وام‌هایی را که به این گونه طرح‌ها اختصاص می‌یابد، منعی برای فساد و افزایش نقدینگی در جامعه می‌دانستند، بدون آن که پیشرفت چندانی در گسترش تولید و ایجاد اشتغال به وجود آورد. علی‌مظهری، رئیس اداره کار استان تهران، در مورد سهم طرح

بنگاه‌های زودبازده در ایجاد اشتغال در استان تهران، به خبرگزاری فارس می‌گوید: «اداره کار استان تهران برای اجرای طرح‌های بنگاه‌های زودبازده در سال گذشته ۱۶۰ میلیارد تومان اعتبار و سهمیه در اختیار داشت که به همین منظور، نزدیک به ۱۸۰ میلیارد تومان پرونده طرح‌های زودبازده به بانک‌های عامل فرستاده شد.» مظهری افزوده است که در سال گذشته از محل ۱۶۰ میلیارد تومان برای اجرای بنگاه زودبازده تاکنون طرحی به بهره‌برداری و عقد قرارداد نرسیده و اشتغالی ایجاد نشده است. روزنامه "پول" در ادامه گزارش خود می‌نویسد: «بسیاری از واحدهای صنعتی مستقر در شهرک‌های صنعتی تهران با زحمت بسیار به جذب منابع مالی می‌پردازند، اما برخی تحت عنوان بنگاه‌های زودبازده به دریافت زمین در شهرک‌های صنعتی مبادرت کرده و پس از دریافت تسهیلات از وزارت کار، زمین و تاسیسات را نیمه کاره رها کرده و شهرک صنعتی را ترک می‌کنند.» این روزنامه طرح‌های زودبازده را عملاً ورشکسته توصیف می‌کند.

سایه نگرانی دولت بر روی اول ماه مه در پی شکست طرح‌های زودبازده و لاینحل ماندن معضل بیکاری، دولت دهم بدون آن که رسماً به وداع با این طرح‌ها اذعان کند، طرح جدیدی به نام اشتغال خانگی را در دستور بررسی و تصویب دارد که به عقیده کارشناسان، بیگانه با فعل و انفعالات بازار کار ایران و سازوکارهای معطوف به اشتغال واقعی برای جمعیت شدیداً جوان و فعال کشور است.

معضل بیکاری، بحران تولید ناشی از تحریم، سیاست‌گذاری‌های نادرست بانکی و وارداتی و معوق ماندن حقوق بسیاری از کارکنان واحدهای تولیدی روز به روز بخش‌های گسترده‌تری از جامعه‌ی شاغلان ایران را به ورطه خود می‌کشد. شاید دولت با توجه به چنین شرایطی است که همچنان به برگزاری مراسم روز کارگر در اول ماه مه روی خوش نشان نمی‌دهد. در سال‌های گذشته مراسم رسمی برگزاری این روز از سوی نهادهای کارگری نزدیک به حکومت امری عادی و معمولی بود. امسال اما دولت ظاهراً نگران از بروز اعتراض گسترده به شرایط یادشده، با برگزاری این مراسم چندان موافقتی ندارد.

فقط 15 درصد کارگران ساختمانی زنجان بیمه هستند

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 2 اردیبهشت 89 آمده است: نماینده انجمن صنفی کارگران ساختمانی استان زنجان می‌گوید: به دلیل شرایط سخت بیمه‌های خویش فرمایی تنها 15 درصد از کارگران ساختمانی این استان بیمه هستند.

منوچهر صادقیان در گفتگو با خبرنگار ایلنا، گفت: حداقل 35 هزار کارگر ساختمانی در استان زنجان مشغول به کار هستند اما به دلیل مشکل مالی بیشتر آنها نمی‌توانند تعرفه‌های بیمه خویش فرما را پرداخت کنند. این فعال کارگری با بیان اینکه کارگران ساختمانی بابت بیمه خویش فرما باید ماهانه 60 تا 90 هزار تومان پرداخت کنند، گفت: هیچ کارگر ساختمانی درآمد دائمی ندارد چون کار ساختمانی فصلی است و به همین دلیل آنهایی هم که خود را بیمه کرده‌اند نمی‌توانند حق بیمه را سرماه پرداخت کنند.

وی افزود: در حال حاضر تنها چتر حمایتی کارگران ساختمانی حق بیمه‌ای است که توسط کارفرما بابت بیمه کردن محل احداث پروژه پرداخت می‌شود.

وی با بیان اینکه مزایای این بیمه تنها در زمان وقوع حادثه تعلق می‌گیرد، افزود: کارگران ساختمانی نمی‌توانند از این بیمه برای درمان خود و سایر اعضای خانواده استفاده کنند.

به گفته صادقیان، کارگران ساختمانی خواهان آن هستند تا مانند کارگران عادی از مزایای بازنشستگی و خدمات درمانی استفاده کنند.

این فعال کارگری مدعی شد: در حالی بیمه اجباری کارگران ساختمانی متوقف است که تنها 20 درصد کارگاه‌های ساختمانی نکات ایمنی کار رعایت می‌شود.

پایان پیام

عضوکانون شوراهای اسلامی کار محور قدیم کرج:

تشکلهای کارگری در حال نابودی هستند

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 2 اردیبهشت 89 آمده است: نماینده کارگران یخچال‌سازی پویا با تأکید بر اینکه تشکلهای کارگری در حال نابودی هستند، گفت: در حال حاضر واحدهای بسیاری وجود دارد که بیش از 50 کارگر دارند اما در آنها شوراهای اسلامی کار تشکیل نمی‌شود و دولت نیز فشاری بر اجرای این تشکل قانونی به عمل نمی‌آورد.

اکبر قربانی در گفت‌وگو با ایلنا از ظرفیت قابل توجه تشکلهای کارگری در رفع مشکلات واحدهای تولیدی خبر داد و گفت: قانون کار از نماینده کارگر به عنوان ابزار مدیریت در رفع مشکلات و عضو همفکر در اداره بنگاه اقتصادی یاد کرده است اما در عمل شاهد آن هستیم که نماینده کارگر هیچ ارزشی در واحدهای تولیدی و خدماتی ندارد و نه تنها کارفرمایان رغبتی به تعیین نماینده کارگر یا تشکل کارگری نشان نمی‌دهند بلکه وزارت کار نیز تلاش برای انتخابات در واحدها به عمل نمی‌آورد.

وی از واحدهای بزرگی همچون ایران خودرو و سایپا یاد می‌کند و می‌گوید: در این واحدها تشکل کارگری وجود ندارد و دولت نیز اقدامی برای شکل‌گیری تشکل کارگری در این واحدها به عمل نمی‌آورد.

قربانی با تأکید بر اینکه عرصه روابط کار در قالب سه جانبه‌گرایی تعریف شده است، گفت: امروزه بحث اصلاح قانون کار از سوی وزارت کار مطرح، پیگیری و به نفع کارفرمایان اجرایی می‌شود سواک من از وزارت کار این است که نقش تشکل کارگری در این تصمیم‌گیری‌ها کجاست و چرا نظر کارگران در این اصلاح لحاظ نشده است. وی با تأکید بر اینکه اصلاح قانون کار باعث شد می‌شود گفت: سه جانبه‌گرایی باید به نفع اشتغال تمام شود اما هرگز چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد.

قربانی با طرح این پرسش که در صندوق تأمین اجتماعی جایگاه کارگران کجاست گفت: نماینده کارگر در کجای

سازمان قرارداد، امروزه کسانی در شورای تامین اجتماعی هستند که کمتر از کارگران حق اظهار نظر دارند اما بیشتر تاثیر می‌گذارند و نظر می‌دهند.

وی با اعلام اینکه در بحث سخت و زیان آور نمایندگان کارگر مطیع هستند گفت: روند اجرای سخت و زیان آور نشان می‌دهد که نمایندگان کارگر هیچ تاثیری در سرعت بخشیدن به این مصوبه قانونی ندارند زیرا این قانون به نفع کارگران یعنی صاحبان اصلی سازمان تامین اجتماعی است.

این نماینده کارگری با تاکید بر اینکه اگر تشکلات کارگری قوی باشد، از آنان حمایت شود، گفت: اگر به تشکلات کارگری بها نمی‌دهند دلیلی وجود ندارد که کارگران را عامل بحران بدانند و مانع تشکیل شورای اسلامی کار شوند.

قربانی با اعلام اینکه منطق حال حاضر عرصه‌های تولید، زاید بودن کارگران است، گفت: امروزه دولت و کارفرما در صدد هستند تا کارگران همچون یک ابزار مطرح شود و نقش وی را در مدیریت و اداره بنگاه اقتصادی از بین ببرند.

پایان پیام

گله‌مندی رییس مجلس از کندي اجرای قوانین مربوط به وزارت رفاه

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 2 اردیبهشت 89 آمده است: در حالی که برخی منابع خبری از حل اختلافات وزیر رفاه و مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی در جلسه ای با حضور رییس جمهور خبر می‌دهند اما نایب رییس کمیسیون اجتماعی مجلس می‌گوید که از این موضوع اطلاعی ندارد.

هادی مقدسی در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا افزود: مجلس فقط می‌تواند قانونگذاری کند و مسوولیت اجرای قوانین با مجریان و دولتمردان است.

نماینده بروجرد در مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: به زعم مجلس مسوولیت وزارت رفاه و سازمان های تابعه با وزیر است بنابراین در صورت وجود هرگونه موضوعی وزیر باید پاسخگو باشد.

نایب رییس کمیسیون اجتماعی مجلس خاطرنشان کرد: شاید هم یکی از راههای سروسامان دادن به اوضاع نابه سامان تامین اجتماعی توافق وزیر رفاه با مدیرعامل تامین اجتماعی باشد.

مقدسی گفت: بر اساس قانون، هیات امنای سازمان تامین اجتماعی هیات مدیره این سازمان را معرفی خواهد کرد و هیات مدیره نیز مدیرعامل تامین اجتماعی را معرفی خواهد نمود.

وی با تاکید بر اینکه وضعیت فعلی تامین اجتماعی مناسب نیست و علاوه بر آن مدیریت ارشد این سازمان نیز بلاتکلیف است، خاطرنشان کرد: احتمال دارد دیدار اخیر رییس مجلس با وزیر رفاه راجب به حل این مسایل باشد.

او افزود: بحث تحقیق و تفحص از سازمان تامین اجتماعی و کندي اجرای قوانین مربوطه به وزارت رفاه از جمله دیگر مواردی می‌تواند باشد که مورد مذاکره وزیر رفاه و رییس مجلس قرار گرفته است.

مقدسی در پاسخ به این سوال که آیا شایعه استیضاح وزیر رفاه صحت دارد یا خیر؟ اظهار داشت: وزیر رفاه ایده های خوبی برای حل مشکلات سازمان های تحت پوشش خود دارد بنابراین فکر نمی‌کنم که موضوع استیضاح مدنظر باشد.

پایان پیام

گزارشی از وضعیت فاجعه بار صنایع نساجی: تامین 70 تا 90 درصد کالاهای این صنعت از قاچاق تامین میشود/ از 83 واحد پتوسازی تنها 3 واحد فعالند.

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 2 اردیبهشت 89 آمده است: رکود حاکم بر فضای کسب و کار و واردات قاچاق محصولات نساجی و پوشاک موجب شده است تا تولیدکنندگان این بخش با مشکلات بسیاری برای ادامه فعالیت مواجه باشند. از سوی دیگر، بسیاری از وعده‌های مسئولان برای کمک به این صنایع هنوز محقق نشده است.

باتوجه به رکود حاکم بر اقتصاد جهانی و فضای نامساعد کسب و کار در کشور، صنایع نساجی و پوشاک نیز در مقایسه با سال 87 با رکود چشمگیری مواجه شده‌اند. کاهش تقاضا برای محصولات نساجی و پوشاک، کمبود نقدینگی، وجود برخی تنش‌های سیاسی و واردات بی‌رویه در کساد بازار صنایع نساجی و پوشاک تأثیر داشته است.

کاهش ظرفیت تولید این واحدها ابتدای سال گذشته، تعطیلی و تعدیل نیروی کار بیانگر شرایط حاکم بر این بخش است، گرچه از نیمه دوم سال شرایط تا حدودی بهبود یافته است؛ چرا که نیمه دوم سال نیمه کاری و رونق این صنایع به‌ویژه در بخش پوشاک است.

با وقوع بحران اقتصادی، کارگروه حمایت از تولید در وزارت صنایع و معادن تشکیل و مصوباتی در جهت حمایت از صنایع مختلف داشت اما این مصوبات هیچ اثر یا نتیجه مثبتی در بخش نساجی و پوشاک نداشت.

با این شرایط، وزارت صنایع و معادن حتی از پرداخت مطالبات معوقه واحدهای نساجی و پوشاک نیز خودداری کرده است. پرداخت نشدن مطالبات معوق ارزهای تشویقی در شرایط نابسامان کنونی تولید با وجود برپایی جلسات متعدد به مشکل کمبود نقدینگی این واحدها دامن زده است.

حدود 70 تا 90 درصد کالاهای صنایع نساجی از طریق قاچاق تامین می‌شود و با این روند تغییر تعرفه تأثیری در این زمینه ندارد. آمارهای غیررسمی از واردات حدود 23 میلیارد دلار کالای قاچاق به کشور در سال گذشته حکایت دارد که 40 تا 50 درصد آن منسوجات و پوشاک بوده و تولید داخل را از پا انداخته است. به دلیل قیمت تمام شده بالا، منسوجات تولید داخل قادر به رقابت با کالاهای ارزان قیمت چینی نیست.

گرچه ظرفیت فعال تولید صنایع نساجی و پوشاک در بخش‌های مختلف متفاوت است اما وضعیت در بخش تولید پتو به دلیل واردات بی‌رویه بسیار نامطلوب بوده و از 83 واحد فعال در این بخش تنها 3 واحد فعالیت می‌کنند. در بخش ریسندگی وضعیت مناسب نیست و در بخش پوشاک نیز نسبت به سال 87 تنها 60 درصد ظرفیت این

واحدها فعال بوده و کاهش 40 درصدی ظرفیت نسبت به سال گذشته را شاهد هستیم. با وجود این در زمینه فرش ماشینی هنوز شرایط چندان بگرنج نیست.

از سوی دیگر اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها بدون اعمال تغییر در سیاست تثبیت نرخ ارز ممکن است به وخیم‌تر شدن اوضاع صادرکنندگان صنعت نساجی و پوشاک کشور منجر شود.

در پیش گرفتن سیاست تثبیت نرخ ارز طی چند سال گذشته لطامات زیادی را به صادرکنندگان نساجی و پوشاک زده و اگر قرار باشد پس از اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها نرخ ارز همچنان ثابت بماند، صادرکنندگان محصولات نساجی و پوشاک با مشکلات بیشتری مواجه خواهند شد.

بر اساس پیش‌بینی‌های موجود بعد از اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها هزینه‌های تولید در کشور به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش خواهد یافت، دولت اعلام کرده که قرار است حدود 30 درصد از درآمد حاصل از اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها به بخش صنعت و تولید اختصاص یابد، اما هنوز مکانیزم تخصیص این درآمد به صنعتگران و تولیدکنندگان اعلام نشده است.

با آزاد شدن قیمت حامل‌های انرژی به طور طبیعی هزینه‌های تولید در کشور افزایش یافته و بخش صنعت و تولید با مشکلات زیادی روبرو خواهد شد که این مشکلات به طور طبیعی به بخش صادرات صنعتی نیز منتقل خواهد شد.

در صورتی که سهم 30 درصدی بخش صنعت از درآمد حاصل از اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها به تولیدکنندگان و صنعتگران به صورت واقعی اختصاص نیابد، این درآمد به عاملی ضد تولید تبدیل شده و بار زیادی را روی دوش صنعتگران می‌گذارد.

بحران مالی و رکود مربوط به اواخر سال 87 تاثیر منفی خود را در سال گذشته بر صادرکنندگان نساجی و پوشاک کشور گذاشت به گونه‌ای که صنعت نساجی و پوشاک کشور در مقطعی با افزایش چشمگیر قیمت مواد اولیه مواجه شد که این موضوع باعث افزایش هزینه‌های تولید در صنعت نساجی و در نتیجه کاهش رقابت‌پذیری تولیدکنندگان داخلی شده است.

در این خصوص حتی برخی از فعالان بازار معتقدند که صنعت نساجی ایران با وجود حمایت‌های گسترده دولت از جمله اعطای وام‌های کم بهره از محل حساب ذخیره ارزی، همچنان درگیر معضلات و مشکلات پرشماری است. گفته می‌شود استمرار بحران‌های این صنعت، می‌رود تا یکی از کهن‌ترین رشته‌های صنعتی فلات دیرپای ایران از مدار توجیه اقتصادی و مزیت‌سنجی خارج کند.

آنچه مسلم است، وضعیت امروز صنعت نساجی کشور بیش از سال‌های ابتدایی دهه 80 شمسی نیاز به ممارست و حمایت دولت دارد، چرا که در صورت قطع حمایت دولت یا تغییر زاویه نگاه آن، همه رشته‌های حمایتی گذشته پنبه خواهد شد.

البته در بررسی کارنامه عملکرد گذشته صنعت نساجی کشور، به نقاط درخشانی برمی‌خوریم که حاکی از وجود توانمندی‌ها و قابلیت‌های فراوان این صنعت است. اما توفیق در برنامه‌های صادراتی و کسب سهم مطلوب از بازارهای مصرف جهانی، آن هم در شرایط پرقابلیت امروز اقتصاد جهان، جز با تدوین و طراحی راهبردی و برقراری امنیت اقتصادی در مسیر تولید به صادرات، میسر نخواهد بود.

برخی کارشناسان البته راهکار پیش روی این صنعت را نکات قابل توجهی بر می‌شمارند که در این میان، یکی از عملی‌ترین راهبردهای خارج شدن صنعت نیمه جان نساجی از وضعیت "کمایی" است که هم اکنون به آن دچار شده است.

تولید نهایی و حصول کالای قابل مصرف، همواره بیش از تولید کالای خام و فرآوری نشده، حاوی ارزش افزوده اقتصادی است با این اصل می‌توان "منسوج نیافته" حاصل از عملیات نساجی را کالایی خام و عمل‌آوری نشده محسوب کرد که فرآوری و منتج شدن آن به تولید "البسه و پوشاک"، می‌تواند تولید کالای مصرفی نهایی و سرشار از ارزش افزوده و انتفاع اقتصادی قلمداد شود، در حالی که در صنعت نساجی ایران همواره تولید پارچه، نماینده کل صنعت بوده و جای خالی بخش پر ارزش پوشاک در بررسی قابلیت‌های این صنعت پرمزیت، خالی مانده است.

شاید به همین دلیل است که بسیاری از افراد، با اتکا به آمار و داده‌های پردازش نشده، صنعت نساجی کشورمان را فاقد توجیه اقتصادی لازم برای تداوم حمایت‌های دولت می‌دانند. حال آن‌که، این صنعت را اگر متصل به صنعت پوشاک بدانیم و آن را تنها تولید پارچه محسوب نکنیم، بسیار بیش از برخی رشته‌های مشمول حمایت دولت، ارزش اقتصادی دارد.

پای صحبت قدیمی‌های صنعت نساجی که بنشینیم، حرف و حدیث‌های جذابی از ایرانی بودن پارچه‌های فلان برند لباس و تن‌پوش مشهور و معروف اروپایی دارند. این گفته‌ها هیچ‌یک گرافه نیست. اما این واقعیت‌ها گویا در لابه‌لای تصمیم‌گیری‌ها و نظرات کارشناسی، مغفول مانده است و همین غفلت پرهزینه، برنامه‌های حمایتی و توسعه‌ای از صنعت نساجی را به جایی سوق داده که اتصال حیاتی آن با صنعت پوشاک، نادیده انگاشته شده و این مسأله، کل صنعت نساجی را به سراشیبی سقوط فاجعه باری کشانده است. اما واقعیت این است که هنوز هم امکان نجات صنعت نساجی از طریق اتصال عملی آن به صنعت پوشاک و اجرای برنامه‌های پر قدرت صادراتی وجود دارد.

ایران روزگاری نه چندان دور، شهره صنعت نساجی جهان بود و پارچه لباس ایرانی، افتخار قامت و مایه فخر و مباحات مصرف‌کنندگان آن در چهار سوی عالم به حساب می‌آمد.

نگاهی به کارنامه بزرگان فعلی صنعت نساجی و پوشاک جهان نشان می‌دهد که درست در همان دوره‌ای که آنها سعی داشتند به هر شکل ممکن، صنعت تولید پارچه را با صنعت پوشاک خود هماهنگ و هم‌نوا کنند، ما دیوار بلندی میان این دو صنعت ایجاد کردیم و با توجیه فرسودگی ماشین‌آلات نساجی، پارچه نامرغوب تولید ایران را دلیل و برهان رواج پارچه خارجی در صنعت پوشاک کشور دانستیم. درست در همان زمانی که ترکیه و

چین سعی در کاهش هزینه‌های تولید صنعتی داشتند، در ایران به دلیل شیوع يك بیماری اقتصادی هولناك، هزینه تولید هر روز سر به تریا می‌کشید و واحدهای صنعتی نساجی یکی پس از دیگری به مغاك خاك درمی‌افتادند.

از این دست دلایل و عوامل، بسیار است، ولی هدف این است که راهبردی قابل عمل برای خروج نساجی ایران از بحران فعلی به مدیران و برنامه‌ریزان کشور پیشنهاد کنیم. این راهبرد که باید به سرعت و با مطالعه و سنجش به اجرا درآید، هماهنگی و همدلی طیف وسیعی از فعالان و سازمان‌های مرتبط با صنعت نساجی و پوشاك را می‌طلبد.

گزارش: نرگس رسولی

بیانیه گروهی از دانشجویان تهران و لرستان در حمایت از کارگران و روز جهانی کارگر

سایت اصلاح طلب جرس در 2 اردیبهشت 89 می‌نویسد: گروهی از دانشجویان و فعالان دانشجویی دانشگاه‌های تهران و آزاد خرم آباد، ضمن ابراز احترام به فعالان کارگری محبوس و اعلام همدردی با کارگران سراسر کشور، که در وضعیت بد اقتصادی و معیشتی قرار داشته و قربانی عملکرد نامطلوب و ناخردانه حاکمیت می‌باشند، روز جهانی کارگر (اول ماه مه) را روز همراهی و "همبستگی با کارگران زحمتکش و استعمار شده کشور" اعلام کردند.

به گزارش جرس درآستانه یازدهم اردیبهشت، روز جهانی کارگر، جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران، با انتشار بیانیه ای حمایتی از کارگران کشور، به بیان وضعیت امروز جامعه کارگری کشور پرداخته و خاطرنشان کردند:

"آری در چنین نظام ...، به خوبی میتوان فهمید که چرا باید کارگران محروم میهنمان، با حقوقی کمتر از -۲۵۰۰۰ ۳۰۰ هزار تومان (در ماکزیمم و حقوق رسمی) به کار بپردازند، در حالی که زیر خط فقر را خود دولت ۸۰۰-

۹۰۰ هزار تومان در ماه اعلام کرده است. همچنین به دلیل سیاستهای غارتگرانه کنونی، روز به روز کارخانه های تولیدی بیشتر از روز قبل به تعطیلی کشانده میشوند و کارگران متعاقبا با پول اندکی بازخرد شده و یا به ساده ترین بهانه ها اخراج میشوند. از آغاز سال گذشته تا کنون نزدیک به ۶۵۰ کارگاه و کارخانه تولیدی به تعطیلی کشانده شده و نزدیک به ۴۰۰ هزار کارگر از کار برکنار یا بازخرد و یا اخراج شده اند."

دانشجویان دانشگاه آزاد خرم آباد نیز، طی بیانیه ای تحلیلی پیرامون وضعیت جامعه کارگری ایران و آنچه طی سالیان متمادی بر آنها رفته و "حق مسلم آنان به هیچ گرفته شده و پاسخ آنها با اخراج و توهین و در نهایت بازداشت و زندان داده شده"، از زندانی سیاسی، منصور اسانلو، بعنوان یکی از قهرمانان جامعه کارگری که "بخاطر اعاده حقوق همکارانش و کارگران سراسر کشور به عنوان نماینده کارگران به شکنجه گاه برده شد و هنوز هم متأسفانه در اسارت بسر میبرد"، با احترام یاد کردند.

این دانشجویان با بیان این نکته که "وضعیت ما دانشجویان و کارگران محروم میهن شباهت های زیادی به یکدیگر دارد"، وضعیت اقتصادی استان لرستان که "رتبه اسف بار اول بیکاری در کشور را کسب کرده" تشریح کرده و خاطرنشان نمودند: "...امروز کارگران و دانشجویان در مسیری قرار گرفته اند که میتوانند در همبستگی و وحدت بیشتر این مسیر را با سر بلندی و پیروزی به انتها برسانند و اگر کارگران میهن، این حقیقت را در یابند که ما دانشجویان پشتوانه قوی برای آنان محسوب می شویم و فریاد ما با آنها یکی است، با دلگرمی بیشتری خواسته هایشان را طلب خواهند کرد و دستانشان را به ما پیوند می زنند."

دانشجویان متذکر شدند "ضمن تبریک به مناسبت روز جهانی کارگر ما دانشجویان اعلام می داریم که: ما نیز همراه کارگران غیرتمندان در روز کارگر به خیابانها خواهیم آمد و با تجمع اعتراض آمیز خود و حضور پرشور خود در تاریخ ۱۱ اردیبهشت در مقابل استانداری لرستان واقع در چهار راه بانک ساعت ۹ صبح فریاد آزادیخواه مان و حقوق مسلم خویش را طلب خواهیم کرد."

بنا بر گزارشات رسیده وزارت کار و دولت با این درخواست او موافقت نکرده اند و برگزاری راهپیمایی امسال خانه کار گر در هاله ای از ابهام قرار دارد.

قرارداد کارگران شرکتي در بلا تکلیفی

خبرگزاری جام جم پنجشنبه 02 اردیبهشت 1389 نوشته است: باوجود برنامه‌های اعلامی و وعده‌هایی که داده شده است، هنوز بخش عمده‌ای از «کارگران شرکتي» نتوانسته‌اند با بهبود وضعیت خود به خبرگزاری ها در کارگران قراردادی تبدیل شوند.

براساس این گزارش، کارگران شرکتي بخش عمده‌ای از معضل کارگران را تشکیل می‌دهند. این کارگران بیشتر در شرکت‌های پیمانکاری و پیمانکاری خدماتی به کار گرفته می‌شوند یا اصولاً فاقد قرارداد کار هستند و به طور غیرقانونی و بدون برخورداری از هرگونه تسهیلات قانونی همچون بیمه، بن و سایر مزایا کار می‌کنند یا دارای قراردادهای ناقص و دستکاری شده هستند که در مقایسه با استانداردهای قانونی از سطح پرداخت بسیار کمتری برخوردار است.

به گزارش جام جم آنلاین، با تغییر جهت اقتصاد کشور به سوی خصوصی‌سازی و واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی، معضل کارگران شرکتی نمود بیشتری یافته و جمع جدیدی به گروه کارگران قرارداد موقت و بلا تکلیف که امنیت حداقلی شغلی ندارند، اضافه شده است.

دولت و شخص رئیس جمهور بارها به تبدیل وضعیت استخدامی کارگران شرکتی تاکید کرده‌اند و مصوبات و بخشنامه‌هایی نیز از سوی وزارت کار و امور اجتماعی در این باره صادر شده اما ظاهراً این مشکل همچنان بر جای خود باقی است.

سیروس برنا بلداجی، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس نیز به خبرنگار ما گفت: مشکل کارگران شرکتی مصوبه و بخشنامه نیست، بلکه مشکل اجراست.

وی افزود: ما در کمیسیون، بحث‌های متعددی درباره تعیین وضعیت کارگران شرکتی داشته‌ایم و دیدیم که دولت بارها بر استخدام و قراردادی شدن آنها تاکید داشته، پس دولت کارش را انجام داده؛ اما ضعف در نظارت و اجراست.

دعوت به اعتصاب غذای سراسری معلمان در ایران

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران با صدور بیانیه‌ای از اعتصاب غذای یک‌هفته‌ای جمعی از فعالان صنفی در اعتراض به «احکام غیرقانونی اعدام و حبس» صادر شده برای معلمان خبر داد. این بیانیه با اعلام این که اعضای شورای مرکزی کانون معلمان و فعالان صنفی در روزهای ۱۲ تا ۱۸ اردیبهشت جاری اعتصاب غذا خواهند کرد، از «تمامی» معلمان ایران خواست که در روز ۱۲ اردیبهشت، هم‌زمان با روز معلم در ایران به این اعتصاب غذا بپیوندند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران، در این بیانیه همچنین خواستار «آزادی سریع و بی‌قید و شرط» همه فرهنگیان زندانی، صدور منع تعقیب قضایی و لغو کلیه احکام اداری و قضایی برای «فرهنگیان منتقد» شده است.

معلمان امضاکننده این بیانیه از دولت خواسته‌اند با اختصاص بخشی از درآمدهای نفتی و گازی امکانات «لازم و در حد استاندارد» را برای مدارس دولتی فراهم کند. این بیانیه همچنین خواستار پرهیز از هر گونه رفتار «جناحی، خطی و سیاست‌بازی» در تألیف کتب درسی و معیار قرار دادن نظر متخصصان شده است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران، خواستار «آزادی سریع و بی‌قید و شرط» همه فرهنگیان زندانی و لغو کلیه احکام اداری و قضایی برای «فرهنگیان منتقد» شده است

رفع «فضای امنیتی» از مدارس و ادارات آموزش و پرورش، تأمین امنیت شغلی فرهنگیان، پرهیز از «مخبرپروری» در فضای کلاس و مدرسه و اجتناب از پرونده‌سازی برای فرهنگیان «منتقد» از دیگر مطالبات اعلام شده در این بیانیه است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران می‌گوید هر معلمی که در ایران اقدام به راهپیمایی، گردهمایی، طرح نقد و نظر و اندیشه‌های خود در حوزه آموزش و پرورش و بیان مسائل و مشکلات و تنگناهای شغلی خود کند، به «مجازات‌های فراقانونی» محکوم شده و «دادش به جایی نخواهد رسید». در بخشی از این بیانیه آمده است: «از آنجا که برخی ایران را «آزادترین کشور جهان خوانده‌اند که در آن آزادی نزدیک به مطلق است» باید به این سوال پاسخ دهند که چرا دلسوزترین و صادق‌ترین معلمان کشور صرفاً به خاطر انتقاد از وضع موجود، با احکامی چون اعدام، حبس، تعلیق، اخراج، تبعید، بازخرد، بازنشستگی اجباری، تنزل رتبه شغلی و محرومیت از تدریس مواجه می‌شوند».

این بیانیه ادامه داده است: «فرهنگیان می‌خواهند بدانند امثال بدافی‌ها، خواستارها، داوری‌ها و مومنی‌ها چه جرمی مرتکب شده‌اند که باید بدون محکومیت، ماه‌ها حبس در شرایط نامناسب را تحمل کنند، حقوق‌شان قطع و فرزندان خردسال‌شان در سختی، مضیقه مادی، ناامنی، ناامیدی و سراسیمگی زندگی کنند».

صادرکنندگان این بیانیه با اعتراض به صدور حکم اعدام برای معلمان همچون فرزاد کمانگر و قنبری، نسبت به پیامدهای آن به «مدیران و گردانندگان چنین سیاست‌هایی» این‌گونه هشدار داده‌اند که «این اعمال به هیچ روی نه دردی از شما دوا می‌کند و نه در شأن نام جمهوری اسلامی است».

رفع «فضای امنیتی» از مدارس، تأمین امنیت شغلی فرهنگیان و پرهیز از «مخبرپروری» در فضای کلاس و مدرسه از دیگر مطالبات اعلام شده در این بیانیه است

گردهمایی بر مزار ابوالحسن خانعلی در تهران و مرتضی مطهری در قم در روز ۱۲ اردیبهشت از دیگر برنامه‌های تدارک شده برای روز معلم امسال است، که در این بیانیه اعلام شده است.

ابوالحسن خانعلی، دبیر فلسفه و عربی دبیرستان جامی تهران بود که سال ۱۳۴۰ در تظاهرات اعتراضی معلمان در میدان بهارستان تهران از سوی نیروهای امنیتی حکومت پهلوی کشته شد. وی در گورستان ابن بابویه شهرری دفن شده است.

مرتضی مطهری، از روحانیون سرشناس و استاد دانشگاه تهران بود که پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ به ریاست شورای انقلاب منصوب شد. وی ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ هدف گلوله یکی از افراد گروه فرقان قرار گرفت و جان باخت. پس از کشته شدن وی روز ۱۲ اردیبهشت به یاد او روز معلم نامگذاری شد.

گزارش مجله تایم

"رهبران ایران رکود شدید اقتصادی را پنهان می‌کنند"

به نقل از سایت مردمک آمده است: مجله تایم در گزارشی به اعتراضات کارگری و تشویش حاکم بر فضای اقتصاد ایران پرداخته است؛ اعتراضاتی که پس از انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۸۸ شکل گرفت. تایم در این گزارش نوشت: «اگرچه رژیم ایران اخبار مربوط به این ناآرامی‌ها را منعکس نمی‌کند و در تلاش است تا فضا را آرام جلوه دهد، اما هر هفته منابع خبری غیررسمی در ایران از بروز بحران‌های کارگری جدیدی خبر می‌دهند».

براساس گزارش تایم، طی ماه‌های گذشته موارد متعددی از اعتراضات کارگری در شهرهای بزرگی چون شیراز و اصفهان شکل گرفته است. در شیراز کارگران برخی از واحدهای تولیدی به دلیل دریافت نکردن حقوق ۱۳ ماه گذشته خود، سه روز متوالی دست به اعتراض زدند.

این درحالی است که به نوشته تایم، سه واحد صنعتی بزرگ در شیراز تنها با ۲۰ تا ۳۰ درصد ظرفیت خود فعال هستند و در چند ماه گذشته افزون بر دو هزار کارگر خود را اخراج کرده‌اند.

در اصفهان نیز ۲۰۰ کارگر یک واحد تولیدی خصوصی حتی در آستانه عید نوروز نیز موفق به وصول هفت ماه حقوق معوق خود نشدند.

در استان گلستان و شهرستان گرگان نیز کارگران بخش معدن شش ماه است که حقوق نگرفته‌اند. تایم براساس گزارش یک منبع غیردولتی نوشت که این کارگران با توجه به شرایط سخت کار حتی از حداقل بیمه سلامتی برای کار در معدن برخوردار نیستند.

یک موسسه غیردولتی در تشریح وضعیت صنعت ایران گفته است که توان بخش صنعت ایران در آستانه افول است و با پنج میلیارد دلار بدهی دست و پنجه نرم می‌کند.

مجله تایم همچنین به نقل از سخنگوی سندیکای صنعت برق نوشته که بیش از ۹۰۰ هزار کارگر بخش انرژی و نفت بیکار شده‌اند و بسیاری از واحدهای تولیدی در آستانه ورشکستگی قرار دارند.

اگرچه رسانه‌های محدود فعال در حوزه کارگری و حقوق بشر از ایران گزارش‌های مشابهی را درباره بحران‌های کارگری منتشر می‌کنند، اما خبرگزاری‌های رسمی تلاش می‌کنند همچون محمود احمدی‌نژاد، فضای اقتصاد ایران را آرام نشان دهند.

تایم در گزارش خود درباره نرخ رشد اقتصادی به نقل از روزنامه دنیای اقتصاد می‌نویسد که محمود احمدی‌نژاد در پاسخ به خبرنگاری که درباره حذف ارزش تولید ناخالص ملی از گزارش بانک مرکزی در سه ماهه چهارم سال پرسیده بود، بی توجه به اهمیت موضوع تنها به تخمین نرخ رشد اقتصادی بسنده کرد و آن را ۶.۹ درصد اعلام کرد.

آمار نشان می‌دهد که رشد اقتصادی در نیمه نخست سال ۲۰۰۹ معادل ۲.۵ درصد گزارش شده است. این درحالی است که نرخ رشد اقتصادی ایران براساس برنامه چهارم توسعه هشت درصد در سال برآورد شده است.

هرچند به نظر می‌رسد منبع آمار منتشر شده درباره رشد اقتصادی در سه ماهه چهارم سال شناخته شده نیست، اما ارقامی که ارتباط نزدیکی با شاخص‌های رشد دارد از جمله میزان سرمایه گذاری خارجی و صدور مجوز برای پروژه‌های جدید عمرانی، کاهش دو رقمی را نشان می‌دهد.

گزارش مجله تایم تأکید می‌کند که نرخ بیکاری در ایران به رقم ۱۱.۲ درصد رسیده است و شمار بیکاران در رده سنی ۱۵ تا ۲۴ سال هم ۲۴ درصد رشد کرده است.

نرخ واقعی بیکاری روشن نیست و به نظر می‌رسد تفاوت زیادی میان نرخ بیکاری واقعی و ارقام اعلام شده از سوی منابع رسمی وجود دارد.

مجله تایم دلیل تفاوت این ارقام را ثبت نام نشدن کل افراد بیکار کشور در وزارت کار می‌داند.

نشستن زن و مردحتی محارم کنار یکدیگر ممنوع!

سایت پارسینه در تاریخ ۲ اردیبهشت ۸۹ می‌نویسد: اخیراً شرایط گرفتن مجوز برای دایر نمودن سالن اینترنت حضوری (کافی نت) در مشهد افزایش یافته است که برخی از این شروط قابل توجه و حتی عجیب است. موجب اعتراض برخی کافی نت داران مشهدی نیز شده است. متن کامل این شرایط از این قرار است:

1_ متقاضی باید دارای حداقل 30 سال سن و متاهل باشد.

- 2_ دارا بودن گواهی پایان دوره ICDL از مراکز معتبر یا تحصیلات مرتبط با رایانه ، شبکه و اینترنت و یا تایید کمیسیون فنی اتحادیه.
- 3_ نصب دوربین مدار بسته (مشخصات فنی دوربین توسط اتحادیه پس از اخذ تاییدیه از کمیته تخصصی تعیین خواهد شد)
- 4_ واحد صنفی باید در حاشیه خیابان باشد.
- 5_ واحد صنفی داخل پاساژ نباشد.
- 6_ واحد صنفی داخل طبقه نباشد.
- 7_ واحد صنفی نزدیک مراکز آموزشی دخترانه نباشد
- 8_ واحد صنفی کاملاً آکوارיום و دارای شیشه بیرنگ باشد به طوری که داخل واحد صنفی از بیرون کاملاً قابل رویت باشد.
- 9_ چسباندن هر نوع پوستر یا کشیدن پرده یا حصیر که باعث شود داخل مغازه از بیرون قابل رویت نباشد ممنوع است.
- 10_ نشستن زن و مرد حتی محارم کنار یکدیگر ممنوع است.
- 11_ از گذاشتن نام خارجی و اصطلاحات بیگانه جهت واحد صنفی جدا خودداری نمایید. جهت انتخاب نام با دبیرخانه هماهنگی نمایید.
- 12_ داشتن کپسول ضد حریق و جعبه کمک های اولیه الزامی است .
- 13_ ساعت ورود و خروج مراجعان باید در دفتر مخصوصی ثبت گردد.
- 14- ارائه خدمات به کاربران بدون ارائه مدارک هویتی معتبر ممنوع است . متصدی مکلف است پس از رؤیت اصل مدارک هویتی معتبر و تطبیق عکس ، نام و نام خانوادگی ، نام پدر ، شماره شناسنامه ، محل صدور و کد ملی را دقیقاً ثبت نماید.
- 15_ متصدی مکلف به نگهداری اطلاعات مندرج در بند 14 به مدت 6 ماه و نگهداری اطلاعات دوربین مدار بسته به مدت 3 ماه میباشد. در غیر این صورت مسئولیت قانونی خواهد داشت
بند های 3 و 7 و 10 و 13 و 14 و 15 در قوانین صنفی هیچ کجای کشور و حتی در مشهد مقدس که این قانون لازم الاجراست جامه عمل نمی پوشد سوال اینجاست که آیا متصدی کافی نت میتواند واقعا این قوانین را در محل کار خود اجرا نموده و به ثبت مشخصات شناسنامه ای و کد ملی مراجعین و مانع شدن از نشستن محارم در کنار یکدیگر بپردازد ؟
آیا امکان این هست که زن و شوهری برای ثبت نام عتبات عالیات پشت کامپیوتر نشسته اند و یا پدر و دختری که در حال انتخاب واحد و پرداخت الکترونیک شهریه دانشگاه میباشند را به دو قسمت مجزای کافی نت هدایت کرد ؟
در روزگاری که قریب به اتفاق امور اینترنتی شده و دولت محترم نیز سعی در نهادینه کردن دولت الکترونیک مینماید و اکثر مراجعین به اینگونه امور میپردازند چنین قوانینی منطقی به نظر میرسد ؟ شاید در گوشه و کنار شهر همکاران بدون مجوز و غیر مسئول در محل کسب خود رعایت شئون اسلامی را نمایند که بسیار پسندیده است با اینگونه همکاران برخورد جدی شود و حتی در صورت داشتن پروانه کسب اتحادیه محترم میتواند پروانه فرد خاطی را باطل کند اما بسط دادن این گونه جرایم به کلیه کافی نت ها و بجای نظارت دقیق و برخورد قاطع صدور چنین بخشنامه هایی که نمیتوان اجرا نمود جای تامل بیشتری دارد .
آیا با نظارت دستگاههای موازی متعدد نظیر بازرسی اتحادیه ؛ مجمع امور صنفی ؛ بازرسی اداره بازرگانی ؛ اداره نظارت بر اماکن عمومی ؛ و حتی پاسگاه انتظامی محل ! بر کار کافی نت ها بازهم در این صنف تخلف صورت میگیرد

گزارشی از وضعیت فاجعه بار صنایع نساجی: تامین 70 تا 90 درصد کالاهای این صنعت از قاچاق تامین میشود/ از 83 واحد پتوسازی تنها 3 واحد فعالند.

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 2 اردیبهشت 89 آمده است : رکود حاکم بر فضای کسب و کار و واردات قاچاق محصولات نساجی و پوشاک موجب شده است تا تولیدکنندگان این بخش با مشکلات بسیاری برای ادامه فعالیت مواجه باشند. از سوی دیگر، بسیاری از وعده‌های مسئولان برای کمک به این صنایع هنوز

محقق نشده است.

باتوجه به رکود حاکم بر اقتصاد جهانی و فضای نامساعد کسب و کار در کشور، صنایع نساجی و پوشاک نیز در مقایسه با سال 87 با رکود چشمگیری مواجه شده‌اند. کاهش تقاضا برای محصولات نساجی و پوشاک، کمبود نقدینگی، وجود برخی تنش‌های سیاسی و واردات بی‌رویه درکساد بازار صنایع نساجی و پوشاک تأثیر داشته است.

کاهش ظرفیت تولید این واحدها ابتدای سال گذشته، تعطیلی و تعدیل نیروی کار بیانگر شرایط حاکم بر این بخش است، گرچه از نیمه دوم سال شرایط تا حدودی بهبود یافته است؛ چرا که نیمه دوم سال نیمه کاری و رونق این صنایع به‌ویژه در بخش پوشاک است.

با وقوع بحران اقتصادی، کارگروه حمایت از تولید در وزارت صنایع و معادن تشکیل و مصوباتی در جهت حمایت از صنایع مختلف داشت اما این مصوبات هیچ اثر یا نتیجه مثبتی در بخش نساجی و پوشاک نداشت.

با این شرایط، وزارت صنایع و معادن حتی از پرداخت مطالبات معوقه واحدهای نساجی و پوشاک نیز خودداری کرده است. پرداخت نشدن مطالبات معوق ارزهای تشویقی در شرایط نابسامان کنونی تولید با وجود برپایی جلسات متعدد به مشکل کمبود نقدینگی این واحدها دامن زده است.

حدود 70 تا 90 درصد کالاهای صنایع نساجی از طریق قاچاق تامین می‌شود و با این روند تغییر تعرفه تأثیری در این زمینه ندارد. آمارهای غیررسمی از واردات حدود 23 میلیارد دلار کالای قاچاق به کشور در سال گذشته حکایت دارد که 40 تا 50 درصد آن منسوجات و پوشاک بوده و تولید داخل را از پا انداخته است. به دلیل قیمت تمام شده بالا، منسوجات تولید داخل قادر به رقابت با کالاهای ارزان قیمت چینی نیست.

گرچه ظرفیت فعال تولید صنایع نساجی و پوشاک در بخش‌های مختلف متفاوت است اما وضعیت در بخش تولید پتو به دلیل واردات بی‌رویه بسیار نامطلوب بوده و از 83 واحد فعال در این بخش تنها 3 واحد فعالیت می‌کنند. در بخش ریسندگی وضعیت مناسب نیست و در بخش پوشاک نیز نسبت به سال 87 تنها 60 درصد ظرفیت این واحدها فعال بوده و کاهش 40 درصدی ظرفیت نسبت به سال گذشته را شاهد هستیم. با وجود این در زمینه فرش ماشینی هنوز شرایط چندان بگرنج نیست.

از سوی دیگر اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها بدون اعمال تغییر در سیاست تثبیت نرخ ارز ممکن است به وخیم‌تر شدن اوضاع صادرکنندگان صنعت نساجی و پوشاک کشور منجر شود.

در پیش گرفتن سیاست تثبیت نرخ ارز طی چند سال گذشته لطمات زیادی را به صادرکنندگان نساجی و پوشاک زده و اگر قرار باشد پس از اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها نرخ ارز همچنان ثابت بماند، صادرکنندگان محصولات نساجی و پوشاک با مشکلات بیشتری مواجه خواهند شد.

بر اساس پیش‌بینی‌های موجود بعد از اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها هزینه‌های تولید در کشور به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش خواهد یافت، دولت اعلام کرده که قرار است حدود 30 درصد از درآمد حاصل از اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها به بخش صنعت و تولید اختصاص یابد، اما هنوز مکانیزم تخصیص این درآمد به صنعتگران و تولیدکنندگان اعلام نشده است.

با آزاد شدن قیمت حامل‌های انرژی به طور طبیعی هزینه‌های تولید در کشور افزایش یافته و بخش صنعت و تولید با مشکلات زیادی روبرو خواهد شد که این مشکلات به طور طبیعی به بخش صادرات صنعتی نیز منتقل خواهد شد.

در صورتی که سهم 30 درصدی بخش صنعت از درآمد حاصل از اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها به تولیدکنندگان و صنعتگران به صورت واقعی اختصاص نیابد، این درآمد به عاملی ضد تولید تبدیل شده و بار زیادی را روی دوش صنعتگران می‌گذارد.

بحران مالی و رکود مربوط به اواخر سال 87 تأثیر منفی خود را در سال گذشته بر صادرکنندگان نساجی و پوشاک کشور گذاشت به گونه‌ای که صنعت نساجی و پوشاک کشور در مقطعی با افزایش چشمگیر قیمت مواد اولیه مواجه شد که این موضوع باعث افزایش هزینه‌های تولید در صنعت نساجی و در نتیجه کاهش رقابت‌پذیری تولیدکنندگان داخلی شده است.

در این خصوص حتی برخی از فعالان بازار معتقدند که صنعت نساجی ایران با وجود حمایت‌های گسترده دولت از جمله اعطای وام‌های کم بهره از محل حساب ذخیره ارزی، همچنان درگیر معضلات و مشکلات پرشماری است. گفته می‌شود استمرار بحران‌های این صنعت، می‌رود تا یکی از کهن‌ترین رشته‌های صنعتی فلات دیرپای ایران از مدار توجیه اقتصادی و مزیت‌سنجی خارج کند.

آنچه مسلم است، وضعیت امروز صنعت نساجی کشور بیش از سال‌های ابتدایی دهه 80 شمسی نیاز به ممارست و حمایت دولت دارد، چرا که در صورت قطع حمایت دولت یا تغییر زاویه نگاه آن، همه رشته‌های حمایتی گذشته پنبه خواهد شد.

البته در بررسی کارنامه عملکرد گذشته صنعت نساجی کشور، به نقاط درخشانی برمی‌خوریم که حاکی از وجود توانمندی‌ها و قابلیت‌های فراوان این صنعت است. اما توفیق در برنامه‌های صادراتی و کسب سهم مطلوب از بازارهای مصرف جهانی، آن هم در شرایط پرقابلیت امروز اقتصاد جهان، جز با تدوین و طراحی راهبردی و برقراری امنیت اقتصادی در مسیر تولید به صادرات، میسر نخواهد بود.

برخی کارشناسان البته راهکار پیش روی این صنعت را نکات قابل توجهی بر می‌شمارند که در این میان، یکی از عملی‌ترین راهبردهای خارج شدن صنعت نیمه جان نساجی از وضعیت "کمایی" است که هم اکنون به آن دچار شده است.

تولید نهایی و حصول کالای قابل مصرف، همواره بیش از تولید کالای خام و فرآوری نشده، حاوی ارزش افزوده اقتصادی است با این اصل می‌توان "منسوج نابفته" حاصل از عملیات نساجی را کالایی خام و عمل‌آوری نشده

محسوب کرد که فرآوری و منتج شدن آن به تولید "البسه و پوشاک"، می‌تواند تولید کالای مصرفی نهایی و سرشار از ارزش افزوده و انتفاع اقتصادی قلمداد شود، در حالی که در صنعت نساجی ایران همواره تولید پارچه، نماینده کل صنعت بوده و جای خالی بخش پر ارزش پوشاک در بررسی قابلیت‌های این صنعت پرمزیت، خالی مانده است.

شاید به همین دلیل است که بسیاری از افراد، با اتکا به آمار و داده‌های پردازش نشده، صنعت نساجی کشورمان را فاقد توجیه اقتصادی لازم برای تداوم حمایت‌های دولت می‌دانند. حال آن‌که، این صنعت را اگر متصل به صنعت پوشاک بدانیم و آن را تنها تولید پارچه محسوب نکنیم، بسیار بیش از برخی رشته‌های مشمول حمایت دولت، ارزش اقتصادی دارد.

پای صحبت قدیمی‌های صنعت نساجی که بنشینیم، حرف و حدیث‌های جذابی از ایرانی بودن پارچه‌های فلان برند لباس و تن‌پوش مشهور و معروف اروپایی دارند. این گفته‌ها هیچ‌یک گزافه نیست. اما این واقعیت‌ها گویا در لابه‌لای تصمیم‌گیری‌ها و نظرات کارشناسی، مغفول مانده است و همین غفلت پرهزینه، برنامه‌های حمایتی و توسعه‌ای از صنعت نساجی را به جایی سوق داده که اتصال حیاتی آن با صنعت پوشاک، نادیده انگاشته شده و این مسأله، کل صنعت نساجی را به سراشیبی سقوط فاجعه باری کشانده است. اما واقعیت این است که هنوز هم امکان نجات صنعت نساجی از طریق اتصال عملی آن به صنعت پوشاک و اجرای برنامه‌های پر قدرت صادراتی وجود دارد.

ایران روزگاری نه چندان دور، شهره صنعت نساجی جهان بود و پارچه لباس ایرانی، افتخار قامت و مایه فخر و مباهات مصرف‌کنندگان آن در چهار سوی عالم به حساب می‌آمد.

نگاهی به کارنامه بزرگان فعلی صنعت نساجی و پوشاک جهان نشان می‌دهد که درست در همان دوره‌ای که آنها سعی داشتند به هر شکل ممکن، صنعت تولید پارچه را با صنعت پوشاک خود هماهنگ و هم‌نوا کنند، ما دیوار بلندی میان این دو صنعت ایجاد کردیم و با توجیه فرسودگی ماشین‌آلات نساجی، پارچه نامرغوب تولید ایران را دلیل و برهان رواج پارچه خارجی در صنعت پوشاک کشور دانستیم. درست در همان زمانی که ترکیه و چین سعی در کاهش هزینه‌های تولید صنعتی داشتند، در ایران به دلیل شیوع یک بیماری اقتصادی هولناک، هزینه تولید هر روز سر به تریا می‌کشید و واحدهای صنعتی نساجی یکی پس از دیگری به مغاک خاک درمی‌افتادند.

از این دست دلایل و عوامل، بسیار است، ولی هدف این است که راهبردی قابل عمل برای خروج نساجی ایران از بحران فعلی به مدیران و برنامه‌ریزان کشور پیشنهاد کنیم. این راهبرد که باید به سرعت و با مطالعه و سنجش به اجرا درآید، هماهنگی و همدلی طیف وسیعی از فعالان و سازمان‌های مرتبط با صنعت نساجی و پوشاک را می‌طلبد.

گزارش: نرگس رسولی

زندانیان گمنام: معلم بازنشسته «هاشم خواستار» در زندان مشهد به بیماری قلبی دچار شد

سایت کلمه در تاریخ 3 اردیبهشت 89 نوشته است: هاشم خواستار، معلم بازنشسته مشهد و عضو کانون صنفی فرهنگیان استان خراسان در زندان وکیل آباد مشهد بشدت به بیماریهای داخلی و قلبی مبتلا شده است.

به گزارش جرس، هاشم خواستار که ۲۵ خرداد ۸۸ بازداشت شد و پس از یک ماه و نیم از زندان آزاد شد، روز ۲۵ شهریور ۸۸ دوباره بازداشت شد و از آن موقع تاکنون همچنان در اسارت به سر می‌برد.

گفتنی است علی‌رغم عدم وجود سابقه قلبی بیماری قبلی، ایشان در طول مدت زندان به شدت بیمار شده و به مشکلات بینایی و فشار خون نیز مبتلا شده است.

شایان ذکر است از هشت ماه پیش تاکنون هیچ‌گونه مرخصی به وی داده نشده و علی‌رغم اعتراض خانواده و وکیل پرونده و نیز وخامت حال جسمی همچنان در زندان به سر می‌برد.

پیش از این همسر این فرهنگی بازنشسته که خود نیز از معلمان پیشکسوت و بازنشسته کشور می‌باشد، با گلایه از اینکه آقای خواستار با ۶۷ سال سن، بیماری‌های آرتروز و ناراحتی‌های گوارشی متعددی دارد و طی این مدت نیز، حتی از داشتن دندان‌هایی که قبل از بازداشت سفارش داده بود، محروم بوده و بدون آن در سلول به سر می‌برد، خاطر نشان کرده بود "مسئولین امر حتی با دادن یک مرخصی کوتاه چند ساعته برای این موارد استعلاجی به این معلم سالخورده خودداری می‌کنند."

صدیقه مالکی فرد همچنین یادآور این نکته شده بود که آقای خواستار بیش از سه دهه معلم و فرهنگی این کشور بوده و آنچه بر او می‌گذرد، شایسته و سزاوار نبوده و خارج از انصاف می‌باشد.

دعوت به اعتصاب غذای سراسری معلمان در ایران

سایت آژانس ایران خبر در 3 اردیبهشت نوشت: شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران با صدور بیانیه‌ای از اعتصاب غذای یک‌هفته‌ای جمعی از فعالان صنفی در اعتراض به احکام غیرقانونی اعدام و حبس صادر شده برای معلمان خبر داد.

این بیانیه با اعلام این که اعضای شورای مرکزی کانون معلمان و فعالان صنفی در روزهای ۱۲ تا ۱۸ اردیبهشت جاری اعتصاب غذا خواهند کرد، از تمامی معلمان ایران خواست که در روز ۱۲ اردیبهشت، همزمان با روز معلم در ایران به این اعتصاب غذا بپیوندند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران، در این بیانیه همچنین خواستار آزادی سریع و بی‌قید و شرط همه فرهنگیان زندانی، صدور منع تعقیب قضایی و لغو کلیه احکام اداری و قضایی برای فرهنگیان منتقد شده است.

معلمان امضا کننده این بیانیه از دولت خواسته‌اند با اختصاص بخشی از درآمدهای نفتی و گازی امکانات لازم و در حد استاندارد را برای مدارس دولتی فراهم کنند.

این بیانیه همچنین خواستار پرهیز از هر گونه رفتار جناحی، خطی و سیاست‌بازی در تألیف کتب درسی و معیار قرار دادن نظر متخصصان شده است.

رفع فضای امنیتی از مدارس و ادارات آموزش و پرورش، تأمین امنیت شغلی فرهنگیان، پرهیز از مخبرپروری در فضای کلاس و مدرسه و اجتناب از پرونده‌سازی برای فرهنگیان منتقد از دیگر مطالبات اعلام شده در این بیانیه است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران می‌گوید هر معلمی که در ایران اقدام به راهپیمایی، گردهمایی، طرح نقد و نظر و اندیشه‌های خود در حوزه آموزش و پرورش و بیان مسائل و مشکلات و تنگناهای شغلی خود کند، به مجازات‌های فراقانونی محکوم شده و دادش به جایی نخواهد رسید.

در بخشی از این بیانیه آمده است: از آنجا که برخی ایران را «آزادترین کشور جهان خوانده‌اند که در آن آزادی نزدیک به مطلق است» باید به این سوال پاسخ دهند که چرا دلسوزترین و صادق‌ترین معلمان کشور صرفاً به خاطر انتقاد از وضع موجود، با احکامی چون اعدام، حبس، تعلیق، اخراج، تبعید، بازخرد، بازنشستگی اجباری، تنزل رتبه شغلی و محرومیت از تدریس مواجه می‌شوند.

این بیانیه ادامه داده است: فرهنگیان می‌خواهند بدانند امثال بدافی‌ها، خواستارها، داوری‌ها و مومنی‌ها چه جرمی مرتکب شده‌اند که باید بدون محکومیت، ماه‌ها حبس در شرایط نامناسب را تحمل کنند، حقوق‌شان قطع و فرزندان خردسال‌شان در سختی، مضیقه مادی، ناامنی، ناامیدی و سراسیمگی زندگی کنند.

صادرکنندگان این بیانیه با اعتراض به صدور حکم اعدام برای معلمان همچون فرزاد کمانگر و قنبری، نسبت به پیامدهای آن به مدیران و گردانندگان چنین سیاست‌هایی این‌گونه هشدار داده‌اند که این اعمال به هیچ روی نه دردی از شما دوا می‌کند و نه در شأن نام جمهوری اسلامی است.

گردهمایی بر مزار ابوالحسن خانعلی در تهران و مرتضی مطهری در قم در روز ۱۲ اردیبهشت از دیگر برنامه‌های تدارک شده برای روز معلم امسال است، که در این بیانیه اعلام شده است.

ابوالحسن خانعلی، دبیر فلسفه و عربی دبیرستان جامی تهران بود که سال ۱۳۴۰ در تظاهرات اعتراضی معلمان در میدان بهارستان تهران از سوی نیروهای امنیتی حکومت پهلوی کشته شد. وی در گورستان ابن بابویه شهرری دفن شده است.

مرتضی مطهری، از روحانیون سرشناس و استاد دانشگاه تهران بود که پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ به ریاست شورای انقلاب منصوب شد. وی ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ هدف گلوله یکی از افراد گروه فرقان قرار گرفت و جان باخت. پس از کشته شدن وی روز ۱۲ اردیبهشت به یاد او روز معلم نامگذاری شد. متن کامل بیانیه ی مذکور را در زیر می‌خوانید:

دوازده اردیبهشت را که در تقویم کشور روز معلم نامگذاری شده گرامی می‌داریم ... در جهانمعمول است در روزی که به نام معلم نامگذاری شده، معلمان اقدام به راهپیمایی، گردهمایی، طرح نقد و نظر و اندیشه‌های خود در حوزه آموزش و پرورش و بیان مسائل و مشکلات و تنگناهای شغلی خود می‌کنند... فرهنگیان «آزادترین کشور جهان»!!! می‌خواهند بدانند امثال بدافی‌ها، خواستارها، داوری‌ها و مومنی‌ها چه جرمی مرتکب شده‌اند که باید بدون محکومیت، ماه‌ها حبس در شرایط نامناسب را تحمل کنند، حقوق‌شان قطع و فرزندان خردسالشان در سختی و مضیقه مادی، ناامنی و ناامیدی و سراسیمگی زندگی کنند. معلمان چون کمانگر و قنبری چه گناه نابخشودنی مرتکب شده‌اند که به احکام هولناک اعدام محکوم گردیده‌اند... از ۱۲ تا ۱۸ اردیبهشت ۸۹ اعضای شورای مرکزی (هیأت مدیره) کانون معلمان و فعالان صنفی به نشانه اعتراض به احکام غیر قانونی اعدام و حبس غیر قانونی همکاران و در روز ۱۲ اردیبهشت عموم همکاران اعتصاب غذای کامل خواهند نمود... فرهنگیان تهران در روز ۱۲ اردیبهشت از ساعت ۱۳:۳۰ تا ۱۷:۳۰ بر سر مزار دکتر ابوالحسن خانعلی و در قم بر سر مزار استاد مطهری گرد هم می‌آیند. و در شهرستان‌های دیگر نیز از معلمان فرهیخته تجلیل به عمل می‌آید.

خبر تکمیلی

دعوت به اعتصاب غذای سراسری معلمان در ایران

در آستانه بزرگداشت هفته معلم شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان روز جمعه ۲۷/۱/۸۹ طی نشیستی پس از بررسی اوضاع اجتماعی معلمان و شرایط روز در دفاع از حقوق از دست رفته و حمایت از فعالین مدنی و معلمین در بند بیانیه خود را صادر نمود.

این بیانیه بخاطر نبودن رسانه آزاد و مستقل از طریق اینترنت انتشار می‌یابد. انتظار دارد تمامی دوستان و فعالین صنفی در انتشار این بیانیه بعنوان رسانه مردمی عمل نموده و صدای معلمان را رساتر از قبل منتشر

سازند.

لازم به ذکر است که این شورا با هیچ خبرگزاری و رسانه ای انحصاراً برای نشر این بیانیه در تماس نبوده و این بیانیه به همت شما و همکاران بصورت مردمی در حال نشر است. توصیه می‌گردد دوستانی که امکان چاپ و تکثیر این بیانیه را دارند سریعاً اقدام نمایند.

دعوت به اعتصاب غذای سراسری معلمان در ایران

بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران

اردیبهشت ۸۹

به نام خداوند جان و خرد

دوازده اردیبهشت را که در تقویم کشور روز معلم نامگذاری شده گرامی می‌داریم و بر روح معلمان شهید دکتر ابوالحسن خانعلی و استاد مطهری که در چنین روزی به شهادت رسیدند و هر دو قربانی خشونت عریانی شدند که هنوز هم جامعه ما از آن رنج می‌برد درود می‌فرستیم.

در جهان، معمول است در روزی که به نام معلم نامگذاری شده، معلمان اقدام به راهپیمایی، گردهمایی، طرح نقد و نظر و اندیشه‌های خود در حوزه آموزش و پرورش و بیان مسائل و مشکلات و تنگناهای شغلی خود می‌کنند.

در ایران فرصت چنین اقداماتی در قانون به افراد داده شده است ولی در عمل هر معلمی که بر اساس حقوق صنفی، انسانی و شهروندی خود و به تاسی از قانون اقدام به امور مذکور کند به مجازات‌هایی فرا قانونی محکوم شده و داد او به جایی نخواهد رسید. که مصداق بارز آن در حال حاضر عدم رعایت نص صریح قانون اساسی و اصول ۲۸-۳۳-۳۲-۲۷-۲۶-۲۵-۲۳-۲۲ در حق بهترین معلمان این کشور می‌باشد که در زندان‌ها بسر می‌برند.

فرهنگیان، با وجودی که خود از مؤثرترین گروه‌ها در پیروزی انقلاب و جنگ بوده‌اند معتقدند هیچ گروهی سهم ویژه از انقلاب ندارد که خود را مافوق قانون و انقلاب بدانند و نظام را برابر با قواره‌ی خود تصور نماید و هر کس را که با سلیقه‌اش هم خوانی نداشته به مقابله با نظام متهم کند. یکی از اهداف انقلاب اسلامی مردم ایران برقراری فضای آزاد در کشور بود به گونه‌ای که همه‌ی آراء و اندیشه‌ها و نقد و نظرها به مصداق آیه‌ی شریفه "فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه" مجال طرح پیدا کند و هیچ مسؤولی خود را میرا از نقد نداند و در برابر اعمال خود و سرنوشت ملت پاسخگو باشد. آیا به این اهداف رسیده‌ایم؟

چگونه است امروز فرهنگیان که فرزندان حقیقی ملت بزرگ ایرانند و دل داده‌ی انقلاب، اسلام، عدالت و آزادی‌اند و دل در گرو کرامت انسانها و حفظ حقوق انسانی افراد دارند، صرفاً به خاطر طرح انتقاد‌های خود به مجازات‌های عجیب و غریب محکوم می‌شوند؟ "فاین تذهیون"؟

جریان قدرت عاجز از درک این واقعیت است که جامعه فرهنگیان از در ریا و سالوس و مدح و ستایش برای هیچ صاحب قدرتی در نخواهند آمد و گوهر نقد را چون جان شیرین پاس خواهند داشت و کرامت‌آزادگی را که خدا به بنی آدم عطا کرده ارزان نخواهند فروخت.

از آنجا که برخی ایران را «آزادترین کشور جهان خوانده‌اند که در آن آزادی نزدیک به مطلق است» باید به این سوال پاسخ دهند که چرا دلسوزترین و صادق‌ترین معلمان کشور صرفاً به خاطر انتقاد از وضع موجود، با احکامی چون اعدام، حبس، تعلیق، اخراج، تبعید، بازخرد، بازنشسته اجباری، تنزل رتبه‌ی شغلی، محرومیت از تدریس و... مواجه می‌شوند. هزینه‌هایی که فرهنگیان ایران صرفاً به لحاظ انتقاد تحمل کرده و می‌کنند در جوامع پیشرفته، نشانه رشد و بالندگی و شایسته‌ی تقدیر و تحسین است.

فرهنگیان «آزادترین کشور جهان»!! می‌خواهند بدانند امثال بدافی‌ها، خواستارها، داوری‌ها و مومنی‌ها چه جرمی مرتکب شده‌اند که باید بدون محکومیت، ماه‌ها حبس در شرایط نامناسب را تحمل کنند، حقوقشان قطع و فرزندان خرد سالشان در سختی و مضیقه‌ی مادی، ناامنی و ناامیدی و سراسیمگی زندگی کنند. معلمانی چون کمانگر و قنبری چه گناه نابخشودنی مرتکب شده‌اند که به احکام هولناک اعدام محکوم گردیده‌اند. اثر روحی-روانی این احکام بر خانواده‌ها و جامعه میلیونی فرهنگیان کشور زدودنی نیست و گذر زمان ایشان را مانند شهید ابوالحسن خانعلی به اسطوره‌های ماندگار ملی تبدیل خواهد کرد حتی با فرض پخش اعترافات از آنها در رسانه‌ها، افکار عمومی مردم و فرهنگیان چنین اعترافاتی را نخواهند پذیرفت.

مشفقانه مدیران و گردانندگان چنین سیاست‌هایی را انداز می‌دهیم که این اعمال به هیچ روی نه دردی از شما دوا می‌کند و نه در شأن نام جمهوری اسلامی است که همه‌ی ما برای برپایی و حفظ آن خون‌ها داده و خون دل‌ها خورده‌ایم. بدیهی است لطمه‌ای که صدور چنین احکامی به دین، میهن و انسجام ملی می‌زند از هیچ دشمنی ساخته نیست چرا که لطمه‌ی بد دفاع کردن جبران‌ناپذیر است. چنین ساده‌اندیشانی به خاطر ضعف تحلیل و قوه‌ی تمیز و بدبینی مفرط، دچار توهم توطئه شده و هر منتقدی را خصم پنداشته و خود را حق‌انگاشته و هر استدلالی را باطل می‌دانند چرا که :

ذهن‌هایی که خیال‌اندیش شد
ناگفته پیداست جامعه‌ی عظیم فرهنگیان کشور به هیچ روی تحمل چنین احکامی را ندارد و شکی نیست که اجرای چنین احکامی جامعه و آموزش و پرورش را بیش از پیش ملتهب کرده و روی هرگونه آرامشی را از عرصه فرهنگ خواهد گرفت.
صدور احکام رنگارنگ و زدن اتهامات واهی به فرهنگیان و تشکل‌های ایشان، روش نخ‌نمایی است که می

خواهند با این اتهامات فرهنگی و نمایندگان آنها را در موضع انفعال قرار داده تا به جای طرح مسائل و مشکلات حوزه آموزش و پرورش، درگیر پاسخ‌گویی به اموری بی‌ربط و بیهوده گردند تا از این طریق نیروهای آنها در دفاع از خویش صرف‌گردد و مسیر اصلی و هدف اولیه تشکل‌های صنفی دور شوند. امید است عقلای قوم با تدبیر و درایت آبی بر آتش التهابات افشانند و به خواست صدها هزار فرهنگی کشور توجه نمایند و به عنوان حسن نیت در گام اول همه‌ی فرهنگیان در بند را آزاد کنند. با وجود همه‌ی این‌ها و جفاها در حق فرهنگیان کشور کماکان ناامید نشده و در عین ایستادگی بر حقوق خویش، بخشی از مسائل و مشکلات موجود در حوزه‌ی آموزش و پرورش را با تصمیم‌گیران کلان کشور در میان می‌گذاریم، با این امید که با اصلاح رویکردها، آموزش و پرورش در مسیر صحیح خود قرارگیرد. بدیهی است ضمن انتقاد از بزرگ‌نمایی‌های مکرر و رسانه‌ای کردن موضوعاتی که فعلاً در حد حرف باقی مانده و نقاط ضعف و قوت آن روشن نیست، از هر اقدام مثبت و سازنده در جهت حفظ کرامت فرهنگیان و ارتقاء منزلت و معیشت ایشان کاملاً استقبال می‌کنیم و با نگاهی مثبت منتظر اجرایی شدن برخی وعده‌های رسانه‌ای شده مسئولان ذی‌ربط می‌مانیم.

۱- خط قرمز هر صنفی نقض حرمت، شأن و منزلت افراد آن است. لذا خواسته اولیه فرهنگیان کشور آزادی سریع و بی‌قید و شرط همه‌ی فرهنگیان در بند و صدور منع تعقیب قضایی و لغو کلیه‌ی احکام اداری و قضایی صادره برای فرهنگیان منتقد است، تحقق این امر ضمن تلطیف فضا و کاستن از تنش‌ها نشان از درایت و حسن نیت مسئولان امر و رویکردی انسانی در حوزه آموزش و پرورش دارد.

۲- رفع فضای امنیتی از مدارس و ادارات آموزش و پرورش، تأمین امنیت شغلی فرهنگیان و پرهیز از مخبر پروری در فضای مقدس کلاس و مدرسه و اجتناب از پرونده‌سازی برای فرهنگیان منتقد.

۳- اصلاح نگاه مسئولان و تصمیم‌گیران کلان کشور به آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد زیربنایی نه مصرفی.

۴- عدم تخصیص درآمدهای ملی نفت و گاز به هزینه‌های جاری و صرف آن در امور زیربنایی مانند آموزش و پرورش و بهداشت

۵- پرهیز از هر گونه رفتار جناحی و خطی و سیاست بازی در تألیف کتب درسی و معیار قراردادن نظر همکاران متخصص.

۶- فراهم آوردن امکانات لازم و در حد استاندارد در مدارس دولتی به منظور جلوگیری از تنزل جایگاه و افت تحصیلی مدارس دولتی مطابق اصل 30 قانون اساسی.

۰- رفع تبعیض درون و برون سازمانی در خصوص دارندگان مدارک تحصیلی فوق لیسانس و دکترا در آموزش و پرورش

۱- و اما سؤالاتی که فرهنگیان کشور تأکید بر طرح آنها داشته و ضرورت پاسخ‌گویی متولیان امر را می‌طلبد:

۱- آیا قانون مدیریت خدمات کشوری (نظام هماهنگ) کارایی لازم را برای رفع تبعیض در بین کارکنان دولت داشته است؟

۲- آیا با وجود وعده‌های مکرر، آموزش و پرورش از عرصه بازی‌های سیاسی خارج شده است؟

۳- آیا تبدیل مدارس دولتی به مدارس تحت عنوان هیأت‌امانی از وجاهت قانونی برخوردار است؟ اگر پاسخ منفی است چه اقدام عاجلی برای حفظ حقوق دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان در دستور کار است؟

۴- طبق مصوبه 673 شورای عالی آموزش و پرورش مدیران مدارس باید با رأی فرهنگیان شاغل در هر آموزشگاه انتخاب شوند. علت عدم اجرای این قانون چیست؟

و اما همکاران عزیز!

امیدواریم در بیانیه‌ی بعدی از گشایش‌ها و رفع مشکلات با شما سخن بگوییم از شما تقاضا داریم در هفته معلم و در فرصت‌های استراحت در دفتر مدارس درخواست‌های زیر را رعایت فرمائید:

۱- از ۱۲ تا ۱۸ اردیبهشت ۸۹ اعضای شورای مرکزی (هیأت مدیره) کانون معلمان و فعالان صنفی به نشانه اعتراض به احکام غیر قانونی اعدام و حبس غیر قانونی همکاران و در روز ۱۲ اردیبهشت عموم همکاران اعتصاب غذای کامل خواهند نمود.

۲- فرهنگیان تهران در روز ۱۲ اردیبهشت از ساعت ۱۵:۳۰ تا ۱۷:۳۰ بر سر مزار دکتر ابوالحسن خانعلی و در قم بر سر مزار استاد مطهری گرد هم می‌آیند. و در شهرستان‌های دیگر نیز از معلمان فرهیخته تجلیل به عمل می‌آید.

با توجه به عضویت شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در سازمان آموزش بین‌المللی (ei) از آن سازمان درخواست می‌گردد اقدام مقتضی در حمایت از معلمان ایران خاصه معلمان زندانی به عمل آورد.

دبیر خانه شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی معلمان ایران اردیبهشت ۸۹

دیوار کشی فلزی جهت جلوگیری از دید مردم به تجمعات در مقابل اوین

خبرنگار آژانس ایران خبر در سایت خود در تاریخ 3 اردیبهشت نوشت: از ساعت 10 صبح امروز جمعه روبروی اوین ، اتوبان یادگار را دیوار فلزی میکشند و قصدشان این است که از دید مردمی که در حال عبور از روی پل اتوبان هستند و به مقابل اوین مشرف هستند جلوگیری نمایند و کسی متوجه تجمعات جلوی اوین نشود .

اعتراضات و مبارزات کارگران

به نوشته سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری در تاریخ 3 اردیبهشت 89 آمده است :
سبلان پارچه: 150 کارگر کارخانه 7 ماه است که دستمزد نگرفته اند. کارگران در مقابل استانداری اردبیل تجمع کردند و دست به اعتراض زدند. آنان در تظاهرات این روز، فقر، گرسنگی، کوه بدهکاری ها، سرگردانی و دنیای بدبختی های خود را فریاد کردند. همه این 150 کارگر می گفتند که صاحبان سرمایه و دولت آن ها آخرین روزنه های زندگی را بر روی آن ها و خانواده های آن ها بسته است. کارگران خواستار پرداخت فوری دستمزدها بودند.
صنایع اراک: کارگران 6 ماه است که کار می کنند و هیچ ریالی دریافت نکرده اند. سرمایه داران برای خلاصی از اعتراضات آنان و به ویژه با هدف پرداخت نکردن دستمزدهای کارگران 150 کارگر را برای بازنشستگی به سازمان تأمین اجتماعی معرفی کرده اند . سازمان تأمین اجتماعی و صاحبان سرمایه دست به دست هم داده و با تئانی و زد و بند و ترفند و توطئه نه فقط دستمزد 150 کارگر را پرداخت نکرده اند بلکه وضعیت اشتغال آنان را نیز در بالاترین حد قرار داده اند. کارگران فرار است در مقابل کاخ رئیس جمهوری سرمایه اجتماع کنند و دست به اعتراض بزنند.

سازمان تأمین اجتماعی: نهاد موسوم به سازمان تأمین اجتماعی یکی از تراست های بزرگ مالی و صنعتی در جهنم سرمایه داری ایران است. این تراست صدها هزار کارگر را در واحدهای مختلف صنعتی تحت مالکیت مستقیم خود استثمار می کند. دستمزدهای ناچیز آن ها را 8 ماه 8 ماه پرداخت نمی کند، از ارتش و بسیج و سپاه و سایر نیروهای سرکوب برای خفه کردن صدای اعتراض آنان سود می جوید و دست به همه جنایات دیگر می زند. سازمان تأمین اجتماعی بخش اعظم پولی را هم که کارگران به عنوان حق بیمه پرداخت می کنند به سرمایه های خود تبدیل می کند. کارگران مراکز کار و تولیدی که تحت مالکیت مستقیم یا کنترل این تراست قرار دارند مدام در حال مبارزه هستند و هم اینک نیز جمعیت وسیعی از آنان دست به کار تحصن و اعتراض علیه تعویق دستمزدها و حق بهره وری خود هستند.

شرکت های تخلیه در آبادان: بیش از 400 کارگر بارانداز در شرکت های مختلف بارگیری و تخلیه در شهر آبادان و منطقه شلمچه مدت هاست که در حال اعتراض و مبارزه و اعتصابند. کارگران خواستار پرداخت دستمزدها و بهبود وضعیت بسیار رقت بار اشتغال خود هستند.

نساجی بافته ها: جمعیت زیادی از کارگران این واحد صنعتی در مقابل استانداری کرمان تجمع کردند. کارگران خواستار پرداخت دستمزدهای معوقه خود بودند.

اتوبوس رانی و لوله سازی اهواز: به دنبال اعتراضات کارگران خرم نوش و حوزه های بارگیری و تخلیه خوزستان، رانندگان شرکت اتوبوس رانی اهواز و کارگران لوله سازی نیز به خیل همزنجیران معترض خود پیوستند. همه این کارگران مدام در حال اعتصاب و تظاهرات و تحصن علیه تعویق دستمزدهای خود هستند.
فولاد ابرکوه: کارخانه فولاد ابرکوه تعطیل شده است. سرمایه داران دروازه ورودی شرکت را پلمب و همه کارگران را اخراج کرده اند.

اتوبوس رانی لنجان: کارگران راننده 4 ماه است که دستمزدهای خود را نگرفته اند. این کارگران ماه هاست که در حال اعتراض و شکایت و رجوع به نهادهای دولتی هستند. 15 کارگر شرکت تا امروز در بالاترین حد قرار دارند و موفق به گرفتن هیچ ریالی دستمزد نشده اند.
چرم مشهد: کارخانه چرم مشهد تعطیل و 1500 کارگر آن دسته جمعی اخراج شده اند.

نامه فرزاد کمانگر به معلمان دربند/ "قوی باش رفیق"

خبرگزاری هرانا در تاریخ 3 اردیبهشت نوشت - فرزاد کمانگر معلم محکوم به اعدام محبوس در زندان اوین نامه ای را خطاب به سایر معلمان دربند نگاشت است که توسط خبرگزاری هرانا انتشار یافته ، این نامه در پی می آید:

* "قوی باش رفیق"

یکی بود یکی نبود ماهی سیاه کوچولویی بود که با مادرش در جویبار زندگی می کرد ، ماهی از 10000 تخمی که گذاشته بود تنها این بچه برایش مانده بود بنابراین ماهی سیاه یکی یک دانه ی مادرش بود، یک روز ماهی کوچولو گفت: مادر من می خواهم از اینجا بروم. مادرش گفت کجا؟ می خواهم بروم بینم جویبار آخرش کجاست.

هم بندی ، هم درد سلام

شما را به خوبی می شناسم. معلم، آموزگار، همسایه ی ستاره های خاوران، همکلاسی ده ها یار دبستانی که دفتر انشایشان پیوست پرورده هایشان شد و معلم دانش آموزانی که مدرک جرمشان اندیشه های انسانیشان بود. شما را به خوبی می شناسم، همکاران صمد و خان علی هستید.

مرا هم که به یاد دارید

منم ، بندی بند اوین

منم دانش آموز آرام پشت میز و نیمکت های شکسته ی روستاهای دورافتاده ی کردستان که عاشق دیدن دریاست

منم به مانند خودتان راوی قصه های صمد اما در دل کوه شاهو

منم عاشق نقش ماهی سیاه کوچولو شدن
منم، همان رفیق اعدامیتان

حالا دیگر کوه و دره تمام شده بود و رودخانه از دشت همواری می گذشت. از راست به چپ رودخانه های کوچک دیگری هم به آن پیوسته بودند و آبش را چند برابر کرده بودند... ماهی کوچولو از فراوانی آب لذت می برد... ماهی کوچولو خواست ته آب برود. می توانست هر قدر دلش خواست شنا کند و کله اش به جایی نخورد ناگهان یک دسته ماهی را دید ، 10000 تایی میشدند، که یکی از آنها به ماهی سیاه گفت: به دریا خوش آمدی رفیق.

همکار دربند، مگر می توان پشت میز صمد شدن نشست و به چشمهای فرزندان این آب و خاک خیره شد و خاموش ماند ؟

مگر می توان معلم بود و راه دریا را به ماهیان کوچولوی این سرزمین نشان نداد؟ حالا چه فرقی می کند از ارس باشد یا کارون، سیروان باشد یا رود سرپاز، چه فرقی می کند وقتی مقصد دریاست و یکی شدن، وقتی راهنما آفتاب است. بگذار پادشمان هم زندان باشد.

مگر می توان بار سنگین مسئولیت معلم بودن و بذر آگاهی پاشیدن را بر دوش داشت و دم برنیاورد ؟ . مگر می توان بغض فروخورده دانش آموزان و چهره ی نحیف آنان را دید و دم نزد ؟

مگر می توان در قحط سال عدل و داد معلم بود ، اما "الف" و "بای" امید و برابری را تدریس نکرد، حتی اگر راه ختم به اوین و مرگ شود؟

نمی توانم تصور کنم در سرزمین " صمد"، " خانعلی" و "عزتی" معلم باشیم و همراه ارس جاودانه نگردیم. نمی توانم تجسم کنم که نظاره گر رنج و فقر مردمان این سرزمین باشیم و دل به رود و دریا نسپاریم و طغیان نکنیم؟ می دانم روزی این راه سخت و پر فراز و نشیب، هموار گشته و سختی ها و مرارت های آن نشان افتخاری خواهد شد "برای تو معلم آزاده" ، تا همه بدانند که معلم ، معلم است حتی اگر سد راهش فیلتر گزینش باشد و زندان و اعدام ، که آموزگار نامش را ، و افتخارش را ماهیان کوچولویش به او بخشیده اند ، نه مرغان ماهیخوار. ماهی کوچولو آرام و شیرین در سطح دریا شنا میکرد و و با خود می گفت: حالا دیگر مردن برای من سخت نیست، تأسف آور هم نیست، حالا دیگر مردن هم برای من... که ناگهان مرغ ماهی خوار فرود آمد و او را برداشت و برد. ماهی بزرگ قصه اش را تمام کرد و به 12000 بچه و نوه اش گفت حالا دیگر وقت خواب است. 11999 ماهی کوچولو شب بخیر گفتند و مادر بزرگ هم خوابید اما این بار ماهی کوچولوی سرخ رنگی هرکاری کرد خوابش نبرد. فکر برش داشته بود...

معلم اعدامی زندان اوین

فرزاد کمانگر - اردیبهشت ماه ۱۳۸۹

گزارشی غیر رسمی از وضعیت زنان در ایران/ پانزده سال پس از کنفرانس پکن

تغییر برای برابری در تاریخ 3 اردیبهشت نوشت :ازکنفرانس پکن تاکنون فعالان جنبش زنان در ایران با چالش های گوناگون رو به رو بوده اند. در نخستین حضورایران در کنفرانس پکن، علاوه بر هئیتی از سوی دولت ایران، برخی از فعالان زن نیز از ایران شرکت داشتند. این کنفرانس منجر به تشکیل برخی از دفاتر امور زنان در وزارتخانه ها شد که نگرش سنتی و مردسالارانه در آنها حاکم بود. این دفاتر به امور روزانه پرسنل زنان و زنان تحت برنامه وزارتخانه ها در حدی که چالش های برابرخواهانه در آن مطرح نباشد، می پرداخت. پس از باز شدن فضای سیاسی برای مشارکت اجتماعی در دوره اصلاحات (1376-1384)، تشکل های بسیار زیادی از زنان با حمایت دولت و مرکز امور مشارکت زنان که وابسته به ریاست جمهوری بود، بوجود آمدند اما آنها نیز چالش های برابری خواهانه را کمتر مورد توجه قرار می دادند. با این وجود در این دوره هشت ساله تا حدی مباحث برابری خواهانه در جامعه جاری شد و بویژه مطبوعات نقش مهمی در آن ایفا کردند. طرح های مشترک دولت با صندوق جمعیت برای ارتقاء حقوق باروری معنادارتر شد و توانمندسازی زنان در چارچوب های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جریانسازی شد. در همین دوره بود که پیوستن به کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان در مجلس به تصویب رسید اما از سوی شورای نگهبان رد شد. در همین دوره بود که قانون خانواده توسط فعالان حقوق زن به چالش کشیده شد و حق حضانت کودک تا هفت سالگی به مادر داده شد. طرح های نه چندان عمده ای همچون افزایش دوران مرخصی زایمان به زنان شاغل اعطا شد اما خود این دارای آثار منفی در اشتغال زنان برجای گذاشت. بحث های خشونت علیه زنان به دولت تحمیل شد و سرانجام در سال پایانی دولت اصلاحات در قانون برنامه چهارم دولت هرچند موظف شد که همه اشکال خشونت را از زنان رفع کند، اما هرگز اجرا نشد. در این سالها دفاتر زنان در وزارتخانه ها و استانداری ها تعداد بسیار زیادی از زنان را جذب خود کرده و بودجه های خاصی به آنها تعلق گرفت. ارزیابی دقیقی از رابطه میزان بودجه های هزینه شده و میزان تغییر در زندگی زنان وجود ندارد. این دوره با افزایش اندکی در مشارکت زنان در سیستم مدیریتی اعم از شوراهای شهری، نمایندگی مجلس و مدیریت های میانی دولتی مواجه شد اما مدیریت های کلان کشوری اعم از وزارت و ریاست جمهوری هرگز به دست زنان سپرده نشد و همان مدیریت های میانی نیز به گونه ای بود که زنان قدرت اصلی رایا در تصمیم گیری ها در دست نداشتند و یا همان تعداد اندک نیز نسبت به مسایل زنان یا بی توجه بودند یا این که نگاهی بنیادگرایانه و سنتی نسبت به نقش زن داشتند و به دلیل فیلتر گزینش ایدئولوژیک، زنان متخصص در حوزه مسائل زنان در حاشیه قرار داشتند.

پس از روی کارآمدن دولت اصول گرای احمدی نژاد در سال 1384، بیکباره، مرکز مشارکت زنان به مرکز امور زنان و خانواده تبدیل شد و نهادهای تصمیم گیری زنان با کسانی در مصدر امور مواجه شدند که علیرغم زن بودن کاملاً در راستای تسلط تفکر مردسالارانه و چارچوب سنتی برای حفظ خانواده حتی با تبلیغ برای چند همسری فعالیت می کردند. در همین دوره تهاجم سراسری به فعالان حقوق زن و تشکل های غیر دولتی زنان که برای توانمند سازی زنان با نگرش برابری خواهانه فعال بودند، صورت گرفت و زنان مورد بازداشت، محاکمه و زندان قرار گرفتند و تشکل های غیر دولتی آنها نیز پلمپ شدند. زنان در مصدر کار اعم از دولتی و نمایندگان مجلس تحکیم کننده قوانین نابرابر شدند و طرح های مشترک با صندوق جمعیت و سایر آژانس های سازمان ملل متحد در ایران متوقف شدند. مسئول مرکز امور زنان و خانواده رسماً در سالی که به این پست گمارده شد اعلام کرد که به هیچوجه پایبند به هیچیک از پیمان ها و کنفرانس های بین المللی زنان نیستند و به مدت سه سال هم هیچ نماینده ای را به کمیسیون مقام زن اعزام نکردند. بنابراین فعالان حقوق زن و برابری خواه جنسیتی با چالش های بیشتری مواجه شدند

محدودیت های ارائه گزارش

در حالیکه بسیاری از تشکل های غیر دولتی و فعالان حقوق زن در بیشتر نقاط جهان در حال انجام تحقیقات ملی و گسترده در مورد اقدامات برنامه عمل کنفرانس یکن طی 15 سال اخیر بودند و در کشور های خود به نقد و بررسی می نشستند، محققان و فعالان حقوق زن در ایران فرصت یا امکان کافی برای دسترسی به منابع و کسب اطلاعات نداشتند و یا به دلیل فعالیت های حق خواهانه شان در گیر دادگاه و زندان بودند. به همین دلیل امکان انجام تحقیقاتی وسیع و علمی در سراسر کشور ایران برای تشکل های غیر دولتی دشوار بود. در عین حال آمارهای دولتی نه تنها چندان قابل اتکا نیستند بلکه عمدتاً فاقد تفکیک جنسیتی هم هستند.

به رغم این محدودیت ها، گروهی از فعالان و اعضای تشکل های غیردولتی گرد هم جمع شدند تا با توجه به ظرفیت و توان خود، مسائل و مشکلات و خواسته های زنان ایران را شناسایی و راه حل های آنها را جستجو کنند. به این منظور در سال 2007 میلادی، تعدادی از تشکل های غیر دولتی زنان گرد هم آمدند و علیرغم همه محدودیت های فعالیت برای تدوین خواسته های زنان تحت عنوان منشور زنان، اقدام به تحقیقی کیفی با تشکیل نشست هایی با زنانی از همه اقشار و گروه های سنی (زنان شاغل کارمند و کارگر، خانه دار، فعالان مدنی و سیاسی، و دختران جوان) که تا حدی در سطح کشور؛ منطقه مرکزی، شمالی، و جنوبی توزیع مناسب داشته باشند، به شناسایی مشکلات زنان و راه کارهای مورد نظر آنان از طریق روش بحث گروهی اقدام کردند. آنچه که در این گزارش آمده است حاصل بررسی های علمی جمعی زنان و مصاحبه با زنان فعالی است که در سالهای پس از کنفرانس یکن در عرصه های اجتماعی فعال بودند.

این گزارش حاوی چالش های زنان و خواسته های آنان است. بخش خواسته های زنان عمدتاً همان متن منشوری است که پیش نویس آن در سال 1385، توسط جمعی از زنان حقوقدان، محقق، نویسنده، دانشگاهی، معلم، فعال مدنی با استناد به همان تحقیق کیفی تدوین شد و به نظر خواهی گذاشته شد و در بهار 1388 نهایی شد. این خواسته ها در 14 ماده تنظیم شده است که 12 محور یکن را پوشش می دهد. در بازنویسی این منشور برای ارائه در این گزارش چند نکته جدید نیز اضافه شده است.

چالش های زنان

چالش های اساسی زنان در ایران به مانند همه کشورها ریشه در سنت ها و قوانین مرد سالارانه دارد که در همه عرصه ها، از خانواده تا مشارکت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خود را نشان می دهد. وجود خشونت های خانگی و انکار آن از سوی صاحبان قدرت و قانونگذاران و بستن فضاهای سیاسی برای مشارکت فعال زنان در همه عرصه های تصمیم گیری، قرن ها بر ایران سایه افکنده و شاهد مبارزات زنان برای تغییر این فضاها بوده است. عمر کوتاه دوره اصلاحات در ایران به مبارزات زنان شکل فعالیت های توسعه ای داد اما منجر به تغییرات اساسی نشد. از اینرو مبارزات زنان نیز شکل جدیدی به خود گرفت. انتخاب شیرین عبادی به عنوان برنده نوبل صلح، جان تازه ای به مبارزات زنان بخشید. پس از آن بود که جمع هم اندیشی زنان برای شکل دادن فعالیت های جمعی زنان شکل گرفت، و تجمع های گوناگون زنان در اعتراض به خشونت، قانون و اقدامات تبعیض آمیز تشکیل می شدند. در این ایام بود که بزرگترین تجمع که حدود 6 هزار نفر را گرد خود آورد، حول اعتراض به تبعیض علیه زنان در قانون اساسی برگزار شد.

پس از روی کار آمدن دولت احمدی نژاد، بحث زنان درباره تبعیض در قانون ادامه یافت و منجر به تجمع دیگری در اعتراض به نابرابری در قوانین مدنی شد. هرچند این تجمع به خشونت کشیده شد و زنان زیادی بازداشت و دادگاهی شدند، اما بحث زنان در باره چگونگی طرح تبعیضات قانونی ادامه یافت و به شکل گیری کمپین یک میلیون امضا منجر شد. این کمپین، قوانین تبعیض آمیز زنان را شناسایی و نسبت به جمع آوری امضا در همه مناطق کشور و از میان همه اقشار جامعه اقدام کرد. این حرکت نیز تحمل نشد و بسرعت زنان و مردانی که در مراکز عمومی و با زدن در خانه مردم به جمع آوری امضا اقدام می کردند و گزارش های آن را منتشر می کردند، با سرکوب و بازداشت و محاکمه مواجه شدند. اما همچنان اقشار مختلف زنان در سراسر کشور به این کمپین

ملحق می شدند و از آن استقبال می کردند.

قوانین تبعیض آمیزی که زنان برای تغییر آن امضا جمع می کنند عبارتند از قوانین مربوط به ازدواج، طلاق، سرپرستی فرزندان، سن مسئولیت کیفری، ارث، دیه، تابعیت، شهادت و قوانین حامی قتل های ناموسی است. در قوانین مربوط به ازدواج، سن دختر 13 سال تمام تعیین شده، و ازدواج دختران در هر سنی منوط به مجوز پدر یا جد پدری است، که این خود باعث تداوم ازدواج های اجباری است. بر اساس قوانین مدنی، ریاست خانواده بر عهده شوهر است و در ازدواج دائم، نفقه زن به عهده شوهر است و هر گاه زن بدون مانع مشروع، از روابط جنسی امتناع کند، نفقه به او تعلق نمی گیرد، که این امر تشدید کننده و حمایت کننده انواع خشونت های شوهران به زنان است. زن از نظر محل اقامت تابع اقامتگاه شوهر است و زن باید در منزلی که شوهر تعیین می کند اقامت کند. طبق قانون مدنی شوهر می تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود یا زن باشد منع کند که عمدتاً عاملی برای جلوگیری از استقلال اقتصادی زنان است. طبق قانون گذرنامه، زن برای دریافت گذرنامه نیاز به مجوز شوهر خود دارد. طبق قانون مدنی، مرد میتواند با پرداخت مهریه هر موقع دلش خواست بدون نیاز به اثبات تقصیر زن در دادگاه، او را طلاق بدهد اما زن برای درخواست طلاق باید ثابت کند که به دلایل متعدد از قبیل اعتیاد همسر، ترک منزل، ندادن مستمر نفقه، بیماری صعب العلاج مرد، محکومیت به زندان برای مدت پنج سال، زندگی برای زن غیر ممکن است و عمدتاً اثبات این دلایل در دادگاه ها بسیار مشکل است. طبق قانون مدنی، پدر و جد پدری حق ولایت بر فرزندان را دارند و این در کنار مواد قانون مجازات اسلامی که در آن تصریح شده است که پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی شود، تضمین کننده قتل های ناموسی توسط پدر و یا خانواده پدری است البته در همین قانون مجازات اسلامی هم به مرد مجوز داده شده است که در صورتی که مردی همسر خود را در حال زنا با مرد دیگری ببیند و مطمئن شود که زن نیز تمکین کرده است می تواند در همان حال آنان را به قتل برساند. حق حضانت مادر بر فرزند در صورت جدایی از همسر فقط تا هفت سالگی است و پس از آن اولویت حق حضانت با پدر است. در تمام مواد قانون مجازات اسلامی، دیه زن نصف دیه مرد تعیین شده است. در قوانین آئین دادرسی، در برخی از موارد زنان حق شهادت ندارند و در بقیه موارد شهادت زن نصف شهادت مرد تعیین شده است. طبق قانون مجازات اسلامی، پوشش زنان در انظار عمومی اجباری است و در صورت عدم رعایت آن با حبس و یا جریمه نقدی روبرو خواهند شد.

در کنار این کمپین، فعالان حقوق زن، کمپین های متعددی در پاسخ به نیازهای فوری از جمله مقابله با لایحه خانواده تشکیک دادند. این لایحه درصدد تثبیت چند همسری مردان حتی بدون اجازه زنان بود. مبارزات زنان کمپین "نه به لایحه خانواده" تصویب آن را دو سال به تاخیر انداخت. اما مجدداً در سال جاری این لایحه در مجلس به بحث گذاشته شد. کمپین ضد سنگسار نیز از جمله کمپین هایی بود که با سنگسار زنان به مقابله پرداخت. در قانون مجازات اسلامی، زنان همسر داری که خارج از روابط زناشویی، دارای روابط جنسی هستند به سنگسار محکوم می شوند. کمپین ضد سنگسار درصدد بود که زمینه های چنین روابطی را از بین ببرد نه زنان را که خود قربانی تبعیض هایی هستند که ناخواسته به این روابط کشیده می شوند. علاوه بر آن، بسیاری از زنان محکوم به سنگسار، در دادگاه هایی محاکمه می شوند که دادگاه عادلانه نیستند و قضات، یکسویه با نگرشی سنتی و مردسالارانه، آنها را به سنگسار محکوم می کنند.

از عمده ترین چالش های زنان، موضوع خشونت های خانگی است که قوانین تبعیض آمیز نیز در کنار همه عوامل اقتصادی و فرهنگی از آن حمایت می کند. در حالی دولت ایران به انکار خشونت خانگی می پردازد که به گواه یک تحقیق میدانی در سال 1383، 66 درصد زنان در طول زندگی مشترک خود یکبار مورد خشونت قرار گرفتند. در تحقیق کیفی انجام شده برای یافتن مشکلات زنان، زنان در مباحث گروهی کاملاً تأکید داشتند که آنها مورد تبعیض در خانه، در محیط کار و در جامعه قرار می گیرند. آنها از خشونت های فیزیکی و روانی ابراز نارضایتی می کردند. بسیاری از زنان از چند همسری دائم و موقت شوهران خود در عذاب بودند. و همه اینها که حمایت قانون را پشت خود دارد، منجر به احساس ناپاوری و ناتوانی در زنان آسیب دیده از قوانین تبعیض آمیز می شود. در این نشست ها زنان تأکید داشتند که افسردگی در زنان آمار بالایی دارد اما چون به آن توجه نمی شود جایی در آمار پیدا نمی کند. آنها به بالا بودن میزان خودکشی ها و خودسوزی زنان بخاطر فشارهای مردسالارانه در خانه و اعمال خشونت ها اشاره داشتند که هیچ پناهی در قانون و در جامعه برای آنها در نظر گرفته نشده است.

فرصت های برابر آموزش نیز از جمله عرصه هایی است که پس از سالها مبارزه، مجدداً از دست زنان ربوده شد و قوانین محدود کننده ادامه تحصیل زنان در سطوح آموزش عالی بجزبان افتاد. دختران به دلیل نیم انسان بشمار آمدن و در جهت اثبات هویت و توانایی های خود و در سایه فرصت هایی که خانواده ها برای آنها ایجاد کرده بودند و با تلاش های بسیار زیاد به امید اینکه تحصیل، امکانات برابر زندگی برای آنها بدنبال خواهد داشت، در سال 1385 موفق شدند که 65 درصد ورودی دانشگاه ها را به خود اختصاص دهند، هر چند همچنان قوانین دست و پاگیر ضد زن و سنت های رایج اجتماعی، مانع می شد که نسبت فارغ التحصیلان دختر در همین حد باقی بماند، اما صاحبان قدرت این برتری دختران را تاب نیاوردند و اقدام به سهمیه بندی جنسیتی برای ورود به آموزش عالی کردند. این سهمیه بندی جنسیتی در بسیاری از رشته ها اعمال شد و در کنار آن با سهمیه بندی های بومی مانع ورود بسیاری از دختران به آموزش عالی شد در شرایطی که نسبت به پسران پذیرفته شده در دانشگاه ها از برتری علمی برخوردار بودند.

فرصت های نابرابر زنان و دختران از امکانات فرهنگی و ورزشی از مباحث دیگری است که در همه نشست های گروهی، زنان به آن تاکید داشتند. در شهری همچون تهران تعداد مراکز ورزشی برای دختران به مراتب کمتر از مراکز ورزشی برای پسران است چه برسد به شهرهای کوچکتر و دورافتاده تر که اساسا در برخی از آنها هیچ ورزشگاهی برای زنان وجود ندارد. گاهی در برخی از شهرها امکانات ورزشی بین مردان و زنان از نظر ساعت و روزهای قابل استفاده تقسیم می شود که ساعات نامناسب همواره به زنان تعلق می گیرد که امکان استفاده از آن را پیدا نمی کنند. توجه نامناسب به ورزش عمومی زنان، به گونه ای است که طبق آمار سال 1387، 76% دختران دبیرستانی دچار ناهنجاری قامتی هستند.

هر چند سیستم بهداشت در ایران قدمت زیادی دارد و همین خود باعث بهبود شاخص های بهداشتی در ایران بوده است، اما همین سیستم بهداشت برای زنان تبعیض آمیز است، بویژه در امر بهداشت باروری که بار مسئولیت آن بر دوش زنان است و مراکز بهداشت به گونه ای سازماندهی شده است که عمدتا زنان برای پیشگیری از بارداری ناخواسته ترغیب می شوند و خشونت های اعمال شده بر زنان اصلا در این مراکز مورد توجه قرار نمی گیرند. انکار ایدز و شیوه های انتقال آن در سطح کشور و آسیب پذیر بودن زنان بویژه با توجه به قانونی بودن ازدواج موقت برای مردان، زنان را بیشتر در معرض این بیماری قرار می دهد و از آنجا که درک درستی در جامعه نسبت به آن وجود ندارد زنان مبتلا به ایدز از ابراز بیماری و اقدام به درمان خودداری می کنند. به همه اینها باید به خصوصی شدن درمان اشاره داشت که با توجه به فرهنگ زنان که عمدتا به سلامت خود پس از تامین همه نیازهای خانواده اقدام می کنند، و دسترسی کمتر آنها به امکانات مالی باعث می شود که بسیاری از زنان به درمان های بموقع خود توجه نکنند.

وضعیت اقتصادی ایران بیشترین فشار را بر زنان تحمیل می کند. آمارهای اقتصادی و میزان تورم و تاثیر آن در اشتغال در ایران به هیچوجه قابل ارجاع و استناد نیست. اما واقعیت روزمره که مردم آن را با گوشت و پوست خود احساس می کنند، رشد فقری است که آثار همه جانبه آن بر زنان مشهود است. زنان که در مشاغل کم درآمد بیشتر اشتغال دارند، با بسته شدن کارخانجات و فلج شدن سیستم اقتصادی اولین کسانی هستند از کار بیکار می شوند و یا حاضر به ادامه کار با درآمدهای بسیار پائین هستند. در کنار این باید به اثر بیکار شدن مردان که نان آور خانه هستند بر دختران و زنان در خانه اشاره کرد. گزارش های متعددی از افزایش میزان خود فروشی دختران و زنان حتی در روزنامه های دولتی به چاپ می رسند. اعتیاد که یک معضل اجتماعی است و اساسا به زمینه های از بین بردن آن نیز توجه نمی شود، باعث رشد فقر در خانواده و تحمیل خود فروشی و فقر چند جانبه بر زنان می شود. این فقر خانمان سوز زنانه با حمایت های قانون از مرد خانواده و معضلات بر سر حق طلاق زنان و عدم توجه به خشونت های خانگی و خشونت در محیط کار که بر زنان تحمیل می شود، برای زنان به معنای نابودی نسل های پی در پی است.

معضل اساسی فقر در ایران نه کمبود منابع، بلکه تجمع ثروت و قدرت به شکلی کاملا محدود است. این تجمع ثروت موجب شده است تا زنان و کودکان که با انواع تبعیض مواجهند، در قاعده هرم اجتماعی قرار بگیرند و تزییقات در مورد آنها شدید باشد. این تمرکز گرایی از نظر جغرافیایی، موجب عقب ننگ داشتن اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی مناطقی شده است که اقوام متنوع ایرانی در آن حضور دارند. عقب نگهداشتن این مناطق شدت تبعیضات و تزییقات را برای زنان در اقوام که تحت فشارهای بیشتر کلیشه های جنسیتی هستند، چند برابر می کند. مهاجرت مردان در جستجوی کار از روستاهای این مناطق و خالی شدن از سکنه یا پیر نشین شدن آنها، و رها شدن زنان در این روستاها با کوله باری از مشکلات، تنها یک نمونه کوچک حاصل تمرکز ثروت و قدرت است.

با این وجود مشارکت اقتصادی زنان در آمارهای رسمی هم نه تنها بسیار پائین است بلکه برای پائین ننگ داشتن آن اقدامات اساسی انجام می شود. آمار سال 2010 حکایت از این دارد که زنان 12 درصد از فعالیت های اقتصادی را در دست دارند. سهم زنان ایران در مدیریت و قانونگذاری در کشور، طبق آمار سازمان ملل در 2008، 16 درصد است که این آمار رتبه 101 را در بین 120 کشور جهان به ایران داده است. اما آمار دیگری سهم زنان در مدیریت ارشد جامعه را تنها 5/2 درصد اعلام کرده است.

بسیاری از کارشناسان نداشتن خودباوری، سلطه مردانه محیط های کار، ندادن فرصتهای برابر شغلی از سوی کارفرما، تبعیض های قانونی در آزاد بودن انتخاب نوع و محل کار، و عوامل اجتماعی و فرهنگی را در سهم اندک زنان در اقتصاد و مدیریت موثر می دانند، اما نگرش کلی دولت سنت گرای ایران در پنج ساله اخیر نیز دلیلی بوده است بر اینکه زنان نتوانند در رقابتهای کاری بر مردان پیشی بگیرند. نمونه این تبعیض ها کاهش ساعتهای کاری زنان نسبت به مردان به دستور وزیر فرهنگ دولت نهم، و ممنوعیت کار زنان در ساعات اضافه کاری است. به همه اینها باید ادبیات حاکم بر رسانه های حکومتی و در صدر آنها صدا و سیما جمهوری اسلامی را افزود که به طور دائم مبلغ خانه داری زنان است و اصولا همسر داری و مادر بودن برای زنان را مهمتر از داشتن ویژگی های دیگر او به عنوان یک انسان می داند و چنان زن را در سایه این دو ویژگی مهم می داند، که گویی اگر این دو ویژگی از او گرفته شود زن را اعتبار انسان بودن ساقط می شود!

حقوق بشر زنان در کشور ایران که دچار نقض گسترده و نظام مند حقوق بشر است خود حکایت دیگری دارد. نه تنها قوانین تبعیض آمیز، حقوق زنان را به کلی منکر می شود، بلکه در عمل نیز ابتدایی ترین حقوق تضمین شده

قانونی زنان از آنان دریغ می‌شود. به لحاظ قانونی زنان حق رئیس جمهور شدن و قاضی شدن ندارند و شهادت آنها نصف شهادت مردان است. حجاب اجباری، زنان را از انتخاب حق پوشش محروم کرده است. هنوز کودکان بزهکار زیر 18 سال علیرغم پیوستن ایران به پیمان حق کودک حکم اعدام دریافت می‌کنند و اعدام می‌شوند. روزنامه‌ها عملاً از درج اخبار مربوط به جنبش زنان و حقوق آنها منع شده‌اند. مجلات ویژه زنان از جمله اولین مجلاتی بودند که بسته شدند. در کشوری که بزرگترین سانسور علیه آزادی بیان در جریان است، وب سایت‌های زنان بیش از سایر وب سایت‌ها از دسترس خارج می‌شوند. در ایران که اکثر تجمع‌های مسالمت‌آمیز با خشونت مواجه می‌شوند، زنان حتی حق جمع شدن در منزل‌های خود را هم ندارند و با احضار، بازداشت، محاکمه و زندان مواجه می‌شوند.

در ایران که کشوری است با تنوع فرهنگی و قومیت‌های متعدد، حقوق قومیت‌ها به رسمیت شناخته نمی‌شود و حتی حق تحصیل به زبان مادری که در قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است، از آنان سلب می‌شود، و این خود باعث می‌شود تا زنان در قومیت‌ها آسیب بیشتری ببینند. چرا که همین منع تحصیل به زبان مادری، افت تحصیلی را در میان دختران در اقوام افزایش می‌دهد و اعتماد به نفس آنها را کاهش می‌دهد. به همین دلیل توانایی زنان در اقوام برای ابراز وجود خود بشدت آسیب دیده است. از سوی دیگر مقابله با اقوام از سوی حاکمیت مرکزی، باعث می‌شود که بسیاری از زنان آگاه به تبعیض‌های رایج علیه زنان، برای حفظ وحدت در میان مردم قوم خود، دست از مبارزه با کلیشه‌های جنسیتی بکشند و این خود باعث به تأخیر افتادن رفع تبعیض از زنان و قوام یافتن ستم بر زنان در اقوام می‌شود باید به این نکته از چالش زنان در اقوام نیز اشاره کرد که یکی از دل‌نگرانی‌های جدی زنان در اقوام، وجود تنش‌ها و یا واگرمی از ایجاد تنش‌های بین قومیت‌هاست که دولت برای منحرف کردن مسائل قومیت‌ها، بذر کینه را در میان اقوامی که در جوار هم ساکن هستند، می‌کارند، به طوری که این اقوام در برخی موارد، یکدیگر را مسئول بدبختی‌های خود می‌دانند. بزرگترین متضررین این منازعات احتمالی، زنان و کودکان هستند. شدت بخشیدن به برخی از طرح‌های دولت در آموزش نیز هر چند ظاهر توجه به مناطق کمتر توسعه یافته را دارد اما عملاً مانع تحرک دختران و زنان در اقوام می‌شود و این خود از رشد آنها جلوگیری می‌کند. از جمله این طرح‌ها باید به سهمیه بندی مناطق برای ورود به دانشگاه‌ها اشاره کرد که عمدتاً باعث می‌شود که دختران در همان مناطقی که دنیا آمده‌اند و زندگی می‌کنند وارد دانشگاه بشوند و این منجر به محدودیت بیشتر آنها شده است.

خواسته‌های زنان

ماده 1: برابری برابری و رفع تبعیض از زنان جوهر و شالوده مطالبات ما زنان و شهروندان ایران است که در میان طبقات و گروه‌های اجتماعی مختلف بیش از یک قرن برای دستیابی به حقوق و آزادی‌های فردی و شهروندی مبارزه کرده‌اند. ما بر این باوریم که برابری جنسیتی لازمه دستیابی به آزادی و عدالت، این دو آرمان همیشگی جامعه ایرانی است. برابری اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و حقوقی پنج رکن به هم پیوسته و غیرقابل تفکیک‌اند. ما زنان به عنوان شهروندان ایران خواستار آنیم که از حقوق، آزادی‌ها و فرصت‌های برابر با مردان در خانواده، محل کار، محیط اجتماعی و سیاست برخوردار باشیم. ما ضمن آنکه خواهان مشارکت کامل و برابر در بنای جامعه آزاد و بدون تبعیض ایران دوشادوش مردان هستیم، می‌خواهیم از طریق تحقق مفاد این منشور از لطمه‌های بزرگ اجتماعی و اقتصادی‌ای که بر اثر بی‌توجهی به نقش زنان بر کل جامعه وارد می‌شود جلوگیری کنیم.

حکومت شامل نظام قانونگذاری، قضائیه و مجریه باید ساز و کار ویژه‌ای برای تضمین تحقق عملی اصل برابری در همه سطوح ایجاد کند. نهادهای مدنی بر آمده از دل مردم و گروه‌های اجتماعی مشروع‌ترین محیط برای تغییر جهت وصول به اصل برابری‌اند. رسانه‌ها محیطی برای شنیده شدن صداهای زنان‌اند که نقشی محوری در عمومی کردن و فرهنگ سازی در جهت رفع تبعیض و نهادینه کردن اصل برابری بر عهده دارند و نهایتاً بخش خصوصی و نهادهای صنفی مرتبط با آن به عنوان یکی از ارکان انباشت سرمایه اجتماعی و مادی می‌تواند در رفع تبعیض از زنان و پیشبرد اصل برابری بسیار موثر باشد.

برای دستیابی به برابری لازم است اقدام‌های کلیدی زیر برای تضمین عملی منشور صورت گیرد:

- 1- اصول 19، 20، 21 و 115 قانون اساسی باید براساس اصل برابری جنسیتی اصلاح شوند.
- 2- کمیسیون عالی زنان مرکب از نمایندگان سه قوه، فعالان جامعه مدنی، اصناف، گروه‌های مختلف اجتماعی، و رسانه‌ها باید طراحی شود که هدف آن سیاستگذاری برای نهادینه سازی و اجرایی کردن اصل برابری و رفع موانع و بازنگری روند تحقق برابری جنسیتی مطابق با خواسته‌های منشور زنان باشد.
- 3- برای تحقق اصل برابری لازم است نظام بودجه بندی، و برنامه‌های توسعه و نحوه تخصیص و صرف بودجه با رویکرد تفکیک جنسیتی طراحی شود 4- اجرا و نحوه صرف بودجه‌های جنسیتی باید تحت نظارت کارشناسان و نهادهای مدنی زنان قرار گیرد.

5- نهادهای دولتی موظفند دسترسی آزاد به اطلاعات را جهت تضمین اصل برابری در سیاستگزاری ها و برنامه ها برای نهادهای مدنی و کارشناسان جنسیت ایجاد کنند.

ماده 2: قانون و ساز و کار قضایی

در یک نگاه کلی، قوانین مدنی، جزایی، استخدامی و کار و تامین اجتماعی، حاوی تبعیض های جنسیتی فراوان است. قوانین خانواده به عنوان اصلی ترین منبع حقوقی حاکم بر زندگی زنان در برگیرنده نابرابری های زیادی است. از جمله اینکه مرد، رییس خانواده، ولی و سرپرست آن به شمار می رود و در مقابل تامین نفقه زن و فرزندان، تصمیم گیری های مهم خانواده، از جمله تعیین محل اقامت، تعیین تعداد فرزندان، اشتغال یا عدم اشتغال زن، دفعات و نوع برقراری رابطه جنسی، اداره اموال فرزندان غیر رشید، صدور یا عدم صدور اجازه ازدواج دختر باکره خود و... از اختیارات غیرقابل تفویض اوست. همچنین در حالی که عملاً در بسیاری از خانواده های ایرانی، نان آوری، بین زن و مرد تقسیم شده یا حتی منحصر بر دوش زنان قرار دارد، باز هم با همین توجیه، ارث و دیه زنان، در موقعیت های مختلف به طور کلی نصف مردان است و نیز در قوانین استخدامی، زنان از مزایای برابری چون فوق العاده عائله مندی یا حق مسکن برخوردار نیستند. طبق قوانین خانواده، تعدد زوجات برای مردان قانونی است، زنان از حق طلاق برابر با مردان برخوردار نیستند و سن ازدواج دختران، 13 سال تعیین شده است. همچنین در آیین دادرسی و قوانین جزایی، شهادت زنان، نیمی از شهادت مردان ارزش دارد، سن مسئولیت کیفری دختران 9 سال قمری (8 سال و 9 ماه) است در حالی که این سن، برای پسران 15 سال و طبق کنوانسیون حقوق کودک، 18 سال است. هنوز هم زنان نمی توانند به تنهایی قاضی صادر کننده رای باشند و تنها در دادرسیها و در برخی از دادگاهها، رای آنها می تواند به رای قضات مرد منضم شود یا از سوی دادستان تایید گردد.

برای احقاق حقوق قانونی زنان اقدامات زیر ضروری است:

- 1- زنان خواستار برابری در تدوین، تفسیر و اجرای قانون هستند. تنها از این طریق قوانین موجود براساس موقعیت فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زنان بازنگری شده و اصل برابری در سیاست و خط مشی همه ارکان تصمیم ساز کشور محقق می شود.
- 2- قانون باید تحقق عملی برابری زنان و رفع تبعیض از آنان را ترویج کرده و تضمین نماید. برابری زنان در برابر قانون باید در تمامی روندهای قانونی، اجرایی و سیاستگزاری و قضایی و شبه قضایی مد نظر قرار گیرد.
- 3- دولت ایران موظف است به کلیه قراردادهای، و تعهدات بین المللی در جهت رفع تبعیض و خشونت علیه زنان که به آنها پیوسته متعهد بماند و تحقق عملی آنها را ممکن سازد. دولت همچنین موظف است بدون شرط تحفظ به کنوانسیون ها و معاهدات بین المللی ای همچون «کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» بپیوندد که هدف آنها تحقق اصل برابری در جوامع انسانی است.
- 4- زنان باید به گونه ای برابر در نهادهای مرتبط با قانون اساسی، قوه قضائیه، قضات، تمامی دادگاه ها، و کمیسیون ها از جمله کمیسیون های حقوقی و قضایی و وزارت دادگستری مشارکت کرده و در آنها نماینده داشته باشند.
- 5- قوانین ازدواج، طلاق، ارث، و بازنشستگی زنان باید با در نظر گرفتن نقش مستقیم و غیر مستقیم زنان در اقتصاد و در آمد خانواده به نفع زنان تغییر کند و با مردان برابر شود.
- 6- زنان در همه گروه های اجتماعی به شدت با چند همسری و صیغه مخالف اند. از این رو لازم است که صیغه و تعدد زوجات منسوخ شود.
- 7- قوانین مربوط به حضانت و نیز عدم برخورداری فرزندان زنان شاغل از مزایای بازنشستگی مادر پس از فوت باید تغییر کند. همچنین باید قوانین ویژه ای برای زنان شاغلی که درآمد خود را صرف خانواده می کنند، به ویژه به هنگام طلاق و یا فوت به تصویب برسد.
- 8- قانون کار باید به نفع زنان تغییر کند و حق اولاد و حق مسکن و سایر حقوق به زنان تعلق گیرد.
- 9- قوانینی که دخالت پلیس و نیروهای انتظامی به حریم فردی و خصوصی شهروندان اعم از زن و مرد را مجاز می دارد، باید ملغی شوند.
- 10- قوانینی که قتل و هرگونه تعرض به زن را توسط شوهر، و سایر وابستگان نسبی و سببی تسهیل می کند، باید ملغی شوند.
- 11- قوانینی که مجازات زنان را به خاطر نوع پوشش و معاشرت آنها مجاز می دارند، باید ملغی شوند.

12- موانع قانونی در راه ادامه تحصیل دختران در خارج که به کسب اجازه از پدر موقوف شده است، و در داخل که با مانع سهمیه بندی جنسیتی و بومی سازی مواجه شده است، باید مرتفع گردد.

13- نهادهای حکومتی، بخش خصوصی، رسانه ها و نهادهای جامعه مدنی باید برنامه های آموزشی فراگیر برای رفع تعصب و کلیشه های جنسیتی و نیز ترویج برابری زنان از نظر حقوقی تدوین کنند.

14- دادگاه ها و نهادهای صنفی مرتبط با مسائل حقوقی موظف اند به همه زنان خدمات حقوقی و قانونی رایگان در هنگام دعاوی حقوقی ارائه دهند.

15- آموزش قوانین حقوقی جمهوری اسلامی (قانون ارث، ازدواج و طلاق، تعدد زوجات، و نفقه) به زنان باید توسط نهادهای دولتی و سازمان های غیر دولتی جهت آگاهی و اشراف آنها به هنگام ازدواج، اختلافات خانوادگی، محاکم و دادگاه های خانواده و نیز اطلاع از نابرابری ها و تبعیض ها و موانع موجود در قوانین و عرف و فرهنگ اجباری شود.

ماده 3 : خشونت علیه زنان

خشونت یکی از مهمترین موانع دستیابی به برابری و رفع تبعیض از زنان و اعتلای شخصیت زن در جامعه است. نیمی از زنان ایرانی حداقل یکبار در عمر خود در معرض خشونت فیزیکی واقع شده اند. آمار خشونت های روانی، کلامی، و مالی بسیار بیش از خشونت فیزیکی است. نظام تبعیض آمیز قانونی و سیاسی و اجتماعی در ایران خشونت علیه زنان را نهادینه و تشویق می کند. زنان از یکسو در معرض خشونت خانواده و اجتماع قرار دارند و از سوی دیگر در معرض خشونتی که از سوی قانون و نهادهای حکومتی بر آنها اعمال می شود. همچنین باید تاکید کرد که بسیاری از زنان شناخت درستی از خشونت علیه زنان ندارند و بسیاری از مواردی را که منجر به سلب حقوق آنها می شود، طبیعی می انگارند.

برای تغییر این وضعیت اقدامات زیر ضروری است:

1- نهادهای حکومتی باید کلیه قوانین و رویه ها و سیاست هایی را که تمهیدات اعمال خشونت علیه زنان را فراهم و به آن دامن می زنند، برچینند.

2- خشونت علیه زنان و تشخیص انواع آن و راه های رهایی از آن باید به زنان آموزش داده شود.

3- هر نوع سیاستگذاری، قانونگذاری و رویه ای که به طور مستقیم و غیر مستقیم خشونت علیه زنان و کودکان را از طریق دامن زدن به جنگ افروزی، ایجاد شرایط جنگی و ناامن برای زنان، مناقشات مسلحانه یا دامن زدن به آن، آواره شدن زنان از خانه و کاشانه و محل سکونت، تسهیل خطر حمله نظامی، حمله اتمی، شیمیایی، موشکی، حملات مقطعی نظامی، چریکی، یا هر نوع اقدام دیگری که زندگی جسمانی و روانی و بهداشت و سلامتی زنان را به خطر انداخته، خطر تجاوز به زنان و کودکان آنها را در پی داشته باشد، باید هر چه سریعتر متوقف شود.

4- قانون مجازات خشونت علیه زنان در خانواده، جامعه و محیط های کار و نیز قانون مجازات خشونت علیه کودکان به ویژه دخترچه ها باید توسط قانونگذار و با کمک نهادهای مدنی تدوین شود.

5- خانه های امن برای زنان خشونت دیده متأهل و مجرد به وسیله سازمان های غیر دولتی زنان باید ایجاد شده و تحت حمایت مالی دولت قرار گیرند.

6- نهادهای حکومتی، رسانه ها، و جامعه مدنی و بخش خصوصی باید آموزش های فرهنگی و سیستم های پیشگیری از خشونت را به دانش آموزان در سطوح مختلف تحصیلی، مردان، زنان و خانواده ها ارائه کنند.

7- نهادهای حکومتی و جامعه مدنی باید عوامل خود سوزی زنان را از میان برداشته و شرایط روان درمانی و حفاظت از زنان و دختران آسیب دیده را تأمین کنند.

8- نهادهای حکومتی، جامعه مدنی و بخش خصوصی موظف اند از عوامل موثر در تجاوز به زنان و دخترچه ها به ویژه کودکان کار جلوگیری کرده و کار کودکان و به ویژه دختر بچه ها را ممنوع کنند.

9- قانون باید به طور جدی زمینه های تجاوز محارم به کودکان به ویژه به دختران و دخترچه ها را از میان برده و با فرهنگ پنهان سازی تجاوز از ترس یا برای حفظ آبرو که موجب تداوم آن می شود مقابله کند.

10- نهادهای حکومتی، مدنی، و رسانه ها باید با هر گونه ترویج و اعمال خشونت مستقیم و غیر مستقیم در

خانواده (توهین، تحقیر، محرومیت از کار و تحصیل، ازدواج اجباری و جز اینها) مقابله کنند.

11- نهادهای حکومتی باید با هر گونه خشونت مأمورین دولتی با زنان که تحت عنوان طرح های مقابله با اشکال مختلف پوشش زنان در کلیه فضاها عمومی و رسمی اعمال می شود، مقابله کنند.

12- قانون باید عدم رسیدگی و بی حرمتی و خشونت به سالمندان به ویژه زنان سالمند را از نظر قضائی قابل تعقیب دانسته و با آن مقابله کند.

13- نهادهای دولتی موظف اند شبکه های حمل و نقل ایمن را برای زنان و به ویژه دختران جوان فراهم آورده و کلیه عوامل ایجاد نا امنی در فضای عمومی را از میان ببرند.

14- نهادهای دولتی و بخش خصوصی موظف اند امنیت محیط های کار را برای زنان تضمین کنند و شرایط ایجاد خشونت علیه زنان را در محیط های کاری از بین ببرند.

15- نهادهای دولتی موظف اند موسسات و واحدهای مددکاری را جهت ارتقا سطح آگاهی و حل مشکلات روانی زنان به صورت رایگان ایجاد کرده و آنها را بهبود بخشند.

16- رسانه ها باید اشکال مختلف خشونت و تعرض به زنان در خانواده و فضای عمومی را گزارش کرده و اشکال مقابله با آن را ترویج و تشویق کنند.

ماده 4: خانواده

روابط میان زنان و مردان در خانواده ایرانی نابرابر است. قانون نابرابری در خانواده را در قالب ولایت مرد بر زن و لزوم اطاعت و تمکین زن به رسمیت شناخته است. عرف، تفسیر رایج از مذهب، و فرهنگ نیز زنان را در مناسبات خصوصی فرور از مردان قرار می دهد. در مناطق محروم ازدواج های اجباری رایج است. همچنین ازدواج در سنین پایین در بسیاری از مناطق باعث به مخاطره افتادن سلامت زنان و بارداری های ناخواسته، کاهش حق کنترل زنان بر زندگی و فرودستی مضاعف آنها شده است. قانون نیز حق بی چون و چرای شوهر را بر بدن زن به رسمیت می شناسد. انواع مختلف خانواده ها از نظر قانون و عرف به رسمیت شناخته نمی شوند و در نتیجه از حقوق، وظایف و منافع یکسان برخوردار نیستند. از نظر عرف و قانون، زنان جز در صورت فوت همسر یا طلاق سرپرست خانواده به حساب نمی آیند. زنان در طی ازدواج و زمان انحلال از حقوق برابر با مردان و در صورت عدم ثبت ازدواج که در برخی مناطق رایج است و ازدواج ها به صورت شرعی انجام می شود، از حق ارث و نفقه برخوردار نیستند. مسئولیت های خانگی حتی در شرایط اشتغال تمام وقت زنان به طور برابر تقسیم نمی شود و مردان خانواده به منابع مادی خانواده دسترسی بیشتری دارند. شیوع رسم های ناپسند همچون مداخلات افراد خانواده شوهری، به فرودست شدن زنان منتهی می شود. قانون و عرف زنان خانه دار را از حق برخورداری از امتیازات رفاه اجتماعی محروم کرده و دسترنج زنان خانه دار به حساب آورده نمی شود.

برای تغییر این وضعیت اقدامات زیر ضروری است:

1- زنان باید از حق انتخاب شریک و همسر خود بدون اجبار عرف و قانون برخوردار باشند.

2- حق بدن و تمایل زنان در رابطه جنسی، دفعات و نحوه برقراری آن، بارداری، و سقط جنین باید به رسمیت شناخته شود.

3- نهادهای حکومتی، رسانه ها، جامعه مدنی و بخش خصوصی هر يك به تناسب باید مکانیسم های تشویقی برای ایجاد خانواده برابر، تقسیم مسئولیت های خانوادگی بین تمام اعضای خانواده، افزایش قدرت تصمیم گیری و دسترسی برابر زنان به شاخص های قدرت در خانواده، ایجاد کنند و در مورد عدم دخالت خویشاوندان و عوامل بیرونی در مناسبات خانوادگی فرهنگ سازی کنند. 4- نهادهای حکومتی و رسانه ها باید حق سلامت، حق فراغت و حقوق اقتصادی مادران و زنان خانه دار را به رسمیت شناخته و ترویج کنند.

5- رسانه ها باید روند تغییر تقسیم مسئولیت های بیرون و درون خانه بین زن و شوهر و نقش های جدید تصمیم گیری زنان در خانواده را تشویق و ترویج کنند و تقسیم مسئولیت ها باید به پسران و مردان آموزش داده شود.

6- دولت باید زنان خانه دار، زنان سالمند، و معلول و از کار افتاده را از هزینه معاش کافی و امتیازات رفاه اجتماعی برخوردار کند و آنها را تحت پوشش بیمه های خدمات درمانی، از کار افتادگی و معلولیت قرار دهد.

7- زنان باید به عنوان سرپرست از حق حضانت و ولایت بر کودکانشان، حق انتقال تابعیت به فرزندانشان، و انجام معاملات اقتصادی به نیابت از فرزندان برخوردار باشند.

8- زنان دارای ازدواج های ثبت نشده باید از حق ارث بری یکسان از همسران خود برخوردار باشند.

9- قوانین ازدواج و طلاق و خانواده که به صورت رسوم عرفی یا مذهبی تبعیض آمیز در مورد زنان اقلیت های مذهبی و قومی اعمال می شود، باید براساس اصل برابری اصلاح شود.

10- وظیفه دولت، رسانه ها و نهادهای جامعه مدنی است که محدودیت ها و کنترل های شدید و توأم باخشونت خانواده ها بر روی دختران جوان و مجرد بویژه دانش آموزان و دانشجویان را از طریق وضع قوانین و مقررات و ترویج فرهنگ خانواده برابر و رفتار یکسان با پسران و دختران در خانواده رفع کنند.

ماده 5: آسیب های اجتماعی

توزیع نامتوازن ثروت، گسترش فقر، محرومیت های فرهنگی، قوانین تبعیض آمیز، رواج فساد و سوءاستفاده از شبکه های قدرت در کنار محدودیت ها و کنترل عرفی زنان و دختران به ویژه در مناطق محروم و فرودست بودن آنان در مناسبات خانوادگی، در سال های اخیر آسیب های اجتماعی را در تمام نقاط ایران افزایش داده است. اعتیاد یکی از مهمترین معضلاتی است که زنان به طور مستقیم و غیر مستقیم در معرض عواقب آسیب زای آن قرار دارند. به رسمیت نشناختن فاجعه ایدز توسط نهادهای رسمی و عدم توجه به تجارت جنسی موجب گسترش غیر قابل کنترل ایدز و بیماری های دیگر شده است. فرار دختران، خودکشی، رواج افسردگی و بیماری های روانی، رشد جرائم در میان آنها ناشی از عوامل فوق و ترویج خشونت بر زنان است.

برای رفع آسیب های اجتماعی جنسیت محور لازم است اقدامات زیر اتخاذ شود:

1- دولت و رسانه ها موظف اند تا با گسترش عدالت اجتماعی، رفع تبعیض ها، مبارزه با فساد و خشونت و سوء استفاده از قدرت در همه اشکال آن، زمینه های اجتماعی آسیب هایی همچون اعتیاد، تن فروشی و تجارت جنسی و قاچاق زنان، و بیماری های ناشی از آنها را برطرف کنند.

2- جهت پیشگیری از گسترش آسیب های اجتماعی جنسیت محور لازم است عوامل زمینه ساز در خانواده شامل فقر، اختیارات بی حد و حصر پدر و شوهر در خانواده، خودکامگی مردان و زمینه های تعرض جسمی و روحی به دختران و پنهان کردن این تعرضات در حریم خصوصی محدود شود. در صورت اعتیاد پدر، قانون موظف است اختیارات قانونی او را سلب کند.

3- دستگاه های آموزشی دولتی و غیر دولتی موظف اند در مورد ایدز و اعتیاد و بیماری های ناشی از آسیب های اجتماعی آموزش همگانی را در مقاطع مختلف تحصیلی و نسلی در مناطق مختلف به ویژه در مناطق بحرانی در دستور کار قرار دهند.

4- رسانه ها موظف اند در مورد پیشگیری از ایدز، اعتیاد، و بیماری های ناشی از آسیب های اجتماعی اطلاع رسانی و فرهنگ سازی کنند.

5- دولت موظف است وام ها و تسهیلات ویژه ای را برای توانمند سازی و اشتغال زنان محکوم در حین گذراندن مدت محکومیت و بعد از آن با کمک بخش خصوصی و نهادهای مدنی در نظر بگیرد.

6- دولت موظف است با همکاری نهادهای مدنی خانه های امن برای دختران فراری و زنان معتاد و روسپی فراهم کند و شرایط اشتغال و تحصیل آنها را برای بازگشت به جامعه از طریق اعطای وام های بدون تضمین تسهیل کند.

7- دولت با کمک نهادهای مدنی باید برای پیشگیری از روسپیگری، به جای جرم انگاری آن، با شبکه های تجارت جنسی مقابله کند، زمینه های اشتغال و تأمین اجتماعی زنان قربانی را فراهم کند و با از میان بردن نابرابری های حقوقی آنها با مردان به افزایش منزلت و خود اتکائی و اجتناب از تن فروشی کمک کند.

8- زنانی که در معرض آسیب های اجتماعی قرار دارند، یا می توانند مورد سوء استفاده اعضای خانواده و به ویژه پدر واقع شوند، باید تحت پوشش حمایتی ویژه و کارآی دستگاه های تأمین اجتماعی قرار گیرند و مقررات به نفع زنان آسیب دیده تغییر کند.

9- دولت باید در مورد جلوگیری از تجارت جنسی و فروش و قاچاق دختران و زنان ولو توسط اعضای خانواده تدابیر قانونی ویژه اتخاذ کند.

ماده 6 : آموزش و پرورش و حرفه آموزی

با آنکه تحصیل زنان از جمله عرصه های موثر در افزایش قدرت اجتماعی آنان در ایران بوده است و با آنکه در این حوزه زنان به پیشرفت های چشمگیری حتی در مقیاس جهانی دست یافته اند، اما نظام آموزشی ایران نگاه مردانه ای دارد و بذریعگی علیه زنان را در ذهنیت نسل جدید می نشانند. تبعیض جنسیتی نهادینه درمتون آموزشی در سطوح مختلف ترویج می شود. رشته هایی که برای جذب پسران برنامه ریزی شده بسیار گسترده تر از دختران است. همچنین فضاهای آموزشی تخصیص یافته به دختران به ویژه در شهرهای کوچک تر و مناطق روستائی و عشایری بسیار کمتر از پسران است. اگر ادامه تحصیل به بودجه خانوار ارتباط پیدا کند، تحصیل پسران در اولویت قرار می گیرد. توزیع نامناسب امکانات آموزشی و مخالفت خانواده ها با تحصیل دختران در مکان های دور باعث ترک تحصیل دختران در سطوح راهنمائی و متوسطه می شود که از عوامل ازدواج های اجباری و زود هنگام است. همچنین در سطح آموزش عالی، به رغم تلاش های دختران برای دستیابی به سطوح بالاتر آموزشی، طرح سهمیه بندی جنسیتی و بومی گزینی که توسط حکومت به اجرا در آمده است، دختران را به طور نا عادلانه از دسترسی به رشته و مکان تحصیلی مورد علاقه باز می دارد.

دانشگاه به جای آنکه فضایی برای برخورد آزادانه عقاید باشد، به مکانی برای ترویج نابرابری و تقویت کلیشه های جنسیتی برای آماده کردن زنان برای ایفای نقش زن/مادر خانه دار بدل شده است. محدودیت های روز افزون بر فعالیت های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی دانشجویان و برخوردهای سلیقه ای با نحوه پوشش دانشجویان دختر از شدت گرفتن روند تبعیض نسبت به دختران در سطوح آموزشی حکایت دارد. رشته های مطالعات زنان نه تنها گسترش پیدا نکرده اند، بلکه تحت تأثیر سیاست های جنسیتی حکومت به ابزاری برای توجیه روندهای نابرابر بدل شده اند.

نهادهای نظارتی دانشگاه اقدامات موثری برای جلوگیری از سوء استفاده از دانشجویان دختر توسط مقامات و اساتید دانشگاه ها انجام نمی دهند و دانشجویان دختری که از آنها سلب حیثیت از هیچ مرجعی برای رسیدگی به مشکلات خود برخوردار نیستند. توزیع نا عادلانه تسهیلات رفاهی و آموزشی مانند خوابگاه ها، کتابخانه ها، و غذاخوری ها در میان دانشجویان دختر موجب افت تحصیلی و مشکلات روحی و روانی عدیده ای در میان آنها شده است. در حوزه سیاست ها و رویه ها نیز تبعیض های جنسیتی میان دختران و پسران وجود دارد.

برای برخورداری زنان از آموزش مناسب اقدامات زیر ضروری است:

1- با توجه به زنانه بودن آموزش و پرورش در ایران و توزیع نا عادلانه نیروهای انسانی زن و حاکمیت فضای مردانه، نظام آموزشی باید در کلیه سطوح اعم از مدیریت های محلی تا سطوح عالی سیاستگزاری اصلاح شود تا زنان بتوانند از نقش محوری در سیاستگزاری و تصمیم گیری در امور آموزشی در وزارت آموزش و پرورش برخوردار شوند. زنان باید در تمامی سطوح تصمیم گیری و مدیریت و اداره آموزش و پرورش و حرفه آموزی نماینده داشته باشند.

2- آموزش رایگان دختران و زنان صرف نظر از سن، ملیت و وضعیت تأهل در همه سطوح و برای همگان باید در دسترس قرار گیرد؛ به ویژه برای دختران و زنان از خانواده های کم در آمد و مناطق دور افتاده.

3- با توجه به کثرت اقوام در کشور که طبق آمار وزیر آموزش و پرورش 70 درصد دانش آموزان کشور دو زبانه هستند، لازم است که آموزش در اولین سطوح ابتدایی در کنار آموزش زبان فارسی، به زبان های مادری اقوام صورت گیرد. آموزش اجباری به زبان رسمی کشور، دانش آموزان دو زبانه را با مشکلات هویتی، روانی و افت تحصیلی فزاینده ای مواجه می کند، بویژه راه بیان و ابراز وجود را از دختران که دسترسی کمتری به اجتماع دارند، سلب می کند.

4- متون آموزشی در همه سطوح به منظور حذف کلیشه های جنسیتی باید مورد بازنگری قرار گیرند.

5- زنان در همه گروه های اجتماعی قطع نظر از وضعیت تأهل، نژاد، مذهب، قومیت، ملیت، سن، طبقه، موقعیت شهری یا روستایی، مسئولیت های خانگی، از کار افتادگی، و وضعیت مالی باید از فرصت برخورداری از حق تحصیل و آموزش های مناسب برخوردار باشند.

6- دولت باید تسهیلات مراقبت از کودکان و سالمندان را برای دانش آموزان، دانشجویان، معلمان و اساتید، و کارمندان دستگاه های آموزشی و حرفه آموزی ایجاد و آنها را افزایش دهد.

7- نهادهای حکومتی باید فرصت های ادامه تحصیل برای دانشجویان دختر را در خارج از کشور بدون در نظر گرفتن وضعیت تأهل آنها فراهم آورد و کلیه تبعیض ها در این زمینه را مرتفع کند تا دختران بتوانند بر اساس شایستگی های خود به فرصت های تحصیلی برابر دست یابند.

8- هر نوع تبعیض جنسیتی در حوزه آموزش اعم از سهمیه بندی جنسیتی دانشگاه ها، بومی گزینی، تبعیض در انتخاب رشته های تحصیلی و جز اینها باید حذف شود.

- 9- تبعیض های موجود بین دانشگاه های پایتخت و شهرستان ها از نظر سطح علمی و امکانات آموزشی، استفاده از اساتید زن و فراهم کردن امکانات جذب دانشجویان دختر باید از میان برود.
- 10- دولت باید از تولید فکر و اندیشه توسط زنان محقق و دانشگاهی استقبال و آنها را تشویق کند و تبعیض های جنسی در جذب اساتید زن را از میان بردارد.
- 11- مراکز آموزش فنی و حرفه ای زنان، کتابخانه ها، و تسهیلات آموزشی به ویژه در مناطق محروم باید توسعه یابد و رشته های جدید متناسب با بازار کار به برنامه های دانشگاهی در این مناطق اضافه شود.
- 12- نظام آموزشی باید درسی را با عنوان «حقوق زنان» و «آموزش های سلامت جنسی» و «مهارت های ارتباطی سالم» و «تقسیم مسئولیت ها» در همه سطوح آموزشی برای پسران و دختران در دبیرستان ها و دانشگاه ها تدوین کند.
- 13- دختران و زنان در مراکز آموزشی باید در برابر مزاحمت و سوء استفاده جنسی مورد حمایت قرار گیرند. به منظور تضمین حرمت و مصونیت دختران دانشجو باید مراکز جهت مراجعه در هر دانشکده با بودجه آموزش عالی به وجود آید.
- 14- کارمندان زن آموزش و پرورش و آموزش عالی باید از حقوق و مزایایی برابر با دیگر کارمندان دولت و مساوی با مردان برخوردار باشند.
- 15- نهادهای حکومتی و صنفی باید دسترسی ویژه و خاص زنان به بودجه و سرمایه برای آموزش و پرورش و حرفه آموزی را ایجاد کنند.
- 16- دختران دانشجو باید از تسهیلات متناسب آموزشی برخوردار باشند و مقررات نباید در دسترسی به امکانات و تسهیلات (کتابخانه ها، خوابگاه ها، کلاس ها، استفاده از بورسیه های تحصیلی و سفرهای علمی و ...) میان دختران و پسران دانشجو تبعیض قائل شود.
- 17- جداسازی جنسیتی فضاهای آموزشی باید ملغی شود.
- 18- گزینش های عقیدتی و سلیقه ای برای ورود به دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی، کمیته های انضباطی و هر نوع تفتیش عقاید به ویژه از زندگی خصوصی دختران باید از میان برداشته شوند.

ماده 7 : اقتصاد و اشتغال

تعریف های مرسوم شغلی در اقتصاد رسمی در برگیرنده سهم عمده کار انجام شده توسط زنان نیست. زنان برای مشارکت کامل در اقتصاد با محدودیت های اجتماعی، اقتصادی و ایدئولوژیک مواجه اند. فرصت اشتغال رسمی زنان در نیم قرن گذشته به دلیل کاهش مشاغل کارگری سنتی در سال های پیش از انقلاب، سلطه اقتصاد نفتی و سیاست رسمی محدود کردن اشتغال زنان به ویژه خانه نشینی زنان متخصص پس از انقلاب رشدی نکرده است. طی دهه اخیر با افزایش سطح تحصیل، گرایش به کار بیرون از خانه در میان همه اقشار زنان افزایش یافته اما امروز هم زنان جوان بایکاری گسترده (دوبرابر بیکاری مردان) مواجه اند. زنان شاغل در بخش خصوصی در مشاغلی که ویژگی آنها دستمزد پایین تر و شرایط نامطلوب کار است به فعالیت ادامه می دهند. محدودیت فرصت های شغلی زنان به دلیل اولویت دادن به مردان به عنوان سرپرست خانوار و نیز حفظ سلطه اقتصادی مردان، موجب دسترسی بیشتر مردان به منابع ثروت، تبعیض علیه زنان در اقتصاد و فقر نسبی آنها در مقایسه با مردان شده است. برغم روی آوردن فوق العاده دختران و زنان به تحصیلات عالی، به دلیل اینکه راه های دگر به روی آنها بسته مانده است، بیشترین میزان بیکاری در میان زنان تحصیل کرده کشور است. بخصوص در مناطق عقب مانده تر که کارهای خدماتی کمتری وجود دارد و دامنه اشتغال زنان بسیار محدودتر است، اکثر آنها ترغیب به ازدواج و خانه داری می شوند.

برای ارتقاء موقعیت زنان در اقتصاد و رفع تبعیض از آنها اقدامات زیر ضروری است:

- 1- نهادهای حکومتی، و مدنی و بخش خصوصی باید از اشتغال زنان با به رسمیت شناختن آنها به عنوان یکی از نان آوران خانه حمایت کنند. اتخاذ سیاست های حمایت از دسترسی برابر زنان به سرمایه مادی (منابع اعتباری، مالی و بیمه) سرمایه انسانی (دوره های آموزشی، فرصت های حرفه آموزی و...) و سرمایه اجتماعی (حمایت از زنان فعال در اتحادیه ها، اتاق ها، انجمن ها و...) توسط نهادهای فوق ضروری است.
- 2- دولت و نهادهای صنفی و بخش خصوصی باید اشتغال زنان را با فراهم کردن مراکز عمومی و دولتی نگهداری از کودکان و مراقبت از سالمندان که هم اکنون وظیفه آن کاملاً بر عهده زنان است، به طور رایگان تسهیل کنند.
- 3- گزینش های عقیدتی، مذهبی، قومی، و سلیقه ای و تبعیض جنسیتی در موسسات دولتی چه به هنگام

استخدام چه پس از آن، رفع تبعیض در ارتقای شغلی و اولویت دادن به مردان در اعزام به ماموریت های خارج از شهر یا کشورهای دیگر باید لغو شود.

4- تبعیض بین زنان و مردان کارگر در کارخانجات باید از بین برود حقوق برابر برای کار مشابه پرداخت شود.

5- سوء استفاده جنسی از زنان در محیط کار باید مورد تعقیب قضایی قرار گیرد.

6- شرایط استخدامی مانند شرط تأهل یا هر گونه شرط دیگری که تبعیض آمیز باشد، باید لغو شود.

7- جداسازی های جنسیتی محیط کار که منجر به حاشیه راندن زنان در محیط های کاری، کارخانه ها و ادارات می شود، باید لغو شود .

8- دولت باید با زنانه شدن فقر از طریق پوشش تأمین اجتماعی برای زنان شاغل در حرفه ها و رده های مختلف بخش خصوصی، حمایت از تأمین مالی زنان سالمند، حمایت از تأمین مالی زنان سرپرست خانوار و پوشش بیمه بازنشستگی زنان خانه دار مقابله کند. 9- دولت، نهادهای صنفی، سندیکاها و بخش خصوصی باید تبعیض مثبت برای زنان در تأمین وام خود اشتغالی، تأمین وسائل تولید و وام تعمیرات و ساخت مغازه و کارگاه با توجه به اهمیت این بخش در تأمین اشتغال زنان را فراهم کنند.

10- دولت، و نهادهای مدنی باید از فعالیت اقتصادی زنان روستائی با افزایش آموزش حرفه های جدید به دختران و زنان، بهبود دسترسی زنان به منابع اعتباری و حمایت از تعاونی های تولید زنان در روستاها حمایت کنند.

11- دولت، و بخش خصوصی باید به وضع زنان کارگر کشاورزی که در شرایط سخت و تغییرات آب و هوایی طاقت فرسا کار می کنند توجه کنند و آنها را تحت پوشش بیمه قرار دهند. نهادهای فوق باید برابری دستمزدها میان زنان و مردان را تضمین کرده و با امکانات رفاهی مثل مهد کودک و درمانگاه در جوار واحد های بزرگ کشاورزی، شرایط متناسب برای کار زنان را فراهم کنند.

12- قانون باید ارزش اقتصادی اشتغال غیررسمی زنان و سایر فعالیت های اقتصادی که برای کمک به هزینه های خانوار بویژه به هنگام طلاق و یا فوت شوهر انجام می شود را به رسمیت شناخته و محاسبه کند.

13- قوانین لازم به منظور احتساب سهم زنان خانه دار در تولید ناخالص ملی کشور باید به تصویب برسد و ارزش افزوده ناشی از کارخانگی محاسبه شود. ماده 8: حقوق بشر و حقوق شهروندی

قوانین، عرف و فرهنگ زنان را شهروندان درجه دو به حساب می آورند. مطابق قوانین، عرف و آداب و رسوم اشتغال، سفر، ازدواج، معاملات و جز اینها به اذن ولی زن یا همسر او صورت می گیرد. در حیطه عرف و فرهنگ در برخی مواقع زنان در زمره صغار، مجانبین و اموال و دارایی های مردان به حساب می آیند. این موضوع به ویژه در مورد زنانی که در برخی مناطق مرزی سکنی دارند، برای دختران جوان، زنان دارای همسران خارجی، و زنان بیوه و مطلقه بیشتر صادق است.

برای تأمین حقوق کامل شهروندی زنان اتخاذ اقدامات زیر ضروری است:

1- حق انتخاب پوشش برای زنان از همه مذاهب، قومیت ها در ایران باید به رسمیت شناخته شود و محدودیت ها، قوانین، و رویه هایی که زنان را مجبور به پوشش خاصی برای سر و بدن می کنند، باید ملغی شوند.

2- کلیه قوانین و مقررات و رویه هایی که زنان را به طور مستقیم یا غیر مستقیم شهروند درجه دو محسوب می کنند و ارائه حقوق شهروندی به آنان را مشروط می کند، باید اصلاح شوند.

3- موانع سیاسی پیش روی فعالان و مدافعان حقوق بشر زنان باید از میان برداشته شود.

4- موانع فرهنگی و مقررات محدود کننده سفر و اقامت دختران و زنان به تنهایی در شهرهای داخل کشور و به خارج از کشور باید مرتفع شود.

5- اجازه شوهربرای گرفتن پاسپورت، اجازه خروج از کشور، استخدام، و ... باید ملغی شود.

6- قوانین و عرف در مورد ارث از اموال، خرید و فروش زنان و دختران یا کودکان آنها یا بدل دادن آنها، خون بس، قتل های ناموسی، ختنه دختران، و مانند اینها که در برخی مناطق اعمال می شود و ناقض حقوق انسانی و شهروندی زنان است، باید جرم شناخته شده و با آنها مقابله شود.

7- دولت باید برای زنان ایرانی و مهاجرین غیر ایرانی که به دلیل نداشتن شناسنامه از حقوق قانونی، نفقه، ارث

و حقوق مترتب بر ازدواج محروم اند، شناسنامه صادر کرده و هویت و حقوق شهروندی آنان را به رسمیت بشناسد.

8- زنان باید حق کسب، تغییر و حفظ تابعیت خویش و انتقال آن به کودکانشان را داشته باشند.

9- محدودیت ازدواج زنان ایرانی با مردان غیر مسلمان و خارجی باید لغو شود.

10- آموزش «حقوق شهروندی و حقوق بشر زنان» باید در همه سطوح و در همه جای کشور در برنامه های آموزشی گنجانده شود.

ماده 9: حقوق سیاسی - اجتماعی

سهم زنان از نهاد های مدنی، و قدرت و تصمیم گیری در ایران بسیار ناچیز و در حد عقب مانده ترین کشورهای جهان است. با اینکه بر اساس قانون اساسی زنان می توانند به ریاست جمهوری برگزیده شوند، اما تفسیرهای سلیقه ای از اصل 115 قانون اساسی، عملاً این امکان را از زنان سلب کرده است. همچنین زنان هیچ سهمی از حضور در نهادهای تصمیم گیری ندارند. در مجلس خبرگان رهبری، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی قضایی، شورای عالی امنیت ملی و سایر شوراهای عالی سیاستگذار، زنان فرصت مشارکت نداشته اند. تاکنون ریاست هیچ وزارتخانه ای به زنان سپرده نشده است و زنان در ریاست قوای سه گانه سهمی نداشته اند. انجمن ها و نهادهای مدنی زنان انگشت شمار و در معرض فشارهای متعدد هستند. حضور زنان در مناصب مدیریتی ناچیز است. فعالیت سیاسی برای زنان به دلیل گزینش های اخلاقی و عقیدتی، و یا تهدیدات و تسویه حساب های شخصی سیاسی و به مخاطره انداختن زندگی خانوادگی زنان به دلیل ورود آنان به رقابت های انتخاباتی دشوار است. این تهدیدات در شهر های کوچک بسیار بیشتر است. در قیاس با مردان زنان از فرصت های اقتصادی و اجتماعی به مراتب کمتری برخوردارند که رقابت در عرصه سیاسی را برای آنها بی نهایت دشوار می کند. مشارکت سیاسی از عرصه هایی است که در آنها نیاز به اقدام مثبت مثل سهمیه بندی پارلمانی و نیز سهمیه بندی مناصب دولتی وجود دارد. حوزه قدرت سیاسی مردسالار است و حضور معدود زنان متنفاً یا مسئول در دولت و مجلس یا فراکسیون های سیاسی به دلیل عدم برخورداری از توانایی ها و آگاهی های لازم و فقدان برنامه مشخص و مورد توافق مردان هم حزبی چندان به اصلاح رویه های تبعیض آمیز علیه زنان کمک نکرده است.

برای احقاق حقوق اجتماعی و سیاسی زنان اقدامات زیر ضروری است:

1- زنان باید در مناصب رسمی تصمیم سازی و تصمیم گیری در سطوح عالی اعم از مسئولیت قوای سه گانه و شوراهای عالی و وزارتخانه ها از فرصت های برابر برای مشارکت برخوردار باشند.

2- زنان باید از سهمیه انتخاباتی، پارلمانی و نیز سایر پست ها و مشاغل حکومتی در سطوح خرد و کلان بین سی تا پنجاه درصد برخوردار باشند.

3- قوانین برای تأسیس آزادانه سازمانهای غیردولتی زنان و جلوگیری از انحلال آنها مگر با توسل به نظر هیأت منصفه و رأی قطعی دادگاه صالح باید تدوین شود.

4- موانع و محدودیت ها در مورد تجمعات باید بر اساس اصل 27 قانون اساسی ملغی و جرم زدایی شود.

5- يك دفتر دائمی رسیدگی به مسائل زنان در دفاتر مسئولان محلی مانند شورای های شهر و روستا، شهردار، فرماندار، بخشدار، و... ایجاد شود.

6- نهادهای حکومتی، مدنی و رسانه ها باید اقداماتی را برای حضور هر چه بیشتر زنان در قدرت به عمل آورند تا از حضور سیاسی زنان کلیشه زدایی شده و فرهنگ عمومی حضور زنان در مناصب مدیریتی را طبیعی تلقی کند.

7- زنان باید در اداره شهر و محیط زندگی خود سهیم باشند. حضور زنان در عرصه تصمیم گیری و مدیریت شهری زمینه انعکاس خواسته ها و حقوق زنان بر شهر را فراهم می کند. در همه تشکلهای محلی نظیر شورایی ها و مرکز محله مشارکت موثر زنان تضمین شود.

8- زنان روستایی حق دارند جزئی از نهاد های تصمیم گیر در اجتماعات سنتی باشند.

9- موانع ارتقای شغلی زنان به مدارج مدیریتی و بالاتر باید از میان برداشته شود.

10- شرایط برای تسهیل تشکلهای صنفی زنان در حوزه کارگری، کارمندی و فعالیت های تخصصی باید فراهم

شود تا زنان در سطوح اجتماعی گوناگون قادر باشند از حقوق حقه ی خود در محیط کار دفاع کنند.

11- در عرصه سیاست باید نهاد و سازمانی به وجود آید که متولی ومدافع مسائل زنان باشد و نمایندگان سازمانهای غیر دولتی در آن عضو باشند و از تغییرات به نفع زنان حمایت وتحقق آنها را پی گیری کنند.

ماده 10 : سلامت زنان و ورزش

در ایران زنان و دختران به دلیل برخوردار نبودن از امکانات ورزشی و نیز فضاهای عمومی، و تشویق به خانه نشینی و احساس ناامنی در فضاهای عمومی، استفاده از حجاب و عدم استفاده مستقیم از نور آفتاب، دچار فقر حرکتی، بی تحرکی عمومی، اضافه وزن، ناهنجاری های قامتی، پوکی استخوان، آرتروز، و بی شمار بیماری های روحی و روانی ناشی از عدم تحرک اند. افسردگی مشکل عمده زنان است که نتیجه فشارهای اجتماعی و خانوادگی، تسلط مردسالاری، تحقیر وتبعیض نسبت به زنان است. بارداری ناخواسته و سقط های نا ایمن به یکی از دل نگرانی ها و مخاطرات زندگی زنان تبدیل شده است. مسائل و آثار روانی بجا مانده از هشت سال جنگ روی زنان داغدار و خانواده هایی که هنوز دلهره ها و اضطراب های ناشی از جنگ و آوارگی را با خود حمل می کنند، در بخشی از مناطق کشور گسترده است.

افزایش طول عمر زنان بدون برخوردار از امکانات تأمین زندگی به ویژه در فقدان شوهر و مرگ نزدیکان از جمله مهمترین نگرانی های زنان سالمند است. بسیاری از زنانی که به سن پیری می رسند از مکانیسم های حمایتی یا افرادی که از آنها مراقبت کنند، محروم اند. دغدغه های زنان در دوران پیری شامل تنهایی، از کار افتادگی، بحران های مالی و وابستگی های متعدد به دیگران، بی حرمتی، عدم رسیدگی، خشونت، سوءاستفاده و تعرض به اموال و دارائی ها یا به حریم شخصی است. برای بهبود وضعیت سلامت زنان اقدامات زیر ضروری است:

1- امکانات ورزشی رایگان و ارزان باید تأمین شده و در دسترس زنان در همه گروه های اجتماعی قرار گیرد.

2- دولت و نهادهای مدنی و بخش خصوصی باید امکانات آموزشی، فرهنگی، ورزشی وتفریحی برای زنان و دختران جهت مقابله با افسردگی های روحی ناشی از فشار زندگی در کلیه محلات شهرها و روستاها و به ویژه مناطق محروم دایر کنند.

3- اماکن ورزشی دولتی و ساعت های استفاده از آنها باید به طور عادلانه به زنان و مردان اختصاص داده شود وشرايط این اماکن و زمان های استفاده از آنها باید با وضعیت زنان متناسب باشد

4- دولت باید حق کنترل باروری، دسترسی رایگان به روش های متنوع تنظیم خانواده و امکان سقط جنین ایمن را در موارد بارداری ناخواسته و مخاطره آمیز برای زنان تأمین کند.

5- دولت و نهادهای مدنی باید متناسب با سبک زندگی زنان عشایر مراکز بهداشت سیار و در دسترس را جهت حفظ سلامت زنان باردار، زایمان ایمن و پیشگیری از بیماری های عفونی مادران و کودکان آنها تجهیز کند.

6- دولت، بخش خصوصی و نهادهای مدنی باید به سلامتی زنان در شهر های بزرگ و صنعتی که با آلودگی آب و هوا و خاک مواجهند توجه کنند و برای رفع عوامل آلودگی های زیست محیطی از جمله ترافیک چاره اندیشی کنند.

7- شرایط سلامتی زنان شاغل به ویژه در محیط های صنعتی و کارخانجات باید توسط بخش خصوصی و دولتی تأمین شود.

8- بخش دولتی و خصوصی باید برای زنان شاغل برنامه های بهداشتی و ورزشی در زمان های کار بی آنکه از حقوق و مزایای آنها کسر شود، تأمین کند.

9- دولت باید بهداشت و درمان ارزان قیمت و نیز مراقبت های دوران از کار افتادگی، سالخوردگی، معلولیت، بیماری های صعب العلاج و جز اینها را در دسترس همه زنان به ویژه زنان کم در آمد قرار دهد. 10- دولت باید شرایط سلامت روحی زنان به ویژه زنان خانه دار را که به دلیل درگیری روزمره و تحمل فشارهای مختلف زندگی خانوادگی بدون برخوردار از امکانات غلبه بر این مشکلات در معرض بسیاری از بیماری ها مثل افسردگی، اضطراب و استرس هستند، تأمین کند.

11- دولت، رسانه ها و نهادهای مدنی باید اطلاعات بهداشتی زنان خانه دار را در مواردی همچون بهداشت باروری، قاعدگی و اضافه وزن، پوکی استخوان، کمبود آهن، سرطان سینه و رحم و موارد دیگر افزایش دهند.

12- دولت و نهادهای مدنی باید برای جلوگیری از عوارض ازدواج و بارداری زودرس (زیر سن 18 سالگی) و

ناخواسته مراکز را احداث کنند تا زنان در آن به طور رایگان تحت درمان قرار گیرند.

13- دولت باید تسهیلات پزشکی رایگان برای بیماری های خاص زنان فراهم کند. 14- دولت و نهادهای مدنی و رسانه ها باید در جهت تشویق تحرک بدنی و ورزش زنان و افزایش نشاط آنها برنامه های تشویقی و تفریحی از طریق رسانه های گروهی تدارک ببینند.

15- زنان سالمند باید تحت حمایت اقتصادی و درمانی و ارائه خدمات مراقبت های شخصی قرار گیرند و فعالیت های اجتماعی و معاشرت های جمعی آنها تشویق شود.

16- تفکیک جنسیتی رشته های مرتبط با بهداشت و سلامت و ورزش زنان در دانشگاه ها و سایر مراکز آموزشی بهداشتی باید مرتفع شود

17- تبعیض های موجود در ورزش های قهرمانی و باشگاهی زنان در کلیه رشته های ورزشی باید لغو شود.

ماده 11: قلمرو خصوصی و عمومی

محدودیت های حضور زنان در فضاهای عمومی با مداخله و کنترل امور شخصی آنها در قالب طرح های مختلف کنترل اخلاقی توسط دولت همراه شده است. این محدودیت و تعیین کلیشه های رفتاری بر زنان در شهرهای کوچکتر و مناطق محروم تر بسیار بیشتر است. طرح های کنترل اخلاقی در طول سالیان نه تنها به گسترش امر اخلاقی در جامعه ایران کمکی نکرده است بلکه با تجاوز به حریم خصوصی افراد، ایجاد رعب و وحشت و توهین به شخصیت زنان از جمله عوامل بازتولید خشونت نسبت به زنان محسوب می شود. دختران جوان بیش از همه در معرض آسیب این طرح ها بوده و کنترل پلیسی فضاهای عمومی و نگرانی خانواده ها باعث تشدید احساس نا امنی و درونی شدن ترس در میان دختران یا بروز روحیه ضد اجتماعی و اعتراضات لجام گسیخته می شود. برای جلوگیری از این وضعیت اقدامات زیر ضروری است:

1- نهادهای حکومتی موظف اند با وضع و اجرای قوانین مناسب تأمین امنیت زنان درقبال انواع تعرضات در فضاهای عمومی را تضمین کنند.

2- دولت و مدیریت شهری باید تمهیدات لازم فیزیکی و مدیریتی را برای ایمن سازی فضاهای عمومی و مسیر های تردد زنان فراهم کنند.

3- طرحهای امر به معروف و امنیت اجتماعی و مشابه آنها که موجب تجاوز به حریم خصوصی افراد، ایجاد رعب و وحشت، توهین به شخصیت زنان و حبس دختران در منازل خود به دلیل نگرانی و ترس از دستگیری و مجازات به دلیل نوع رفت و آمد در فضاهای عمومی است، باید متوقف شوند.

4- زنان باید از حق انتخاب وسائل حمل و نقل متنوع نظیر موتور و دوچرخه برخوردار باشند و شبکه حمل و نقل عمومی در قلب محلات و اماکن مسکونی به منظور افزایش تحرک و امنیت تردد زنان در شهر گسترش یابد.

5- زنان باید از حق ورود به مکان های و استادیوم های ورزشی به هنگام برگزاری مسابقات برخوردار باشند.

6- دولت و رسانه ها باید با موانع و محدودیت های عرفی در شهرهای کوچک که تحرک زنان و دختران را در شهر محدود می کند، مقابله کنند.

7 - دولت و مدیریت های شهری باید امنیت زنان و کودکان در مناطق حاشیه ای و مهاجر نشین شهرها را که به دلیل گسیختگی بافت شهری، خلاء مدیریت و نظارت های اجتماعی و عمومی به محیط های ناامن و جاذب جرم مبدل شده اند، تأمین کنند.

ماده 12: محیط زیست و توسعه زیر ساخت ها

با اینکه زنان ایرانی مسئول حفظ بقای امور خانه و جامعه هستند، کمترین دسترسی را به حوزه منابع پایه ای توسعه و خدمات ضروری برای تأمین یک زندگی سالم و پر ثمر دارند. به ویژه زنان روستایی و ساکن مناطق محروم و عشایر از منابع حیاتی نظیر آب سالم، محروم اند. تخریب تدریجی محیط زیست طبیعی، فرسایش خاک، قطع درختان جنگلی، آلودگی آب، خاک، هوا و منابع طبیعی، نه تنها باعث تخریب زیر ساخت های زندگی سالم، بلکه باعث افزایش مسئولیت های کاری زنان می شود.

برای جلوگیری از این وضعیت اقدامات زیر ضروری است:

- 1- ذخیره آب سالم و امکانات بهینه سازی منابع آب در مناطق محروم و کم آب به ویژه در مناطق عشایری باید در دسترس زنان قرار گیرد.
 - 2- ارتباطات، منابع انرژی و منابع اطلاعاتی و دیجیتالی باید به طور برابر در دسترس زنان قرار گیرد و تبعیض های موجود در دسترسی زنان به این منابع از میان برداشته شود.
 - 3- دولت و بانک ها باید برای تهیه مسکن مناسب برای زنان سرپرست خانوار وام های ویژه و یارانه در نظر گیرند.
 - 4- زنان باید دارای حق برابر در دسترسی به زمین زراعی و امنیت در تصدی و اجاره باشند، از جمله زنانی که در مناطقی که قوانین عرفی زمین در آنجا حاکم است، باید مورد حمایت ویژه قرار گیرند.
 - 5- دولت باید از محیط زیست و منابع طبیعی در جهت بهره وری نسل های آینده حفاظت به عمل آورد و از تخریب محیط زیست در همه مناطق کشور جلوگیری کند
 - 6- دولت و رسانه ها و نهادهای مدنی و بخش خصوصی باید بر بهینه سازی الگوی مصرف، جلوگیری از مصرف ناسالم و غیر بهداشتی، و تغذیه متناسب با بهداشت زیست محیط و سلامت خانواده برنامه ریزی کند.
- ماده 13: رسانه های جمعی و فرهنگ و هنر

تسلط مناسبات پدرسالار بر رسانه های جمعی در ایران آنها را به ابزاری موثر جهت اقتدار مردان، بازتولید کلیشه های جنسیتی و افزایش نابرابری و تبعیض علیه زنان بدل ساخته است. زنان از مدیریت کلیدی رسانه ها محروم اند. همچنین دسترسی نابرابر به اطلاعات سبب شده که زنان در رسانه های جمعی به حاشیه رانده شوند. تصویری که رسانه ها از زنان ارائه می کنند، با اصل برابری زن مغایرت داشته و باعث تقویت کلیشه های جنسیتی می شود. سانسور در رسانه های زنان بیش از سایرین است. بسیاری از نشریات مربوط به زنان مورد سانسور و تعطیلی واقع شده اند و از انتشار کتاب های مرتبط با مسائل زنان جلوگیری می شود. با وجود رشد فزاینده استفاده زنان از اینترنت و فضای مجازی، سایت ها و وبلاگ های آنان به طور روز افزون در معرض سانسور و مسدود شدن قرار دارند. آثار سینماگران زن و ادبیات مربوط به مسائل زنان در معرض ممیزی جنسیتی قرار دارد. حضور هنرمندان زن در عرصه موسیقی، تئاتر و سینما با محدودیت و سانسور مواجه است.

برای بهبود این وضع اجرای اقدامات زیر ضروری است:

- 1- رفع تبعیض از زنان و ترویج اصل برابری باید در دستور کار رسانه های گروهی قرار گیرد.
- 2- از نقش ها و الگوهای جنسیتی که توسط رسانه ها و در قالب محصولات فرهنگی ارائه می شود باید کلیشه زدایی شود.
- 3- مکانیسم نظارتی از سوی نمایندگان و ناظران نهادهای مدنی و سایر دستگاه ها برای کنترل جنسیتی کلیه رسانه ها در جهت رفع تبعیض و کلیشه زدایی جنسیتی از آنها باید ایجاد شود.
- 4- زنان باید بتوانند از دسترسی برابر به تمامی رسانه های جمعی و موسسات رسانه ای برخوردار باشند و بتوانند از مناصب مدیریتی هم پای مردان برخوردار شوند.
- 5- نهادهای مختلف حکومتی باید موانع انتشار و اشاعه آثار زنان و مطالعات جنسیتی که از طریق انواع ممیزی، مجوز نشر یا هر نوع قانون یا رویه بازدارنده دیگر اعمال می شود را غیر قانونی و منسوخ کنند.
- 6- دولت باید تسهیلات مالی و حمایتی ویژه برای انتشار نشریات و کتاب های زنان فراهم کند.
- 7- ناشران و روزنامه نگاران زن باید تشویق شوند و امتیاز نشریات سراسری و محلی مخصوص جهت اطلاع رسانی اخبار ویژه و مرتبط با مسائل صنفی، حقوقی، علمی و آموزشی زنان باید در اختیار آنها قرار گیرد.
- 8- فعالیت سایت ها و وبلاگ های زنان باید بلا مانع باشد.
- 9- محدودیت آموزش موسیقی به زنان و موانع فعالیت زنان در عرصه موسیقی کشور ملغی شود.
- 10- زنان در قومیت ها محدودیت بسیار بیشتری در ارائه موسیقی و هنر و فرهنگ خود دارند و باید این موانع از سر راه آنها برداشته شود.

11- تولید و پخش برنامه های رادیویی و سریال های تلویزیونی ای که فرهنگ مردسالار و خانه نشینی زنان را ترویج می کنند، و موجب می شوند تا کلیشه های جنسیتی، رواج چند همسری، و موقعیت فرودستی زنان، تقویت شوند و توهین و مسخره کردن اقوام، زبان و فرهنگ و پوشش محلی آنها توسط خود زنان، باید ممنوع شوند.

12- رسانه ها و مراکز آموزش و مشاوره باید رویکرد برابری طلبانه و مقابله با مرد سالاری داشته باشند. آموزش مردان برای برخورداری از مهارت های زندگی و تربیت فرزندان باید در دستور کار رسانه ها قرار گیرد.

13- محدودیت های تصویری هنرمندان زن به دلیل پوشش، برخوردهای سلیقه ای با مضامین فیلمنامه ها و جلوگیری از پخش فیلم های سینمایی و تولیدات هنری با نگرش حفظ و تقویت ارزش های مردسالارانه باید ملغی شود.

14- تبعیضات قومیتی، نژادی، و مذهبی

زنان در قومیت های مختلف و زنان در اقلیت های مذهبی و نژادی و زنان مهاجر در مقایسه با زنان در سایر گروه های اجتماعی از تبعیض های مضاعف قانونی و عرفی رنج می برند و در معرض آسیب های اجتماعی ناشی از شکاف های طبقاتی، قومیتی، و جنسیتی بیشتری قرار دارند. این شکاف ها سبب شده تا زنان در اقلیت های نژادی، مذهبی و قومی در معرض خشونت بیشتر و حمایت های قانونی کمتری قرار داشته باشند. علاوه بر مواردی که در مواد پیشین برای رفع تبعیض و نابرابری از زنان اقلیت در این سند مندرج شده است.

لازم است برای رفع تبعیض مضاعف از زنان در اقلیت های قومی، مذهبی و نژادی، تدابیر زیر به طور خاص اتخاذ شود:

- 1- قانون باید کلیه تبعیض های ناشی از تفاوت های نژادی، قومی و مذهبی و ملیتی را از میان بردارد.
- 2- از توزیع نابرابر و متمرکز شدن قدرت، ثروت و دسترسی به منابع، و رسانه ها، باید جلوگیری شود و ضرر و خسارات ناشی از آن باید جبران شود.
- 3- رویه ها و سیاست های تبعیض آمیز علیه زنان متعلق به قومیت ها، اقلیت های دینی و نژادی در استخدام، اشتغال، مشارکت سیاسی و اجتماعی، رسیدگی به دعاوی، برخورداری از فرصت های تحصیلی و اقتصادی باید ملغی شوند.
- 4- زنان متعلق به اقلیت های قومی و مذهبی باید از کلیه حقوق برابر با زنان و مردان مسلمان برخوردار باشند و در معرض هیچ نوع تبعیض شهروندی قرار نگیرند. آنها باید از حق ورود به کلیه فعالیت های اجتماعی و سیاسی و مدنی و احراز مسئولیت های کلیدی برخوردار باشند.
- 5- حکومت، نهادهای مدنی و رسانه ها موظف اند برای مقابله با فرهنگ ستیزه جو میان اقلیت های قومی و مذهبی که منجر به بهبود وضعیت زنان در همه اقصاء می شود، اقدامات پیشگیرانه متناسب با موازین حقوق انسانی به عمل آورند.

ایران جزو 10 کشور تخریب کننده محیط زیست

پارلمان نیوز در تاریخ 3 اردیبهشت نوشته است: مهرداد خانمحمدی پنجشنبه شب در مراسم گرامیداشت روز هوای پاک در دانشگاه پیام نور زنجان، با اشاره به اینکه ایران به لحاظ تخریب مسائل زیست محیطی و انسانی در رده های نخست جهانی قرار دارد، اظهار داشت: با توجه به اهمیت مسائل زیست محیطی در کشور کمتر به معضلات و بحران های موجود آن توجه شده است.

به گزارش فارس، وی با بیان اینکه ایران به لحاظ وجود گونه های مختلف جانوری از مناطق ثروتمند جهان محسوب می شود، افزود: در این زمینه و بدون توجه به مسائل موجود، معضلات ناشی از آن محیط زیست را با بحران جدی مواجه کرده است.

این استاد دانشگاه با اشاره به اینکه هر روز به مشکلات و معضلات محیط زیست در کشور افزوده می شود، اظهار داشت: استفاده غیراصولی از منابع طبیعی و زمین، محیط زیست را با خطر فراوانی روبه رو کرده است. وی با بیان به اینکه ایران در بخش های مختلف کشاورزی به بهای تخریب و از بین رفتن مراتع به خودکفایی رسیده است، ادامه داد: در این زمینه کشور در تولید گندم به مرز خودکفایی رسیده، اما این اتفاق به بهای از بین رفتن مراتع و تخریب در حوزه آبخیزداری به وجود آمده است.

خانمحمدی با اشاره به اینکه مردم ایران به دلیل قدمت و تمدن درخشان مردمی طبیعت دوست هستند، افزود: با نگاهی به رخدادهای تاریخی می توان به اهمیت فضای سبز و استفاده به جا و مناسب آن پی برد. وی در ادامه با بیان اینکه قدمت فرهنگی و تاریخی درخشان ملت ایران زیننده محیط زیست ناسالم نیست، افزود: با نگاهی گذرا به مناطق مختلف کشور مسائل ناشی از استفاده نابه جا از محیط زیست را شاهد هستیم.

استاد مسائل محیط زیست دانشگاه به انباشته شدن زباله در ورودی شهر زنجان اشاره کرد و گفت: این معضل تنها مختص شهر زنجان نیست، بلکه در سایر نقاط ایران نیز چنین مشکلاتی قابل مشاهده است. وی با بیان اینکه معضلات و مشکلات موجود در حاشیه زنجانرود با اقدامات مختلف برطرف نخواهد شد، خاطر

نشان کرد؛ ارگان‌های مربوطه نیز هر کاری انجام دهند مشکلات فاضلاب و تعفن ناشی از آن برطرف نخواهد شد. خانم‌حمیدی با اشاره به اینکه به مسائل محیطی زیست باید از نگاه دیگری برخورد شود، اذعان داشت: برای دستیابی به توسعه پایدار توجه به محیط زیست ضروری است. وی با تأکید بر اینکه سازمان محیط زیست تنها متولی رسیدگی به مسائل زیست محیطی نیست افزود: در این ارتباط شهرداری وظایف مهم‌تری دارد و باید بیشتر به مسائل موجود در این بخش توجه کند. این استاد دانشگاه با بیان اینکه محیط زیست فقط يك دستگاه هماهنگ کننده با سایر بخش‌ها را بر عهده دارد، گفت: همگان در برابر مسائل و پیامدهای ناشی از محیط زیست مسئول هستیم. وی در ادامه آموزش عمومی را یکی از ارکان اصلی در نهادینه شدن فرهنگ زیست محیطی در جامعه عنوان کرد و افزود: توجه و نهادینه کردن این موضوع در بین آحاد مختلف جامعه می‌تواند در کاهش معضلات ناشی از مسائل زیست محیطی مفید باشد.

بیانیه گروهي از دانشجویان تهران و لرستان در حمایت از کارگران و روز جهانی کارگر

به گزارش رسانه های خبری دانشجویی در تاریخ 3 اردیبهشت آمده است: در آستانه یازدهم اردیبهشت، روز جهانی کارگر، جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران، با انتشار بیانیه ای حمایتی از کارگران کشور، به بیان وضعیت امروز جامعه کارگری کشور پرداخته و خاطر نشان کردند:

"آری در چنین نظام چپاولگری، به خوبی میتوان فهمید که چرا باید کارگران محروم میهنمان، با حقوقی کمتر از 250-300 هزار تومان (در ماکزیمم و حقوق رسمی) به کار پردازند، در حالی که زیر خط فقر را خود دولت 800-900 هزار تومان در ماه اعلام کرده است. همچنین به دلیل سیاستهای غارتگرانه کنونی، روز به روز کارخانه های تولیدی بیشتر از روز قبل به تعطیلی کشانده میشوند و کارگران متعاقبا با پول اندکی بازخیر شده و یا به ساده ترین بهانه ها اخراج میشوند. از آغاز سال گذشته تا کنون نزدیک به 650 کارگاه و کارخانه تولیدی به تعطیلی کشانده شده و نزدیک به 400 هزار کارگر از کار برکنار یا بازخیر و یا اخراج شده اند."

دانشجویان دانشگاه آزاد خرم آباد نیز، طی بیانیه ای تحلیلی پیرامون وضعیت جامعه کارگری ایران و آنچه طی سالیان متمادی بر آنها رفته و "حق مسلم آنان به هیچ گرفته شده و پاسخ آنها با اخراج و توهین و در نهایت بازداشت و زندان داده شده"، از زندانی سیاسی، منصور اسانلو، بعنوان یکی از قهرمانان جامعه کارگری که "بخاطر اعاده حقوق همکارانش و کارگران سراسر کشور به عنوان نماینده کارگران به شکنجه گاه برده شد و هنوز هم متاسفانه در اسارت بسر میبرد"، با احترام یاد کردند.

این دانشجویان با بیان این نکته که "وضعیت ما دانشجویان و کارگران محروم میهن شباهت های زیادی به یکدیگر دارد"، وضعیت اقتصادی استان لرستان که "رتبه اسف بار اول بیکاری در کشور را کسب کرده" تشریح کرده و خاطر نشان نمودند: "...امروز کارگران و دانشجویان در مسیری قرار گرفته اند که میتوانند در همبستگی و وحدت بیشتر این مسیر را با سر بلندی و پیروزی به انتها برسانند و اگر کارگران میهن، این حقیقت را در یابند که ما دانشجویان پشتوانه قوی برای آنان محسوب می شویم و فریاد ما با آنها یکی است، با دلگرمی بیشتری خواسته هایشان را طلب خواهند کرد و دستانشان را به ما پیوند می زنند."

دانشجویان متذکر شدند "ضمن تبریک به مناسبت روز جهانی کارگر ما دانشجویان اعلام می داریم که: ما نیز همراه کارگران غیرتمندان در روز کارگر به خیابانها خواهیم آمد و با تجمع اعتراض آمیز خود و حضور پرشور خود در تاریخ 11 اردیبهشت در مقابل استانداری لرستان واقع در چهار راه بانک ساعت 9 صبح فریاد آزادیخواهانه مان و حقوق مسلم خویش را طلب خواهیم کرد."

بنا بر گزارشات رسیده وزارت کار و دولت با این درخواست او موافقت نکرده اند و برگزاری راهپیمایی امسال خانه کارگر در هاله ای از ابهام قرار دارد.

دانشگاه آزاد خرم آباد

جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران

نامه مادر معلم زندانی به دبیر کل سازمان ملل

محمد داوری، عضو کانون معلمان ایران و سردبیر سهام‌نویز، در روز ۱۷ شهریورماه در پی حمله نیروهای امنیتی به دفتر شخصی مهدی کربوبی و دفتر حزب اعتماد ملی با حکم جلب صادره از سوی دادستانی تهران بازداشت شد.

آنچه در پی می‌آید نامه مادر این فعال مدنی خطاب به دبیر کل سازمان ملل است:

آقای بان کی مون

دبیر کل سازمان ملل متحد
کسی که این نامه را می نویسد ماه هاست که در انتظار دیدن و یا آزادی فرزند دلبنده خود به سر می برد. پسر من "محمد داوری" یک معلم است که او را در تاریخ هفدهم شهریور ماه سال 1388 در دفتر حزب اعتماد ملی دستگیر کردند. اما پس از گذشت بیش از 8 ماه حتی اجازه ملاقات با پسر من به من نداده اند!
آقای بان کی مون!
"محمد داوری" نان آور من و تنها امید من بوده است.

او پدر ندارد!

اکنون حقوق معلمی او را قطع کرده و من اکنون مانده ام که چه کار کنم؟ هر چه نامه نوشته و یا با مسئولان زندان صحبت کرده ام کم تر نتیجه گرفته ام. مسئولان امنیتی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران دائما به پسر من فشار وارد می کنند، او را اذیت و مورد انواع شکنجه و صدمه قرار داده اند و زندگی را بر او و بر خانواده من تنگ کرده اند.

آقای بان کی مون!

امید من تنها خداست...

فکر کردم اگر این نامه را برای شما بنویسم و تقاضای کمک کنم می توانم نتیجه بگیرم. از شما به عنوان دبیر کل سازمان ملل متحد می خواهم که به وضعیت پسر من رسیدگی کنید.
در ایران تمام راه ها به روی من بسته شده است و امید من به شماست. پسر من یک معلم بوده است و سزاوار این همه ظلم و ستم از طرف مسئولان این کشور نیست!
پی صبرانه منتظر پاسخ و رسیدگی شما هستم.

ارادتمند

یک مادر دلسوخته از ایران

مادر محمد داوری

درگیری در اصطهبانات فارس بین مردم و نیروهای سرکوبگر

سایت آژانس ایران خبر در تاریخ 3 اردیبهشت نوشت: براساس خبرهای دریافتی، روز چهارشنبه در اصطهبانات فارس درگیری بین مردم و نیروهای سرکوبگر بوقوع پیوسته و در این درگیری 5 نفر کشته شده اند.
در پی اعدام در ملا عام یک نفر در شهرستان اصطهبانات و اعتراض خانواده وی مبنی بر تحویل جسد او و امتناع ماموران از این امر، درگیری بین مردم و ماموران صورت میگرد ولی با دخالت ماموران قائله ختم میشود. اما کار به اینجا ختم نمیشود و خانواده اعدامی در پی خواسته خود اقدام به قتل پسر رئیس اطلاعات شهرستان میکنند و درون شهر اغتشاش به راه میاندازند. در نتیجه درگیری مسلحانه شروع شده و در این میان 3 نفر تیر می خورند و بقتل میرسند. در پی این اتفاقات جو امنیتی شدیدی حاکم میشود و ماموران گارد ویژه سعی در بازگرداندن آرامش به شهر میکنند. اما همچنان فضا ملتهب است.

اعتصاب موفق کارگران مجتمع پتروشیمی فجر یک در منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی ماهشهر

بنابر خبرهای رسیده ازجانب فعالان کارگری ایران در تاریخ 3 اردیبهشت آمده است: روز چهارشنبه اول اردیبهشت ماه 89 کارگران شیفت روز بخش تعمیرات (شرکت رامکو) در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها و مجموعه ای از خواسته های دیگر دست از کار کشیدند.

خواسته های این کارگران به شرح زیر اعلام شده است:

- 1- پرداخت حقوق معوقه اسفند ماه گذشته و بخشی از حقوق دو ماهه گذشته
- 2- لغو قراردادهای موقت
- 3- عدم کسر کردن یک ساعت وقت ناهار از ساعات کار کارگران
- 4- اجرای طرح طبقه بندی مشاغل
- 5- اعتراض به کسر نمودن مالیات های جدید و خارج از قوانین مالیاتی از حقوق های کارگران

کارگران شیفت روز این کارخانه ساعت 7 و 30 دقیقه روز چهارشنبه، پس از ورود به مجتمع در محوطه نشسته و اعلام کردند که خواسته های فوق را به مثابه خواست تمامی کارگران به مدیریت اعلام و تا برآورده شدن خواسته هایشان برسر کار حاضر نخواهند شد. بلافاصله پس از این اقدام کارگران، ابتدا حراست مجتمع فجر یک و پس از آن نیروهای حراست منطقه ویژه در محل حاضر و تلاش نمودند که کارگران به سر کار برگردند. ولی کارگران به اصرار نیروهای حراست وقعی نگذاشته و بر اجرای خواسته هایشان تاکید نمودند. در پی شکست تلاش های حراست، رئیس اداره کار سربندر و برخی مسئولین شهر و منطقه ویژه برای قانع کردن کارگران در محل حاضر شدند. در

نهایت در ساعت 11 صبح، پس از مذاکرات 3 ساعته نمایندگان کارگران با مدیران مجتمع و مسئولین حاضر، و قول عملی شدن همه خواسته های کارگران از طرف مدیریت مجتمع، کارگران به سر کار برگشتند.

کارگران اعلام نموده اند که در صورت عدم تحقق خواسته هایشان از روز دوشنبه مجددا اعتصاب خود را از سر خواهند گرفت.

احضار حامیان مادران عزادار به دادگاه انقلاب

بنابه گزارشات رسیده از ایران، 3 تن از حامیان مادران عزدار که چندین هفته در بند مخوف 209 اوین تحت شکنجه های روحی قرار داشتند روز گذشته به بازپرسی شعبه 3 امنیت فراخوانده شدند. روز پنجشنبه 2 اردیبهشت ما طی احضاریه ای که از شعبه 3 امنیتی دادگاه انقلاب مستقر در زندان اوین به 3 تن از حامیان مادران عزادار ابلاغ شد. آنها موظف شدند که طرف 3 روز خود را به این شعبه معرفی کنند. رئیس شعبه 3 امنیت فردی بنام بیگی است او در بازجوییها بند 209 زندان اوین شخصا حضور دارد و عملا نقش یک بازجوی وزارت اطلاعات را ایفا می کند. این فرد در فشارهای روحی و تحت فشار قرار دادن زندانیان سیاسی برای وادار کردن آنها به پذیرفتن اتهامات نسبت داده شده نقش کلیدی دارد. حامیان مادران عزدار که روز گذشته به شعبه 3 امنیت دادگاه انقلاب مستقر در زندان اوین احضار شدند عبارتند از؛ خانم ها فاطمه رستگاری، دکتر لیلی سیف الهی و ژیل کرم زاده مکوندی می باشند هنوز از احضار سایر حامیان مادران عزادار به دادگاه انقلاب اطلاع دقیقی در دست نیست. لازم به یاد آوری است که حامیان مادران عزادار در طی یورشها گسترده و شبانه مامورین وزارت اطلاعات به منازلشان در غروب 19 بهمن 1388 دستگیر و به بند مخوف 209 زندان اوین منتقل شدند. آنها در طی چند هفته ای که در بازداشت بسر بردند با بازجوییهای طولانی و فشارهای روحی شدید مواجه بودند. بدلیل حمایتهای گسترده سازمانهای حقوق بشری بین المللی و مادران آرژنتینی میدان می بازجویان سعی کردند که اتهامات را تغییر داده و اتهامات واهی دیگری را به آنها نسبت دهند. حامیان مادران عزدار تحت فشارهای شدید روحی بودند که تن به مصاحبه های تلویزیونی و تعهدی کتبی دهند. فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، دستگیری، شکنجه های روحی و نسبت دادن اتهامات واهی و دروغین بازجویان وزارت اطلاعات و احضار بی شرمانه مجدد حامیان مادران را محکوم می کند و از کمیسر عالی حقوق بشر، گزارشگر ویژه زنان سازمان ملل متحد خواستار اقدامی عملی برای پایان دادن به سرکوبهای سیستماتیک و سازمان یافته علیه مردم ایران است.

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه ساسان

سایت آژانس ایران خبر در تاریخ 4 اردیبهشت نوشت: کارگران شرکت ساسان به دنبال تجمع اعتراض خود در روز چهارشنبه اول اردیبهشت 89، امروز شنبه ساعت 0930 در مقابل شرکت تجمع اعتراضی برگزار کردند. 250 نفر از کارگران روز چهارشنبه گذشته بمنظور اعتراض به عدم دادن بیمه بیکاری در جلوی این شرکت تجمع کردند ولی بدلیل نگرفتن جواب امروز نیز در جلوی شرکت دست به تجمع اعتراضی زدند. نیروی انتظامی همزمان در جلوی شرکت حاضر شده و به کارگران هشدار دادند که پراکنده شوند چرا که حق تجمع ندارند. کارگران گفتند ما برای گرفتن حقمان تجمع کرده ایم. چرا نمیگذارید ما حقمان را بگیریم، چرا دارید از کسانانی که حق خوری کرده اند دفاع میکنید؟ ما تا گرفتن حقمان اعتراض خواهیم کرد.

آمارهای بانک جهانی از اقتصاد ایران:

به گزارش سایت آفتاب در تاریخ 4 اردیبهشت 89 آمده است: 30 امین اقتصاد جهان، سهم نیروی کار زنان 30 درصد و در مشاغل دارای حقوق غیر کشاورزی تنها 16 درصد، کاهش جمعیت روستایی به 32 درصد و کاهش 10 درصدی زمینهای زیر کشت به 29 درصد، 4 برابر شدن واردات و دوبرابر شدن مصرف سرانه انرژی..

آفتاب: بانک جهانی در تازهترین گزارش خود اعلام کرد که ایران از نظر درآمد ناخالص ملی سیامین اقتصاد بزرگ جهان و از نظر رشد تولید ناخالص داخلی بیست و چهارمین اقتصاد بزرگ جهان است. به گزارش ایسنا، بانک جهانی در تازهترین گزارش خود با عنوان "شاخصهای توسعه جهان 2010 (2010WDI)" به تحلیل بخشهای مختلف اقتصادی و غیر اقتصادی کشورهای جهان و ایران پرداخته و تمرکز اصلی خود را بر پیشرفت های به دست آمده در راستای تحقق اهداف توسعه هزاره سازمان ملل معطوف کرده است. بانک جهانی عنوان کرده است که در تهیه این گزارش از بیش از 900 شاخص توسعه ای برای تمام کشورهای جهان استفاده کرده است و این گزارش شامل بخشهای مختلفی همچون آموزش، بهداشت، فقر، محیط زیست، اقتصاد، تجارت و غیره است. در ادامه گزارش به بخشهای مختلف این گزارش 464 صفحه ای اشاره می کنیم:

حجم اقتصاد: ایران در زمره بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان

بانک جهانی در بخشی از گزارش خود اعلام کرد که ایران با رشد تولید ناخالص داخلی 7.8 درصدی در سال مالی 2007-08 رتبه بیست و چهارم جهان را به خود اختصاص داده است. همچنین سرانه رشد تولید، خالص داخلی ایران در سال فوق 6.4 درصد عنوان شده است.

در این بخش تیمور شرقی و آنگولا با رشد 13.2 درصدی در مکان نخست جای گرفته‌اند و لاتویا با رشد منفی 4.6 درصدی مکان آخر را به خود اختصاص داده است.

در همین حال درآمد ناخالص ملی ایران در سال‌های 2008 چیزی معادل 251 میلیارد و 500 میلیون دلار اعلام و گفته شده است که با چنین درآمدی ایران رتبه 30 جهان را از آن خود کرده است.

بانک جهانی در گزارش خود جمعیت ایران را در این سال 72 میلیون نفر برآورد کرده و گفته است که در ایران در هر کیلومتر مربع 44 نفر زندگی می‌کنند.

به اعتقاد بانک جهانی سرانه درآمد ناخالص ملی در ایران برابر با سه هزار و 540 دلار است و با این سرانه ایران در میان کشورهای جهان در مکان 117 ایستاده است.

این گزارش نشان می‌دهد که از نظر درآمد ناخالص ملی آمریکا با درآمدی معادل 14 هزار و 572 میلیارد دلار در مکان اول و ژاپن با درآمد چهار هزار و 869 میلیارد دلاری در مکان دوم ایستاده است.

همچنین گینه بیسائو با درآمد ناخالص ملی 400 میلیون دلاری در انتهای جدول و در مکان 203 به چشم می‌خورد.

ساختار نیروی کار: نیروی کار زن ایران کم است

بانک جهانی همچنین در خصوص ساختار نیروی کار در ایران نوشته است که طی سال 1990 در حدود 80 درصد نیروی کار ایران را مردان 15 ساله و بیشتر تشکیل داده بودند که این میزان در سال 2008 به 75 درصد کاهش یافته است. در همین حال زنان 15 ساله و بیشتر در سال 1990 معادل 22 درصد نیروی کار ایران را تشکیل می‌داده‌اند که این میزان در سال 2008 به 31 درصد افزایش یافته است.

بانک جهانی مجموع نیروی کار ایران در سال 1990 را 15 میلیون و 500 هزار نفر اعلام و عنوان کرده است که این میزان در سال 2008 معادل 27 میلیون و 800 هزار نفر بوده است.

در همین حال این بانک اعلام کرده است که در مجموع سهم زنان از نیروی کار ایران از 20.1 درصد در سال 1990 به 30.1 درصد در سال 2008 افزایش یافته است.

نکته جالب توجه در این گزارش اینکه ایران از نظر سهم زنان شاغل در مقایسه با دیگر کشورهای جهان از عدم توازن بیشتری برخوردار بوده و با نسبت 30.1 درصدی تنها از 20 کشور جهان که عمدتاً در منطقه خاورمیانه قرار دارند بهتر است. در این گزارش 155 کشور جهان مورد بررسی قرار گرفته‌اند و آمارها نشان می‌دهد که بیشترین سهم زنان از نیروی کار مربوط به کشورهای فقیری همچون رواندا، سیرالئون، بروندي و لسوتو است.

در اغلب کشورهای پیشرفته آمریکایی، اروپایی و آسیایی سهم زنان و مردان اندک تفاوتی با یکدیگر دارند.

نرخ بیکاری: نرخ بیکاری زنان بیشتر از مردان است

بانک جهانی در بخش دیگری از گزارش خود نرخ بیکاری ایران در فاصله سال‌های 1990 تا 1990 را 11.1 درصد برآورد کرده است. این بانک می‌گوید این نرخ در فاصله سال‌های 2005 تا 2008 به طور میانگین به 10.5 درصد کاهش یافته است.

نرخ بیکاری نیروی کار مردان در دو فاصله فوق به ترتیب 9.5 و 9.3 درصد عنوان و اعلام شده است که بیکاری زنان در فاصله سال‌های 90 و 92 معادل 24.4 درصد بود که در سال‌های 2005 تا 2008 به 15.7 درصد کاهش یافته است.

این بانک به موضوع کودکان کار نیز پرداخته است که در این بخش آماری در خصوص ایران ارائه نشده است.

ریشه‌کنی فقر و پیشگیری از مرگ و میر کودکان: کاهش چشمگیر مرگ و میر کودکان

به اعتقاد بانک جهانی در سال 1990 از هر هزار کودک زیر پنج سال در حدود 73 نفر فوت می‌شده‌اند که این میزان در سال 2008 به 32 مورد کاهش پیدا کرده است. همچنین در بخش آموزش‌های ابتدایی سهم دختران وضعیت خوبی پیدا کرده است.

نقش زنان در توسعه: سهم زنان از کرسی‌های مجلس افزایش یافته است

گزارش بانک جهانی نشان می‌دهد که در سال 2008 زنان 49.1 درصد جمعیت ایران را تشکیل داده بودند و در این سال سن امید به زندگی در مردان 70 و در زنان 73 سال بود. همچنین سهم زنان در مشاغل دارای حقوق بخش‌های غیر کشاورزی 16 درصد عنوان شده و گفته شده است که سهم زنان در مجلس نیز از دو درصد در سال 1990 به سه درصد در سال 2009 افزایش یافته است.

بیشترین سهم زنان از کرسی‌های مجلس مربوط به کشور رومند با 56 درصد است و در کشورهای عربی همچون قطر، عمان، عربستان و یمن این میزان صفر است.

جمعیت روستایی، شهری و زمین‌های کشاورزی: از جمعیت روستایی ایران کاسته شده است

در بخش دیگری از این گزارش آمده است که جمعیت روستایی ایران از 44 درصد مجموع جمعیت کشور در سال 1990 به 32 درصد در سال 2008 کاهش یافته است و این امر نشان دهنده رشد منفی 0.3 درصدی این جمعیت در این سال‌هاست. به گفته این بانک از مجموع زمین‌های غیر شهری ایران با مساحت 1628.6 هزار کیلومتر مربع چیزی حدود 6.8 درصد را جنگل تشکیل داده است.

مساحت زمین‌های کشاورزی در ایران در سال‌های 1990 تا 92 معادل 39 درصد از مجموع زمین‌ها بود که این میزان در فاصله سال‌های 2005 تا 2007 به 29 درصد کاهش پیدا کرد و در همین حال سهم زمین‌های تحت آبیاری در سال‌های 2005 تا 2007 معادل 15.1 درصد عنوان شده است. میزان بارندگی در ایران نیز طی سال 2008 برابر با 228 میلی‌متر برآورد شده است.

بانک جهانی در بخش شهرسازی گزارش خود نیز جمعیت شهری ایران را در سال 2008 را معادل 49 میلیون و 300 هزار نفر برآورد کرده است که نسبت به جمعیت 30 میلیون و 600 هزار نفری در سال 1990 افزایش چشمگیری نشان می‌دهد و این جمعیت که در فاصله سال‌های 1990 تا 2008 به طور متوسط سالانه 2.6 درصد رشد داشته است اکنون 68 درصد از مجموع جمعیت ایران را تشکیل می‌دهد.

تولید و مصرف انرژی: مصرف انرژی ایران چند برابر شده است. آمارها نشان می‌دهد که در سال 1990 معادل 179.8 میلیون تن انرژی در ایران تولید شده است که این میزان در سال 2007 به 323.1 میلیون تن افزایش یافته است. در همین حال در زمینه مصرف انرژی ایران در سال 1990 چیزی معادل 68.3 میلیون تن انرژی مصرف می‌کرده است که این رقم در سال 2007 به 184.9 تن افزایش داشته است که نرخ رشد سالانه این مصرف در فاصله دو سال فوق به طور میانگین 5.7 درصد بوده است. از نکات دیگر این که سرانه مصرف انرژی در ایران در فاصله سال‌های 1990 تا 2007 بیش از دو برابر شده و از هزار و 256 کیلوگرم به دو هزار و 604 کیلوگرم رسیده است.

بانک جهانی همچنین گفته است که تولید برق ایران رشد بیش از سه برابری داشته است و از 59.1 میلیارد کیلو وات ساعت در سال 1990 به 204 میلیارد کیلو وات ساعت در سال 2007 افزایش پیدا کرده است.

ساختار تجارت خارجی ایران: واردات بیش از 4.1 برابر شده است. بنابر اعلام بانک جهانی ارزش صادرات کالای ایران در سال 1995 برابر با 18 هزار و 36 میلیون دلار بوده است که این میزان در سال 2008 به 116 هزار و 350 میلیون دلار افزایش پیدا کرده است، در این میان سهم مواد غذایی از مجموع صادرات طی سال 2008 معادل چهار درصد، مواد خام کشاورزی صفر درصد، سوخت 83 درصد، آهن و مواد معدنی دو درصد و تولیدات کارخانه‌ها 10 درصد بوده است.

همچنین ارزش واردات ایران در سال 2008 برابر با 57 هزار و 230 میلیون دلار اعلام شده است که این میزان در سال 1995 معادل 13 هزار و 882 میلیون دلار بوده است. در سال 2008 سهم مواد غذایی از واردات ایران دو درصد، مواد خام کشاورزی یک درصد، سوخت چهار درصد و تولیدات کارخانه‌ها 16 درصد بوده است. در بخش صادرات و واردات خدمات هم تنها آمارهای مربوط به سال 1995 موجود است.

خدمات حمل و نقلی: 72.8 درصد جاده‌های ایران آسفالت‌هستند.

بانک جهانی در این بخش مجموع شبکه‌های جاده‌ای ایران در فاصله سال‌های 2000 تا 2007 را 172 هزار و 927 کیلومتر اعلام کرد که از این میزان 72.8 درصد جاده‌های آسفالت‌هستند. در همین حال طول خطوط ریلی ایران در فاصله سال‌های 2000 تا 2008 معادل هفت هزار و 335 کیلومتر اعلام شده است.

ترافیک کانتینرها در بنادر ایران نیز دو میلیون TEU اعلام شده است.

از دید کارشناسان بانک جهانی طی سال 2008 در حدود 12 میلیون و 29 هزار مسافر از طریق خطوط هوایی در ایران جابه جا شده‌اند و این حجم برای بارهای جابه جا شده 97 میلیون تن اعلام شده است.

شیر یارانه ای 100 تومان گران شد

سایت آفتاب در تاریخ 4 اردیبهشت نوشت: شیر یارانه‌ای از اول اردیبهشت ماه سال جاری به قیمت 350 تومان عرضه می‌شود و این در حالیست که پیش از این کالای به قیمت 250 تومان عرضه می‌شد.

حمید علیخانی معاون وزیر بازرگانی و مدیرعامل شرکت بازرگانی دولتی ایران با بیان اینکه این موضوع به حوزه بازرگانی داخلی مربوط می‌شود گفت: ولی چون من در جلسه تنظیم بازار حضور داشتم از این موضوع اطلاع دارم و دلیل افزایش قیمت شیر یارانه‌ای افزایش حجم تولید آن است تا بتوانند سطح بیشتری از اقشار مردم را پوشش دهند.

وی افزود: چندین سال است یارانه شیر ثابت و محدود است لذا برای افزایش تولید و توزیع نیازمند گران کردن قیمت شیر یارانه‌ای بودیم

زندگی نامه عبدالرضا قنبری معلم و مدرس دانشگاه محکوم به اعدام

خبرگزاری هرانا در تاریخ 4 اردیبهشت نوشت: عبدالرضا قنبری نویسنده، معلم و استاد دانشگاه اواخر سال گذشته از سوی شعبه 15 دادگاه انقلاب به اعدام محکوم شد.

بنا بر اطلاع گزارشگران هرانا، عبدالرضا قنبری معلم پاکدشتی که روز دوشنبه 14 دی ماه 88 در دفتر دبیرستان مدرس حصار امین پاکدشت و در حین انجام تدریس توسط 5 تن از مأموران وزارت اطلاعات بازداشت و به بند 209 در زندان اوین منتقل شد پس از گذشت یک ماه توسط شعبه 15 دادگاه انقلاب محاکمه و به اعدام محکوم شده است.

متن زیر مختصری از زندگی نامه این معلم اعدامی است که اشاره ای به فعالیت های فرهنگی نامبرده نیز دارد.

آقای قنبری در تاریخ 17 خرداد 1346 در خانواده ای متوسط و فرهنگی در روستای چماز کتی قائم شهر در استان مازندران به دنیا آمد، تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در روستای چمازکتی گذراند تحصیلات دوره متوسطه را در رشته فرهنگ و ادب در دبیرستان مطهری قائم شهر به پایان برد، وی سپس وارد دانشکده ادبیات واحد نوشهر-چالوس شد و در دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی در سال 1374 فارغ التحصیل شد و در مهر همان سال به استخدام آموزش و پرورش در آمد و در دبیرستانهای شهرستان گرمسار از استان سمنان مشغول به کار شد وی در سال 76 در دانشکده ادبیات واحد تهران موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شد و همزمان با تدریس در مدارس به تدریس در دانشگاه نیز مشغول شد.

آقای قنبری در روز سه شنبه 13 شهریور سال 86 توسط مأموران وزارت اطلاعات مازندران بازداشت شد و به مدت 120 روز را در سلول انفرادی گذراند و سپس در دی ماه 86 آزاد شد و به حکم دادگاه انقلاب ساری به 6 ماه

انفصال از خدمت محکوم و از تدریس وی جلوگیری به عمل آمد و در همان سال به شهرستان پاکدشت در استان تهران تبعید شد. روز دوشنبه 14 دی ماه 88 در دفتر دبیرستان مدرس حصار امین پاکدشت و در حین انجام تدریس توسط 5 تن از ماموران وزارت اطلاعات بازداشت و به بند 209 در زندان اوین انتقال یافت و بلافاصله در شرایط روحی و روانی خاصی بازجویی از ایشان آغاز گردید. مراحل بازجویی از ابتدای دستگیری تا تشکیل دادگاه 25 روز به طول انجامید و این در شرایطی بوده که بازجویی از نامبرده در این مدت به صورت مداوم و تحت فشارهای روحی و جسمی شب و روز به عمل می آمد. توسط شعبه 15 دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی صلواتی و به اتهام محاربه و تبلیغ مؤثر علیه نظام به اعدام محکوم گردید. نامبرده پس از تحمل یک ماه سلول انفرادی در بند 240 زندان اوین به بند 350 این زندان منتقل شد. مختصری از فعالیت های فرهنگی آقای قنبری به قرار زیر است :

- 1 - تدریس در دبیرستان های شهرستان گرمسار، ارادان، ایوانکی و پاکدشت.
 - 2 - تدریس در دانشگاه آزاد ، پیام نور و دانشگاه علمی کاربردی.
 - 3 - انتشار 5 جلد کتاب آموزشی و کمک آموزشی و ادبی.
 - 4 - تأسیس انجمن اهل قلم در گرمسار و تشکیل کلاس های نویسندگی و داستان نویسی.
 - 5 - انتشار مقالات ادبی و تحقیقی در نشریات استان سمنان ، از جمله مقاله آیا فرهنگ ما بیمار است؟ و دانشجویان شاغل و معضلات آموزشی..
 - 6 - انتشار نشریات ادبی همچون " نویسه " وابسته به انجمن نویسندگان گرمسار و نشریه " دادار " در گروه ادبیات دانشگاه آزاد و...
 - 7 - چندین سخنرانی در مجامع علمی و ادبی در استان سمنان.
 - 8 - عضو کمیته پژوهشی آموزش و پرورش گرمسار.
 - 9 - همکاری با برنامه ادبی رادیو سمنان به عنوان کارشناس ادبی
 - 10 - برگزار کننده اولین همایش طنز ادبی در شهرستان گرمسار
- در ضمن بسیاری از دانش آموزان و دانشجویان وی هم اکنون یا در مدارس و دانشگاه مشغول تدریس هستند و یا از نویسندگان و داستان نویسان ادبی کشور هستند.
- نظر
افزودن جدید

پایان تولید فولکس در خودروسازی بم

به گزارش خبرگزاری ایسنا در تاریخ 4 اردیبهشت 89 آمده است : مازیار شوندی - مدیرعامل خودروسازی بم - با بیان مطلب بالا افزود: آخرین دستگاه خودرو فولکس گل اواخر سال گذشته تولید شد. وی با بیان این که در حال حاضر در حال مذاکره با شرکت فولکس آلمان برای جایگزینی یکی از خودروهای جدید آن به جای فولکس گل هستیم، خاطرنشان کرد: با توجه به شرایط فعلی، نوع این خودرو و زمان تولید آن هنوز مشخص نشده است. او خاطرنشان کرد: با وجود توقف تولید فولکس گل در ایران سیستم خدمات پس از فروش و تامین قطعات یدکی آن همچنان پابرجا مانده و به خودروهای موجود خدمات رسانی خواهد کرد. وی با بیان این که قطعات یدکی اصلی فولکس گل از شرکت فولکس برزیل وارد می شود، تصریح کرد: با توجه به پایین بودن تعداد خودروهای فولکس گل در حال تردد در کشور، ساخت داخل کردن قطعات یدکی آن از نظر اقتصادی به صرفه نیست. او تصریح کرد: به همین دلیل خوشبختانه نمونه چینی قطعات یدکی این خودرو نیز وجود نداشته و تنها برخی از کالاهای مصرفی آن مانند روغن فیلتر و روغن موتور تولید داخل شده است. به گفته شوندی، در مدت زمان فعالیت خط تولید فولکس گل در ایران 11 هزار دستگاه از این خودرو در کشور تولید شد.

"طلا برای کارگران فقر و مریضی آورده"

رادیو دویچه وله - طاهر شیر محمدی - شنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۸۹ - ۲۴ آوریل ۲۰۱۰ در ۱۹ فروردین ۱۳۸۹ بزرگترین معدن طلا ایران در تکاب آماده بهره برداری شد. در این شهر آذربایجان غربی معدن طلای آق دره هم قرار دارد. زندگی و سرنوشت کارگران این معدن، مثالی هست برای دیگر کارگران معادن ایران. معدن طلای "زره شوران" و "آق دره" بزرگترین معادن طلای ایران و خاورمیانه به حساب می آیند. یک فعال امور کارگران معدن طلای تکاب که خود در کارخانه معدن طلای آق دره کار می کند، در گفتگو با دویچه وله درباره ی این معدن توضیح می دهد که صاحبان اصلی معدن آقایان "حاجی عباس نیری و برادرش مجید نیری از اعضای سابق سپاه پاسداران" می باشند. وی در ادامه می گوید: «تعداد ۶۰۰ نفر در معدن آق دره کار می کنند و کارخانه بدون وقفه ۲۴ ساعته کار می کند. میزان تولید طلا به احتساب آنچه که در اطاق طلا استحصال می شود، سالانه ۴ تن است که چیزی حدود ۱۴۰

میلیارد تومان برای اینها درآمد دارد. کسی از این آقایان حسابرسی نمی‌کند و کسی نمی‌پرسد که آنها با اینهمه درآمد چکار می‌کنند؟».

طلا برای کارگران فقر و مریضی آورده

بنا به گفته‌ی این کارگرمعدن طلای آق‌دره، وضعیت بد کارگران قابل توصیف نیست. کارگران بدون هیچ کلاه ایمنی، پوتین و ماسک‌های مخصوص به کار گمارده می‌شوند. بسیاری از کارگران در معدن به سل مبتلا هستند. وی در ادامه توضیحاتش به دوپچه وله همچنین می‌گوید، در خود کارخانه دو سوله‌ی فعال هست که در آنجا سنگ‌های بزرگ آسیاب می‌شوند.

وحشتناکترین قسمت این بخش مکانی هست بنام سوله‌ی سیانور. در اینجا برای استحصال خاک طلا از ناخالصی‌های دیگر، سیانور به آن اضافه می‌کنند. ولی چون ایران جزو کشورهایی هست که مواد سیانور تحریم شده، اینها کودهای شیمیایی را از وزارت کشاورزی بصورت قاچاق دریافت می‌کنند. این کودها را که همه جای دنیا مصرف صنعتی آن غدقن هست بجای سیانور بکار می‌برند تا خاک طلا را از ناخالصی‌های دیگر جدا کنند.

کارگران سوله‌ی سیانور

یک کارگر اخراجی معدن آق‌دره هم به دوپچه وله می‌گوید: «کارگرانی که در اینجا کار می‌کنند هیچکدام ماسک ویژه‌ای ندارند. فضا آنقدر آلوده هست که این ماسک‌ها هم کمکی نمی‌کنند. مهندسی‌ی که اینجا هستند و نظارت باید بکنند از فاصله‌ی چند صدمتری آنجا رد می‌شوند و اصلاً خودشان جرئت نمی‌کنند، بیایند ببینند سوله‌ی سیانور چه خبر هست و اینکه کارگران کار می‌کنند یا نه؟».

این کارگر اخراجی به فوت یکی از همکاران خود هم اشاره می‌کند: «سال پیش سجاد فنبیری کارگر ۲۸ ساله پس از ۴ سال کار در سوله‌ی سیانور بر اثر مسمومیت ناشی از سیانور و حیوه و همچنین بی توجهی مسئولین جان باخت».

"احمدی نژاد هم به سراغ ما نیامد"

بنا به گفته‌ی فعال کارگری معدن طلای آق‌دره، کارگران بارها اعتراض کردند ولی مسئولین بهداشت، سپاه و استانداری سکوت می‌کنند و حتی احمدی نژاد هم وقتی به اینجا می‌آید به "بزرگترین معدن طلای خاورمیانه" سری نمی‌زند و اصلاً کاری به کار آنها ندارند.

وی در ادامه به این مسئله اشاره می‌کند که طلای این معادن در خود منطقه به شمش تبدیل نمی‌شود و این طلا را به دلایل واهی از جمله اینکه امنیت نیست به اصفهان و یا کرمان منتقل می‌کنند. بنظر او این سیاست از "نگاه قومیتی دولت به این مسئله" ناشی می‌شود.

او همچنین می‌گوید، تکاب که در آن دو معدن بزرگ طلای کشور واقع شده و ۶۰ نوع سنگ معدنی دارد و "بهشت زمین‌شناسی" به حساب می‌آید، وضعیت کارگران معدنش بسیار بد هست. کارگران معدن اعتراض می‌کنند

کارگری که پیش از این در معدن آق‌دره مشغول به کار بوده و اخراج شده به دوپچه وله می‌گوید: «در طول دو ماه اخیر چندین بار شبنامه پخش شده و قانون کار بین کارگران پخش شده. بدنیاک شکایت‌های مختلفی که صورت گرفته، قرار شده در آنجا سندیکای کارگری تشکیل شود. ولی اعتراض‌ها هم نتیجه‌ای نمی‌دهد و معترضین را اخراج می‌کنند.»

بنا به گفته‌ی این کارگر اخراجی، بیشتر کارگران معدن طلای آق‌دره فصلی هستند یعنی از اول اردیبهشت به کار گرفته می‌شوند و با اولین بارش برف زمستان که معدن از کار می‌افتد، حدود ۴۰۰ نفر اخراج می‌شوند و دوباره آنها را که خودشان تأیید می‌کنند، گزینش و استخدام می‌کنند.

مسئولین: کار معدن سخت و زیان آور نیست

فعال حقوق کارگری در منطقه هم که با دوپچه وله صحبت کرد، اضافه می‌کند: «بیکاران باید از مزایای بیمه‌ی بیکاری برخوردار شوند ولی اداره‌ی کار بیکاری کارگران معدن را تأیید نمی‌کند. کارهایی که در اینجا انجام می‌گیرد جزو مشاغل سخت و زیان آور هست.»

بنظر او ماده‌ی ۵۲ قانون کار، مشاغل معدنی را جزو کار سخت و زیان آور محسوب می‌کند، ولی هیچگونه طبقه بندی به لحاظ سختی و زیان آور بودن نوع کار انجام نمی‌گیرد و مفاد قانون کار به علت "بی کفایتی مسئولین شهری" اصلاً اجرا نمی‌گردد.

تحریریه: بابک بهمنش

ادعای سپاه پاسداران برای جایگزینی توتال و شل در پارس جنوبی

راديو بين المللی فرانسه در تاريخ 4 اردیبهشت خبر داد : سرتیپ پاسدار یدالله جوانی رئیس اداره سیاسی سپاه پاسداران طی گفتگویی اظهار داشته که سپاه ، امروز به قابلیت ها و توانمند یهایی از نظر دانش فنی دست یافته که میتواند به راحتی پروژه های بزرگ نفت و گاز - مانند پروژه های عسلویه در میدان گاز پارس جنوبی- را راساً بدست گرفته و جایگزین شرکت های بزرگی مانند توتال و شل گردد.

سرتیپ پاسدار یدالله جوانی رئیس اداره سیاسی سپاه پاسداران طی گفتگویی اظهار داشته که سپاه ، امروز به قابلیت ها و توانمند یهایی از نظر دانش فنی دست یافته که میتواند به راحتی پروژه های بزرگ نفت و گاز - مانند پروژه های عسلویه در میدان گاز پارس جنوبی- را رأساً بدست گرفته و جایگزین شرکت های بزرگی مانند توتال و شل گردد.

رئیس اداره سیاسی سپاه پاسداران به فضا سازها علیه فعالیت های اقتصادی سپاه اشاره کرده و میگوید که آنهایی که به این فعالیت ها خرده میگیرند، شاید اطلاع دقیقی از اساسنامه سپاه ندارند. برای توجیه فعالیت های اقتصادی سپاه، وی به وظایف این نهاد جمهوری اسلامی در اساسنامه و اصل 150 قانون اساسی اشاره نموده و میگوید: "سپاه پاسداران باید برای تحقق حاکمیت دینی، استقلال اقتصادی و رهائی از وابستگی تلاش نماید". وی ادامه میدهد که از نظر سپاه تفاوتی ندارد که تهدیدها سیاسی، اقتصادی و یا فرهنگی باشد. سپاه پاسداران در همه این زمینه ها باید توانمند بوده، تا بتواند با تهدیدها مقابله نماید. در باره این اظهارات رئیس اداره سیاسی سپاه پاسداران با منصور کشفی، استاد نفت دانشگاه تگزاس آمریکا گفتگویی انجام داده ایم.

از وی میپرسیم، با توجه به ناتوانی اکثریت شرکتهای نفتی در اقتصادهای نوظهور صنعتی در زمینه اکتشاف و بهره برداری میدان های نفت و گاز، این سخنان سرتیپ یدالله جوانی را چگونه ارزیابی میکند؟ منصور کشفی میگوید که سخنان سرتیپ جوانی کاملاً سیاسی بوده و ایشان از بخش سیاسی سپاه می آیند و هیچگونه صلاحیت فنی، بویژه در صنعت نفت که یکی از صنایع تکنیکی و مهم جهان است، ندارند. وی میگوید که چند سال اخیر، سالهای ورشکستگی در صنعت نفت و گاز کشور بوده است. با خروج تدریجی شرکت های بزرگ و دارنده تکنولوژی از ایران- به لحاظ پرونده هسته ای جمهوری اسلامی- شرکت های وابسته به سپاه پاسداران اکثریت مناقصه های نفتی را بدون داشتن صلاحیت فنی گرفتند. سپس حق دلالتی گرفته و آنها را به شرکتهای نفتی رده دو و سه، خصوصاً در شرق آسیا محول کردند. این شرکتهای هم از دانش فنی لازم برای اکتشاف و بهره برداری بهینه از منابع نفت و گاز ایران برخوردار نبودند. نتیجه آنکه طی سالهای اخیر، هرساله تولید نفت روزانه به میزان 300 هزار بشکه کاستی داشته و هم اکنون تولید ایران از سهم تولیدی اش در اوپک کمتر میباشد. ماحصل کلام آنکه سپاه پاسداران و شرکتهای تابعه اش نه صلاحیت و توانائی فنی برای بهره برداری میدانهای گازی و نفتی کشور را دارند و نه سرمایه گذارهای چندین میلیارد دلاری در این زمینه مبادرت نماید. شرکت های آسیائی نیز که با آنها همکاری میکنند، فاقد توانمندی لازم در این موارد هستند. لذا سخنان سرتیپ یدالله جوانی با واقعیت تطبیق نمیکند و فقط برای اطمینان بخشیدن به حامیان داخلی حاکمیت کنونی جمهوری اسلامی ایران بیان شده است. فعالیت های اقتصادی سپاه در زمینه صنعت نفت بیشتر جنبه دلالتی داشته و منافع کوتاه مدت مدیران این شرکتهای را هدف گرفته است.

اخراج یک خبرنگار ایسنا پس از تحمل یک ماه زندان

به نوشته سایت روزنامه نگاران بی مرزآمده است : زینب کاظم خواه که ساعت سه بامداد هجدهم بهمن ۸۸، با مراجعه نابهنگام ۹ نفر از ماموران اطلاعات به منزل اش، بازداشت شد، پس از آزادی از زندان مانند روزهای پیش از حبس، به خبرنگاری ایسنا قدم گذاشت اما سعید پورعلی، مدیرعامل پیشین ایسنا، او را «خائن به وطن» خطاب کرد و گفت دیگر نمی تواند این خبرنگار را به عنوان نیروی کار ایسنا بپذیرد. به گزارش خبرنگار رهانا، این در حالیست که این خبرنگار روز ۱۶ اسفند هنگام آزاد شدن از زندان، نامه ای از مسوولان زندان خطاب به مدیر عامل ایسنا، مبنی بر بیگناهی دریافت کرده که بیانگر بی گناهی اوست و به او گفته شده می تواند به عنوان خبرنگار به فعالیت حرفه ای خود ادامه دهد.

سعید پورعلی که در شهریور ۸۸ به جای جمال رحیمیان به مدیرعاملی ایسنا منصوب شد ۲۲ فروردین سال جاری جای خود را به علی متقیان داد. گفته می شود ماموران اطلاعات هنگام بازداشت زینب کاظم خواه، علاوه بر ضبط تمامی وسایل شخصی، حکمی را به او نشان داده اند که در آن شرکت در تجمعات به عنوان اتهام این خبرنگار مطرح شده بود.

روز هجدهم بهمن ۸۸ و همزمان با دستگیری زینب کاظم خواه، شش خبرنگار و روزنامه نگار دیگر با نامهای سمیه مومنی، اکبر منتجبی، وحید پوراستاد، احسان محرابی، مهسا جزینی و احمد جلالی فراهانی دستگیر شدند. از این میان احسان محرابی همچنان محبوس است و دیگران پس از تحمل یک تا دو ماه حبس با قرار وثیقه آزاد شده اند.

دادگاهی و اعلام حکم برای سه فعال کارگری

بر اساس گزارش رسیده به کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در تاریخ 4 اردیبهشت آمده است : سه فعال کارگری شهر مریوان به اسامی سلام قادری ، خالد اسدی و آزاد حسینی در دادگاه انقلاب شهر مریوان دادگاهی شده و بر طبق حکم صادره از طرف آن دادگاه به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام ، عضویت در کمیته هماهنگی و پاره ای اتهامات دیگر هر کدام به تحمل سه سال و ده ماه حبس تعزیری محکوم شدند . قابل ذکر است که نامبردگان در تاریخ نوزدهم بهمن ماه سال 1387 در شهر مریوان توسط نیروهای امنیتی و اطلاعاتی رژیم دستگیر و آزاد حسینی به مدت 20 روز در زندان بوده و با وثیقه 20 میلیون تومانی آزاد شد همچنین سلام قادری و خالد اسدی نیز هر کدام بعد از گذراندن 4 ماه و 15 روز حبس در سخت ترین شرایط در زندان شهر مریوان با وثیقه 50 میلیونی در خردادماه 1388 از زندان آزاد شدند . سلام قادری نویسنده و یکی از

چهره های خوشنام دفاع از حقوق زنان و کودکان مریوان و از فعالین کارگری و مدافع حقوق کارگران و ستمدیدگان است.

ما اعضای کمیته هماهنگی دستگیری، بازداشت و تعقیب فعالین کارگری متشکل در این کمیته و دیگر فعالین کارگری را محکوم کرده و خواستار پایان دادن به این دستگیری ها و آزادی تمامی فعالین کارگری در بند می باشیم .

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

www.khamahangi.com

کار ساختمانی بیش از سایر حرفه‌ها حادثه خیز است

به نوشته ایلنا در تاریخ 4 اردیبهشت يك فعال کارگري در صنعت ساختمان گفت : سقوط از ارتفاع و برق گرفتگی از جمله حوادثی است که کارگران ساختمانی را در حین کار تهدید می‌کند. در این شرایط نبود بیمه اجباری برای کارگران ساختمانی، آسیب پذیری این گروه از کارگران را افزایش داده است .

ایلنا: به اعتقاد يك فعال کارگري بخش ساختمان، کارگران ساختمانی به دلیل انجام کارهای سخت و خطرناک باید از مزایای بیمه اجباری برخوردار شوند . جعفرعظیمزاده در گفت و گو با ایلنا، افزود: سقوط از ارتفاع و برق گرفتگی از جمله حوادثی است که کارگران ساختمانی را در حین کار تهدید می‌کند . این عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران بابیان اینکه کارگران حادثه دیده ساختمانی حتی ممکن است تا آخر عمر دچار نقص عضو و از کار افتادگی شوند؛ مدعی شد: شرایط کار در بخش ساختمان بیش از سایر حرفه‌ها و صنایع سخت و خطرناک است . این فعال کارگري گفت: در این شرایط نبود بیمه اجباری برای کارگران ساختمانی، آسیب پذیری این گروه از کارگران را افزایش داده است . به گفته عظیمزاده: به دلیل فصلی بودن و غیر مستمر بودن مشاغل ساختمانی، کمتر کارگري در بخش ساختمان قادر به پرداخت هزینه بیمه خویش فرماست چنانچه بیشتر کارگرانی هم که خود را بصورت خویش فرما بیمه کرده‌اند قادر به پرداخت مستمر و پیوسته حق بیمه خود نیستند . وی گفت: اگر مجموع درآمد سالیانه کارگران ساختمانی را بر مجموع ماه‌های سال تقسیم کنیم، مشخص می‌شود که کارگران ساختمانی از دیگر کارگران دستمزد کمتری دریافت می‌کنند . پایان پیام

بیانیه جمعی از کارگران ایران خودرو به مناسبت روز جهانی کارگر

جمعی از کارگران ایران خودرو در تاریخ 4 اردیبهشت 89 اعلام داشت : مادر آستانه اول ماه مه ضمن تبریک این روز خواست های اصلی خود را در 8 بند منتشر ساختند. در این بیانیه ضمن محکومیت هرگونه سرکوب و اختناق و تاکید بر خاتمه بخشیدن به شرایط پلیسی حاکم بر ایران، مطالبات کارگران به شرح ذیل تصریح شده است:

1. حق ایجاد تشکل بدون دخالت دولت و نیروهای ضد کارگری
2. حق اعتصاب و اجتماع و حق آزادی بیان
3. آزادی بدون قید و شرط فوری تمامی فعالین کارگری و زندانیان سیاسی
4. تأمین امنیت شغلی و بیمه بیکاری برای همه
5. تأمین مسکن و بیمه های اجتماعی برای همه
6. تعیین حداقل دستمزد متناسب با تورم
7. انحلال شرکت های پیمانکاری و کارهای پکیجی
8. لغو قراردادهای موقت و استخدام رسمی همه کارگران.

رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی شیراز

کار ساختمانی هر ماه جان 2 کارگر را می‌گیرد

خبرگزاری ایلنا در تاریخ 4 اردیبهشت می نویسد : ازمجموع 120 هزار کارگر ساختمانی شاغل در شیراز تنها 8 هزار نفر بصورت خویش فرما خود را بیمه کرده‌اند/طبق تعرفه بیمه خویش فرما، کارگران ساختمانی باید هر سه ماه 210 تومان بپردازند .

ایلنا: رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی شیراز می‌گوید به دلیل کمبود کارهای ساخته ساز، میان کارگران ساختمانی ایرانی با کارگران بیگانه رقابتی پنهان و حتی آشکار وجود دارد . سید محمد فرشیدیان در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا گفت: به دلیل کاهش پروژه‌های ساختمانی کارگران ایرانی و غیر ایرانی دیگر نمی‌توانند مانند گذشته در کنار یکدیگر کار کنند چنانچه حتی در برخی موارد به دلیل برخی باورها و شایعات نادرست و اشتباه کارفرمایان و صاحبان پروژه به منظور کاهش هزینه، افزایش کیفیت و حتی بالابردن سرعت کار کارگران غیر ایرانی را به کارگران ایرانی ترجیح می‌دهد . وی با یادآوری اینکه پیش از مهاجرت اتباع بیگانه به ایران و ورود آنها به بازار کار، ساختمان‌ها و پروژه‌های عمرانی به دست کارگران ایرانی اجرا می‌شد؛ گفت: دامن زدن به باورهای غلط مردم باعث شده تا به جای اتحاد، میان کارگران ساختمانی ایرانی و خارجی اختلاف و رقابت به وجود آید . فرشیدیان گفت: این وضع درحالی است که به دلیل اجرا نشدن قانون بیمه اجباری کارگران ساختمانی هیچ تفاوتی میان کارگران ایرانی و غیر ایرانی وجود ندارد . به گفته مسوول انجمن صنفی کارگران ساختمانی شیراز در حال حاضر از مجموع 120 هزار کارگر ساختمانی شاغل در شیراز تنها 8 هزار نفر در قالب بیمه شدگان مشاغل آزاد از مزایای بیمه تامین اجتماعی بهره‌مند هستند . وی افزود: این تعداد کارگر نیز که از 2 تا 15 سال سابقه یافت حق بیمه را دارند به دلیل فصلی بودن کارهای ساختمانی و نبود درآمد مستمر در طول تمامی ماه‌های سال، سابقه پرداخت منظمی ندارند . وی افزود: تعلل در اجرای قانون بیمه اجباری کارگران ساختمانی در حالی است که به دلیل سخت بودن شغل ساختمانی ماهانه حداقل 2 نفر بر اثر سقوط از ارتفاع و یا سایر حوادث ناشی از کار در حرقه ساختمانی فوت می‌کنند . به گفته فرشیدیان طبق تعرفه بیمه مشاغل آزاد کارگران ساختمانی باید بابت بیمه خود هر سه ماه یکبار 210 تا 230 هزار تومان به سازمان تامین اجتماعی پرداخت کنند که با توجه به وضعیت ناپایدار بازار کار این پرداخت توجیه اقتصادی ندارد و در نتیجه کارگران مجبورند که نیازهای درمانی خود را با پرداخت هزینه آزاد تامین کنند . پایان پیام

در ۲۶۵ روز سال تنها روز اول ماه مه به ما کارگران تعلق دارد. بیاید همه با هم یاد و خاطره این روز را گرامی بداریم

رفقای کارگر، ده ها سال است بورژوازی در سر تاسر جهان تلاش میکند تا روزهای زیادی از سال را با نام روز جشن و عزاداری به مردم جهان و بخصوص به ما کارگران قالب کند. در ایران دهها و شاید صدها سال است که دارند با دسترنج ما جشن استقلال، جشن ولادت پیامبران، امامان و شاهان را برگزار میکنند. هنوز هم دارند به این کار را ادامه میدهند، چون زندگی انگل وار و حاکمیتشان به وجود این جشنها و عزاداریهای ارتجاعی بستگی دارد. بی جهت نیست که خمینی گفت "ما هر چه داریم از این محرم است. رمز بقای اسلام سوگواری سیدالشهداء است. عاشورا اسلام را زنده نگه داشته است."

از جمله میتوان به جشن ولادت محمد، ذبح اسماعیل(عید قربان)، رمضان، ولادت موسی، عیسی، زرتشت، حسین، فاطمه و دیگر مرتجعان و جنایتکاران ملی و مذهبی که تعدادشان به صدها نفر می رسد اشاره کرد. اما هیچ یک از این افکار و جشنها، انسانی و مترقی نیستند. بلکه همه وهمه ضد انسانی و ارتجاعی اند. هر یک از این جشنها در گوشه ای از این جهان پهناور در جهت منافع حاکمان همان منطقه از جهان تدوین، تبلیغ و بر مردم تحمیل شده اند. همین حالا بورژوازی همانند قبل سالانه میلیونها دلار از دسترنج ما کارگران و زحمتکشان را صرف تبلیغ و ترویج افکاری میکند که کاملاً در ضدیت و در مقابل منافع طبقاتی ما کارگران قرار دارند.

اما روز اول ماه مه، روز فداکاری کارگران، روز از جان گذشته گان ، روز مبارزه برای رهایی و رفع بی عدالتیها است. اول ماه مه به کل طبقه کارگر وانسانهای برابری طلب مستقل از رنگ، نژاد، ملیت و مذهب تعلق دارد. طبقه کارگر آگاه جهان نه تنها در این روز یاد جانباخته گان راه مبارز برای رفع ستم، استثمار و استقرار سوسالیسم را گرامی میدارند، بلکه همچنین در این روز خواسته های مشترک سیاسی و صنفی خود را مطرح میکنند. طبقه کارگر در این روز شجاعانه تلاش میکند نه تنها صدای اعتراض خود به وضع موجود را به گوش مردم آزادبخواه و برابری طلب جهان برساند. بلکه تلاش میکنند صدای اتحاد وهمبستگی خود را به دیگر هم طبقه ابیهایش در سراسر جهان برسانند. مهمتر از همه، طبقه کارگر تلاش میکنند ضمن حفظ دست آوردهای تا کنونی اش که با خون هزاران کارگر مبارز و از جان گذشته بدست آمده است، قدمهای ماثر دیگری برای ایجاد یک دنیای بهتر ، دنیای عاری از ستم واستثمار بردارد .

رفقای کارگر! امروز مردم به جان آمده ایران با تفکر و شیوه های مختلف تلاش میکنند رژیم جهل و جنایات اسلامی را سرنگون کنند. نفرت از رژیم و خواست سرنگونی حکومت جنایتکار اسلامی در میان مردم روز به روز رو به افزایش است. مردم به جان آمده و معترض ایران بیش از گذشته با تمام وجود می خواهند از شر کل جمهوری اسلامی خلاص شوند. نظامی که حیاتش بر زندان، شکنجه، اعدام استوار است.

اما مشکل اصلی ما کارگران تنها حاکمان جنایتکار فعلی و قبلی جمهوری اسلامی نیستند که مردم را از زندگی شایسته انسان امروز محروم کرده اند. بلکه دشمن و مشکل اصلی طبقه کارگر سیستمی است که کل سران جمهوری اسلامی ایران، جمهوری اسلامی افغانستان، جمهوری اسلامی عراق، پاکستان، ترکیه و... ها را بر سرنواشت ما کارگران و مردم معترض به نظم ضد انسانی موجود حاکم کرده اند. به همین دلیل باید کلیت این سیستم را بزیر کشید! نباید اجازه داد مرتجعان با هر پرچم، رنگ و تفکری، چه سبز و چه سیاه، چه سفید و آبی از نیروی ما سوء استفاده کنند. طبقه کارگر باید همه جناحهای رژیم کثیف سرمایه داری را یک بار و برای همیشه به زباله دان تاریخ بسپارد.

رفقای کارگر! تجربهای موفق جنبش کارگری در سرتاسر جهان نشاندهنده این واقعیت است که برای بدست آوردن پیروزی، برای دفاع از منافع طبقاتی، برای رفع استثمار و نابرابری و برای بزیر کشیدن نظامهای سرمایه داری ابتدا باید متشکل و متحد شد. تا زمانی که ما کارگران و زحمتکشان فاقد تشکل و آگاهی طبقاتی خود باشیم، تا زمانی که منتظر همسایه مبارز و دوستان خود باشیم که راه پیروزی بر نظام سرمایه داری را نشانمان دهند، پیروزی ممکن نخواهد بود. حتی اگر در این مبارزات هر روزه شاهد شکوهمندترین فداکاریها و از جان گذشته گیهای خود وهم طبقه ای هایمان باشیم. پس باید با ایجاد تشکلات مستقل کارگری و با اتحاد وهمبستگی طبقاتی راه نا هموار مبارزه با نظام سرمایه را هموار کنیم!

ما کارگران مبارزه کردستان را فرامیخوانیم امسال هم همانند سالهای قبل، ضمن شرکت وسیع در مراسمات اول ماه مه و اعلام همبستگی طبقاتی با کارگران در سرتاسر ایران و جهان یکبار دیگر بر مطالبات صنفی و سیاسی خود از جمله، آزادی بیان، اعتصاب، پرداخت بموقع دستمزدها، بالا بردن سطح دستمزدها برابر با تورم، لغو قراردادهای موقت و سفید امضاء، توقف اخراج و بیکارسازی کارگران، برسمیت شناختن تشکل های مستقل کارگری، آزادی فعالین جنبش کارگری، معلمان، دانشجویان و لغو اعدام، سنگسار را پای فشارند.

ما کارگران فقط با نیروی خود آزاد خواهیم شد.

زنده باد آزادی، برابری و حکومت کارگری.

زنده باد سوسالیسم.

زنده باد اول ماه مه (روژی یازده ی گولان) (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر

حلیمه قاسمی

فاطمه رحمت پناه

محمود محمدی آخوند

حمید کریمی (شاطر حمید)

عثمان محمدی

محمد محمدی

سپاه جایگزین توتال و شل می شود

خبرگزاری حکومتی ایلنا در 4 اردیبهشت می نویسد: سردار سرتیپ پاسدار یدالله جوانی، رئیس اداره سیاسی سپاه، با اشاره به فضا سازیها علیه فعالیت های اقتصادی سپاه و انتقاد از این موضوع گفت: امروز در سپاه این افتخار داریم که به چنان قابلیت ها و توانمندی های دانشی دست یافته ایم که به راحتی می توانیم جایگزین شرکت های بزرگ خارجی شویم به عنوان مثال با بدست گیری پروژه های بزرگ در عسلویه جایگزین توتال و شل می شویم.

رئیس اداره سیاسی سپاه با تاکید بر اینکه شرایط اقتصادی رویکرد سپاه را دارد به تهدیدات نرم دشمن و اقدامات سپاه در این خصوص اشاره کرد و گفت: ما مشخصا از سال 76 به بعد که اصلاحات در کشور شکل گرفت چنین رویکردی را در سپاه داریم که بخشی از فرماندهی سردار صفوی را هم شامل می شود و همجمله هایی هم که نسبت به سپاه صورت گرفت از سال 77 به بعد بود.

وی ادامه داد: به عبارت دیگر از نظر سپاه تفاوتی ندارد که تهدید سیاسی باشد، اقتصادی یا فرهنگی، بلکه از نظر سپاه مهم این است که توانمندی خود را در همان زمینه تهدید بالا ببرد تا بتواند با آن مقابله کرده و از انقلاب و کشور دفاع کند

اعتصاب غذای معلم زندانی عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان

رسول بدآقی، معلم زندانی عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان ایران، در روزهای یازدهم و دوازدهم اردیبهشت ماه، اعتصاب غذا خواهد نمود. به گزارش هرانا، رسول بدآقی، که از اوایل شهریور ماه سال گذشته تاکنون در زندان اوین به سر می برد، در اعتراض به شرایط بد کیفی و کمی آموزش و پرورش، در روزهای یاد شده، دست به اعتصاب غذا خواهد زد. پیش تر در فروردین ماه سال جاری، آقای بدآقی در اعتراض به شرایط بد زندان، بلا تکلیفی چند ماهه به مدت دو هفته، دست به اعتصاب غذا زد. شایان ذکر است که از "دوازدهم اردیبهشت ماه" در ایران به عنوان "روز بزرگ داشت مقام معلم" یاد می شود و رسول بدآقی، معلم در بندی است که با اعتصاب غذای خود در زندان، این روز را گرامی می دارد.

تجمع کارگران مجتمع گوشت فارس به تشنج کشیده شد

سایت آژانس ایران خبر در تاریخ 5 اردیبهشت نوشت: در تجمع کارگران مجتمع گوشت فارس که در مقابل اداره کار ادامه داشت این تجمع در آستانه روز کارگر به تشنج کشیده شد. بنا به گزارش خبرنگار آژانس ایران خبر از مردوشن، روز شنبه 89.2.4 بازم کارگران مجتمع گوشت فارس مقابل اداره کار این شهر تجمع کردند و به بسته شدن درب کارخانه و اخراج 90 کارگر با 15 تا 20 سال سابقه کار، اعتراض کردند. اما این اعتراض ها در زمانیکه یکی از مامورین اداره کار به کارگران گفت مقصر ورشکستگی و تعطیل شدن شرکت مجتمع گوشت، خود شما کارگران بودید و و دیگر چه طلبی دارید و ... به مشاجره کشیده شد زیرا کارگران این جملات را اهانتی به خود دیده و نمکی بر زخمهایشان بود. روز 4 اردیبهشت هم جمعی از کارگران در مقابل اداره کار و همچنین اداره بیمه این شهر تجمع کردند ولی هیچ پاسخی به آنها داده نشد.

دور تازه ی تصفیه کارمندان و کارگران دولت

سایت آژانس ایران خبر در تاریخ 5 اردیبهشت نوشت: نهادهای حکومتی دور تازه ای از تصفیه کارمندان را شروع کرده اند. سازمان ها و نهادهای حکومتی در اقدامی هماهنگ دور تازه ای از تصفیه نیروهای سازمانی خود را از سر گرفته اند. جایگزینی نیروهای تازه کار و بسیجی به جای نیروهای کارکنشده و کاربرد سازمان ها و نهادها به عنوان شروع دور تازه ای از تصفیه ی کارمندان دولتی تلقی می شود. زیرا سازمان های حکومتی با عنوان خلوت کردن پایتخت اقدام به حذف برخی از پست های سازمانی نهاد خود کرده اند. حذف این پست ها همراه با حکم در اختیار کارگزینی برای کارمندان با سابقه می باشد. بنابراین گزارش های بدست آمده نهادهای حکومتی تعدادی از پست های سازمانی خود را به حالت تعلیق در آورده اند و افراد شاغل در این پستها را به کارگزینی سازمان معرفی کرده اند تا نسبت به تصمیم در مورد آنها اقدام نماید. بیشتر این افراد از کارمندان با سابقه و خوش نام نهادهای خود می باشند اما به دلیل گرایش های سیاسی غیرهمسو دولت کودتا با بهانه های مختلف سعی در تعدیل این گونه نیروها دارد. در واقع به نظر می رسد جایگزینی این افراد کاربرد با نیروهای کم تجربه در راستای فرهنگ به اصطلاح جهادی احمدی نژاد است. فرهنگی که اقتصاد کشور را به ورطه ی نابودی برده است و اکنون قصد دارد با ادامه این روند دیوانسالاری ایران را نیز بین ببرد.

روز جهانی کارگر گرامی باد

محمود صالحی و برهان عبدیپور: عزیزان کارگر! اول ماه مه، روز جهانی کارگر، روز رزم طبقه کارگر علیه سرمایه را به همه شما زنان و مردان کارگر در ایران و جهان تبریک میگوئیم. ما این فرصت را غنیمت شمرده و با 50 میلیون کارگر بیکار در جهان که کمی کمتر از نصف آنها در نتیجه بحران اخیر که سرمایه داران به وجود آوردند ابراز همدردی میکنیم.

اینها فقط آن بخش از بیکاران دنیا هستند که نامشان در لیست سازمان جهانی کار ثبت شده است. ما در این روز به همه کارگرانی که در فرانسه، ایتالیا، آمریکا، انگلستان، کره و سایر کشورها با سرمایه داران مبارزه کرده و در مواردی آنها را به زانو درآورده و حق و حقوق خود را گرفتند درود فرستاده و با آنها اعلام همبستگی میکنیم. شرایط دنیا طوری است که اگر مبارزه نکنیم سرمایه داران تمام بار بحران کنونی را روی دوش ما انداخته و مصیبت های تحمیل شده به ما را شدیدتر خواهند کرد. وضعیت جهان به بهترین وجهی نشان میدهد که بورژوازی و دولتهای آن صلاحیت اداره دنیا را ندارند. آنها دارند کره ی ما را به سوی بربریت میبرند و فقط کارگران متشکل و

متحدی که منافع طبقاتی خود را می‌شناسند، می‌توانند با اتکا به تجارب و دستاوردهای جهانی خویش راه نجاتی پیش پای مردم رنج کشیده‌ی دنیا بگذارند.

در روز جهانی کارگر، ما کارگران، باید بتوانیم با برگزاری مراسم‌های خود سازمانده و راه پیمائیه‌های خیابانی دستاوردهای جهانی طبقه خود و خواسته‌های خویش را به حاکمان یادآوری کنیم و خواستار تحقق آنها گردیم. انسانهای شریف و مردم آزاده نیز این روز را فرصتی به حساب می‌آورند تا از کارگران، این طبقه تولید کننده و ارائه کننده خدمات، این خالق همه نعمتها ستایش کنند. اما سرمایه‌داران در اینجا میکوشند از طریق اعمال زور و زندان از این کار جلوگیری کنند. آنها فکر میکنند اگر کارگران بتوانند به عنوان یک طبقه رژه برونند و مراسم خود سازمانده بگیرند سطح توقعشان بالا میرود و خواستار شرایط بهتر کار و زندگی خواهند شد. باید به این اشخاص یادآوری کرد که ما کارگران میدانیم کی هستیم و جایگاهمان کجاست. کارگران در این روز به سرمایه‌داران اعلام میکنند که آنها مضر هستند و از حاصل دسترنج ما زندگی میکنند و به جای ترتیب دادن یک جامعه انسانی برای ما جهنم درست کرده‌اند. ما اعلام میکنیم که حاصل زحمت ما کارگران و نیز وجود منابع طبیعی سرشار سبب شده تا ما کشوری ثروتمند داشته باشیم. در چنین صورتی کارگران میپرسند که چرا حداقل دستمزد ما باید 303 هزار تومان در ماه، یعنی سه بار زیر خط فقر، باشد. چرا بیش از چهار میلیون انسان آماده به کار را از داشتن کار محروم کرده و بیمه بیکاری مکفی به آنها نمیدهید؟ شما برای بالا بردن سطح زندگی این انسانها چکار کرده‌اید؟ آیا این ننگ نیست که 2 میلیون کودک در خیابانها آواره و بعضا بی خانمان باشند. برای حل این مشکل چه کرده‌اید؟ چرا زنان و کودکان را مجبور میکنید در بازار سیاه و با کمترین دستمزدها و در بدترین شرایط کار کنند. قرارداد موقت و سفید امضا جای قراردادهای رسمی را گرفته. برای حل این مشکل چکار کرده‌اید؟ برای میلیونها جوان، که نور امیدی در انتهای تونل تاریک زندگی نمی بینند چه کرده‌اید؟ البته ما کارگران میدانیم که شما تا مجبور نشوید کاری به نفع کارگران و مردم زحمتکش انجام نمیدهید. به همین جهت است که فعالین کارگری در تلاشند تا تشکلهای خود ساخته و کارگری را درست کنند و از طریق اعمال قدرت متحد و طبقاتیمان حقوق حقه خود را به دست آوریم. البته ممکنست شما ما را همچون منصور اسالو و علی نجاتی و بقیه فعالین کارگری، به خاطر دفاع از حقوق کارگران زندانی کنید، اما اعمال سرکوبگرانه شما ما را نمیترساند.

ما امسال در اول ماه مه و در مراسم‌های خود سازمانده خواسته‌های خود را بیان کرده و خواهان تحقق آنها خواهیم شد. ما در این روز همبستگی خود را با کارگران جهان اعلام میکنیم و خواستار جامعه‌ای آزاد، مرفه و برابر میشویم. ما خواهان آزادی بیان، تشکل، تجمع و آزادی اعتصاب خواهیم شد. هر کس در ایران زندگی میکند باید دارای مسکن و درآمد اولیه‌ای باشد تا شاغل میشود. ما برای زنان دستمزد برابر با مردان خواستاریم. ما خواهان توقف کار کودکان و تامین زندگی کامل برای آنان، آموزش، تفریح و امنیت همه کودکان و از جمله کودکان خیابان هستیم. ما خواهان تامین شغل برای همه‌ی کارگران بیکار و دادن بیمه‌ی بیکاری مکفی به آنان تا پیدا کردن شغل هستیم. ما خواهان توقف قراردادهای موقت و سفید امضا بوده و خواهان توقف هرگونه اخراج موقت به خاطر محروم کردن کارگران از حقوق قانونیشان هستیم. ما خواهیم خواست که در حداقل دستمزد تجدید نظر شود. زندانیان سیاسی، آزاد شوند و در آینده از هرگونه تعقیبی مصون بمانند. ما خواهان تامین امکان کاریابی، تفریح و تحصیل در محیطی امن تا سطح عالی برای زنان و مردان جوان هستیم. ما سال گذشته خواسته‌های خود را در مراسم‌های گوناگون از جمله مراسم تهران، سنندج، سقز و نقاط دیگر اعلام کرده‌ایم. ما امسال نیز بر خواسته‌های خود پای خواهیم فشرد و ما کارگران خواستار متوقف کردن هر گونه وام بلاعوض به سرمایه داران و کارخانه داران جهت رفع بحرانی هستیم که خود سرمایه داران به وجود آوردند و دولت موظف است که این پول را به حساب صندوق بیمه بیکاری واریز و تمام کارگران بیکار از آن بهرمنند شوند.

بار دیگر اول ماه مه، روز جهانی طبقه کارگر یعنی روز رزم طبقه کارگر علیه سرمایه به همه کارگران تبریک می‌گوییم.

محمد عبدی پور و محمود صالحی- سقز

تاریخ 89/2/5

برگرفته از سایت کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

گفتگوی علیرضا ثقفی و سعید ترابیان در گفتگو با دویچه دوله آلمان ؛ بزرگترین کابوس زندگی زحمتکشان در سال گذشته، ناامنی شغلی و تنگناهای مالی ناشی از بیکاری بود

صدای آلمان در تاریخ 5 اردیبهشت اعلام داشت : بزرگترین کابوس زندگی زحمتکشان در سال گذشته، ناامنی شغلی و تنگناهای مالی ناشی از بیکاری بود. فعالان کارگری نیز بارها در معرض تهدیدهای امنیتی قرار گرفتند. دو سندیکای نیشکر هفت‌تپه و شرکت واحد قربانی سرکوبی خشن شدند. رویای همه کارگران، اشتغال و امنیت مالی است، اما نرخ نازل رشد اقتصادی و رکود شدید در سرمایه‌گذاری‌های

داخلی و خارجی، صنعت و اقتصاد ایران را به قهقرا برده و به بیکاری، اخراج یا تعدیل وضعیت زحمتکشان دامن زده است. مجله اقتصادی اکونومیست گزارش می‌دهد که نرخ بیکاری ۱۳/۲ درصدی در سال ۱۳۸۸، در سال جاری افزایش خواهد یافت.

اصل ۴۳ قانون اساسی، حق کار برای شهروندان را به رسمیت می‌شناسد و دولت را موظف می‌کند که برای همه افراد بالغ، شغل فراهم کند. دولت در سال‌های گذشته نه تنها این وظیفه را انجام نداده، بلکه با واگذاری شتابزده بسیاری از واحدهای تولیدی به بخش خصوصی، به شمار لشکر بیکاران افزوده است. به نقل از دبیرکل خانه کارگر، در حال حاضر، دو هزار واحد تولیدی با بحران مالی روبرو هستند و سالانه ۲۰۰ هزار کارگر ایرانی بیکار می‌شوند.

کاهش درآمد، افزایش هزینه حداقل حقوق کارگران در ایران، فروردین ماه هر سال اعلام می‌شود. این دستمزد در طول سال ثابت می‌ماند، حال آنکه قیمت‌ها و نرخ تورم روزانه افزایش می‌یابند. به این قرار، با تورم ۳۰ درصدی، بین حقوق حقیقی زحمتکشان در آغاز و پایان سال، تفاوتی جدی وجود دارد. علیرضا ثقفی، پژوهشگر مسائل کارگری به دویچه‌وله می‌گوید که بیشتر کارخانجات و واحدهای تولیدی کشور در سال گذشته، به دلیل کمبود مواد اولیه، واردات بی‌رویه و ضعف مدیریت، تنها با ۳۰ الی ۴۰ درصد ظرفیت خود کار کردند و کمبود درآمد و نبود سرمایه در این واحدها، به پاکسازی و تعدیل نیروی کار در آنها انجامید. به نظر آقای ثقفی، واگذاری کارخانه‌های دولتی به بخش خصوصی، نظارت قانونی بر مناسبات کارفرما و کارگر را محدودتر از پیش کرد و بر قراردادهای ظالمانه، شرایط کار ابتدایی و احجاف به دستمزدبگیران افزود. وی می‌گوید که ۶۰ درصد کارگران ایرانی زیر خط فقر زندگی می‌کنند و مدت‌هاست که برای حفظ کار، تن به هر قرارداد یا دستمزدی می‌دهند.

پیشروی کارفرما علیه کارگر علیرضا ثقفی می‌گوید که صاحبان بسیاری واحدهای صنعتی، فرآیند تولید را تعطیل کرده و به فروش زمین و معامله سکه، دلار و طلا روی آورده‌اند. او به کارخانه‌هایی اشاره می‌کند که برای ایجاد تعادل در هزینه‌های خود، هر سه ماه یک‌بار، ۲۰۰ کارگر موقت را اخراج می‌کنند و ۲۰۰ کارگر دیگر با حقوقی به مراتب کمتر جذب می‌کنند. آقای ثقفی از کارگران شهرستانی و زنانی نام می‌برد که به کار با حقوق یک سوم تا یک چهارم مبلغ معمول تن می‌دهند تا نان بخور و نمیری به خانه ببرند. وی از رشد فارچ‌گونه‌ی شرکت‌های کارپایی یاد می‌کند که برای بیکاران، قراردادهای سه ماهه جور می‌کنند و یک ماه دستمزد را به‌عنوان کارمزد و پورسانت‌ها برای خود برمی‌دارند. علیرضا ثقفی، سال گذشته را سال سوءاستفاده‌ی کارفرما از لشکر بیکاران می‌نامد.

افزایش سوانح حین کار ایمنی محیط کار، از حقوق مسلم کارگران است، اما اکثر کارفرمایان برای صرفه‌جویی در هزینه‌های خود، از تأمین این حق سر باز می‌زنند. نبود هرگونه نظارت قانونی، موجب شده که بسیاری زحمتکشان از بدیهی‌ترین استانداردهای ایمنی محروم بمانند. عموم کارگران ساختمانی بدون کلاه محافظ، کار می‌کنند و آمار سقوط آنان از داربست‌ها بسیار بالاست.

کنترل خاصی روی حفظ ایمنی کارگران شاغل در واحدهای نساجی، دارویی شیمیایی صورت نمی‌گیرد. برخی کارگران شاغل در بخش دفع آفات نیشکر هفت‌تپه به دلیل تماس مستقیم با سموم، به بیماری‌های تنفسی و ریوی دچار شده‌اند. افت شدید استانداردهای ایمنی و صرفه‌جویی‌های معمول کارفرمایان، آمار سوانح در میان زحمتکشان را بالا برده است. به دلیل این‌که بیشتر کارگران به‌صورت موقت استخدام می‌شوند، هیچ بیمه و حمایتی در صورت صدمه دیدن دریافت نمی‌کنند.

سرکوب نهادها و فعالان کارگری تهدید و سرکوب فعالان کارگری در سال ۸۸، از سال‌های گذشته بیشتر بود. مراسم گرامی‌داشت روز کارگر در پارک لاله تهران به ضرب و شتم و دستگیری دستکم ۱۲۰ نفر منجر شد. پنج تن از اعضای سندیکای نیشکر هفت‌تپه دستگیر و محکوم به زندان شدند. پرونده‌هایی نیز علیه اعضای سندیکای شرکت واحد گشوده شد و بسیاری دیگر، احضاریه و اخطار دریافت کردند.

سعید ترابیان، عضو هیات مدیره سندیکای شرکت واحد، تلاش مقامات امنیتی برای منزوی کردن و پراکنده ساختن فعالان کارگری را بی‌سابقه توصیف می‌کند. وی عقیده دارد که یکی از دلایل عمده اخراج رو به رشد کارگران در ماه‌های گذشته، نبود نهادها و نمایندگان واقعی کارگری بوده است. شوراهای اسلامی کار، تنها تشکل بازمانده در کارخانه‌ها و واحدهای صنعتی هستند. سعید ترابیان اعضای این شوراهای را "کارگران یقه سفید" می‌نامد و می‌گوید که آنها به‌دلیل حقوق فردی تضمین‌شده، قراردادهای ثابت و وابستگی به کارفرما، درکی از دردهای توده واقعی کارگری ندارند. وی فراگیر شدن قراردادهای سفید امضا و بی‌اعتنایی شوراهای اسلامی کار به اخراج‌های چند صد نفری در اراک، اهواز، تبریز و تهران را نشان دیگری از انتخابی نبودن این‌گونه نمایندگان می‌داند.

مهیندخت مصباح

تحریریه: بابک بهمنش

این مطلب بر اساس نوشته ای از سال قبل تهیه شده. اگر نظر خودتان را به ایمیل نویسنده ارسال کنید باعث خرسندی خواهد شد

پیش نویس قطعنامه شکل های مستقل جنبش کارگري ايران به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر سال 89

اول ماه مه ، مصادف با یازده اردیبهشت ، روز جهانی کارگر و روز اتحاد و همبستگی بین المللی کارگران ، برای بیان خواست ها و مطالبات این طبقه ، جهت بهبود وضعیت زندگی آنان ، رهایی از مشقات و نابرابری های نظام سرمایه داری و برپایی دنیایی عاری از ستم و استثمار طبقاتی است .

پیام روز جهانی کارگر ، در اول ماه مه ، این است که کارگران در سرتاسر جهان ، فارغ از نژاد ، ملیت ، زبان و مذهب ، یک طبقه ی واحد جهانی هستند زیرا همگی در یک چیز مشترکند : آنان با فروش نیروی کار خود به صاحبان سرمایه در قبال دریافت مزد امرار معاش میکنند و نقش تعیین کننده ای در تولید همه ثروت های مادی و معنوی جامعه دارند .

کارگران به عنوان اکثریت افراد جامعه ، اگر متحد باشند و به شکل های مستقل و متکی به نیرو و اراده خویش اتکا کنند ، و آن را با دانش و آگاهی طبقاتی همراه سازند ، این قابلیت و توانایی را دارند که علاوه بر بهبود شرایط کار و معیشت خویش ، در محو نظام طبقاتی ، نقش پیشرو و به سزایی بازی کنند و ایجاد جامعه ای آزاد ، برابر و انسانی را مد نظر قرار دهند .

امسال ، کارگران مراسم اول ماه مه را در شرایطی برگزار می کنند که نظام سرمایه داری ، برخلاف تبلیغات قلم به دستان و توجیه گران این نظام همچنان در بحرانی عمیق و همه جانبه دست و پا می زند و برای خلاصی خود از این بحران ، به هر دستاویزی چنگ می اندازد .

سرمایه داری البته در سطح جهانی و در سطح داخلی تلاش می کند تا در جهت تأمین سود های هنگفت و نجومی خویش ، حتی الامکان بار این نابسامانی ، فشار و بحران را بردوش کارگران بیندازد و فقر و بی حقوقی بی حد و حصری را به این طبقه مولد جامعه تحمیل نماید .

در ایران سرمایه داری برای مهار بحران خود و انداختن بار این بحران بر دوش کارگران و عموم مردم ، در طرح موسوم به " هدفمند کردن یارانه ها " اقدام به حذف سوبسید ها از کالا های اساسی و مورد نیاز توده های مردم ، کرده است. این طرح ضد مردمی تعرض افسارگسیخته به سفره خالی کارگران و توده های تحت ستم مردم است و علاوه بر سایر مصائب و بلاهای اهدایی سرمایه ، ایجاد ظلم، بی حقوقی و فشار را بیش از پیش شدت می بخشد و بر عمق و دامنه آن می افزاید . کارگران و عموم مردم قطعاً در مقابل اجرای این طرح خانمان برانداز سکوت نخواهند کرد.

از دیگر نتیجه های ستمگری ، بی حقوقی و نابرابری نظام سرمایه داری ، اعتراضات اخیر مردم ایران است. اگرچه مطالبات مطرح شده در این اعتراضات همگی مطالبات اساسی و راستین کارگران و عموم مردم نبود ، اما مردم بخش هایی از مطالبات عمومی از جمله رگه هایی از خواسته های دموکراتیک خود را مطرح نمودند. کارگران می توانند و باید با طرح مطالبات و خواسته های طبقاتی خود به شکلی مستقل و متشکل جهت اعتراضات و حرکت ها را تعمیق بخشند و جنبه ای طبقاتی به آن دهند.

به عنوان نمونه ، دستمزدهای به مراتب زیر خط فقر (303000 تومان) ، حذف سوبسید ها ، اخراج و بیکار سازی گسترده کارگران ، عدم پرداخت به موقع دستمزد میلیون ها کارگر ، تحمیل قراردادهای موقت و سفید امضاء و حاکم کردن شرکت های پیمان کاری و رواج فرم قراردادهای برده وار جدید ، بازداشت و زندانی کردن کارگران و مردم به جان آمده و اجرای احکام قرون وسطایی شلاق علیه کارگران و فعالان دیگر جنبش های اجتماعی و . . . صرفاً نمونه هایی از این بی حقوقی و فشار را به نمایش می گذارند و نشان از تعرض سرمایه ، حتی به سفره خالی کارگران دارند .

ما کارگران در مقابل این وضعیت بغایت ضد انسانی و گسترش عمق و دامنه آن سکوت نخواهیم کرد و اجازه نخواهیم داد بیش از این حق حیات و هستی ما را به تباهی بکشانند . ما تولید کنندگان اصلی ثروت و نعمت در جامعه هستیم . داشتن یک زندگی انسانی و مطابق با بالاترین استانداردهای حیات بشر امروز حق مسلم ماست و ما برای تحقق آن تمامی موانع پیش روی خود را با برپایی شکل های مستقل از دولت و کارفرما و با اتکا به قدرت همبستگی مان از سر راه خویش بر خواهیم داشت .

در این راستا ما تشکل های امضا کننده زیر ، ضمن محکوم کردن هر گونه تهاجم به مراسم های اول ماه مه از جمله مراسم های سال گذشته ، و تأکید بر خواسته های قطعنامه ی کارگران در سال 88 ، به طور یکپارچه و متحد ، مطالبات زیر را به عنوان حداقل خواست های خود در سال 89 طلب می کنیم و خواهان تحقق فوری آن هستیم :

1 - حذف یارانه ها یا طرح موسوم به " هدفمند کردن یارانه ها " ، چیزی جز فلاکت و خانه خرابی بیشتر برای کارگران و توده محروم مردم به ارمغان نمی آورد . ما خواهان حذف این طرح ضد کارگري و ضد مردمی هستیم .

- 2 - در حالی که خط فقر اعلام شده توسط نهاد های رسمی 900 هزار تومان در ماه است ، حداقل دستمزد اعلام شده از سوی شورای عالی کار (303000 تومان) تحمیل مرگ تدریجی بر میلیون ها خانواده کارگری است. ما ضمن رد روش سه جانبه گرایی و تعیین دستمزد توسط شورای عالی کار ، خواهان افزایش فوری دستمزد ها بر اساس حداقل های يك زندگي شرافتمندانه و انساني و با اعلام نظر کارگران از طریق نمایندگان واقعی و منتخب آنان در تشکل های مستقل کارگری هستیم
- 3 - ما خواهان تامین کار توسط دولت برای تمامی افراد بالای 18 سال و تامین امنیت شغلی و لغو قراردادهای موقت و سفید امضاء هستیم .
- 4 - برپایی تشکل های مستقل کارگری و حق اعتراض و اعتصاب ، حق تجمع و راهپیمایی ، حق آزادی بیان و نشر، جزء حقوق مسلم ما کارگران است . این خواسته ها باید بدون قید و شرط به عنوان حقوق خدشه ناپذیر اجتماعی کارگران به رسمیت شناخته شوند .
- 5 - دستمزدهای معوقه کارگران و خسارت های ناشی از ان باید فوراً و بی هیچ عذر و بهانه ای پرداخت شوند و عدم پرداخت آن ها می بایست به مثابه جرم قابل تعقیب تلقی گردیده و مورد پیگرد قضائی قرار گیرد .
- 6 - اخراج و بیکار سازی کارگران به هر بهانه ای باید متوقف گردد و تمامی کسانی که اخراج یا بیکار شده اند و یا به سن اشتغال رسیده و آماده به کار هستند باید تا زمان اشتغال به کار از بیمه بیکاری مکفی و متناسب با يك زندگي انساني برخوردار شوند
- 7 . ما خواهان برابری کامل حقوق زنان و مردان در تمامی شئون زندگی اجتماعی و اقتصادی و محو کلیه قوانین تبعیض آمیز علیه آنان می باشیم .
- 8 - ما خواهان برخورداری تمامی بازنشستگان از يك زندگي مرفه و بدون دغدغه اقتصادی هستیم و هرگونه تبعیض در پرداخت مستمری بازنشستگان را قویاً محکوم می کنیم .
- 9 - ما ضمن اعلام حمایت فاطعانه از مطالبات معلمان ، پرستاران و سایر اقشار کارگری و زحمتکش جامعه ، خود را متحد آنها می دانیم و خواهان تحقق فوری مطالبات آنان می باشیم .
- 10 - از آنجا که کارگران فصلی و ساختمان به طور کامل از قوانین تامین اجتماعی محروم هستند ، ما از اعتراضات این بخش از طبقه کارگر برای رسیدن به حقوق انسانی آنها دفاع می کنیم .
- 11 - کارگران باید در محل کار خود از استاندارد های مربوط به ایمنی و بهداشت کار برخوردار باشند . به علاوه تمامی قوانین و استاندارد های جهانی مربوط به مشاغل سخت و زیان آور باید بدون قید و شرط و هر گونه عذر و بهانه ای به مرحله اجرا گذاشته شود
- 12- ما خواهان تامین موارد حداقلی رفاه اجتماعی از جمله خدمات بیمه های اجتماعی برای عموم ، آموزش رایگان در تمامی سطوح ، بهداشت و درمان رایگان و خدمات عمومی رایگان از جمله حمل و نقل عمومی میباشیم.
- 13 - نظام سرمایه داری به جهت سودآوری و استثمار بیش تر، عامل کار کودکان است . تمامی کودکان باید جدای از موفیعت اقتصادی و اجتماعی والدین ، نوع جنسیت و وابستگی های ملی و نژادی و مذهبی از امکانات آموزشی ، رفاهی و بهداشتی یکسانی برخوردار شوند .
- 14 - ما خواهان آزادی کلیه کارگران و فعالان کارگری زندانی و لغو احکام صادره و توقف پیگرد های قضایی و امنیتی علیه کارگران و فعالان کارگری هستیم .
- 15 - ما بدینوسیله پشتیبانی خود را از تمامی جنبش های آزادی خواهانه و برابری طلب همچون جنبش دانشجویی و جنبش زنان و حق تشکل یابی آنان اعلام می داریم و دستگیری ، محاکمه و به زندان افکندن فعالین این جنبش ها را قویاً محکوم می کنیم
- 16 - ما ضمن محکوم کردن سرکوب اعتراضات مردمی و اعلام همدردی با خانواده هایی که افرادی از آنان تحت تعقیب تهدید ، شکنجه ، حبس ، کشتار و یا اعدام قرار گرفته اند ، هر گونه اعتراض ، ابراز عقیده و آزادی بیان را حق مسلم و خدشه ناپذیر مردم می دانیم و خواستار آزادی کلیه زندانیان سیاسی و توقف پیگرد های قضایی علیه آنان هستیم.

17 - ما بخشی از طبقه کارگر جهانی هستیم و اخراج و تحمیل بی حقوقی مضاعف بر کارگران مهاجر افغانی و سایر ملیت ها را به هر بهانه ای محکوم می کنیم .

18 - ما ضمن قدردانی از تمامی حمایت های بین المللی از مبارزات کارگران در ایران و حمایت قاطعانه از اعتراضات و خواسته های کارگران در سراسر جهان خود را متحد آنان می دانیم و بیش از هر زمان دیگری بر همبستگی بین المللی طبقه کارگر برای رهایی از مشقات نظام سرمایه داری تاکید می کنیم .

19 - اول ماه مه باید تعطیل رسمی اعلام و در تقویم رسمی کشور گنجانده شود و هر گونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی گردد .

زنده باد همبستگی و اتحاد بین المللی طبقه کارگر - زنده باد اول ماه مه

اسامی کارگران جانباخته حوادث پس از انتخابات در سال 88

سایت آژانس ایران خبر در تاریخ 5 اردیبهشت نوشت : اسامی زیر ، اسامی شهدای راه آزادی است که در حوادث پس از انتخابات در سال 88 به شهادت رسیدند ، با گلباران مزار آنها در بهشت زهرا یادشان را در آستانه روز کارگر گرامی بداریم .

1. محمود رئیسی نجفی کارگر
2. بهمن جنابی خوش ، 19 ساله ، کارگر لوله کش و تاسیسات لوازم برقی
3. احمد نجاتی ، فرزند علی ، 22 ساله ، کارگر که با ضربات باطوم به شهادت رسید
4. سجاد قائد رحمتی ، اهل درود لرستان ، کارگر
5. حسین اختر زند ، اهل اصفهان ، کارگر
6. فرزاد جشنی 19 ساله ، فرزند جعفر ، اهل ایلام ، که برای کار به تهران رفته بود .
7. ابوالفضل عبداللهی ، برق کار ، بر اثر اصابت گلوله به سرش به شهادت رسید
8. سعید عباسی ، 28 ساله ، در اثر شلیک گلوله جانین به شهادت رسید
9. میثم عبادی ، 17 ساله ، کارگر فرش فروش در فلکه صادقیه با اصابت گلوله به شکمش به شهادت رسید
10. عباس دیسناد ، کارگر بازاری ، 48 ساله در اثر ضربات باتون بر سرش به شهادت رسید

سرنوشت دردناک کارگران اخراج شده

سایت آژانس ایران خبر در تاریخ 5 اردیبهشت نوشت : یکی از کارگران اخراج شده از شرکت کاشی البرز به خبرنگار آژانس ایران خبر گفت : "برای امرار معاش یومیه ناچاریم به هر کاری که پیش بیاید تن بدهیم . ما کارگران اخراج شده سرنوشت مشترک و البته دردناکی داریم . زن و بچه هایمان گرسنه اند ، در شرکت ها و کارخانجات مختلف حتی با برگه های سفید امضا حاضریم کار کنیم ولی بازهم کار پیدا نمیشود . از همه شرکتها و کارخانه ها هر روز کارگران اخراج میشوند و به این زخم ما نمک بیشتر پاشیده میشود . بعنوان مثال من خودم الان در یک پمپ بنزین کار میکنم . همسر و دو بچه دارم ، روزانه در ازای 12 ساعت کار رسمی و دوساعت اضافه یعنی 14 ساعت کار ، تنها ماهی 130 هزار تومان دریافت میکنم . اگر هر حرفی سر همین حقوق داشته باشم ، همانروز خواهند گفت خوش آمدی !!!!

معلوم نیست که آن مقاماتی که دم از اسلام میزنند و آن بالا نشسته اند میدانند که درد و فقر یعنی چی ؟

وبلاگ هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش فیلتر شد

دوستان و رفقای گرامی

با دروهای فراوان

به اطلاع می رساند وبسایت هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش ساختمان فیلتر شده است . این موضوع در آستانه روز جهانی کارگر ، در حالی اتفاق می افتد که وبسایت نقاشان تاکنون جز اخبار مربوط به فعالیت قانونی کارگران برای ایجاد تشکلهای سندیکاهای کارگری اقدام دیگری به انجام نرسانیده و اینکه اینچنین مورد خشم و غضب واقع شده خود نشان آشکاری از بغض تاریخی طبقه ای است که کمترین فعالیت کارگری در جهت منافع خود را بر نمی تابد .

ما ضمن محکوم کردن این اقدام اعلام می کنیم که همچنان بر خواسته های قانونی خود در ایجاد سندیکاهای کارگری و برخورداری از تامین اجتماعی پافشاری کرده و 11 اردیبهشت روز جهانی کارگر را فرصت مناسبی برای فریاد مطالباتمان می دانیم .

همچنین به اطلاع می‌رسانیم که تا اطلاع ثانوی آدرس زیر جایگزین وسایت قبلی خواهد بود :

<http://syndicanaghash1.blogfa.com/>

گزارشی از افزایش سرسام آور قیمت ها

سایت آژانس ایران خبر در تاریخ 5 اردیبهشت نوشت: هنوز پارانه ها حذف نشده اما سودجویان مطابق معمول از خواب ارگانهای نظارتی دولت کودتا به نفع خود استفاده می‌کنند و قیمتها بازهم افزایش می‌یابد. نرخ سیب زمینی و پیاز از حداکثر کیلویی 450 تومان در آخرین روزهای هفته گذشته به 900 تومان در روز جمعه و قیمت گوجه فرنگی از 350 تومان به 1450 تومان در روز پنجشنبه و متعاقب عدم خرید مردم به 1050 تومان در روز جمعه و قیمت شیر پارانه ای از 250 تومان به 350 تومان در بازارهای میوه و تره بار افزایش یافت. نمی‌توان گفت که دولت از این افزایش قیمت ها بیخبر است اما به نظر می‌رسد به دلیل وحشتی که از واکنش مردم نسبت به آزاد شدن قیمتها دارد، اقدام به اجرای تورم غیررسمی و بدون اعلام قبلی دارد تا در زمان اعلام رسمی آزاد شدن قیمتها مردم شاهد افزایش قیمت جزئی نسبت به آخرین قیمت ها پیش از این کار باشند.

دستگیری شانزده عضو یک انجمن فرهنگی

سایت روشنگری در 5 اردیبهشت می‌نویسد: سه تن از اعضای یک انجمن فرهنگی با نام های دکتر ابراهیم بابایی، مهدی کوهکن و محسن صادقی نور، پس از گذشت 4 ماه از زمان بازداشتشان، در شرایط مبهمی در زندان اوین نگهداری می‌شوند. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، در پی اعتراضات مردمی 6 دی ماه سال گذشته (عاشورا)، 16 تن از اعضای یک انجمن فرهنگی موسوم به "فرزندان ایران بزرگ" در تهران توسط مأموران وزارت اطلاعات بازداشت و به بند 209 زندان اوین منتقل شدند و بازجویان ضمن برخورد نامناسب به ضرب و شتم ایشان پرداختند.

13 تن از اعضای این انجمن پس از گذشت چند روز و با اخذ تعهد کتبی مبنی بر خودداری از ادامه ی فعالیت های فرهنگی پاسداری از میراث فرهنگی و برگزاری جشن های باستانی ایران زمین، آزاد شدند اما از آزادی دکتر ابراهیم بابایی، مهدی کوهکن و محسن صادقی نور ممانعت به عمل آمد.

نیروهای امنیتی ضمن فشار بر خانواده ها مبنی بر عدم رسانه ای کردن این موضوع؛ بدون تفهیم اتهام مشخصی، این سه تن را مجبور به اخذ اعترافات دروغین کرده و خبر از فرستادن پرونده ی ایشان به دادگاه در آینده ای نزدیک داده اند.

گفتنی است این سه تن که دو ماه از زمان بازداشت خود را در سلول های انفرادی گذراندند، پیش از نوروز 89 به بند 350 منتقل شدند و هم اینک نیز در این بند نگهداری می‌شوند. شایان ذکر است که آقای بابایی جانبا 47 درصد جنگ ایران و عراق است. وی هم اینک از بیماری قلبی و سیاتیک به شدت رنج می‌برد و آقایان کوهکن و صادقی نور نیز به علت ضرب و شتم های متعدد در زندان، دچار بیماری های جسمی و روحی شده اند.

موسوی و دارو دسته اش به دنبال طبقه کارگر

گزارش اخبار واصله به جرس در 5 اردیبهشت آمده است: برنامه های روز کارگر جنبش سبز در تهران، راس ساعت ۱۶ از مقابل وزارت کار (خیابان آزادی) شروع خواهد شد و تاکید می‌گردد: "در صورت ممانعت و درگیری مأموران و عدم امکان ادامه تجمع، به سمت وزارت کشور (خیابان فاطمی) حرکت خواهیم کرد." این منبع خبری همچنین خاطرنشان کرد این گروه از حامیان جنبش، از تمام شهروندان دعوت کرده اند تا در تمامی نقاط کشور، راس ساعت ۴ بعد از ظهر حضور یافته و با حضور سبز خود، از کارگران جامعه خود دفاع کنند. این فراخوان شعارهای پیشنهادی روز کارگر را چنین اعلام کرده: آزادی عدالت این است شعار ملت؛ استقلال آزادی عدالت اجتماعی؛ هیئات من الذله ویا حسین میر حسین و خاطرنشان نموده است: در شهرستانها مقابل خانه کارگر تجمع خواهیم کرد و در صورت درگیری نیروی انتظامی و عدم امکان برگزاری مراسم، به سمت استانداریها در مراکز استان حرکت خواهیم نمود.

سه فعال صنفی معلمان در آستانه روز معلم بازداشت شدند

سایت کلمه در تاریخ 5 اردیبهشت نوشت: سه نفر از معلمان و فعالان صنفی معلمان توسط اداره اطلاعات همدان بازداشت شدند.

به گزارش کلمه، براساس گزارش های دریافتی، اطلاعات همدان از آقایان علی نجفی و محمد خانی و سعید جهان آرا طی تماس های تلفنی به صورت جداگانه خواسته شده بود که خود را ساعت ۸ صبح روز شنبه به اداره اطلاعات معرفی نمایند.

این افراد با حضور در اداره اطلاعات همدان با بازجویی های طولانی مواجه شدند و در نهایت به بازداشتگاه های انفرادی اداره اطلاعات منتقل شدند و تا زمان مخابره این خبر از وضعیت آنها اطلاعی در دست نیست.

موسوی و دارو دسته اش به دنبال طبقه کارگر

گزارش اخبار واصله به جرس در تاریخ 5 اردیبهشت 89 آمده است: برنامه های روز کارگر جنبش سبز در تهران، راس ساعت ۱۶ از مقابل وزارت کار (خیابان آزادی) شروع خواهد شد و تاکید می گردد: "در صورت ممانعت و درگیری ماموران و عدم امکان ادامه تجمع، به سمت وزارت کشور (خیابان فاطمی) حرکت خواهیم کرد." این منبع خبری همچنین خاطرنشان کرد این گروه از حامیان جنبش، از تمام شهروندان دعوت کرده اند تا در تمامی نقاط کشور، راس ساعت ۴ بعد از ظهر حضور یافته و با حضور سبز خود، از کارگران جامعه خود دفاع کنند. این فراخوان شعارهای پیشنهادی روز کارگر را چنین اعلام کرده: آزادی عدالت این است شعار ملت؛ استقلال آزادی عدالت اجتماعی؛ هیات من الذله ویا حسین میر حسین و خاطرنشان نموده است: در شهرستانها مقابل خانه کارگر تجمع خواهیم کرد و در صورت درگیری نیروی انتظامی و عدم امکان برگزاری مراسم، به سمت استانداریها در مراکز استان حرکت خواهیم نمود.

مرگ یک کارگر در محل کار

بر اساس گزارش رسیده، روز یکشنبه مورخ 1389/2/5 در ساعت 4 صبح یکی از کارگران سد زاوه واقع در روستای دولاب شهرسندج، بنام محمود رحمتی اهل شهر پاوه که شیفت شب مشغول به کار بوده به داخل آب رودخانه سقوط کرده و جان باخت. لازم به ذکر است که تاکنون جنازه نامبرده پیدا نشده است.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری ضمن ابرازهمدردی، این حادثه را به خانواده نامبرده و کارگران هم دردش تسلیت می گوید

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

اعتصاب غذا در شرکت نفت

به نوشته وبلاگ دلبران بی باک در تاریخ 6 اردیبهشت 89 آمده است: کلیه کارمندان نفت و شعبات آن در تهران در اعتراض به پولی شدن غذای عمومی اداره، بطور یک پارچه از رفتن به غذا خوری خودداری کرده و هرکس با لقمه غذا پی یا نانی که به همراه آورده در محل کار خود غذا می خورند ولی به غذا خوری نم یروند.

قابل ذکر است که از روز یکشنبه 5 اردیبهشت، رژیم بطور یک پارچه و یک باره و ناگهانی، مدیر عامل نفت و مدیر عامل پالایش را عوض کرد و مدیر عامل پتروشیمی هم قبلا تعویض شده بود.

ارائه خدمات سولاریوم (اتاق برنزه) در واحدهای صنفی ممنوع است.

سایت خودنویس در تاریخ 6 اردیبهشت نوشت: سرهنگ پاسدار مهدی فشمی مقدم، معاون نظارت بر اماکن عمومی و امنیت فرماندهی انتظامی تهران بزرگ، امروز یکشنبه گفت: «فعالیت این گونه مراکز، براساس بخشنامه وزارت بهداشت ممنوع است». در سالها اخیر تعداد زیادی از شهروندان مشتری این مراکز شده بودند و شاید این افزایش موجب بروز نگرانیهای بهداشتی و غیر بهداشتی شده باشد. به گزارش ایرنا، پلیس تهران بزرگ اعلام کرد که ارائه خدمات سولاریوم (اتاق برنزه) در واحدهای صنفی ممنوع است.

فشمی مقدم گفته است که پلیس نظارت بر اماکن عمومی بر اساس قوانین، با دایرکنندگان چنین مراکزی برخورد خواهد کرد.

به گفته این مقام پلیس، با توجه به «ممنوع» بودن اینگونه خدمات از سوی وزارت بهداشت، نیروی انتظامی مجوز فعالیت این مراکز را صادر نمی کند.

فشمی مقدم گفت: «مردم در صورت مشاهده فعالیت چنین مراکزی، می توانند موضوع را به مسئولان وزارت بهداشت اطلاع دهند.»

هنوز معلوم نیست که نظر مقامهای نظام در برابر انواع دیگر برنزه شدن چیست؟ در سالهای اخیر میزان رجوع خانمها و آقایان به این مراکز افزایش یافته بود و البته باعث ایجاد حساسیتهایی نیز شده بود.

اطلاعیه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه و چند تشکیلات کارگری دیگر بمناسبت اول ماه مه

28 آوریل (8 اردیبهشت) روز جهانی همدردی با کارگران آسیب دیده در محیط کار را گرامی میداریم

28 آوریل برابر با هشتم اردیبهشت ماه روز جهانی همدردی با کارگران آسیب دیده است. امسال نیز سازمانهای

کارگری همانند دیگر سالها در بیش از صد کشور در سراسر جهان با برپایی مراسم های همدردی با کارگران کشته شده و آسیب دیده در محیط کار، خواهان بهتر شدن قوانین ایمنی کار و مجازات صاحب کارانی خواهند شد که مسبب مرگ و یا نقص عضو کارگران در محیط کار شده اند.

کارگران در این روز در سراسر دنیا به یاد همکاران قربانی خود، کارزار همبستگی و گرمی داشت و همدردی با خانواده های کارگران قربانی را به راه خواهند انداخت و برنامه های آموزشی و اعتراضی گوناگونی را علیه سیاست ها و قوانینی که باعث قربانی شدن میلیون ها کارگر در سال می شود سازمان خواهند داد.

کارگران ایران در شرایطی این روز را گرمی میدارند که وضعیت ایمنی در محیط های کار در بدترین شرایط در طی چند دهه گذشته قرار دارد. راننده ای که در پشت فرمان اتوبوس در هوای بسیار آلوده کار میکند، کارگران معادن، پالایشگاه، پتروشیمی، ماشین سازی، معلمی که تدریس میکند تا کارگر کشاورزی و همه و همه از این قاعده متثنی نیستند و زنان و کودکان کارگر جدا از این که به دلیل انجام کارهای سخت و زیان آور قربانی حوادث شغلی می شوند، همچنین قربانی آزار و اذیت جنسی برخی کارفرمایان و همکاران مرد خود نیز می گردند.

وجود میلیون ها کارگر بیکار، تحمیل قرار دادهای موقت بر کارگران، نبود امنیت شغلی و بختک اخراج سازی و تعطیلی یکی پس از دیگری شرکت ها و کارخانجات آنچنان سایه شوم خود را بر سر کارگران انداخته است که امروزه پیدا کردن شغل، حفظ آن و تلاش برای بدست آوردن لقمه نانی به اولویت اول زیست کارگران در ایران تبدیل شده است، بطوریکه در این میان مطالبات مربوط به بهداشت و ایمنی کار در رده فراموش شده ترین و آخرین مطالبات کارگران ایران قرار گرفته است.

افزون بر غیرایمنی بودن محیط کار که سالانه هزاران کارگر در ایران را قربانی خود میکند از دیگر سو وجود دستگاه های گوناگون انتظامی و امنیتی و حراستی و اطلاعاتی در محیط های کار، امنیت روحی و روانی کارگران ایران را پیوسته به مخاطره انداخته است. تحت چنین شرایطی کارگری که می خواهد برای پیش برد مطالبات خود و بهبود شرایط کار و ایمنی اش قدمی بردارد بلافاصله مورد تهدید، بازجویی و ضرب و شتم نیروهای حراست و انتظامی و امنیتی قرار میگیرد و کم نیستند کارگرانی که در طول سالهای گذشته و هم اکنون به دلیل طرح مطالبات خود اخراج و روانه زندان ها شده اند و آسیب های روحی و روانی غیر قابل جبرانی بر آنان و خانواده هایشان وارد آمده است.

آمارهای تکان دهنده و روند رو به افزایش حوادث ناشی از نبود اطلاعات و آموزش ایمنی در محیط کار در طی سال های گذشته نشان می دهد که اساسا صیانت و حفاظت از جان کارگران و زحمتکشان و پاسخگویی به مطالبات عادلانه آنان و بهبود شرایط کار در دستور کار سیستم موجود قرار ندارد و روند چاره جویی و پیشگیری برای کاهش حوادث شغلی برای مجموعه سیستم مدیریت و قانونگذار از ذره ای اهمیت برخوردار نیست.

در این میان محرومیت کارگران ایران از تشکلهای مستقل خود، یکی از حلقه های اصلی مجموعه عواملی است که امروزه کارگران ایران را در چنین موقعیت آسیب پذیری در رابطه با وجود ایمنی در محیط کار قرار داده است. وجود تشکلهای مستقل کارگری و آموزش در محیط کار یکی از حیاتی ترین ابزارها جهت بهبود شرایط کار و کاهش حوادث شغلی است که از دیگر سو میتواند باعث تغییراتی بنیادی در وضعیت کنونی طبقه کارگر ایران بشود.

ما همراه و همگام با کارگران جهان 28 آوریل روز جهانی همدردی با کارگران آسیب دیده و روز اعتراض به نبود ایمنی در محیط کار را گرمی میداریم و با اعتراض به شرایط وخیم نبود ایمنی در محیط های کار ضمن اعلام همدردی با عموم کارگران آسیب دیده و خانواده هایشان در ایران و سراسر جهان، خواهان بکارگیری بالاترین استانداردهای ایمنی در محیط کار هستیم و سیستم موجود را مسئول بلاواسطه قربانیان حوادث ناشی از کار میدانیم.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
 سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه
 اتحادیه آزاد کارگران ایران
 هیئت بازگشائی سندیکای فلز کار و مکانیک
 هیئت بازگشایی سندیکای کارگران نقاش
 انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه
 کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری
 کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری
 انجمن دفاع از کارگران اخراجی و بیکار سقز
 شورای زنان

سه معلم فعال در آستانه روز معلم دستگیر شدند

سایت کلمه وابسته به موسوی در تاریخ 6 اردیبهشت 89 نوشت: سه نفر از معلمان و فعالان صنفی معلمان توسط اداره اطلاعات همدان بازداشت شدند. براساس گزارش های دریافتی، اطلاعات همدان از آقایان علی نجفی و محمد خانی و سعید جهان آرا طی تماس های تلفنی به صورت جداگانه خواسته شده بود که خود را ساعت 8 صبح روز شنبه به اداره اطلاعات معرفی نمایند. این افراد با حضور در اداره اطلاعات همدان با بازجویی های طولانی مواجه شدند و در نهایت به بازداشتگاه های انفرادی اداره اطلاعات منتقل شدند و تا زمان مخایره این خبر از وضعیت آنها اطلاعی در دست نیست.

اخراج 130 نفر از کارگران کارخانه در شهر ری

سایت آژانس ایران خبر در تاریخ 6 اردیبهشت نوشت: یکی از کارگران کارخانه در شهر ری به خبرنگار آژانس ایران خبر گفت: «یکماه کارخانه به دلیل کمبود مواد اولیه تعطیل بود. در هفته اول اردیبهشت کارخانه باز شد، اما هنوز از مواد اولیه خبری نیست. در صورتی که مواد اولیه به کارخانه نرسد و نقدینگی مهیا نشود کلیه 370 کارگر باقیمانده با تهدید بیکاری روبرو هستند. بلافاصله بعد از عید 130 نفر از کارگران را اخراج کردند. از طرفی حق و حقوق کارگران پیمانی نصف کارگران رسمی است. به خداین بردگی مطلق است، غل و زنجیر زدن به دست و پای کارگر است.»

این کارگر زحمتکش در ادامه افزود: «برخی از کارگران برای گذران امورات زندگی مجبور شده اند به شغل های کاذب روی آورند. تقاضای طلاق در خانواده های کارگری زیاد شده است. به ما اجازه راهپیمایی در روز 11 اردیبهشت را نمیدهند. هر وقت ما اعتراضی کردیم بلافاصله به ما گفتند که پایتان را از گلیمتان دراز کرده اید! کدام گلیم!»

اول ماه می: کارگران جهان متحد و یکپارچه به پیش

اول می را در شرایطی برگزار میکنیم که نظام سرمایه داری جهانی هنوز هم با گذشت مدتها از شروع بحران اقتصادی دست به گریبان این بحران ساختاری باقی مانده است. تمامی صاحب نظران و تئوریسینهای طبقات دارا از ارائه راه حل برای برون رفت از این بحران عاجزاند همه علنا اعلان میدارند، که دور نمای روشنی در پیش نیست. هر چند بعضاً تعدادی از کشورها اعلام میکنند که بحران را پشت سر گذاشته اند، اما این در شرایطی است که پول های هنگفتی را که از استثمار نیروی کار کارگران به دست آمده است را به بخشهایی از بنگاهها یا بانکهای ورشکسته تزریق میکنند تا موقتاً این نظام نکبت بار و ضد انسانی بتواند چند صباحی دیگر هم به زندگی خود ادامه دهد و از طرف دیگر میلیونها نفر از کارگران را از کار اخراج کرده اند و هیچ امیدی برای بازگشت به کار آنها وجود ندارد. **وزرای دارای** بیست کشور صنعتی دنیا در نشست جمعه 23 آوریل 2010 با صدور بیانیه ای اعلام کردند که رشد اقتصاد عمدتاً ناشی از کمک های دولت ها است (تزریق پول). (این شرایط علیرغم ادعاهای کاهش بحران هر از چندگاهی صنایع کلیدی مهم یا سلسله شرکتهای مالی را در کام خود فرو میبرد، این واقعیت که وضعیت بازار فروشنده را خیل خریداران تعیین میکنند انکار ناپذیر است جیب های خالی خریداران که زیر سایه استثمار شدید تهی شده اند، مصیب اصلی بحران است. حال قرار است با بیکار کردن میلیونهای کارگران و باز به خرج آنان بحران را پشت سر بگذارند به واقع دیواری کوتاهتر از دیوار طبقه کارگر در این نظام وجود ندارد اما همه این اتفاقات به واقع در غیاب یک جنبش عظیم سوسیالیستی کارگری روی می دهد. . . در بریتانیا نود درصد شرکتهای کوچک برای یک سال از عوارض شهرداری معاف شده اند، با این حال خطر ورشکستگی در چند قدمی آنها است. صاحبان سرمایه طبق عادت همیشه گیشان اینبار هم تصمیم دارند که برای نجات خود جامعه بشری را به تباهی بکشانند اما عکس العمل تا به حال کارگران و خانوادههایشان همراه با وجدان بیدار بشریت به صاحبان سرمایه، نشان از آن دارد که با مقاومت همه جانبه ای روبرو خواهند شد.

ایران هم به عنوان کشوری که وارد سیستم اقتصاد جهانی شده است از این قاعده مستثنا نیست. حاکمان سرمایه در ایران بعد از سرکوب انقلاب 1357 توده های کارگر و زحمتکش در ایران در طی سه دهه به اشکال و شیوه های مختلف و با همکاری همکارانشان در دیگر نقاط جهان موفق به برپایی حکومتی یکدست، پایدار و متعارف سیاسی نشدند و با این بحران اخیر هم زخمهای کهنه دهان باز نمودند سران ریز و درشت جمهوری اسلامی در اوایل بروز بحران جهانی سرمایه اعلام داشتند که نظام آنها نظامی آسمانی و ماورای طبقات است بنابراین بحران سرمایه داری تأثیری روی اقتصاد ایران نخواهد گذاشت و به دیگر کشورهایی هم که دچار بحران شده بودند، اقتصاد اسلامی را توصیه میکردند. اما این بحران ساختاری جهان به اقتصاد ایران که در نوع خودش جز مفلوک ترین و فاسدترین در دنیا است نیز رسید. چند ماه طول نکشید که ایران خودرو یکی از بزرگترین کارخانه های تولید خودرو در خاور میانه بعد از چهار دهه تولید با تزریق یک میلیارد دلار امکان ادامه کاری پیدا نمود. صنایع فولاد همراه چند شرکت بزرگ دریایی، خودروسازها و شرکتهای کوچک و متوسط یکی پس از دیگری اعلام ورشکستگی کردند. شرکتهای کوچک و متوسط که از بانک مرکزی وام دریافت کرده بودند، از پس دادن بیش از چهل میلیارد دلار وامهای خود خوداری کردند. بن بست های اقتصادی همراه با بحران عمیق سیاسی که طی سه دهه روی هم تلنبار شده، رژیم جمهوری اسلامی را از هر طرف زیر فشار گذاشته بود با انتخابات ریاست جمهوری خرداد سال 1388 شعله کشید و جناحهای مختلف داخل حکومت را به مصاف همدیگر کشاند اما آنها قبل از این مصاف هیچگاه نیروی توده های مترصد فرصت را پیش بینی نکرده بودند. در همان هفته های اوایل اعتراضات آن چنان وحدت، همدلی و همکاری بین توده های مردم ایجاد کرد که تمام جناحها چه غالب و چه مغلوب را به وحشت انداخت، حتا آنهایی که به بیرون حکومت رانده شده بودند و خود زیر ضرب جریان حاکم بودند در مقابل توده های معترض موضع گرفتند و مردم را به در پیش نگرستن اعمال و شعارهای ساختار شکنانه دعوت میکردند. اما جمهوری اسلامی در ایران برای توده های کارگر و زحمتکش از هیچ مشروعیتی دیگر برخوردار نیست بیش از سی سال حکومت این رژیم سرمایه توده های به جان آمده را در نابود نمودن آن مصمم ساخته است.

ما اول مه امسال را در شرایطی برگزار میکنیم که علی رغم ملیتاریزه کردن شرایط در ایران از سوی رژیم ، اما جمهوری اسلامی در ضعیف ترین دوران تاریخ خودش چه از لحاظ داخلی و چه خارجی نسبت به سی سال قبلی حاکمیتش قرار گرفته است . بحرانهای اقتصادی و سیاسی که میرود گلوی حکومت را تا مرز خفه کردن بفشارد، تمامی افشار و طبقات مختلف را به فکر راه حل نهایی انداخته است و دولت‌های منطقه و جهان از ترس شکل گیری یک حرکت رادیکال و انقلابی به تکاپو افتاده اند و دارند الترناتیو طرح میکنند. شخصیت های شناخته شده ای را بعنوان رهبر اعتراضات به مردم معرفی میکنند و در رسانه های خود برایشان تبلیغ میکنند. گاهی سنگ دفاع از خواست آزادی مردم ایران را به سینه میزنند تا جای پایی برای عناصر تأیید شده خود در بین مردم پیدا کنند.

شرایط سیاسی که در ایران ایجاد شده وظایف و مسئولیت بزرگ و تاریخی را جلو پای طبقه کارگر ایران و پیش روی فعالین و رهبران این طبقه میگذارد که در مراسمها و تجمع های بزرگ و کوچکی که به مناسبت اول ماه می برگزار میشود، اوضاع جدید ایجاد شده را برای هم طبقه ایهای خود و کل جامعه ترسیم کنند . بحران عمیق سیاسی اقتصادی که بورژوازی را زمین گیر کرده و تلاش میکند برای خلاصی خود بار اصلی این بحران را بر دوش طبقه کارگر و زحمتکشان بگذارد، این شانس را به روی طبقه کارگر و پیشروان این طبقه باز کرده تا برای خلاصی توده زحمتکش مزدبگیر از شر نکبت بار این زالو صفتان ، وظایف اجتماعی و تاریخی خود را با دخالت آگاهانه به انجام برساند .

زنده باد اول ماه می روز همبستگی جهانی کارگران

پرتوان باد جنبش توده ها به رهبری طبقه کارگرایران

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران

انجمن کارگری جمال چراغ ویسی

1389/2/6

زنان خواستار احقاق حقوق زنان کارگر شد

خبرگزاری حکومتی ایلنا در تاریخ 7 اردیبهشت نوشته است : در پایان مراسم تجلیل از زنان کارگر نمونه که عصر امروز از سوی اتحادیه سراسری زنان کارگر برگزار شد؛ بیانیه‌ای در حمایت از خواسته‌های صنفی زنان قرائت شد.

متن کامل این پیام به شرح ذیل است:

روز 11 اردیبهشت مطابق با اول ماه مه که روز جهانی کارگر نامیده می شود یادآور مبارزات قهرمانانه کارگران در طول تاریخ بشری است که از بدو پیدایش آن با اعمال خشونت، سرکوب از سوی قدرتمندان جهان همراه بوده است.

رژیم های مرتجع با استفاده از زور و با حمایت از کشورهای غربی همواره با قوانین تبعیض آمیز، زنان را به شکل مضاعفی مورد ستم قرار می دهند.

از آنجایی که جوانان و زنان جوان به ویژه، فعال ترین و پرکارترین بخش جامعه جهانی را تشکیل می دهند؛ باعث تاسف است که در نخستین دهه از سده بیست و یکم، حقوق جوانان و به ویژه زنان جوان در بهره گیری از توانایی و امکانات وسیع شان جهت پیشبرد جامعه جهانی، با کنار گذاشتن شان پیوسته نقض می‌گردد؛ حتی زمانی که به آنها امکان مشارکت داده می شود در بیشتر موارد به گونه ای مورد تبعیض قرار می گیرند.

کارگران به صورت موقت و قراردادی و بدون حقوق کامل و مزایای شغلی و حتی سفید امضا به خدمت گرفته می شوند که موجب سوء استفاده کارفرمایان را فراهم می آورد و سیاست استخدام و اخراج و نابرابری جنسیتی برای اشتغال از معضلاتی به شمار می روند که به شدت نگران کننده هستند.

مساله اشتغال زنان به طور مستقیم به امر ماندگاری آنان پیوند دارد به همین دلیل برخورداری از حق کار یکی از عمده ترین درخواست های زنان و جوانان به شمار می رود.

بازداری زنان از داشتن شغلی آبرومندان به اعمال تبعیض جنسی ، "طرز" آنان از جامعه تلقی می گردد چرا که حق خود را در مشارکت و کمک به ساختمان جامعه از دست می دهند.

زنان ایرانی در تشکلات مختلف عقیدتی و صنفی زمینه ساز انقلاب و یاری دهنده نظام جمهوری اسلامی ایران در سراسر سالهای جنگ در جبهه حق علیه باطل بوده اند و در طول تاریخ علاوه بر همسر و مادر بودن، در صحنه های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی کشور مشارکت گسترده داشته اند.

هفته بزرگداشت مقام کارگر را گرامی داشته و در روزی که به عنوان زنان کارگر نامیده شده است موارد چند را جهت تجدید میثاق و اصلاح امور جامعه کارگری در خصوص بهبود وضعیت کارگران زن، اعلام می داریم:

۱- احقاق حقوق زنان در بعد اجتماعی شامل آزادی تشکل ها، آزادی بیان، امنیت خانوادگی واجتماعی ، مبارزه با فقر ، داشتن پایگاه اجتماعی، عدم بیکاری و داشتن مشارکت واقعی اجتماعی

- ۲- احقاق حقوق زنان در بعد صنفی شامل اخراج بی رویه زنان کارگر، عدم عقد قراردادهای پیمانی و موقت و سفید امضا، عدم تبعیض دستمزد بین کارگران زن و مرد، امنیت شغلی، استخدام مقطعی زنان سرپرست خانوار، عدم استعمار کارگران زن مجرد
- ۳- اجرا دقیق و کامل قانون کار در خصوص زنان به ویژه در مورد حقوق زنان باردار و مادران شیرده
- ۴- حمایت از زنان در تشکلهای کارگری برای دریافت امتیازات بیشتر و مناسب برای زنان و ارتقاء جایگاه آنان در تمام سطوح تشکلهای
- ۵- اجرا مجدد قانون بازنشستگی با 10 سال سابقه و 55 سال سن برای زنان
- ۶- رفع تبعیض از زنان بازنشسته در خصوص دریافت حق اولاد و حق معیشت
- ۷- پرداخت مجدد حق زن به کارگران مرد متاهل

دستگیری، ادامه بازداشت و وضعیت وخیم ۶ معلم زندانی در آستانه روز معلم

سایت جرس در تاریخ 7 اردیبهشت نوشته است: در آستانه روز معلم، چهار فعال جامعه معلمان کشور، در همدان احضار و بازداشت شدند و همزمان گزارشها از وضعیت نگران کننده و نامعلوم دو معلم زندانی کشور خبر می دهند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان نیز هشدار داده است که در اعتراض به صدور احکام سنگین حبس و اعدام برای معلمان زندانی، از ۱۲ تا ۱۸ اردیبهشت به اعتصاب غذا دست خواهد زد. به گزارش سامانه خبری کلمه، اداره اطلاعات همدان، از جلال نادری، علی نجفی و محمد خانی و سعید جهان آرا، چهار معلم و فعال مدنی آن استان، طی تماسهای تلفنی به صورت جداگانه خواسته بود که خود را ساعت ۸ صبح روز شنبه به اداره اطلاعات معرفی نمایند. بر اساس این گزارش، نامبردگان با حضور در اداره اطلاعات همدان با بازجوییهای طولانی مواجه شدند و در نهایت به بازداشتگاههای انفرادی اداره اطلاعات منتقل شدند. آخرین اخبار حاکیست دوشنبه ششم اردیبهشت، علی نجفی و سعید جهان آرا و اصغر محمد خانی پس از تفهیم اتهام "تبلیغ و فعالیت به نفع گروههای مخالف نظام از طریق صدور بیانیه"، با قرار التزام تا زمان حضور در دادگاه آزاد شدند.

از وضعیت جلال نادری فعلا خبری در دست نیست. همزمان هاشم خواستار معلم بازنشسته ی مشهدی و رییس کانون صنفی معلمان مشهد علی رعم بیماری قلبی، پس از گذشت ۸ ماه از مرخصی محروم مانده است. به گزارش منابع مطلع به جرس، در روزهای اخیر بیماری قلبی و فشار خون موجب آسیب دیدگی شبکه ی چشم راست وی شده است و بینایی او تا حد زیادی کاهش یافته است. خانواده و دوستان خواستار تلاش زیادی کرده اند تا با درخواست مرخصی وی موافقت شود و برای معالجه در خارج از زندان اقدام کنند که با رد درخواست از طرف دادگاه انقلاب مشهد و نهادهای امنیتی مواجه شدند.

همزمان گزارشگران هرانا خاطرنشان کرد دادگاه رسول بدافی معلم در بند که قرار بود صبح امروز برگزار شود به زمان دیگری موکول شد. بر اساس این گزارش، صبح امروز رسول بدافی معلم زندانی و معترض، در آستانه روز معلم جهت محاکمه به دادگاه انقلاب منتقل شد؛ اما به دلیل عدم حضور وکیل در جلسه دادگاه شرکت نکرد و برگزاری دادگاه وی به زمان دیگری موکول شد.

بدافی فعال صنفی معلمان و فعال حقوق بشر است که در تاریخ ۱۱ شهریور ماه گذشته، توسط نیرویهای امنیتی بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. وی در اعتراض به وضعیت بلاتکلیف خود تاکنون دوبار دست به اعتصاب غذا زده و هم اکنون در بند ۲۵۰ زندان اوین نگهداری می شود و بیش از شش ماه است که به صورت بلاتکلیف و در بازداشت موقت بسر می برد. در آستانه ۱۲ اردیبهشت (روز معلم)، شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان نیز اعلام کرده است که در اعتراض به صدور احکام سنگین حبس و اعدام برای معلمان زندانی، از ۱۲ تا ۱۸ اردیبهشت به اعتصاب غذا دست می زند.

علیرضا هاشمی دبیرکل سازمان معلمان از تمام فرهنگیان دعوت کرد در این حرکت اعتراضی شرکت کنند و نیز از سایر اقشار مردم دعوت کرد تا در روز ۱۲ اردیبهشت، در تهران بر سر مزار ابوالحسن خانعلی معلم شهید شده در حکومت پهلوی، در گورستان ابن بابویه شهر ری و در قم بر سر مزار شهید مرتضی مطهری حاضر شوند. هم اکنون تعدادی از معلمان کشور مانند فرزاد کمانگر و عبدالرضا قنبری محکوم به اعدام و تعداد دیگری همانند محمد داوری، هاشم خواستار، رسول بدافی و عبدالله مومنی، گرفتار حبس و ادامه بازداشت می باشند.

سایت های صنفی معلمان در آستانه ی روز معلم فیلتر شد

روز گذشته برخی سایت های خبری وابسته به معلمان منجمله سایت کانون صنفی معلمان ایران، سخن معلم و بسیاری از وبلاگ های خبری این آنها فیلتر شدند. هرانا: در حالی در آستانه ی روز معلم دستگاه امنیتی محدودیت های اطلاع رسانی برای این صنف به وجود آورده است که کانون صنفی معلمان ایران به تازگی با انتشار بیانیه ای خبر داده که در روزهای 11 و 12 اردی بهشت ماه در اعتراض به شرایط بد معلمان ایران دست به اعتصاب غذا خواهد زد. شایان ذکر است که هم اکنون در زندان های جمهوری اسلامی دو تن از معلمان به نام های فرزاد کمانگر و عبدالرضا قنبری به جرم دگراندیشی، محکوم به اعدام شده اند و بسیاری از معلمان نیز بعضا در انتظار برگزاری و صدور رای دادگاه می باشند

ارجاع پرونده دو معلم فعال کرمانشاهی به دادگاه

به گزارش کرمانشاه پست، پرونده علی صادقی و محمد توکلی، از اعضای شورای مرکزی کانون صنفی معلمان استان کرمانشاه به دادگاه ارجاع شد. کرمانشاه پست در ادامه از صدور حکم برای این دو معلم فعال با اتهام دیگر خبر داد. در این خبر آمده است: شعبه 111 دادگاه جزایی کرمانشاه احکام دو تن از اعضای شورای مرکزی کانون صنفی معلمان استان کرمانشاه را صادر کرد. علی صادقی و محمد توکلی به اتهام اخلاف در نظم سیستم آموزش و پرورش از طریق انجام مجموعه اقدامات غیر متعارف از جمله برگزاری تجمعات غیر قانونی و تعطیلی بیش از 29 مدرسه و برگزاری تجمعات غیر قانونی از سال 82 تا 85 با استناد به مواد 618 و 22 قانون مجازات اسلامی به پرداخت یک میلیون ریال جزای نقدی و یک میلیون ریال جزای نقدی بدل از شلاق محکوم شدند. این گزارش می افزاید پرونده این دو فعال فرهنگی به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام مفتوح و به دادگاه انقلاب ارجاع شده است.

اعتراض پزشکان اورژانس بیمارستان طالقانی

به گزارش کرمانشاه پست روز دوشنبه پزشکان بخش اورژانس بیمارستان طالقانی در اعتراض به وضعیت معیشتی و حقوق و مزایا به مدت دو ساعت در دفتر رئیس بیمارستان تجمع کرده و خواستار رسیدگی به وضع نامطلوب خود شدند. این گزارش همچنین می افزاید اخیراً دانشگاه رازی کرمانشاه به دلیل مشکلات مالی اقدام به کاهش متخصصان طب در بخش اورژانس نموده بطوری که ماهیانه این بخش تنها 10 روز از این متخصصان بهره مند است.

اعتراض پزشکان و عدم برخورداری از متخصص طب در حالی است که بیمارستان طالقانی بعنوان تنها مرکز تروما (سوانح و حوادث) استان کرمانشاه شناخته می شود. بنابر آخرین اخبار دریافتی مذاکرات با مسئولین بیمارستان به نتیجه نرسیده است. گزارش های تکمیلی باطلاع خواهد رسید

گزارشی از تجمع کارگران معترض مه نخ قزوین در محوطه کارخانه

سایت آژانس ایران خبر در تاریخ 8 اردیبهشت نوشت: روز دوشنبه ششم اردیبهشت 540 نفر از کارگران کارخانه فرخ که همگی استخدامی بودند، در محوطه این کارخانه از ساعت 0800 الی 1300 تجمع کرده و از مدیر عامل و مقامات دست اندرکار خواستار مطالبات 4 ماه گذشته به همراه عیدی و پاداش خود شدند. یکی از کارگران به خبرنگار آژانس ایران خبر گفت: " هر کارگری متوسط یک و نیم میلیون طلب دریافت نشده دارد. حق و حقوق ما را چاییده اند و ما را در بدترین وضعیت معیشتی به حال خود رها کرده اند ". لازم به یاد آوری است که کارگران کارخانه های مه نخ و سرخ و فرخ بصورت گروه گروه از کار اخراج شده اند. سالن های تولیدی این کارخانه نیز بجز سالن تک نخ که همه دستگاههای آن جدید میباشد از دو راسفاده خارج شده و تعطیل میباشند. روز دوشنبه مدیر عامل این کارخانه به کارگران بی پناه گفت که: "همه دستگاههای این شرکت فروخته شده و شرکت نیز تعطیل و همه کارگران اخراج خواهند شد."

در آستانه روز جهانی کارگر پرونده سازی جدیدی علیه منصور اسالو، فعالین حقوق بشر و دمکراسی

بنابه گزارشات رسیده ایران آمده است: در آستانه روز جهانی کارگر پرونده جدیدی علیه آقای منصور اسالو رئیس هیئت مدیره سندیکای شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه گشوده شد. روز یکشنبه 5 اردیبهشت ماه زندانی سیاسی منصور اسالو رئیس سندیکای شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه با دست بند و پابند به شعبه 6 بازپرسی دادگاه انقلاب کرج برده شد و پرونده جدیدی علیه او گشوده شد. شاکیان آقای اسالو در این پرونده علی حاج کاظم و علی محمدی رئیس و معاون زندان گوهردشت کرج می باشند. اتهامی که به آقای اسالو نسبت داده شده است ارتباط با معاندین نظام در زندان می باشد. در ماههای اخیر فشارهای روحی و جسمی و اذیت و آزارها علیه آقای اسالو بصورت غیر قابل تفسیر شدت یافته است. او بارها به سلولهای انفرادی بند 1 معروف به سگدونی و بند 5 منتقل شد. آقای اسالو از 23 اسفند ماه بطور ناگهانی و با دلیل واهی از بند 4 به بند 5 معروف به بند متادون منتقل شد و او را در کنار زندانیان معتاد و خطرناک که مبتلا به بیماریهای واگیر دار هستند قرار داده شد. زندانی سیاسی منصور اسالو از ناراحتی قلب، کمر درد و چشم رنج می برد ولی تاکنون از درمان جدی او خودداری کرده اند. این ناراحتیها بقدری حاد می باشند که تا به حال پزشک قانونی 3 بار بر عدم تحمل حبس او تاکید کرده است ولی بازجوی وزارت اطلاعات که مسئول پرونده آقای اسالو می باشد از آزادی استعلاجی او خودداری می کند. بازجویان وزارت اطلاعات تا به حال علیه تعدادی از زندانیان سیاسی که در زندان هستند و در حال طی محکومیت غیر انسانی و غیر قانونی خود بسر می برند پرونده های جدیدی گشوده اند و به آنها محکومیت سنگینی داده است که از جمله آنها زندانی سیاسی منصور رادپور، علی صارمی و ... می باشند. گشوندن پرونده جدید بدستور بازجویان وزارت اطلاعات می باشد که با شکایت علی حاج کاظم و علی محمدی

رئیس و معاون زندان گوهردشت به اجرا در آمده است. علی حاج کاظم و معاونش علی محمدی که در پرونده او اعمالی جنایتکارانه مانند؛ شکنجه و قتل زندانیان سیاسی و عادی مانند زنده یادان امیر حسین حشمت ساران، ولی الله فیض مهدوی و عبدالرضا رحبی، فروش اندام زندانیان، تشکیل باندهای مافیایی برای توضیح و فروش مواد مخدر و سرکوب زندانیان، گرفتن رشوه از زندانیان عادی در ازای مرخصی و حتی آزادی آنها نقش دارد. گرفتن رشوه های نجومی از خانواده زندانیان برای دادن مرخصی توسط برادر وی فردی بنام محمد حسین حاج کاظم در خارج زندان صورت می گرفت ولی بخاطر رقابتهای موجود برادر وی دستگیر و محکوم به زندان می شود که در همان زندان گوهردشت محکومیت خود را در دفتر علی حاج کاظم طی می کند و هر روز بعد از وقت اداری همراه با او به منزل می رود. میرشکاری رئیس قبلی زندان گوهردشت و عموی همسر علی حاج کاظم که در جریان افتضاح سوء استفادی جنسی از زنان و دختران معروف به خانه سبز و صدور آنها به دبی دستگیر شده بود در دفتر علی حاج کاظم رئیس زندان گوهردشت کرج به اصطلاح محکومیت خود را طی می کند.

اعتراض پزشکان اورژانس بیمارستان طالقانی

کرمانشاه پست - به گزارش کرمانشاه پست روز دوشنبه پزشکان بخش اورژانس بیمارستان طالقانی در اعتراض به وضعیت معیشتی و حقوق و مزایا به مدت دو ساعت در دفتر رئیس بیمارستان تجمع کرده و خواستار رسیدگی به وضع نامطلوب خود شدند. این گزارش همچنین می افزاید اخیراً دانشگاه رازی کرمانشاه به دلیل مشکلات مالی اقدام به کاهش متخصصان طب در بخش اورژانس نموده بطوری که ماهیانه این بخش تنها 10 روز از این متخصصان بهره مند است.

اعتراض پزشکان و عدم برخورداری از متخصص طب در حالی است که بیمارستان طالقانی بعنوان تنها مرکز تروما (سوانح و حوادث) استان کرمانشاه شناخته می شود. بنابر آخرین اخبار دریافتی مذاکرات با مسئولین بیمارستان به نتیجه نرسیده است. گزارش های تکمیلی با اطلاع خواهد رسید

سایت های صنفی معلمان در آستانه ی روز معلم فیلتر شد

روز گذشته برخی سایت های خبری وابسته به معلمان منجمله سایت کانون صنفی معلمان ایران، سخن معلم و بسیاری از وبلاگ های خبری این آنها فیلتر شدند. هرانا: در حالی در آستانه ی روز معلم دستگاه امنیتی محدودیت های اطلاع رسانی برای این صنف به وجود آورده است که کانون صنفی معلمان ایران به تازگی با انتشار بیانیه ای خبر داده که در روزهای 11 و 12 اردیبهشت ماه در اعتراض به شرایط بد معلمان ایران دست به اعتصاب غذا خواهد زد. شایان ذکر است که هم اکنون در زندان های جمهوری اسلامی دو تن از معلمان به نام های فرزاد کمانگر و عبدالرضا قنبری به جرم دگراندیشی، محکوم به اعدام شده اند و بسیاری از معلمان نیز بعضاً در انتظار برگزاری و صدور رای دادگاه می باشند.

احضار و دستگیری معلمان فعال ادامه دارد

دبیرکل و سخنگوی کانون صنفی معلمان ایران در آستانه روز معلم به وزارت اطلاعات احضار شده اند. به گزارش هرانا از علی اکبر باغانی و محمد بهشتی لنگرودی تلفنی خواسته شده است تا روز شنبه به وزارت اطلاعات مراجعه کنند. این در حالیست که به تازگی ماموران وزارت اطلاعات سه فعال حقوق معلمان در شهر همدان را پس از احضار، بازداشت کرده اند. در آستانه ۱۲ اردیبهشت (روز معلم)، شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان نیز اعلام کرده است که در اعتراض به صدور احکام سنگین حبس و اعدام برای معلمان زندانی، از ۱۲ تا ۱۸ اردیبهشت به اعتصاب غذا دست می زند.

وضع معیشتی کارگران وخیم تر ؛ سفره هایی که کوچک تر می شوند

سایت کلمه در تاریخ 8 اردیبهشت نوشت: نخستین روزهای آغازین سال ۸۹ پس از تعطیلات نوروزی با اعتراضات کارگری آغاز شد. اعتراضاتی که در غیاب احزاب و سندیکاهای قانونی و به صورتی خود جوش خود را نشان داد.

به گزارش جرس افزایش لجام گسیخته قیمتها و قطور تر شدن تورم، سفره های کارگران را خالی کرده بود و کارگران عائله مند دید و بازدید های نوروزی را در حالی سپری کردند که نگران از دست دادن کار خود بودند. بیکاری و عدم دریافت حقوق به نوبه خود می تواند مقدمه از هم گسیختگی بنیان خانواده ها شود. نکته جالب تحقق پیش بینی های مهندس موسوی بود که در سفرهای انتخاباتی خود در اردیبهشت و خرداد سال گذشته گفته بود سفره های مردم فقیر در اثر سیاستهای اقتصادی غلط دولت در حال کوچکتر شدن است و این امر زمینه فساد و نابسامانی اجتماعی را فراهم می آورد. انتظار می رفت که تجمعات کارگری بعد از تعطیلات نوروز در همان حد پراکنده که در گذشته نیز مسبوق به سابقه بود خاتمه یابد. اما انگار پایانی بر این تجمعات نبود.

شروع اعتراضات در سال جدید

نخستین تجمع کارگری با اعتراض کارگران چینی حمید قم آغاز شد که مقابل اداره کار استان قم دست به تحصن زدند. همچنین ۲۰ نفر از کارگران قراردادی کارخانه ایده نگر قم پس از مراجعه به محل کار خود با احکام تعدیل و اخراج روبرو شدند

به دنبال آن اعتراض ۱۶۰ نفر از کارگران صنایع اراک که مدت ۶ ماه حقوق دریافت نکرده بودند مقابل استانداری با

هجوم ماموران امنیتی به خشونت کشیده شد. کارگران معترض خواهان دریافت مطالباتشان بودند که به جای آن مورد ضرب و شتم ماموران قرار گرفتند.

اراک که به عنوان شهری صنعتی مشهور است پیش از این نیز صحنه اعتراضات کارگری بود بطوریکه در بهمن ماه سال گذشته چهارصد نفر از کارگران شرکت آونگان این شهر با بستن خیابانهای مشرف به فرمانداری دست به اعتراض زدند. معترضین می گفتند که ماههاست حقوق معوقه خود را دریافت نکرده اند و بیشتر آنها به مشکلات اقتصادی و روانی ناشی از فشار کار روبرو شده اند.

در اصفهان نیز ۶۰ نفر از کارگران شرکت میلاد در خیابان توحید این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند. اوضاع در استان خوزستان و شهرهای اهواز و خرمشهر نیز دستکمی از سایر جاها نداشت به همین دلیل نمایندگان ۲۳ شرکت تخلیه و بارگیری فعال در بارانداز شلمچه که در مجموع سخنگوی ۴۰۰ کارگر محسوب می شدند در مقابل ساختمان مرکزی منطقه آزاد اروند در آبادان و در محل نماز جمعه خرمشهر تجمع اعتراض آمیز برپا کردند.

در اهواز نیز کارگران و اتوبوسرانان ترمینال زاگرس به خاطر دریافت نکردن حقوق چند ماهشان دست به اعتصاب زدند و جمعیت انبوهی از مسافران و مردم هم با دادن شعار رانندگان و کارکنان را همراهی می کردند. در کرمان کارگران نساجی بافت‌های کرمان به دلیل تعطیلی و عدم پرداخت سنوات و همچنین اخراج از کار در نخستین روزهای سال ۸۹ در محل استانداری کرمان تجمع کردند.

۴۰ کارگر کارخانه قند بردسیر کرمان نیز که با تعطیل شدن کارخانه از کار بیکار شده بودند مقابل فرمانداری دست به تجمع زدند. در تهران نیز اخبار غیر رسمی از اخراج ۴۰۰ تا ۷۰۰ نفر از خدمه شرکت مترو به علت انقضای قرارداد حکایت داشت.

اخراج، طاعونی که گسترش می یابد

در نخستین روزهای کاری سال ۸۹ ادارات کار شهرها و بخشهای مختلف شلوغ ترین و پر ازدحام ترین مکانها بود چرا که خیلی از کارگران که مهلت قرار دادشان اسفند ماه سال گذشته خاتمه یافته بود ایام نوروز را با استرس فراوان سپری کردند تا در نخستین روزهای کاری سال جدید با مراجعه به ادارات کار علاوه بر دریافت حقوق معوقه خود بتوانند حکم بازگشت به کار دریافت کنند.

بهزاد مروت پور از کارگران تعدیل شده که پرونده ای در اداره کار یکی از بخشهای استان تهران تشکیل داده می گوید: اواسط برج ۴ (تیر ماه) برای رسیدگی به شکایت وی تعیین شده و مسئولان به وی گفته اند حجم شکایات به قدری زیاد است که زود تر از این موعد نمی توانند به وی نوبت دهند.

مریم ب ۲۷ ساله نیز که به خاطر خودداری کارفرما از پرداخت معوقاتش به دلیل ورشکستگی برای شکایت به اداره کار آمده بود می گوید: با این روند طولانی رسیدگی امید چندانی به دریافت کامل حقوق و معوقات خود ندارم. اوضاع ظاهرا در بیشتر ادارت کار به همین منوال بوده یعنی هجوم کارگران اخراجی برای ثبت شکایت. یکی از مسئولان خانه کارگر در باره میزان کارگران اخراجی امسال می گوید: رشد اخراج کارگران امسال در تهران ۴۹ درصد و در کل کشور ۵۰ درصد افزایش داشته است.

حسن صادقی رئیس شورای اسلامی کار و یکی از گردانندگان خانه کارگر می افزاید: با محاسبه کل کسانی که به ادارات کار مراجعه می کنند میزان مراجعات پس از نوروز امسال با رشد ۷۰ درصدی روبرو بوده است. وی یکی از پدیده های تاسف بار امسال را مراجعه کارگران به کارخانه ها پس از تعطیلات نوروز و دریافت حکم اخراج یا مواجه شدن با اعلامیه تعطیلی کارخانه دانست.

سال وخامت وضع کارگران

برخی کارشناسان سال ۸۹ را سال وخیم تر شدن اوضاع معیشتی مردم و به خصوص اقشار آسیب پذیر دانسته اند. پس از نا آرامی های سیاسی سال گذشته نا آرامی های کارگری در سال ۸۹ در حال تبدیل شدن به موضوعی مهم و حیاتی است.

در خصوص وخیم تر شدن اوضاع اقتصادی سیاست های اشتباه دولت را نمی توان مطلقا نادیده گرفت به خصوص که با این اوضاع آشفته معیشتی دولت عزم کرده طرح هدفمند کردن یارانه ها را نیز که بنا به برآوردها به تورم بالای ۴۰ درصد منجر می شود اجرا کند.

علیرضا محبوب نماینده مجلس و دبیر خانه کارگر که قبل از تصویب طرح هدفمند شدن یارانه ها به دولت در خصوص وخیم تر شدن وضعیت معیشتی کارگران هشدار داده بود می گوید: افزایش ۷۰ درصدی اخراج کارگران در نیمه اول سال ۸۹ به دلیل ناتوانی کارفرمایان از پرداخت حقوق به کارگران به خاطر ترس از اجرای طرح هدفمند شدن یارانه ها است.

وی می افزاید: طبیعی است که کارفرما نمی تواند دستمزدها را افزایش دهد در نتیجه کارگران را اخراج می کند. محبوب خبر اخراج ۲۰۰ هزار نفر در سال گذشته را تایید کرد و افزود: اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها رکود را تشدید و وضعیت معیشتی کارگران را بد تر خواهد کرد.

ادعاهای دروغین

برخی تند روها همیشه اصلاح طلبان را متهم می کردند که کمتر به وضعیت معیشتی مردم رسیدگی می کنند. تحلیلگران آنها می گویند احمدی نژاد با شعار ریشه کن کردن فقر و تبعیض به میدان آمد چون مردم در زمان اصلاحات فقیر تر شده بودند.

این در حالی است که سیاستهای اقتصادی کارشناسی نشده احمدی نژاد طی سالهای اخیر وضعیت معیشتی اقشار محروم را وخیم تر کرده و منجر به گسترش دامنه فقر و تثبیت سیاست صدقه ای شده است.

وضعیت وخیم کارگران در ایران روز کارگر امسال را از سالهای دیگر متفاوت کرده است. امسال کارگران و قشر های آسیب دیده از سیاستهای اقتصادی قصد دارند با انگیزه بیشتری در اعتراضات کارگری روز کارگر شرکت کنند.

در آستانه روز جهانی کارگر پرونده سازی جدیدی علیه منصور اسالو

بر پایه گزارشات دریافتی به ایمیل ما ، روز یکشنبه 5 اردیبهشت ماه زندانی سیاسی منصور اسالو رئیس سندیکای شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه با دست بند و پابند به شعبه 6 بازپرسی دادگاه انقلاب کرج برده شد و پرونده جدیدی علیه او گشوده شد. شاکیان آقای اسالو در این پرونده علی حاج کاظم و علی محمدی رئیس و معاون زندان گوهردشت کرج می باشند . اتهامی که به آقای اسالو نسبت داده شده است ارتباط با معاندین نظام در زندان می باشد.

در ماههای اخیر فشارهای روحی و جسمی و اذیت و آزارها علیه آقای اسالو بصورت غیر قابل تصویری شدت یافته است. او بارها به سلولهای انفرادی بند 1 معروف به سگدونی و بند 5 منتقل شد . آقای اسالو از 23 اسفند ماه بطور ناگهانی و با دلیل واهی از بند 4 به بند 5 معروف به بند متادون منتقل شد و او را در کنار زندانیان معتاد و خطرناک که مبتلا به بیماریهای واگیر دار هستند قرار داده شد.

زندانی سیاسی منصور اسالو از ناراحتی قلب، کمر درد و چشم رنج می برد ولی تاکنون از درمان جدی او خودداری کرده اند. این ناراحتیها بقدری حاد می باشند که تا به حال پزشک قانونی 3 بار بر عدم تحمل حبس او تاکید کرده است ولی بازجوی وزارت اطلاعات که مسئول پرونده آقای اسالو می باشد از آزادی استعلاجی او خودداری می کند.

بازجویان وزارت اطلاعات تا به حال علیه تعدادی از زندانیان سیاسی که در زندان هستند و در حال طی محکومیت غیر انسانی و غیر قانونی خود بسر می برند پرونده های جدیدی گشوده اند و به آنها محکومیت سنگینی داده است که از جمله آنها زندانی سیاسی منصور رادپور ، علی صارمی و ... می باشند.

گشودن پرونده جدید بدستور بازجویان وزارت اطلاعات می باشد که با شکایت علی حاج کاظم و علی محمدی رئیس و معاون زندان گوهردشت به اجرا در آمده است. علی حاج کاظم و معاونش علی محمدی که در پرونده او اعمالی جنایتکارانه مانند ؛ شکنجه و قتل زندانیان سیاسی و عادی مانند زنده یادان امیر حسین حشمت ساران، ولی الله فیض مهدوی و عبدالرضا رجبی ، فروش اندام زندانیان ، تشکیل باندهای مافیایی برای توضیح و فروش مواد مخدر و سرکوب زندانیان، گرفتن رشوه از زندانیان عادی در ازای مرخصی و حتی آزادی آنها نقش دارد. گرفتن رشوه های نجومی از خانواده زندانیان برای دادن مرخصی توسط برادر وی فردی بنام محمد حسین حاج کاظم در خارج زندان صورت می گرفت و لی بخاطر رقابتهای موجود برادر وی دستگیر و محکوم به زندان می شود که در همان زندان گوهردشت محکومیت خود را در دفتر علی حاج کاظم طی می کند و هر روز بعد از وقت اداری همراه با او به منزل می رود. میرشکاری رئیس قبلی زندان گوهردشت و عموی همسر علی حاج کاظم که در جریان افشاح سوئ استفاده جنسی از زنان و دختران معروف به خانه سبز و صدور آنها به دبی دستگیر شده بود در دفتر علی حاج کاظم رئیس زندان گوهردشت کرج به اصطلاح محکومیت خود را طی می کند.

بیانیه انجمن حمایت از حقوق کودکان به مناسبت روز جهانی کار

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 8 اردیبهشت آمده است : انجمن حمایت از حقوق کودکان به مناسبت روز جهانی کار از وزارت کار و امور اجتماعی خواست تا نسبت به ارائه يك گزارش شفاف از فعالیت های خود برای جلوگیری از بهره کشی کودکان ، نسبت به بر هم زدن امنیت سودجویان این عرصه اقدام کرده و اذهان عمومی را هم روشن کنند.

به گزارش خبرگزاری ایلنا در این بیانیه آمده: اکنون در آستانه روز جهانی کارگر هستیم. نمادی که یادآور تمامی رنج ها و تلاش های بخش عظیمی از بشریت برای پیوند کار با زندگی عادلانه و تضمین کننده شأن و کرامت بشر است. ما فعالان حقوق کودک و انجمن حمایت از حقوق کودکان این یادواره تاریخی را به تمامی کارگران تبریک می گوئیم.

این بیانیه در ادامه می افزاید: کار در مفهوم انسان گرایانه اش، کنش ارادی و خلاقانه بشر با جهان برای بازآفرینی اجتماعی خویش است و از این لحاظ کار مرحله ای اساسی در رشد و شکوفایی فرد محسوب می شود، تحقق شکوفایی و خلاقیت فرد در جریان کار منوط به رسیدن انسان به مرحله ای از بلوغ ذهنی، جسمی، عاطفی و اخلاقی است. اساسا کار خود نشانه بلوغ و بزرگسالی است؛ از این لحاظ، مفهوم «کودک کار» و «کار کودک» بیانگر یک پارادوکس اجتماعی و اخلاقی است. پارادوکسی که هم چنان در لا به لای هیاهوی منازعه بزرگسالان بر سر قدرت و ثروت، کودکی، نشاط، آزادی، اکنون و آینده ی حداقل 250 میلیون نفر از اعضای جامعه بشری را به تاراج می برد. کار کودکان استعاره ای از مناسبات اجتماعی نابرابر و سلطه آمیز در جهان کنونی است. این تراژدی با دیگر آلام و رنج های دیرپای انسان هم چون جنگ، آوارگی، مهاجرت، تبعیض جنسیتی، فقر و بیسوادی پیوندی تنگاتنگ دارد. بحران های ادواری نظام جهانی این زنجیره سلطه و بهره کشی را تنگ تر می کند. در شرایط کنونی جهان، بحران اقتصادی و مالی که منجر به بیکاری گسترده در بسیاری از اقتصادهای توسعه یافته و جهان در حال توسعه شده، سایه ی این تهدید را بر سر کودکان محروم پررنگ تر ساخته است، چرا که ملازم با خروج بزرگسالان فقیر از عرصه کار، تقاضا برای کار کودکان چه از طرف خانواده های فقیر کودکان و چه از طرف بازار گسترش می یابد. این امر نشانگر تعهدات اخلاقی و اجتماعی نهادهای اقتصادی و مالی بین المللی (هم چون صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و موسسات بزرگ اقتصادی جهان) در رعایت و توجه به

منافع عالیه کودکان در سیاست گذاری ها و اقدامات شان است، هم چنین این امر بیانگر ضرورت تلاش جدی تر سازمان های بین المللی، نهادهای ملی و غیردولتی هم چون سازمان جهانی کار (ILO) و صندوق کودکان سازمان ملل متحد (UNICEF) در ترغیب دولت ها و جامعه جهانی به ایجاد الزامات حقوقی برای این تعهدات اخلاقی و اجتماعی است.

در کشور ایران نیز متأسفانه علیرغم فقدان شفافیت در آمارهای مربوط به کار کودکان، براساس برخی شاخص ها بهبود چندانی در جلوگیری از کار کودکان و کاهش آن مشاهده نمی شود. بنا بر آمارهای موجود در حدود یک و نیم میلیون کودک کار در کشور وجود دارد و آمار کودکان خارج از چرخه تحصیل نیز نشان می دهد بیش از سه و نیم میلیون کودک لازم التعلیم خارج از چرخه تحصیل بوده و در معرض ورود به عرصه کار و مناسبات اقتصادی هستند.

مطابق با متن این بیانیه، با توجه به پیامدهای زیان آور کار کودکان، انجمن حمایت از حقوق کودکان، این پدیده را نشانه ای از نقض آشکار حقوق کودک می داند و برای حل این مسئله خواستار توجه جدی مسئولین و جامعه به موارد زیر است:

1- فقدان نظام آماری شفاف و قابل استناد و قابل پایش در مورد تعداد کودکان کار که هرگونه سیاست گذاری و برنامه ریزی در این زمینه را با نقض جدی مواجه می سازد. لذا لازم است مسئولین با ایجاد نظام آماری معتبر در این زمینه، تمهیدات اولیه برای برنامه ریزی در جهت مقابله با این مسئله اجتماعی را فراهم سازند.

2- علی رغم وجود سازمان ها و نهادهای متعدد که هر یک به نوعی به مسئله کار کودک و کودکان کار مرتبط هستند (مانند وزارت کار و امور اجتماعی، سازمان بهزیستی، شهرداری و...)، در ایران هنوز متولی مشخص و پاسخگویی برای مسئله کودکان کار وجود ندارد و ناهماهنگی های بین بخشی و عدم مسئولیت پذیری جدی سازمان های موجود و فقدان برنامه ملی مشخص برای مقابله با کار کودکان این مسئله را در حالی که از ابهام و بلا تکلیفی فرو برده و زمینه گسترش بیش از پیش این معضل را فراهم آورده است. به همین جهت، تدوین برنامه ای ملی و فراگیر و روشن ساختن مسئولیت های قانونی هر یک از سازمان های موجود، برای کاهش این مسئله و مقابله با آن ضروری است.

3- گسترش کار کودکان با شاخص های اقتصادی-اجتماعی کلان کشور هم چون فقر، بیکاری، شکاف طبقاتی، تورم و گسترش آسیب ها و مسائل اجتماعی هم چون مهاجرت، حاشیه نشینی و فروپاشی خانواده ها در اثر طلاق در ارتباط است. تداوم روند کنونی شاخص های مذکور، عاملی ساختاری در جهت گسترش پدیده کار کودکان در ایران است که در این زمینه گسترش کمیت و کیفیت برنامه های واقع بینانه و مداوم (و نه مقطعی) در زمینه رفاه و تأمین اجتماعی برای اقشار و خانواده های فقیر و آسیب پذیر می تواند از گسترش ساختاری مسئله کار کودک جلوگیری نماید.

4- خلاء قانونی و فقدان مکانیزم های نظارتی کارآمد بر روابط و محیط های کار نبود اقدام جدی از سوی وزارت کار و امور اجتماعی، عرصه را برای بهره کشی از کودکان در کارهای سخت و زیان آور و غیرقانونی فراهم نموده است. در این زمینه با بازنگری در قانون کار از جمله قانون خارج کردن کارگاه های زیر ده نفر از شمول قانون کار (که بطور عمده کودکان در این کارگاه ها مشغول به کارند) لازم است وزارت کار و امور اجتماعی، سیستم نظارتی پاسخگویی برای جلوگیری از بهره کشی کودکان در این گونه محیط ها و مشاغل ایجاد نماید و با ارائه گزارشی شفاف از فعالیت های خود در این زمینه، در عرصه افکار عمومی مانع از ایجاد امنیت برای سودجویان در این عرصه گردد.

5- با توجه به رواج برخی ارزش ها، باورها و سنت های تأییدکننده و توجیه کننده ی کار کودکان در عرصه فرهنگ و مناسبات اجتماعی، لازم است رسانه ها و نهادهای فرهنگی با ترویج حقوق کودک در جهت اصلاح این نگرش ها اقدام نمایند.

6- سیاست های اقتصادی-اجتماعی کشور، در دگرگونی های مسئله کار کودک بسیار موثر است. در شرایط کنونی که بحث مهم هدفمند کردن یارانه ها در کشور مطرح شده است، لازم است توجه جدی به منافع عالیه کودکان در این برنامه ها لحاظ گردد. در صورت فقدان اقدامات جبرانی و ترمیمی، این برنامه با گسترش تورم و افزایش هزینه های خانواده های فقیر و در معرض آسیب، رفاه کودکان را به طور جدی تهدید می کند و زمینه را برای گسترش کار کودک فراهم می سازد. از سوی دیگر، این امر از این جهت اهمیت بیشتری یافته است که در حال حاضر زمره های توقف برنامه کاهش رشد جمعیت و اجرای سیاست های تشویق زاد و ولد در کشور مطرح شده است که مسلماً این برنامه های تشویقی بیشتر از همه، اقشار و طبقات پائین و فقیر که عمدتاً در روستاها و حاشیه ها ساکن هستند را به خود معطوف خواهد کرد، که نتیجه آن گسترش حجم خانواده های فقیر و افزایش بار تکفل در آنهاست که با توجه به شیوع فراوان بیکاری در این اقشار، در صورتی که در این زمینه اقدام سنجیده ای صورت نگیرد موجبات افزایش جمعیت فقیر و به تبع آن گسترش جمعیت کودکان در معرض فقر را در آینده فراهم خواهد کرد، که نتیجه محتمل آن گسترش کار کودکان است. در حالی که این خانواده ها در شرایط کنونی، به لحاظ اقتصادی به کار کودکانشان وابسته اند و از تأمین هزینه های تحصیلی، بهداشتی و

درمانی و سایر هزینه های رشد طبیعی کودکانشان ناتوان هستند، تشویق آنها به داشتن فرزندان بیشتر با ابزارهای مالی موقت، این خانواده ها را به استفاده بیشتر از نیروی کار کودکانشان تشویق خواهد کرد. لذا به نظر می رسد قبل از افزودن بر بار تکفل خانواده ها، لازم است با برقراری حمایت های مالی از خانواده هایی که هم اکنون به کار کودکانشان نیازمند هستند، از گسترش کار کودکان در جامعه جلوگیری کرد.

به امید جهانی شایسته و عاری از کار کودک.

با وجود ممانعت فعالین اجتماعی در تدارک روز کارگر و روز معلم

سایت رادیو بین المللی فرانسه در تاریخ 8 اردیبهشت نوشت: با وجود ممانعت از تجمع ها و ندادن مجوز برای برگزاری مراسم رسمی بزرگداشت روز جهانی کارگر و روز معلم، فعالین اجتماعی این دو صنف درصند تا با انعکاس خواسته های صنفی خود در این دو روز بر ضرورت آزادی اجتماعی اصرار ورزند. با نزدیک شدن روز کارگر و روز معلم، این روزها اطلاعیه هایی در مورد چگونگی برگزاری بزرگداشت این دو روز منتشر شده است.

روز کارگر و روز معلم سالهاست که در ایران با وجود محدودیت ها و امکانات موجود بصورت های مختلف برگزار شده است. اما امسال بواسطه حوادث پس از انتخابات و عدم پذیرش تجمعات مردمی، مجوز رسمی برای برگزاری این مراسم داده نشده است.

تشکل های مختلف کارگری از جمله سندیکای کارگران شرکت واحد با صدور قطعنامه ای به مناسبت اول ماه مه ضمن ارائه خواسته های خود در 15 ماده، خواستار تعطیلی رسمی این روز و رفع ممنوعیت ها در برگزاری مراسم گرامیداشت آن شده اند.

در عین حال گروهی از معلمین ایران نیز با صدور اطلاعیه ای از همکاران خود دعوت کرده اند تا در این روز دست از کار بکشند و در مراسمی که برای بزرگداشت روز معلم در 12 اردیبهشت، در تهران بر سر مزار دکتر خانعلی و در قم بر سر مزار مطهری برگزار می شود، شرکت کنند.

به گزارش ایلنا، عصر روز سه شنبه 7 اردیبهشت، مراسمی از سوی اتحادیه سراسری زنان کارگر برگزار شد. در این مراسم بیانیه ای نیز در حمایت از خواسته های صنفی زنان خوانده شده است.

هم زمان مراسمی نیز از طرف خانه کارگر برای تجلیل از زنان نمونه کارگر و سرپرست خانواده در سالن اجتماعات دانشگاه پیام نور برگزار شد. علیرضا محبوب دبیرکل خانه کارگر و رئیس فراکسیون کارگری مجلس، در این مراسم سخنرانی کردو تبعیض هایی را که در محیط کار متوجه زنان است، یادآوری نمود.

از آنجا که گروهی از معلمان و کارگران کشور در بین زندانیان حوادث اخیر ایران هستند، آزادی این افراد جزو خواسته های اولیه ایست که این روزها مطرح می شود.

ازجمله زهرا رهنورد در مطلبی که در سایت جرس انعکاس یافته است، با اشاره به سخنان محمود احمدی نژاد درباره وجود آزادی در ایران، خواستار آزادی همه کارگران و معلمان زندانی شده است. وی از مقامات دولت می خواهد تا به مبارکی این دو روز معلم و کارگر از این فرصت استفاده کنند و به ادعای وجود آزادی در ایران حقیقت ببخشند.

اطلاعیه ای نیز به "نام شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر" منتشر شده است که در آن از کارگران، معلمان، دانشجویان، پرستاران، مزدبگیران و کلیه آزادی خواهان ایران دعوت شده است تا برای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در روز شنبه یازده اردیبهشت در مقابل وزارت کار تجمع کنند و سپس تا میدان انقلاب به راهپیمائی بپردازند.

از ساکنان شهرستانها نیز خواسته شده است تا این مراسم را در مقابل ادارات کار و یا مکان های منتخب خود کارگران برگزار کنند.

دو هزار کارگر در تبریز زیر 120 هزار تومان حقوق می گیرند!

سایت آذربایجان در تاریخ 8 اردیبهشت نوشت: دو هزار کارگر در تبریز زیر 120 هزار تومان حقوق می گیرند دبیر اجرایی خانه کارگر تبریز گفت: یکی از شرکت های بزرگ صنعتی تبریز به بیش از 2 هزار نفر از کارگران خود زیر یک میلیون و 200 هزار ریال حقوق پرداخت می کندبه گزارش گروه خبری تبریز سسی به نقل از خبرگزاری ها کریم صادق زاده صبح امروز همزمان با آغاز هفته گرامیداشت کارگر گفت: این شرکت بزرگ صنعتی در قالب کارهای حجمی به کارگران پرکار خود حقوقی بسیار پایین تر از حداقل حقوق پرداخت می کند که این موضوع را به اطلاع مقامات مسئول رسانده ایم و امیدواریم هر چه سریع تر اقدام لازم به منظور توقف روند فعلی انجام گیرد. وی با بیان اینکه بیش از 80 درصد کارگران شاغل در واحدهای صنعتی استان به صورت قراردادی و روزمزدی کار می کنند، تاکید کرد: با وجود اینکه 50 درصد محصولات صنایع غذایی (شیرینی و شکلات)، 35 درصد صنایع لوازم خانگی، ریخته گری و ماشین آلات توسط بیش از 10 هزار واحد صنعتی استان و با تلاش و کوشش کارگران سخت کوش انجام می شود، ولی این قشر در حال حاضر با مشکلات عدیده ای مواجه هستند.

وی سهم آذربایجان شرقی را از صادرات غیرنفتی کشور 1.2 میلیارد دلار خواند و گفت: نقش برجسته کارگران سخت کوش در این صنایع بر کسی پوشیده نیست، ولی کارگران با کورانی از مشکلات مواجه اند.

صادق زاده کاهش نرخ ازدواج در آذربایجان شرقی را یکی از نمودهای وجود مشکلات در عرصه اشتغال جوانان

خواند و اضافه کرد: زمانی که يك کارگر نسبت به قرارداد خود اطمینان لازم را ندارد در خود جرات ازدواج و قبول مسئولیت فرد دیگری را نمی‌بیند به همین دلیل شاهد کاهش میزان ازدواج و افزایش طلاق در استان هستیم. وی اضافه کرد: در حال حاضر اجرای قانون بیمه کارگران ساختمان و قالیبافان از جمله دو دغدغه اصلی جامعه کارگری اسان به شمار می‌رود که امیدواریم با همت نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی این امر تحقق یابد.

رئیس ستاد بزرگداشت هفته کارگر آذربایجان شرقی خاطر نشان کرد: در حال حاضر 20 هزار نفر در استان کارگر ساختمان از جمله بنا، جوشکار، کارگر ساده شناسایی شده‌اند.

کارگران ساختمانی، تعرفه ماهیانه بیمه و حوادث کار

به گزارش ایلنا در تاریخ 8 اردیبهشت آمده است: عضو انجمن صنفی کارگران ساختمانی ساری می‌گوید: تنها استاد کاران ساختمانی قادر به پرداخت تعرفه‌ها بیمه خویش فرمای سازمان تامین اجتماعی هستند. صمد ربانی درگفت‌وگو با ایلنا گفت: در کارگاهها هر روز شاهد وقوع حوادث کاری برای همکارانمان هستیم اما به دلیل بالا بودن هزینه بیمه فقط کارگرانی می‌توانند از مزایای درمانی بهره مند شوند که در آمد بیشتری دارند. این فعال کارگری افزود: تنها عده‌ای کمی استادکاران ساختمانی توانسته‌اند به صورت خویش فرما خود را بیمه‌کننده زیرا درآمد کارگران ساختمانی اجازه پرداخت چنین هزینه‌ای را نمی‌دهد. وی با بیان اینکه استادکاران ساختمانی تنها چند درصد بیش از سایر کارگران مزد می‌گیرند، گفت: به دلیل ماهیت فصلی مشاغل ساختمانی و غیر مستمر بودن محل درآمد استادکاران نیز در پرداخت به موقع هزینه بیمه آزاد دچار مشکل هستند. به گفته محمدی از آنجا که تعرفه ماهیانه بیمه مشاغل آزاد مبلغی در حدود 80 هزار تومان است و کارگران ساختمانی بیمه شده باید این پول را هر سه ماه یکبار پرداخت کنند کمتر کارگر ساختمانی توانایی پرداخت 240 هزار تومان را دارد. وی افزود: اگر قانون بیمه اجباری کارگران ساختمانی اجرا شود خیال 7 هزار خانواده کارگر ساختمانی شهرساری از بابت تامین اجتماعی آسوده خواهد شد. پایان پیام

حرکت اعتراضی کارگران زحمتکش کارخانه ریسندگی خاور رشت

سایت آژانس ایران خبر در تاریخ 8 اردیبهشت نوشت: صبح روز سه شنبه هفتم اردیبهشت کارگران زحمتکش کارخانه ریسندگی خاور رشت با تجمع خودشان، مانع ورود هیئت مشاوره مدیریت به کارخانه شدند.

مدیر این کارخانه که فردی به اسم " دارابی " است، حدود 6-5 نفر از بازنشستگان سابق را به عنوان مشاوره انتخاب کرده است. به آنها بالای يك میلیون تومان حقوق می دهد تا به قول خودش از تجربه آنها استفاده کند. به این ترتیب انبوه کارگران جوان که به حقوق کمتر از يك سوم این میزان قانع هستند بیکار شده اند و نمی توانند در این کارخانه کار کنند. مدیریت این کارخانه علیرغم مخالفت کارگران و شورای کارگری این کارخانه تن به خواست کارگران نداده است. کارگران این کارخانه نیز در اعتراض به این عمل امروز مانع ورود هیئت مشاوره مذکور به کارخانه شدند.

روزانه کارگران در این کارخانه بدلائل مختلف از جمله عدم پرداخت حقوق سه ماه خود تجمعات اعتراضی برگزار می کنند .

تولیدکنندگان ایرانی در واکنش به ورود کالاهای چینی: توان رقابت نداریم

سایت رادیو صدای آلمان در تاریخ 8 اردیبهشت اعلام داشت: «توان رقابت نداریم»، این عبارتی است که تولیدکنندگان ایرانی در واکنش به ورود کالاهای چینی به ایران آن را مدام به کار می‌برند. آخرین اخبار حاکی از ورشکستگی صنعت نساجی، از قدیمی‌ترین رشته‌های صنعتی ایران است. ازدهای زرد تقریباً همه چیز تولید و صادر می‌کند. در میان کشورهای واردکننده کالا از چین، ایران وضعیت ویژه‌ای دارد. آگاهان معتقدند واردات کالاهای چینی به ایران، نه فقط به دلیل قیمت تمام شده پایین یا دیگر عوامل اقتصادی بلکه وضعیت ویژه ایران در عرصه دیپلماسی و تحریم‌های بین‌المللی باعث شده روابط اقتصادی ایران و چین شرایط ویژه‌ای پیدا کند.

در این زمینه دکتر حسن منصور، اقتصاددان، در گفت و گو با دویچه‌وله از آمار واردات ۳۹ میلیارد دلاری ایران از چین در سال گذشته خبر می‌دهد. با این رقم چین در مقام بزرگترین کشور صادر کننده به ایران جای گرفته است.

حسن منصور می‌گوید: «صادرات چین به ایران آنچنان بوده که تقریباً تمامی زمینه‌های تولیدات داخلی به ویژه تولیدات سنتی را گرفته و این در شرایطی است که دولت ایران با فقدان سیاستی مشخص که عملاً دروازه‌ها را باز کرده و واردات چینی تمام تولیدات ایران را به ورشکستگی تهدید می کند. به این نکته یک امر مهم دیگر را

هم اضافه کنید که چین، پول خود یعنی یوان را به صورت مصنوعی ارزان نگه داشته است. طبق محاسبات، واحد پول چین در حدود شصت در صد ارزانتر از قدرت واقعی خودش است. این سبب می شود که صادرات چین به ایران افزایش پیدا کند. در مقابل ایران ریال خودش را به صورت مصنوعی گران نگه داشته است. در نتیجه صادر کنندگان ایران دستشان بسته است و وارد کنندگان ایران که عموماً در دست مافیاهای دولتی قرار گرفته از این بابت برای خودشان جیب می‌دوزند. در چنین شرایطی است که چین عملاً به تهدیدی برای منافع ملی اقتصادی ایران تبدیل شده است.»

زیر تأثیر کشمکش اتمی به نظر دکتر حسن منصور، اقتصاددان، روابط اقتصادی ایران و چین تحت تأثیر ماجراجویی‌های هسته‌ای ایران قرار گرفته است.

او در این مورد می‌گوید: «ایران برای این که بتواند دفاعی در عرصه جهانی برای خودش داشته باشد متوسل شده به کشورهای بی‌کفایتی که احیاناً بتوانند این صف تحریم را بشکنند و عمده‌ترین آن‌ها کشورهای چین و روسیه هستند. برای این‌که این دو کشور جزو کشورهای دارنده حق وتو هستند. از این نظر است که این همه امکانات در صنایع نفت و گاز ایران، در اختیار چین قرار گذاشته می‌شود. برای این‌که احیاناً آن‌ها محاصره را بشکنند.»

اجناس نامرغوب اما تجارت و صنعت‌گران ایرانی چه نظری دارد. حسن شریعتمداری که در زمینه کالاهای صنعتی فعالیت دارد معتقد است فقط کالاهای بی‌کیفیت چینی به ایران صادر می‌شود. او به دویچه‌وله می‌گوید: «چین کالاهای خودش را به چهار درجه A B C D تقسیم کرده و معمولاً به ایران فقط کالاهای درجه C وارد می‌شود که کالاهای مرغوبی نیستند.»

شریعتمداری در توضیح بیشتر این موضوع می‌گوید: «در حیطه کار ما که کالاهای صنعتی است این به خوبی مشهود است. در ابتدا مصرف کنندگان کالاهای صنعتی مانند کالاهای برقی و الکتریکی خیلی شدید از کالاهای چینی استقبال کردند، چون قیمت‌ها گاهی اوقات به یک سوم کالای مشابه آلمانی می‌رسید ولی هم درجه حساسیت و دقت این کالاها در مقابل کالاهای آلمانی بسیار پایین بود و هم دوام آن‌ها کمتر بود، در نتیجه به تدریج مصرف‌کننده‌ها دریافته‌اند که با وجود ارزانی قیمت، خرید کالاهای چینی به صرفه نیست.»

کفش چینی در رقابت با کفش ایرانی اما نظر فروشندگان و خریداران خرده‌پای بازار ایران درباره کالاهای چینی متفاوت است. نیکان مهمان‌نواز فروشنده کفش‌های چینی به دویچه‌وله می‌گوید: «در مملکتی که در آن زندگی می‌کنیم، زمینه صنعت یا هر چیز دیگری، مثل کفش کتان، وقتی خوب آن وجود ندارد مسلماً یک جوانی هم سن و سال من هیچ وقت نمی‌آید یک کتان که بر فرض مثال تولید ایران باشد را بپوشد و نوع چینی اش را صد در صد ترجیح می‌دهد. اصولاً الان یک همچین طرز تفکری در ایران وجود دارد که کیفیت یک کالای چینی را خیلی‌ها ترجیح می‌دهند به کیفیت یک کالای ایرانی. یعنی اکثر آدم‌هایی که الان من اطراف خودم می‌بینم، نظر مثبت‌شان راجع به یک کالاهای چینی خیلی بیشتر است.»

همه چیز به چین ختم می‌شود اما شیدا دانشجوی معماری ساکن تهران نظر متفاوتی دارد و احساس‌اش را درباره چین و کالاهای چینی چنین ابراز می‌کند:

« این که در چین می‌خواهند در همه چیز اول باشند و می‌خواهند همه چیز را تولید کنند و همه نیازهای مردم را برطرف کنند، پشتکاری است که برای خودشان خوب است، ولی فکر می‌کنم یک‌ذره هم به ما ربط دارد که از همه چیز آن‌ها استفاده کنیم یا نه. اصالتی داشته باشیم یا نداشته باشیم. همه چیز ختم شود به چین و کالاهای چینی. این به خودمان برمی‌گردد، به چینی‌ها خیلی ربط ندارد. فکر کن در کشور خودت، همه چیز برای کشور دیگری باشد.»

عدم ورود تکنولوژی نظرات افرادی که در ایران با کالاهای چینی مستقیماً ارتباط دارند متفاوت است. صدرا عبدالهی، کارگردان سینما در مورد مشاهدات خود در بازار به دویچه‌وله می‌گوید: «من الان می‌روم بازار؛ گردوی چینی وجود دارد، بادام چینی وجود دارد. یعنی کشاورزی ایران که یک زمانی صاحب خشکبار درجه یک عالی بود، عملاً با این رویه واردات، نابود شده. چیزهایی وارد می‌شود که اصلاً این‌جا لازم نیست. چیزهایی که وارد می‌کنیم از چین اسباب بازی است، لباس و چیزهای خنزر و پنزر است که وارد بشود یا نشود هیچ تفاوتی نمی‌کند.»

صدرا عبداللهی اشکال بزرگ در این می‌بیند که از چین تکنولوژی گرفته نمی‌شود. او می‌گوید: « اگر مثلاً در ارتباط با صنایع سنگین چین یک بررسی کنیم، می‌بینیم عملاً هیچ چیز وارد نمی‌شود. هیچ تکنولوژی‌ای از چین وارد نمی‌شود، هیچ موضوع صنعتی وارد نمی‌شود. احساس من این است که ۳۹ میلیارد دلار یا صد میلیارد دلار، این همان پولی است که از فروش نفت بدست آمده و حالا باید به نوعی به داخل ایران به شکل تومان وارد شود. دولت هم به طریقی آن پول را تبدیل به تومان می‌کنند.»

بیانیه کانون مدافعان حقوق کارگر

به مناسبت روز جهانی کارگر، اردیبهشت 1389

سال گذشته را در حالی سپری کردیم که یکی از پرتنش‌ترین سال‌ها در تحمیل دردها و آلام به مردم زحمتکش و کارگران بود. در جشن روز کارگران در سال گذشته، یورش خشم‌آگین نیروهای امنیتی به تجمع مسالمت‌آمیز

کارگران، ده ها نفر از آنان را روانه زندان کرد و پس از آن نیز اعتراضات مردم برای حق طبیعی تجمع آزاد بارها و بارها مورد حمله و یورش قرار گرفت.

خواسته های به حق مردم که در سی سال گذشته انباشته شده بود و با اعتراضات خیابانی بیان می شد، به شدت مورد سرکوب قرار گرفته و بخش بیشماری از اعتراض کنندگان کشته یا به بدترین وجه دستگیر شده، مورد آزار قرار گرفته و روانه زندان ها شدند.

کارگران نیز همراه با سایر اقشار زحمتکش، معلمان، دانشجویان و مردم معترض به نبود آزادی های اجتماعی بارها و بارها اعتراضات خودشان را به اشکال مختلف بیان کردند.

از سوی دیگر بیکاری فقر و تنگدستی اخراج و فشارهای مختلف، زندگی کارگران و سایر زحمتکشان را در سال گذشته به شدیدترین وجه مورد حمله قرار داد. از هم اکنون طرح هدفمند کردن یارانه ها نیز می رود تا زندگی مشقت بارتی را برای کارگران و حقوق بگیران در سال جاری رقم زند.

ما ضمن حمایت از اعتراضات به حق مردم زحمتکش در سال گذشته و با پافشاری بر خواسته های روز کارگر در سال 88 و حمایت از خواسته های قطعنامه تشکل های کارگری در 89 اعلام می کنیم:

1- ایجاد تشکل های کارگری صنفی، سندیکایی و شورایی حق مسلم کارگران، زحمتکشان معلمان و سایر اقشار مردم است و اعمال قدرت مردم تنها از طریق ایجاد نهادهای انتخابی در همه شئون زندگی و درمحل کار امکان پذیر است. این خواسته به حق مردم برای انتخاب نمایندگان خود در همه ی زمینه ها باید پیگیری شود.

2- ایجاد یک زندگی شرافتمندانه انسانی که در آن نیازهای اولیه زندگی از قبیل کارمناسب، خوراک، پوشاک، مسکن، آموزش و پرورش و بهداشت و بیمه های اجتماعی برای همگان تامین باشد، حق مسلم هر انسانی است و این امر جز با محو استثمار انسان از انسان میسر نخواهد شد.

3- وجود جامعه ای امن و عاری از خشونت شکنجه و زندان و اعدام خواست همه ی کارگران و زحمتکشان و مردم تحت ستم است و این مهم جز با برابری کامل انسان ها اعم از زن و مرد، اقوام و ملیت ها امکان پذیر نخواهد بود.

4- هر جامعه ای که در آن کودکان و زنان از احترام بیشتری برخوردار باشند متمدن تر است. کار کودکان مصداق بارز ظلم و ستم بر جامعه است و باید محو گردد.

5- آزادی بیان و اندیشه بی حصر و استتار حق مسلم همگان است.

ما ضمن پشتیبانی از تمام خواسته های آزادی خواهانه مردم اعلام می کنیم که طرفداران دروغین کارگران و زحمتکشان و پشتیبانان سیاست های نئولیبرالی در قالب طرفداران بازار آزاد و یا استثمار آزاد و دفاع از نظام سرمایه داری غم خوار کارگران و زحمتکشان نبوده و تنها می خواهند از آنان به عنوان سپاهی لشکر برای سهم خواهی بیشتر از نظام موجودند استفاده کنند و اعلام می کنیم که کارگران و زحمتکشان تنها به نیروی خود و با تکیه بر تشکل های مستقل مردمی، که آن را در جریان مبارزه بدست خواهند آورد از حقوق حقه ی خود برای رسیدن به یک جامعه ی انسان محور، خواسته های خود را به هر طریق دنبال خواهند کرد.

کانون مدافعان حقوق کارگر

8 اردیبهشت 89

<http://kanoonmodafean1.blogfa.com/post-140.aspx>

طرح کاهش ساعات کار زنان

"ارمغان" رژیم جمهوری اسلامی به زنان زحمتکش ایران در آستانه روز جهانی کارگر

امسال در آستانه روز جهانی کارگر، زنان زحمتکش ایران از طرف رژیم حافظ منافع سیستم سرمایه داری یعنی جمهوری اسلامی، با دسیسه طرح "کاهش ساعات کار زنان" روبرو هستند. در صورت به اجرا در آمدن این طرح، ساعات کار زنان شاغل و متاهل از 44 ساعت به 36 ساعت کاهش می یابد. این طرح در شرایطی مطرح میشود که حقوق اکثر زنان زحمتکش ایران که در بسیاری موارد تنها سرپرست خانواده می باشند و مجبور هستند برای تهیه ابتدایی ترین مایحتاج زندگی خود و فرزندانشان چند شغل داشته باشند، اکثر اوقات حتی به 200 هزار تومان هم نمی رسد. اخیراً نیز شورای عالی کار، میزان حداقل دستمزد کارگران را 303 هزار تومان تعیین کرد. حال اگر این مبلغ را با رقمی که خود رژیم در ارتباط با خط فقر اعلام کرده مقایسه کنیم (جمهوری اسلامی خط فقر را حدود 900 هزار تومان در ماه اعلام کرده است)، آن گاه تصویر روشن تری از درجه فقر و فلاکت خانواده های کارگری و زنان کارگر و زحمتکش به دست خواهد آمد.

این طرح زن ستیزانه و ضد کارگری رژیم در شرایطی مطرح شده است که فقر و بیکاری در جامعه ایران بیداد می کند، تا آن جا که بر طبق آمار دولتی، سالانه بیش از 200 هزار نفر به خیل بیکاران افزوده میشوند. طرح کاهش ساعات کار زنان، یکی از آخرین طرح هایی است که به بهانه مضحک "منافع خانواده" از سوی دولت ضد کارگری جمهوری اسلامی عنوان شده است! دلیلی که آن ها برای این طرح خود ارائه داده اند این است که گویا با کاهش ساعات کار زنان، آن ها وقت بیشتری برای فرزندانشان خود خواهند داشت و گویا از این طریق کانون خانواده گرم نگاه داشته خواهد شد. اما باید از این جانپان حامی سرمایه پرسید، وقتی که مادری نمی تواند شکم فرزند خود را سیر کند و باید شاهد رنج و گرسنگی و فرو دستی و بی خانمانی جگر گوشه هایش باشد، وقتی مادری خوراک شب فرزندانش را در زباله دان های شما سرمایه داران زانو صفت جستجو می کند، چه وقتی را قرار است با فرزندانش صرف کند که موجب پرورش و رشد آن ها شود؟ چگونه در شرایط فقری که شما پابوسان سرمایه با وجود این همه ثروت در جامعه بر زنان زحمتکش ایران تحمیل کرده اید قرار است پیوند های خانوادگی ایجاد شوند؟ و یک زن زحمتکش به عنوان مادر چه گونه قرار است "نهاد خانواده" را گرم نگه دارد؟

اگر به نتایجی که این طرح در عمل یعنی در زندگی واقعی، برای خانواده های کارگری به بار می آورد توجه کنیم می بینیم که رژیم با کاهش ساعات کار زنان، در واقعیت زنان زحمتکش بیشتری را از همان مقدار ناچیز درآمدی که امروز با هزار رنج و زحمت بدست می آورند، محروم می سازد و از این طریق خانواده های کارگری بیشتری را در معرض فقر و نابودی قرار میدهد. با توجه به این که به علت تورم و گرانی سراسر اور و پایین بودن سطح حقوق کارگران، در یک خانواده کارگری با حقوق یک نفر، هزینه های سنگین زندگی تامین نمی شوند و اغلب در این خانواده ها زن و مرد با کار خویش معاش بخور و نمیری را برای خود و فرزندانشان تهیه می کنند. واضح است که با کاهش ساعات کار زنان، چنین خانواده هایی از همان حد اقل در آمد بسیار ناچیزی که امروزه بدست می آورند نیز محروم خواهند شد. با در نظر گرفتن این واقعیت، واضح است که طرح اخیر رژیم برای زنان زحمتکشی که سرپرستی خانواده خود را به عهده دارند، فاجعه آفرین خواهد بود. در همین رابطه به راحتی می توان ستم مضاعف بر زنان کارگر را نیز با آشکاری هر چه بیشتری مشاهده نمود.

طرح کاهش ساعات کار زنان، یکی از شیوه های ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی برای مقابله با بحران سرمایه داری حاکم بر جامعه و ورشکستگی اقتصادی است. همان طور که می دانیم زنان اولین قربانیان سیستم سرمایه داری در مواقع بحران های این سیستم هستند و جمهوری اسلامی نیز مثل هر رژیم مدافع سیستم سرمایه داری، برای خدمت به این سیستم، زنان را قبل از مردان در طرح های اخراج از کار و بیکار سازی های خود قرار داده و همواره کوشیده است که به بهانه های مختلف زنان را خانه نشین سازد.

شرایط ظالمانه اقتصادی که بر جامعه ایران حاکم است، میلیون ها زن کارگر و خانواده های کارگری را در چنگال فقر و تهیدستی اسیر کرده است. در چنین شرایطی، شرکت عظیم زنان ایران در جریان خیزش های بزرگ ماه های اخیر که تبلور خشم آنان از پامال شدن ابتدائی ترین حقوق انسانی اشان بود، امری کاملاً قابل درک می باشد. واقعیت این است که کل طبقه کارگر ایران تضادش با کلیت سیستم سرمایه داری ایران آشتی ناپذیر است و هیچ منافع مشترکی با هیچ یک از جناح های حکومتی ندارد و نمیتواند داشته باشد. در این میان مسلماً زنان کارگر به دلیل ستم مضاعفی که بر آنان اعمال می شود دلایل بیشتری برای مبارزه با رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی دارند.

امروزه بیش از هر وقت دیگری، ضرورت سرنگونی جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری حاکم که زندگی و حیات کارگران را به سیاهی و تباهی کشانده، با برجستگی هرچه بیشتری در مقابل طبقه کارگر قرار داده شده است. تنها راه نجات جامعه، انقلابی با رهبری کارگران انقلابی جهت نابودی وضع ظالمانه موجود می باشد. انقلابی که در درجه اول با سرنگونی جمهوری اسلامی آغاز میگردد.

در شرایطی که بیکاری و تهیدستی در جامعه بیداد می کند، بدون شک طرح "کاهش ساعات کار زنان" باعث فقر و فلاکت خانواده های کارگری بیشتری خواهد شد. این وظیفه همه نیروهای مبارز و آگاه است تا با افشای اهداف واقعی پشت این طرح ضد کارگری و زن ستیز جمهوری اسلامی، در دفاع از طبقه کارگر و به ویژه از زنان کارگر ایران، آن را با شکست مواجه سازند.

واگذاری شرکت‌های دولتی به شبه دولتی‌ها: شرکت رجا هم به تامین اجتماعی واگذار شد

سایت مردمک در تاریخ 8 اردیبهشت نوشت: شرکت قطارهای مسافری رجا و 18 شرکت دولتی دیگر به سازمان تامین اجتماعی واگذار می‌شود. هدف این واگذاری پرداخت بخشی از بدهی‌های دولت به این سازمان اعلام شده است.

اسماعیل غلامی، معاون سازمان خصوصی سازی، به فارس گفت که شرکت رجا به همراه 18 شرکت دیگر بابت طلب دو هزار و 260 میلیارد تومانی دولت به سازمان تامین اجتماعی قیمت‌گذاری و واگذار می‌شود. به گفته وی این واگذاری در راستای اجرای قانون بودجه سال 89 صورت خواهد گرفت.

سید ابراهیم علیزاده، نماینده کارگران و دبیر شورای عالی تامین اجتماعی، 25 فروردین به خبر آنلاین گفت که میزان بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی را تا پایان سال 88 بالغ بر 18 هزار میلیارد تومان اعلام کرده بود که این میزان نسبت به سال قبل شش میلیارد تومان بیشتر بود.

به گزارش ایسنا محمدکرمی‌راد، ناظر عالی مجلس در هئیت واگذاری شرکت‌های دولتی، بخشی از سهام شرکت‌های حفاری شمال و پتروشیمی فناوران نیز به منظور پرداخت دیون دولت به سازمان تامین اجتماعی به این سازمان واگذار خواهد شد.

واگذاری شرکت‌های دولتی به شبه دولتی‌ها

بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی در سال‌های اخیر افزایش یافته است و بازپرداخت آن تنها از طریق واگذاری دارایی‌های دولت به این سازمان میسر است. با آنکه دارایی‌های دولت به خاطر بدهی‌های پرداخت نشده، به سازمان تامین اجتماعی واگذار می‌شود، اما در زمینه خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی دولت نسبت به واگذاری این دارایی‌ها به شبه دولتی‌ها تمایل دارد.

اخیرا سپاه پاسداران از طریق قرارگاه خاتم الانبیا و نیروهای مسلح به خریدار شرکت‌های دولتی بدل شده است. قرارگاه خاتم‌الانبیا در حال حاضر مجری بسیاری از پروژه‌های کلیدی دولتی شمار می‌رود. در عین حال، سپاه پاسداران سال گذشته با خرید سهام شرکت مخابرات ایران بزرگترین معامله تاریخ بورس ایران را به نام خود رقم زد.

این در حالی است که سازمان تامین اجتماعی نیز به عنوان یک سازمان دولتی ثروتمند بر سر پروژه‌های دولتی با سپاه رقابت می‌کند. سازمان تامین اجتماعی پنجم اردیبهشت ماه قرارداد اپراتور سوم تلفن همراه را از آن خود کرد.

به گزارش خبرگزاری مهر، قرارداد اپراتور سوم با حضور وزرای ارتباطات و فناوری اطلاعات و رفاه و تامین اجتماعی امضا شد و اپراتور سوم به شرکت تامین تله کام وابسته به شرکت سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی (شستا) واگذار شد.

اتهام جدید منصور اسالو، ارتباط با "معاندین نظام" در زندان

بر پایه خبر رسیده به ایمیل ما آمده است: در آستانه روز جهانی کارگر پرونده جدیدی علیه منصور اسالو رئیس هیئت مدیره سندیکا شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه گشوده شد. روز یکشنبه 5 اردیبهشت ماه، منصور اسالو رئیس سندیکا شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه با دست بند و پابند به شعبه 6 بازپرسی بیدادگاه انقلاب اسلامی کرج برده شد و پرونده جدیدی علیه او گشوده شد. شاکیان اسالو در این پرونده "علی حاج کاظم" و "علی محمدی رئیس" معاون زندان گوهردشت کرج می باشند. اتهامی که به اسالو نسبت داده شده است ارتباط با "معاندین نظام" در زندان می باشد.

"فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران": در ماه‌های اخیر فشارهای روحی و جسمی و اذیت و آزارها علیه آقای اسالو بصورت غیر قابل تصویری شدت یافته است. او بارها به سلولهای انفرادی بند 1 معروف به سگدونی و بند 5 منتقل شد. آقای اسالو از 23 اسفند ماه بطور ناگهانی و با دلیل واهی از بند 4 به بند 5 معروف به بند متادون منتقل شد و او را در کنار زندانیان معتاد و خطرناک که مبتلا به بیماریهای واگیر دار هستند قرار داده شد. زندانی سیاسی منصور اسالو از ناراحتی قلب، کمر درد و چشم رنج می برد ولی تاکنون از درمان جدی او خودداری کرده اند. این ناراحتیها بقدری حاد می باشند که تا به حال پزشک قانونی 3 بار بر عدم تحمل حبس او تاکید کرده است ولی بازجوی وزارت اطلاعات که مسئول پرونده آقای اسالو می باشد از آزادی استعلاجی او خودداری می کند.

بازجویان وزارت اطلاعات تا به حال علیه تعدادی از زندانیان سیاسی که در زندان هستند و در حال طی محکومیت غیر انسانی و غیر قانونی خود بسر می برند پرونده های جدیدی گشوده اند و به آنها محکومیت سنگینی داده است که از جمله آنها زندانی سیاسی منصور رادپور ، علی صارمی و ... می باشند. گشودن پرونده جدید بدستور بازجویان وزارت اطلاعات می باشد که با شکایت علی حاج کاظم و علی محمدی رئیس و معاون زندان گوهردشت به اجرا در آمده است. علی حاج کاظم و معاونش علی محمدی که در پرونده او اعمالی چنایتکارانه مانند ؛ شکنجه و قتل زندانیان سیاسی و عادی مانند زنده یادان امیر حسین حشمت ساران، ولی الله فیض مهدوی و عبدالرضا رجبی ، فروش اندام زندانیان ، تشکیل باندهای مافیایی برای توضیح و فروش مواد مخدر و سرکوب زندانیان، گرفتن رشوه از زندانیان عادی در ازای مرخصی و حتی آزادی آنها نقش دارد. گرفتن رشوه های نجومی از خانواده زندانیان برای دادن مرخصی توسط برادر وی فردی بنام محمد حسین حاج کاظم در خارج زندان صورت می گرفت و لی بخاطر رقابتهای موجود برادر وی دستگیر و محکوم به زندان می شود که در همان زندان گوهردشت محکومیت خود را در دفتر علی حاج کاظم طی می کند و هر روز بعد از وقت اداری همراه با او به منزل می رود. میرشکاری رئیس قبلی زندان گوهردشت و عموی همسر علی حاج کاظم که در جریان افتضاح سوئی استفادی جنسی از زنان و دختران معروف به خانه سبز و صدور آنها به دبی دستگیر شده بود در دفتر علی حاج کاظم رئیس زندان گوهردشت کرج به اصطلاح محکومیت خود را طی می کند.

نامه خواهر یازده ساله اکبر اجدادی به دادستان تهران: آقای دادستان برادر من کارگر یک بقالی است و اتهامش اقدام علیه امنیت ملی!

سایت کلمه در تاریخ 8 اردیبهشت نوشت - نامه پیش رو که توسط خواهر یک کارگر زندانی نوشته شده است اگر چه با نگارش مرسوم نامه های رسمی و یا ادبیات نامه نگاری فاصله دارد اما انتشار و انعکاس آن از آن جهت اهمیت دارد که افکار عمومی و احیاناً وجدان های بیدار را با مشکلات روزمره ای که برای یک خانواده ی عادی که به بهانه های عجیب و غریب همچون انقلاب مخملی و اقدام علیه امنیت ملی به زندان افکنده شده اند آشنا می کند.

به گزارش خبرنگار کلمه، این مصائب که بوجود آورنده آن توهم صاحبان زور در مورد اعتراض ساده شهروندان است نه یک استثنا که قاعده ای برای اغلب زندانیان سیاسی است چرا که بر خلاف القانات رسمی و دولتی که جنبش سبز را جنبش طبقات متوسط به بالا ذکر می کنند اما اکثر زندانیان سیاسی گمنام از طبقات مستضعف و با سطح اقتصادی پایین جامعه هستند.

«اجدادی» هم از معترضان و زندانیان محروم و مستضعف جنبش سبز است. کارگر یک بقالی که صرفاً یک شهروند معترض بود اما با اتهام هایی مانند اقدام علیه امنیت ملی ! از ده ماه پیش در زندان است. او یکی از معترضان ساده به نتایج انتخابات است که در تظاهرات مسالمت آمیز مردم در ۲۵ خرداد شرکت داشته و به اتهام شرکت در این تظاهرات به بیست و هشت ماه حبس تعزیری محکوم شده است. «مهديه اجدادی» خواهر اکبر ، یازده ساله و کلاس پنجم ابتدایی است . او نامه ای به دادستان تهران نوشته و از تعیین وثیقه دوپست میلیون تومانی برای برادر دربندش گلایه کرده است .وی به دادستان توضیح داده است که از قشرمحروم جامعه هستند ، در جنوب شهر تهران و درخانه اجاره ای زندگی می کنند و در عمرش چنین پولی را ندیده است.

به گزارش "کلمه" متن نامه این نوجوان خطاب به دادستان به شرح زیر است:

با سلام خدمت آقای دادستان

من خواهر اکبر اجدادی هستم که بسیار به برادرم وابسته ام و او را دوست دارم. آقای دادستان برادر من بی گناه است و کاری نکرده. آقای دادستان برادر من کارگر یک مغازه بقالی است .از ساعت ۶ صبح مغازه را باز می کرده و ۱۲ شب می بسته .

آخه این انصافه؟ برادر من هیچ وقت علیه امنیت کشور کاری انجام نمی دهد و بی گناه است. از شما خواهش می کنم برادر من را به آغوش خانواده برگردانید. پدر من بیسواد است و مادرم هم سواد ندارد. پدرم نگهبان پارک بود. سال گذشته او را اخراج کردند. می گفتند کارگرها زیادند. برادر من تنها نان آور ما بود .

من مهديه اجدادی ، خواهر اکبر اجدادی از شما خواهش می کنم که برادر من را آزاد کنید. پدر و مادر من بیماری قلبی دارند و از وقتی برادرم دستگیر شده حالشان بدتر هم شده است .

من کلاس پنجم هستم . بعضی از برادرها و آشنایان دوستانم می گویند در سال قبل آنها هم در تظاهرات شرکت کرده بودند . برادر من هم رفته بود .

آخه انصافه آقای دادستان؟ از شما خواهش می کنم برادر من را آزاد کنید. به خدا قسم برادر من کاری نکرده است . چند هفته است که به ما گفته اند برای اینکه چند روزی به مرخصی بیاید باید ۲۰۰ میلیون تومان وثیقه به دادگاه بدهیم . من تا به حال این همه پول را ندیده ام . از پدر هم که پرسیدم او هم گفت نمی داند این همه پول را باید از کجا بیآورد . ما در قیامدشت ورامین زندگی می کنیم . در یک خانه اجاره ای. روزهای دوشنبه که پدر و مادرم برای ملاقات با برادرم به زندان اوین در شمال شهر تهران می روند ، وقتی برمی گردند ، خیلی خسته هستند . مادرم می گوید راهش دور است . خیلی دور . کرایه رفت و آمد هم زیاد است . خودم هم چند بار برای دیدن برادرم ، اکبر ، به اوین رفتم . برایم مثل یک مسافرت طولانی و خسته کننده بود . تا قبل از اینکه برادرم دستگیر شود به این جای تهران نرفته بودم .

در راه که می رویم ماشین ها و خانه های بزرگی را می بینم که تا به حال ندیده بودم . در قیامدشتی که ما زندگی می کنیم نه از این ماشین ها است و نه از این خانه ها . پدرم می گوید خیلی گران هستند . یک روز یک

ماشین را به من نشان داد و گفت با پول این ماشین می شود برادرت را آزاد کرد .
آقای دادستان خواهش می کنم نامه ی این خواهر را بخوانید. من به عنوان خواهر کوچکتر اکبر از شما می
خواهم برادر من را آزاد کنید.
با تشکر خداحافظ

شعار نویسی در دانشکده فنی تبریز

تبریز - 8 اردیبهشت - به گزارش رسیده دانشجویان بر روی دیوارراهرو و کلاسها و صندلیها بطور گسترده اقدام
به شعار نویسی کرده اند .

شعارهای دانشجویان عبارتند از « مرگ بر اصل ولایت فقیه » ، « مرگ بر دیکتاتور » ، « مرگ بر خامنه ای » و «
تنها راه حل آزادی مردم راه حل سوم » این دانشجویان یک نسخه از شعارهای فوق را به صندوق حراست
دانشگاه نیز ارسال کرده اند

یکسان سازی پوشش معلمان زن

خبرگزاری حکومتی ایلنا در تاریخ 8 اردیبهشت نوشت : معاون صنایع دستی سازمان میراث فرهنگی طرح
یکسان سازی لباس کارمندان زن را در ادارات در راستای طرح عفاف و حجاب دانست و گفت: شروع به کار این
طرح با همکاری وزارت کشور و پشمتوانه پژوهشی دانشگاه الزهرا، جدا از مسئله یکسان سازی، حفظ ارزشهای
خودمان در چهارچوب موازین اسلامی بوده است. تهمینه دانیالی با بیان اینکه پس از رونمایی تمام کارمندان
معاونت صنایع دستی لباس یکسان می پوشند، خبر داد: تا آخر خرداد، هم به تمام کارمندان میراث این لباس
داده می شود و پس از آن، به یکسان سازی لباس های نهادهای تحت پوشش میراث می رسیم که موزه ها و
هتل ها از اولین نهادها هستند.

وی درباره یکسان سازی لباس کارمندان آموزش و پرورش گفت: منتظر جلسه ای با وزیر آموزش و پرورش هستیم،
تا در مورد چگونگی توزیع این لباسها تصمیم گیری شود.

دانیالی افزود: از آنجایی که این لباسها تنوع رنگ و طرح دارد پیش بینی می شود مورد استقبال شرکت های
خصوصی و حتی مردم عادی هم قرار گیرد.

وی ادامه داد: در حال حاضر برای هزار نفر لباس سفارش داده ایم که هر دست آن شامل مانتو، شلوار و مقنعه
می شود و قیمت تمام شده اش بین 80 تا 100 هزار تومان است.

معاون صنایع دستی سازمان میراث با اشاره به اینکه هزینه سرب اول لباس های فرم را سازمان تقبل کرده است
گفت: احتمالاً دیگر سازمانها هم سرب اول را به کارمندان خود هدیه می دهند تا دوخت لباسها به انبوه سازی
برسد و قیمت آنها نیز کاهش یابد و به 60-70 هزار تومان برسد. وی تاکید کرد: برای حفظ هنرهای سنتی تلاش
شده است در هر شهر از دوختها و پارچه های سنتی همان شهر استفاده شود.

عضو سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه به زندان محکوم شد

بر پایه خبر دریافتی به ایمیل ما آمده است : شعبه چهارده بیدادگاه انقلاب اسلامی تهران، همایون جابری عضو
سندیکای کارگران شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه را یک سال زندان که به مدت 3 سال تعلیق شده است،
محکوم کرد. " فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران": اتهامات نسبت داده شده توسط محمد تقوی رئیس
شعبه 14 دادگاه انقلاب به قرار زیر می باشد: 1- اجتماع وتبانی بقصد برهم زدن امنیت کشور 2- فعالیت تبلیغی
علیه نظام جمهوری اسلامی ایران 3- اخلال در نظم عمومی با توجه به محتویات پرونده من جمله گزارش نیروی
انتظامی مبنی بر دستگیری مشارالیه در محل وقوع جرم بتاريخ 88/2/11 در پارک لاله.

فعال کارگری همایون جابری ۱۱ اردیبهشت ماه سال گذشته برای گرامیداشت روز جهانی کارگر دو ساعت قبل از
برگزاری مراسم توسط یک سرگرد پاسدار پلیس امنیت در بیرون از پارک لاله دستگیر شد . او ابتدا به کلانتری
148 و سپس به بند 240 زندان اوین منتقل گردید. آقای جابری چند هفته در بند 240 زندان اوین تحت
فشارهای روحی قرار داشت.

احضار جعفر عظیم زاده به شعبه 26 دادگاه انقلاب

شعبه 26 دادگاه انقلاب طی احضاریه ای کتبی جعفر عظیم زاده رئیس هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران را
به دادگاه فراخواند در این احضاریه به دلایل احضار عظیم زاده به دادگاه اشاره ای نشده است و طبق این
احضاریه ایشان می باید روز 18 خرداد ماه در جلسه دادگاه حاضر شود .

جعفر عظیم زاده در مراسم اول ماه مه سال گذشته به همراه حدود 150 نفر دیگر در پارک لاله تهران دستگیر و
بمدت 53 روز در زندان اوین در بازداشت بسر برد. لازم به یادآوری است ماههای آخر سال گذشته نیز آقایان
محمد اشرفی، علیرضا ثقفی و محسن ثقفی به جرم شرکت در مراسم اول ماه مه 88 به دادگاه احضار و در
دادگاه بدوی هر کدام به ترتیب به یکسال، سه و دوسال زندان تعزیری محکوم شدند و همایون جابری نیز به
یکسال زندان تعلیقی محکوم شد .

اتحادیه آزاد کارگران ایران با محکوم کردن صدور احکام زندان برای شرکت کنندگان در مراسم اول ماه مه سال
گذشته، احضار جعفر عظیم زاده را به دادگاه در آستانه فرا رسیدن روز اول ماه، سیاستی در راستای اعمال

فشار بر فعالین کارگری جهت به تمکین واداشتن آنان برای عدم شرکت و دخالت در مراسم اول ماه مه ارزیابی میکند و آن را قویا محکوم میکند .
از نظر ما برگزاری مراسم روز جهانی کارگر و شرکت کارگران در این مراسم، حق مسلم و یکی از بدیهی ترین حقوق اجتماعی طبقه کارگر است و ما همدوش با کارگران در سراسر جهان، امسال نیز روز جهانی کارگر را هر چه با شکوه تر گرامی خواهیم داشت و اعتراض خود را به فقر و فلاکت و نابرابری فریاد خواهیم زد
زنده باد اول ماه مه
اتحادیه آزاد کارگران ایران- هفتم اردیبهشت ماه 88

تشدید اقدامات امنیتی و قطع ارتباطات در آستانه خیزش بزرگ روز کارگر

تهران - 9 اردیبهشت - به گزارش رسیده ، از بعد از ظهر روز پنجشنبه در تهران تلاش رژیم برای کنترل خشم و خیزش مردم کاملا مشهود است ، منجمله

- سرعت اینترنت خیلی کم و غیر قابل استفاده شده است ، يك ساعت همه موبایل ها قطع شد .

- همچنین در مناطق مختلف تهران پستهای بازرسی تك تك خودروها و کنترل کارت ملي منجمله در خیابانهای مصدق و آزادی و دوراهی یوسف آباد جریان یافته است .

- در میدان فردوسی مزدوران انتظامی با دوماشین مستقر شده اند .

بانگ الله اکبر مردم تهران در شب جمعه قبل از روز کارگر

تهران - 9 اردیبهشت - ساعت 22 از اکثر مناطق تهران ، بانگ الله اکبر و خروش مرگ بر خامنه ای آسمان تهران را فرا گرفته است .

به گزارش رسیده ، در این ساعت مردم مناطق خوش ، توپخانه ، شهرک اکباتان ، یوسف آباد و تهران نو قیام همبستگی شبانه با کارگران را شروع کرده بودند

اعتراض گسترده کارکنان اتوبوس رانی تهران به ادامه تعلیق از کار یکی از همکارانشان

بنابه گزارشات رسیده از ایران در تاریخ 9 اردیبهشت نوشت : از صبح امروز اتوبوس های تند رو (بی آر تی) شرکت واحد در اعتراض به ادامه تعلیق یکی از همکارانشان اقدام به روشن کردن چراغهای اتوبوس خود نمودند.

روز پنجشنبه 9 اردیبهشت ماه اتوبوسهای تند رو شرکت اتوبوس رانی تهران معروف به بی .آر.تی در اعتراض به ادامه تعلیق یکی از همکارانشان از ساعت 09:00 صبح تا بعد از ظهر اقدام به روشن کردن چراغ اتوبوسهای خود نمودند. آقای عبدالله حسینی که با 18 سال سابقه کار در شرکت اتوبوسرانی تهران، کار او از 7.5 ماه پیش به تعلیق در آمده بود. او در طی این مدت بدون حقوق و مزایا در شرایط سخت مالی بسر می برد و این مسئله باعث ایجاد مشکلاتی مالی زیادی در خانواده شده بود.

آقای حسینی در طی این مدت علیه حکم سرکوبگرانه تعلیق شکایت کرد و پس از 7.5 ماه تلاش اداره کار رای به بازگشت بکار او داد. او هنگامی که صبح امروز در محل کارش در سامانه 1 اتوبوس رانی تهران حاضر شده بود توسط سعید نیسانی سرپرست این سامانه علیرغم داشتن حکم بازگشت به کار از ادامه کار او ممانعت کرد. اداره کار همچنین در رای مزبور شرکت اتوبوس رانی تهران را موظف به پرداخت تمامی حقوق و مزایای 7.5 ماه اخیر او نموده بود.

آقای حسینی از اعضاء و فعالین سندیکائی شرکت واحد تهران می باشد و یکی از دلایل اخراج او از کار به این دلیل بوده است.

پیش از این خانم فرحناز شیری از اولین بانوان راننده در شرکت اتوبوس رانی تهران که در بدو اشتغال با بهره گیری گسترده تبلیغاتی همراه بود از اسفند ماه گذشته از کار خود تعلیق شده است و علیرغم پیگیریهای مستمر ولی تاکنون از بازگشت به کار او خوداری می کنند.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، موج گسترده اخراج کارگران که در موارد متعدد به خاطر فعالیتهای

سندیکایی و دفاع از حقوق خود و کارگران صورت می گیرد را محکوم می کند و از سازمان جهانی کار و کمیسر عالی حقوق بشر خواستار اقدامات عملی برای پایان دادن به سرکوب کارگران در ایران است.

اعلام حمایت کارگران ایرانخودرو از قطعنامه مشترک روز جهانی کارگر

<http://ikcokar.blogfa.com>

کارگران ایران خودرو ضمن تبریک

روز جهانی کارگر به همه کارگران جهان از بیانیه صادر شده توسط تشکل های کارگران ایران حمایت کرده و خود را در کنار کارگران جهان برای برگزاری یک جشن بزرگ روز جهانی کارگر آماده می کنند

زنده باد اول ماه می روز همبستگی کارگران جهان

جمعی از کارگران ایران خودرو

دبیر کل سازمان معلمان ایران بازداشت شد

خبرگزاری هرانا در تاریخ 9 اردیبهشت نوشت : در آستانه ی روز معلم، علی رضا هاشمی، دبیر کل سازمان معلمان ایران مورخ چهارشنبه 8 اردی بهشت ماه، توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، ماموران امنیتی بعدازظهر روز گذشته با ورود به منزل شخصی آقای هاشمی ضمن تفتیش منزل و ضبط کامپیوتر و برخی وسایل شخصی ایشان، وی را دستگیر و به مکان نامعلومی منتقل کردند. پیش تر علیرضا هاشمی از احضار تلفنی خود به دادگاه نیز خبر داده بود. علی رضا هاشمی، دبیر کل سازمان معلمان ایران، چندی قبل و در اسفند ماه سال 1385 نیز بازداشت و روانه ی زندان اوین شده بود. وی به مدت 19 روز در انفرادی نگهداری می شد و سرانجام حکم تحمل سه سال حبس تعزیری برای ایشان صادر شد. هم چنین پس از انتخابات 22 خرداد نیز حوالی پارک لاله توسط نیروهای لباس شخصی دستگیر و حدود 14 روز در انفرادی بود. شایان ذکر است که تاکنون هیچ تماسی از طرف ایشان با خانواده برقرار نشده است. گفتنی است صبح چهارشنبه 8 اردی بهشت ماه نیز، علی اکبر باغانی دبیرکل کانون صنفی معلمان و محمد بهشتی لنگرودی سخنگوی این کانون با مراجعه ی ماموران وزارت اطلاعات به منزلشان بازداشت شدند. ایشان در حال حاضر در بند 209 زندان اوین نگهداری می شوند.

ادامه اخراج کارگران؛ کارگران شرکت کشتی سازی بندرعباس از کار بیکار شدند

سایت کلمه در تاریخ 9 اردیبهشت نوشت : کارگران شرکت کشتی سازی و صنایع فراساحل بندرعباس به نبود امنیت شغلی و تصمیم مسئولان برای اخراج آنها از شرکت اعتراض کردند. یکی از مسئولان محلی استان هرمزگان با تایید تجمع حدود ۳۰۰ کارگر در مقابل ساختمان مدیریت شرکت کشتی سازی و صنایع فراساحل بندرعباس به آخرین نیوز گفت: مسئولان این شرکت تاکنون ۳۰ نفر از کارگران را اخراج و از چند روز پیش کارت حضور و غیاب آنها را غیرفعال کردند. این شرکت ۱۵ روز پیش هم ۱۸ کارگر را اخراج کرد که ۱۶ نفر آنان بومی بودند. به گفته وی مسئولان شرکت قصد دارند نیمی از نیروهای این شرکت را تعدیل کنند و از کارگران می خواهند که پس از اخراج با پیمانکاران قرارداد ببندند. مسئولان این شرکت به ازای هر کارگر ماهانه یک میلیون تومان به پیمانکاران پرداخت می کنند و پیمانکاران نیز با کسر ۶۵۰ هزار تومان از این مبلغ، ۳۵۰ هزار تومان به هر کارگر حقوق می دهند. این درحالی است که کارگران این شرکت می گویند ساخت ۵ فروند کشتی در این شرکت آغاز شده و علتی برای تعدیل نیرو وجود ندارد. یکی از مقامات ارشد استان هرمزگان هم هفته گذشته در نشست به موضوع اخراج کارگران یکی از شرکتها اشاره و اعلام کرده بود این شرکت حق تعدیل نیرو ندارد. کارگران معترض قرار است امروز پنجشنبه مقابل استانداری هرمزگان تحصن کنند. در اجتماع کارگران شرکت کشتی سازی بندرعباس در مقابل دفتر شرکت هیچ یک از مسئولان برای پاسخ گویی در جمع آنان حاضر نشده بودند.

گزارش از وضعیت نابسامان کارگران در ارومیه

در تاریخ 9 اردیبهشت تبریز سسی گزارش داد: در آستانه روز کارگر کارگران شرکت های گروه صنعتی کیااحسان، شرکت کیاابداع، شرکت سرین شهد آذربایجان و شرکت تحول در وضعیت بغرنجی به سر می برند. آخرین باری که کارکنان این شرکت ها حقوق دریافت کرده اند خرداد سال گذشته بوده است. در حال حاضر شرکت تحول فقط 4 کارگر و سرین شهد و شرکت کیااحسان 3 کارگر آذربایجان 5 نفر و کیاابداع فقط با یک نگهبان که ساکن در کارخانه می باشد شاغل دارند. لازم به ذکر است خرداد سال گذشته 84 نفر در این شرکت ها شاغل بودند. همه این شرکت ها متعلق به رحیم صمدزاده طریقت می باشد که طی 4 سال گذشته 5 میلیارد تومان وام از بانک های صادرات، سپه، ملی و توسعه صادرات دریافت نموده است. تمامی سرمایه فوق به تهران و کشورهای خارجی توسط برادر وی به نام محمدباقر طریقت برده شده است. این شخص سابقاً مدیرعامل هلال احمر و رییس کمیته امداد ارومیه بوده و مدتی نیز معاون استاندار در زمان سعادت بوده است. بقیه این سرمایه هنگفت به کرج شهر قدس تحت پوشش شرکت گروه صنعتی کیااحسان (دفتر مرکزی) منتقل شده است.

آدرس این شرکت ها: سرین شهد آذربایجان (ارومیه شهرک صنعتی فاز 1 خیابان 5) شرکت تحول (کیلومتر 10 جاده طلائی جنب ایران گاز) شرکت کیااحسان (ارومیه شهرک صنعتی فاز 1 خیابان 11) شرکت گروه صنعتی کیااحسان (تهران شهر قدس نرسیده به قبرستان) شرکت کیاابداع (ارومیه شهرک صنعتی فاز 1 خیابان 11)

تبریز سسی: ارومیه به عنوان قطب تولید محصولات سردرختی و به طبع آن قطب تولید انواع آب میوه و نوشابه های بدون گاز برپایه آب میوه می باشد. طی پنج سال گذشته و سیاست های بی سروته اقتصادی دولت و تحریم های اقتصادی و واردات بی رویه برای جلوگیری مصنوعی از افزایش قیمت ها که البته هیچ سودی نداشته و فقط به فربه تر شدن مافیای واردات خصوصاً مافیای موتلفه و شخص عسگر اولادی تازه مسلمان به عنوان رییس گروه دوستی ایران و چین و مسئول واردات کالاهای چینی بدون کیفیت به کشور کارخانه های تولید آب میوه به روش دوی پک (فویل آلومینیومی یا ساندیس) در ارومیه در معرض ورشکستگی کامل هستند. اکثر کارخانجات منطقه به سبب دوری از مراکز مصرف و بالارفتن قیمت حمل و نقل کالا قدرت رقابت با کارخانجات مناطق مرکزی ایران و کارخانجات مناطقی که به راه آهن دسترسی دارند را از دست داده اند. تمام این کارخانجات به تعدیل نیروی انسانی پرداخته و کارگران خود را اخراج می کنند. به گفته یک منبع آگاه در اداره کار ارومیه حجم پرونده های اخراجی کارگران تا 20 برابر افزایش پیدا کرده است. اگر این روند ادامه یابد در سال زراعی پیش رو ضربه جبران ناپذیری به اشتغال کارگری در بخش کشاورزی استان نیز وارد خواهد شد. در این میان همانطور که در گزارشات قبلی نیز اشاره شد مسئولین رده اول استان به اتلاف منابع و بی خیالی خود ادامه می دهند. خبر زیر را به نقل از آینا نیوز خبرگزاری وابسته به سپاه ارومیه بخوانید:

<http://www.ainanews.com/tabid/1298/articleType/ArticleView/articleId/9907/---.aspx>

استاندار آذربایجان غربی دارد ششمین ماه حضورش در استان را سپری می کند و در این مدت شاید دغدغه ها و تفکرات ذهنی مردی در قواره های او برای بسیاری از شهروندان بویژه اصحاب رسانه جالب باشد. با نگاهی اجمالی به خبرهایی از مجموعه اتفاقات روزمره ای که وحید جلال زاده مسبب آنهاست یک نکته بیش از همه نظرها را متوجه خود می کند. استاندار آذربایجان غربی در کلیه برنامه ها و دیدارهای بخشیش را بعنوان اولویت کاری به تجلیل از فرهنگ ایثار و شهادت صرف می کند و این موضوع نه بعنوان یک تعارف حاشیه ای که جزئی از برنامه های کاری جلال زاده محسوب می شود.

تقریباً کلیه برنامه های کاری استاندار و درست در صدر اخبار آن دیدار از مزار و منازل شهداء و نشست پای درد دل خانواده های ایثارگران و جانبازان به چشم می خورد و این موضوع بیشترین حجم موضوعات خبرهای پیرامون استاندار را به خود اختصاص داده است. بعد از این خبر مهمترین رویدادی که چه از لحاظ خرق عادت، تازگی، غیرمنتظره بودن، شگفتی و ... اسباب یک خبر داغ را فراهم می کنند مربوط است به بازدیدهای سرزده جلال زاده.

معلم فعال عضو کانون صنفی معلمان تبریز دستگیر شد

در پی فشارهای فزاینده بر معلمان فعال در آستانه ی روز معلم، یکی از اعضای کانون صنفی معلمان در تبریز دستگیر شد. هرانا: "توفیق مرتضی پور" از اعضای کانون صنفی معلمان در پی یورش نیروهای امنیتی به منزل شخصی اش در تبریز بازداشت شد. ماموران امنیتی پس از ورود به منزل آقای مرتضی پور و بازداشت ایشان ضمن تفتیش منزل وی کیس کامپیوتر و برخی وسائل شخصی دیگر ایشان را نیز ضبط کردند. در طی روزهای اخیر فشار بر صنف معلمان به شدت افزایش یافته و دستکم 7 تن از ایشان بازداشت شدند. این در حالیست که کمتر از 5 روز تا آغاز هفته ی معلم باقی مانده است.

اعتصاب غذای دانشجویان در همبستگی با کارگران و معلمان

سایت خبری دانشجویان تبریز در تاریخ 9 اردیبهشت نوشت: از اعتصاب گروهی از دانشجویان در سراسر ایران خبر داد: "این اعتصاب در روز 11 اردیبهشت (1مه) و به مناسبت روز جهانی کارگر و 1 روز پیش از روز معلم، در همبستگی با معلمان و کارگران سراسر کشور برگزار خواهد شد." صادر کنندگان بیانیه اعتصاب اعلام کرده اند

"قصه دارند با اعتصاب نمادین، اعتراض خود را نسبت به وضعیت سخت معیشتی و مشکلات کارگران و معلمان و فشارهای اجتماعی بر آنان اعلام نمایند. در این اعتصاب، دانشجویان ضمن حمایت از تمامی کارگران، همبستگی خود با معلمان و به خصوص اساتید سراسر کشور را اعلام خواهند کرد." لازم به ذکر است اعتصاب غذای دانشجویان در صحن دانشگاه‌های مختلف کشور، روز شنبه ۱۱ اردیبهشت برگزار خواهد شد.

یکی از کارگران زحمتکش که در خرداد ماه سال ۸۸ دستگیر شده بعد از ده ماه از دستگیری هنوز بلاتکلیف و بدون ملاقات می باشد

سایت آژانس ایران خبر در تاریخ ۹ اردیبهشت گزارش شده است: یکی از کارگران زحمتکش که در خرداد ماه سال ۸۸ دستگیر شده بعد از ده ماه از دستگیری هنوز بلاتکلیف و بدون ملاقات می باشد. ایوب قنبرپوریان، ۲۰ ساله و اهل یکی از روستاهای کوه‌دشت لرستان که در تهران به عنوان کارگر ساختمان مشغول به کار بوده است بعد از دستگیری مدتی را در بند دو الف سپاه پاسداران زیر شکنجه قرار داشت و هم اکنون در بند ۲۵۰ زندان اوین به همراه بسیاری دیگر از زندانیان سیاسی در بلاتکلیفی به سر می برد و تا به حال طی این ده ماه هیچگونه ملاقاتی با خانواده اش نداشته است، وی سرپرست خانواده اش می باشد و بر همین اساس در طی ماه‌های گذشته خانواده‌اش با مشکلات مالی فراوان دست به گریبان بوده اند.

اعلام اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در همبستگی با کارگران و معلمان ایران

سایت جرس در تاریخ ۹ اردیبهشت نوشت: در آستانه اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر و روز معلم در ایران، گروهی از زندانیان سیاسی ایران اعلام کرده اند که در آن روز و در همبستگی با کارگران و معلمان ایران، دست به اعتصاب غذا خواهند زد.

بنا به گزارش منابع خبری جرس، زندانیان سیاسی در این بیانیه خود ضمن تبریک این دو روز و آرزوی موفقیت برای معلمان و کارگران کشور در راه رسیدن به حقوق حقه و قانونی خود، خاطر نشان کرده اند که حاکمیت فعلی در حالی به استقبال روز کارگر می‌رود که در اثر سیاست‌های ناشایست و ناکارآمد و سرکوب‌گرانه دولت اقلیت محروم بیش از پیش در زیر فشارهای اقتصادی کمر خم کرده اند. کارگران ماه‌ها حقوق نمی‌گیرند و از ابتدایی‌ترین حقوق مانند بیمه و بازنشستگی و بیمه بیکاری محروم هستند. در حالی که اکثر مردم ایران زیر خط فقر به سر می‌برند ثروت‌های کشور ما خرج سیاست‌های سرکوب‌گرانه و جنگ طلبانه و صرف رشوه دادن به کشورهای دیگر برای خرید رای آنها در سازمان ملل می‌شود.

بیانیه این گروه از زندانیان سیاسی همچنین تصریح می‌کند که "دولت به طور آگاهانه سیاست فقیر سازی و گداپوری سیستماتیک دولتی را تنها به منظور وابسته کردن و تحت فشار قرار دادن هر چه بیشتر اقلیت محروم و دور کردن آنان از جنبش اجتماعی در پیش گرفته و در چنین شرایطی صحبت از حق و حقوق کارگر و زحمتکش‌ها همانقدر مضحک به نظر می‌رسد که صحبت از حقوق بشر در زندان‌های ایران."

زندان‌های سیاسی خاطر نشان کرده اند "از یازده اردیبهشت سال ۸۸ تا یازده اردیبهشت ۸۹ هزاران پیر و جوان و زن و مرد به ما در زندان‌ها پیوستند. شکنجه شدند و به شهادت رسیدند و بهای آزادیخواهی را با گوشت و پوست خود پرداختند. ما خاطره نداه و سهراب‌ها و کیانوش‌ها و جواد‌ها و روح‌الامینی‌ها و همه عزیزانی که در راه آزادی وطن جان باختند را گرامی می‌داریم."

صادر کنندگان این بیانیه، همچنین اعلام کرده اند که در همبستگی با کارگران و معلمان و جنبش آزادیخواهی مردم ایران، "در روز اول ماه مه روز جهانی کارگر دست به یک اعتصاب غذای یک روزه خواهیم زد و از همه هموطنان بویژه معلمان، دانشجویان، کارمندان و کارگران دعوت می‌کنیم تا دست به دست هم داده و در این روز ندای آزادیخواهی خود را فریاد بزنند."

لازم به ذکر است اوایل هفته جاری نیز، گروهی از زندانیان سیاسی ضمن گرامیداشت روز کارگر و انتقاد از وجود تبعیض و بیعدالتی و سرکوب در کشور، خواستار حمایت از کارگران کشور و حضور در تجمعات آنان شدند. تعدادی از تشکل‌های کارگری حامی جنبش سبز، در صدد برگزاری مراسمی در روز جهانی کارگر ساعت ۱۷ در مقابل وزارت کار در تهران و اداره کار در شهرستان‌ها هستند.

بازداشت هفتمین عضو کانون صنفی معلمان ایران

ندای سبز آزادی در تاریخ ۹ اردیبهشت نوشت: در آستانه روز معلم و در راستای فشارهای گسترده بر فعالان فرهنگی، یکی دیگر از اعضای کانون صنفی معلمان در تبریز بازداشت شد و بدین ترتیب کمتر از پنج روز مانده به روز معلم، هفتمین عضو کانون صنفی معلمان ایران، طی روزهای اخیر مشمول حکم دستگیری و انتقال به بازداشتگاه شد.

سامانه خبری گزارشگران هرانا، با انتشار خبر دستگیری توفیق مرتضی پور، عضو کانون صنفی معلمان در تبریز، خاطر نشان کرد "این فعال فرهنگی، در پی یورش نیروهای امنیتی به منزل شخصی اش در تبریز بازداشت شد و ماموران پس از ورود به منزل وی، ضمن تفتیش آن محل، کیس کامپیوتر و برخی وسایل شخصی را نیز ضبط کردند."

روز گذشته نیز، علی‌اکبر باغانی و محمد بهشتی لنگرودی، دبیرکل و سخنگوی کانون صنفی معلمان ایران دستگیر شدند.

گفتنی است در اواسط هفته جاری نیز، جلال نادری، علی نجفی و محمد خانی و سعید جهان آرا، چهار فعال حقوق معلمان در شهر همدان احضار و بازداشت شدند.

اوایل هفته احکام جزایی علی صادقی و محمد توکلی، دو تن از اعضای شورای مرکزی کانون صنفی معلمان استان کرمانشاه نیز صادر گردید که به پرداخت جزای نقدی و جزای بدل از شلاق محکوم شدند.

سایت های خبری کانون صنفی معلمان ایران، سخن معلم و بسیاری از وبلاگ های خبری فعالان فرهنگی نیز، طی هفته جاری مشمول فیلترینگ و انسداد شدند.

هم اکنون تعدادی از معلمان کشور مانند فرزاد کمانگر و عبدالرضا قنبری محکوم به اعدام و تعداد دیگری همانند محمد داوری، هاشم خواستار، رسول بداقی و عبدالله مومنی، گرفتار حبس، وضعیت جسمانی وخیم و ادامه بازداشت می باشند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان اعلام کرده است که در اعتراض به صدور احکام سنگین حبس و اعدام برای معلمان زندانی از ۱۲ تا ۱۸ اردیبهشت دست به اعتصاب غذا می زنند. این شورا از معلمان خواسته است تا در روز ۱۲ اردیبهشت در تهران بر سر مزار ابوالحسن خانعلی معلم جان باخته در حکومت پهلوی (در گورستان ابن بابویه شهر ری) و در قم (بر سر مزار شهید مرتضی مطهری) حاضر شوند

استعفای دسته جمعی گروهی از کارگردانان

سیروس نیوزدر تاریخ 9 اردیبهشت از قول خبرگزاری ایسنا نوشت: همایون اسعدیان، عبدالحسن برزیده، کامران قدکچیان، مازیار میری و سامان مقدم در اعتراض به اظهارات اخیر رئیس مجمع فیلمسازان سینمای ایران از عضویت در این مجمع استعفا دادند.

این سینماگران در نامه ای مکتوب علاوه بر استعفای دسته جمعی اعلام کردند: «در پی صحبت های نسنجیده و مغرضانه آقای ابوالحسن داودی، رئیس مجمع فیلمسازان سینمای ایران در رابطه مسایل پیرامون کانون کارگردانان سینمای ایران، استعفای خود را از آن مجمع اعلام می داریم.»

ابوالحسن داودی روز سه شنبه، هفتم اردیبهشت فردای روز برگزاری مجمع عمومی کانون کارگردانان سینمای ایران، در گفت و گو با خبرگزاری فارس اقدام هیئت مدیره قبلی کانون کارگردانان در مورد برکناری علیرضا رئیسیان از ریاست کانون را اقدامی ناجوانمردانه ارزیابی کرد.

او در این مورد اظهار داشت: «حفظ وجاهت و آبروی کانون هیچ وقت تحت تأثیر جریانی خاص قرار نگرفته بود و به همین دلیل رفتار افراد طی یک هفته مانده به انتخابات که چنین کار عجیبی را انجام داده اند برای همه ما غیرقابل توجیه بود.»

داودی با تأکید بر اینکه حتی بدترین رفتارها را نیز نباید اینچنین پاسخ داد، گفت: «حتی اگر کسی بدترین عمل و رفتار از او سر زده باشد نباید با او چنین رفتاری می شد به علاوه این که شاید من شخصا در برخی از مواقع با علیرضا رئیسیان اشتراک نظر نداشته باشم اما وقتی کسی به عنوان رئیس یک تشکیلات صنفی انتخاب می شود به عنوان آبروی آن صنف به حساب می آید و باید از او حمایت کرد.»

داودی همچنین با اشاره به تشویق رئیسیان از سوی حاضران در مجمع کانون کارگردانان، گفت: «این رفتارها معمولا در مجامع اینچنین، معانی زیادی دارد که شاید یکی از معانی آن تکثیر حرکت متقابل است و برای دوستانی که چنین تصمیم یک طرفه ای را برای برکناری علیرضا رئیسیان گرفته بودند، حائز اهمیت است به خصوص این که در بین این دوستان افرادی با سابقه طولانی در صنف و منطقی کم نبودند و عجیب بود که اینچنین احساسی برخورد کردند.»

عضو ناظر مجمع عمومی کانون کارگردانان همچنین با اشاره به صحبت هایی که در طی دو هفته اخیر از سوی رئیسیان و شورای مرکزی سابق کانون مطرح شده است گفت: «ما از هر دو طرف حرف های زیادی شنیدیم و این صحبتها بسیار آشکارتر از آن بود که در محافل خبری مطرح شد و به خصوص در جمع کارگردانان اصلا چنین صحبت هایی پسندیده نیست و همان مقدار که از جانب هیأت رئیسه مواردی را به رئیسه نسبت داده شد از جانب ایشان هم در جلسات خصوصی مواردی مطرح شد مبنی بر وابسته بودن که اگر این موارد صحت داشته باشد باید پیگیری شود.»

نیروهای سرکوبگر انتظامی در قزوین با باتوم به جان مردم معترض به تصاحب زمین هایشان افتادند

سایت آژانس ایران خبر در تاریخ 9 اردیبهشت نوشت: شورای تامین شهر 20 هزار متر از زمینهای واقع در زیر پل ولی عصر جنب هتل مرمر قزوین، را مصادره گردیده است. این اقدام ضد مردمی مقامات با اعتراض مردم روبه رو شد. برای جلوگیری از گسترش اعتراضات و ساکت کردن مردم، شورای شهر تصمیم گرفت مابه ازای هر متر، ۵۰ تومان بدهد. اما مردم زیر بار این زوگویی نرفتند در ادامه نیروهای انتظامی با باتوم و سایر وسایل سرکوب به کمک مقامات شورای تامین شهر وارد صحنه شده و حتی برخی از اماکن ساخته شده توسط مردم را تخریب نمودند. این درگیری به مدت یک هفته بین مردم و مامورین ادامه داشت. بنا به آخرین خبر دریافتی هنوز هیچ جوابی به مردم داده نشده است.

پیام موسوی به مناسبت روز کارگر و معلم

کلمه مهندس میرحسین موسوی به مناسبت ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر و ۱۲ اردیبهشت روز معلم پیام ویدئویی منتشر کرد.

در این پیام ویدئویی مهندس موسوی فعالیت های قشر کارگر و معلم را جزو مهمترین مولفه های اقتدار ملی کشور عنوان کرد و گفت: تنها راه تحقق خواسته های برحق معلمان، کارگران و همه افشار ملت رجوع به قانون اساسی است و حقوق مردم که فراموش شده ترین قسمت قانون اساسی است. به گزارش کلمه متن کامل این پیام به همراه فایل های صوتی و ویدئویی و همچنین دانلود نسخه مخصوص موبایل به شرح زیر است:

با سلام به همه کارگران و معلمان کشور

من روز معلم و روزکارگر را به شما عزیزان تبریک می گویم. در آستانه این دو روز بسیار مهم هستیم. فعالیت ها و جهت گیری های قشر کارگر و معلم جزو مهمترین مولفه های اقتدار ملی ماست. آنها تولید کنندگان ثروت، علم، فضیلت و اخلاق در کشور هستند و بدون فعالیت آنها نیل به ارزش های بنیادی در یک نظام امکان پذیر نیست و بعد از به وجود آمدن دولت -ملت ها نقش این دو قشر اهمیت فراوانی در همه کشورها پیدا کرده و برای همین توجه به سرنوشت، جهت گیری، مشکلات و مسائل آنها بسیار مهم است و همه کشورها سعی می کنند به سرنوشت این دو قشر اهمیت ویژه ای دهند.

روز کارگر که در سراسر دنیا و کشور ما برگزار می شود نشانه توجه به نیروی کار و اهمیت آن است. از اول انقلاب هم رسم بر این بود که به این روز اهمیت داده شود و همینطور روز معلم که اهمیت آن از روز کارگر کمتر نیست و بنده می خواهم در این پیام مختصر خطاب به شما مسائلی که برای سرنوشت این دو قشر و برای همه مردم ما مشترک هست را عرض کنم.

حقیقت این است که ما در شرایطی به این دو روز مهم نزدیک می شویم که کشور دارای بحران و مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی وسیعی است و تک تک این بحران ها در سرنوشت و گذران زندگی این دو قشر منعکس شده و اثرات زیادی دارد.

بازار داخلی کشور به بیگانگان واگذار شده است

ما وضعیت اقتصادی کشور را می بینیم. تورم، پایین آمدن نرخ سرمایه گذاری ها، فساد، رواج دروغ و سو مدیریت، حقوق معوقه کارگران و بیکاری روزافزون آنها، تعطیلی روزافزون کارخانه ها یا با ظرفیت پایین کار کردن کارخانه ها در حالی که بازارهای ملی ما پر از کالاهای خارجی شده و در حقیقت ما تمام بازار داخلی خودمان را در رابطه با کالا، خدمات و سرمایه به بیگانه واگذار کردیم و همه می دانیم که این مساله تا چه اندازه در سرنوشت ملت، استقلال و آزادی ما و همچنین در سرنوشت کارگران ما اثر می گذارد.

مسائل و مشکلات کارگران و معلمان با مسائل عمده کشور در ارتباط است

از سوی دیگر محدود کردن آزادی ها را داریم. بستن دهان ها، بستن روزنامه ها و پر کردن زندانها و محدود کردن تشکل های صنفی و سیاسی را داریم که آن هاهم در سرنوشت کارگران و معلمان اثر می گذارد. به همین علت مهم است که امسال کارگران و معلمان پی ببرند (گرچه می دانم می دانند) مسائل و مشکلاتی که در زندگی روزمره لمس و درک می کنند با مسائل عمده کشور در ارتباط است و این ارتباط مستقیم است. خواسته های کارگران و معلمان خواسته های اساسی و بنیادی کشور است.

خواسته یک کارگر و یک معلم اگر با زبان حال گفته شود و خواسته طبیعی این دو قشر باشد باید توجه کنیم که خواسته های بسیار اساسی و بنیادی برای کل کشور است. کارگر و معلم چه می خواهد؟ آنها می خواهند کشور توسعه پیدا کند. توسعه کشور به نفع آنها است. عدم توسعه کشور دودش به چشم همه ملت می رود. از همه مهمتر به چشم کارگران چه در بخش صنعتی و چه خدماتی، چه در سطح روستاها یا هر جای دیگر و همینطور به چشم معلمان هم می رود.

معلمان و کارگران دنبال عدالت هم در سطح معیشتی و هم در سطح توزیع منزلت هستند

آنها آزادی می خواهند چرا که آزادی باعث می شود تشکل های صنفی و سیاسی خود را تشکیل دهند و فعالیت سیاسی کنند. راهی برای گشایش امور خود و ملت پیدا کنند. آنها دنبال عدالت هستند. چه عدالت در سطح معیشتی و اقتصادی و چه در سطح توزیع منزلت های اجتماعی. باعث می شود آنها بهتر بتوانند خدمت کنند و بهتر می توانند ثروت ایجاد کنند و بهتر می توانند از اقتصاد کشور دفاع کنند و با فعالیت خود در صنعت و بازار و از استقلال کشور دفاع کنند و همچنین در توزیع منزلت آنها موقعیتی پیدا می کنند که از ایده های مترقی و پیشروانه در سطح کشور حمایت کنند.

منزلت معلمان از نظر سیاسی تنزل پیدا کرده اما از نظر ملت تنزل نیافته

اول انقلاب با این ایده شروع شد. یادمان باشد که در مجلس اول اکثر نمایندگان معلم بودند. شهید رجایی و شهید باهنر و شهید مطهری معلم بودند. شریعتی را معلم می دانستیم و معلم هم هست. معلمی به گونه ای بود که باعث می شد فرد مورد اعتماد ملت قرار گیرد. اضافه کنم که اگر این منزلت از نظر سیاسی تنزل پیدا کرده از نظر ملت تنزل پیدا نکرده است. وقتی ما به گروه های مرجع رجوع کنیم می بینیم که معلمان و کارگران هنوز در رده های بالای گروه های مرجع قرار می گیرند و هنوز مورد اعتماد ملت هستند ولی در کشور اتفافی افتاده که این منزلت آنچنان که اول انقلاب بود نیست. این منزلتی که اول انقلاب بود اجازه می داد که معلمان فضای نوزانی و عمیقی را در ملت ایجاد کرده و یک نسل سرافراز را تربیت کنند و خود و کارگران در جبهه ها فراوان بودند. برعکس هم اکنون می بینیم برخی از معلمان و کارگران در زندان هستند و در آستانه این دوروز خیلی تلخ است که بخواهیم در این مورد صحبت کنیم.

به نفع کارگران و معلمان است که سیاست های خارجی متعادلی داشته باشیم

طبیعی است که اگر دقت کنیم در مورد آزادی، عدالت، توسعه و یا پیشرفت کشور یا سایر زمینه ها می بینیم به طور مثال همین دو قشر به شدت مخالف فساد هستند. آنها می دانند که وقتی بحث درآمدهای عظیم نفتی می شود و صدها میلیارد که قرار بود سر سفره مردم آورده شود آورده نمی شود و در عوض خبرها می بینیم بر فساد، ناپختگی و نارسایی در امور اقتصادی کشور می شنوند و می دانند که این به ضرر آنها و منافع آنهاست و به ضرر منافع ملی و به ضرر امنیت ملی و آتیه کشور است. به طور طبیعی، هم صورت آگاهانه و هم به صورت زبان حال به نفع معلمان و کارگران هست که سیاست های خارجی متعادلی داشته باشیم. آنقدر ماجرا آفرینی نکنیم. اینقدر بی برنامه پیش نرویم. اینقدر با بالا و پایین رفتن منافع ملی خود را به خطر نیاندازیم.

اقدامات خلاف تدبیر اثرات خود را سر سفره مردم نشان می دهد با اسلحه و نیروی نظامی امنیت کشور حفظ نمی شود بلافاصله این اقدامات خلاف تدبیر، تاثیر خود را روی سفره مردم نشان می دهد. عظمت یک کشور در دلبستگی و دلگرمی مردم نسبت به آینده خودشان است. نگاه و امیدواری که نسبت به آینده دارند. صرفا با اسلحه و نیروی نظامی امنیت یک کشور را نمی شود حفظ کرد. ما در زمان دفاع مقدس نه ارتش داشتیم و نه سپاه. اینها به مرور به وجود آمدند. ارتش که در واقع اول انقلاب از بین رفت و دوباره سازمان داده شد. خود سپاه و بسیج هم بعدا شکل گرفت. آن چیزی که باعث مقاومت ما در آن جنگ هشت ساله شد که یک سانتیمتر از خاک کشور خود را تسلیم دشمن نکردیم یقینا به دلیل اسلحه های زیاد ما نبود. دشمن ما اسلحه بیشتری داشت و بیشتر هم کمک در اختیار داشت و تمام خدمات ابزاری دنیا در اختیارش بود ولی ملت ما از جمله این قشر کارگر و معلم توانست مقاومت کند. این به دلیل دلگرمی مردم نسبت به آتیه نظام بود. ولی وقتی این اعتماد خدشه دار شود و وقتی بحث فساد پیش بیاید که پیگیری هم نشود و در مجلس هم برده شود و هیچ خبری هم نشود و ناگهان بحث آن فروکش کند و همچنین از اینجا و اونجا این مسائل شایع بشود طبیعی است که این باور و این دلگرمی را نسبت به نظام از دست بدهیم.

مسائل کارگران و معلمان جدا از مسائل ملت نیست شما عزیزان و شما کارگران و معلمان بدانید که مسائل شما مسائل همه ملت ماست و جدا نیست. شما اگر در تشکیل شوراهای مستقل صنفی مشکل دارید و هر حرکتی که می کنید با محدودیت و دستگیری ها روبرو می شوید و در فعالیت خود دچار مشکل هستید. سر کلاس که می روید با خوف و رجا می روید چون نمی دانید که آیا می توانید حرف حق را بزنید و در برابر دانشجویان و دانش آموزان از حق دفاع کنید. با سینه برآمده و سری افراشته از حق دفاع کنید و از سفیدی سفید و سیاهی سیاه شهادت دهید و کوتاه نیایید و وقتی در این زمینه دچار تزلزل و خوف می شوید طبیعی است که این مساله مساله ملی است و مساله همه ماست. جنبش سبز راهی که در این زمینه در پیش می گیرد بر این اساس است و آن هم اینکه مسائل ما در گرو بسته ای از فعالیت ها است که مشکل حل شود. اینطوری نیست که مثلا یکبار این موضوع را با وعده و وعید حل کنیم و یک موقع با اقتصاد صدقه ای، بالا و پائین آوردن حقوق و یا مثلا موقع انتخابات که می شود فعالیت می کنیم و از این شاخه به اون شاخه بپریم. اینها مشکلات معلمان کارگران، کارفرمایان و نه کارآفرینان ما را حل نمی کند. راهی جز بازگشت به قانون اساسی نداریم

بنده اعتقاد دارم تنها راه، بازگشت به قانون اساسی است. برگشتی که برای تحقق بدون تنازل قانون اساسی راهی پیش پای ما نیست. این کم هزینه ترین راه است. راهی است که می توانیم مشکلات خودمان را در سطح ملی حل کنیم. مشکلات بازارهای مسلمانی خودمان را حل کنیم که اینقدر از اجناس بنجل خارجی پر نشود. می توانیم از صنعت ملی خودمان دفاع کنیم برای اینکه در مقابل هجوم بازارهای خارجی مدفون نشویم. می توانیم از حقوق کارگران دفاع کنیم تا روز به روز از کار بی کار نشوند و حقوق معوقه کارمندان روی هم تلمبار نشود. با برگشت به قانون اساسی می توان از فساد جلوگیری کرد و با احیا حقوق مردم می توان مشکلات را برطرف کرد. بدون انتخابات آزاد، غیر گزینشی، رقابتی و بدون آزادی مطبوعات و زندانی ها و تشکل ها جلوی رویمان راه دیگری وجود ندارد و رفتن به سمت قانون اساسی به نفع همه ملت است. به نفع همه کسانی که دل در گرو ملت خود دارند و عظمت ملت خود را می خواهند.

ما به مردم امضا دادیم قانون اساسی را اجرا کنیم حقوق مردم فراموش شده ترین قسمت قانون اساسی است این میثاق ملی ما است و عهدی که مردم و حکومت با هم بستند و هر نوع برگشت از این میثاق یک نوع خیانت در اعتماد مردم است. ما از مردم امضا گرفتیم و امضا دادیم که این قانون را بدون اجتهاد اجرا کنیم. اگر قسمت هایی از آن را ناکارآمد می دانیم باید آنها را اصلاح کنیم. قانون اساسی که وحی منزل نیست. ولی باید باز هم از راه قانون اساسی اقدام کنیم و حقوق مردم که فراموش شده ترین قسمت قانون اساسی است را باید رعایت کنیم که مشکلات یکی یکی حل شود و در آن موقعیت جایگاه معلمان و کارگران ما آنچنان که شایسته است در نظام حکومتی ما و جامعه ما انشاالله احیا خواهد شد. موفق باشید و این دوروز هم بر شما و هم بر همه ملت ایران مبارک باشد.

اعتصاب غذای دانشجویان در روز کارگر

ندای سبز آزادی در تاریخ 9 اردیبهشت نوشت: دانشجویان سبز دانشگاه سراسری و آزاد اراک، به مناسبت اول ماه مه و روز جهانی کارگر، بیانیه ای در حمایت از کارگران و جنبش کارگری کشور صادر کردند و همزمان دانشجویان برخی از دانشگاههای سراسر کشور اعلام کردند که در روز جهانی کارگر (۱۱ اردیبهشت) دست به اعتصاب خواهند زد.

به گزارش اخبار واصله به جرس، دانشجویان سبز دانشگاه‌های اراک، در بیانیه ای تحت عنوان "بابا نان ندارد"، ضمن شرح آنچه در موقعیت فعلی بر کارگران کشور و سایر افشار و طبقات کشور می گذرد و توصیف "روزهای تلخ بی عدالتی در دوره عدالت و مهرورزی دولتمردان"، وضعیت فعلی معیشتی کارگران کشور را بسیار سخت ذکر کرده و خاطرنشان می کنند:

"...در این بین کارگران همشهری ما ، همچون کارگران شرکت صنایع اراک ، آونگان ، واگن پارس ، آذراب و... در سالی که گذشت حتی ماه ها دستمزد ناچیز خود را دریافت نکردند و این بود سهم واقعی آنان از عدالت دروغینی که مدام از آن دم زده می شود. کارگری که ماه ها زحمت کشیده و حقوق اندکش نیز از او دریغ شده است چگونه قادر به تامین هزینه های سر سام آور زندگی می باشد؟ چه بسیارند کارگرانی که خانواده ، فرزندان و سلامت جسمی و روانیشان را به دلیل فشارهای وارده از دست داده اند ."

دانشجویان سبز اراک همچنین یادآور شدند "پاسخ تجمعات مسالمت آمیز و متعدد کارگرانی که خواهان احقاق حقوق پایمال شده شان بودند نیز، چیزی جز بی توجهی و وعده های دروغین مسوولین نبود و مهرورزی دولت نیز در ضرب و شتم، تهدید ، بازداشت و اخراج کارگران معترض متبلور گردید."

دانشجویان خطاب به کارگران کشور اعلام کردند: "ما به عنوان دانشجویان و فرزندان شما ستایش و دورود فراوان خود را به حرکت حق طلبانه و عدالتخواهانه ای که شما در پیش گرفته اید نثار می کنیم و با تمام هجمه ای که بر دانشگاه و دانشجویان وارد گردیده است، هرگز میدان را خالی نخواهیم کرد . و امروز این نوید را به شما می دهیم که علیرغم همه فشار ها ، استوارو مصمم تر از همیشه در کنار شما کارگران عزیز و دوشادوش سایر افشار زحمتکش در راستای احقاق حقوق پایمال شده ملت ایران گام بر می داریم."

همزمان سامانه خبری دانشجویان نیز از اعتصاب قریب الوقوع گروهی از دانشجویان کشور خبر داد و خاطرنشان کرد "این اعتصاب در روز ۱۱ اردیبهشت (۱مه) و به مناسبت روز جهانی کارگر و ۱ روز پیش از روز معلم، در همبستگی با معلمان و کارگران سراسر کشور برگزار خواهد شد."

صادر کنندگان بیانیه اعتصاب اعلام کرده اند "قصد دارند با اعتصاب نمادین، اعتراض خود را نسبت به وضعیت سخت معیشتی و مشکلات کارگران و معلمان و فشارهای اجتماعی بر آنان اعلام نمایند. در این اعتصاب، دانشجویان ضمن حمایت از تمامی کارگران، همبستگی خود با معلمان و به خصوص اساتید سراسر کشور را اعلام خواهند کرد."

لازم به ذکر است اعتصاب غذای دانشجویان در صحن دانشگاههای مختلف کشور، روز شنبه ۱۱ اردیبهشت برگزار خواهد شد.

انتقاد خامنه ای به کاری که تحت نظر خود وی انجام شده: سرداران با پول سرمایه ملی تجارت می کنند

سایت روز در تاریخ 9 اردیبهشت نوشت: در حالی که تشکل های مستقل کارگری در آستانه روز کارگر ضمن اعتراض به سیاست های اقتصادی حاکمیت خود را برای ابراز علنی اعتراضات شان در روز جهانی کارگر آماده می کنند، رهبر حکومت جمهوری اسلامی روز چهارشنبه شرایط بحرانی و اخراج هزاران کارگر در ماه های اخیر را ناشی از اجرای نامناسب اصل 44 در واگذاری شرکت های دولتی دانست.

وی گفت که "باید بسیار مراقب بود که اجرای سیاست های اصل 44، زمینه ساز نفوذ قانوندان های قانون شکن، نشود". او افزود: "افرادی با دور زدن قانون، برخی کارخانه ها را می خردند و بعد هم با فروش تجهیزات و زمین آن به میلیاردها آلف و الوف می رسند و در نهایت کارگران کارخانه را بیکار می شوند، لذا همه مسوولان باید مراقب باشند."

آیت الله علی خامنه ای در حالی این سخنان را بر زبان آورد که صادق محصولی وزیر فعلی رفاه و از فرماندهان سپاه پاسداران که حتی چهره های جناح حاکم از دست یافتن او به ثروت افسانه ای سخن می گویند و با نام "سردار میلیارد" از وی نام می برند را در صدر مجلس سخنرانی خود نشانده بود.

صادق محصولی تنها یک نمونه از سرداران میلیاردی است که به رغم اشتغال در سپاه پاسداران - نهادی نظامی که تحت نظر آیت الله خامنه ای فعالیت می کند- به "سردار میلیارد" تبدیل شده اما بسیاری از همقطارانش با تشکیل موسسات مالی در پوشش موسسات وابسته به سپاه، بسیج و نیروی انتظامی که همگی نهادهای تحت نظر آیت الله خامنه ای به شمار می روند به فعالیت های اقتصادی غیر قابل نظارت مشغول اند.

رهبر جمهوری اسلامی همزمان اعتراضات کارگری را به "تلاش دشمنان علیه نظام اسلامی" تفسیر کرد و گفت: "دشمنان از اول انقلاب برای استفاده از قشر کارگر و مسائل کارگری به عنوان اهرم فشار سیاسی بر ضد نظام اسلامی تلاش کرده اند". او مدعی شد که: "این موضوع در سی سال گذشته در دستور کار دشمنان نظام اسلامی قرار داشته است اما قشر کارگر نیز سی سال است که این طراحی را ناکام گذاشته اند."

در حالی که شماری از فعالان حقوق کارگران از جمله منصور اسانلو و ابراهیم مددی دو تن از رهبران سندیکای کارگران شرکت واحد، چهارسال پس از برگزاری اعتصاب این سندیکا هم اکنون در بازداشت به سر می برند و تنها در یک سال اخیر علاوه بر برخورد های امنیتی با تشکل های مستقل کارگری، صد ها تن از کارگران معترض در جریان اعتراضات صنفی یا اعتراضات سیاسی پس از انتخابات بازداشت یا محاکمه شده اند، آیت الله خامنه ای در سخنان روز چهارشنبه ادعا کرد: "نظام اسلامی و کارگران ارتباط صمیمی دارند." او افزود: "ارتباط صمیمی میان کارگر و نظام اسلامی را ناشی از پایه مستحکم ایمانی نظام است."

ورود به ماهیت واگذاری ها ممنوع

به گفته مدیرعامل سازمان خصوصی سازی فقط در سال 88 سهام 107 شرکت دولتی به ارزش 17 هزار و 988

میلیارد تومان در جریان آنچه "اجرای اصل 44" خوانده می شود واگذار شده، گزارش ها حکایت از واگذاری شرکت های دولتی در روندی غیر قانونی به شرکت های شبه دولتی یا شرکت های وابسته به نهادها تحت نظر آیت الله خامنه ای از جمله سپاه، بسیج، نیروی انتظامی و بنیاد مستضعفان دارد.

پنجم مهرماه بنیاد تعاون سپاه پاسداران سهام 50 + 1 درصدی شرکت مخابرات ایران را به ارزش 7 میلیارد دلار در جریان واگذاری این شرکت دولتی خرید در حالی که مقام های دولتی ساعتی پیش از عرضه سهام مدیریتی مخابرات، شرکت "پیشگامان یزد"، تنها رقیب سپاه برای خرید سهام مخابرات را از صحنه رقابت حذف کرده بودند. اعتراضات گسترده به غیرقانونی بودن واگذاری سهام مدیریتی شرکت مخابرات به بنیاد تعاون سپاه، حتی به رغم تشکیل کمیته ویژه ای در مجلس شورای اسلامی نیز نتیجه نرسید.

حتی شورای رقابت که عالی ترین محل تصمیم گیری شکایت از واگذاری های غیر قانونی است در اسفند ماه با گذشت نزدیک به 6 ماه وعده رسیدگی به واگذاری غیر قانونی سهام مدیریتی مخابرات به سپاه پاسداران اعلام کرد که حاضر نیست به این پرونده ورود کند.

جمشید پژویان رییس شورای رقابت با تاکید براینکه "مخابرات با حفظ انحصارات از دولت به بخش شبه دولتی انتقال داده شد" درباره خرید سهام مدیریت مخابرات به ارزش 7 هزار و 800 میلیارد تومانی از سوی سپاه پاسداران گفت که "فضای عرضه مخابرات غیررقابتی بوده است" و به همین دلیل "ما نه آن را تایید و نه رد کردیم چون این موضوع در حیطه وظایف ما نبود."

با وجود توجه رسانه ها به واگذاری غیرقانونی شرکت مخابرات ایران از سوی دولت به بنیاد تعاون سپاه پاسداران، اما واگذاری شرکت های دولتی به بهانه اجرای اصل 44 از سوی دولت و در شرایط غیر قانونی به ده ها موسسات مالی وابسته به سپاه و بسیج و نیروی انتظامی و دیگر نهادها های شبه دولتی یا تحت نظر آیت الله خامنه ای ابعاد بسیار وسیع تری دارد.

تنها در مورد بنیاد تعاون سپاه پاسداران، روزنامه "تهران امروز" در شهریور ماه خبر داد که این بنیاد مجموعه ای از موسسات مختلف اقتصادی و تجاری است که از آن جمله می توان از "شرکت مهندسی افق صابرین، موسسه مالی اعتباری انصار، موسسه موج نصر گستر" و ده ها موسسه و شرکت مشابه یاد کرد.

موسسات وابسته به بنیاد تعاون سپاه تنها در نیمه اول سال 88 بسیاری از شرکت های دولتی و از جمله 45 درصد از سهام گروه بهمن، 4 درصد از سهام گروه خودرو سازی سایپا دومین شرکت بزرگ خودرو سازی ایران، 25 درصد از سهام پتروشیمی کرمانشاه را در جریان واگذاری ها از دولت دریافت کرد و علاوه بر آن و صد در صد شرکت های کشت و صنعت شاداب خراسان، شرکت خدمات هوایی پارس و شرکت صنایع غذایی مائده و برخی از شرکت های فعال در خرید و فروش بورس را خریداری کردند.

تجارت متقابل دولت و رهبر موسسه مالی اعتباری مهر که پیشتر نام "صندوق قرض الحسنه بسیجیان" را بر خود داشت و با موافقت و دستور مستقیم و سرمایه اهدایی 1 میلیون تومانی آیت الله خامنه ای تشکیل شده در سال های اخیر با تشکیل چند موسسه مالی و از جمله "موسسه مهر اقتصاد ایرانیان" بسیاری از شرکت های دولتی را در جریان واگذاری های اصل 44 از آن خود کرده است.

موسسه مهر اقتصاد ایرانیان در اردیبهشت سال 87 شرکت تراکتورسازی تبریز را با پرداخت تنها 45 میلیارد تومان و پراخت اقساطی 132 میلیارد تومان دیگر در طی 5 سال از دولت خرید و این درحالی است که روزنامه جمهوری اسلامی همزمان به نقل از یک نماینده مجلس خبر داد که رقم واگذاری سهام 42 درصدی تراکتورسازی تبریز به موسسه مهر اقتصاد ایرانیان وابسته به بسیج "حتی قیمت زمین خالی آن نیست، چه برسد به کارخانه ای با امکانات و تجهیزات و خطوط تولید و انبارها و ورزشگاه و... این کارخانه".

حتی عشرت شایق از حامیان دولت در مجلس نیز از واگذاری تراکتورسازی تبریز به بسیج، به عنوان "حراج" نام برد و گفت: "قیمت های در نظر گرفته شده برای دارایی کارخانه تراکتور سازی تبریز طی 30 تا 40 سال گذشته در مقایسه با قیمت امروزی، صدها برابر کمتر است و ارزیابی جدیدی هم نشده و برای هیچ کس پوشیده نیست که این کار حراج دارایی های دولتی است."

این موسسه که به گفته کارشناسان بورس از نیمه دوم سال 86 در بازار بورس پدیدار شده تنها در عرض سال 18 ماه 5 درصد از فولاد مبارکه اصفهان را به ارزش 308 میلیارد تومان از دولت دریافت کرد.

همچنین 20 درصد سهام آلومینیوم ایران (ایرالکو) به ارزش 45 میلیارد تومان، 33 درصد از شرکت تکنو تاز، 8 درصد از توس گستر، 4 درصد موسسه مالی سینا، 4 درصد لوله سدید، 11 درصد توسعه صنعتی و بسیاری دیگر از شرکت ها را در بورس خریداری کرده که بخش بزرگ آن شرکت های دولتی بوده اند که به بهانه اجرای اصل 44 به موسسه مهر اقتصاد ایرانیان یکی از 7 موسسه مالی بسیج واگذار شده است.

قرار گاه خاتم انبیاء سپاه پاسداران که بخش بزرگی از پروژه های دولتی در حوزه های مختلف از جمله نفت را با دریافت میلیارد ها دلار در اختیار گرفته نیز در ماه گذشته برای در اختیار گرفتن شرکت های دولتی فعالیت خود را آغاز کرد و از جمله به اتفاق شرکت توسعه سرمایه گذاری از دولت سهام شرکت دولتی صدرا را که در حوزه نفت و سکویهای نفتی فعالیت می کند، دریافت کرد.

صاحبان جدید شرکت صدرا نمونه ای از جمله مصادیق آشکار سخنان آیت الله خامنه ای در مورد اخراج کارگران هستند که پس از تصاحب این شرکت ده ها کارگر آن را اخراج و در قبال اعتراض کارگران این شرکت در شهر بوشهر به برخورد امنیتی با آن ها اقدام و علاوه بر کارگران، تعدادی از خبرنگاران بوشهری را نیز بازداشت و حتی به اتهام انتشار عکس اعتراضات کارگران محاکمه کرده اند.

موسسه مالی اعتباری قوامین وابسته به نیروی انتظامی، موسسه مالی اعتباری انصار وابسته به بسیج، و چندین موسسه دیگر مالی وابسته به بنیاد مستضعفان و دیگر نهادهای تحت نظر آیت الله خامنه ای بخشی از مجموعه هایی هستند که در جریان واگذاری ها شرکت های دولتی را تصاحب کرده اند.

اینکه رهبر حکومت مستقر در ایران در زمان ابراز سخنان روز چهارشنبه از واگذاری غیرقانونی شرکت های دولتی به موسسات تحت نظر خود خبر داشته آنگاه آشکار تر می شود که غیر از هشدارهای رسانه ای، حتی علی اکبر ناطق نوری رئیس بازرسی ویژه آیت الله خامنه ای نیز در شهریورماه 87 به واگذاری های غیر قانونی شرکت های دولتی انتقاد کرد.

ناطق نوری گفته بود: "با وجود تبلیغات فراوانی که در مورد واگذاری ها صورت می گیرد، می بینیم که دارایی ها از دولت آشکار به دولت پنهان منتقل شده و نهادهای شبه دولتی این بنگاه ها را خرید کرده اند ضمن اینکه از نظارت هم کاسته شده است."

تشدید فشار بر معلمان و دستگیری دو معلم در آستانه روز معلم

سایت رادیو صدای آلمان در تاریخ 9 اردیبهشت نوشت: روز چهارشنبه، هشتم اردیبهشت ماموران وزارت اطلاعات با مراجعه به خانه های علی اکبر باغانی دبیرکل کانون صنفی معلمان و محمد بهشتی لنگرودی سخنگوی این کانون، آنها را دستگیر کردند. برخی از وبلاگ های معلمان نیز فیلتر شده اند.

تنها چهار روز مانده به بزرگداشت روز معلم، دو معلم و عضو شورای مرکزی کانون صنفی معلمان توسط ماموران وزارت اطلاعات بازداشت شدند.

علی اکبر باغانی و محمد بهشتی لنگرودی روز شنبه چهارم اردیبهشت به دادگاه فراخوانده شده بودند. این دو با حضور در دادگاه به سوالات قاضی پاسخ داده و سپس به منازل خود بازگشتند.

اما ساعت 8 صبح چهارشنبه هشتم اردیبهشت، ماموران وزارت اطلاعات به طور همزمان به منازل این دو معلم رفته و آنها را با خود بردند.

پیمان عطار وکیل مدافع آقای باغانی در گفت و گو با دویچه وله ضمن تایید این خبر از علت این بازداشت اظهار بی اطلاعی کرد.

آقای عطار به دویچه وله گفت که پرونده قبلی موکلش که مربوط به سال 1385 می شده با صدور حکم بسته شده است و وی نمی داند این بار آقای باغانی به چه علت ابتدا احضار و سپس بازداشت شده است.

تشدید فشار بر معلمان

اخبار رسیده از سایر معلمان نیز حکایت از اعمال فشار بیشتر بر آنان در آستانه روز معلم دارد. رسول بدافی عضو کانون صنفی معلمان روز هفتم اردیبهشت پس از هشت ماه بازداشت به دادگاه منتقل شد اما به دلیل عدم حضور وکیلش حاضر به شرکت در جلسه دادگاه نشد.

دو معلم به نام های فرزند کمانگر و عبدالرضا قنبری نیز به اعدام محکوم شده اند.

از شهرستانها نیز خبر می رسد که معلمان تحت فشارهای فزاینده قرار گرفته اند. طی روزهای اخیر چهار معلم در شهر همدان پس از احضار بازداشت شده اند. جلال نادری، علی نجفی، محمد خانی و سعید جهان آرا طی تماس تلفنی به دادگاه دعوت شدند اما پس از مراجعه بازداشت شده اند.

همچنین دادگاه جزایی کرمانشاه دو تن از اعضای شورای مرکزی کانون صنفی معلمان استان کرمانشاه را به پرداخت یک میلیون ریال جزای نقدی و یک میلیون ریال جزای نقدی بدل از شلاق محکوم کرده است. اتهامات این دو تن، اخلال در نظم سیستم آموزش و پرورش از طریق برگزاری تجمعات غیرقانونی و تعطیلی بیش از 29 مدرسه اعلام شده است.

همچنین خبرگزاری هرانا گزارش داده سایت کانون صنفی معلمان، سخن معلم و بسیاری از وبلاگ های معلمان طی روزهای اخیر فیلتر شده است.

این فشارها در حالی اعمال می شود که شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان اعلام کرده که در اعتراض به صدور احکام سنگین حبس و اعدام برای معلمان زندانی از 12 تا 18 اردیبهشت دست به اعتصاب غذا می زنند.

این شورا همچنین از معلمان خواسته تا در روز 12 اردیبهشت در تهران بر سر مزار ابوالحسن خانعلی معلم کشته شده در حکومت پهلوی در گورستان ابن بابویه و در قم بر سر مزار مرتضی مطهری حاضر شوند.

میترا شجاعی
تحریریه: رضا نیکجو

اعتراض اتوبوس رانی تهران و حومه

روز پنجشنبه 9 اردیبهشت ماه اتوبوسهای تند رو شرکت اتوبوس رانی تهران معروف به بی. آر. تی در اعتراض به ادامه تعلیق یکی از همکارانشان از ساعت 09:00 صبح تا بعد از ظهر اقدام به روشن کردن چراغ اتوبوسهای خود نمودند. آقای عبدالله حسینی که با 18 سال سابقه کار در شرکت اتوبوسرانی تهران، کار او از 7.5 ماه پیش به تعلیق در آمده بود. او در طی این مدت بدون حقوق و مزایا در شرایط سخت مالی بسر می برد و این مسئله باعث ایجاد مشکلاتی مالی زیادی در خانواده شده بود.

آقای حسینی در طی این مدت علیه حکم سرکوبگرانه تعلیق شکایت کرد و پس از 7.5 ماه تلاش اداره کار رای به بازگشت بکار او داد. او هنگامی که صبح امروز در محل کارش در سامانه 1 اتوبوس رانی تهران حاضر شده بود توسط سعید نیسانی سرپرست این سامانه علیرغم داشتن حکم بازگشت به کار از ادامه کار او ممانعت کرد. اداره کار همچنین در رای مزبور شرکت اتوبوس رانی تهران را موظف به پرداخت تمامی حقوق و مزایای 7.5 ماه اخیر او نموده بود.

آقای حسینی از اعضاء و فعالین سندیکائی شرکت واحد تهران می باشد و یکی از دلایل اخراج او از کار به این دلیل بوده است.

پیش از این خانم فرحناز شیری از اولین بانوان راننده در شرکت اتوبوس رانی تهران که در بدو اشتغال با بهره گیری گسترده تبلیغاتی همراه بود از اسفند ماه گذشته از کار خود تعلیق شده است و علیرغم پیگیریهای مستمر ولی تاکنون از بازگشت به کار او خوداری می کنند.

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، موج گسترده اخراج کارگران که در موارد متعدد به خاطر فعالیتهای سندیکایی و دفاع از حقوق خود و کارگران صورت می گیرد را محکوم می کند و از سازمان جهانی کار و کمیسر عالی حقوق بشر خواستار اقدامات عملی برای پایان دادن به سرکوب کارگران در ایران است

تشکل های کارگری؛ ویتربنی برای وزارت کار دولت ها

محمد نوروزی:

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 9 اردیبهشت 89 آمده است: می گویند بعد از قانون اساسی هر کشور، این قانون کار است که از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است، قانونی که نحوه تعامل کارگر و کارفرما را تعیین می کند. البته در اهمیت قانون کار جمهوری اسلامی ایران همین بس که بعد از تدوین این قانون از سوی مجلس سوم شورای اسلامی و ارسال آن به شورای نگهبان وقت و چندین بار رد و بدل شدن این قانون بین مجلس و شورای نگهبان و عدم توافق بر سر مفاد آن، حضرت امام خمینی (ره) دستور تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام را دادند و به دنبال این دستور بود که قانون کار مورد تایید مجمع قرار گرفت؛ قانونی که موجبات امید کارگران به آینده و به تبع آن تشکیل نهادهای کارگری پس از سال 1357 را فراهم آورد.

در ماده 131 قانون کار تصریح شده که در اجرای اصل 26 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور حفظ حقوق و منافع مشروع و قانونی و بهبود وضع اقتصادی کارگران و کارفرمایان که خود متضمن حفظ منافع جامعه است، کارگران مشمول قانون کار و کارفرمایان یک حرفه و یا صنعت می توانند مبادرت به تشکیل انجمن های صنفی کنند. البته به موجب تبصره 4 ماده 131 قانون کار، کارگران یک واحد فقط می توانند یکی از 3 مورد شورای اسلامی کار، انجمن صنفی یا نماینده کارگران را داشته باشند.

فارغ از این بندهای قانون باید گفت که تشکل های کارگری در کشور ما هنوز به بلوغ نرسیده اند و دوران خوبی را نمی گذرانند، اما در این میان وزارت کار و امور اجتماعی نظر دیگری دارد و با افتخار از افزایش تعداد تشکلات کارگری در کشور یاد می کند.

«تعداد تشکل های کارگری در سال 87 نسبت به سال 83 بالغ بر 234 درصد رشد داشته است. این رقم در حوزه تشکل های کارفرمایی در همان مدت 36 درصد رشد را نشان می دهد، به عبارت دیگر مجموعه نهادهای کارگری و کارفرمایی در سال 83 معادل 2 هزار و 698 مورد بوده است که در سال 87 به 6 هزار و 662 مورد افزایش یافته است». این را سایت رسمی وزارت کار و امور اجتماعی می نویسد. هر خواننده ای در نگاه اول از افزایش 234 درصدی تعداد نهادهای کارگری شگفت زده می شود که البته در جای خود عملی درخور است، اما اگر همگان ندانند لافل فعالان کارگری و کسانی که دستی در حوزه صنعت و کار دارند، می دانند که صرف افزایش تعداد تشکل های کارگری نمی تواند ملاک و میزان خوبی برای سنجش کارایی و خروجی این تشکل ها محسوب شود، چرا که صرف نظر از این که مشکل اصلی کارگران معیشت آنها است که آن هم به مشکلات اقتصادی کشور و عدم تعادل در عرضه و تقاضای نیروی کار مربوط می شود، باید گفت تشکل کارگری که نتواند بر سر مسایل و مطالبات جامعه کارگری از قدرت چانه زنی و دفاع از منافع کارگران برخوردار باشد، تشکلی ویتربنی است که فقط می توان پز آن را در آینه آمار و ارقام دید.

این سخنان البته به معنی زیر سوال بردن دولت و شخص خاصی نیست، چرا که معضل تشکل های کارگری کشور مربوط به این دولت و آن دولت نیست و هیچ یک از دولت های سازندگی، اصلاحات و مهرورز نتوانسته اند آن گونه که باید برای رفع معضل اساسی کارگران قدم بردارند تا به تبع آن تشکل های کارگری بتوانند در دفاع از منافع کارگران سنگ تمام بگذارند.

البته برخی دیگر از فعالان کارگری معتقدند که تشکل های کارگری موجود و در راس آنها شوراهای اسلامی کار، اصولاً نهادی صد درصد کارگری نیستند و استنادشان هم به وجود نماینده کارفرما در شوراهای اسلامی کار است. این دسته از فعالان کارگری می گویند در همین شرایط بد اقتصادی هم اگر کارگران تشکلی مستقل و کاملاً صنفی داشته باشند، می توانند به بخش عمده ای از مطالبات خود دست پیدا کنند. این عده تمرکز مسوولان وزارت کار به تشکیل کانون های عالی کارگری را موضوعی درجه دوم می دانند و می گویند: مگر با تشکیل کانون عالی شوراهای اسلامی کار در دولت سازندگی و مجمع عالی نمایندگان کارگر در دولت مهرورز، کارگران چه خیری دیده اند که مسوولان ارشد وزارت کار این قدر دنبال این گونه مسائل هستند. برخی از این فعالان انگشت خود را به سوی انجمن های صنفی نشانه می روند و این نهاد کارگری را تشکلی مستقل تر از سایر نهادهای کارگری می دانند.

این همه در حالی است که نگاهی به قانون کار و مقاله نامه های سازمان جهانی کار تا حدود زیادی این مدعا را موجه می داند، چرا که دست دولت ها در کنترل تشکل های کارگری کشور باز است و صد البته این کنترل در شوراهای اسلامی کار بیشتر است و ادارات کار نوعی گزینش در انتخاب نمایندگان کارگری دارند که این مهم برخلاف مقاله نامه های سازمان جهانی کار و اقدامی برخلاف استقلال تشکلات کارگری است.

پایان پیام

۶۷ کارگر کارخانه فارسیت دورود بر اثر ابتلا به سرطان آریستود جان باخته اند

سایت اشتراک در تاریخ 9 اردیبهشت نوشت: تاکنون بیش از ۶۷ نفر از کارگران کارخانه فارسیت دورود در اثر ابتلا به سرطان آریستود جان باخته اند. اعتراضات پی در پی شهروندان دورودی از وضعیت آلودگی کارخانه های سیمان و فارسیت این شهر و وجود معضلات و سهل انگاری های متعدد در کارخانه فارسیت و آلودگی های زیست

محیطی و آسیبهای جانی کارگران این کارخانه، گزارشی است که در ادامه از زبان مردم، کارگران، مسئولین و ... می آید.

منبع: هفته نامه تبلور اندیشه

با تشکر از خانم آذر سالاروند مدیر مسئول این نشریه که گزارش زیر را برای لرنا ارسال نمودند به گفته تعدادی از کارگران کارخانه فارسیت دورود، با استناد به مدارک پزشکی قانونی تاکنون بیش از ۶۷ نفر از کارگران این کارخانه در اثر ابتلا به سرطان آریستود جان باخته اند.

اعتراضات پی در پی شهروندان دورودی از وضعیت آلودگی کارخانه های سیمان و فارسیت این شهر و وجود معضلات و سهل انگاریهای متعدد در کارخانه فارسیت و آلودگیهای زیست محیطی و آسیبهای جانی کارگران این کارخانه، گزارشی است که در ادامه از زبان مردم، کارگران، مسئولین و ... می آید.

فرزند یک قربانی کارخانه فارسیت:

تاکنون ۶۷ نفر از بازنشتگان فارسیت به سرطان آریستود مبتلا وفوت کرده اند سالاروند که فرزند شفیق سالاروند، کارگر بازنشسته کارخانه فارسیت دورود واز جمله قربانیان این کارخانه است در گفتگو با خبرنگار تبلور اندیشه با اشاره به حوادث رخ داده برای پدرش گفت: پدرم از سال ۵۳ فعالیت خود را در کارخانه فارسیت آغاز کرد و سال ۷۱ نیز بازنشسته شدند. در تیرماه ۷۶ بدلیل تنگی نفس به بیمارستان مراجعه کردند. حدود یکسال از تنگی نفس رنج میبردند. چهره و پوست صورتشان کبود شده بود و حال خوبی نداشتند.

وی افزود: دکتر گیلکی در دورود علت بیماری را آب آوردن ریه تشخیص داده بودند. پدرم را به تهران منتقل و در بیمارستان امام خمینی (ره) بستری کردیم. پس از نمونه برداری از آب ریه نتیجه سرطان ریه را نشان داد. سه بار در آزمایشگاه پاتوبیولوژی مورد تست قرار گرفت و هر سه بار سرطان آریستود مورد تایید قرار گرفت. پرونده بیماری پدرم را به ۱۴ فوق تخصص در داخل و خارج از کشور نشان دادم حتی برای پزشک ایرانی مقیم آمریکا که توانسته بود ریه گوساله را به ریه انسان پیوند بزند فرستادم. اما همه قطع امید کرده بودند.

سالاروند ادامه داد: پزشکان تصمیم به جراحی گرفتند، هر چند از بهبودی قطع امید کرده بودند و به ما اعلام کرده بودند در صورت جراحی نیز تنها یکسال زنده خواهند بود. جراحی روی پدرم انجام شد ولی بدلیل اینکه ریه کاملا سرطانی شده و عدد لنفاوی نیز درگیر شده بودند نتیجه ای بدنبال نداشت و پس از مدتی کوتاه ریه سمت راست نیز دچار مشکل شد و پس از ۹ جلسه شیمی درمانی پدرم در گذشتند.

وی با اعلام اینکه کلیه مدارک و مستندات لازم از بیمارستان، پزشکان معالج، پزشکی قانونی و... در خصوص بیماری پدرم موجود است گفت: مقالاتی از کشورهای مختلف به دست من رسیده که نشان می دهد آریست تا ۳۵ سال می تواند در بدن نهفته بماند و تا شعاع ۵ کیلومتری کارخانه را تحت تاثیر قرار دهد. پس احتمال اینکه افراد بیشتری حتی از شهروندان دورودی به این بیماری مبتلا باشند وجود دارد.

وی در پاسخ به صحت مدعایش به چند مورد اتفاق افتاده از کارگران بازنشسته، افراد ساکن حوالی کارخانه و همسران برخی از کارگران اشاره میکند که در اثر ابتلا به سرطان ریه در گذشته اند. سالاروند تاکید کرد: بدلیل مشکلی که برای خانواده خودم پیش آمد این موضوع را سالهاست که پیگیری میکنم و تاکنون اسامی ۶۷ نفر را که به سرطان ریه از نوع آریستود مبتلا شده اند یادداشت کرده ام.

برادر یک قربانی:

تا چند سال گذشته به هیچ وجه مسائل ایمنی رعایت نمیشد

همچنین در این رابطه غلامرضا لک نیز که برادرش را در این راه از دست داده است گفت: برادرم حسن ۳۰ سال در کارخانه فعالیت کرد که بدلیل آلوده شدن به مواد سرطانی آریست در سن ۵۲ سالگی درگذشتند. وی افزود: تاییدیه های پزشکی وی موجود است و دادگاه بر اساس آنها ۲۶ میلیون تومان در سال ۸۶ به خانواده اش پرداخت کرد.

لک که خود نیز ۲۰ سال در کارخانه فعالیت داشته است می گوید: تا چند سال گذشته به هیچ وجه مسائل ایمنی رعایت نمیشد. الان نمی دانم در چه وضعیتی است.

وی تصریح کرد: اغلب افرادی که در کارخانه یا در اطراف آن بودند دچار بیماریهای ریوی و تنفسی بودند. لک در خصوص وضعیت جسمی خود گفت: تا بحال مشکلی نداشته ام شاید بخاطر اینست که روزانه ورزش میکنم.

وی افزود: انسانها در مقابله با بیماریها شبیه هم نیستند چرا برخی افراد ۶ ماهه دوام نیاوردند وفوت کردند برخیها نیز سالها با مشکا دست و پنجه نرم میکنند.

یک کارگراخراچ شده کارخانه فارسیت دورود:

بدلیل روابط خاص، هر اقدامی در جهت احقاق حق کارگران از ابتدا محکوم به شکست است علی- گ با انتقاد شدید از وضعیت کارخانه فارسیت اظهار داشت: متأسفانه وجود دو کارخانه سیمان و فارسیت

در شهر دورود باعث ایجاد مشکلات و آلودگیهای زیاد شده و بی توجهی و سهل انگاری مدیران این کارخانجات طی سالهای گذشته نیز به این مشکلات افزوده است .
وی گفت : در کارخانه فارسیت به هیچ وجه به مسائل بهداشتی و ایمنی کارگران، مسائل زیست محیطی و حق و حقوق کارگران توجهی نمی شود و همواره آلودگی های حاصل از آن تاثیرات منفی را در چهره شهر ایجاد کرده است.

وی استفاده از مواد سمی آزبست، حمل این مواد توسط کارگران، رها سازی فاضلاب حاوی این مواد به رودخانه ماربره، ندادن ماسک و سایر امکانات ایمنی و بهداشتی به کارگران، وجود شرکتهای پیمانکاری در کارخانه و نادیده شمردن حقوق و مزایای کارگران توسط این شرکتهای، تهدید کارگران به عدم اعتراض در خصوص وضعیت خود و کارخانه و... را از مهم ترین مشکلات موجود در کارخانه فارسیت دورود در سال ۸۶ بیان کرد.

این کارگرکارخانه فارسیت در ادامه با اشاره به مشکلات زیست محیطی این کارخانه افزود: علی رغم پیشرفت علوم در بخشهای مختلف متاسفانه این کارخانه از زمان تاسیس آن در سال ۴۷ تا کنون از مواد سمی آزبست در چرخه تولید استفاده می کند و مدیران شرکت هیچگونه توجهی به آلودگی و اثرات منفی این مواد نداشته اند.

وی یادآور شد: بر اساس آمار موجود تا کنون تعداد ۵۲ نفر از کارگران و بازنشستگان این کارخانه در اثر ابتلا به سرطان آزبست فوت کرده اند و قریب ۳۰ نفر نیز دچار مشکلات تنفسی و ریوی هستند.
وی اذعان داشت: متاسفانه مدیریتهای قبلی این کارخانه و شرکتهای پیمانکاری آن اقدام به گرفتن امضاء و تعهد از کارگر ان داشته اند و پس از بوجود آمدن اینگونه مسائل و تبعات آن کارخانه از هر گونه مسئولیتی در قبال کارگران سر باز می زده است.

علی- گ متذکر شد: کمی یا بینتر از محل رها سازی فاضلاب آزبست در رودخانه مکان تفریح و شنا کردند تعداد زیادی از کودکان و جوانان دورودی است و بر سر راه این رودخانه نیز روستاهای زیادی وجود دارد که در معرض آلودگی این مواد قرار دارند .

این کارگر کارخانه فارسیت دورود در ادامه تصریح کرد: کارگران این کارخانه در سالهای گذشته بدلیل اینکه تماس مستقیم با مواد آزبست داشته اند و عدم استفاده از امکاناتی از قبیل حمام، ماسک، لباسهای مخصوص و... با بدن و لباسهای آلوده به آزبست وارد شهر و منزل خود می شده و دیگران را نیز در خطر آلودگی به این مواد قرار داده اند.

وی خاطر نشان کرد: در قراردادی که پیمانکار با کارگر امضاء می کند کلیه حق و حقوق کارگران ذکر شده است ولی در حین انجام کار از عمل به مفاد این قرارداد خودداری می شود.
وی یادآور شد: ضرورت دارد دادستان شهرستان دورود بعنوان نماینده مدعی العموم با اعزام نمایندگان خود به کارخانه مسائل و مشکلات را بررسی کند و هنگام عقد قرارداد کارگران با پیمانکاران نماینده ایی از دادستان در کمیسیون معاملات حضور داشته باشد.

وی با انتقاد شدید از عملکرد دستگاهها در شهر دورود متذکر شد: هر اقدامی در جهت احقاق حق یا پیگیری مشکلات کارخانه از ابتدا محکوم به شکست است زیرا همواره ارتباطی بین مدیران کارخانه با مسئولین برخی دستگاهها وجود دارد.

وی گفت : نظر مردم شهر دورود اینست که کارخانه فارسیت شهر را آلوده کرده است و هیچگونه کار عام المنفعه ایی نیز انجام نداده است و اکثر مدیران و کارگران آن نیز غیر بومی هستند.
این شهروند دورودی عنوان داشت: سود این کارخانه به دفتر مرکزی آن در تهران می رود و تنها مشکلاتش نصیب دورود شده است.

وی گفت: شعاری را که این کارخانه باعث اشتغال در شهر دورود شده است، کذب محض است چرا که اکثر کارگران ناراضیند و همه به نوعی با بیماریهای ناشی از آزبست دست و پنجه نرم می کنند و از حداقل حقوق و مزایا برخوردارند.

ع- س، کارگر کارخانه فارسیت دورود:

کارگران کارخانه فارسیت در واقع بهای خونشان را هر ماه دریافت می کنند
ع- س، کارگر کارخانه فارسیت دورود نیز با تأیید موارد ذکر شده وبا اعلام مطلب فوق افزود: محیط کارخانه فارسیت آلوده است و همواره طی سالهای گذشته و تا کنون شاهد مرگ تعداد زیادی از بازنشستگان این کارخانه در اثر سرطان آزبست بوده ایم.

علی سعیدی اضافه کرد: تعداد زیادی از کارگران این کارخانه بیمار هستند و دارو مصرف می کنند و هر ماهه شاهد بستری شدن چند نفر از آنها در بیمارستانهای استانهای همجوار یا تهران هستیم.

وی افزود: کارگران این کارخانه حقوق نمی گیرند بلکه بهای خون و جانشان را هر ماهه دریافت می کنند. وی یادآور شد: بدلیل بالا بودن آمار بیکاری و نبود کار در شهر مجبور به کار در این کارخانه و تن دادن به شرایط نامناسب کاری و حقوقی هستیم.

این کارگر جوان کارخانه فارسیت اظهار داشت: کارگران هیچ وقت به حق و حقوق خود نرسیده اند و همواره حقوق آنها توسط شرکتهای پیمانکاری نادیده گرفته می شود و پیمانکاران یک نوع بهره کشی را از کارگران انجام می دهند.

وی خطاب به مسئولین خصوصاً وزیر کار و امور اجتماعی افزود: مسئولین تنها چند لحظه به وضعیت کارگران کارخانه فارسیت فکر کنند که آیا با این میزان حقوق کم و آلودگی زیاد چطور می توان از پس هزینه های سرسام آور زندگی برآمد.

وی یادآور شد: علیرغم اینکه چند واحد صنعتی در دورود وجود دارد ولی تنها، آلودگی این واحدها نصیب این شهر شده است و بدلیل غیر بومی بودن نیر وهای کاری این واحدها، اکثر جوانان دورود بیکار هستند.

ع- س از مسئولین کشوری و استانی خواستار رسیدگی به وضعیت کارخانه فارسیت و وضعیت اشتغال کارگران آن شد.

یک کارگر بازنشسته کارخانه فارسیت دورود:

اکثر کارگران هم دوره ای ام مبتلا به بیماریهای ناشی از آزیبست هستند

غلامعباس آسترکی با انتقاد شدید از بی توجهی مسئولین به وضعیت کارخانه سیمان اظهار داشت: استفاده از مواد آزیبست بدلیل خطرناک بودن آن از طرف اکثر کشورها و قانون بین المللی نفی شده است ولی متاسفانه شاهد نه تنها شاهد وجود این مواد در کارخانه بلکه شاهد حمل آن توسط کارگران بوسیله دست هستیم.

وی که از سال ۴۸ تا ۷۲ در قسمتهای مختلف کارخانه فارسیت مشغول به کار بوده یادآور شد: اکثر کارگران هم دوره ای ام مبتلا به بیماریهای ناشی از آزیبست هستند و همواره شاهد بستری شدن آنها در بیمارستان بقیه الله تهران هستیم.

این کارگر بازنشسته کارخانه فارسیت در ادامه تاکید کرد: تا کنون بیش از ۴۵ نفر از کارگران این کارخانه در اثر ابتلا به سرطان آزیبست فوت کرده اند که کارخانه بدلیل جلوگیری از انتقادات آنان اقدام به اشتغال فرزندان آنها در کارخانه کرده است.

وی افزود: معتقدم کلیه افرادی که در کارخانه فارسیت مشغول بکار هستند بیمارند. غلامعباس آسترکی اظهار داشت: هر چند فعالیت برخی کارگران این کارخانه جزو مشاغل سخت و زیان آور است ولی متاسفانه حقوق و مزایای آنها چه در حین کار و چه پس از بازنشستگی بر اساس آن برآورد نمی شود.

وی عدم پرداخت سنوات خدمت، حق مسکن، حق اولاد، پرداخت حداقل حق بیمه، ندادن سهمیه شیر و بن کارگری به کارگران، یک ماهه بودن مدت قرارداد کارگران، پرداخت حداقل دستمزد کار و... را از مهم ترین مشکلات کارگران این کارخانه بیان کرد.

همچنین احمد یاراحمدی، یک کارگر بازنشسته کارخانه فارسیت در این رابطه گفت: مواد آزیبست توسط کامیون با بسته بندی های مطابق با استانداردهای بین المللی وارد شهر می شوند ولی متاسفانه این مواد در محل محوطه کارخانه فارسیت ریخته می شوند و توسط کارگران به قسمتهای تولیدی کارخانه انتقال می یابند.

وی گفت: فاضلاب این مواد از طریق دو آب رو از مقابل کارخانه دفع می شوند که تنها یکی از آنها به استخرها ریخته می شود و دیگری مستقیم در رودخانه رها می شود.

وی افزود: در زمان اشتغال بکار، عضو شورای کارگران کارخانه فارسیت بوده ام و بارها مکاتباتی را با دستگاههای مختلف جهت رسیدگی به این مشکلات داشته ایم ولی متاسفانه هیچگاه این معضلات پیگیری نشد.

همچنین یک شهروند دورودی نیز با اشاره به آلودگیهای زیست محیطی در شهر دورود یادآور شد:

متاسفانه پس از گذشت سالها از وجود کارخانه سیمان و فارسیت در شهر دورود نه تنها شهر پیشرفتی نداشته است بلکه هر ساله چهره شهر نیز آلوده تر می شود.

وی متذکر شد؛ اگر از چند کیلومتری اطراف شهر به دورود نگاه شود متأسفانه جز هاله ایی از دود و آلودگی چیز دیگری دیده نمی شود.

وی گفت: رودخانه در هر شهری مکانی جهت تفریح و زیبایی شهر است در صورتی که در شهر دورود بدلیل ریخته شدن فاضلاب واحدهای صنعتی به مکانی بدبو، بدرنگ و کثیف تبدیل شده است. این شهروند دورودی عنوان داشت: علیرغم ادعاهایی که مسئولین کارخانه مینی بر خرید و نصب فیلتر در این واحدها می کنند، ولی نه تنها شاهد کاهش آلودگی نیستیم بلکه در ساعات شب و اوایل صبح شاهد اوج آلودگی در شهر توسط این دو کارخانه هستیم.

وی تأکید کرد: امید می رود این انتقادات به گوش مسئولین برسد و آنها نیز در مقابل این مسئله بی تفاوت نباشند.

همچنین در این رابطه فرماندار دورود با اشاره به آلودگی دو کارخانه سیمان و فارسیت گفت: این دو کارخانه بیش از ۵۰ سال قدمت دارند و تاکنون خسارتهای زیادی را در آلودگی محیط، سلامت کارکنان و شهروندان و... از خود بجای گذاشته اند.

رشنو افزود: با دغدغه هایی که مسئولین شهر تاکنون داشته اند وضعیت آلودگی این دو کارخانه تا حدودی بهتر شده ولی همچنان نیاز است که مدیران این واحدها توجه جدی تری را داشته باشند. وی یاد آور شد: شهر دورود بدلیل کوهستانی بودن و محصور بودن در بین چند کوه در صورت وجود آلودگی وضعیت بدتری را پیدا میکند و اگر طبق مصوبه سفر دوم هیات دولت این دو واحد به خارج از شهر منتقل شوند قطعاً در آینده گردشگری شهر تأثیر گذار خواهد بود. رشنو افزود: کارخانه فارسیت دورود در حال حاضر با مشکل بازاریابی بدلیل وارد شدن لوله های جی آر پی با قیمت ارزانتر در بازار مواجه است و به حالت نیمه تعطیل درآمده است و جهت برون رفت از این مشکل در ساختمان جدید این طرح در کیلومتر ۱۴ محور دورود - خرم آباد قصد تغییر وضعیت تولید خود را دارد که این طرح با پیشرفت خوبی در حال انجام است.

مسئول بهداشت محیط دورود:

تا آمار ۵۰ مبتلا به سرطان را شنیده ام

مسئول بهداشت محیط دورود نیز با اشاره آلودگی شهر دورود گفت: دورود بدون شک از آلوده ترین شهرهای کشور است که وجود واحدهای صنعتی در مرکز آن و بی توجهی مدیران این واحدها به رفع آلودگی باعث بوجود آمدن چهره ای نامطلوب در شهر شده است.

شیرویه اظهار داشت: بیان خسارتهایی که در اثر آلودگی به شهر دورود وارد شده است مستلزم شاهنامه ای است که در این مجال نمی گنجد و دستگاههای مسئول باید به وظائف خود در قبال شهر بیشتر توجه کنند.

وی در ادامه در پاسخ به این سوال که چرا مسئولین در قبال ۵۲ کارگر کارخانه فارسیت که در اثر ابتلا به سرطان آریست درگذشته اند بی تفاوت هستند گفت: تا آمار ۵۰ نفر را شنیده ام ولی ۵۲ نفر را از زبان شما میشنوم. ولی در هر صورت مقابله با اینگونه موارد نیازمند همکاری جمعی و بین دستگاهی است. شیرویه تصریح کرد: با دغدغه هایی که شخص خودم طی سالهای گذشته تاکنون داشته ام مشکل آلودگی کارخانه فارسیت کاهش یافته است.

وی اضافه کرد: با این اقدامات اگر بطور مثال تاکنون ظرف ۵۰ سال گذشته ۵۰ نفر فوت کرده اند در ۳۰ سال آینده ممکن است تنها ۱۰ نفر به این بلا دچار شوند.

مسئول بهداشت محیط دورود در ادامه حصارکشی حوضچه های ترسیب، نصب فیلترهای کیسه ای، کاهش استفاده از مواد سمی آریست، ساماندهی ضایعات فارسیت، سرپوش گذاری کانالهای انتقال فاضلاب و... را از اقدامات انجام شده در جهت کاهش آلودگی کارخانه فارسیت برشمرد و گفت: این اقدامات کافی نیست و باید همت بیشتری از طرف کلیه دستگاهها وجود داشته باشد. وی در ادامه متذکر شد: مکانی که فاضلابهای فارسیت طی سالهای گذشته در آن ریخته می شده شاید سالها زمان ببرد تا مشکلات زیست محیطی آن رفع گردد.

رئیس اداره محیط زیست دورود:

احتمال وارد شدن آریست به رودخانه وجود دارد

همچنین در این رابطه قائدرحمتی، رئیس اداره محیط زیست دورود نیز اظهار داشت: چند سالی است که استفاده از آزیست از چرخه تولید اغلب کشورهای جهان کنار گذاشته شده است. در صورتی که در کارخانه فارسیت دورود همچنان از این مواد سمی استفاده می شود.

وی عنوان داشت: مسئولین کشوری باید جلوی واردات این مواد را بگیرند تا شاهد اینگونه اتفاقاتی نباشیم. قائدرحمتی تصریح کرد: از موادی که از طریق کارخانه فارسیت به رودخانه ریخته می شوند چندین بار نمونه برداری شده که آزمایشات مشکل خاصی را نشان نداده اند.

وی تاکید کرد: احتمال ریخته شدن آزیست در رودخانه همواره وجود دارد و تست این موضوع بدلیل موجود نبودن تجهیزات آزمایشگاهی در استان برای ما امکانپذیر نیست.

وی گفت: در حال حاضر از آزیست کم خطر در کارخانه استفاده میشود .

وی ادامه داد: در سالهای گذشته این کارخانه فاقد انبار، هواکش، حوضچه ترسیب، اسیدزنی، سیستم تهویه، حصارکشی و... بوده است ولی با پیگیریهای صورت گرفته این اقدامات انجام شده است.

وی عنوان داشت: پرونده کارخانه فارسیت در دادگستری همچنان مفتوح است .

شهردار دورود: متأسفیم که توجیه جان انسانها، اشتغال شده است

شهردار دورود نیز در این رابطه گفت: در دنیای امروز جای بسی تأسف است که بخاطر مسائل زیست محیطی جان انسانها در خطر می افتد و توجیه این موضوع اشتغال شده است.

منوچهر حاجیوند اضافه کرد: بعنوان شهردار دورود نسبت به این موضوع انتقاد دارم و خواستار توجه جدی تر مسئولین ذیربط هستیم.

وی عنوان داشت: در حال حاضر بحث استفاده از آزیست در هیچ جای دنیا مطرح نیست و هر چه سریعتر باید این کارخانه به خارج از شهر منتقل شود.

موافقت نکردن با ورود خبرنگار تیلور اندیشه به درون کارخانه

لازم به ذکر است علیرغم پیگیریهای متعدد از شبکه بهداشت دورود و کارخانه فارسیت موفق به کسب اطلاعات بیشتر در این خصوص و ورود به کارخانه نشدیم. پس از پیگیری جهت مصاحبه با مدیرعامل کارخانه، مسئول دفتر وی گفت: مدیر عامل در ماه تنها یک روز در استان حضور می یابند.

پس از سماجت ما مبنی بر پاسخگویی مسئولین کارخانه در قبال مسائل موجود، قرار بر این شد با مدیر داخلی صحتهایی را داشته باشیم که علی رغم حضور در محل کارخانه با این مسئله که وی در غیاب مدیرعامل هیچ صحبتی نخواهد داشت روبرو شدیم که حتی اجازه ورود نیز به ما ندادند.

عدم پاسخگویی مدیر شبکه بهداشت دورود

با وجود دغدغه این هفته نامه در بررسی این مشکل حاد در شهر دورود متأسفانه با برخورد نامناسب سعدی سالاروند، مدیر شبکه بهداشت این شهر در پاسخگویی به مشکلات موجود مواجه شدیم که علی رغم حضور در این اداره و انجام نامه نگاری واز این اتاق به آن اتاق رفتن وگاهی نیز ساعتها پشت درهای بسته معطل شدن، در نهایت موفق به گرفتن حتی یک خط صحبت یا انتقاد بر علیه مسائل پیش آمده توسط این مدیر وسایر کارکنان آن نشدیم که ما را از وجود اینطور مدیران بی تفاوت در استانمان مایوس کرد. امید می رود مسئولین بر مسندی که به حرمت خدمت رسانی به مردم خصوصا مردم ولایت مدار لرستان و شهرستان دورود بر آن تکیه زده اند بیشتر به فکر فرو رفته ووظیفه خود را جدی تر بگیرند .

اعتراض کارگران در مراسم دولتی هفته کارگر

کارگران شرکت کننده در اولین روز مراسم گرامی داشت هفته کارگر به پیامدهای سیاست های اقتصادی رژیم، از جمله افزایش واردات و رشد بیکاری اعتراض کردند. به گزارش خبرگزاری حکومتی ایلنا، کارگران پارچه‌نوشته‌هایی با موضوعات صنفی کارگری در دست داشتند که به درخواست برای بیمه اجباری کارگران ساختمانی، اعتراض به اصلاح قانون کار و تعطیلی کارخانه‌ها اختصاص داشت. براساس این گزارش، اعتراض به واردات و قاچاق گسترده کالاهای خارجی، رشد بیکاری و پایین بودن دستمزدها و مستمری‌ها از دیگر موضوعاتی بود که در پارچه‌نوشته‌های کارگران حاضر در مراسم نخستین روز هفته کارگر نوشته شده بود. گفتنی است، این مراسم از سوی خانه کارگر برگزار شده بود.

روز کارگر – تظاهرات شبانه با شعار مرگ بر خامنه ای

تهران – 10 اردیبهشت – مردم تهران ، با قیام شبانه خود به پیشواز قیامی بزرگی که چند ساعت پیشتر تا شروع آن نمانده رفتند . طنین بانگ الله اکبر و مرگ بر خامنه ای از تهران نو در شرق ، تا میدان توپخانه در شلوغترین منطقه مرکزی تهران تا شهرک اکباتان در غرب ، آسمان تهران را به لرزه در آورده است

روز کارگر – درگیری و تظاهرات در میدان فردوسی تهران

تهران – 10 اردیبهشت – در ساعت 1830 روز جمعه در میدان فردوسی ، مردم گله های مزدوران گارد ویژه و انتظامی را که در وحشت از قیام بزرگ روز کارگر به خیابانها ریخته اند را هو میکردند ، که همین امر موجب شروع يك درگیری دو طرفه میشود و مردم که هر لحظه بر تعدادشان افزوده میشود ، با شعار مرگ بر خامنه ای دست به تظاهرات در میدان فردوسی میزنند . به گزارش رسیده در ساعت 1845 جمعیتی حدود 700 نفر شعار میدادند و با مزدوران مشغول درگیری بودند .

تظاهرات شبانه بر فراز بامها در آستانه روز کارگر

تهران – 9 اردیبهشت – در آخرین شب جمعه قبل از روز کارگر مردم تهران در مناطق شرق و غرب و جنوبی

آن ، شعار های « مرگ بر خامنه ای » و « الله اکبر » را هر چه بلند تر از شبهای قبل ، سر دادند.

صدای مردم تهران از مناطق خوش و نواب و نازی آباد و جوادیه و اطراف شهر ری و اطراف حرم آسمان را فراگرفته و زمین را زیر پای ولی فقیه به لرزه در آورده بود . پنجشنبه ۲۹ آوریل ۲۰۱۰

تشدید اقدامات امنیتی و قطع ارتباطات در آستانه خیزش بزرگ روز کارگر

تهران – 9 اردیبهشت – به گزارش رسیده ، از بعد از ظهر روز پنجشنبه در تهران تلاش رژیم برای کنترل خشم و خیزش مردم کاملاً مشهود است ، منجمله

- سرعت اینترنت خیلی کم و غیر قابل استفاده شده است ، يك ساعت همه موبایل ها قطع شد .

- همچنین در مناطق مختلف تهران پستهای بازرسی تك تك خودروها و کنترل کارت ملي منجمله در خیابانهای مصدق و آزادی و دوراهی یوسف آباد جریان یافته است .

- در میدان فردوسی مزدوران انتظامی با دوماشین مستقر شده اند .

بانگ الله اکبر مردم تهران در شب جمعه قبل از روز کارگر

تهران – 9 اردیبهشت – ساعت 22 از اکثر مناطق تهران ، بانگ الله اکبر و خروش مرگ بر خامنه ای آسمان تهران را فرا گرفته است .

به گزارش رسیده ، در این ساعت مردم مناطق خوش ، توپخانه ، شهرک اکباتان ، یوسف آباد و تهران نو قیام همبستگی شبانه با کارگران را شروع کرده بودند.

اعتراض کارگران شرکت کشتی سازی و صنایع فراساحل بندرعباس

سایت آخرین نیوز در تاریخ 9 اردیبهشت نوشت : کارگران شرکت کشتی سازی و صنایع فراساحل بندرعباس به نبود امنیت شغلی و تصمیم مسئولان برای اخراج آنها از شرکت اعتراض کردند. یکی از مسئولان محلی استان هرمزگان با تأیید تجمع حدود 300 کارگر در مقابل ساختمان مدیریت شرکت کشتی سازی و صنایع فراساحل بندرعباس به آخرین نیوز گفت : مسئولان این شرکت تاکنون 30 نفر از کارگران را اخراج و از چند روز پیش کارت حضور و غیاب آنها را غیرفعال کردند . این شرکت 15 روز پیش هم 18 کارگر را اخراج کرد که 16 نفر آنان بومی بودند. به گفته وی مسئولان شرکت قصد دارند نیمی از نیروهای این شرکت را تعدیل کنند و از کارگران می خواهند که پس از اخراج با پیمانکاران قرارداد ببندند . مسئولان این شرکت به ازای هر کارگر ماهانه یک میلیون تومان به پیمانکاران پرداخت می کنند و پیمانکاران نیز با کسر 650 هزار تومان از این مبلغ، 350 هزار تومان به هر کارگر حقوق می دهند. این درحالی است که کارگران این شرکت می گویند ساخت 5 فروند کشتی در این

شرکت آغاز شده و علتی برای تعدیل نیرو وجود ندارد. یکی از مقامات ارشد استان هرمزگان هم هفته گذشته در نشست به موضوع اخراج کارگران یکی از شرکتها اشاره و اعلام کرده بود این شرکت حق تعدیل نیرو ندارد. کارگران معترض قرار است امروز پنجشنبه مقابل استانداری هرمزگان تحصن کنند. در اجتماع کارگران شرکت کشتی سازی بندرعباس در مقابل دفتر شرکت هیچ یک از مسئولان برای پاسخ گویی در جمع آنان حاضر نشده بودند.

اخراج تامل برانگیز کارگران در آستانه روز جهانی کارگر

به گزارش وبلاگ خبر نامه محرمانه در تاریخ 9 اردیبهشت 89 آمده است: کارگران شرکت کشتی سازی و صنایع فراساحل بندرعباس به نبود امنیت شغلی و تصمیم مسئولان برای اخراج آنها از شرکت اعتراض کردند. یکی از مسئولان محلی استان هرمزگان با تأیید تجمع حدود 300 کارگر در مقابل ساختمان مدیریت شرکت کشتی سازی و صنایع فراساحل بندرعباس به آخرین نیوز گفت: مسئولان این شرکت تاکنون 30 نفر از کارگران را اخراج و از چند روز پیش کارت حضور و غیاب آنها را غیرفعال کردند. این شرکت 15 روز پیش هم 18 کارگر را اخراج کرد که 16 نفر آنان بومی بودند.

به گفته وی مسئولان شرکت قصد دارند نیمی از نیروهای این شرکت را تعدیل کنند و از کارگران می خواهند که پس از اخراج با پیمانکاران قرارداد ببندند. مسئولان این شرکت به ازای هر کارگر ماهانه یک میلیون تومان به پیمانکاران پرداخت می کنند و پیمانکاران نیز با کسر 650 هزار تومان از این مبلغ، 350 هزار تومان به هر کارگر حقوق می دهند.

این درحالی است که کارگران این شرکت می گویند ساخت 5 فروند کشتی در این شرکت آغاز شده و علتی برای تعدیل نیرو وجود ندارد. یکی از مقامات ارشد استان هرمزگان هم هفته گذشته در نشست به موضوع اخراج کارگران یکی از شرکتها اشاره و اعلام کرده بود این شرکت حق تعدیل نیرو ندارد.

کارگران معترض قرار است امروز پنجشنبه مقابل استانداری هرمزگان تحصن کنند. در اجتماع کارگران شرکت کشتی سازی بندرعباس در مقابل دفتر شرکت هیچ یک از مسئولان برای پاسخ گویی در جمع آنان حاضر نشده بودند.

<http://www.biolojist.blogfa.com/post-385.aspx>

آلودگی آب سد ماملو و ایجاد خطرات زیست محیطی برای مناطق پایین دست شهر جدید پردیس

سایت ایرن در تاریخ 10 اردیبهشت نوشت: فقدان تصفیه خانه فاضلاب در شهر جدید پردیس علاوه بر ایجاد بوی نامطبوع در این شهر معضلات دیگری نظیر امکان آلودگی آب سد ماملو و ایجاد خطرات زیست محیطی برای مناطق پایین دست بخش مرکزی را نیز به وجود آورده است.

به گزارش مهر، بوی تعفن شدید ناشی از فقدان سامانه های تصفیه کننده فاضلاب، معضل فصول گرم شهر جدید پردیس و مناطق اطراف آن بخصوص واحدهای مسکونی حاشیه جاده منتهی به مناطق شمالی کشور است.

این بوی نامطبوع با افزایش گرمای هوا شدت بیشتری به خود می گیرد و گاه تا حدی غیرقابل تحمل می شود که حتی مسافران عبوری از این مسیر نیز رغبتی برای پایین آوردن شیشه اتومبیل نداشته و ترجیح می دهند گرمای داخل خودرو را تحمل کنند.

با نگاهی به وضعیت افراد در حال عبور، تصور آنکه خانوارهای واحدهای مسکونی نواحی حاشیه جاده این شهر جدید چه مشکلاتی را پیرامون این معضل تحمل می کنند نیز کار سهل و آسانی نمی تواند باشد.

تصفیه خانه آب یا لوله کشی فاضلاب، کدام مهمتر است بانوی خانه دار ساکن شهر پردیس در خصوص بوی بد تابستانهای شهر محل سکونت خود به خبرنگار مهر گفت: در فصل سرما خانواده ام کمتر از این بوی نامطبوع دچار مشکل هستند اما در تابستان گاه تحمل این معضل به امری ناممکن مبدل می شود.

وی ادامه داد: از ابتدای اسکان ما در این شهر حدود 10 سال می گذرد اما در طی این سالها مسئولان کاری برای رفع بوی تعفن از شهر پردیس انجام نداده و هرساله این کاستی گریبانگیر اهالی است.

یک جوان دانشجوی ساکن پردیس نیز با گلایه از فقدان شبکه فاضلاب شهری در این شهر گفت: در خیرها می شنویم که قرار است در شهر پردیس تصفیه خانه آب راه اندازی شود اما سوال اینجاست که وجود کدامیک ضروری تر است تصفیه خانه آب یا لوله کشی فاضلاب؟!

وی بیان داشت: من از مسئولین برای توجه ویژه به شهر پردیس سپاسگزارم اما آب شرب این شهر سالهاست که با سامانه های کنونی فعالیت کرده و مشکل خاصی نیز به وجود نیامده است به همین جهت شاید بهتر بود اعتبار اختصاصی به پروژه تصفیه خانه آب به لوله کشی فاضلاب تعلق می گرفت زیرا در صورت عدم مهار فاضلاب خود ممکن است مشکلاتی اساسی برای آب این منطقه ایجاد کند.

فاضلاب پردیس پشت سد ماملو

یکی از معضلاتی که فقدان تصفیه خانه و شبکه فاضلاب این شهر 100 هزار نفری بدان دامن می زند مسیر انتهایی آن در مناطق خارج از شمال شرق استان تهران است که شاید این مورد زبانی بیش از مشکلات مناطق مذکور یاد شده در بخش نخست این گزارش داشته باشد.

"ماملو" را همگان می شناسند این سازه بتنی پنجمین سد استان تهران و دومین سد ایجاد شده در مسیر رودخانه جاجرود است که منشا آب انباشته شده در پس آن، کوههای "میگون" و سرانجام این ماده حیاتی ذخیره شده در پشت سد، نوشیده شدن توسط شهروندان بخشی از تهران و شهرستان ورامین است. علاوه بر ساکنین مناطق شرقی و جنوبی پایتخت، آبادیهای پایین دست بخش مرکزی تهران که در مسیر رودخانه باغکمش و نزدیک به محل جریان فاضلاب قرار دارند نیز از این معضل زیست محیطی در امان نیستند. حال دیگر معضل فوق تنها مربوط به شهر پردیس، مناطق اطراف و شمال شرق استان تهران نیست و شاید هر یک از شهروندان این شهرک اقماری جدید با شنیدن خطر امکان آلودگی آب نوشیدنی هموطنان ساکن در جنوب تهران مشکل بوی تعفن را به فراموشی بسپارند. مکان احداث تصفیه خانه فقط جانمایی شده است

بخشدار بخش مرکزی تهران پیرامون فقدان تصفیه خانه فاضلاب در شهر پردیس به خبرنگار مهر گفت: در حال حاضر فاضلاب شهر جدید پردیس توسط لوله گذاریهایی پیش از احداث شهرک انجام می گیرد و نهایتاً به دو منطقه "کرشت" و "باغکمش" انتقال می یابد.

محسن مصلحی شاد از اختصاص بودجه ای به سامانه فاضلاب پردیس خبر داد و افزود: در سال جاری مقرر شده تا بودجه ای توسط شرکت آبفای شرق استان تهران جذب و در جهت تکمیل طرح انتقال فاضلاب پردیس و بومهن مورد استفاده قرار گیرد.

این مسئول ادامه داد: در بومهن فاضلاب جمع آوری شده توسط سامانه های انتقال و از طریق لوله گذاری به منطقه "کرده معبر" و فاضلاب پردیس نیز قرار است با اتصالات پیش بینی شده نهایتاً در "باغکمش" گردآوری شود که امکان یاد شده در آینده محل احداث تصفیه خانه های فاضلاب این دو شهر خواهند بود.

وی با بیان اینکه هنوز بودجه ای برای تصفیه خانه فاضلاب اختصاص داده نشده، خاطرنشان کرد: در حال حاضر محل احداث تصفیه خانه فاضلاب دو شهر پردیس و بومهن جانمایی شده اما بودجه ای به آنها اختصاص نیافته به همین جهت برنامه زمانبندی خاصی نمی توان برای این طرح تعیین کرد.

مصلحی شاد در خصوص مزایای ایجاد این سامانه تصفیه گر فاضلاب اظهار داشت: در صورت ایجاد این سامانه علاوه بر رفع بوی تعفن از شهر پردیس، خطر آلودگی آب سد ماملو و مشکلات زیست محیطی مناطق پایین دست بخش مرکزی تهران نیز رفع خواهد شد.

به هر روی اگر قرار بود تنها آلودگی زیست محیطی برخی مناطق بخش مرکزی تهران و مزاحمتهای بوی نامطبوع برای اهالی شهرهای پردیس و بومهن مد نظر قرار گیرد شاید تاخیر در احداث تصفیه خانه فاضلاب در پردیس قابل توجیه بود اما نکته مهمتر از موارد یاد شده آب آشامیدنی تعداد کثیری از هموطنان در مناطق شرقی و جنوبی استان تهران است که امیدواریم مسئولان با توجهی بیشتر و ایجاد سامانه های تصفیه کننده فاضلاب در این شهر جدید بر معضل زیست محیطی شرق تهران فائق آیند.

بخش مرکزی تهران با مساحتی بالغ بر هزار و 378 کیلومتر مربع بر اساس مصوبه هیئت وزیران از 55 آبادی، روستا، نواحی کارگاهی و مناطق زراعی و دو شهر پردیس و بومهن تشکیل شده و محدوده جغرافیایی آن از روستای تلو در سرخه حصار آغاز و تا انتهای شهر بومهن ادامه می یابد.

این بخش 200 هزار نفری با شهرهایی همچون رودهن از شهرستان دماوند، لوسانات از شهرستان شمیرانات و ده مسگرآباد از شهرستان پاکدشت دارای مرز مشترک است.

احضار 5 نفر از اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران در سندج به اداره اطلاعات

امروز دهم اردیبهشت ماه 89 آقایان شریف ساعد پناه، شیث امانی، صدیق کریمی، اسماعیل کاظمی و خالد سواری از فعالین و اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران در شهر سندج به اداره اطلاعات این شهر احضار شدند. مامورین امنیتی پس از احضار این کارگران ضمن بازجویی از آنان در مورد مراسم اول ماه مه در سندج از آنان خواسته اند فردا اقدام به برگزاری مراسم اول ماه نکنند و در هیچ مراسمی نیز شرکت نکنند و تلاش کرده اند در اینمورد از این کارگران تعهد بگیرند.

بنا براین آخرین خبرها هر پنج عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران پس از بازجویی در مورد مراسم اول ماه مه آزاد شده اند.

بیانیه مهدی کروبی به مناسبت روزکارگر و روز معلم: آیا نظامی کردن اقتصاد در راستای منافع کارگری است؟

سایت کلمه در تاریخ 10 اردیبهشت نوشت : مهدی کروبی امروز جمعه در بیانیه ای روز کارگر و معلم را تبریک گفته و ضمن انتقاد از وضعیت اقتصادی و فرهنگی کشور اظهار کرده است که آیا نظامی کردن اقتصاد در راستای اصل 44 قانون اساسی و منافع کارگری است؟

متن کامل این پیام که یک نسخه از آن در اختیار کلمه قرار گرفته، به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت شریف و بزرگوار ایران

سالگرد شهادت مظلومانه صدیقه طاهره و اسوه حسنه بانوان جهان را به شما و تمامی دوستان و پیروان اهل

بیت عصمت و طهارت تسلیم می‌گویم. این روزها، مصادف با گرامی‌داشت ایام دو قشر مهم اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور است. این دو قشر بزرگ و فهیم نقش برجسته‌ای در پیروزی انقلاب اسلامی، هشت سال جنگ تحمیلی و دوران سازندگی و نیز ارتقاء سطح علمی و آگاهی جامعه ایفا نموده‌اند. در ارتباط با روز جهانی کارگر و روز معلم لازم می‌دانم نکاتی را به اجمال بیان کنم.

روز جهانی کارگر یادآور تلاش بی‌وقفه افرادی است که همواره حقوق آنان از سوی صاحبان سرمایه و اصحاب قدرت نادیده گرفته می‌شد. بدنبال تلاش بی‌وقفه کارگران و صاحبان اندیشه و خرد زمینه به رسمیت شناختن حقوق کارگران در جهان صنعتی فراهم و سپس با تعامل جامعه جهانی و دولت‌ها قوانین و مقررات کشورها در این زمینه تدوین گردید. شان و منزلت کارگر در شریعت اسلامی بارها مورد تأکید قرار گرفته است. همه مردم و مسئولان وظیفه دارند در این روز نسبت به این قشر زحمتکش و فداکار که با صرف انرژی‌های خویش موتور تولید، کشاورزی و صنعت را به حرکت درآورده و با بذل عزیزترین سرمایه خود به کالبد جامعه جانی روح تازه می‌دهند سر تعظیم فرود آورده و حقوق و نیازهای مادی و معنوی آنها را باز شناسند و در احقاق حقوق و اجرای عدالت در مورد آنان قیام کنند. تحقق این هدف منوط است به تدوین و اجرای سیاستهای اقتصادی، اجتماعی صحیح و همه‌جانبه که به اقتصاد کشور رونق بخشیده و فرصتهای شغلی را بدون تبعیض برای نیروهای کارآمد گسترش دهند. در چنین شرائطی توسعه همه‌جانبه کشور را در ابعاد مختلف شاهد خواهیم بود.

اما چه بگویم که علم ستیزی و اتخاذ سیاست‌های غیر کارشناسی و علمی، برخورد‌های شخصی و سلیقه‌ای و تصمیمات یک شبه‌انگیزه و امید را از مردم بطور عام و کارگران، تولیدگران و صاحبان سرمایه بطور خاص سلب می‌کند. علاوه بر آن منابع، ذخایر و نیروهای انسانی کشور را که باید در مسیر توسعه قرار گیرد را تلف خواهد کرد. تاسف‌انگیز است که قانون شکنی و خروج از دایره برنامه توسعه و بی‌توجهی به سند چشم‌انداز بیست ساله و روی آوردن به استبداد اقتصادی و تصمیمات عجولانه و نسنجیده، نتیجه‌ای جز افزایش بی‌رویه تورم، نابود کردن کشاورزی، رکود صنایع و متوقف ساختن چرخ اقتصاد نخواهد داشت.

در چنین شرائطی ارائه آمارهای دروغین و نادیده گرفتن واقعیت جامعه آنچنان نهادینه گردیده که مقام ارشد اجرایی کشور برخلاف آمارهای رسمی و درک روزمره مردم ادعا می‌کند که "در این سال‌ها حجم کارها و فعالیت‌ها به اندازه ۲۵ سال گذشته بوده و کشور تبدیل به کارگاه بزرگی گردیده که در سطح گسترده‌ای در همه بخش‌ها کار صورت می‌پذیرد." همگان می‌دانند که در این سال‌ها علیرغم درآمدهای نجومی نفتی (قریب بر ۴۰۰ میلیارد دلار) چه بر سر پروژه‌های ملی آمده، وضعیت اشتغال و نرخ بیکاری چگونه است، سطح سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی به چه وضعیتی در آمده، شرکای صنعتی و تجاری کشور چه کشورهایی هستند، اصل مسلم رقابت و تجارت آزاد در اقتصاد به اصل اختصاصی بودن در این عرصه تبدیل گردیده است. آیا برابری نظامی کردن اقتصاد در راستای اصل ۴۴ قانون اساسی، چارچوب سیاست‌های کلی نظام و سند چشم‌انداز است؟ آیا با حاکمیت مطلق نظامیان بر اقتصاد که مغایر قانون اساسی است دیگر می‌توان از منافع و حقوق کارگران سخن گفت؟ این امر نه تنها در تعارض با اهداف سند چشم‌انداز است بلکه وضعیت معیشتی و آینده حرفه‌ای کارگران را به مخاطره خواهد افکند.

اینجانب و سایر اصلاح‌طلبان، دفاع از حقوق کارگران و کشاورزان را در همه زمینه‌ها، جزء اهداف اصلی خود دانسته و با هرگونه فشار، بی‌عدالتی و تضییع حقوق این قشر گسترده جامعه مخالفیم و تصمیمات یک شبه و غیر کارشناسی و اقتصاد صدقه‌ای را کاملاً مردود می‌شماریم. تحول در وضعیت فعلی را منوط به احترام و انجام تعهدات کشور در قبال کنواسیون‌های بین‌المللی دانسته و نقش اصناف و استقلال اتحادیه‌های کارگری را کلید اصلی حل مشکلات فعلی می‌دانم. تامین امنیت کامل شغلی، آزادی سیاسی و حمایت از آنان در تشکیل مجامع صنفی شوراهای کارآمد و نیز اصلاح قانون کار و برداشتن مقررات دست و پاگیر از حقوق اساسی این قشر عظیم است.

و اما گرامی‌داشت مقام معلم

روز ۱۲ اردیبهشت مصادف با سالگرد شهادت معلم بزرگ انقلاب آیت‌الله شهید مطهری است، آزاد مردی که با اندیشه‌های بلند و مترقی خود به فرهنگ اسلامی و علمی انقلاب و جمهوری اسلامی عمق ویژه‌ای بخشید. اینجانب که خود افتخار فرهنگی بودن را تا آستانه انقلاب اسلامی داشته و بیشترین ارتباط را با عزیزان فرهنگی دارم به خوبی مسائل و مشکلات این قشر فهیم و مظلوم کشور را درک می‌کنم.

فرهنگیان و معلمان جامعه، قشری بی‌نظیر و بی‌بدیل‌اند و زیرساخت‌های فکری، اخلاقی و رفتاری نسل امروز و فردا به دست توانای آنان پی‌ریزی می‌گردد.

احترام به معلم تنها با اختصاص روزی در سال و برگزاری مراسم تشریفاتی نیست که حرمت او با ارج نهادن به اندیشه او، رأی و خواست او، گشودن فضای اندیشیدن و بیان آن و رفع نیازهای مادی و معنوی اوست. اگر اندیشه و دانش معلمان بر جامعه حاکم شود و اگر معلمان به مدیران و مسئولان مشاوره دهند و اگر مسئولان و مدیران کشور از خود کامگی و خود بزرگی بینی برهند و به فکر و نظر صاحبان اندیشه به ویژه اساتید دانشگاه‌ها و معلمان توجه کنند، هرگز خطر استبداد و خودرأیی جامعه ما را تهدید نخواهد کرد.

در آستانه این روز گرامی هنوز تعداد قابل توجهی از معلمان عزیزی که باید فرزندان این کشور را در کلاس درس یاری دهند به جرم آزاد اندیشی و ابراز عقیده در زندان‌ها به سر می‌برند. یکی از این عزیزان آقای محمد داوری است که متأسفانه بیش از ۸ ماه تحمل حبس و فشار، بازداشت غیر قانونی وی ادامه پیدا کرده است. داوری و داوری‌ها نمونه‌هایی از قشر فهیم و بزرگ فرهنگی کشور است که برای اعاده حقوق مردم تلاش و هزینه تلاش خود را می‌پردازند. قدر شناسی از معلمان، دانشجویان و کارگران در بند را وظیفه خود دانسته و امیدوارم مسئولان قضایی هر چه سریع‌تر به این رفتارهای غیر قانونی پایان بخشند.

اینجانب راه حل مشکلات موجود کشور و رفع معضلات اقشار گوناگون از فرهنگی، کارگر و کشاورز تا سایر قشرها را در اجرای تمامی اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی میدانم. قانون اساسی میراث امام بزرگوار و

شهادت والا مقام است و مسئولان بلند پایه کشور اعم از رئیس جمهوری و نمایندگان مجلس سوگند یاد کرده اند که حافظ و مجری آن باشند. مگر طبق اصول مختلف از جمله اصل سوم، دولت موظف نیست برای آزادی، رفاه، عدالت، رشد آگاهی و جامعه همه امکانات خود را به کار برد؟! پس چرا بسیاری از اصول و بندهای قانون اساسی معطل مانده است؟! و چرا با تفسیرهای غلط و غیر کارشناسی، روح ومحتوا را از قانون اسای سلب می کنیم؟! تنها راه برون رفت از بحرانهای و نابسامانیهای موجود، بازگشت به قانون اساسی و التزام عملی همه مسئولان نظام و مردم به عمل بر وفق آن است و به اینکه هیچ کس خود را فراتر از قانون نداند و به خود اجازه قانون شکنی و قانون گریزی تحت هر عنوان را ندهد.

مهدی کروی
۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۹

اعتصاب غذای زندانیان در حمایت از کارگران جمعی از زندانیان سیاسی گوهردشت

تجلیل از مقام معلمان و کارگران با اعتراض به سلب حقوق حقه ایشان ، کارگران و معلمان قشر زحمت کشی از جامعه هستند که هموار مورد ظلم و ستم و سرکوب رژیم قرار گرفته اند و اعتراضات آنها برای احقاق حقوقشان با اخراج از کار ، دستگیری، شکنجه و زندان پاسخ داده شده است. ولی در طی سالیان گذشته حقوق حقه ایشان پایمال گردیده و هیچ ارگانی در داخل حاکمیت ایران نمی تواند ادعا کند که تاکنون کوچکترین قدمی در راه بهبود وضعیت این قشر تولیدگر برداشته است . در حالی روز جهانی کارگران را گرامی می داریم که رهبران سندیکای اتوبوس رانی تهران و نیشکر هفت تپه مانند منصور اسالو، ابراهیم مددی، علی نجانی و... تنها به جرم دفاع از حقوق خود و سایر کارگران در زندان و شرایط سخت بسر می برند. خانواده های آنها تحت شرایط سخت معیشتی و همواره مورد تهدید اطلاعات هستند

تنها راه برای اینکه این زحمتکشان بتوانند به حقوق مشروعشان دست یابند این است که متحد و پا بر جای دست به اعتراضی جوشان زنند .

ما زندانیان سیاسی زندان گوهردشت کرج (رجائی شهر) به همراه جمعی از زندانیان عادی که خود قربانیان حکومت سرمایه داری و مافیایی رژیم ایران هستند به عنوان نشان دادن حمایت و همبستگی خویش در روز 11 و 12 اردیبهشت ماه به مدت 2 روز دست به اعتصاب غذا زده و از خوردن و آشامیدن امتناع می کنیم تا رنجی را که سالیان سال کارگران و معلمان ما و خانواده هایشان تحمل کرده اند بار دیگر تجربه کنیم .

جمعی از زندانیان سیاسی و عادی زندان گوهردشت کرج (رجائی شهر)
10 اردیبهشت 1389

کارخانه ماشین سازی پارس و پتروشیمی روز جهانی کارگر به کارگران تعطیلی نمیدهند

سایت آژانس ایران خبر در تاریخ 10 اردیبهشت نوشت :به گفته کارگران کارخانه ماشین سازی پارس و همچنین پتروشیمی روزشنبه که مصادف با روز جهانی کارگراست کارخانه آنها تعطیل نمیشد و عوامل حکومتی در این کارخانه ها برنامه روز کارگران را با کار پر کرده اند !!!

گزارشی از سیاهی روزگار کارگران صنعت نفت؛ کارگرانی که قیر شده اند

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 10 اردیبهشت آمده است :رضا غیبی: اکثر مناطق نفت خیز ایران در مناطق بسیار گرم و مرطوب قرار داشته و فصل گرما در این مناطق از ابتدای بهار تا اواسط پاییز به طول می انجامد که شرایط بسیار سختی را برای کارگران شاغل در این مناطق رقم می زند. بسیاری از این مناطق شامل طرح اقماری می شوند، طرحی که شاید در ابتدای شروع به کار افراد، به واسطه جوان بودن، تجربه های نو، تنوع محیط کار و بعضی آسودگی های دیگر، سختی ها را کم رنگ تر کند، اما گذشت زمان، ازدواج، تغییر و تحولات زندگی، شرایط نامساعد جوی و آلودگی بیش از حد این مناطق، کم کم پرده از وجود مشکلات برداشته و در بیشتر موارد به دلیل محدودیت های حاکم در منطقه، مشکلات جدیدی همچون افسردگی و اعتیاد نیز به وجود خواهد آمد.

چهره متمایز تمام افراد شاغل در این مناطق گواهی است بر سختی شرایط، شرایطی که تحمل ساعتی از آن برای بسیاری از ما غیرممکن خواهد بود.

لاوان، جزیره ای است با مساحت بیش از 80 کیلومترمربع که در امتداد ساحل خلیج فارس از شرق به غرب کشیده شده است. جمعیت بومی 1200 نفره و درجه حرارت بین 37 تا 45 درجه سانتیگراد در تابستان و 10 تا 25 درجه سانتیگراد در زمستان با رطوبت نسبی 80 تا 100 درصد در اغلب روزهای سال، شرایط بسیار سختی را برای کارکنان صنعت نفت در این منطقه رقم زده است؛ کارکنانی که شیفت کار آنها پیش از طلوع آفتاب شروع و پس از غروب آفتاب تمام می شود و تنها دلخوشی آنها 14 روز استراحتی است که انتظار آنها را می کشد. 14 روز انتظار برای دیدار عزیزان، انتظاری که با دلهره و اضطراب همراه است. ترس از نرسیدن به موقع همکار جانشین و

حوادث غیرمترقبه که در صورت بروز چنین شرایطی به منظور پاسخگویی به نیاز مجموعه باید چندین روز دیگر هم غم دوری از خانواده را به دوش کشیده و شرایط نامساعد جزیره را تحمل کند.

از طرفی شاغلان این جزیره باید بیش از سایرین مراقب سلامت خود باشند، زیرا که کوچکترین بیماری در شرایطی که با عدم دسترسی به پزشکان مجرب و همچنین دشواری انتقال به جزایر همجوار توأم است، تبعات جبران‌ناپذیری را به بار خواهد آورد.

یکی از کارکنانی که به دلیل نرسیدن همکار جانشین مجبور بود چند روزی بیشتر در منطقه بماند، با چهره‌ای خسته و صدایی بغض‌آلود از شرایط بد گله کرده و می‌گفت: این گونه مسائل برایمان عادی شده است، اما از دست رفتن شیرینی و اشتیاق حضور در کنار خانواده پس از 14 روز کار شبانه‌روزی، تلخ‌تر از زهر می‌شود و تاثیر منفی در کار می‌گذارد.

وقتی از خانواده و دختر 15 ساله‌اش حرف می‌زد غم دوری در صدایش ملموس بود؛ غمی که به گفته خودش فقط به امید دیداری دوباره قابل تحمل است. دیدار دختری که در 15 سال گذشته تنها 5 سال آن را در کنار پدر سپری کرده و پدر برای او تنها مهمانی است چند روزه. پدر 45 ساله‌ای که شرایط نامساعد کاری از او فردی پیر و شکسته ساخته است.

وی از بیماری فرزندش و ناله‌هایی که در لابلای آن پدر را بر بالین می‌طلبیده سخن می‌گوید، غافل از اینکه پدر چند هزار کیلومتر دورتر، خسته از کار روزانه به گوشه‌ای خزیده و غصه بیماری و آتیه دخترش همچون پتکی گران بر جسم خسته و نحیفش فرود می‌آید.

شب، تنها در این موقع از شبانه‌روز می‌توان اندکی آرامش پیدا کرد و دقایقی را در کنار ساحل مرجانی جزیره با صدای آرامش‌بخش آب سپری کرد. صدای آب آنقدر آرامش‌بخش است که قدرت تفکر و توجه به چیزهای دیگر را از آدمی سلب می‌کند. اما دود آبی‌رنگ و غلیظی که در دل سیاهی شب به آسمان می‌رود جلب توجه می‌کند. جوانی که پس از پایان تحصیلات برای یافتن شغل چاره‌ای جز پذیرفتن شرایط کار در مناطق اقماری را نداشته و به جزیره آمده، اکنون پشیمان از کرده خویش است و با ولع تمام دود سیگار را به کام خود می‌کشد.

پس از گذشت 2 سال هنوز به این شرایط عادت نکرده و روزگار به سختی برایش سپری می‌شود. او از صبحانه ساعت پنج و نیم گله دارد، نهار ساعت یازده و نیم را دوست ندارد و از گرسنگی ساعت ده شب سخن می‌گوید. او از روزهای دانشگاه، دختری که می‌خواهد به خواستگاریش برود، جمع دوستان، کلاس زبان و کوهنوردی هفتگی برایم گفت و خانواده‌اش را یاد کرد که همیشه او را از دود و دم بر حذر می‌داشتند.

بغضش ترکیب، خود را نفرین می‌کرد، نفرین به خاطر اینکه درس خوانده و همچون سایر دوستانش به حرفه‌ای مشغول نشده تا به این روز گرفتار نشود. نفرین به خاطر تنهایی و غربتی که در آن گرفتار است، نفرین به روزگاری که از جوانی ورزشکار و شاداب، فردی افسرده و سیگاری ساخته است. نفرین بر شغلی که باعث شده پدر در آرزوی دیدار دوباره پسر جان سپارد، نفرین بر انتخابی که حسرت بوسیدن دست پدر در لحظه خداحافظی را به دلش گذاشته، نفرین‌های وی که با حق‌گریه در هم آمیخته بود قطع شد و باز هم همان دود غلیظ و همان بوی گیج‌کننده.

در این جزیره، زمان جان می‌ستاند و به کندی می‌گذرد. رطوبت کلافه کننده هوا با بوی تند گاز در هوای بالای 35 درجه نفس کشیدن را با سختی همراه می‌کند و برهوتی که در آن قرار گرفته‌ای زندگی را برایت پایان یافته می‌نمایاند.

این گوشه‌ای از مشکلات بی‌پایان کارگران صنعت نفت است، کارگرانی که به‌رغم تمامی این مشکلات با جان و دل برای پیشرفت و توسعه ایران زمین می‌کوشند. کارگرانی که با به جان خریدن خطرات کار در میادین در حال تولید نفت و گاز، سعی در جبران عقب‌افتادگی‌های ناشی از بی‌برنامگی‌های مدیران دارند و شبانه‌روز تلاش می‌کنند.

افرادی که بهترین دوران زندگی را به دور از خانواده با تحمل سختی‌های طاقت‌فرسا سپری می‌کنند. جوانانی که روزگاری با چهره‌ای بشاش و روحیه‌ای مثال‌زدنی به این مناطق پای می‌گذارند و در پایان دوران خدمت خود به افرادی افسرده و درهم شکسته تبدیل می‌شوند.

باید چاره‌ای اندیشید، چاره‌ای که درمان تمامی دردها، محدودیت‌ها و محرومیت‌های کارگران شاغل در این مناطق باشد.

پشت صحنه زندگی زنان کارگر: من يك كارگر زنم؛ جرم اين است

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنادر تاریخ 10 اردیبهشت آمده است: تارا بنیاد: چه فکر می‌کنیم همیشه درباره زنان کارگر، زنانی که دست‌هاشان پینه بسته و اشک چشم‌هاشان خشک شده، اما با غرور سر را بالا نگه می‌دارند و نان بازوی خودشان را می‌خورند. یازدهم اردیبهشت ماه، روز جهانی کارگر است. چقدر در این روز زنان کارگر دیده می‌شوند، زنانی که با کفش‌های تنگشان می‌دوند تا آینده فرزندانشان را روشن کنند. ای‌کاش دست کم در این روز از کنار کارگرانی که در ایستگاه اتوبوس می‌بینیم، زنی که در رستوران میزبان را پاک می‌کند، دختری که برای نظافت به خانه‌مان می‌آید، بی‌تفاوت رد نشویم.

ای‌کاش دست کم در این روز با يك لبخند در را بر روی مستخدم اداره باز کنیم، ای کاش در این روز آن زن را به یاد بیاوریم که می‌گفت: «از کودکی هیچ‌کس مرا نمی‌خواست، پدر و مادرم که مردند، آواره خانه این و آن شدم، همه می‌گفتند اگر پسر بود می‌شد برایش کاری کرد، اما دختر نمی‌خواهم».

زنی که از فرط بی‌کسی در شانزده سالگی ازدواج می‌کند و از مرد معتادش جدا نمی‌شود که سایه مرد بالای

سرش باشد، زنی که شب و روز سبزی پاک می‌کند تا کودکانش به مدرسه بروند و از مردش کتک نخورد، زنی که می‌گفت: تا پیش از این که حامله شوم، نان خشک جمع می‌کردم و آب می‌زدم و می‌خوردم؛ حامله که شدم برای بچه‌ام شیر می‌خوردم، بچه که به دنیا آمد بزرگ که شد، و بچه بعدی هم؛ روزی بس که از کارهای یک روزه و دست‌فروشی، کلافه شده بودم، چند بسته سبزی خریدم، تمیزشان کردم و به یک مدرسه دخترانه بردم و به معلم‌ها فروختم بسته‌های 200 تومان، مدت‌ها بود که غذای گرم نخورده بودیم. شب با چند تخم‌مرغ و گوجه‌فرنگی خانه رفتم، شام که درست می‌کردم، اشک می‌ریختم، سفره گذاشتم و به بچه‌هایم گفتم «بیاید غذا بخورید»، خوشحالی بچه‌هایم دور سفره باعث شد که اشکم تا صبح قطع نشود.

زن این کار را ادامه داد، آنقدر که مشتری‌های ثابت پیدا کرد و حالا نزدیک به چهار سال است این حرفه‌اش شده است، روزی یکی از مشتریانش به او و فرزندانش هدیه‌ای می‌دهد، زن تعریف می‌کند: هدیه را که باز کردم یک دست کامل لباس نو بود، مانتو، شلوار، روسری، حتی جوراب و برای بچه‌هایم هم همین‌طور، به جای این‌که لباس‌ها را بینم یا بپوشمشان لباس‌ها را بغل کرده و می‌بوییدمشان، آخر من هرگز عطر لباس نو را حس نکرده بودم، اولین بار بود در زندگی‌م، که اصلاً لباس نو می‌دیدم.

زن حالا توانسته بود فرش و یخچال دست دوم بخرد، اما چادرش را کنار می‌زند و جای دندان‌های نداشته‌اش را نشانم می‌دهد: می‌گوید، برای خانه‌ای سبزی بردم که از پله‌هایش افتادم و چهار دندان با هم رفت، حتی نمی‌توانم به برگرداندن دندان‌هایم فکر کنم، آنچه درمی‌آورم، گرچه آنقدر است که دیگر برای سیر کردن فرزندم در گوشه خیابان دنبال نان خشک نگردم اما، آنقدر هم نیست که برای درست کردن دندان‌هایم حرامش کنم.

از او می‌گذرم، از زنی که بعد از چهار سال سبزی پاک کردن دستانش به رنگ گل سبزی در آمده بود و بوی سبزی می‌داد. هرگز به این فکر نکرده بودم که ممکن است چه کسی پشت سبزی‌های تمیز و خرد و خشک شده باشد که توی ماهی‌تابه، جلز و ولز می‌کند و من با خیال راحت یک تخم‌مرغ در آنها می‌شکنم و دلم خوش است که غذا درست کرده‌ام. هرگز به این فکر نکرده بودم که وقتی در یخچال را باز می‌کنم و یک قاشق بزرگ پیاز داغ آماده برمی‌دارم و خالی‌اش می‌کنم ته قابلمه، اشک چشم زنی برایش خشک شده است، زنی که پسرش معلول است و شوهرش جانباز شیمیایی‌ای که پرونده‌اش سوخته و هزینه‌های درمانش از اشک چشم و بوی دائمی پیاز داغ تامین می‌شود. هرگز به این فکر نکرده بودم که وقتی خسته به خانه می‌آیم و جنازه‌ام روی فرش می‌افتد و خستگی‌ام را فرش می‌خورد، زنی پشت دار قالی آنقدر شانه زده که صدای شانه زدن، موسیقی متن زندگی‌اش شده، زنی که از شوهر کراکی‌اش جدا شده اما هنوز بعد از ده سال تنها بودن کسی نمی‌داند که همسر ندارد، کفش‌های مردانه همیشه پشت در دهان همسایه‌ها را می‌بندد که مرد در خانه است و این زن بی‌کس نیست. ده سال پیش خانه‌های مردم را تمیز می‌کرد، بدترین روز زندگی‌اش وقتی بود که پیرمردی که دو سال پرستارش بود مرد. حالا باید چه می‌کرد، دوباره به خانه‌های مردم بازگشت، اما این بار خیری در راهش قرار می‌گیرد، تا بتواند هنری را که از چهار سالگی داشته اما به خاطر نداشتن سرمایه نتوانسته دنبالش کند، با سرمایه او آغاز کند. حالا حتی شاگردانی دارد که قالی‌بافی را یادشان می‌دهد، دخترکانی که در ابتدای جوانی‌اند و فکر می‌کنند: شاید روزی این هنر به دردشان بخورد.

به هر گوشه زندگی‌مان که نگاه کنیم کارگرانی زحمت‌کش راحتی ما را فراهم می‌کنند، که بسیاری‌شان زنان کارگراند که نه تنها نادیده گرفته می‌شوند، بلکه بسیار هم مورد اجحاف قرار می‌گیرند. در محیط‌های کار مردانه و در جامعه‌ای مردانه‌تر، زنی که مسئول حراست یک شرکت بزرگ نیمه‌دولتی است، می‌گوید: تمام همکارهایم مرد هستند و می‌دانند که من مطلقاً هم. آنقدر نگاه‌ها سنگین است و پیشنهادهای کریه که مرتب در بخش‌های مختلف شرکت جایجا می‌شدم، حالا چند سالی است که در حراست مانده‌ام، اما جرات ندارم جواب سلام همکاری را بدهم، چرا که مرد است و من هم بی‌شوهر. از طرفی دیگر اگر پا به پای مردان کار کنی حتی بهتر از آن، هرگز ارتقای سمت پیدا نمی‌کنی، آخر مردها آنقدر هستند که نوبت تو نرسد و از آن بدتر کارفرما آنقدر ترسو است که از عکس‌العمل دیگران پس از ارتقا دادن به یک زن بترسد.

زنی که در یک کارخانه داروسازی کار می‌کرد و کمی باسوادتر از دیگران بود و سرپرست خانوار، می‌گفت: در کارخانه با کسی مشکل ندارم، حتی کارخانه ما مهدکودک هم دارد. مشکل من که شاید مشکل خیلی‌های دیگر هم باشد، قوانینی است که از سوی وزارت کار مرتب تغییر می‌کند و حالا هم همه نگران قانون کاهش ساعت کاری زنان هستیم، قانونی که احتمالاً همه ما را بی‌کار می‌کند. طبیعی است کارفرمایی که می‌تواند مردی را استخدام کند که دو ساعت از من بیشتر کار می‌کند قرارداد مرا تمدید نمی‌کند و حق هم دارد. من هم جای او بودم همین کار را می‌کردم، چرا باید با یک مبلغ پول دو ساعت کمتر، کار دریافت کند.

همه ما در زندگی دغدغه‌هایی داریم، اما شاید همیشه چنین دغدغه‌هایی را تنها در فیلم‌ها می‌دیدیم. با این زنان که حرف می‌زنم و اشک‌هایی را که می‌بینم و قدرتی را که حس می‌کنم، باورت می‌شود که چقدر از قافله عقبی و چقدر کور در زندگی‌ات غرقی و چنان خودت را می‌بینی که وقتی زنی در فرقونی سبزی‌های مرتب و دسته کرده را می‌فروشد، بی اینکه به زن بگویی، خسته نباشید، می‌گویی، به چه سبزی‌ای!!

محمد اولیایی فرد حقوقدان و وکیل پایه یک دادگستری صبح امروز بازداشت شد.

بنا بر پایه ایمیل دریافتی آمده است: محمد اولیایی فر وکیل دادگستری که امروز صبح به دادگاه انقلاب رفته بود، توسط "ستاری" مدیر دفتر شعبه 26 دادگاه انقلاب تهران به بخش اجرای احکام دادگاه معرفی و پس از جلب به زندان اوین منتقل شد. براساس این گزارش، محمد اولیایی فرد در اسفند ماه گذشته نیز به بهانه بررسی پرونده چند تن از موکلانش به دادگاه فراخوانده شده بود، توسط مدیر دفتر شعبه 26 به اجرای احکام معرفی و بازداشت شد.

این وکیل پایه یک دادگستری در پی اعدام بهنود شجاعی در مصاحبه ای اجرای حکم موکلش را به دلیل صغر سنی وی غیرقانونی خوانده بود ابتدا به دادسرای کارکنان دولت احضار و پس از تشکیل پرونده در شعبه 26 دادگاه انقلاب به اتهام تبلیغ علیه نظام به اشد مجازات محکوم شد. طی سه ماه گذشته این دومین بار است که این حقوقدان توسط بخش اجرای احکام دادگاه انقلاب تهران به بهانه گذراندن محکومیت یک ساله اش به اتهام تبلیغ علیه نظام از طریق مصاحبه بازداشت و روانه زندان میشود، این در حالی است که حکم مذکور تا به این لحظه به اولیایی فرد و هیچ یک از وکلایش به طور قانونی ابلاغ نشده است و در واقع بازداشت ایشان به شیوه های کاملاً غیرقانونی و بدون رعایت مهلت بیست روزه ای اعتراض و تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان صورت گرفته است. گفتنی است، محمد اولیایی فرد وکیل بسیاری از افراد زیر 18 سال محکوم به اعدام است و همچنین فعالان سیاسی، مدنی و دانشجویی است که پیش از این نیز در پی طرح مسئله شکنجه توسط بازجویان وزارت اطلاعات در سال 87 به سیاه نمایی و توهین و افترا علیه وزارت اطلاعات متهم شده بود.

اعتراض کارکنان اتوبوسهای تندرو اتوبوسرانی تهران به اخراج همکارشان

سایت آژانس ایران خبر در تاریخ 10 اردیبهشت نوشت: کارکنان اتوبوسهای تند رو اتوبوسرانی تهران در اعتراض به اخراج عبدالله حسینی از اعضای و فعالین سندیکائی شرکت واحد تهران چراغهای خود را از ساعت 9 صبح تا بعدازظهر روشن کردند. عبدالله حسینی که 18 سال سابقه حضور در اتوبوسرانی را دارد حدود 8 ماه است که از کار اخراج شده و به همین دلیل در وضعیت معیشتی سختی بهسر میرد.

تجمع اعتراضی کارگران بعد از سخنرانی وزیر کار در مشهد

سایت کلمه به نقل از خبرگزاری ایسنا در تاریخ 10 اردیبهشت نوشت: عبدالرضا شیخ الاسلامی وزیر کار و امور اجتماعی در اولین همایش کشوری روز بسیج کارگری و تجلیل از شهدای کارگر که روز گذشته در مشهد برگزار شد، به تفسیر آیه سوم سوره بقره و تبیین مفهوم غیب و ایمان پرداخت و به دلیل اینکه در این همایش که به مناسبت روز کارگر برگزار شده بود سخنی درباره وضعیت کارگران به زبان نیاورد مورد اعتراض قرار گرفت. به گزارش ایسنا، وی تقدم به غیب بر نماز و زکات را نشان از اهمیت این مفهوم دانست و در خصوص تفاوت دین اسلام با سایر مکاتب فکری دنیا، ادامه داد: برخلاف سایر مکاتب فکری به غیب معتقدیم و می دانیم علاوه بر مولفه های مادی، اسباب و لوازم دیگری هم در زندگی ما موثرند. شیخ الاسلامی افزود: در کشورمان هیچ کس را نمی توان پیدا کنید که حاضر باشد عشق به اهل بیت (ع) را با تمام ثروت های دنیا عوض کند این امر نشانه ثروتمندی و برخورداری ماست. وزیر کار و امور اجتماعی با استناد به آیات و روایات متعدد و اشاره به موقعیت ممتاز ایران در منطقه و جهان تصریح کرد: اگر خدا بخواهد ما را یاری کند چه کسی می تواند به ما آسیب برساند و اگر او بخواهد ما را واگذارد، چه کسی قادر خواهد بود به ما یاری برساند؟ شیخ الاسلامی با اشاره به آیه شریفه «و لاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا» افزود: شهادت بالاترین مقام قرب بشری و حیات جاوید است. بعد از سخنرانی وزیر کار و امور اجتماعی، گروهی از کارگران با اجتماع در محوطه مجتمع "آیه ها" نسبت به سخنان وزیر و بی توجهی به مشکلات کارگران اعتراض کردند. یکی از کارگران در این خصوص گفت: انتظار داشتیم از وزیر حرف های بهتری در مورد بهبود اوضاع کارگران بشنویم اما وی در سخنانش حتی یک کلمه در مورد کارگر نگفت. کارگر دیگری ادامه داد: وقتی وزیر بهداشت یا آموزش و پرورش حرف می زنند، بخشی از صحبت هایشان در خصوص مزده به پرستاران و معلمان است اما وزیر کار صحبت کرد و از کارگر هیچ نگفت. محمد کریمی گفت: حداقل انتظار ما از وزیر کار این بود که پس از تفسیر قرآن به بازگویی برخی مشکلات کارگران و ارائه راه حل در این خصوص بپردازد. وی مدعی شد: متأسفانه در کشور ما برای کارگر هیچ ارزشی قایل نیستند و دلیل بنده برای ادعایم مکاتبات و نامه نگاری هایی است که از فروردین 88 با وزارت کار داشتیم اما به سرانجام نرسیده است. این تجمع کارگران بعد دقایقی بدون حضور مسوولان پایان یافت.

اعتصاب غذای دو معلم زندانی در همبستگی با کارگران و معلمان

فرزاد کمانگر، معلم محکوم به اعدام و رسول بدایقی، عضو هیئت مدیره ی کانون صنفی معلمان ایران، در همبستگی با کارگران و معلمان در روز یازدهم اردیبهشت، اول ماه مه و روز دوازدهم اردیبهشت، روز معلم در زندان دست به اعتصاب غذا خواهند زد. هرانا: فرزاد کمانگر و رسول بدایقی برای نشان دادن همبستگی خود با کارگران و در اعتراض به فشار بر معلمان، به اعتصاب غذایی دو روزه به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر و 12 اردی بهشت روز پاسداشت معلم، دست خواهند زد.

فرزاد کمانگر که از 4 سال پیش تاکنون در زندان به سر می برد و حکم اعدام قطعی دارد، اکنون در اندرگاه 7 زندان اوین نگهداری می شود. رسول بدافی نیز که حکمی نداشته و در بازداشت موقت به سر می برد در بند 350 زندان اوین محبوس است.

کمانگر و بدافی در حالی به اعتصاب غذا دست می زنند که در آستانه ی روز معلم، فشار بر فعالین صنفی معلمان به شدت افزایش یافته و طی روزهای اخیر دستکم 8 تن از ایشان توسط دستگاه امنیتی بازداشت شدند.

شواهد حاکی از آن است که علت فشارهای فزاینده در آستانه ی روز معلم بر فعالین این صنف انتشار بیانیه ای باشد که شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان صادر و اعلام کرده که در اعتراض به صدور احکام سنگین حبس و اعدام برای معلمان زندانی از ۱۲ تا ۱۸ اردی بهشت ماه دست به اعتصاب غذا می زنند. این شورا هم چنین از معلمان خواسته تا در روز ۱۲ اردی بهشت ماه در تهران بر سر مزار ابوالحسن خانعلی معلم کشته شده در حکومت پهلوی در گورستان ابن بابویه و در قم بر سر مزار مرتضی مطهری حاضر شوند. شایان ذکر است که پیش تر جمعی از زندانیان و زندانیان سیاسی-عقیدتی زندان های رجایی شهر، اوین و ارومیه در اقدامی خودجوش در حمایت از کارگران و معلمان اعلام اعتصاب غذای دو روزه کرده بودند.

دو خبر از گیلان

مقاومت و بازگشت 5 کارگر راننده در شرکت سبز زیور

به نوشته سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری از قول فعالان ضد سرمایه داری گیلان در اردیبهشت نوشته است :

همان طور که در گزارش های قبلی گفتیم 7 کارگر راننده در شرکت خدماتی نظافتی سبز زیور دست به اعتراض زدند که منجر به اخراج آن ها در ماههای بهمن و اسفند سال 88 شد. علت اعتراض این رانندگان پرداخت نشدن اضافه کاری آنها توسط شرکت سبز زیور بود. شرکت سبز زیور از طریق زد و بند با اعضای شورای شهر ضدکارگر رشت توانست کارگران رفته منطقه یک گلزار راپس از تسویه با شرکت یاقوت سرخ گیل در سه ماه آخر سال 88 وارد شرکت خود کند. شرکت سبز زیور متعلق به فردی ضد کارگر به نام جمشیدی اهل کرج است. جمشیدی درحالی که کارگران با توجه به حجم اضافه کاری، هر ماه 200 هزار تومان اضافه کار طلبکار بودند، از پرداخت مبلغ فوق سرباز زد و کارگران اعتراضی یعنی 7 راننده را از شرکت اخراج کرد. این اخراج مورد حمایت مسئول شهرداری منطقه یک گلزار صفر نژاد ضد کارگر قرار گرفت که با الفاظ رکیک به تهدید دیگر کارگران اعتراضی پرداخت. از اوایل سال جاری 5 نفر از کارگران راننده با دادن تعهد بر سر کار بازگشتند و دوباره در شرکت سبز زیور مشغول به کار شدند و هنوز تکلیف دو راننده دیگر مشخص نیست. کارگران پس از خواندن اخبار داخل شرکت که از طریق فعالان ضدسرمایه داری در سایت کمیته هماهنگی درج شده بود و انعکاس آن در ماهواره ها علیرغم این که هنوز مطالباتشان یعنی سه ماه اضافه کاری خود جمعا" 600 هزار تومان نگرفته اند اما از انعکاس این اخبار خوشحال بودند و بارقه های امید و مقاومت در چهره شان مشخص بود. کارگران می گویند قرارداد ما ماهیانه است ما از محتوای قرارداد چیزی نمی دانیم زیرا به ما اجازه نمی دهند قرارداد را بخوانیم، فقط محل امضا را به ما نشان می دهند که ما امضا کنیم. این هم از عدالت سرمایه داری اسلامی.

مطالبات معوقه کارگران در شرکت نقش گستر و آبرود شمال

به نوشته سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری از قول فعالان ضد سرمایه داری گیلان در اردیبهشت نوشته است :

شرکت آبرود شمال وابسته به بخش خصوصی است و مالک و کارفرمای آن فردی ضدکارگر به نام علی رهبر است. محل کارگاه استیجاری این شرکت پروژه ای حدود 15 کیلومتری جاده رشت تهران در کنار پایانه ماشین های سنگین رشت قرارداد دارد.

این شرکت در زمینه عمران، راهسازی، پل سازی و مانند آن ها فعالیت می کند. این شرکت و شرکت نقش گستر که کارفرمای آن فردی ضدکارگر به نام کریمی است، در یک زمینه (کارهای عمرانی) کار می کنند و جمعا" در این شرکت 310 کارگر و پرسنل اداری فعالیت می کنند.

شرکت آبرود دارای سرویس ایاب و ذهاب است. گاهی نهار کارگران از بیرون آورده و گاهی در آشپز خانه کارگاه تهیه می شود.

دستمزد کارگران طبق مصوبه اداره کار پرداخت می شود و همگی قرار داد موقت هستند. قابل ذکر است که کارگران عیدی و سنوات و پاداش سال 88 را طلبکار هستند، یعنی هریک از کارگران به طور متوسط حدود 600 هزار تومان طلبکارند. در حالی که در پایان سال 88 از کارگران امضاء گرفته اند که تمام مطالباتشان پرداخت شده است.

ششصد تن از کارگران کارخانه صنایع مخابراتی راه دور ایران خواستار

دریافت سیزده ماه حقوق معوقه خود شدند

سایت خبری روشننگری در تاریخ 10 اردیبهشت نوشت : ۶۰۰ تن از کارگران کارخانه صنایع مخابراتی راه دور ایران در استان فارس به دنبال برآورده نشدن خواسته های صنفی خود، با انتشار بیانیه ای خواستار تحقق مطالباتشان، از جمله دریافت ۱۳ ماه حقوق معوقه خود شدند.

به گزارش خبرگزاری ایلنا، کارگران امضاکننده این بیانیه با تاکید بر این موضوع که "زندگی و معیشت، حق قانونی هر کارگر است" خواستار پرداخت سریع ۱۵۰ میلیارد ریال برای حقوق و مطالبات کارگران این کارخانه شده اند. این کارگر سپس از دولت خواسته اند تا تصمیم به فروش کارخانه صنایع مخابراتی راه دور ایران را لغو کند و گفته اند که در رسیدن به حقوق خود پافشاری خواهند کرد. در سالیان اخیر، کارگران کارخانه های بسیاری در ایران حقوق خود را برای ماه ها دریافت نکرده اند و این موضوع باعث اعتراض های صنفی آنان شده است.

فرصتی برای شنیدن درد دل های کودکان کار: دست لاجون کودک و آجر سنگین کوره پزخانه

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 10 اردیبهشت آمده است: (سمیه جاهد عطایان): این هفته، هفته کارگر است. ایامی که شاید فرصتی باشد برای شنیدن درد دل های کارگری، انتقاد، وعده و وعید و یا تقدیم یک شاخه گل ناقابل به کارگران عرق ریخته و زحمت کش!

کمی به دور و برمان نگاه کنیم. در این میان نان آوران کوچکی نیز هستند که نه دست پرمهری آنها را نوازش می کند و نه آغوشی برای حمایتشان باز شده است. نمی خواهیم بوسه بر انگشتان کوچکشان بزنیم، تنها کمی تامل کافی است!

کارگاه های کم نور زیرزمینی، مغازه های کوچک صنعتی، واحدهای تولیدی و هزاران هزاران کودک را در خود می بلعد، بی آنکه نگاهی نگران عاقبت آنها را جست و جو کند.

این روزها چشمها به روی کودک کار بسته مانده و اذهان پرادعای مسوولان به روی هزاران کودکی که پنهانی کار می کنند و مورد انواع بهره کشی ها واقع می شوند خنثی مانده است.

دست لاجون کودک و آجر سنگین کوره پزخانه

کودک سیاه سوخته، پاهای او را تا عرض شاننه باز کرده و آجرهای تازه از کوره درآمده را با کهنه دستمال مرطوبی پاک می کند. با دست های کوچکش ضربه های لاجونی به آجر می زند تا گرده های آن جدا شود. حمید چهار سال دارد و در کوره پزخانه های محمودآباد کنار برادر، مادر و خواهرش کارگری می کند. شیرین برای خودش یک بانوی تمام و کمال است. مادرش به دلیل فقر از صبح خروس خون تا بوغ سگ در خانه های مردم را می شورود و می سابد.

شیرین هر روز صبح با راهی کردن برادرهای قد و نیم قدش برای کار، خواهر کوچولوی دو ساله اش را به کمر می بندد و تشنه پر از لباس چرک برادرهای شیطانش را با دست چنگ می زند، عصرها با همان کودک روی کول به کانون حمایتی کودکان کار به پامنار می رود و شبها با کورسوی نوری که از خیابان به حیاط می تابد، محتاطانه درس می خواند. برادر شیرین دیالیزی است و کلیه هایش را بابت مصرف آب نامناسب در کارگاه تولیدی از دست داده است.

دار قالی و سر انگشت ریز کودکان

ناهدید، رقیه، فریده و انسیه با انگشتان کوچک، اما ماهر خود بهترین قالی دست باف تبریز را می بافند. در روستای دورافتاده آنها اکثر کودکان در کارگاه های کم نور و مرطوب قالی بافی می کنند و با تحمل غرولندهای صاحب کار، در آخر کار هم حق الزحمه آنها با پدرشان تسویه می شود و باز در عین نان آوری، نان خور محسوب می شوند. اکیب دسته جمعی آنها از صبح تا شب جان می کند تا رضایت صاحب کار را به دست آورد. کودکی آنها پشت دار قالی مخفی مانده است.

عطیه چشممان گیرای عسلی دارد و تا دو سال پیش شاگرد درس خوان مدرسه شبانه بوده. اولیای مدرسه و اعضای یکی از انجمن های حمایتی به دلیل غیبت های مکرر، جویای احوالات عطیه می شوند و با مراجعه به خانه خنثی و بیغوله دختر بچه 14 ساله با دیدن پرده ای که به تن فروشی دختر بچه اختصاص داشت، به دلایل غیبت و ترک تحصیل طفل معصوم پی می برند! فقر و نداری آمار ندارد

امثال عطیه، ناهید، رقیه، حمید و هزاران هزار کودک کار در کشور زیاد است، اما عده ای با زباله گردی،

دست فروشی یا تکدی گری در سر چهارراه ها به چشم می آیند و عده ای هم پنهان و آرام تلف می شوند.

در میان همین جان کندن های بی وقفه کودکان، کسی اشاره ای به وضعیت کودکان کار، قربانیان جنسی،

کودکان حمل کننده مواد مخدر و نمی کند. حال مسوولان آمار و ارقام هم دهند، فرقی نمی کند. فقر و نداری

آمار نمی خواهد، چشم بصیرت و نگاه بی ادعای جسور می خواهد! نگاهی که حتی دورترین و کوچک ترین مکان خواب یک کودک کار را جست و جو کند.

با وجود فقر آماری در ایران در هر حوزه از جمله کودکان کار، همچنان راه انکار این معضل به روی مسوولان باز گذاشته شده است.

مریم پناهی عضو کانون فرهنگی، حمایتی کودکان کار در گفت و گو با ایلنا به تحقیقی پیرامون 20 مورد از انواع کار کودکان اشاره می کند و می گوید: کودکان کار جنسی، کودکان گل فروش، کودکان حمل کننده مواد مخدر، کودکان بزرگراهی، کوره پزخانه ها، کودکان کار خانگی، کارخانه ها، مزارع، دامداری ها و کودکان ازدواج کرده از جمله مواردی هستند که مورد بررسی قرار گرفته و شرایط آنها سنجیده شده است.

او در پاسخ به سئوالی پیرامون آمار مربوط به این کودکان، ادامه می دهد: بزرگترین معضل مربوط به این قبیل

کودکان خلاءهای آماری است؛ چرا که کار کودک در خانه ها نادیده گرفته شده و تعداد بی شماری از کودکان در

شرایط بسیار نابسامان کاری و دور از چشم مردم و مسوولان مشغول به کار هستند.

اجحاف مضاعف با وجود فقر آماری

پناهی عضو کانون فرهنگی - حمایتی کودکان کار می گوید: وقتی ده سال گذشته کار خود را در محله پامنار آغاز

کردیم، تعداد کودکان به 30 نفر نمی‌رسید، اما در حال حاضر بعد از گذشت ده سال، هزار و 200 کودک در پامناز تحت حمایت انجمن هستند و این روند در سایر انجمن‌های حمایتی پراکنده در کشور که پیرامون کودکان فعالیت می‌کنند، نیز مشاهده می‌شود.

پناهی به تحقیقات صورت گرفته اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: روستاهای تبریز، بالاترین آمار مربوط به کودکان کار در قالی‌باف‌خانه‌ها و یا کارگاه‌ها را دارند که بهترین قالی‌ها را با ارزان‌ترین قیمت می‌بافند؛ چرا که گره‌های در هم تنیده شده توسط انگشتان ریز کودکان به خوبی بافته می‌شود. سختی کار کودک در روستاهای زابل، زاهدان، سیستان و بلوچستان، بسیار چشمگیر بوده و این مساله بیشتر شامل دختران کار است که بیشتر در معرض انواع آسیب‌های جسمی، جنسی، روحی و عاطفی قرار دارند.

عضو کانون فرهنگی - حمایتی کودکان کار ادامه داد: متأسفانه در حال حاضر دغدغه‌ای در شهرداری وجود دارد که بر این اساس نسبت به جمع‌آوری فله‌ای کودکان کار در خیابان‌ها اقدام می‌کنند. در حالی که تعداد کثیری از کودکان با کار در کارگاه‌های زیرزمینی و تولیدی هر گونه تحقیر و توهینی را تحمل می‌کنند و شاهد انواع تبعیض‌ها هستند.

این فعال حوزه کودکان تصریح می‌کند: در حال حاضر کارفرمایان این کودکان هزاران خواسته و توقع بی‌جا در کارگاه‌های تنگ و تاریک دارند و با انواع و اقسام آزارهای جسمی، روحی، روانی و ... آنها را شکنجه می‌دهند. فشار چهار چنگولی انجمن‌ها و فشار مضاعف مسوولان غافل پناهی از نگرانی‌ها می‌گوید: گزارش‌هایی رسیده مبنی بر اینکه کودکان خارج از چرخه تحصیل و یا ترک تحصیل کرده‌هایی که چوب فقر خانواده را می‌خورند، در صورتی که نتوانند کار پیدا کنند و یا شانس به آنها رو نکند، شلاق پدر و یا سرکوفت مادر هر 20 روز یک بار آنها را تهدید می‌کند و یا اگر دختر هم باشند، نیروی کار خانه محسوب می‌شوند.

عضو کانون فرهنگی - حمایتی کودکان کار به هفته کارگر اشاره می‌کند و به حرف‌های تکراری ده سال گذشته می‌رسد و می‌گوید: تمام انجمن و کانون‌های حمایتی مربوط به کودکان مانند جزیره‌ای متروک تلاش می‌کنند تا سختی پدیده کار کودک را از طریق پرداخت کمک هزینه تحصیل کم کنند، اما این کار از وظایف مسلم دولت است؛ چرا که ایران از نظر منابع ثروتمند است. او از آموزش و پرورش می‌خواهد تا به کودکان خارج از چرخه تحصیل توجه کند و می‌گوید: با همان فشار چهارچنگولی که انجمن‌ها برای هدایت کودکان به سمت آموزش به کار می‌برند، دو برابر این نیرو در آموزش و پرورش صرف بازماندن این کودکان از چرخه تحصیل می‌شود!

کودکان کار نه تشکیلات و صنفی دارند و نه با حقوق خود آشنا هستند. کورسوی امید آنها به تعدادی از انجمن‌های حمایتی است که این انجمن‌ها هم با بی‌عنايتی مسوولان مواجهند.

علی 12 ساله، کودک گل‌فروش جاده بهشت‌زهره آرزو دارد وقتی بزرگ شد با زهرا که شیفت صبح گل می‌فروشد، ازدواج کند و می‌خواهد آنقدر پول جمع کند تا شاید روزی بتواند زهرا را زیر مشتم و لگدهای ناپدری‌اش راحت کرده و او را با خود به دنیای آرامش ببرد.

کودکان کار نمی‌دانند که مطابق با ماده 79 قانون کار کودکان و نوجوانان، به کار گماردن افراد کمتر از 15 سال تمام، ممنوع بوده و نزدیک به هفت سال نیز از پیوستن ایران به مقابله‌نامه 182 سازمان بین‌المللی کار مبنی بر منع بدترین اشکال کار برای کودکان وجود دارد، اما آیا مسوولان هم به قوانین اشراف دارند؟

فاطمه قاسم‌زاده عضو کمیته هماهنگی شبکه یاری کودکان کار ایران به ایلنا می‌گوید: این امکان وجود دارد که کودکان کار 15 سال به بالا مورد نظارت و حمایت قرار گیرند اما چون وزارت کار، نان‌آوری کودکان زیر 15 سال را مجاز نمی‌داند، نظارتی هم بر روند اجرای این قوانین نمی‌کند. در عین حال هیچ نظارتی هم بر کارگاه‌هایی که تعداد کارگرهای شاغل در آن کمتر از 10 نفر بوده، نیست چرا که این کارگاه‌ها را از شمول قانون کار خارج می‌دانند و به این بهانه که تعداد نیروهای نظارتی کم است، از این امر مهم سر باز می‌زنند.

کودکان کار اتحادیه می‌خواهند

این فعال حوزه کودکان با اعلام اینکه فقر مالی خانواده‌ها باعث افزایش تعداد نان‌آوران کوچک شده است، می‌گوید: سازمان‌های دولتی باید برای کاهش رنج کودکان گام بردارند چرا که متأسفانه کار کودک قابل حذف نیست و از روی تفنن انجام نمی‌شود، بلکه فقر، کودکان را به کار و می‌دارد.

او ادامه می‌دهد: کودکان کار تشکیلاتی ندارند که منافع خود را در چارچوب اتحادیه‌ها حفظ کنند، در حالی که باید برای کودکان کار نوجوان در سنین 15 تا 18 سال، جایگاهی در نهادهای غیردولتی در نظر گرفته شود تا بتوانند مشکلات خود را مطرح کنند. چرا که این نوجوانان با نداشتن اتحادیه و ارگان نظارتی از بسیاری حقوق مسلم، محروم می‌شوند.

قاسم‌زاده به معضل دیگری اشاره می‌کند و می‌گوید: نظارت وزارت کار بر روی کارگاه‌ها هم از نظر کیفی مشکل دارند و هم از نظر کمی؛ به طوری که با کم بودن تعداد نیروهای نظارتی توانایی نظارت بر کار کودکان از عهده وزارت کار ساقط است.

عضو کمیته هماهنگی شبکه یاری کودکان کار ایران تاکید می‌کند: سال‌ها از مصوبه هیات دولت مبنی بر اینکه کارگاه‌های کمتر از ده نفر جمعیت از شمول قانون کار خارج هستند، می‌گذرد در حالی که این مساله با وجود تعداد زیادی کودک شاغل در کارگاه‌های این‌چنینی يك نقص بزرگ است.

او به ضعف قوانین نیز می‌پردازد و ادامه می‌دهد: از ناحیه قانون هم به کودکان اجحاف می‌شود چرا که تنها در دنباله قانون کار بزرگسالان، چند ماده به کودک کار اشاره کرده و از دیدگاه قانونی تدبیری برای کودکان کار نشده است و زمان کار کودکان تنها نیم ساعت با کار بزرگسالان تفاوت دارد، در حالی که نیم ساعت مشکلی از معضلات عدیده کودکان کار کم نمی‌کند و در طی نیم ساعت نمی‌توانند مهارتی یاد بگیرند و کودکی کنند.

سهم گم شده کودکان کار در هفته کارگر

هفته کارگر که در اصل یادآور مبارزات کارگران در دوره‌های مختلف است می‌تواند فرصت مناسبی برای طرح معضلات و کاستی‌های مربوط به کودکان کار باشد چرا که دولت ایران در سال 80 به مقاله‌نامه 182 حقوق بنیادین کار پیوسته و کنوانسیون حقوق کودک را در سال 70 امضا کرده است. تمام قوانین با تمام کاستی‌ها و ضعف در اجرا برای آن است که شاید فشارهای وارد آمده بر روی کودکان که نشأت گرفته از فقر است، جبران شود.

کودکان کار باید بتوانند سهمی از حق خود برای کودکی را ادا کنند و مانند سایر شهروندان از حقوق انسانی مانند آموزش، بهداشت، تغذیه مناسب، اوقات فراغت، تأمین اجتماعی و ... برخوردار شوند نه آنکه به واسطه فقر و شرایط نامناسب کاری با سایر معضلات مانند اعتیاد، آزار جنسی و ... دست و پنجه نرم کنند و مشکلی به معضلات آنها افزوده شود.

به لقمه‌های کوچک کودکان کار تامل کنیم

بیباید به کثیفی لقمه‌های غذا در مخازن زباله شهرداری برای کودکان کار فکر کنیم، کیسه سیاه‌رنگ مواد مخدر که توسط کودکان جابجا می‌شود و یا به حرارت کوره‌پزخانه‌ها، کوره‌های ذوب مواد اولیه و صدها پله زیرزمینی که کودکان با سرازیر شدن در این کارگاه‌ها جای پای کودکان آینده را هم برای چنین سرنوشتی باز می‌کنند، بیاندیشم.

دو گزارش از گیلان

شرکت تن آور دلیر

به نوشته سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری از قول فعالان ضد سرمایه داری گیلان در تاریخ 10 اردیبهشت نوشته است :

این شرکت وابسته به بخش خصوصی و متعلق به فردی به نام دلیری از اهالی فومن است . دلیری در گذشته نه چندان دور دلال اتومبیل بود . وی از طریق زد و بند با بانک ها موفق بگرفتن وام کلان گردید و در حدود 7 سال پیش این شرکت را در شهر صنعتی رشت تأسیس کرد. وی در این مدت از ارزش افزوده ناشی از استثمار کارگران و کشیدن شیره جان آنان سرمایه اولیه خود را هزاران برابر کرده و ثروت هنگفتی به دست آورده است. حالا الگانس سوار شده و فرزندش با پول حاصل از درد و رنج کارگران در مالزی مشغول به تحصیل است. در این کارخانه حدود 70 کارگر استثمار می شوند. دستمزد روزانه آنها 6 هزار تومان و ساعت کار از 6 صبح الی 6 و گاهی 7 غروب است . اما معمولا کارگران دستگاہ های کارخانه را از ساعت 4/30 روشن می کنند و کار تا 13-14 ساعت ادامه می یابد. در ازای اضافه کاری فقط ساعتی 500 تومان پرداخت می شود. این کارخانه فاقد سالن نهار خوری است . کلیه کارگران قراردادی و شدت کار بالا است. اکثر کارگران بیش از 3 ماه دوام نمی آورند. ماهی تن از جنوب به شمال حمل می شوند . مدتی به علت کمبود ماهی تن از ماهی فیتفا استفاده کردند که این تقلب موجب کم شدن فروش محصولات کارخانه بود . مالک و کارفرمای کارخانه برای جو سازی و جلوگیری از اعتراضات کارگران هم اکنون به آنان اختار داده که وضع کارخانه خوب نیست و ممکن است کارخانه تعطیل شود از این رو کارگران باید به شدت کار کنند و شرایط موجود را تحمل کنند. سرمایه دار صاحب کارخانه برای ترساندن کارگران از اخراج و بیکاری یک مینی بوس با حدود 25 نفر کارگر از فومن آورده تا بین کارگران تفرقه بیندازد . کارگران هم متأسفانه هیچ تشکلی ندارند تا با تکیه بر نیروی متشکل خودشان در مقابله با تهاجم سرمایه به هست و نیست شان از حقوق خود دفاع کنند. و تا وقتی چنین نکنند یعنی شورایی و ضد سرمایه داری متشکل نشوند، مسلماً بهبودی در وضع معیشت و زندگی آنان ایجاد نخواهد شد.

مرغداری های زنجیره ای حاجی نوید

به نوشته سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری از قول فعالان ضد سرمایه داری گیلان در تاریخ 10 اردیبهشت نوشته است :

حاجی نوید سرمایه داری اهل سنگر از شهرستان های اطراف رشت در استان گیلان است. وی صاحب یازده مرغداری زنجیره ای در سطح استان گیلان است که به کمک برادران خود آن ها را مدیریت می کند. در مرغداری های حاجی نوید بیش از 1500 کارگرمشغول به کار هستند. وی در نقاط مختلف استان از جمله در انتهای جاده پیربازار، ضیابر، صومعه سرا، کوچصفهان، حسن رود، شهر صنعتی رشت ، امامزاده هاشم ، سنگر، سده کوچصفهان و مرغداری دارد. اکثر کارگرانی که در این مرغداری ها کار می کنند اهل سنگر و روستاهای اطراف هستند. دستمزد کارگران بر اساس مصوبه اداره کار و در صحن مرغداری پرداخت می شود و از سیستم کارت زنی برای محاسبه زمان کار استفاده می کنند. وی همچنین دارای کشتارگاه اطراف صومعه سرا در محور طاهر گوراب می باشد. حاجی نوید پس از ورشکسته شدن مرغداری های کوچک در رقابت بازار، از فرصت استفاده کرده مرغداری های ورشکسته آن ها را خریداری می کند. حاجی نوید همچنین دارای فروشگاه هایی در سطح رشت جهت فروش محصولات مرغی می باشد. در عین حال حاجی نوید دارای استخر پرورش ماهی در مناطق مختلف استان گیلان است .

گوشه هائی از درد و رنج کارگران از زبان خودشان

به نوشته سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری در تاریخ 10 اردیبهشت نوشته است :

بازنشسته قبل از سال 79: ما بازنشستگان قبل از سال 79 وضعیت دردناکی داریم زیرا اولاً" مطالبات معوقه ما را نمی پردازند، ثانیاً اگر بیش از 70 سال داشته باشیم ما را مشمول بیمه عمر و حوادث قرار نمی دهند، ثالثاً تسهیلاتی مانند وام خرید خودرو به ما تعلق نمی گیرد و از همه مهم تر دستمزد ما کفاف یک نان بخور و نمیر

هم نمی دهد. دستمزد شاغلین و بازنشستگان دولت باید به اندازه ای افزایش یابد که لاقلاً آنان را از خط فقر خارج کند.

کارگر راه آهن: کارکنان راه آهن از مدت ها قبل 180 هزار تومان به عنوان « حق مشارکت » دریافت می کردند که متأسفانه بدون اعلام دلیل خاصی ، این مبلغ از حقوق آنان کسر شده و از نظر مالی مشکلاتی برایشان ایجاد کرده است

عضو تعاونی مسکن گمرک: حدود یک هزار نفر از اعضای شرکت تعاونی مسکن کارکنان گمرک ایران سال هاست که برای تحویل گرفتن اراضی مورد نظر در شهرک اندیشه کرج انتظار می کشند و با این که بابت آن تا کنون 2 بار مبالغی را به حساب بانک تعاونی مزبور واریز کرده اند هنوز موفق به گرفتن زمین هایشان نشده اند. **معلم حق التدریسی:** معلم حق التدریسی هستم وقتی برای دریافت حقوق خود در اسفند سال 88 مراجعه کردم متوجه شدم 58 هزار تومان آن کسر شده است . دلیلش را از حسابداری پرسیدم پاسخ داد: حق الزحمه تعطیلات رسمی کشور از اول مهر تا پایان اسفند 88 محاسبه و از حقوق معلمان حق التدریس کسر شده است. آیا این ظلم نیست ؟

کارگر آتش نشانی: کارگران آتش نشانی با وجود انجام کار در شرایط بسیار سخت و خطرناک مشمول قانون مشاغل سخت و زیان آور نمی شوند. این حق محرز و مفروض همه امدادگران و آتش نشانان هاست که مشمول قانون مشاغل سخت و زیان آور شوند و پیش از موعد بتوانند خود را بازنشسته کنند. **معلم هنرستان:** کارکنان هنرستان های توحید و دکتر حسابی نظر آباد کرج از سال 1386 تا امروز اضافه کاری های ساعتی خود را دریافت نکرده اند.

کارگر پیر: بیکاری جوانان درسقز کردستان بیداد می کند. انبوه جوانان صبح تا شب بی هدف و برنامه در سطح شهر خیابان گردی می کنند، به قاچاق کالا از عراق روی می آورند یا به اعتیاد پناه می برند . من در دوران بازنشستگی به جای آرامش و آسودگی باید نگران 2 فرزند جوان و تحصیلکرده ام باشم که بیکارند و باید خرج آن ها را هم بدهم.

جوان بیکار: از بیکاری صبح تا شب دستم را به کمر می زنم و خیابانگردی می کنم یا در منزل می خوابم . در ضمن ته جیب من حتی پانصد تومان پیدا نمی شود . پس انداز بانکی که جای خود دارد. برای پیدا کردن کار به هر دری زدم موفق نشدم . چرا ما جوانان در عنفوان جوانی باید بیکار و بی پول و سرگردان باشیم و استعداد و جوانی مان به هدر رود؟.

فعلان ضد سرمایه داری گیلان

10 اردیبهشت 1389

همزمان با روز جهانی کارگر؛

مراسم دولتی روز کارگر در وزارت کشور برگزار شد

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنادر تاریخ 10 اردیبهشت آمده است : مراسم دولتی روز جهانی کارگر امسال با حضور احمدی نژاد و چهره های از جمله حبیب الله عسگرآولادی، دبیرکل جبهه پیروان خط امام و رهبری در وزارت کشور برگزار شد.

به گزارش ایلنا، همزمان با این مراسم دولتی، مراسم غیر دولتی روز جهانی کارگر با حضور اقشار مختلف کارگری در ورزشگاه خیریه عمل، در منطقه پونک برگزار شد این در حالی است که در مراسمی که در وزارت کشور برگزار شد محمود احمدی نژاد حجم بیشتر سخنان خود را به مطالب پیرامون تحولات بین المللی و سیاست های ایالات متحده آمریکا اختصاص داد.

رئیس جمهور در سخنان خود جامعه کارگری را آگاهترین ، مومن ترین و انقلابی ترین قشر جامعه دانست و گفت : جامعه کارگری در طول دوران پس از انقلاب اسلامی پیشقراول ملت ایران در عرصه های سنگین حوادث بوده و بالاترین نمره را در امتحانات سخت سی و یک سال گذشته گرفته است

به گزارش ایلنا؛ محمود احمدی نژاد پیش از ظهر امروز در همایش روز جهانی کارگر با قدردانی از زحمات قشر کارگر سراسر کشور اظهار داشت : جامعه کارگری کشورمان در جایی که نیازمند هوشمندی ، جانفشانی ، خودگذشتگی و کار و تلاش و استقامت بوده است، همواره در خط مقدم حضور داشته است.

وی در ادامه با بیان اینکه باید ایران اسلامی به سرعت ساخته شود گفت: ساختن ایران نیازمند کار و تلاش است و اگر همه امکانات و شرایط طبیعی برای یک ملت فراهم باشد اما کار و تلاش خستگی ناپذیر وجود نداشته باشد، آن ملت نمی تواند به جایی برسد.

رئیس جمهور افزود: کار مقدس است ، زیرا دوام ، عزت و سرافرازی یک ملت وابسته به کار است.

وی خاطر نشان کرد : اگر اعمال صالح فهرست و تنظیم شوند بدون تردید کار برای ساختن ایران در صدر این فهرست جای خواهد گرفت و امروز ساختن ایران بزرگترین عمل صالح است چرا که پیشرفت و ساخته شدن ایران معادل اثبات حقانیت اندیشه توحیدی و عدالت طلبی و راه انبیاء الهی است.

احمدی نژاد گفت : آنچه امور کشور را به پیش می برد کار است و هر عاملی که بخواهد ذهن و دل ملت ایران را از کار و ساختن و پیشرفت منحرف کند بدون شك از نیت های صادق و دلسوز برخوردار نیست .

وی با بیان اینکه پیشرفت ایران با همت جامعه کارگری با سرعت روز افزون ادامه خواهد داشت ، گفت : امسال که به عنوان کار مضاعف نامگذاری شده است در متن و درون خود تکریم کار و کارگر را بدنبال دارد، اگر بنا است در کشور کار انجام شود باید نفس کار ، کارگر و جامعه کارگری مورد توجه و اهتمام قرار گیرد .

رئیس جمهور با تأکید بر اهتمام ویژه دولت مبنی بر تعظیم و اکرام کار و کارگری در کشور خاطرنشان کرد :

مهمترین کاری که دولت در سال جاری باید در جهت ارزش گذاری به کار و کارگر انجام دهد این است که ارزش کارگر و جامعه کارگری را در کشور ارتقاء دهد .

وي با اشاره به ضرورت افزایش میزان اشتغال در کشور گفت : امسال به فضل الهي سال رونق ایجاد اشتغال در کشور خواهد بود و دولت مصمم است به اندازه‌اي فرصت‌هاي شغلي را افزایش دهد که دغدغه‌اي از نبود فرصت‌هاي شغلي در کشور وجود نداشته باشد .

احمدی نژاد افزود: دولت برنامه‌هاي مختلفی براي ایجاد اشتغال در بخش‌هاي گوناگون تدارك دیده تا با ایجاد جهشي در اشتغالزايي ، انباشت متقاضی کار طی سالیان گذشته جبران شود و امنیت خاطري در این زمینه در جامعه بوجود آید.

وي در ادامه خاطر نشان کرد : با همت ، عزم و همدلي بي‌نظيري که ملت ایران در صحنه‌هاي گوناگون از خود نشان داده است ، بالاترین قله‌هاي پیشرفت در کوتاه‌ترین زمان ممکن در دسترس ملت ایران قرار دارد .

رییس جمهور با بیان اینکه دشمنان از همدلي عظیم ملت ایران عصبانی هستند ، گفت : آنان در شرایطی که فکر می‌کردند رقیبی در دنیا ندارند و بدنبال برنامه‌ریزی برای حاکمیت سیصد ساله بر ثروت ، عزت و فرهنگ ملت‌ها بودند با پیروزي انقلاب اسلامي با ملتي مواجه شدند که اندیشه و حرف تازه‌اي برای بشریت داشت .

وي تصریح کرد : ملت ایران با همدلي، اتحاد ، حرکت در مسیر ولایت و امامت و استعدادهاي انساني و طبیعی همه قله‌هاي پیشرفت و عزت را زیر پا خواهد گذاشت .

احمدی نژاد با اشاره به عوامل عصبانیت دشمنان از ملت ایران گفت : دشمنان از وجود ظرفیت‌ها و استعدادهاي انساني ومادي فراوان در ایران اسلامي و نیز ملتي متحد و راسخ که به دنبال اهداف بلند است، عصبانی و نگران هستند ؛ اگر ملت ایران ملتي متفرق و ضعیف بود بدون تردید دشمنان هیچ گونه احساس نگرانی و هراسی نمی‌کردند .

وي گفت : دشمنان در طول تاریخ و در دوره انقلاب توانایی‌هاي ملت ایران را تجربه کرده‌اند و به وضوح دیدند که چگونه در دوران دفاع مقدس که همه قدرت‌هاي عالم امکانات خود را بسیج کرده بودند، ملت ایران با دستان خالي تودهنی محکمی بر دهان آنان زد .

رییس جمهور همچنین با اشاره به دوره ریاست جمهوری بوش در آمریکا گفت : در این دوران آقای بوش همه موجودیت آمریکا را برای مقابله با ملت ایران به نمایش درآورد اما همگان دیدند که آنچه برای ملت ایران اهمیتی نداشت، اقدامات تهدیدآمیز وي بود . آنان امروز به این نکته پی برده‌اند که ملت ایران برای قلداری مآبی عده‌اي زورگو ارزشی قائل نیست .

وي در ادامه با اشاره به زیاده‌خواهی قدرت‌هاي زورگو خاطر نشان کرد : قدرت‌هاي زورگو از جمله دولت آمریکا هر جایی که ادعا و طلبکاری می‌کنند، دقیقاً نقطه بدهکاری و اتهامشان است ؛ کسانی که بمب اتم می‌سازند از آن استفاده کرده و امروز هم ملت‌ها را با آن تهدید می‌کنند جالب است که پرچمدار مبارزه با سلاح اتمی شده است .

احمدی نژاد خاطر نشان کرد : امروز مدعیان صیانت از حقوق بشر و دموکراسی و مبارزه با تروریسم فقط در عراق بیش از يك میلیون و سیصد و پنجاه هزار نفر و در افغانستان بیش از صد هزار نفر را قتل عام کرده‌اند .

وي گفت : اسنادی وجود دارد که سرخط اصلی جریانات تروریستی جهان در دست رژیم صهیونیستی و آمریکا قرار دارد ؛ مدعیان مبارزه با تروریست عامل اصلی سازماندهی و ایجاد تروریست در جهان هستند و این که مطرح می‌کنند علیرغم اقدامات آنها هنوز مشکل تروریست در افغانستان و عراق حل نشده است این است که مشکل اصلی خودشان هستند و اگر از منطقه خارج شوند منطقه به آرامش و امنیت خواهد رسید .

رییس جمهور گفت : کسانی که مدعی و پرچمدار دموکراسی در جهان هستند، دیکتاتورترین و خشن ترین افراد و شخصیت‌ها را مورد حمایت قرار می‌دهند و در مقابل با کشورهایی که دموکراسی واقعی در آن برقرار است مخالفت می‌کنند .

وي افزود: آنان مستقیماً علیه ملت ایران و حضور 85 درصدی مردم در انتخابات موضع گیری کردند .

احمدی نژاد گفت: تمام جنگ‌هایی که آمریکا در طول تاریخ انجام داده همگی علیه دوستان و همپیمانان خود بوده که یکی از موارد آن صدام است و این در حالی است که از پایبندی به دوستی و قانون حرف می‌زند .

وي افزود: اقدامات و رفتار دولت آمریکا برای ملت‌ها بویژه برای ملت ایران فاش شده است آنان امروز می‌دانند که هیچ کاری نمی‌توانند علیه ملت ایران انجام دهند .

رییس‌جمهور ادامه داد : دولت آمریکا اگر بخواهد نجات پیدا کند و برای آینده خود فرصتی داشته باشد تنها راه استفاده از فرصت دوستی با ملت ایران است .

وي خاطر نشان کرد : آنها باید بدانند که امروز ملت ایران مصمم است که همه قله‌هاي عزت و پیشرفت را فتح کرده و برای تهدیدات دشمنان و بدخواهان خود ذره‌اي ارزش قائل نیست .

احمدی نژاد با بیان اینکه ملت ایران اهل منطق ، عدالت ، تفاهم و همکاری است، اظهار داشت : دولت‌هاي زورگو بدانند هر دستی که بخواهد علیه ملت ایران دراز شود و هر قلمی که بخواهد علیه ملت ایران مطلبی را امضاء کند، ملت ایران آن دست را قطع خواهند کرد .

وي افزود : مدعیان جهانی اگر با ملت ایران همراهی کنند به نفع خودشان است و ما هم از آن استقبال می‌کنیم معتقدیم همراهی بهتر از تقابل است اما باید بدانند تقابل آنها نه تنها کوچکترین مانعی در مسیر ملت ایران ایجاد نخواهد کرد بلکه انگیزه ملت ایران را برای کار و پیشرفت و همت بیشتر افزون‌تر می‌کند .

رییس جمهور گفت : امروز دوره‌اي که عده‌اي برای دنیا تصمیم بگیرند به پایان رسیده و همه باید در مدیریت دنیا مشارکت داشته باشند ؛ باید نظامی بر پایه عدالت در جهان حاکم شود و ملت ایران آماده مشارکت در مدیریت جهانی بر پایه عدالت و پاکی است .

وي خطاب به زورگویان و زیاده‌خواهان خاطر نشان کرد : اگر با ملت ایران همکاری کردید در آینده نیز جایگاهی خواهید داشت در غیر این صورت کسانی که در برابر ملت ایران بایستند هیچ جایگاهی در آینده جهان نخواهند

لوموند: از آغاز سال جدید در ایران بیش از ۵۰ درصد از پروانه های کار کارگران لغو شده است

روزنامه لوموند در مقاله ای به طنز روز جهانی کارگر را به کارگران ایرانی که به برکت رئیس جمهوری پوپولیست ایران پنج سال است وعده پول نفت بر سر سفره هایشان را دریافت می کنند، تریک گفته است. لوموند در ادامه می نویسد، اما نگاهی دقیقتر نشان می دهد که این روز بر خلاف دیگر نقاط جهان برای کارگران ایران با شادی همراه نبوده است. از آغاز سال جدید در ایران بیش از ۵۰ درصد از پروانه های کار کارگران لغو شده است. در این میان، نهاد دولتی موسوم به شورای اسلامی کار اعلام کرده است که میزان شکایات کارگران بیش از هفتاد درصد افزایش یافته؛ و در تهران و شهرهای بزرگ ایران، بیش از چهل درصد به تعداد کارگران بیکار، افزوده شده است. روزنامه لوموند در پایان نوشته است در روز جهانی کارگر، جمعیت چند صد نفری تظاهر کنندگانی که در برابر ساختمان وزارت کار در تهران اجتماع کرده بودند توسط نیروهای امنیتی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و دستکم پنج نفر دستگیر شدند.

ایلنا: طبقه کارگر در ایران نهادی ست که قدرت چانه زنی حتی برای تعیین دست مزد را هم ندارد

به رغم آنکه محمود احمدی نژاد در همایش روز جهانی کارگر جامعه کارگری کشور را «از آگاه ترین، عمیق ترین و موثر ترین اقشار جامعه توصیف کرد و کارگران را پیشقراولان ملت ایران در عرصه های سنگین انقلاب لقب داد» و در سخنان خود بر رونق ایجاد اشتغال تاکید کرد به نوشته ایلنا، خبرگزاری کار ایران، طبقه کارگر در ایران نهادی ست که قدرت چانه زنی، حتی برای تعیین دست مزد را هم ندارد. این منبع با اشاره به خانواده ۲۶ میلیونی نفری کارگران کشور از عدم توان تغییر مقررات کار توسط کارگران می گوید.

نیویورک تایمز: عدم استقبال معلمان و کارگران از فراخوان موسوی و کروبی، حضور گسترده پلیس در خیابان ها بود

روزنامه نیویورک تایمز عدم استقبال معلمان و کارگران از فراخوان همبستگی با میرحسین موسوی و مهدی کروبی رهبران اصلاح طلبان برای تظاهرات روز کارگر را ناشی از ارباب دستگاه حکومتی و حضور گسترده پلیس در خیابان ها خوانده است. نازیلا فتحی نویسنده مقاله، با اشاره به حضور چندین هزار نیروی امنیتی در فاصله میدان انقلاب تا ساختمان وزارت کار، فضای حاکم بر شهر تهران در روز شنبه را رعب آور خوانده است.

دستگیری هفتمین عضو کانون صنفی معلمان ایران

سایت حکومتی امروز در تاریخ 10 اردیبهشت نوشت : در آستانه روز معلم و در راستای فشارهای گسترده بر فعالان فرهنگی، یکی دیگر از اعضای کانون صنفی معلمان در تبریز بازداشت شد و بدین ترتیب کمتر از پنج روز مانده به روز معلم، هفتمین عضو کانون صنفی معلمان ایران، طی روزهای اخیر مشمول حکم دستگیری و انتقال به بازداشتگاه شد. سامانه خبری گزارشگران هرانا، با انتشار خبر دستگیری توفیق مرتضی پور، عضو کانون صنفی معلمان در تبریز، خاطرنشان کرد "این فعال فرهنگی، در پی یورش نیروهای امنیتی به منزل شخصی اش در تبریز بازداشت شد و مأموران پس از ورود به منزل وی، ضمن تفتیش آن محل، کیس کامپیوتر و برخی وسایل شخصی را نیز ضبط کردند." روز گذشته نیز، علی اکبر باغانی و محمد بهشتی لنگرودی، دبیرکل و سخنگوی کانون صنفی معلمان ایران دستگیر شدند. گفتنی است در اواسط هفته جاری نیز، جلال نادری، علی نجفی و محمد خانی و سعید جهان آرا، چهار فعال حقوق معلمان در شهر همدان احضار و بازداشت شدند. اوایل هفته احکام جزایی علی صادقی و محمد توکلی، دو تن از اعضای شورای مرکزی کانون صنفی معلمان استان کرمانشاه نیز صادر گردید که به پرداخت جزای نقدی و جزای بدل از شلاق محکوم شدند.

دریاچه ارومیه در واپسین روزهای حیات

سایت رادیو آلمان در تاریخ 10 اردیبهشت نوشت : دریاچه ارومیه در خطری جدی قرار دارد. چندین سال است که مساحت این دریاچه کاهشی چشمگیر پیدا کرده است. سدسازی، عدم استفاده صحیح از آب دریاچه، حفر چاهها و راندمان پایین آبیاری از مهم ترین دلایل مرگ تدریجی این دریاچه اند. در ۱۳ فروردین سال جاری روز طبیعت با گردهمایی نجات دریاچه ارومیه پیوند یافت. در این روز مردم آذربایجان به فراخوان طرفداران محیط زیست پاسخ داده و در کنار پل میانگذر دریاچه ارومیه برای نجات این دریاچه شعار سر دادند. پاسخ مأموران امنیتی به مردم ضرب و شتم و زندان بود. این پاسخ تحلیل برخی از تحلیلگران را که معتقدند،

بی‌توجهی به دریاچه‌ی ارومیه رویکردی سیاسی و در حقیقت بی‌توجهی به آذربایجان است را قوت بخشید. با این حال برخی تصور می‌کنند که مشکل مرگ دریاچه‌ی ارومیه مشکلی سیاسی و مربوط به منطقه‌ای خاص نیست، بلکه مشکلی است مربوط به سراسر کشور. دکتر علی‌حضوری، محقق تاریخ و امکانات جغرافیایی، مقیم استکهلم، از کسانی است که تصور می‌کند، سیاسی کردن بحران دریاچه‌ی ارومیه کمکی به حل مشکل آن نمی‌کند: «من معتقدم که اگر هم این مسئله سیاسی باشد، کاملاً عمومی است. من خودم آذربایجانی‌ام، اما معتقد نیستم که اینها به خاطر بی‌توجهی به آذربایجان این کار را می‌کنند. دریاچه‌ی پریشان را چرا خشک کردند؟ جلوی این دریاچه شن و خاک ریختند و تمام لانه‌های پرندگان و پلیکان‌ها را خراب کردند و دریاچه‌ی پریشان هم خشک شد. دریاچه‌ی بختگان هم تقریباً خشک شد».

دریاچه‌ی ارومیه در شمال غربی ایران و در منطقه‌ی آذربایجان واقع شده است. آب این دریاچه بسیار شور و میزان نمک محلول در آن دو برابر اقیانوس‌ها است. دریاچه ارومیه دارای ۱۰۲ جزیره است که همه‌ی آنها از سوی سازمان یونسکو به عنوان اندوخته‌ی طبیعی جهان به ثبت رسیده است. تا کنون ۲۵۰ هزار هکتار از سطح آب دریاچه‌ی ارومیه به شوره‌زار تبدیل شده و شوری آب آن گاهی به ۳۴۰ گرم در لیتر رسیده است.

در صورتی که خشک شدن دریاچه‌ی ارومیه همچنان ادامه پیدا کند، این دریاچه به کلی خشک و به شوره‌زار تبدیل خواهد شد و خطر پخش شدن املاح به اطراف ساکنان منطقه را تهدید خواهد کرد. دکتر حضوری می‌گوید: «این تجربه در دریاچه‌ی آرال به دست آمده. دریاچه‌ی آرال در شمال تاجیکستان قرار دارد و بین چند کشور مشترک است. حدود ۴۰ تا ۵۰ سال پیش روس‌ها روی رودخانه‌هایی که به این دریاچه می‌ریخت سد زدند و آبش را بردند به ترکمنستان و جاهای دیگر و کشت پنبه را رونق دادند و خیلی هم خوشحال بودند که مثلاً کشت پنبه‌ی آنها چند برابر شد. اما کم‌کم دریاچه خشک شد و وقتی که خشک شد، جمعیت بزرگی در اطراف دریاچه به سرطان مبتلا شدند».

علل خشک شدن دریاچه ارومیه

سدسازی بی‌رویه، عدم رعایت حقایق، خشکسالی و کاهش نزولات آسمانی، عدم استفاده‌ی صحیح از آب در داخل حوزه‌ی آبی، حفر بی‌رویه‌ی چاه‌ها، راندمان پایین آبیاری در داخل حوزه‌ی آبریز دریاچه‌ی ارومیه را می‌توان از عمده‌ترین دلایل خشکی این دریاچه برشمرد.

چه باید کرد؟

دکتر علی‌حضوری، استاد سابق دانشگاه شیراز، بر روی اقدامات معینی برای نجات دریاچه‌ی ارومیه تأکید می‌کند: «باید حقایق دریاچه را مراعات کنند. یعنی از رودخانه‌ها و سدهای اطراف به اندازه‌ی آب بردارند که سطح آب دریاچه‌ی ارومیه پایین نرود. باید مقداری از کشاورزی و غیره صرف‌نظر کرد و آب‌ها را رها کرد تا به دریاچه برسد».

توقف برداشت آب از چاه‌های پیرامون دریاچه، جلوگیری از ساخت سدهای در حال ساخت در تمامی منطقه‌ی آبریز دریاچه، تعیین حقایق، استفاده‌ی هر چه بیشتر از آبیاری قطره‌ای، حداکثر استفاده از آب و ایجاد تصفیه‌خانه‌های فاضلاب‌ها از جمله راه‌هایی است که کارشناسان برای نجات دریاچه‌ی ارومیه پیشنهاد می‌دهند.

راه دیگری که بسیاری از کارشناسان بر آن تأکید کرده‌اند انتقال آب از رودخانه‌های زاب، ارس و حتی دریای خزر به ارومیه است. علی‌حضوری توضیح می‌دهد: «از چند جا می‌شود آب برای دریاچه تدارک دید. نزدیک‌ترین همه‌ی اینها رودخانه‌ی زاب است که بین ایران و عراق قرار دارد. می‌شود با دولت عراق صحبت کرد، این آب را نصف کرد و نصفش را به دریاچه‌ی ارومیه آورد. گمان نمی‌کنم که مسیر آن بیشتر از ۲۰ تا ۲۵ کیلومتر باشد. می‌شود این راه را لوله کشید یا تونل زد آورد به دریاچه‌ی ارومیه».

راه دیگر رساندن آب از رودخانه ارس است که این راه ممکن است مشکلاتی ایجاد کند. برای اینکه ارس بین ۳ کشور مشترک است، ایران، ارمنستان و جمهوری آذربایجان.

راه سوم استفاده از آب دریای خزر است. حجم آب دریای خزر ۳۰۰ برابر حجم آب دریاچه‌ی ارومیه است. بنابراین هیچ مهم نیست که مقداری از آب دریاچه‌ی خزر را به اینجا منتقل کرد. ولی این راه حل دائمی نیست. برای اینکه آب دریاچه‌ی خزر در حال حاضر یکی از آلوده‌ترین آب‌های دنیا است. اگر بنا باشد همان آب آلوده را به دریاچه‌ی ارومیه منتقل کنند، حیات حیوانات آنجا به خطر خواهد افتاد و به علاوه برای مردم منطقه مضر خواهد بود. بنابراین من خیلی معتقد به انتقال آب دریاچه‌ی خزر نیستم. فکر می‌کنم از آب‌های شیرینی که هست، چه در ارس و چه رود زاب باید از استفاده شود».

راه حل دائمی چیست؟

دکتر حضوری می‌گوید: «آب سرمایه است. شما هیچ وقت بیشتر از پولی که در جیب‌تان هست خرج نمی‌کنید. در حالی که ما از آب دریاچه‌ی ارومیه بیش از ظرفیت آن مصرف می‌کنیم. باید به این فکر کرد که آن جمعیت راه دیگری برای زندگی داشته باشد و آب کمتری بخواهد. اگر ما استفاده‌ی درست از آب‌های غرب و همچنین از رودهای دیگر ایران بکنیم و با آن کشاورزی درستی انجام دهیم، می‌توانیم از میزان کاربرد آب در اطراف ارومیه کم کنیم و در نتیجه این دریاچه را به حال اول برگردانیم».

دکتر حضوری معتقد است، اگر دیگر راه‌های معیشتی در منطقه توسعه یابد، به نحوی که جمعیت کمتری به کشاورزی روی بیاورند و مصرف آب کمتر شود، امکان حل مشکل دریاچه‌ی ارومیه بیشتر خواهد شد: «این برنامه‌ها هم مشکل نیست. همچنان که در دنیا برای اشتغال و مصرف هر ملتی فکر می‌کنند، ما هم می‌توانیم برای همه‌ی این چیزها فکر کنیم، اما نمی‌کنیم و آسان‌ترین راه را انتخاب می‌کنیم. حتی در زمان آقای خاتمی آمدند آسان‌ترین راه را انتخاب کردند، مقداری از آب زاینده‌رود را کشیدند بردند به داخل کویر. در نتیجه زاینده‌رود در اصفهان خشک شد، گاوخونی هم دارد خشک می‌شود و به خود اصفهان و اطراف آن هم صدمه وارد آمده

است».
نویسنده: فریبا والیات
تحریریه: فرید وحیدی

مراسم روز جهانی کارگر در شهر سقز برگزار شد

امروز 89/2/10 جمع کثیری از زنان و مردان کارگر برای گرامیداشت روز کارگر از ساعت 5/5 صبح به طرف کوه جافل که محل تفریحگاه مردم سقز می باشد حرکت کردند.

ساعت 8 صبح مردم زیادی در بالای کوه تجمع کردند و مراسمی به مناسبت روز جهانی کارگر برگزار شد.

ابتدا برای احترام به جانبختگان راه آزادی طبقه کارگر یک دقیقه سکوت اعلام شد و حضار همگی قیام کردند و با یک قطعه شعر سکوت شکسته شد.

سپس محمود صالحی در مورد روز جهانی کارگر سخنانی ایراد کرد و به دنبال یک مقاله توسط یکی از حضار قرائت شد، در ادامه یک قطعه شعر تحت عنوان "من کارگرم" از طرف یکی دیگر از شرکت کنندگان قرائت شد.

مراسم با ارائه مطلبی از طرف یکی از دانشجویان شرکت کننده ادامه پیدا کرد.

مراسم با قرائت قطعنامه سراسری به پایان رسید و مردم با نظم و ترتیب به طرف شهر برگشتند. توضیحات بیشتر را بعدا به اطلاع خواهیم رساند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

11 اردیبهشت

قطعنامه مشترک روز جهانی کارگر تشکل های کارگری

اول ماه مه روز همبستگی بین المللی طبقه کارگر و روز اعتراض جهانی کارگران به فقر و فلاکت و نابرابری است. در این روز میلیونها کارگر در سراسر جهان دست از کار می کشند، خیابانها را به تسخیر خود در می آورند و با اعلام خشم و انزجار از مصائب بی شماری که نظام سرمایه داری بر بشریت تحمیل کرده است، رهائی از ستم و استثمار و بر پائی دنیائی بهتر را فریاد میزنند.

قطعنامه مشترک روز جهانی کارگر

طنین اعتراض به مشقات نظام سرمایه داری و برابری خواهی کارگران در اقصی نقاط جهان در حالی در روز اول ماه مه پهنه گیتی را در برمیگیرد که علاوه بر ممنوعیت برگزاری مراسم این روز در ایران، هم اکنون بسیاری از کارگران برگزار کننده مراسم اول ماه مه سال ۸۸ یا به زندان محکوم شده اند و یا در معرض صدور احکام سنگین قضائی قرار دارند و دهها تن از فعالین و رهبران کارگری به جرم برپائی تشکلهای کارگری و دفاع از حقوق انسانی شان در زندانها بسر میبرند.

تحمیل چنین ابعاد وحشتناکی از بی حقوقی اجتماعی بر کارگران ایران در شرایطی است که سیستم سرمایه داری ایران پس از گذشت سه دهه از انقلاب بهمن ۵۷، دستمزد کارگران را به یک چهارم مبلغ زیر خط فقر تقلیل داده و با عدم پرداخت بموقع این دستمزدها و اخراج و بیکار سازی توده های عظیمی از کارگران و رواج قراردادهای موقت و سفید امضا شرایط به غایت جهنمی را بر میلیون ها خانواده کارگری تحمیل کرده است و امروزه برای تضمین بیش از پیش سود آوری سرمایه با به تعطیلی کنشاندن کارخانه ها و طرح قطع یارانه ها در صدد است تا آخرین لقمه ها برای زنده ماندن میلیونها خانواده کارگری را از سفره آنان به جیب صاحبان سرمایه سرازیر کند.

اما همانگونه که ما کارگران ایران در انقلاب بهمن ۵۷ و سالهای اخیر نشان دادیم تاب تحمل اینهمه فلاکت و بی حقوقی را نخواهیم آورد و علیرغم زندان و سرکوب، پیشاپیش عموم مردم ایران در مقابل لگد مال شدن بدیهی ترین حقوق انسانی خود ایستادگی خواهیم کرد و اجازه نخواهیم داد بیش از این حق حیات و هستی ما را به تیاهی بکشانند. ما تولید کنندگان اصلی ثروتها و تعامت موجود در جامعه هستیم و داشتن یک زندگی انسانی مطابق با بالاترین استانداردهای زندگی بشر امروز را حق مسلم خود و عموم توده های مردم ایران میدانیم.

در این راستا ما ضمن اعتراض به وضعیت موجود که از روز جهانی کارگر سال گذشته به این سو کارگران و عموم توده های مردم ایران را بیش از پیش در معرض سرکوب و تحمیل بی حقوقی قرار داده است بر تحقق مطالبات زیر پای می فشاریم و خواهان تحقق فوری و بی قید شرط همه آنها هستیم:

۱- برپایی تشکل های مستقل از دولت و کارفرما، اعتصاب، اعتراض، راهپیمایی، تجمع و آزادی بیان حق مسلم ما است و این خواسته ها باید بدون قید و شرط به عنوان حقوق خدشه ناپذیر اجتماعی کارگران و عموم مردم ایران به رسمیت شناخته شوند،

۲- ما طرح قطع پارانه ها (هدفمند کردن پارانه ها) و حداقل دستمزد ۳۰۳ هزار تومانی را تحمیل مرگ تدریجی بر میلیون ها خانواده کارگری میدانیم و خواهان توقف فوری طرح قطع پارانه ها و افزایش حداقل دستمزدها به یک میلیون تومان هستیم،

۳- دستمزدهای معوقه کارگران باید فوراً و بی هیچ عذر و بهانه ای پرداخت شود و عدم پرداخت آن بایستی به مثابه یک جرم قابل تعقیب قضائی تلقی گردد و خسارت ناشی از آن به کارگران پرداخت شود،

۴- اخراج و بیکارسازی کارگران به هر بهانه ای باید متوقف گردد و تمامی کسانی که بیکار شده و یا به سن اشتغال رسیده اند و آماده به کار هستند باید تا زمان اشتغال به کار از بیمه بیکاری متناسب با یک زندگی انسانی برخوردار شوند،

۵- ما خواهان محو قراردادهای موقت و سفید امضاء، تامین امنیت شغلی کارگران و تمامی مزد بگیران، رعایت بالاترین استانداردهای بهداشت و ایمنی کار و برچیده شدن تمامی نهادهای دست ساز دولتی از محیط های کار هستیم،

۶- ما خواهان لغو مجازات اعدام و آزادی فوری و بی قید و شرط ابراهیم مددی، منصور اسالو، علی نجاتی و کلیه فعالین کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی و اعتراضی از زندان و توقف پیگردهای قضایی علیه آنان هستیم،

۷- ما ضمن محکوم کردن هرگونه تعرض به اعتراضات کارگری و اعتراضات مردمی، اعتراض به هرگونه بی حقوقی و ابراز عقیده را حق مسلم و خدشه ناپذیر کارگران و عموم مردم می دانیم،

۸- ما خواهان لغو کلیه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان و تضمین برابری کامل و بی قید و شرط حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی هستیم،

۹- ما خواهان برخورداری تمامی بازنشستگان از یک زندگی مرفه و بدون دغدغه اقتصادی و رفع هرگونه تبعیض در پرداخت مستمری بازنشستگان و بهره مندی آنان از تامین اجتماعی و خدمات درمانی هستیم،

۱۰- کار کودکان باید محو گردد و تمامی کودکان باید جدای از موقعیت اقتصادی و اجتماعی والدین، نوع جنسیت و وابستگی های ملی و نژادی و مذهبی از امکانات آموزشی، رفاهی و بهداشتی یکسان و رایگانی برخوردار شوند،

۱۱- ما بدینوسیله پشتیبانی خود را از تمامی جنبش های اجتماعی آزادی خواهانه اعلام می داریم و دستگیری، محاکمه و به زندان افکندن فعالین این جنبش ها را قویاً محکوم می کنیم،

۱۲- ما ضمن اعلام حمایت قاطعانه از مطالبات معلمان، پرستاران و سایر افشار زحمتکش جامعه، خود را متحد آنها می دانیم و خواهان تحقق فوری مطالبات آنان هستیم،

۱۳- ما بخشی از کارگران جهان هستیم و اخراج و تحمیل هرگونه تبعیض بر کارگران مهاجر افغانی و سایر ملیت ها را به هر بهانه ای محکوم می کنیم،

۱۴- ما ضمن قدردانی از تمامی حمایت های بین المللی از مبارزات کارگران در ایران و حمایت قاطعانه از اعتراضات و خواسته های کارگران در سراسر جهان خود را متحد آنان می دانیم و بیش از هر زمان دیگری بر همبستگی بین المللی کارگران برای رهایی از مشقات نظام سرمایه داری تاکید می کنیم،

۱۵- اول ماه مه باید تعطیل رسمی اعلام گردد و در تقویم رسمی کشور گنجانده شود و هر گونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی گردد.

زنده باد اول ماه مه
زنده باد همبستگی بین المللی کارگران
۱ مه ۲۰۱۰
۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۹

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه
اتحادیه آزاد کارگران ایران
هیئت بازگشائی سندیکای فلز کار و مکانیک
هیئت بازگشایی سندیکای کارگران نقاش
انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه
کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری
کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری
انجمن دفاع از کارگران اخراجی و بیکار سقز
شورای زنان

بیانیه رسمی شماره 1 شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر سال 89

(شنبه - یازده اردیبهشت- تهران، ساعت 5 عصر، مقابل وزارت کار)

کارگران، معلمان، دانشجویان، پرستاران، مزدبگیران!

زنان و مردان و عموم مردم آزادیخواه!

روز جهانی کارگر (یازده اردیبهشت)، روز اول ماه مه در امسال، روز تلفیق خواسته ها و مطالبات دموکراتیک و آزادیخواهانه با مطالبات اقتصادی و سیاسی همه ی ماست.

بدون گره خوردن مطالبات اقتصادی ما از طریق قدرت طبقاتی و متشکل ما، با خواسته های آزادیخواهانه و دموکراتیک، اعتراضات ما تنها و تنها تبدیل به ابزاری برای به قدرت رسیدن گروه و جناحی دیگر از جناح های سرمایه داری خواهد بود. برابری اقتصادی و برابری اجتماعی- سیاسی بدون یکدیگر از مفهوم تهی خواهد شد. امسال در روز جهانی کارگر، ما بر علیه فقر، نا برابری، سطح پایین دستمزدها، حقوق های معوقه، عدم امنیت شغلی، حذف سوبسید ها (طرح هدفمند کردن یارانه ها)، سرکوب های سیاسی و اجتماعی و در يك کلام سرکوب کرامت انسانی خود به اعتراض بر خواهیم خواست.

در روز جهانی کارگر سال 89 (شنبه، یازده اردیبهشت)، مهمترین خواسته ها و مطالبات عمومی مردم و به ویژه مطالبات کارگری (زیر(که خلاصه ی مطالبات و از عمده ترین خواسته های کارگری میباشند)، در شعارها و خواسته های ما و در همه جا مطرح خواهد شد و تلاش ما کارگران بر این خواهد بود که نه تنها در مراسم های این روز، بلکه پس از آن و در هر جا و هر زمان و بیش از پیش برای تحقق این خواسته ها دست به مبارزات خستگی ناپذیر بزنیم.

1- ما خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی (اعم از زندانیان کارگری و معلمان، دانشجویان، زنان فعالین حقوق کودک، روزنامه نگاران) و تمامی زندانیان عقیده و بیان و تمامی زندانیان حوادث اخیر هستیم. اعتراض و آزادی بیان جزو حقوق ابتدایی و مسلم مردم است. تمامی احکام قضایی صادره برای فعالی سیاسی - اجتماعی و کارگری لغو و تعقیب قضایی علیه آنان متوقف باید گردد.

2- آزادی تشکل های مستقل طبقاتی، آزادی انجمن ها، تخریب، اعتراض و اعتصاب و آزادی مطبوعات و آزادی بیان و اندیشه، حق مسلم انسانی ماست. ما برای کسب این حقوق و مطالبات دست از مبارزه برنخواهیم داشت.

3- تعیین حداقل دستمزد 303 هزار تومان اعلام شده توسط شورای عالی کار، درحالیکه خط فقر اعلام شده توسط برخی نهاد های رسمی حاکمیت 900 هزار تومان است، نشان از عطش بی پایان نظام سرمایه داری به استثمار هرچه بیشتر کارگران و مزد بگیران و کسب سود هرچه بیشتر است. ما خواهان اعلام حداقل دستمزد توسط نمایندگان مستقل کارگری و تشکل های مستقل آنان و براساس حداقل های يك زندگی شرافتمندانه و انسانی هستیم.

4- ما درمقابل طرح ضد انسانی، سود محورانه و وحشیانه ی حذف سوبسید ها (هدفمند کردن یارانه ها) که چیزی جز خوش خدمتی به منافع سرمایه داری داخلی و جهانی نیست، دست از هرگونه اعتراض و اعتصاب برنخواهیم داشت و عموم مردم را دعوت به اعتراضات گسترده علیه هر درجه از اعمال این اقدام ضد مردمی می نماییم.

5- ما ضمن تأکید بر لزوم تأمین تمامی بازنشستگان برای داشتن يك زندگي انساني و شرافتمندانه، خواهان برچیده شدن قوانین بردگی مدرن و روش های آن از جمله قراردادهای سفید امضا و قراردادهای موقت هستیم.

6- ما خواهان برخورداری تمامی افراد جامعه از آموزش، بهداشت و خدمات عمومی رایگان هستیم.

7- ما جنبش های اجتماعی دیگر مانند جنبش زنان، جنبش حقوق کودک و جنبش دانشجویی را متحد خود می دانیم و هرگونه تعرض به آنان را تعرض به جنبش کارگری و تجاوز به کرامت انسانی اکثریت افراد اجتماع می دانیم.

8- ما ضمن حمایت از کارگران مهاجر در ایران از جمله مهاجرین افغان، خود را در صف مبارزه جهانی طبقه کارگری بینیم و از مطالبات و خواسته های تمامی کارگران جهان حمایت می کنیم. همچنین ما خواستار آن هستیم که روز اول ماه مه، تعطیلی رسمی اعلام شود و هرگونه ممنوعیت اجرای مراسم در این روز ملغی گردد.

زنده باد همبستگی جهانی طبقه ی کارگر- 89/2/5

(1may1389@gmail.com) شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر سال 89

زمان و مکان برنامه:

شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر سال 89 با لحاظ کردن امکانات زمانی و مکانی مختلف، ضمن دعوت از دیگر افراد و گروه هایی که به دلیل تاخیر ما در اعلام برنامه و به دلیل عدم انسجام و برنامه ای از پیش تعیین شده، زمان ها و مکان های احتمالی دیگری را برای مراسم این روز پیشنهاد کرده بودند، اعلام میکند ما کارگران، مستقل از هرگونه مطالبات و برنامه هایی که هر گروه یا گرایش فکری- سیاسی اعلام نموده است، با طرح مطالبات و شعارهای مستقل خود (از جمله مطالبات هشت گانه ی فوق)، در روز شنبه یازده اردیبهشت، بدین ترتیب گرد هم خواهیم آمد و مطالبات خود را فریاد خواهیم زد:

مراسم روز جهانی کارگر: تهران ساعت 5 عصر خیابان آزادی، مقابل وزارت کار و سپس راهپیمایی به سمت میدان انقلاب (عبور از مسیر خیابان های خوش، رودکی، نواب، اسکندری، جمالزاده میدان انقلاب) و در شهرستان ها در مقابل ادارات کار یا مکان های منتخب خود کارگران و در ساعاتی که اعلام مینمایند.

بیانیه رسمی شماره 2 شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر سال 89

(شنبه - یازده اردیبهشت- تهران - ساعت 5 عصر، مقابل وزارت کار)

روز جهانی کارگر، حلقه مفقوده ی مبارزات

کارگران و مردم مبارز و آزادیخواه!

از دورجدید اعتراضات مردم ایران علیه ستمگری، نابرابری، دیکتاتوری، سرکوب، فقر، فساد، جهل، کشتار، حبس، تبعید و اقدامات ضد انسانی حاکمیت سرمایه داری در ایران، حدود یازده ماه می گذرد. مبارزاتی که بهانه ی اعتراض به نتایج انتخابات، آغازگاه زمانی آن بود ولی ریشه در عمر حاکمیت موجود ایران داشت. حاکمیتی که از ابتدای فرمانفرمایی خود با سرکوب آزادی ها و مطالبات اقتصادی- سیاسی عموم مردم و کارگران و نیروهای کارگری و سوسیالیست و سایر نیروهای مبارز آغاز کرد و بر بنیاد این سرکوب ها به غارت حاصل دسترنج مردم و کسب سود و به بند کشیدن آزادی های بدست آمده از مبارزات منتهی به قیام 57 پرداخت.

اعتراض به نتایج انتخابات به زودی در میان بسیاری از معترضین تبدیل به نفي کلیت نظام و پیدایش زمینه ای برای نقد و بازنگری و دقت در هردو جناح درون حکومت شد. بسیاری به درستی و به سرعت در فضای ایجاد شده علیه دیکتاتوری، حکومت دینی، فقر و نابرابری و شرایط غیر انسانی تحمیل شده بر مردم شعار دادند. اصلاح طلبان حکومتی، سراسیمه این اقدامات را " ساختار شکنانه " خواندند و خواستار بازگشت به قانون اساسی و اندیشه های " امام " شدند. اما واقعیت این است که منافع و مطالبات اکثریت مردم از خواسته ها و موجودیت اصلاح طلبان و نیز رقیب آنان در جناح اصولگرا، جداسست و حتی در مقابل آن قرار دارد.

درس های اتفاقات نه تنها يك ساله ی اخیر بلکه سي سال حاکمیت جمهوری اسلامی و تجارب قیام 57، باید برای همیشه به ما بیاموزد که مطالبات اقتصادی - اجتماعی - سیاسی ما با توهم به این یا آن جناح سرمایه داری - چه از نوع اسلامی و برآمده از حوزه های علمیه و چه بیرون آمده از مکاتب اقتصادی نولیبرالی آمریکا و غرب - بدست نمی آید.

ما نمی توانیم و نباید چشم به فرود هیچ هواپیمایی و فرود اختاپوس گونه ی هیچ رهبری با هر لباس و شعار و فریب و ادعایی باشیم. نگاه ما باید به سازماندهی از پایین و توسط خود مردم و بر اساس مطالبات اقتصادی - سیاسی - اجتماعی خود مان باشد. این است درس بزرگی که باید از تجارب گذشته و حالمان پیش روی خود قرار دهیم!

روز جهانی کارگر و پیام نهفته در آن کلید حل معمای ماست.

اکثریت مردم جامعه، مزد بگیران و حقوق بگیران و فروشندگان نیروی کار - ، کارگران- هستند و هم اینان هستند که - چه با کار فکری و چه کار بدنی و یدی - تولید کنندگان تمامی ثروت های مادی و معنوی جامعه اند . کدام دموکراسی عالی و کامل تر از این خواهد بود که اکثریتی که همه نعمات مادی و معنوی را تولید می کنند، قدرت راهبردی جامعه را در دست داشته باشند؟

سرمایه ی سرمایه داران از دل هیچ غارِ معجزه ای بیرون نروده است. بدون نیروی کار، هیچ سرمایه ای به سرمایه افزوده نمی شود و حیات و هستی جامعه در سرمایه داری و دولت های سرمایه داری - چه اسلامی و چه لیبرالی و چه پادشاهی- در این است که بتوانند این نظام سیاسی- اقتصادی مسلط بر جامعه را با چنگ و دندان حفظ کند تا مبادا، بنیاد این مناسبات استثمارگرانه در هم بریزد. کارکرد تمام نیروهای پلیسی و امنیتی و قضایی و جنگ افروزی ها، همه و همه برای حفظ نظام سرمایه داری و بهره کشی حاصل از آن و جلوگیری از اتحاد و سازمان یابی طبقه کارگر است.

چنانچه اقشار و اصناف مختلف کارگری - چه فکری و چه یدی - آگاهانه و متحدانه تشکل های مستقل طبقاتی خود را ایجاد کنند و در پیوند و هماهنگی با یکدیگر در جامعه - و در سطح جهان - برای کسب مطالبات دموکراتیک، آزادی خواهانه و مطالبات اقتصادی و سیاسی خود با یکدیگر متحد شوند، اساس مناسبات استثمارگرانه ی سرمایه داری متلاشی خواهد شد؛ و از سوی دیگر اکثریت افراد جامعه، همزمان با رسیدن به خواسته ها و حقوق اقتصادی و سیاسی خود موفق به ایجاد دموکراسی راستین - حاکمیت اکثریت - شده اند. آری! روز جهانی کارگر، و درس هایی که طبقه کارگر با خون خود به یادگار گذاشته است، یگانه راه نجات جامعه را به ما نشان می دهد.

اعتراضات مردمی علیه سرکوب، نابرابری، فقر و ستمگری باید به قدرت گیری خود مردم منتهی شود. تنها با ایجاد تشکل های مستقل طبقاتی است که حاصل رنج ها و مبارزات مردمی منجر به قدرت گیری جناحی دیگر با رنگ و لعابی دیگر از سرمایه داری نمی شود. تنها ضامن ایجاد و تثبیت دموکراسی و آزادی، قدرت و عرض اندام تشکل های مستقل در اصناف و اقشار مختلف است، قدرتی سراسری، متحدانه و سیلاب وار که هرگونه دست اندازی و تجاوز به مطالبات مردمی را پاسخی درخور دهد.

کارگرانِ کارخانه ها، کارگران خدماتی، مزدبگیران شرکت ها و سازمان ها، پرستاران ، معلمان، دانشجویان باید هرچه زودتر دست به ایجاد تشکل های مستقل کاری و عموم مردم اقدام به ایجاد شورا های محله ای خود بکنند؛ قدرتی که در اتحاد این تشکل هاست تیری است که همزمان دو نشانه را هدف گیری می کند: 1-حاکمیت استثمارگرانه و ظالمانه حاضر را برمی اندازد و 2-اجازه قدرت گیری کلاهداران حاکمیتی دیگر را نمی دهد و بلکه قدرت سازمان یافته ی مردمی را به عرصه حاکمیت اجتماعی مسلط خواهد کرد.

روز جهانی کارگر در خود در بردارنده ی تمام این درس ها و راه حل هاست و سالیان سال است که کارگران با بلند کردن پرچم سرخ خود و با جوش و خروشی در گستره ی اکثریت مردم کره زمین، معنای بلند این کلید معما را به بانگ بلند فریاد می کشند.

روز جهانی کارگر در سال 89 همزمان شده است با خروش عمومی مردم علیه ظلم و سرکوب و دیکتاتوری. سال 89 آبستن بزرگترین اعتراضات و اعتصابات مردمی و کارگری نیز خواهد بود. حذف سوبسید ها (طرح هدفمند کردن یارانه ها) ، حذف حداقل توانایی های اقتصادی و معیشتی اکثریت مردم است. و درآمد حاصل از حذف یارانه ها ، برای تحکیم قلدری ها و نظامی گری های حاکمیت و بازپرداخت های وام های ننگین بانک جهانی و صندوق بین المللی پول هزینه خواهد شد.

وام هایی که برای سرمایه داران هزینه شده ، باعث تقویت قدرت اقتصادی نیرو های سرکوبگر نظامی از جمله سپاه و بسیج شده ، منجر به افزایش فاصله طبقاتی شده ، عده قلیلی را فربه و فربه تر نموده است و اکنون بازپرداخت آن را نیز از جیب مردمی که فقیرتر شده اند، انجام می دهند!! از هم اکنون نشانه های اعتراضات عملی مردم به این طرح خانمان برانداز، با نپرداختن هزینه های آب و برق و گاز... آغاز شده است.

از سویی در سال 89، حداقل دستمزد تعیین شده از سوی شورای عالی کار برای کارگران رقم 303 هزار تومان در ماه اعلام شده است که این رقم حدود یک سوم خط فقر اعلام شده توسط منابع رسمی حکومتی است! شورای عالی کار مرکب از نماینده ی کارفرمایان (که دنبال تعیین کمترین مقدار دستمزد هستند) ، نماینده ی دولت (که حامی سرمایه داران است و خود کارفرمایی عمده محسوب می شود) و نماینده خانه کارگر و شورای اسلامی کار (که نهادی ضد کارگری و دست ساخته ی حکومت است) می باشد. در این شورا حتا اگر به جای شورای اسلامی کار نماینده ی مستقل کارگری شرکت کند در برابر دو رای از دولت و کارفرما بازنده است. در واقع در این سیستم (سه جانبه گرایی) کارگر حتا فرصتی برای قیمت گذاشتن بر کالایی که میفروشد (یعنی نیروی کارش) ندارد !!! در حالی که دستمزد باید توسط تشکل های مستقل کارگری اعلام گردد.

در این شرایط مردم و کارگران به جان آمده را به "کار مضاعف" نیز دعوت میکنند ! کارگرانی که دیگر نای کار کردن در ساعات متمادی و کارهای اضافه بر شغل خود را ندارند و با اینهمه کار و زحمت از پس خرج بخور و نمیر خانواده شان بر نمی آیند.

در اقدامی دیگر برای حمله به حداقل آزادی های مردم ، و برای ایجاد رعب و وحشت و تسلط روانی بر جامعه با طرح به اصطلاح " امنیت اجتماعی" بر روح و روان مردم خراش میزنند! در حالی که ما باور داریم آزادی پوشش و روابط انسان ها در جامعه از جمله اصول اولیه و حداقلی زندگی انسانی است.

بهترین و کاملترین عکس العمل اساسی و همیشگی به اینگونه دست اندازی ها و تجاوزات به جان و مال و اندک نان موجود در سفره مردم، اعتراض های سازمان یافته از طریق تشکل های خود ساخته ی مردمی و کارگری امکان پذیر است. در میان جنبش کارگری - و در مقطع سالیان اخیر- مدت هاست که در میان کارگران این اقدامات برای ایجاد تشکل های مستقل طبقاتی آغاز شده است. از همین روست که حاکمیت سرمایه داری اسلامی

ایران، فعالین کارگري و تشکل های کارگري مستقل را مورد تهاجم و سرکوب قرار داده است. کارگران زنداني بسياري از جمله محمود صالحی (در سقز) ابراهيم مددي، منصور اصانلو (از سنديکاي کارگران شرکت واحد) و ديگر همکارانشان ، علي نجاتي و ديگر همکارانش (در سنديکاي کارگران نيشکر هفت تپه)، فعالين کارگري بسيار و فعالين کارگري در صنف معلمان و ... همه و همه در این سالها مورد خشم حاکميت کارگر ستيز سرمايه داري اسلامي قرار گرفته اند. اما این جنبش را سر باز ايستادن نيست.

از همین رو و بنا به دلايل ذکرشده در روز جهاني کارگر سال 89) شنبه ، يازده ارديبهشت)، مهمترين خواسته ها و مطالبات عمومي مردم و به ویژه مطالبات کارگري_ زير(که خلاصه ي مطالبات و از عمده ترين خواسته هاي کارگري ميباشند)، در شعارها و خواسته هاي ما و در همه جا مطرح خواهد شد و تلاش ما کارگران بر این خواهد بود که نه تنها در مراسم هاي این روز ، بلکه پس از آن و در هر جا و هر زمان و بيش از بيش براي تحقق این خواسته ها، دست به مبارزات خستگي ناپذيربزنيم.

1- ما خواستار آزادي فوري و بدون قيد و شرط تاممي زندانيان سياسي (اعم از زندانيان کارگري و معلمان، دانشجويان، زنان فعالين حقوق کودک ، روزنامه نگاران) و تاممي زندانيان عقیده و بيان و تاممي زندانيان حوادث اخيرهستيم. اعتراض و آزادي بيان جزو حقوق ابتدائي و مسلم مردم است. تاممي احکام قضايي صادره براي فعالی سياسي- اجتماعي و کارگري لغو و تعقيب قضايي عليه آنان متوقف بايد گردد.

2- آزادي تشکل های مستقل طبقاتي، آزادي انجمن ها، تحزب، اعتراض و اعتصاب و آزادي مطبوعات و آزادي بيان و اندیشه، حق مسلم انساني ماست. ما براي کسب این حقوق و مطالبات دست از مبارزه برنخواهيم داشت. 3- تعيين حداقل دستمزد 303 هزار تومان اعلام شده توسط شوراي عالي کار ، درحاليکه خط فقر اعلام شده توسط برخي نهاد هاي رسمي حاکميت 900 هزار تومان است، نشان از عطش بي پايان نظام سرمايه داري به استثمار هرچه بيشتر کارگران و مزد بگيران و کسب سود هرچه بيشتر است. ما خواهان اعلام حداقل دستمزد توسط نمايندگان مستقل کارگري و تشکل های مستقل آنان و براساس حداقل هاي يك زندگي شرافتمدانه و انساني هستيم.

4- ما درمقابل طرح ضد انساني ،سود محورانه و وحشيانه ي حذف سوبسيد ها (هدفمند کردن پارانه ها) که چيزي جز خوش خدمتي به منافع سرمايه داري داخلي و جهاني نيست، دست از هرگونه اعتراض و اعتصاب برنخواهيم داشت و عموم مردم را دعوت به اعتراضات گسترده عليه هر درجه از اعمال این اقدام ضد مردمی مي نماييم.

5- ما ضمن تأکيد بر لزوم تأمين تاممي بازنشستگان براي داشتن يك زندگي انساني و شرافتمدانه، خواهان برچيده شدن قوانين بردگي مدرن و روش هاي آن از جمله قراردادهاي سفيد امضا و قراردادهاي موقت هستيم. 6- ما خواهان برخورداري تاممي افراد جامعه از آموزش، بهداشت و خدمات عمومي را يگان هستيم.

7- ما جنبش هاي اجتماعي ديگر مانند جنبش زنان، جنبش حقوق کودک و جنبش دانشجويي را متحد خود مي دانيم و هرگونه تعرض به آنان را تعرض به جنبش کارگري و تجاوز به کرامت انساني_ اکثريت افراد اجتماع مي دانيم.

8- ما ضمن حمايت از کارگران مهاجر در ايران از جمله مهاجرين افغان، خود را در صف مبارزه جهاني طبقه کارگري بينيم و از مطالبات و خواسته هاي تاممي کارگران جهان حمايت مي کنيم. همچنين ما خواستار آن هستيم که روز اول ماه مه، تعطيلي رسمي اعلام شود و هرگونه ممنوعيت اجراي مراسم در این روز ملغي گردد.

زنده باد همبستگی جهانی طبقه ي کارگر

(1may1389@gmail.com) شوراي برگزاري مراسم روز جهاني کارگر - سال 89

زمان و مکان برنامه : شوراي برگزاري مراسم روز جهاني کارگر سال 89 با لحاظ کردن امکانات زماني و مکاني مختلف ،ضمن دعوت از ديگر افراد و گروه هايي که زمان ها و مکان هاي احتمالي ديگري را براي مراسم این روز پيشنهاده کرده بودند ، اعلام ميکند ما کارگران ،مستقل از هرگونه مطالبات و برنامه هايي که هر گروه يا گرايش فکري- سياسي اعلام نموده است ، با طرح مطالبات و شعارهاي مستقل خود (از جمله مطالبات هشت گانه ي فوق)، براي روز شنبه يازده ارديبهشت ، بدین ترتيب گرد هم خواهيم آمد و مطالبات خود را فرياد خواهيم زد : مراسم روز جهاني کارگر: تهران - ساعت 5 عصر - خيابان آزادي، مقابل وزارت کار و سپس راهپيمايي به سمت ميدان انقلاب (عبور از مسير خيابان هاي خوش ، رودکي، نواب، اسکندري ، جمالزاده - ميدان انقلاب) و در شهرستان ها در مقابل ادارات کار يا مکان هاي منتخب خود کارگران و در ساعاتي که اعلام مينماييد .

بيانيه رسمي شماره ۲

شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر سال ۸۹

به ضميمه گزارش شوراي برگزاري مراسم روز جهاني کارگر سال ۸۹ از وقايع و برنامه هاي روز کارگر در شهرهاي مختلف ايران

کارگران و عموم مردم مبارز!

همان طور که در دو بيانيه ي پيشين این شورا آمده بود، روز اول ماه مه امسال، فرصتی ديگر بود برای رساندن صدای اعتراض کارگران و بيان خواسته هاي ايشان.

کارگران ايران هم زمان با ديگر هم طبقه اي های خود در سراسر جهان، در حد توان و علی رغم سرکوب گسترده در مراسم های این روز شرکت نمودند. در گزارش ذيل قصد داريم با رويکردي واقع بينانه سطح شرکت

کارگران در مراسم های این روز و نیز سطح سرکوب گری حاکمیت سرمایه داری در ایران را پیش روی همگان قرار دهیم.

در برخی مناطق مراسم ها مطابق فراخوان این شورا و در دیگر نقاط مطابق ابتکار عمل و ملاحظات محلی مراسم برگزار شده است. نوع شعارها و اعتراضات انجام شده غالباً در اعتراض به بی حقوقی هایی چون حقوق معوقه، سطح پایین دستمزد، حذف یارانه ها و از این قبیل بوده است. عواملی همچون زمان کم برای تبلیغ، امکانات و رسانه های محدود برای نشر فراخوان یا فراخوان ها، تفاوت در زمان و مکان های اعلام شده توسط منابع مختلف، از جمله عواملی بوده است که در کمیت و کیفیت شرکت کنندگان در مراسم ها اثرگذار بوده است. از جمله در اقدامی توسط صدای امریکا و از زبان سازگارا، کل مراسم به بوق زدن در ساعت یازده تقییل داده شد و سعی در تحریف خواسته ها و مطالبات شد و با رادیو فردا ساعت مراسم را، ساعت یازده صبح اعلام نموده بود.

اما دو عامل اساسی و پُر وزن در نحوه و سطح برگزاری مراسم های اول ماه مه - و دیگر جنبه های مبارزاتی کارگران - همانا سرکوب گسترده و افسارگسیخته ی حاکمیت سرمایه داری از یک سو و سطح آگاهی طبقاتی و سطح مبارزات جنبش کارگری از سوی دیگر است. هر گرایش فکری، خود درک خاص خود را از میزان وزن واقعی این دو فاکتور دارد. امیدواریم گزارش این شورا، در تحلیل جریانات کارگری برای واقعی دیدن وزن هر کدام از این دو عامل مفید واقع شود. اما ما در اینجا قصد تحلیل و اظهار نظر در این زمینه را نداریم و به انجام گزارشی عینی و تا حد توان خود تکمیل، از اتفاقات و مراسم ها بسنده می کنیم.

همچنین در اینجا لازم می دانیم ضمن تشریح یکی از اهداف اصلی اقدامات این شورا، توضیحی به برخی ملاحظات، نگرانی ها و نقد هایی که به هنگام انتشار بیانیه های یک و دو این شورا از جانب برخی جریانات کارگری شده بود، اضافه کنیم.

از جمله نگرانی ها، مساله توازن قوای کارگران در مقابل حاکمیت و احتمال سرکوب و دستگیری و " هزینه ی " بالایی که پاسخ به فراخوان ما می توانست در پی داشته باشد، بود.

این شورا تلاش نمود با مطالباتی نمودن شعارها و اعتراضات، تا سر حد توان خود جنبه ی طبقاتی سمت و سوی اعتراضات و تجمع های روز جهانی کارگر در ایران را تقویت نماید. به جای بی عملی و یا وادادن میدان عمل به جناح های سرمایه داری اعم از اصلاح طلبان و یا اصولگرایان و یا جناح های سازشکار موجود در جریانات کارگری، ما این وظیفه را بر خود مبرم دانستیم که با طرح مشکلات مختلف سیاسی-اقتصادی-اجتماعی موجود در جامعه ی سرمایه داری ایران و طبعا در سطح جهان، بر رویکرد رادیکال و کارگری و طبقاتی و بر لزوم تشکل محوری مبارزات توسط کارگران تاکید کنیم. ما بر این نکته ی اخیر کراراً در بیانیه شماره دو تاکید کردیم که کارگران راهی جز مبارزه با ابزار تشکل های مستقل کارگری ندارند.

خوشبختانه تا حدی بیش از انتظار ما، بیانیه ی شماره یک و دو این شورا مورد استقبال گروه ها و جریانات مدافع طبقه ی کارگر قرار گرفت. با حمایت رسانه ای، تبلیغی و انتشاراتی آنان این بیانیه ها در سطح وسیعی منتشر شد و به عنوان یک جایگزین رادیکال به جای تمامی این همه مفاهیم و راه حل های ارائه شده توسط جناح های سرمایه داری - و مثلاً اصلاح طلبان و رسانه های غربی حامی آنان - توانست طرح گردد. اگر نه در همه جا، اما در میان بخش های گسترده ای از عموم مردمی که از طریق اینترنت خوراک های شبانه روزی لیبرالی و نو لیبرالی به خوردشان داده می شود، این بیانیه ها مطرح گردید و به اندازه ی خود چالش برانگیز شد. تا جایی که اصلاح طلبان و "سبزها" از درج کامل بیانیه ی شماره دو هراسیدند و آن را سانسور نمودند. اما نتوانستند از رسمیتی که این بیانیه با حمایت جریان های کارگری یافته بود، بگریزند و بالاخره ناچار شدند دست کم به انتشار این بیانیه اشاره کنند. از طرفی ما تا حد توان توانستیم با ارائه تحلیلی از وضعیت روز به پیشنهاد راه حل های رادیکال بپردازیم و این در حالی بود که علاوه بر سرکوب و فریب جناح سرمایه داری در اردوی اصولگرایان، جناح سرمایه داری اصلاح طلبان و در راس آنان موسوی و کروبی تلاش نمودند با تریک نامه های دغل کارانه ی خود به مناسبت روز جهانی کارگر، ضمن تقییل و تحریف مطالبات کارگری، کارگران را دعوت به مبارزه برای بازگشت به قانون اساسی جمهوری اسلامی نمایند!

کار گروهی و قوی بخش انتشار شورا، در کنار حمایت گسترده ی جریان های کارگری در خارج و داخل منجر به طرح شعارهای طبقاتی، و راه حل ها و گزینه های سوسیالیستی مخصوصاً برای جوانان گردید. تا اینجای کار ما به هدف اولیه خود رسیده بودیم.

اما گزارشی که در پی می آید نشان دهنده ی این است که مراسم ها و تجمعات برگزار شده در این روز تا چه حد مطابق هدف ما برای طرح خواسته ها و راه حل های رادیکال آن و جلوگیری از سم پراکنی جریانات اصلاح طلب یا اصولگرا برای "تعویض" مطالبات و راه حل ها با انواع سرمایه داری آن، برگزار شده است. در حد قد و قواره ما و بدنه ی کارگری که به این شورا اعتماد داشتند، بخشی از این هدف نیز برآورده شد، اما ما قصد اغراق در هیچ وجهی از آن را نداریم و امید داریم با گسترش اتحاد میان نیروهای رادیکال در جنبش کارگری هر روزه با قدرت، کمیت و کیفیت بیشتری با سازماندهی سوسیالیستی مبارزات کارگری و از جمله برپایی مراسم اول ماه مه، به انجام وظایف طبقاتی خود دست یازیم.

امید که بدنه ی کارگری رادیکال و پر تعداد تری در آینده ی نزدیک مبارزات، وظایف سنگین تری را بر عهده بگیرد و بدون شک ما نیز به عضو کوچکی از آن، در انجام سهم خود شتاب خواهیم کرد.

و بالاخره از تمامی خانواده هایی که در هر کدام از مراسم های روز جهانی کارگر، فردی از خانواده ی آنان دستگیر شده است درخواست می کنیم با ارسال اسامی این عزیزان (از جمله 15 نفر دستگیر شده در تهران و در مقابل وزارت کار) و سه نفر دستگیر شده در شهرسندج، به ما یاری نمایند تا با ایجاد یک کمپین اعتراضی سراسری برای آزادی هر چه سریع تر این عزیزان تلاش نماییم.

در پایان این شورا ضمن حمایت خود از حرکات اعتراضی این روزها توسط معلمان (که خود یکی از اقشار طبقه ی کارگر هستند)، بار دیگر بر لزوم پیوند و اتحاد میان جنبش های مختلف دیگر از جمله زنان، دانشجویی، حقوق کودک تاکید می نماید و از همه ی فعالینی که در برگزاری مراسم و اعتراض های روز جهانی کارگر تلاش نموده اند تشکر می نماید.

این شورا خواستار آزادی بی قید و شرط تمامی دستگیر شدگان مراسم روز جهانی کارگر می باشد و برای آزادی این عزیزان از هیچ کوششی فروگذار نخواهد کرد. این بیانیه را با یادآوری بخش پایانی بیانیه های پیشین به پایان می بریم که ما کارگران را دعوت به طرح اعتراضات و مطالبات در هر فضا و امکان و با محوریت مبارزات آگاهانه و تشکل محورانه می نمایم. هر روز، روز جهانی کارگر است و کارگران باید با تقویت و یا ایجاد تشکل های مستقل طبقاتی خود برای پیشبرد خواسته های خود تلاش و مبارزات خستگی ناپذیر کنند. زنده باد همبستگی جهانی طبقه ی کارگر پیش به سوی ایجاد تشکل های مستقل طبقاتی کارگران شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر سال ۸۹ اول ماه مه ۲۰۱۰ - یازده اردیبهشت ۱۳۸۹

گزارشی که در پی می آید حاصل گزارشات واصله به شورا تا پایان روز اول ماه مه - یازده اردیبهشت - می باشد. بخش اعظمی از این گزارشات به طور مستقیم به شورا گزارش شده است، اما بخش هایی از آن نیز از منابع دیگر اخذ شده است: گزارش مراسم روز جهانی کارگر سال ۸۹

در تهران، اطراف میدان انقلاب از صبح در محاصره ی نیروهای امنیتی اعم از یگان ویژه، پلیس و لباس شخصی ها ی اطلاعاتی درآمده بود (فیلم منتشر شده توسط شورا). همچنین صدها تن از نیروهای امنیتی در ورودی وزارت کار، تا خیابان بهبودی، به سمت شمال، خیابان جیحون تا آذربایجان و آذربایجان تا رودکی، تمامی خیابان های اعلام شده توسط شورای برگزاری برای مراسم را به محاصره در آوردند؛ (مراجعه شود به فیلم منتشر شده توسط شورا). در بخش شمالی محوطه ی وزارت کار نیز چندین ماشین سرکوب و صدها نیروی امنیتی آماده به حمله حضور داشتند. همچنین در محوطه ی پلیس راهنمایی رانندگی نیش تقاطع انقلاب-رودکی در حدود بیست ماشین یگان ویژه ی سرکوب آماده به حمله بودند و نیروهای آنان نیز در حالت آماده باش به سرمی بردند. در یک مرحله موتور سواران سراپا پوشیده، به صورت چراغ روشن به قصد ارباب مردم و ضرب و شتم حاضرین در پیاده روهای خیابان های مسیر برنامه به حرکت درآمدند. در ساعت شش و نیم عصر هنگامی که تعدادی از حاضرین شعارهای اعتراضی سر دادند، مورد حمله ی نیروهای سرکوبگر قرار گرفتند. برخی شعار های آنان بدین قرار بود: "مرگ بر دیکتاتور"، "کارگر زنده باد". (مراجعه شود به فیلم منتشر شده توسط شورا) هم چنین در ابتدای خیابان جیحون شعارهای "آزادی و عدالت این است شعار ملت" سر داده شد که جمعیت مورد تهاجم نیروهای سرکوبگر سرمایه داری اسلامی قرار گرفت. نیروهای سرکوب حتما به ضرب و کتک کاری تعدادی از زنان مسن پرداختند. هم چنین در محل مراسم و در مقابل وزارت کار در حدود 15 نفر که اکثرا جوان بودند توسط نیروهای امنیتی دستگیر شدند و توسط ماشین مخصوص که نوعی زندان متحرک است از مسیر منتهی به میدان انقلاب به مکان نامعلومی منتقل شدند. در میدان فاطمی نیز نیروهای امنیتی روبروی وزارت کشور مستقر شده بودند و در یک مرحله اقدام به حمله به تجمع کنندگان حاضر در محل نمودند. در میدان آزادی، رانندگان تاکسی برای اعلام حمایت خود از سوار کردن مسافری خودداری کردند. در مقابل مجلس سرمایه داری در بهارستان نیز، حاضرین در محل مورد ضرب و شتم انبوه نیروهای حاضر در محل قرار گرفتند.

در مجموع با توجه به گزارشات واصله و یا مشاهدات، جمعیتی که موفق شدند علی رغم حضور گسترده ی نیروهای سرکوب در سه مکان یاد شده، حاضر شوند جمعیتی بالغ بر سه هزار نفر بوده است. در اهواز و در مقابل اداره کار آن شهر تعداد کثیری از کارگران به ویژه کارگران لوله سازی اهواز تجمع کردند و به طرح اعتراضات خود از جمله 13 ماه حقوق معوقه ی خود، پرداختند. این مکان و هم چنین استانداری خوزستان توسط نیروهای سرکوب نیروی انتظامی و لباس شخصی ها در محاصره بوده است. در کرمانشاه تجمع مردم و کارگران در مقابل اداره کار این شهر برگزار گردیده است (جزئیات بیشتر واصل نشده است).

در سنج و با حضور جمعی از کارگران، فعالین کارگری و خانواده هایشان مراسم با خواندن سرود انترناسیونال و سخنرانی و شعر خوانی و با قرائت قطعنامه ی سراسری تشکل های کارگری ایران پایان پذیرفت. هم چنین مراسم های دیگری در این شهر برگزار شده است که از جزئیات آن خردقیقی به این شورا گزارش نشده است. مراسمی نیز به همین ترتیب در روز جمعه و در شهر بانه برگزار گردیده است.

همچنین در سقز مراسم، در روز جمعه، با سخنرانی و از جمله توسط محمود صالحی و قرائت قطعنامه ی سراسری ده تشکل کارگری برگزار شده است.

در شیراز هم کارگران با در دست داشتن پلاکاردهایی با شعار "سرنوشت سیاه"، "کارگر، روز بی کاری ات مبارک!" و "تا حقوق نگیریم، از پا نمی نشینیم"، در مقابل استانداری فارس تجمع کردند.

در کرمان نیروهای امنیتی برای پراکنده کردن کارگرانی که مقابل استانداری تجمع کرده بودند، از گاز اشک‌آور استفاده کردند.

در قزوین، هزاران تن از کارگرانی که در ورزشگاه آن شهر گردهم آمده بودند، با شعار "کارگر اتحاد اتحاد"، علیه اخراج کارگران و سایر مشکلات کارگری مراتب اعتراض خود را اعلام کردند.

در ساعت حدود نه صبح، نمایندگان کارگران طی سخنرانی‌های خود خواستار پایان دادن به قرار دادهای موقت و رسمی شدن کارگران، حق بیمه، و سایر مشکلات کارگری شدند.

همچنین در شهرک صنعتی البرز تعداد کثیری از کارگران این شهرک در اعتراض به بی حقوقی‌هایی که بر آنان تحمیل شده است، دست به تجمع و اعتراض و سر دادن شعار زدند و به دلیل برخورد نیروی انتظامی، با آنان درگیر شدند.

در تبریز، صدها نفر از کارگران و مردم تبریز، جهت گرامی داشت روز جهانی کارگر، در مقابل اداره کار تبریز در خیابان امام خمینی، نیمه راه - راه آهن، تجمع کرده و کارگران حاضر در محل نیز، اعتراضات خود را آغاز کردند.

این تجمع از حوالی ساعت یازده صبح آغاز شده و صدها نفر در آن شرکت داشتند و در هر لحظه بر تعداد شرکت کنندگان افزوده می شد.

حاضران پلاکاردهایی در گرامیداشت روز کارگر و اعتراض به وضع موجود، در دست داشتند.

نیروهای انتظامی، سپاه پاسداران، بسیج و لباس شخصی‌ها، در منطقه حضور گسترده ای داشتند و بنا به گفته شاهدان عینی، بیش از 40 خودروی نیروهای نظامی و انتظامی، در آنجا مستقر شده بودند.

تعدادی از کارگران پیشرو عسلویه نیز، در مراسم تهران و در مقابل وزارت کار حضور یافته اند. خبری که به شورا ارسال شده حاکی از آن است که این کارگران تعدادی پلاکارد با شعارهای اعتراضی به همراه داشته اند تا در صورتی که فضای مراسم مناسب باشد، آن‌ها را بیرون آورند.

از تجمع‌هایی که در اصفهان و اراک خبر برگزاری آن به دست آمده، جزئیاتی واصل نشده است

دانشجویان - مراسم‌هایی که در روز اول ماه مه توسط دانشجویان برگزار شده است:

در چند دانشگاه، دانشجویان به مناسبت روز جهانی کارگر دست به تجمع‌های اعتراضی زدند. از جمله در دانشگاه‌های تهران، بروجرد، مشهد، کرمان، آزاد تهران، علم و صنعت و شهرکرد.

در دانشگاه تهران شعارهای "دانشجو کارگر اتحاد اتحاد" و "مرگ بر دیکتاتور" و "دیکتاتور حیا کن دانشگاه رو رها کن" توسط دانشجویان سر داده شد. دانشجویان بعد از حدود ۲ ساعت تجمع اعتراضی به حضور احمدی نژاد، به قصد پیوستن به صفوف کارگران دانشگاه را ترک کردند.

در بروجرد و در روز جهانی کارگر در دانشگاه این شهر، کارگران و نمایندگان کارگران نیز شرکت داشتند.

دانشجویان برای ابراز همبستگی و اتحاد، از کارگران برای این مراسم دعوت کرده بودند و با تاکید بر مطالبات کارگران، خواهان رفع تبعیض و ستم بر کارگران شدند. مطالباتی که دانشجویان بر آن تاکید داشتند، از جمله افزایش دستمزدها و ایجاد اشتغال و امنیت شغلی برای همه و افزایش امکانات رفاهی بود.

دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد در بزرگداشت روز جهانی کارگر، علی‌رغم فضای سنگین سرکوب و کنترل دانشجویان امروز صبح در کلاس‌های درس شرکت نکردند و کلاس‌ها را تعطیل کردند. دانشجویان همچنین از گرفتن غذا از سلف سرویس دانشگاه امتناع کردند.

دانشجویان دانشگاه آزاد شهرکرد و دانشجویان دانشگاه آزاد تهران مرکز در روز جهانی کارگر و در حمایت و همبستگی با کارگران در این روز دست به اعتصاب غذا زدند.

دانشجویان دانشگاه علم و صنعت نیز در بزرگداشت روز جهانی کارگر و در همبستگی و حمایت از کارگران در سالن غذاخوری دانشگاه تجمع و سرود خوانی کردند. حراست دانشگاه به دانشجویانی که مراسم را آغاز کرده بودند حمله کرده و مانع پیوستن سایر دانشجویان به آنان شد.

پایان گزارش شورا

کارگرنزدانی آزاد باید گردد، کارگر اتحاد اتحاد

به گفته خبرنگار آژانس ایران خبر در تاریخ 11 اردیبهشت نوشت: کارگران با در دست داشتن عکس‌های زندانیان کارگر از جمله منصور اسانلو و ابراهیم مددی و علی نجاتی و فرزاد کمانگر که از شیشه‌های اتوبوس به بیرون آورده بودند شعار زندانی کارگر آزاد باید گردد- کارگر کارگر اتحاد اتحاد می‌دادند که در نهایت پلیس ضد شورش رانندگان اتوبوس‌ها را مجبور به برگشتن کرد و رانندگان و کارگران را تهدید کردند که در صورت نرفتن همه‌شان دستگیر می‌شوند، به همین دلیل اتوبوس‌ها از میدان آزادی در ضلع شرقی دور زدند و به طرف جاده مخصوص کرج حرکت کردند.

بیش از 1000 نفر از کارگران و مردم عادی در جلو وزارت کار و خیابانهای اطراف وزارت کار اول ماه مه را گرامی داشتند و شعار زنده باد کارگر، آزادی عدالت حق مسلم ماست، مرگ بر دیکتاتور سر دادند. با توجه به اینکه از اول صبح خیابان آزادی از میدان انقلاب تا خیابان جیحون کاملاً پلیسی و امنیتی بود و هر چه به زمان برگزاری مراسم نزدیکتر می‌شد بر تعداد نیروهای ضد شورش و لباس شخصی و انتظامی افزوده می‌شد. با همین حال راس ساعت 18 از تقاطع خیابان جیحون تجمع شکل گرفت و جمعیت از طرف وزارت کار با دادن شعار زنده باد کارگر راه افتادند ولی نیروهای لباس شخصی و ضد شورش به طرف تجمع کنندگان حمله کردند و آنها را متفرق کردند.

ساعت 1700 ماموران به مردمی که در ابتدای خیابان جیحون تقاطع آزادی شعار میدادند حمله نموده و مردم به

داخل خیابان جیحون به سمت راست اولین پارک کوچک داخل جیحون پناه بردند .
ماموران در آنجا آنها را وحشی مردم عبوری را مورد ضرب و شتم قرار دادند .

کارگر بیست ساله لرستانی از خرداد بدون ملاقات در زندان اوین بسر می برد

یکی از کارگران زحمتکش که در خرداد ماه سال ۸۸ دستگیر شده بعد از ده ماه از دستگیری هنوز بلا تکلیف و بدون ملاقات می باشد. ایوب قنبرپوریان، ۲۰ ساله و اهل یکی از روستاهای کوهدشت لرستان که در تهران به عنوان کارگر ساختمان مشغول به کار بوده است بعد از دستگیری مدتی را در بند دو الف سپاه پاسداران زیر شکنجه قرار داشت و هم اکنون در بند ۲۵۰ زندان اوین به همراه بسیاری دیگر از زندانیان سیاسی در بلا تکلیفی به سر می برد و تا به حال طی این ده ماه هیچگونه ملاقاتی با خانواده اش نداشته است، وی سرپرست خانواده اش می باشد و بر همین اساس در طی ماههای گذشته خانواده اش با مشکلات مالی فراوان دست به گریبان بوده اند.

لحظه به لحظه با تحرکات روز اول ماه در ایران برگرفته : از وبلاگ دلبران بی باک

تظاهرات در مقابل بیمارستان

اصفهان - 11 اردیبهشت - بنا به اخبار تکمیلی مجروحین قیام امروز مردم و کارگران و دانشجویان در اصفهان به بیمارستان الزهرا منتقل شده اند و در ساعت دریافت این خبر یعنی 2145 ، مردم و بستگان مجروحین در مقابل این بیمارستان برای جلوگیری از ریزه شدن مجروحین در حال تظاهرات و شعار دادن علیه خامنه ای هستند .

درگیری شدید در همایونشهر اصفهان

همایونشهر - 11 اردیبهشت - در ساعت 16 تظاهرات روز کارگر مردم و کارگران محروم این شهر در خیابان موسوم به خمینی درگیری شدیدی بین مزدوران سرکوبگر و مردم در گرفت و 16 نفر بشدت مجروح شدند .
مجروحین این درگیری به بیمارستان خورشید اصفهان منتقل شدند .

-خلع سلاح مزدوران در دستگرد اصفهان

دستگرد - 11 اردیبهشت - در تظاهرات مردم و کارگران محروم به مناسبت روز کارگر ، آنها به فرمانداری حمله کرده و قصد آتش زدن آن را داشتند . با ورود نیروی انتظامی مردم خشمگین سه تن از آنان را خلع سلاح میکنند . در این درگیری بر اثر تیراندازی مزدوران چند نفر از مردم مجروح شدند .

درگیری در تهرانپارس

تهران - 11 اردیبهشت - در جریان تظاهرات کارگران و محرومان در این منطقه ، مردم به يك مرکز رژیم در فلکه دوم تهرانپارس حمله کرده و قصد تسخیر آن را داشتند و به همین منظور بامزدوران رژیم درگیر شدند . يك مزدور يك نفر از مردم را از بلندی به پایین پرت میکند و وي بشدت مجروح شده و توسط مردم به بیمارستان مهر در تهران منتقل میشود .

درگیری و تظاهرات در منطقه خوش و نواب

تهران - 11 اردیبهشت - ساعت 1615 - جمعیتی در حدود 2000 نفر از مردم و کارگران در خیابان آزادی حد فاصل خوش و نواب با شعار مرگ بر خامنه ای ، مرگ بر دیکتاتور و خامنه ای قاتله ولایتش باطله تظاهرات کردند و با مزدوران رژیم درگیر شدند . در این درگیری چندین نفر از مردم زخمی شدند .

هر لحظه بر جمعیت تظاهرکننده افزوده میشود

تهران - 11 اردیبهشت - ساعت 1850 - هر لحظه بر تعداد مردم در مقابل وزارت کار افزوده میشود . در بین مردم انبوه مزدوران گارد ویژه و لباس شخصی ، حضور دارند و هرکس که به هر نحوی از دوربین و تلفن دستی استفاده میکند بشدت سرکوب میکنند .

تظاهرات و درگیری در اصفهان

اصفهان - 11 اردیبهشت - در ساعت 1230 روز شنبه ، مردم و کارگران در میدان انقلاب با شعار مرگ بر خامنه ای و خامنه ای فائله ولایتش باطله دست به تظاهرات زده و با مزدوران سرکوبگر درگیر شدند . همچنین در ساعت 1455 در مقابل درب ورودی دانشگاه اصفهان مردم و دانشجویان در حمایت از کارگران با شعار کارگر دانشجو اتحاد اتحاد دست به تظاهرات زدند . این تظاهرات نیز به درگیری با مزدوران رژیم منجر شد .

درگیری شدید در میدان توپخانه

تهران - 11 اردیبهشت - در حدود 500 نفر از مردم و کارگران در میدان توپخانه تهران با شعار مرگ بر خامنه ای با مزدوران بسیجی و انتظامی در محل ، بشدت درگیر شدند . در حدود 36 نفر از مردم با زخمهای سطحی و شدید مجروح شدند . همچنین تعدادی از مزدوران بسیج و انتظامی نیز در این درگیری توسط مردم بشدت گوشمالی داده شدند .

خودسوزی يك کارگر در مقابل دانشگاه

تهران - 11 اردیبهشت - يك کارگر محروم که صبح روز کارگر در مقابل وزارت کار حضور یافته بود ، بعد از ظهر امروز در مقابل دانشگاه تهران به نشانه اعتراض به تمامیت رژیم خود را به آتش کشید . مزدوران وحشت زده سرکوبگر در شعاع 400 متری مانع از تردد مردم به اطراف این کارگر قربانی میشدند . همین گزارش میافزاید که مزدوران بسیجی امروز مسلح هستند و باتونهای برقی نیز در دست دارند . نیروی انتظامی نیز با خودروهایی که زندان سیار است دستگیر شدگان را به يك پایگاه انتظامی در پشت سینماهای میدان انقلاب منتقل میکنند .

حضور گله ای مزدوران در اطراف وزارت کار

تهران - 11 اردیبهشت - ساعت 1630 تمام کوچه های اطراف و پل عابر پیاده ای مقابل وزارت کار پر از ماشینهای مزدوران انتظامی و لباس شخصی است . دور تا دور میدان انقلاب خودروهای نیروهای سرکوبگر مستقر شده اند . مزدوران لباس شخصی کسانی را که دوربین داشتند را مورد حمله قرار دادند و مانع از فیلمبرداری آنها شدند . مردم منتظرند که ساعت 17 شروع کنند چراکه در خیابان هنوز ترددات معمول جریان دارد و موتورهای مزدوران از بین ماشینها و اتوبوسها مانور میدهند و سروصدا ایجاد میکنند . مزدوران با ضرب و شتم مانع از تجمع مردم میشوند و يك مرد و يك جوان بشدت مضروب شده و به بیمارستان شهریار منتقل شدند .

پرواز هلی کوپتر بر فراز منطقه مرکزی تهران

تهران - 11 اردیبهشت - در وحشت از شروع قیام روز کارگر ، در حوالی ساعت 1445 چند هلی کوپتر متعلق به نیروهای سرکوبگر بر فراز منطقه آزادی و انقلاب و ستارخان به پرواز درآمدند .

تظاهرات در خیابان انقلاب

تهران - 11 اردیبهشت - ساعت 1530 - يك جمعیت 4000 نفره از مردم تهران و کارگران محروم ، در خیابان انقلاب از سمت خیابان فردوسی به سمت مصدق در حال راهپیمایی با شعار «دانشجو ، کارگر اتحاد اتحاد» میباشند .

تظاهرات در میدان بهارستان

تهران - 11 اردیبهشت - ساعت 1545 - در میدان بهارستان در مقابل مجلس آخوندها مردم با شعار مرگ بر خامنه ای و مرگ بر دیکتاتور در حال تظاهرات هستند . مزدوران رژیم کلیه مسیرهای منتهی به میدان را بسته اند و بین مردمی که در وسط میدان هستند و مردمی که از خیابانهای مختلف میخواستند به آنها بپیوندند با موانع ترافیکی مانع ایجاد کرده اند .

گوشمالی بسیجی در مقابل وزارت کار

تهران - 11 اردیبهشت - ساعت 1330 - در مقابل وزارت کار مردم با نیروهای بسیجی و سرکوبگر رژیم درگیر شدند و يك بسیجی را مردم گوشمالی دادند .

تظاهرات در مقابل وزارت کار

تهران - 11 اردیبهشت - ساعت 1530 - مردم و کارگرانی که در مقابل وزارت کار در خیابان آزادی تهران تظاهرات کرده اند شعار میدهند :

مرگ بر استبداد - مرگ بر روسیه - ولایت استبداد نابود باید گردد - استبداد نابود باید گردد - خامنه ای ستمگره هر روز روز کارگره

شروع راهپیمایی روز کارگر در تهران

تهران - 11 اردیبهشت - حوالی ساعت 1430 - راهپیمایی در خیابان آزادی شروع شده است و جمعیت بطرف وزارت کار در حال حرکت است . ورودی خیابانهای منتهی به خیابان آزادی مانند اوستا توسط ماموران امنیتی رژیم ، بسته شده است . مزدوران لباس شخصی در اغلب خیابانها گشت میزنند و بعضا عابران را در خیابان مورد بازرسی بدنی قرار میدهند .

درگیری کارگران و مزدوران در خیابان نواب

تهران - 11 اردیبهشت - در ساعت 1330 حدود 40 نفر کارگر که بطور دستجمعی در خیابان نواب بطرف خیابان آزادی جهت برگزاری تظاهرات روز کارگر میرفتند در پی هجوم وحشیانه مزدوران انتظامی با آنها درگیر شدند . مزدوران با میله های آهنی و باتوم به کارگران محروم و بی دفاع حمله کردند و دو نفر از آنها بشدت زخمی شده و به بیمارستان منتقل شدند .

از گرسنگی میمیریم ذلت نمیپذیریم

اهواز - 11 اردیبهشت - جمعی از کارگران لوله سازی اهواز نیز در مقابل اداره کار رژیم با پلاکارد " از گرسنگی میمیریم ذلت نمیپذیریم" تجمع کرده اند. همچنین در مقابل استانداری نیز در وحشت از قیام امروز کارگران نزدیک به 10 خودروی انتظامی مملو از ماموران مستقر شده اند.

نفت و مرغ نخواستیم تخم مرغ رو صدا کن

شیراز - 11 اردیبهشت - در مقابل استانداری این شهر از صبح روز شنبه ، کارگران صنایع شیر رمک نیز با پلاکارد " نفت و مرغ رو نخواستیم تخم مرغ رو صدا کن " و " حکومت عدل علی ! خجالت خجالت" تجمع کرده اند.

تجمع 8000 کارگر چینی البرز

قزوین - 11 اردیبهشت - در ورزشگاه این شهر 8000 نفر از کارگران چینی البرز با پلاکاردهای «کارگر اتحاد اتحاد» و « ما عیدی سالهای 87 و 88 را هم نگرفته ایم » تجمع کرده و دست به تظاهرات زده اند .

مدعی عدالت خجالت خجالت

شیراز - 11 اردیبهشت - قبل از ظهر شنبه کارگران بیکار شده ی مجتمع صنایع گوشت فارس در جلوی استانداری تجمع کرده اند و پلاکاردی که روی آن نوشته « پول نفت سر سفره ها نخواستیم ، حداقل نان خالی را از سفره هامان قطع نکنید » در دست دارند . آنها شعار میدهند « کارگر روز بیکاریت مبارک » و « مدعی عدالت خجالت خجالت »

وحشت از قیام روز کارگر در خیابان آزادی

تهران - 11 اردیبهشت - ساعت 1145 در خیابان آزادی در مقابل وزارت کار و همچنین بر روی پل عابر پیاده ای که درست در مقابل وزارت کار وجود دارد ، نیروی انتظامی مستقر شده است و مردم هم در حال تردد هستند .

وضعیت امنیتی تهران در صبح روز کارگر

- در میدان بهارستان ، نیروی انتظامی با گله های خودرو و مزدوران خود در وحشت از تهاجم مردم ، جلوی مجلس صف بسته است.
- میدان توپخانه ، مملو از نیروی انتظامی و مزدوران است .
- دور تادور میدان ولی عصر نیروهای لباس شخصی با ماشینهای سواری سیاهرنگ خود مستقر شده اند .
- در میدان آزادی از سمت ورودی غربی آن ، پست بازرسی برقرار است و به کنترل شدید تک تک خودرو ها مشغولند .
- در پارک دانشجو ، يك كانكس كه از دو روز قبل مستقر شده است ، محل فرماندهی نیروی انتظامی در این منطقه است و سرکردگان انتظامی در آن مستقر هستند .

- در انتهای غربی خیابان مولوی که ورودی تهران است نیز پست بازرسی با کنترل کارت ملی برقرار است
- در ساعت 11 در خیابان آزادی بهبودی ، مزدوران انتظامی و بسیجی و سپاهی ، به عابرین حمله میکنند و با ضرب و شتم مردم و دستگیری آنها سعی در ممانعت از شکل گیری هر نوع تجمعی دارند .

تظاهرات شبانه با شعار مرگ بر خامنه ای

تهران - 10 اردیبهشت - مردم تهران ، با قیام شبانه خود به پیشواز قیامی بزرگی که چند ساعت پیشتر تا شروع آن نمانده رفتند . طنین بانگ الله اکبر و مرگ بر خامنه ای از تهران نو در شرق ، تا میدان توپخانه در شلوغترین منطقه مرکزی تهران تا شهرک اکباتان در غرب ، آسمان تهران را به لرزه در آورده است .

درگیری و تظاهرات در میدان فردوسی تهران

تهران - 10 اردیبهشت - در ساعت 1830 روز جمعه در میدان فردوسی ، مردم گله های مزدوران گارد ویژه و انتظامی را که در وحشت از قیام بزرگ روز کارگر به خیابانها ریخته اند را هو میکردند ، که همین امر موجب شروع یک درگیری دو طرفه میشود و مردم که هر لحظه بر تعدادشان افزوده میشود ، با شعار مرگ بر خامنه ای دست به تظاهرات در میدان فردوسی میزنند . به گزارش رسیده در ساعت 1845 جمعیتی حدود 700 نفر شعار میدادند و با مزدوران مشغول درگیری بودند .

تظاهرات شبانه بر فراز بامها در آستانه روز کارگر

تهران - 9 اردیبهشت - در آخرین شب جمعه قبل از روز کارگر مردم تهران در مناطق شرق و غرب و جنوبی آن ، شعار های « مرگ بر خامنه ای » و « الله اکبر » را هر چه بلند تر از شبهای قبل ، سر دادند . صدای مردم تهران از مناطق خوش و نواب و نازی آباد و جوادیه و اطراف شهر ری و اطراف حرم آسمان را فراگرفته و زمین را زیر پای ولی فقیه به لرزه در آورده بود .

پنجشنبه ۲۹ آوریل ۲۰۱۰

شعار نویسی در دانشکده فنی تبریز

تبریز - 8 اردیبهشت - به گزارش رسیده دانشجویان بر روی دیوارها و کلاسها و صندلیها بطور گسترده اقدام به شعار نویسی کرده اند .

شعارهای دانشجویان عبارتند از « مرگ بر اصل ولایت فقیه » ، « مرگ بر دیکتاتور » ، « مرگ بر خامنه ای » و « تنها راه حل آزادی مردم راه حل سوم »

این دانشجویان یک نسخه از شعارهای فوق را به صندوق حراست دانشگاه نیز ارسال کرده اند .

تشدید اقدامات امنیتی و قطع ارتباطات در آستانه خیزش بزرگ روز کارگر

تهران - 9 اردیبهشت - به گزارش رسیده ، از بعد از ظهر روز پنجشنبه در تهران تلاش رژیم برای کنترل خشم و خیزش مردم کاملاً مشهود است ، منجمله

- سرعت اینترنت خیلی کم و غیر قابل استفاده شده است ، یک ساعت همه موبایل ها قطع شد .

- همچنین در مناطق مختلف تهران پستهای بازرسی تک تک خودروها و کنترل کارت ملی منجمله در خیابانهای مصدق و آزادی و دوراهی یوسف آباد جریان یافته است .

- در میدان فردوسی مزدوران انتظامی با دوماشین مستقر شهد اند .

بانگ الله اکبر مردم تهران در شب جمعه قبل از روز کارگر

تهران - 9 اردیبهشت - ساعت 22 از اکثر مناطق تهران ، بانگ الله اکبر و خروش مرگ بر خامنه ای آسمان تهران را فرا گرفته است . به گزارش رسیده ، در این ساعت مردم مناطق خوش ، توپخانه ، شهرک اکباتان ، یوسف آباد و تهران نو قیام همبستگی شبانه با کارگران را شروع کرده بودند .

اخبار درگیری کارگران و مزدوران در خیابان نواب

به نوشته شبکه توپتر از دلیران بی باک آمده است : شروع راهپیمایی روز کارگر در تهران / خیابانهای منتهی به خیابان آزادی بسته شده است

تهران - 11 اردیبهشت - حوالی ساعت 1430 - راهپیمایی در خیابان آزادی شروع شده است و جمعیت بطرف وزارت کار در حال حرکت است .

ورودی خیابانهای منتهی به خیابان آزادی مانند اوستا توسط ماموران امنیتی رژیم ، بسته شده است . مزدوران لباس شخصی در اغلب خیابانها گشت میزنند و بعضاً عابران را در خیابان مورد بازرسی بدنی قرار میدهند .

درگیری کارگران و مزدوران در خیابان نواب

تهران - 11 اردیبهشت - در ساعت 1330 حدود 40 نفر کارگر که بطور دستجمعی در خیابان نواب بطرف خیابان آزادی جهت برگزاری تظاهرات روز کارگر میرفتند در پی هجوم وحشیانه مزدوران انتظامی با آنها درگیر شدند .

مزدوران با میله های آهنی و باتوم به کارگران محروم و بی دفاع حمله کردند و دو نفر از آنها بشدت زخمی شده و به بیمارستان منتقل شدند .

تجمع 8000 کارگر چینی البرز
قزوین - 11 اردیبهشت - در ورزشگاه این شهر 8000 نفر از کارگران چینی البرز با پلاکاردهای «کارگر اتحاد اتحاد»
و « ما عیدی سالهای 87 و 88 را هم نگرفته ایم » تجمع کرده و دست به تظاهرات زده اند .

آموزش 50 هزار «مربی حجاب و عفاف» در بسیج / اخراج بیش از 25 هزار کارگر فقط در طول سه ماهه اول امسال

به نوشته سایت روشنگری در تاریخ 11 اردیبهشت نوشت : «مسئول بسیج خواهران» به ایلنا گفته است بسیج در طول دو سال گذشته 50 هزار «مربی ترویج حجاب و عفاف» را آموزش داده است. این در حالی است که جمع آوری گزارشات تنها همین خبرگزاری توسط فعالین کارگری حاکی از آن است که :
« در طول سه ماه اول سال 1386 ، تعداد 25795 کارگر از کار اخراج و یا تعلیق از کار شده اند ، تعداد 25896 کارگر بیش از دو تا بعضا 38 ماه حقوق دریافت نکرده اند و تعداد 12 اعتصاب و 47 تجمع کارگری روی داده است.»
به عبارت دیگر هزینه تولید ماموران رژیم برای کنترل زنان نهایتاً از جیب کارگران و از طریق خانه خراب کردن آنها تامین میشود.
جمع بندی گزارشات ایلنا در مورد اخراج ها را در لینک زیر بخوانید. خبر ایلنا در مورد بسیج ماموران حجاب در زیر آمده است.

http://www.workertoday.com/gozaresh/MR_gozaresh_3mahe.htm

ایلنا: مسئول بسیج خواهران کشور میگوید بسیج موفق شده است در طول 2 سال گذشته 50 هزار مربی برای ترویج فرهنگ حجاب و عفاف تربیت کند که این مربیان وظیفه دارند با برگزاری کارگاهها ، همایشها و نشستها و دعوت از جوانان برای شرکت در این جلسات به اشاعه فرهنگ عفاف و حجاب بپردازند.
مینو اصلانی در گفتوگو با خبرنگار ایلنا، گفت: از چند سال پیش برنامه‌های ویژه‌ای را برای فرهنگی سازی عفاف و حجاب در کشور آغاز کرده‌ایم که از مهمترین آنها تربیت مربی و کارشناس برای پاسخگویی به شبهات نسل جوان در رابطه با حجاب است .

مسئول بسیج خواهران کشور توضیح داد: بسیج موفق شده است در طول 2 سال گذشته 50 هزار مربی برای ترویج فرهنگ حجاب و عفاف تربیت کند.

او اظهار کرد: مهم‌ترین وظیفه این مربیان اشاعه فرهنگ عفاف و حجاب با برگزاری کارگاهها ، همایشها و نشستها و دعوت از جوانان برای شرکت در این جلسات است.
اصلانی تصریح کرد: بر اساس طرح بزرگ وزارت کشور در زمینه عفاف و حجاب، مسئولیتی نیز بر عهده بسیج در نظر گرفته شده است. بسیج باید در زمینه اشاعه معروفات در حوزه حجاب و عفاف تلاش کند و الگوهای مناسب به نسل جوان ارائه دهد که زندگی زنان صدر اسلام و زنان شهیده می‌تواند الگوی مناسبی برای ارائه به جوانان باشد.

مسئول بسیج خواهران کشور گفت: با توجه ویژه‌ای که در چند روز اخیر نسبت به مسئله حجاب و عفاف صورت گرفته است ، مسئولیت بسیج نیز در این زمینه جدی‌تر شده است بنابراین ما نیز با جدیت بیشتری مسائل مرتبط با حجاب و عفاف را دنبال می‌کنیم و فعالیت‌های خود را گسترش داده و در زمینه تربیت مربی تلاش بیشتری می‌کنیم.

اصلانی در پاسخ به این سؤال که آیا به مربیان آموزش دیده بسیج این اجازه داده شده است که در خیابان دختران بد حجاب را امر به معروف و نهی از منکر کنند، گفت: خیر، به مربیان چنین اختیاری داده نشده و آنها فقط در کارگاهها و نشستها می‌توانند در رابطه با مزایای حجاب سخن گفته و به شبهات جوانان در زمینه حجاب و عفاف پاسخ دهند.

دیدار مادران عزادار با فاطمه گلگزی مادر منصور اسانلو به مناسبت روز جهانی کارگر

[/http://maadaraan.tk](http://maadaraan.tk)

به نوشته سایت رسمی مادران عزا در تاریخ 11 اردیبهشت 89 آمده است : تعدادی از مادران داغدار و عزادار که فرزندان شان طی سی و یک سال گذشته ، توسط جمهوری اسلامی، به قتل رسیده اند یا در بند زندان های شهرهای مختلف ایران ، اسیر و یا مفقود الاثر شده اند ، برای احترام به همه کارگران دربند و خانواده هایشان با مادر منصور اسانلو دیدار کردند ، منصور اسانلو کارگر مبارز و رئیس هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد است او بیش از سه سال است که در شرایط بسیار بد و غیر انسانی و غیر قانونی در زندان بسر می برد .
در این دیدار مادر اسانلو در پاسخ به نگرانی از وضعیت سلامتی منصور ، توسط مادران اینگونه توضیح داد : " منصور شیر پاک خورده است ، او زور و ظلم را نمی تونه تحمل کنه ، سرشار از زندگی است . قبل از سال نو از من تخم سبزی و گل خواسته بود و در باغچه بند زندان کاشته بود از همسرش پول خواسته بود تا میوه و آجیل و شیرینی در حدی که فروشگاه زندان داره ، تهیه کنه و چهارشنبه سوری و نوروز رو با همبندان خود که از زندانیان عادی هستند جشن بگیره . سبزی ها جوانه های شان بیرون زده بود ، منصور خرید هایش در دستش بود که صدای اش می زند و به انفرادی می برنش .

منصور اصلن نباید در زندان باشه ، حتی اگر جرمی مرتکب شده باشه و محکومیت اش عادلانه باشه که نیست . پزشکی قانونی چندین بار بخاطر بیماری ها ش عدم تحمل کیفررا برایش صادر کرده ولی اینها پزشکی قانونی خودشان را هم انگار قبول ندارند . پسر من همان طور که می دونید از بیماری چشم و دیسک کمر و معده رنج می بره ، با وجودی که بعضی از زندانی ها چندین بار نقشه قتل اش را با کمک ... کشیده اند ولی با همه مهربانه . هربار تلفن می زنه ، نمی دونید با چه صدایی به من مژده می ده که جوانی دیگر رو از اعتیاد نجات داده . منصور یک همچین آدمی است . هر جا باشه اونجا را آباد می کنه ، اونجا را سرزنده و شاد می کنه ، خیلی ناراحت می کنه حتی به ملاقات اش هم با این وضعیت جسمی ام نمی تونم برم . بی انصاف ها حداقل بیارندش زندان اوین که خانواده اش برای ملاقات زجر نکشند . "

مادران با ذکر نمونه هایی از بی عدالتی های موجود ، و عدم رسیدگی به وضعیت زندانی ها و صدور احکام اعدام و فشار به خانواده های شهدای اخیر برای رضایت و دریافت دیه و سرپوش گذاشتن بر جنایات صورت گرفته از همه مادران ایران خواستند به رغم همه تهدید ها و بازداشت ها تا رسیدن به خواسته های قانونی ، به این حرکت مسالمت آمیز ، ادامه داده و سکوت نکنند

اول ماه مه (11 اردیبهشت 89) چند خبر از تهران و اصفهان

به گزارش دلیران بی باک در فیس بوک در تاریخ - 11 اردیبهشت - تهران درگیری شدید در میدان توپخانه در حدود 500 نفر از مردم و کارگران در میدان توپخانه تهران باشعار مرگ بر خامنه ای با مزدوران بسیجی و انتظامی در محل ، بشدت درگیر شدند . در حدود 36 نفر از مردم با زخمهای سطحی و شدید مجروح شدند . همچنین تعدادی از مزدوران بسیج و انتظامی نیز در این درگیری توسط مردم بشدت گوشمالی داده شدند . تظاهرات و درگیری در اصفهان

اصفهان - 11 اردیبهشت - در ساعت 1230 روز شنبه ، مردم و کارگران در میدان انقلاب با شعار مرگ بر خامنه ای و خامنه ای قاتله ولایتش باطله دست به تظاهرات زده و با مزدوران سرکوبگر درگیر شدند . همچنین در ساعت 1455 در مقابل درب ورودی دانشگاه اصفهان مردم و دانشجویان در حمایت از کارگران با شعار کارگر دانشجو اتحاد اتحاد دست به تظاهرات زدند . این تظاهرات نیز به درگیری با مزدوران رژیم منجر شد . هر لحظه بر جمعیت تظاهرکننده افزوده میشود

تهران - 11 اردیبهشت - ساعت 1850 - هر لحظه بر تعداد مردم در مقابل وزارت کار افزوده میشود . در بین مردم انبوه مزدوران گارد ویژه و لباس شخصی ، حضور دارند و هرکس که به هر نحوی از دوربین و تلفن دستی استفاده میکند بشدت سرکوب میکنند . خودسوزی یک کارگر در مقابل دانشگاه

تهران - 11 اردیبهشت - یک کارگر محروم که صبح روز کارگر در مقابل وزارت کار حضور یافته بود، بعد از ظهر امروز در مقابل دانشگاه تهران به نشانه اعتراض به تمامیت رژیم خود را به آتش کشید . مزدوران وحشت زده سرکوبگر در شعاع 400 متری مانع از تردد مردم به اطراف این کارگر قربانی میشدند .

همین گزارش میافزاید که مزدوران بسیجی امروز مسلح هستند و باتونهای برقی نیز در دست دارند . نیروی انتظامی نیز با خودروهایی که زندان سیار است دستگیر شدگان را به یک پایگاه انتظامی در پشت سینماهای میدان انقلاب منتقل میکنند.

اخبار کوتاه روز کارگر ، گوشمالی بسیجی در مقابل وزارت کار

به گزارش دلیران بی باک در فیس بوک در تاریخ - 11 اردیبهشت آمده است : کارگر - گوشمالی بسیجی در مقابل وزارت کار

تهران - 11 اردیبهشت - ساعت 1330 - در مقابل وزارت کار مردم با نیروهای بسیجی و سرکوبگر رژیم درگیر شدند و یک بسیجی را مردم گوشمالی دادند . تظاهرات در مقابل وزارت کار

تهران - 11 اردیبهشت - ساعت 1530 - مردم و کارگرانی که در مقابل وزارت کار در خیابان آزادی تهران تظاهرات کرده اند شعار میدهند

مرگ بر استبداد - مرگ بر روسیه - ولایت استبداد نابود باید گردد - استبداد نابود باید گردد - خامنه ای ستمگر هر روز روز کارگره

درخواست مادر فرزند کمانگر از مادران برای اعتصاب در مقابل زندان

من با این تن مریضم ، با این روح بیمار و زخم دیده ام از تمام مادرانی که فرزندان شان بازداشت ، زندان و یا اعدام شده ، تقاضا دارم همه باهم مقابل زندان ، دادگاه و دیگر نهاد های دولتی کفن بپوشیم و اعتصاب کنیم . حاضرم مقابل گلوله هایشان بایستم و کشته شوم . خون ما از خون دانشجویانی که در خیابانهای تهران کشته شدند رنگین تر نیست . نمی دانم تا کی باید با چشمان پر از اشکم انتظار فرزندم را بکشم . می خواهم از تمام مسئولان بپرسم : آیا زندانی کردن و اعدام فرزندان این سرزمین ، رافت اسلامی و پایبندی به اصول اسلام است؟

حاضر برای اثبات بی گناهی پسر معلم مقابل همان اسلحه ای قرار بگیرم که دانشجویان با گلوله آن کشته شدند. می خواهم که مادران داغدار به فرزندانشان افتخار کنند، همانگونه که من به فرزندم افتخار می کنم.

مراسم روز کارگر با شعار مرگ بر دیکتاتور در مقابل وزارت کار

روز شنبه از ساعت 16:00 به وقت تهران هزاران نفر از کارگران و مردم تهران از چند جهت به سوی وزارت کار در حال حرکت هستند. حوالی ساعت 17:30 تعدادی از کارگران و مردم در خیابان جیحون اقدام به سر دادن شعارهای مرگ بر دیکتاتور نمودند که با یورش و حشियانه گارد ویژه مواجه شدند. همزمان با آنها ماشینها اقدام به بوق زدن ممتد نمودند. هر لحظه بر تعداد جمعیت افزوده می شود. نیروهای سرکوبگر گارد ویژه، نیروی انتظامی، سپاه پاسداران، لباس شخصیها و بسیجی ها منطقه را به صورت پاداگان در آورده اند. امام مردم بصورت دسته های چند صد نفره در آنجا حضور دارند. نیروهای موتور سوار گارد ویژه و لباس شخصیها در حال گشت زدن و ایجاد رعب و وحشت هستند. اما کارگران و مردم به اقدامات سرکوبگرانه آنها توجهی ندارند و قصد برگزاری گسترده این مراسم را دارند فضا منطقه بسیار متشنج می باشد.

ظهر امروز تعدادی از کارگران در مقابل مجلس تجمع کرده بودند که با یورش و حشियانه گارد ویژه مواجه شدند و در گیری شدید بین آنها و کارگران ایجاد شد که منجر به شعار دادن کارگان علیه دیکتاتوری حاکم شد.

خانم فاطمه اسانلو مادر آقای منصور اسانلو در گفتگویی با مینو همتی در برنامه رهایی زن از کانال یک ماهواره از وضعیت نامساعد این فعال سندیکایی در زندان رژیم اسلامی سخن میگوید

مینو همتی : در آستانه اول ماه می روز جهانی کارگر هستم و همچنان رژیم جمهوری اسلامی فعالین جنبش کارگری را در بند و اسارت خود دارد، نمونه بارز آن آقای منصور اسانلو رئیس هیئت مدیره سندیکای شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه هستند که علی رغم شدت بیماری، از امکانات پزشکی مناسب محرم شده است در همین ارتباط از آخرین وضعیت آقای اسانلو که در آن قرار دارد صحبتی دارم با مادر منصور اسانلو، ضمن سلام به شما لطف کنید آخرین خبری را که از وضعیت فرزند خود آقای منصور اسانلو دارید برای بینندگان ما بازگو کنید ضمن اینکه اشاره کنید به اینکه آقای اسانلو چند مدت است که در زندان به سر می برد و آخرین دیدار شما با فرزند خود چه زمانی بوده است ؟

فاطمه اسانلو: سلام دارم خدمت همه شما عزیزان که زحمت می کشید . من نزدیک بیست روز به عید بود که رفتم به دیدن پسر من نمی دانم چطور شد که ملاقات حضوری به من دادند ولی من خودم تنها بودم چون به اندازه ای این زندان دور است که ما نمی توانیم برویم ، ملاقاتی هر هفته یک بار است ولی من و خانم ایشان نمی توانیم برویم در هر صورت من رفتم دیدنش در آن زمان وضعیت روحی خوبی داشت ولی حال جسمی خوبی نداشت .

پسر من بیست و یک سال و نیم می شود که در زندان گوهردشت رجایی شهر به سر می برد ، من و همسر اسانلو هر تلاشی کردیم و می کنیم ولی هیچ جوابی به ما نمی دهند و پسر من را تحت شکنجه روحی قرار می دهند هر چند مدت به یک بند می فرستند در حال حاضر انتقال دادند به بند پنج زندان گوهردشت و در هر بند دو نفر هستند که همان بیست روز مانده به عید به من ملاقاتی دادند و دیگر به ما ملاقاتی ندادند حالا نمی دانم به زندانی های دیگر ملاقات دادند یا ندادند ولی به ما ملاقاتی ندادند تا این زمانی که دارم با شما صحبت میکنم موفق به دیدن پسر من نشدیم چون زود بندایشان را عوض می کنند یک بار سلول انفرادی می برند یک روز تحت فشار می زارند به خاطر چه چیزی به خاطر خواسته های انسانی ، این که مثلا یک فرشگاهی باشد که دوتا لیمو ترش وجود داشته باشد چون قلب و ریه فرزندم درد می کند

مینو همتی : ما می دانیم منصور اسانلو از ناراحتی قلب و کمر رنج می بردند لطف کنید از وضعیت ایشان توضیح بدهید و این را می دانیم که پزشک قانونی بیش از سه بار تاکید کرده که ایشان قادر به تحمل این وضعیت نیست و باید آزاد شود و تحت مداوا قرار بگیرد به نظر شما وضعیت جسمانی ایشان چطور است؟ فاطمه اسانلو: ما قبل از عید خیلی تلاش کردیم حتی در شمال هم خانه آماده کرده بودیم که پسر من بیاد ببریم که اینجا تنها باشد و قلب و ریه و کبد ایشان تحت درمان قرار بگیرد تمام وضع داخلی فرزندم به هم ریخته است . دیروز که برادرش و پسرش به ملاقاتی رفته بودند گفته بودن ساعت یازده می توانید ایشان را ببینید ولی تا ساعت یک آنجا می مانند بعد می گویند که قرار ملاقات ندارند شما تصور کنید که دیروز من چه قدر مریض شدم که می خواستند بستری بشوم به خودم قدرت دادم که زنده بمانم ، تلفن زدیم به زندان که هیچ جوابی به ما ندادند ، ما خیلی ناراحت و نگران بودیم که چرا ملاقاتی ندادند یا اجازه ندادند که با پسر من صحبت کنیم تا ساعت شیش نگران حال ایشان بودیم تا اینکه اسانلو یک تماس کوتاهی با ما گرفت و گفت امروز که روز ملاقاتی بود با پابند و داست بند می برند بیرن از زندان برای معاینه ریه ، قلب ، و چشم هایش وقتی برگشته بود یک سرباز به پسر من خبر می دهد که آمده بودن ملاقاتی و تماس گرفتیم نگران هستیم بعد تماس گرفت گفتم مادر جان من که از بین رفتم شما کجا هستید گفت که من را بردن با داست بند و پابند معاینه

مینوهمتی : در حال حاضر چند سال است ایشان دستگیر شده است؟

فاطمه اسانلو: سه سال است که دستگیر شده و یک سال و نیم است که بعد از اینکه چشم هایش را معالجه کردیم باید هشت ماه تحت نظر پزشک های بیرن زندان بود که دو ماه مانده بود که ایشان را از زندان اوین به گوهردشت کرج انتقال دادند ، یک سال و نیم است که به ایشان مرخصی نداده اند من که مادرش هستم ایشان را ببینم حتی برای پسرش که می خواست ازدواج بکند مراسم عقد بگیریم می خوستیم ایشان یک ساعت بیاید در مراسم شرکت کند که قاضی ایشان آقای حداد گفت که من اجازه نمی دهم اگر تمام دنیا هم اجاز بدهد و اگر هم اجازه بدهم با قفل و زنجیر میاد که من خیلی ناراحت شدم و یک سال و نیم هست که پسرم اصلا مرخصی بیرنی ندادند

مینوهمتی : اشاره کنید در کدام زندان و در کدام بند هستند؟

فاطمه اسانلو: بند معتاد ها و قاتل ها ی که اصلا که هیچی ندارند، مسئولین به ما می گویند پسر شما ما را ازیت میکند فرض کنید پسر من می گوید گناه من چه چیزی است که من را از این بند به یک بند دیگر می برید بعد می گویند ایشان نباید حرف بزند هیچی نباید بگوید ، می خواهم بدانم گوسفند زبان دارد یا ندارد تا سرش را نبریدن حرف میزند انسان هم حرف می زند اگر حرف نزنیم که اتفاقی نمی افتد انسان بیاد حرف خود را بگوید. حالا خواسته من این است که ایشان از زندان آزاد شود چون ما خیلی زحمت کشیدیم نامه دادیم پیش آقایانی که جدید سر کار آمدند رفتیم هیچ گونه جوابی به ما ندادند من دلم می خواست به عنون یک مادر بچه ام شب عیدی در کنارم باشد یا بیرون از زندان معالجه شود ، هیچ انسانی هیچ قانونی در کشور ما نیست چون ایشان یک سال و نیم باید بیرون از زندان باشد، حالا یک سال از زندان ایشان مانده حداقل این یک سال را ایشان بیرون از زندان تحت درمان باشد.

مینوهمتی : شما اگر بخواهید کوتاه یک پیام بفرستید به نهاد های بین المللی . اتحادیه های کارگری و به تمام کسانی که در سراسر دنیا صدای شما را به عنوان یک مادری که نگران وضعیت فرزند خود است ، بشنوند چه صحبتی دارید ؟

فاطمه اسانلو: من از سازمان های کارگری از صنف کارگری و اتحادیه بین المللی کارگری خواهش می کنم یک کاری بکنند پسرم دارد از لحاظ جسمی وضعیت وخیمی پیدا کرده است توان ماندن در زندان را ندارد دیروز نزد پزشک بوده است ، من امروز خیلی تلاش کردم تماس بگیرم ولی جواب ندادند خوشبختانه اسانلو تماس گرفت گفت مادر اینجا خیلی شلوغ است از بند خود ما تمام تلفن ها بسته بود از یک بند دیگر تماس می گیرم پرسیدم به شما چه جوابی دادن که معاینه شدی گفت مادر به من هیچ جوابی ندادند باید جواب ها را به قاضی بدهند آنها هم که جواب نمی دهند این بار چهارم است که پزشکان خود زندان گفتند ایشان باید بیرون از زندان معالجه شود و درخواست من از کل کارگران دنیا و اتحادیه ها و صنف های کارگری می خواهم که یک کاری انجام بدهند نامه بفرستند درخواست کنند که پسرم آزاد شود عفو نمی خواهد چون فرزند م کاری نکرده بود که عفو شود باید حالا بیرون از زندان باشد .

مینوهمتی : خانم اسانلو مایلیم تاکید کنم در واقع تالاش می شود اخبار ها منتشر میاید به طور قطع صدای شما شنیده می شود مایلیم از وضعیت همسر ایشان که تحت فشارهای اقتصادی هستند و طبیعی است که نگران وضعیت جسمانی همسر خود آقای منصور اسانلو هم باشند ، صحبت کنید ؟

فاطمه اسانلو: باید گفت یک زن کارگر من به چنین عرسی افتخار می کنم و در واقع پنج ساله اینها گرفتار شده اند ایشان دو شیفت کار میکنند که بچه ها درست تربیت شوند و تحصیل کنند اما مشکلات زیادی سر را ایشان هستند خیلی سختی می کشند باید کرایه خانه پسر بزرگ اسانلو را بدهد که بی کار است و کار نیست که کار بکند پسر کوچک که دانشگاه تحصیل می کند ، اما با تمام وجود دوست دارند که پدر در کنار آنها باشد زن اسانلو دست دارد که شوهرش درکنارش باشد برای یک زن خیلی سخت است که سه سال بدون همسر زحمت می کشد من وبچه ها و عروسم خیلی سختی میکشیم، من از عروسم خیلی تشکر میکنم که تحمل می کند ومشکلات را با سر بلندی تحمل میکند چون همسرش بی گناه بود و بغیر از حق کارگر چیزی نمی خواست بغیر از این که اتحادیه کارگران شرکت واحد را به نتیجه رساند گناهی نداشت مگر این کار زندانی دارد در کجای دنیا این کار زندان دارد اگر بخواهید به کارگران کمک کنید . حالا در زندانی هستند که با چه بدبختی میوه به دست آنها می رسد دو هفته است که میوه به اسانلو ندادند ایشان باید لیمو ترش داشته باشد، ما که هیچ کاری نمی توانیم برای اسانلو انجام بدهیم نمی توانیم که پول بفرستیم پنجاه هزار هم که می فرستیم رفته میوه گرفته می گویند آقای اسانلو بیاید کار داریم ایشان میوه را انجا می گزارد شب عید بوده گفته که دور هم خوش باشند من پسرم را می شناسم ، ایشان را تا ساعت پنج در یک سالون نگه می دارند که اسانلو اعتراض می کند می گوید مگر من چکار کردم ، هم میوه های شب عید را از دست می دهد هم من یک مقدار تخمه سیزی داده بودم که بکارد وقتی کاشت بود از بند انتقال دادند که حالا یک ماه و بیست روز می شود که انتقال دادند ، من خیلی ناراحت و نگران هستم همیشه پسرم جلو چشمم هست . ناراحتی من این است که چرا پسرم بی گناه زندان افتاده چرا این مسئولین گوش به حرف هیچ کسی نمی دهند.

من درخواستم این است که پسرم بیرون از زندان معالجه شود از اتحادیه ها و سازمان های حقوق بشر می خواهم درخواست کنند که این انسان های بی گناه آزاد شوند از جمله اسانلو ، از تمام سازمانهای که تلاش کردند و زحمت کشیدند تشکر می کنم و به یلاش خود ادامه بدهند

مینوهمتی : با سپاس فراوان که به ما وقت دادید آرزو مندم آن روز برسد که تمام عزیزانی که در بند هستید منجمله آقای اسانلو و دیگر فعالین جنبش کارگری رها بشوند و برگردند به آغوش گرم خانواده می دانیم که وجود تک تک این انسان های شرافتمند برای جامعه ما مفید است

فاطمه اسانلو: من خیلی ممنون هستم از شما حرف های که می خواستم بگویم شما گفتید به جای من ، دست شما درد نکند به فکر ما هستید

تشدید فضای امنیتی از سوی نظام در هراس فزاینده از تظاهرات روز جهانی کارگر

سایت آژانس ایران خبر در تاریخ 11 اردیبهشت نوشت : در آستانه روز جهانی کارگر، جو شدید امنیتی و اطلاعاتی و حضور ده ها مامور پلیس و ماشین های انتظامی در خیابان فاطمی، اطراف وزارت کشور و سایر نقاط کلیدی شهر دیده میشود ، همچنین حضور ون های نیروی انتظامی به وفور در نزدیکی پارک لاله و میدان ولی عصر به بهانه طرح امنیت اجتماعی و حجاب اجباری ترس فزاینده نظام از حضور گسترده مردم و کارگران در تظاهرات روز جهانی کارگر را نشان میدهد .

همزمان با روز کارگر اتفاق افتاد؛ تهدید کارگران به اخراج و ایجاد فضای امنیتی در سطح شهر

سایت کلمه در تاریخ 11 اردیبهشت نوشت : اطلاعات رسیده حاکی از آن است که همزمان با ۱۱ اردیبهشت ماه روز جهانی کارگر در سطح شهر تهران به خصوص در مناطق مرکزی شهر، فضای امنیتی حاکم شده است. به گزارش خبرنگار کلمه، تجمع ماموران نظامی و انتظامی در میدان انقلاب تا نزدیک میدان آزادی بیشتر مشهود است و خودروهای ون در اطراف میدان انقلاب مستقر شده اند. گزارش های رسیده حکایت از آن دارد که در اطراف وزارت کار و سازمان تامین اجتماعی (در خیابان آزادی) نیروهای امنیتی به طور پرنرنگ سازماندهی و مستقر شده اند و آن نقطه از شهر کاملاً شبیه منطقه نظامی شده است. همچنین از میدان فاطمی نیز خبر رسیده که نیروهای امنیتی روبروی وزارت کشور نیز مستقر شده اند. از سوی دیگر بسیاری از کارفرمایان، کارگران خود را تهدید به اخراج کردند که در این روز هیچ اقدام یا اعتراضی را صورت ندهند.

تبریز: تجمع در مقابل اداره کار

صدها نفر از کارگران تبریزی با تجمع در مقابل اداره کار روز جهانی کارگر را گرامی داشتند بنابه گزارشات رسیده از ایران در تاریخ 11 اردیبهشت اطلاع داداند : صدها نفر از کارگران و مردم در مقابل اداره کار شهر تبریز تجمع کردندو ضمن گرامیداشت روز جهانی روز کارگر علیه اخراجهای گسترده، بیکاری و فقر اعتراض کردند. روز شنبه 11 اردیبهشت ماه صدها نفر از کارگران و مردم تبریز در مقابل اداره کار تبریز در خیابان خمینی، نیمه راه راه آهن برای گرامی داشت روز جهانی کارگر تجمع کردند. کارگران علیه اخراجهای گسترده، بیکاری و فقر اعتراض می کردند. این تجمع از حوالی ساعت 11:00 صبح آغاز شده است و تا لحظه ارسال گزارش صدها نفر در آن شرکت دارند هر لحظه بر تعداد شرکت کنندگان افزوده می شود. مراسم گرامیداشت روز جهانی کارگر علیرغم حضور گسترده نیروهای سرکوبگر همچنان ادامه دارد. نیروهای سرکوبگر انتظامی، سپاه پاسداران، بسیج و لباس شخصی در منطقه حضور گسترده ای دارند. بنابه گفته شاهدان عینی بیش از 40 خودروی نیروهای سرکوبگر در آنجا مستقر شده اند. همچنین تعداد زیادی از نیروهای موتور سوار که باتون بدست هستند در منطقه در حال گشت زدن هستند. مامورین لباس شخصی وزارت اطلاعات و سپاه پاسدارن حضور گسترده ای دارند

قطعنامه پایانی روز جهانی کارگر از سوی کارگران صادر شد؛ شنبه 11 اردیبهشت ماه سال 1389

کارگران برای پیگیری حقوق خود هیچ ابزار مشخصی ندارند جامعه کارگری ایران خواستار تقویت مذاکرات و امضای پیمانهای جمعی فی مابین کارگران و کارفرمایان است/ قانون هدفمندکردن یارانهها هنوز اجرایی نشده، قیمت بسیاری کالاها و خدمات با تایید دولت افزایش یافته است. امروز روز جهانی کارگر است؛ روزی که کارگران بر سر حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خود یکبار دیگر به میثاق می‌رسند. از همین منظر کارگران ایرانی نیز امروز گرداگرد یکدیگر خواهان به رسمیت شناخته شدن حقوق اولیه خود شدند.

به گزارش ایلنا متن کامل بیانیه کارگران به این شرح است:

11 اردیبهشت در ایران مصادف با اول ماه مه در جهان روز جهانی کارگر است این روز یادآور تلاش کارگرانی است که در جدال برای به دست آوردن حداقل معیشت و ساعت کار عادلانه رو در روی سرمایه‌داری و حامیان دولتی آنها ایستادند و با نثار خون خود تاریخ را ورقی دیگر زدند تا حقانیت کارگران را به اثبات برسانند از آن تاریخ به بعد شرایط کار برای کارگران تحت تاثیر رشد صنعت و تغییر شکل جریان سرمایه‌داری، تغییرات اساسی کرد و لزوم فعالیت کارگران و تشکلهای آنها برای مقابله با استثمار نوین نیروی کار، شکل تازه‌ای به خود گرفت امروز ده‌ها سال از این واقعه می‌گذرد و جریان سرمایه‌داری از حد و حدود مرزهای جغرافیایی کشور عبور کرده و جهانی شده است. منافع سرمایه‌داری در هم تنیده شده و سرمایه‌داری جهانی با این‌که فرهنگ‌ها زبان‌ها و ملیت‌های متفاوت دارند ولی هیچ‌گاه منافع مشترک‌شان را فراموش نمی‌کنند و خود را یک خانواده بزرگ می‌دانند به همین جهت است که سازمان جهانی تجارت درست می‌کنند تا بتوانند منافع جهانی خود را تضمین کنند تا سرمایه‌داران منابع خود را در مقابل هم نینند. امروز ما شاهدیم که جریان حرکت سرمایه آزادی کامل دارد و برای تضمین و تامین سود آن مسیران را ضمانت کرده و اصل و فرع آن را بیمه می‌کنند و حتی اگر لازم باشد حقوق کارگران را در پای آن قربانی می‌کنند.

به طور مثال قوانین حمایتی کار و تامین اجتماعی را تغییر می‌دهند حق اخراج را آزادانه در اختیار کارفرمایان قرار می‌دهند معافیت‌های مالیاتی طولانی مدت وضع می‌کنند و در مجموع همه نوع رانتی به سرمایه‌داران می‌دهند تا آنها تشریف فرما شوند.

ولی در شرایط برابر، کارگران حق جا به جایی ندارند تحت شرایطی دولت‌ها در جهت تضعیف حقوقشان قوانین وضع می‌کنند و آنها برای دفاع از حداقل حقوقشان باید مبارزه کنند.

مبارزاتی که بعضا باخشونت نیروهای نظامی و امنیتی کشورشان مواجه می‌شود همچنین در جریان بحران‌های اقتصادی، کارگران اولین گروه آسیب پذیر هستند که باید تاوان بلند پروازی و منفعت طلبی سرمایه‌داری را بدهند. با توجه به وضعیت اقتصادی و شرایط کشورها مشکلات جامعه کارگری می‌تواند شرایط متفاوتی داشته باشد. به کارگیری کودکان، تبعیض جنسیتی در خصوص حقوق برابر، عدم رعایت اصول ایمنی و بهداشت محیط کار، عدم رعایت ساعت کار، مقاومت در ایجاد و شکل‌گیری تشکلهای صنفی کارگران و مانع تراشی در جهت فعالیت تشکلهای مذکور و از همه مهمتر کاهش حمایت‌های اجتماعی و سخت‌گیری در این زمینه از سوی دولت‌ها از مواردی است که معمولا به طور گسترده در این کشورها اتفاق می‌افتاد همین نابرابری‌ها کافی است که کارگران را معترض کند و آنها را برای تامین حداقل‌های حقوق خود به خیابان‌ها بیاورد.

روز جهانی کارگر روزی است که باید با همه این ویژگی‌هایش گرامی‌اش بداریم این روز بر همه کارگران آزاده ایران و جهان مبارک باد. در عین حال فراموش نمی‌کنیم که اکنون کارگران بسیاری از شرکت‌ها ماه‌هاست حقوق دریافت نکرده‌اند اما برای پیگیری حقوق خود هیچ ابزار مشخصی ندارند. در کشور ما قراردادهای سفید امضای بدون تاریخ با اخذ ضمانت از کارگران همچنان گرفته می‌شود و تا زمانی که حقوق خود را مطالبه می‌کنند آنها را اخراج می‌کنند و از آن بدتر این‌که کارگران رانتهم به کم کاری و بی انضباطی و سایر اتهامات نیز می‌کنند.

1- حمایت قلبی و عملی خود را از انقلاب شکوهمند اسلامی و رهبری عظیم الشان آن حضرت آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) ابراز نموده و بار دیگر اعلام می‌نماییم که در صورت هر نوع تعرض به ارگان نظام مقدس تا پای جهان ایستادگی خواهیم نمود.

2- ما از دولت می‌خواهیم هر چه سریعتر نسبت به تدوین تصویب و اجرای آیین نامه قانون بیمه کارگران ساختمانی که مدت‌هاست معطل مانده حسب درخواست‌های نمایندگان و موافقت وزیران مرتبط و دستور ریاست محترم جمهوری اقدام نمایند.

3- ما خواهان اعلام و محاسبه سابقه بیمه‌ای کارگران ساختمانی از زمان تصویب قانون یعنی اسفند 87 می‌باشیم.

4- ما خواهان رسیدگی کامل به حقوق کار کارگران صنفی نظیر کارگران ساختمانی، کارگران خباز و حرف و مشاغل آزاد که غالب آنها فاقد ساعت مشخص کار و دیگر حمایت‌های قانون کار و تامین اجتماعی می‌باشند، هستیم.

5- ما از دولت می‌خواهیم هر چه سریعتر نسبت به برچیدن شرکت‌های تامین نیروی انسانی که عمدتاً طرف قرارداد شرکت‌های دولتی هستند و فقط برای بهره‌کشی از نیروی کار به وجود آمده‌اند اقدام کند.

6- جامعه کارگری ایران خواستار تقویت مذاکرات و امضای پیمان‌های جمعی فی مابین کارگران و کارفرمایان برای حل مشکلات پیش رو و پذیرش آن از سوی دولت به عنوان قوانین روابط کار می‌باشد.

7- سازمان تامین اجتماعی یک نهاد عمومی غیر دولتی است که باید با مشارکت کارگران کارفرمایان و حضور حاکمیتی دولت تشکیل شود.

ما خواهان ترکیب سه جانبه در ارگان این نهاد و همچنین استقلال کامل اداری و مالی آن می‌باشیم. هرگونه اقدامی در خصوص دولتی کردن این نهاد و ارگان این سازمان از نظر ما غیر متعارف و محکوم است.

8- تعهدات سازمان تامین اجتماعی از جمله پرداخت مستمری به بیش از 1,400,000 نفر تحت پوشش این سازمان از محل پرداخت‌های کارفرما، کارگر و دولت به دلیل عدم پرداخت نزدیک به 21 هزار میلیارد تومان بدهی از سوی دولت امکان پذیر نیست.

متأسفانه این سازمان بامشکل جدی منابع رو برو شده و بیم آن می‌رود که تعهدات آن در آینده دچار اختلال شود که خود یک معضل جدی اجتماعی به شمار می‌رود لذا ما خواستار پرداخت تدریجی بدهی دولت در یک برنامه زمان بندی شده کوتاه مدت می‌باشیم.

9- قانون هدفمندکردن پارانه‌ها هنوز اجرایی نشده، قیمت بسیاری کالاها و خدمات با تایید دولت افزایش یافته است. یقیناً اجرای این قانون به طور قابل توجهی به بار تورمی آن خواهد افزود لذا ما خواستار تزریق به موقع

منابع کافی به حساب کارگران شاغل و صندوق تامین اجتماعی جهت تقویت قدرت خرید مستمری بگیران و بیکاران تحت پوشش می‌باشیم. اشتباه احتمالی یقیناً هزینه‌ای اجتماعی غیر قابل بازگشت از خود بر جای خواهد گذاشت.

10- الحاق صندوق‌های بازنشستگی و همچنین اقشار مختلف جامعه به سازمان تامین اجتماعی که منابع مورد نیاز آن از سوی دولت پرداخت نمی‌شود مورد اعتراض جامعه کارگری است و ما از دولت و مجلس می‌خواهیم از تحمیل چنین تعهدی به سازمان تامین اجتماعی جدا خودداری کنند.
<http://ilna.ir/newsText.aspx?ID=120782>

اتحاد زنان آزادیخواه: طرح کاهش ساعات کار زنان ارمغان " رژیم جمهوری اسلامی به زنان زحمتکش ایران در آستانه روز جهانی کارگر

امسال در آستانه روز جهانی کارگر، زنان زحمتکش ایران از طرف رژیم حافظ منافع سیستم سرمایه داری یعنی جمهوری اسلامی، با دسیسه طرح "کاهش ساعات کار زنان" روبرو هستند. در صورت به اجرا در آمدن این طرح، ساعات کار زنان شاغل و متاهل از 44 ساعت به 36 ساعت کاهش می‌یابد. این طرح در شرایطی مطرح میشود که حقوق اکثر زنان زحمتکش ایران که در بسیاری موارد تنها سرپرست خانواده می‌باشند و مجبور هستند برای تهیه ابتدایی ترین مایحتاج زندگی خود و فرزندان شان چند شغل داشته باشند، اکثر اوقات حتی به 200 هزار تومان هم نمی‌رسد. اخیراً نیز شورای عالی کار، میزان حداقل دستمزد کارگران را 303 هزار تومان تعیین کرد. حال اگر این مبلغ را با رقمی که خود رژیم در ارتباط با خط فقر اعلام کرده مقایسه کنیم (جمهوری اسلامی خط فقر را حدود 900 هزار تومان در ماه اعلام کرده است)، آن‌گاه تصویر روشن تری از درجه فقر و فلاکت خانواده های کارگری و زنان کارگر و زحمتکش به دست خواهد آمد.

این طرح زن ستیزانه و ضد کارگری رژیم در شرایطی مطرح شده است که فقر و بیکاری در جامعه ایران بیداد می‌کند، تا آن‌جا که بر طبق آمار دولتی، سالانه بیش از 200 هزار نفر به خیل بیکاران افزوده میشوند. طرح کاهش ساعات کار زنان، یکی از آخرین طرح‌هایی است که به بهانه مضحک "منافع خانواده" از سوی دولت ضد کارگری جمهوری اسلامی عنوان شده است! دلیلی که آن‌ها برای این طرح خود ارائه داده اند این است که گویا با کاهش ساعات کار زنان، آن‌ها وقت بیشتری برای فرزندان خود خواهند داشت و گویا از این طریق کانون خانواده گرم نگاه داشته خواهد شد. اما باید از این جانپان حامی سرمایه پرسید، وقتی که مادری نمی‌تواند شکم فرزند خود را سیر کند و باید شاهد رنج و گرسنگی و فرو دستی و بی خانمانی جگر گوشه‌هایش باشد، وقتی مادری خوراک شب فرزندانش را در زباله دان‌های شما سرمایه داران زالو صفت جستجو می‌کند، چه وقتی را قرار است با فرزندانش صرف کند که موجب پرورش و رشد آن‌ها شود؟ چگونه در شرایط فقری که شما پابوسان سرمایه با وجود این همه ثروت در جامعه بر زنان زحمتکش ایران تحمیل کرده اید قرار است پیوند های خانوادگی ایجاد شوند؟ و یک زن زحمتکش به عنوان مادر چه گونه قرار است "نهاد خانواده" را گرم نگه دارد؟ اگر به نتایجی که این طرح در عمل یعنی در زندگی واقعی، برای خانواده های کارگری به بار می‌آورد توجه کنیم می‌بینیم که رژیم با کاهش ساعات کار زنان، در واقعیت زنان زحمتکش بیشتری را از همان مقدار ناچیز درآمدی که امروز با هزار رنج و زحمت بدست می‌آورند، محروم می‌سازد و از این طریق خانواده های کارگری بیشتری را در معرض فقر و نابودی قرار میدهد. با توجه به این که به علت تورم و گرانی سرسام آور و پایین بودن سطح حقوق کارگران، در یک خانواده کارگری با حقوق یک نفر، هزینه های سنگین زندگی تامین نمی‌شوند و اغلب در این خانواده ها زن و مرد با کار خویش معاش بخور و نمیری را برای خود و فرزندانشان تهیه می‌کنند. واضح است که با کاهش ساعات کار زنان، چنین خانواده‌هایی از همان حد اقل در آمد بسیار ناچیزی که امروزه بدست می‌آورند نیز محروم خواهند شد. با در نظر گرفتن این واقعیت، واضح است که طرح اخیر رژیم برای زنان زحمتکشی که سرپرستی خانواده خود را به عهده دارند، فاجعه آفرین خواهد بود. در همین رابطه به راحتی می‌توان ستم مضاعف بر زنان کارگر را نیز با آشکاری هر چه بیشتری مشاهده نمود. طرح کاهش ساعات کار زنان، یکی از شیوه های ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی برای مقابله با بحران سرمایه داری حاکم بر جامعه و ورشکستگی اقتصادی است. همان‌طور که می‌دانیم زنان اولین قربانیان سیستم سرمایه داری در مواقع بحران های این سیستم هستند و جمهوری اسلامی نیز مثل هر رژیم مدافع سیستم سرمایه داری، برای خدمت به این سیستم، زنان را قبل از مردان در طرح های اخراج از کار و بیکار سازی های خود قرار داده و همواره کوشیده است که به بهانه های مختلف زنان را خانه نشین سازد. شرایط ظالمانه اقتصادی که بر جامعه ایران حاکم است، میلیون ها زن کارگر و خانواده های کارگری را در چنگال فقر و تهیدستی اسیر کرده است. در چنین شرایطی، شرکت عظیم زنان ایران در جریان خیزش های بزرگ ماه های اخیر که تبلور خشم آنان از پامال شدن ابتدائی ترین حقوق انسانی اشان بود، امری کاملاً قابل درک می‌باشد. واقعیت این است که کل طبقه کارگر ایران تضادش با کلیت سیستم سرمایه داری ایران آشتی ناپذیر است و هیچ منافع مشترکی با هیچ یک از جناح های حکومتی ندارد و نمیتواند داشته باشد. در این میان مسلماً زنان کارگر به دلیل ستم مضاعفی که بر آنان اعمال می‌شود دلایل بیشتری برای مبارزه با رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی دارند. امروزه بیش از هر وقت دیگری، ضرورت سرنگونی جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری حاکم که زندگی و حیات کارگران را به سیاهی و تباهی کشانده، با برجستگی هرچه بیشتری در مقابل طبقه کارگر قرار داده شده است. تنها راه نجات جامعه، انقلابی با رهبری کارگران انقلابی جهت نابودی وضع ظالمانه موجود می‌باشد. انقلابی که در درجه اول با سرنگونی جمهوری اسلامی آغاز میگردد. در شرایطی که بیکاری و تهیدستی در جامعه بیداد می‌

کند ، بدون شک طرح "کاهش ساعات کار زنان" باعث فقر و فلاکت خانواده های کارگری بیشتری خواهد شد. این وظیفه همه نیروهای مبارز و آگاه است تا با افشای اهداف واقعی پشت این طرح ضد کارگری و زن ستیز جمهوری اسلامی، در دفاع از طبقه کارگر و به ویژه از زنان کارگر ایران ، آن را با شکست مواجه سازند. جمهوری اسلامی ، با هر جناح و دسته ، نابود باید گردد. روز جهانی کارگر 2010 اتحاد زنان آزادخواه

Etehadezan@gmail.com

گزارشی از برگزاری تجمعات کارگری در شهرهای مختلف کشور در فضای امنیتی

سایت کلمه در تاریخ 11 اردیبهشت نوشت : بر اساس گزارشات برخی از سایت های خبری صدها نفر از کارگران تبریز با تجمع در مقابل اداره کار روز جهانی کارگر را گرامی داشتند. بنابه گزارشات رسیده به "فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران"، صدها نفر از کارگران و مردم در مقابل اداره کار شهر تبریز تجمع کردند و ضمن گرامیداشت روز جهانی کارگر علیه اخراجهای گسترده ، بیکاری و فقر اعتراض کردند. روز شنبه ۱۱ اردیبهشت ماه صدها نفر از کارگران و مردم تبریز در مقابل اداره کار تبریز در خیابان خمینی ، نیمه راه راه آهن برای گرامی داشت روز جهانی کارگر تجمع کردند. کارگران علیه اخراجهای گسترده، بیکاری و فقر اعتراض می کردند. این تجمع از حوالی ساعت ۱۱:۰۰ صبح آغاز شده است و تا لحظه ارسال گزارش صدها نفر در آن شرکت دارند و هر لحظه بر تعداد شرکت کنندگان افزوده می شود. مراسم گرامیداشت روز جهانی کارگر علیرغم حضور گسترده نیروهای نظامی -انتظامی همچنان ادامه دارد. نیروهای انتظامی ، گارد ویژه و لباس شخصی در منطقه حضور گسترده ای دارند. بنابه گفته شاهدان عینی بیش از ۴۰ خودروی نیروهای نظامی در آنجا مستقر شده اند. همچنین تعداد زیادی از نیروهای موتور سوار که باتون بدست هستند در منطقه در حال گشت زدن هستند.

تجمع کارگران شیرازی مقابل استانداری فارس؛ کارگر، روز بیکاری ات مبارک محمدرضا نسب عبداللهی خبرنگار از شیراز گزارش داده است که ساعت ۱۰ صبح امروز ۱۱ اردیبهشت (اول می) کارگران در شیراز به مناسبت روز کارگر، تجمع اعتراضی برپا کردند. این تجمع که در دقایق اولیه نزدیک به پنجاه کارگر در آن حضور داشتند در مقابل استانداری فارس در خیابان آزادی شیراز در حال برگزاری است.

تجمع کنندگان با در دست داشتن پلاکاردهایی تاکید کرده بودند که اخراج کارگران، آن ها را به "سرنوشت سیاه" دچار می کند. همچنین در پلاکارد دیگری نوشته شده بود: "کارگر، روز بیکاریت مبارک، تا حق خود را نگیریم از پا نمی نشینیم".

یکی از کارگران حاضر در این تجمع گفت که حدود چند ماه است از مجتمع صنعتی گوشت فارس اخراج شده و هفت ماه است که حقوق نگرفته است.

این کارگر که نام خود را اعلام نکرد، تاکید کرد بیش از دو ماه است که مجتمع صنعتی گوشت فارس به دلیل خصوصی سازی تعطیل شده و نزدیک به ۱۲۰۰ کارگر این واحد صنعتی از کار بیکار شده اند.

کارگران این واحد صنعتی ۲۲ فروردین گذشته و پنجم اردیبهشت نیز مقابل دفتر مجتمع صنعتی گوشت تجمع کرده بودند.

همچنین اول دی ماه سال گذشته و به هنگام سفر محمود احمدی نژاد به شیراز، کارگران این واحد صنعتی و کارگران صنایع مخابراتی راه دور ایران با حضور در مقابل ورزشگاه حافظیه، محل سخنرانی رئیس دولت دهم، خواستار توجه هیأت دولت به مشکلات این واحدهای صنعتی شده بودند.

کارکنان مجتمع گوشت فارس در همین روز در ورزشگاه حافظیه، به دلیل وابسته بودن این واحد صنعتی به وزارت جهاد کشاورزی، با در دست داشتن پلاکاردهایی خواستار توجه وزیر جهاد کشاورزی به وضعیت خود شده بودند.

از سوی دیگر گزارش شده هزاران نفر از کارگران معترض در قزوین شعار میدهند " کارگر اتحاد ، اتحاد " تجمع کارگران قزوین در ورزشگاه یادگار امام برگزار شد . کارگران پلاکاردهایی در دست داشتند که بر آن نوشته شده بود: ما کارگران کارخانه چینی البرز خواهان نقض انحلال کارخانه هستیم.

ما کارگران چینی البرز ۷ ماه است که حقوق دریافت نکرده ایم. ما عیدی سالهای ۸۷ و ۸۸ را دریافت نکرده ایم.

شعار کارگران در قزوین: کارگر اتحاد اتحاد

سایت روشنگری در تاریخ 11 اردیبهشت نوشت : وضعیت معیشتی و فشار بر کارگران کشور در حدی است که هر اجتماعی صرطنظر از این که از سوی چه نهاد یا جریانی و با چه هدفی برپا شده باشد، به شرط حضور خود کارگران رنگ و بوی اعتراض به خود می گیرد. امروز در تهران نیروهای امنیتی و بسیجی با استقرار در مناطقی چون وزارت کشور و برقراری کنترل شدید امنیتی در برابر مراکز که پیش از این در فراخوان های مختلف برگزاری تجمع در مقابل آنها پیش بینی شده بود سعی کرده اند به هر قیمت جلوی برگزاری مراسم اول ماه مه و فریاد شدن دردها و مطالبات مزدو حقوق بگیران کشور را بگیرند. صرطنظر از این که همین لشکرکشی آشکار رژیم نشان وحشت آن است و نشان بی پایه بودن ادعایش در پایان جنبش اعتراضی، معلوم نیست که سرکوبگران چگونه می خواهند با موج اعتصابات که زمینه های آن اکنون به تدریج فراهم می شود مقابله کنند؟ خبر زیر به نقل از newsagency-ina.com

است:

تجمع کارگران فزاین در ورزشگاه موسوم به یادگار امام ادامه دارد. کارگران تعدادشان به حدود 8000 نفر میرسد. پلاکاردهایی که کارگران در دست دارند بقرار زیر است: ما کارگران کارخانه چینی البرز خواهان نقض انحلال کارخانه هستیم. ما کارگران چینی البرز 7 ماه است که حقوق دریافت نکرده ایم. ما عیدی سالهای 87 و 88 را دریافت نکرده ایم. شعارهای آنان بقرار زیر است: کارگر اتحاد اتحاد. حمایت از کارگر حمایت از اسلام است.

آلودگی های عسلویه 100 برابر تهران

خبرآنلاین در تاریخ 11 اردیبهشت نوشت: کارشناسان محیط زیست، آلودگی شدید آب و خاک و تخریب ساحل در عسلویه را هولناک و ادامه این روند را نگران کننده ارزیابی می کنند. آلودگی هوای عسلویه 100 برابر تهران است. تولید مواد و پسماندهای شیمیایی و هدایت این مواد آلوده کننده به سمت مشعل‌هایی که رو به آسمان عسلویه قد برافراشته‌اند، خطر ابتلاء به بیماری‌های تنفسی را افزایش داده است.

اما آلودگی هوا تنها ثمره تولید مواد و پسماندهای شیمیایی در این منطقه نیست. کارشناسان محیط زیست آلودگی شدید آب و خاک و تخریب ساحل در عسلویه را هولناک و ادامه این روند را نگران کننده می دانند. دکتر محمد رضا فاطمی، مدیر گروه بیولوژی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد با اشاره به این موضوع و ابراز نگرانی از آلودگی بیش از اندازه این منطقه به خبرآنلاین می گوید: "متأسفانه با وجود آلودگی‌های خاک، آب و هوای این منطقه کاری برای آن صورت نگرفته و آلودگی‌ها هر روز بیشتر می‌شود تا آنجا که در حال حاضر آلودگی این منطقه 100 برابر تهران است."

او با تاکید بر اینکه روی فاضلاب‌های این منطقه که غالباً صنعتی بوده و از آلودگی زیادی برخوردار است، هیچ نوع تصفیه‌ای صورت نمی‌گیرد، می افزود: "آلودگی‌های میکروبی ناشی از تخلیه فاضلاب به دریا نه تنها برای آبزیان و موجودات دریایی خطرناک است بلکه می‌تواند روی ساکنان منطقه تأثیرات نامطلوبی گذاشته و بیماری‌زا باشد." مدیر گروه بیولوژی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد، با اشاره به بی مهری مسئولان نسبت به این منطقه آلوده، علت اصلی آلودگی این منطقه را حضور پالایشگاه‌هایی می‌داند که گازهای آلاینده آن بدون تصفیه خارج می‌شود.

به گفته فاطمی، در زمان راه‌اندازی این منطقه با این کاربری قرار بوده دستگاه‌های تصفیه در منطقه نصب شود که به دلیل تحریم اقتصادی این کار انجام نشد و در حال حاضر آلودگی در منطقه منتشر می‌شود. این متخصص محیط زیست با اشاره به اینکه در حال حاضر گازهای تصفیه نشده در منطقه سوزانده می‌شود، ادامه می دهد: "این موضوع باعث شدت آلودگی هوا در منطقه و در نتیجه بیماری‌های تنفسی - یکی از بیماری‌های شایع در میان افراد این منطقه - است."

فاطمی از باران به عنوان تهدید مهم این منطقه یاد می کند و می گوید: "خطر فراوانی که منطقه را تهدید می کند، بارش باران است که با وضعیت هوای منطقه شدیدترین باران اسیدی را رقم خواهد زد که برای ساکنان عسلویه بسیار خطرناک است."

استاد دانشگاه آزاد، با اشاره به تبخیر بسیار زیاد آب در این منطقه معتقد است: "این شرایط آب و هوایی باعث شده تا این منطقه با وجود برخورداری از نوعی خاک خاص، از این لحاظ هم آلوده باشد که باید هرچه سریع تر برای آن فکری کرد." تخریب ساحل

محمد درویش، متخصص محیط زیست، نیز در گفت و گو با خبر آنلاین، از تخریب ساحل عسلویه برای بهره برداری از آن خبر می دهد و بیان می کند: "خاک ریزی برای افزایش ساحل به سمت دریا در حال حاضر در عسلویه از سوی مسئولان این منطقه در حال انجام است. با وجود اینکه مدت‌هاست در مورد شدت آلودگی این منطقه و خطرات و بیماری‌هایی که مردم به آن دچار شده‌اند، اخطار داده شده اما مسئولان محیط‌زیست نسبت به این موضوع سکوت کرده‌اند."

او ضمن ابراز نگرانی از این موضوع و همین‌طور پیشروی ساحل به سمت دریا و ساحل‌سازی که در این منطقه در حال پیگیری است، ادامه می دهد: "کسی به این خطر که بیخ گوشمان است، توجه نمی‌کند مسئولان به‌دنبال احیای دریا به نفع ساحل هستند که این اتفاق باعث شده مهم‌ترین زیستگاه دریایی ایران در معرض خطر جدی قرار گیرد." خاک هم آلوده است

آمارهای ارائه شده در سال 88 در مورد آلودگی هوا در شهر صنعتی عسلویه نیز نشان‌دهنده افزایش میزان آلودگی است و تعداد فلزها در این منطقه به 98 عدد رسیده است. دکتر محمدرضا فاطمی به این موضوع، فاضلاب‌های صنعتی این منطقه را اضافه می‌کند که یکی از موارد آلودگی اساسی به شمار می‌آید که بدون ملاحظه به سمت دریا سرازیر می‌شود.

او ادامه می دهد: "آلودگی این منطقه در مقایسه با تهران 100 برابر است در حالی که محیط‌زیست نسبت به این موضوع سکوت کرده است." تهدید انسانی

هوای عسلویه به قدری آلوده است که تنفس را مشکل کرده است. محمد درویش، در گفت و گو با خبرآنلاین می گوید: "میزان آلاینده‌های گوگردی در این منطقه به حدی است که برای پوشاندن صورت مساله، روزانه مقداری گاز شیرین به همراه گازهای حاوی گوگرد در مشعل سوزانده می‌شود."

او می افزاید: " ظهور بیماری‌های خطرناکی چون اوتیسم (درخودماندگی)، همواره از کانون بزرگترین شهرک‌های صنعتی جهان آغاز شده و بسیاری بر این باورند که اوتیسم یکی از ناهنجاری‌ها و عقوبت‌های عدم توجه به هنجارهای محیط زیستی در جهان است. ما باید از خطاهای غرب در این حوزه عبرت بگیریم و به دست خود نسلی را پرورش ندهیم که هزینه‌های نگهداری و سلامتیش بیشتر از منفعت‌های ناشی از کارآفرینی‌هایش باشد."

دستگیری تعدادی از عابرین و شرکت کنندگان مراسم روز جهانی کارگر

بنابه گزارشات رسیده از ایران آمده است در 11 اردیبهشت آمده است : در جریان مراسم گرامیداشت روز جهانی کارگر تعدادی از عابرین و شرکت کنندگان دستگیر و به نقطه نامعلومی منتقل شدند. روز شنبه 11 اردیبهشت ماه تعداد از عابرین و شرکت کنندگان در مراسم روز جهانی کارگر در نقاط مختلف تهران دستگیر و به نقطه نامعلومی منتقل شدند. دستگیریها توسط نیروی سرکوبگر انتظامی صورت گرفت . حوالی ساعت 17:30 دو تن از بانوان عابر در خیابان آزادی مورد یورش وحشیانه نیروهای سرکوبگر قرار گرفتن که دستگیر و به نقطه نامعلومی منتقل شدند. اسامی دو بانوی دستگیر شده به قرار زیر می باشد: خانم میترا 40 ساله و خانم فرزانه 37 ساله می باشند. این 2 بانو در حالی که در خیابان آزادی عبور می کردند دستگیر و توسط یک خودروی نیروی انتظامی به محل نامعلومی انتقال یافتند. هنوز از اسامی و آمار دقیق دستگیر شدگان امروز رقمی در دست نیست. فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران یورش به عابرین و شرکت کنندگان بی گناه در خیابان و دستگیری خودسرانه آنها را در روز جهانی کارگر را که برای ایجاد رعب و وحشت در بین مردم است را محکوم می کند و از کمیسر عالی حقوق بشر ملل متحد و سازمانهای حقوق بشری خواستار اقدامات عملی برای آزادی فوری و بی قید و شرط بازداشت شدگان امروز است.

تجمع کارگران شیرازی مقابل استانداری فارس؛ کارگر، روز بیکاری ات مبارک

سایت کلمه در تاریخ 11 اردیبهشت نوشت : ساعت ۱۰ صبح امروز ۱۱ اردیبهشت (اول می) کارگران در شیراز به مناسبت روز کارگر، تجمع اعتراضی برپا کردند. به گزارش خبرنگار کلمه، این تجمع که در دقایق اولیه نزدیک به پنجاه کارگر در آن حضور داشتند در مقابل استانداری فارس در خیابان آزادی شیراز در حال برگزاری است. تجمع کنندگان با در دست داشتن پلاکاردهایی تاکید کرده بودند که اخراج کارگران، آن ها را به "سرنوشت سیاه" دچار می کند. همچنین در پلاکارد دیگری نوشته شده بود: "کارگر، روز بیکاریت مبارک، تا حق خود را نگیریم از پا نمی نشینیم". یکی از کارگران حاضر در این تجمع گفت که حدود چند ماه است از مجتمع صنعتی گوشت فارس اخراج شده و هفت ماه است که حقوق نگرفته است. این کارگر که نام خود را اعلام نکرد، تاکید کرد بیش از دو ماه است که مجتمع صنعتی گوشت فارس به دلیل خصوصی سازی تعطیل شده و نزدیک به ۱۲۰۰ کارگر این واحد صنعتی از کار بیکار شده اند. کارگران این واحد صنعتی ۲۲ فروردین گذشته و پنجم اردیبهشت نیز مقابل دفتر مجتمع صنعتی گوشت تجمع کرده بودند. همچنین اول دی ماه سال گذشته و به هنگام سفر محمود احمدی نژاد به شیراز، کارگران این واحد صنعتی و کارگران صنایع مخابراتی راه دور ایران با حضور در مقابل ورزشگاه حافظیه، محل سخنرانی رئیس دولت دهم، خواستار توجه هیأت دولت به مشکلات این واحدهای صنعتی شده بودند. کارکنان مجتمع گوشت فارس در همین روز در ورزشگاه حافظیه، به دلیل وابسته بودن این واحد صنعتی به وزارت جهاد کشاورزی، با در دست داشتن پلاکاردهایی خواستار توجه وزیر جهاد کشاورزی به وضعیت خود شده بودند.

دبیر کل سازمان معلمان ایران طی یورش ماموران امنیتی به منزلش دستگیر شد

در آستانه ی روز معلم، علی رضا هاشمی، دبیر کل سازمان معلمان ایران مورخ چهارشنبه 8 اردی بهشت ماه، توسط نیروهای امنیتی دستگیر شد. هرانا: ماموران امنیتی بعدازظهر روز گذشته با ورود به منزل شخصی آقای هاشمی ضمن تفتیش منزل و ضبط کامپیوتر و برخی وسایل شخصی ایشان، وی را دستگیر و به مکان نامعلومی منتقل کردند. پیش تر علیرضا هاشمی از احضار تلفنی خود به دادگاه نیز خبر داده بود. علی رضا هاشمی، دبیر کل سازمان معلمان ایران، چندی قبل و در اسفند ماه سال 1385 نیز بازداشت و روانه ی زندان اوین شده بود. وی به مدت 19 روز در انفرادی نگهداری می شد و سرانجام حکم تحمل سه سال حبس تعزیری برای ایشان صادر شد. هم چنین پس از انتخابات 22 خرداد نیز حوالی پارک لاله توسط نیروهای لباس شخصی دستگیر و حدود 14 روز در انفرادی بود. شایان ذکر است که تاکنون هیچ تماسی از طرف ایشان با خانواده برقرار نشده است.

گفتنی است صبح چهارشنبه 8 اردی بهشت ماه نیز، علی اکبر باغانی دبیرکل کانون صنفی معلمان و محمد بهشتی لنگرودی سخنگوی این کانون با مراجعه ی ماموران وزارت اطلاعات به منزلشان بازداشت شدند. ایشان در حال حاضر در بند 209 زندان اوین نگهداری می شوند.

اعتراض کارگران در مراسم روز کارگر در خانه کارگر: نه حقوق داریم نه شغل، زن و بچه های ما نان میخواهند..

به گزارش خبرنگار آژانس ایران خبر در تاریخ 11 اردیبهشت 89 آمده است: در تهران، مراسم روز کارگر که در خانه کارگر در ورزشگاه خیرالعمل برگزار شده بود، ساعت 11 تمام شد. حدود 3500 نفر شرکت کننده داشت. يك قطعنامه 10 ماده ای هم قرائت شد.

در قطعنامه بر ضرورت حمایت بر حقوق کارگران، مقابله با بیکاری کارگران ایرانی، جلوگیری از نقض حقوق کارگران و بر اجرای بیمه تامین اجتماعی کارگران تاکید شد.

در بین قرائت قطعنامه کارگران شروع به اعتراض کردند.

یکی از کارگران به جان آمده به ناگاه پشت تریبون پرید و بی مقدمه گفت:

ما مشکل داریم، ما بدبخت هستیم، ما کارگران ساختمانی یکسال است نه حقوقی داریم و نه شغلی داریم و زن و بچه های ما نان میخواهند ما از وزیر کار و رئیس خانه کارگر میخواهیم به وضع ما رسیدگی کند.

در بیرون محل حدود 50 نفر از نیروهای انتظامی مستقر شده بودند که مانع از گسترش هرگونه اعتراضی شوند. کارگران يك سری پلاکاردها در سالن در دست داشتند، روی برخی پلاکاردها نوشته بود:

ما دو سال است حقوق نگرفتیم

20 سال کار کردیم و هنوز بلا تکلیف هستیم

لازم به ذکر است که وزیر کار هم فرار بود در این تجمع شرکت کند، گویا بخاطر جو متشنج و اعتراضی، جرأت شرکت در مراسم را پیدا نکرد.

پایانه ی جمعی از معلمان کردستان به مناسبت بزرگداشت هفته ی معلم

به گزارش پارس دیلی نیوز در تاریخ شنبه 11 اردیبهشت ماه سال 1389 آمده است: روز 12 اردیبهشت ماه در روز شمار جمهوری اسلامی به عنوان روز معلم در نظر گرفته شده است. از فردای تشکیل حکومت اسلامی،

ادارات آموزش و پرورش با تشکیل ستادهای بزرگداشت مقام معلم به شیوه ای نمایشی و تبلیغاتی به برگزاری مراسم رسمی به نام معلمان و با محوریت مقامات می پردازند. این درحالی است که معلمان در این مراسم

نقشی منفعلانه و سیاهی لشکر ایفاء می کنند. مقامات و روسا در روز و هفته ی معلم زبان به مدح و ستایش معلمان می گشایند و رسانه های گروهی نیز در این باره داد سخن می دهند. اما ما معلمان زحمتکش و خادم،

نگران این مسئله هستیم که این گونه کارناوال های نمایشی و تبلیغاتی و برخوردهای احساسی و شعاری به نام معلمان آن هم فقط چند روز در سال، باعث انحراف افکار عمومی شده و جامعه را از درک واقعیت های

دردناک آموزشی و مشکلات عدیده ی کاری ما فرهنگیان بازدارد. معلمان می خواهند که دکان این کارزار تبلیغاتی یکبار و برای همیشه تخته شود و شرایطی در جامعه ی ما ایجاد گردد که معلمان بی واسطه و با صدای رسا

مطالبات به حق و انسانی خود را فریاد بزنند و به دور از هر گونه فعل پذیری واقعیت های دردناک و مشکلات صنفی و معیشتی خود را با مردم فهیم و آگاه در میان بگذارند. ما معلمان، حل مشکلات عظیم آموزش و پرورش

را از طریق سازوکارهای محدود اداری و تصمیم گیری در اتاق های در بسته و از بالا و توسط مقامات و صدور دستورات عمل برای پایینی ها را غیرممکن می دانیم. چرا که باور داریم این روش ها باعث تداوم و تراکم مشکلات

می شوند. برای غلبه بر مشکلات و کاستی های موجود در نظام آموزشی باید از تمام مغزها و تجربه ها و امکانات استفاده کرد. ما معلمان خواستار رواج ادبیات جدید مبتنی بر صراحت، صداقت، آشکار گویی، ادب و رعایت حرمت

و کرامت انسانی هستیم. تملق گویی، ریا کاری و مبهم گویی و رنگ آمیزی واقعیت ها را روش های ناپسند می دانیم و محکوم می کنیم. ما معلمان خواستار اعلام ضوابط روشن برای انتخاب مدیران در سطوح مختلف آموزشی

و اداری هستیم و خواستاریم اصل شایسته سالاری به جای قبیله گرایی و خودی و غیر خودی لحاظ شود. همچنین می خواهیم روسای ادارات فقط در محدوده ی وظایف قانونی خود که تدارکات و پشتیبانی و ارائه

خدمات لازم به مدرسه و کلاس است عمل کنند و از هر گونه فعالیت پلیس مابانه و امنیتی کردن مراکز آموزشی جدا پرهیز نموده و مانع تبادل افکار و رشد اندیشه و بیان آزاد جامعه ی فرهنگی نشوند. ما معلمان اقدامات

خشونت آمیز در فضای جامعه را محکوم نموده و اعتقاد داریم که حل مسائل فرهنگی نیاز به راهکارهای فرهنگی دارد. حرکات ضد فرهنگی و غیر انسانی و عوام فریبانه از قبیل برخورد فیزیکی با فعالان صنفی، ممانعت

از فعالیت کانون های صنفی، تبعید، اخراج و زندانی نمودن فعالان صنفی به هیچ عنوان توجیه قانونی نداشته و شدیداً محکوم می کنیم. راه برون رفت از بحران های عدیده ی اجتماعی، انسداد سیاسی، استبداد و خود

کامگی نبوده و نیست. ما معلمان خواستار آزادی بی قید و شرط تمامی زندانیان عقیدتی سیاسی هستیم. هر کجادانش، فرهنگ و آزادی رادوست بدارند در آن جا انسان و کرامت انسانی را نیز قدر می دارند و محترم می

شمارند.

جمعی از معلمان کردستان

اخبار روز کارگر، حضور گله ای مزدوران در اطراف وزارت کار

به نوشته سرویس تویتو توسط دلیران بی باک آمده است: تهران - 11 اردیبهشت - ساعت 1630 تمام کوچه های اطراف و پل عابر پیاده ی مقابل وزارت کار پر از ماشینهای مزدوران انتظامی و لباس شخصی است.

دور تا دور میدان انقلاب خودروهای نیروهای سرکوبگر مستقر شده اند.

مزدوران لباس شخصی کسانی را که دوربین داشتند را مورد حمله قرار دادند و مانع از فیلمبرداری آنها شدند.

مردم منتظرند که ساعت 17 شروع کنند چراکه در خیابان هنوز ترددات معمول جریان دارد و موتورهای مزدوران از بین ماشینها و اتوبوسها مانور میدهند و سروصدا ایجاد میکنند . مزدوران با ضرب و شتم مانع از تجمع مردم میشوند و یک مرد و یک جوان بشدت مضروب شده و به بیمارستان شهریار منتقل شدند .

تظاهرات در خیابان انقلاب

تهران - 11 اردیبهشت - ساعت 1530 - یک جمعیت 4000 نفره از مردم تهران و کارگران محروم ، در خیابان انقلاب از سمت خیابان فردوسی به سمت مصدق در حال راهپیمایی با شعار «دانشجو ، کارگر اتحاد اتحاد» میباشند .

تظاهرات در میدان بهارستان

تهران - 11 اردیبهشت - ساعت 1545 - در میدان بهارستان در مقابل مجلس آخوندها مردم با شعار مرگ بر خامنه ای و مرگ بر دیکتاتور درحال تظاهرات هستند .

مزدوران رژیم کلیه مسیرهای منتهی به میدان را بسته اند و بین مردمی که در وسط میدان هستند و مردمی که از خیابانهای مختلف میخواستند به آنها بپیوندند با موانع ترافیکی مانع ایجاد کرده اند .

دانشجویان آزادیخواه دانشگاه تهران: دیکتاتور حیا کن دانشگاه رو رها کن

سایت آژانس ایران خبر در تاریخ 11 اردیبهشت نوشت: به دنبال حضور بی سر و صدای احمدی نژاد در هراس از اعتراض دانشجویان و درحالی که دانشجویان خود را برای شرکت گسترده در تظاهرات روز کارگر در حمایت و همبستگی کارگران آماده میکنند، از ساعت 1330 تا ساعت 1530 حدود 300 نفر از دانشجویان دانشگاه تهران در اعتراض به حضور احمدی نژاد در این دانشگاه در برابر درب دانشکده پزشکی این دانشگاه تجمع کرده بودند، بنا بر خبر دریافتی از خبرنگار آژانس ایران خبر، دانشجویان که این بار نیز با رشادت و غیرت بی مانند خود نشان دادند که از حریم دانشگاه در مقابل حضور احمدی نژاد نگاهبانی خواهند کرد با فریاد های خود خشم و نفرتشان از رئیس دولت کودتا را بیان نمودند ، دانشجویان شعار میدادند:

دانشجو کارگر اتحاد اتحاد/ محمود خائن آواره کردی/ مرگ بر دیکتاتور/ دیکتاتور حیا کن دانشگاه رو رها کن/دانشجو میمیرد ذلت نمی پذیرد/ خونی که در رگ ماست هدیه به ملت ماست .

همچنین دانشجویان اعلام کردند ساعت 4 در مقابل وزارت کار فریادهای خود را با فریاد کارگران رنجیده گره خواهند زد .

خبر قبلی در همین مورد در لینک زیر

<http://parsdailynews.com/64051.htm>

روزکارگر: استقرار ایست بازرسی در مناطق یوسف آباد، پل گیشا، نیاوران و میدان ونک

تویتر در تاریخ 11 اردیبهشت نوشت: بار دیگر در ترس در جان دولت کودتایی/در آستانه ی تظاهرات روز کارگر:استقرار ایست بازرسی در مناطق یوسف آباد، پل گیشا، نیاوران و میدان ونک

فیلترینگ کلمات معلم، آموزگار، دبیر در پیامک

سایت جرس در تاریخ 11 اردیبهشت نوشت: به دنبال بازداشت مسئولان مجامع صنفی معلمان در روزهای اخیر، پیامک های دارای مضامین مربوط به معلم و دبیرو آموزگار هم به صف محدودیت ها شبکه پیامک کشور پیوست. در آستانه روز معلم، نگرانی مقامات امنیتی و مخابراتی کشور از استفاده از پیامک به عنوان یک رسانه برای دعوت به تجمع و بیان نارضایتی معلمان موجب شد سانسور هدمند پیامک ها در دستور کار قرار گیرد. بنابر گزارش خبرنگار جرس از روز شنبه 11 اردیبهشت ماه سیستم مخابرات کشور با استفاده از نرم افزارهای وارداتی هرگونه پیامک مربوط به روز معلم، با مضامین های سیاسی یا حتی بدون مضمون سیاسی راسانسور می کنند. سانسور گسترده پیامک حتی شامل تیریک روز معلم نیز می شود.

این در حالی است که در رسانه های رسمی نیز در قیاس با سال های گذشته کمتر نامی از روز معلم برده می شود. گفتنی است بازداشت مسئولان انجمن صنفی معلمان و سازمان معلمان بازتاب گسترده ای در میان این قشر داشته است.

اعتراض کارگران اتوبوس رانی تهران در اعتراض به تعلیق یکی از همکاران خود

از صبح امروز اتوبوس های تندرو (بی آر تی) شرکت واحد در اعتراض به ادامه تعلیق یکی از همکارانشان اقدام به روشن کردن چراغ های اتوبوس خود کردند عبدالله حسینی با ۱۸ سال سابقه کار در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، از ۷.۵ ماه پیش به حالت تعلیق درآمد است. او در طی این مدت بدون حقوق و مزایا در شرایط سخت مالی بسر می برد. فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران: حسینی در طی این مدت علیه حکم تعلیق شکایت کرد و پس از ۷.۵ ماه تلاش اداره کار رای به بازگشت بکار او داد. او هنگامی که صبح امروز در محل کارش در سامانه ۱ اتوبوس رانی تهران حاضر شد، از ادامه ی کارش علیرغم داشتن حکم بازگشت به کار، توسط سعید نیسانی سرپرست این سامانه ممانعت به عمل آمد. اداره کار همچنین در رای مزبور شرکت اتوبوس رانی تهران را موظف به پرداخت تمامی حقوق و مزایای ۷.۵ ماه اخیر او نموده است.

آقای حسینی از اعضاء و فعالین سندیکائی شرکت واحد تهران می باشد و یکی از دلایل اخراج او از کار به این دلیل بوده است. پیش از این خانم فرحناز شیری از اولین بانوان راننده در شرکت اتوبوس رانی تهران، از کار خود تعلق شده است و علیرغم پیگیریهای مستمر تاکنون از بازگشت به کار او خوداری می کنند.

تبعیض، تحقیر و اخراج زنان کارگر

مژگان مدرس علوم

مطابق با آمارهای رسمی، زنان کارگر اصلی ترین قربانیان بیکاری و اخراج به شمار می آیند، این در حالی است که بسیاری از آنان به دلایل گوناگون از قبیل دستمزد پایین، خشونت، نبود شرایط مناسب در محیط کار و همچنین مشکلات دیگر، به اجبار کار خود را رها کرده و مشمول هیچ قانون حمایتی نمی شوند. زنان کارگر از بدیهی ترین حقوق اولیه خود از جمله دستمزد برابر در مقابل کار برابر، بیمه درمانی، فرصت شغلی و ارتقاء شغلی برابر، استفاده از مرخصی زایمان و تضمین بازگشت به کار، بهبود شرایط کار زنان مطابق با قانون کار و... محروم هستند.

تبعیض جنسی عامل "طرد" طبقه کارگران زن از جامعه

در مراسم تجلیل از زنان کارگر نمونه بیانیه ای در حمایت از خواسته های صنفی زنان از سوی اتحادیه سراسری زنان کارگر صادر شد. در بخشی از این بیانیه آمده است: "حقوق جوانان و به ویژه زنان جوان در بهره گیری از توانایی و امکانات وسیع شان جهت پیشبرد جامعه جهانی، با کنار گذاشتن شان پیوسته نقض می گردد. بازداري زنان از داشتن شغلی آبرومندانه با اعمال تبعیض جنسی، "طرد" آنان از جامعه تلقی می گردد چرا که حق خود را در مشارکت و کمک به ساختمان جامعه از دست می دهند."

در پایان این بیانیه به مواردی در جهت بهبود وضعیت کارگران زن اشاره شده است: "احقاق حقوق زنان در بعد اجتماعی شامل آزادی تشکل ها، آزادی بیان، امنیت خانوادگی و اجتماعی، مبارزه با فقر، داشتن پایگاه اجتماعی، عدم بیکاری و داشتن مشارکت واقعی اجتماعی، احقاق حقوق زنان در بعد صنفی شامل اخراج بی رویه زنان کارگر، عدم عقد قراردادهای پیمانی و موقت و سفید امضا، عدم تبعیض دستمزد بین کارگران زن و مرد، امنیت شغلی، استخدام مقطعی زنان سرپرست خانوار، عدم استثمار کارگران زن مجرد، اجرای دقیق و کامل قانون کار در خصوص زنان، اجرای مجدد قانون بازنشستگی با 10 سال سابقه و 55 سال سن برای زنان...."

وجود تفکر جنسیتی در خصوص مسائل زنان کارگر

فعالان حقوق کارگری بر این باورند که یکی دیگر از وضعیتهای اسفبار شرایط کار زنان، تفکر جنسیتی در این زمینه است. در واقع زنان اولین نیروی کاری هستند که اخراج می شوند و آخرین نیرویی هستند که به شکل رسمی استخدام یا به ترفیع شغلی می رسند. از سوی دیگر زندگی زیر خط فقر زنان کارگر سبب گردیده زنان به صورت قراردادی و موقت وارد بازار کاری شوند که هیچگونه حمایت قانونی شامل آنها نمی شود.

علیرضا محبوب دبیر کل اتحادیه کارگری با تاکید بر این موضوع که نیمی از جمعیت جامعه را زنان تشکیل می دهند و زنان موتور تولید خدمت در عصر جدید است، گفت: "کارگران زن از نظر شرایط و ضوابط کار هنوز نتوانستند تساوی و شرایط لازم را علی رغم تاکید قانون اساسی و قانون کار بدست آورند."

محبوب با اشاره به وجود تبعیض در کار زنان و مردان خاطر نشان کرد: "بایستی در این عرصه، شناختی جدید و عرصه و بررسی و ارزیابی جدیدی از حقوق کار زن به عمل بیاید تا عدم تساوی ها و نا برابری ها عملا از میان برود."

این نماینده مجلس با بیان این موضوع که امروز زنان کارگر در محیط های کار از وجود تبعیض های مخفی رنج می برند، افزود: "برخلاف گذشته که تبعیض های آشکاری چون محدودیت های شغلی یا پایین بودن دستمزدها کارگران را تهدید می کرد، امروز مشاهده می کنیم در کارخانه ها و کارگاهها امنیت شغلی زنان کارگر به دلیل ازدواج یا بارداری تهدید می شود."

زنان کارگر بدون هیچ حمایت قانونی

یکی از فعالان حقوق کارگری با تاکید بر استثمار زنان کارگر در شرایط نابسامان اقتصادی و بی مهری مسئولین کشور به جرس گفت: "در حالی که به دلیل دستمزد اندک زنان، اکثر تولیدات صنعتی متکی به نیروی کار کارگران زن است، مردان کارگر در شرایط کار یکسان دستمزدی بیشتر دریافت می کنند. زندگی سخت و دردناک زنان کارگری که به دلایل شرایط دشوار اقتصادی مجبور هستند در خارج از بازار رسمی بدون کوچکترین پوشش

قانونی زندگی خود و خانواده هایشان را تامین کنند حکایت دیگری دارد. زنان کارگر خانگی که در خانه های مردم کار می کنند، زنان دستفروش و زنان کارگری که در مزارع در شرایط بسیار سخت مشغول به کار هستند در زمره کارگران بازار غیر رسمی محسوب می گردند که در هیچ مجموعه ای به حساب نمی آیند و به دلیل عدم تعیین جایگاه آنان در عرصه کار و تولید تحت پوشش هیچ حمایت قانونی قرار نمی گیرند. و در این شرایط بی قانونی هرگونه تحقیر و مشقت را تحمل می کنند تا نه تنها زندگی خانواده خود را تامین کنند بلکه چرخهای اقتصاد کشور را بچرخانند. زنان کارگر که به اجبار به کار در اقتصاد غیر رسمی روی می آورند و علی رغم ساعات کار طولانی و طاقت فرسا تحت پوشش هیچ قانون حمایتی قرار نمی گیرند این در حالی است که در بازتولید اقتصاد خانواده نقش اصلی را ایفا می کنند.

گفتنی است شرایط نامناسب کار و محیط غیربهداشتی و غیرایمنی از جمله معضلات کاری زنان کارگر است و این در حالی است که در ماده 75 قانون کار، انجام کارهای خطرناک، سخت و زیان آور و نیز حمل بار بیشتر از حد مجاز با دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگران زن ممنوع گردیده است.

لزوم تضمین "امنیت" شغلی زنان

در حالی که کاهش ساعت کاری زنان در محیط های کارگری و همچنین ممنوعیت به کارگیری آن ها در شیفت های شب در شورای فرهنگی اجتماعی زنان به تصویب رسید اکرم حسینی مجرد رئیس دبیرخانه شورای فرهنگی اجتماعی زنان با اشاره به این که طرح کاهش ساعت کاری زنان مختص زنان شاغل در محیط های کارگری است، می گوید: "در حال حاضر زنان در محیط های کارگری یکسان با مردان از نظر ساعت و شرایط کاری فعالیت می کنند، در حالی که با توجه به وضعیت جسمی زنان و مسئولیت آن ها در محیط منزل باید از امتیازات ویژه ای در محیط کار برخوردار باشند."

از سوی دیگر محسنی ثانی عضو کمیسیون اجتماعی با تاکید بر اینکه این طرح باید مورد بررسی کارشناسی قرار گیرد تاکید می کند: "در مجموع این طرح و طرح هایی از این دست بیشتر از آن که به نفع زنان باشد به ضرر آن هاست چرا که فرصت اشتغال را در شرایط برابر با مردان از آن ها سلب می کند و کارفرمایان انگیزه ای برای به کارگیری آن ها نخواهند داشت."

در واکنشی دیگر مریم السادات ناجی پور، کارشناس ارشد مطالعات زنان با اشاره به نابرابری شغلی بین زنان و مردان و عدم ارتقای شغلی برای زنان بیان داشت: "با اجرای چنین طرح هایی، تعداد زنان در مناصب و مشاغل مهم به حداقل می رسد. پس به جای کاهش حضور زنان، بهتر است دولت با ابزارهای تشویقی و ارائه اعتبارات ویژه به سازمان ها برای جذب نیروهای متخصص زن کمک کند و در این راه به راه اندازی مهدهای کودک در مجاورت سازمان ها، بیش از کاهش ساعات کاری، امنیت شغلی زنان را تضمین خواهد کرد."

افزایش اخراج و بیکاری کارگران زن

از دیگر مشکلاتی که زنان کارگر با آن روبرو هستند اخراج و بیکاری آنان است که از زمان روی کار آمدن احمدی نژاد این رویه رو به افزایش است. برای نمونه در کارخانه نور برکات شهرک شکوهیه قم که حدود چهل نفر کارگر دارد، ده کارگر که اکثراً زن بوده اند، اخراج شده اند. علت این اخراج ها، عدم رونق کسب و کار عنوان شده است.

در این زمینه محبوب نژاد، عضو هیات مدیره اتحادیه زنان سراسری کشور می گوید: "بیکاری نه تنها کارگران زن را زیر فشار قرار می دهد بلکه با کاهش سطح دستمزدها و ایجاد شغل های موقت و نامطمئن، موجبات از هم پاشیدگی نظم اقتصادی را فراهم می آورد."

محبوب نژاد، در ادامه تاکید دارد: "زنان کارگر ایران در اعتراضات و اعتصابات صنفی، در دفاع از حق شان، با مجازات هایی از قبیل عدم استخدام و یا اخراج از کارشان روبرو می شوند، و علی رغم این مشکلات در برابر هر گونه تضییع حقوق شان، محکم و استوار می ایستند و مبارزه می کنند."

یک استاد دیگر ممنوع التدریس شد

رحمت الله باستانی، استاد ۵۱ ساله دانشگاه که در تاریخ هشتم فروردین ماه سال جاری و در جریان مراسم تشییع همسر منتظری در قم دستگیر و روانه سلول انفرادی شده بود، اخیراً با حکم شفاهی یکی از مسئولین دانشگاه سیستان و بلوچستان از تدریس منع شد. به گزارش پارلمان نیوز، این استاد الهیات و علوم قرآنی، که سابقه ۲۱ سال تدریس را در سوابق خود دارد، پس از طی ۹ روز انفرادی، با فید وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد شده بود.

افشای مجدد فساد اقتصادی و سیاسی معاون اول احمدی نژاد توسط نادران

سایت خبرآنلاین در تاریخ 11 اردیبهشت نوشت: به گزارش فارس، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در جمع دانشجویان دانشگاه شاهد با بیان اینکه اگر مسئولان کشور به مفاسد اقتصادی مبتلا شوند ناامنی در کشور ایجاد می‌شود، گفت: در این شرایط افراد مفسد همه را متهم می‌کنند و اقدام به تعمیم دادن مفاسد به دیگر افراد دارند که این شگرد مفسدان به شمار می‌رود. بخش دوم اظهارات وی را در ادامه بخوانید:

اگر چند نفر از مسئولان سیاسی پاسخگو باشند آنگاه مبارزه با مفاسد اقتصادی ممکن است و در این خصوص به نتیجه قطعی خواهیم رسید. این نماینده مردم در خانه ملت با اشاره به یکی از پرونده‌های مفاسد اقتصادی در خصوص ساختمان‌سازی در نگیب غرب اشاره کرد.

یکی از مسئولان دستگاه قضا در آن زمان به یکی از متهمان پرونده اعلام کرد که شما چرا نگران هستید، پرونده شما تمامی مراحل را طی کرده و بعد به بنده تحویل داده می‌شود و آنگاه بنده پرونده را در میز خودم می‌گذارم که این سخنان باعث می‌شود که افراد جرأت پیدا کرده و هر اقدامی را انجام دهند و البته همین فرد بعدها پایش در دانشگاه آزاد پیدا می‌شود.

تعداد افراد متهم در خصوص مفاسد اقتصادی زیاد نیست و نایبستی همه را متهم کرد. از زمان تشکیل ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی معوقات بانکی افزایش پیدا کرده است و با توجه به این مسئله مشکل در کجاست البته بنده نمی‌گویم که به دنبال دانه‌درشت‌ها نرفتند اما در این مسئله نیز فشار به طبقات پایین جامعه آمده و پس از پیگیری‌های این سازمان معوقات بانکی از 38 هزار میلیارد تومان به 48 هزار میلیارد تومان افزایش پیدا کرد.

آنگاه آن آقا اعلام می‌کند که بنده لیستی در جیبم از مفسدان اقتصادی دارم و دوستان شفیق می‌گویند که اسامی را اعلام نکن. چه کسی می‌گوید که این اسامی را اعلام نکنید؟ در دستگاه مالیاتی کشور پلیس‌هایی که نسبت به تردد مالی آگاهی داشته باشند، نداریم. همچنین در پلیس کشور متخصص در خصوص مسائل مالیاتی که اشراف به شبکه مالیاتی نیز داشته باشند، وجود ندارد. در بحث مبارزه با مفاسد اقتصادی بایستی با علت‌ها برخورد شود. در چنین صورتی ریشه فساد و افراد دخیل در مفاسد اقتصادی افشا می‌شوند.

قضات به صورت فردی تصمیم می‌گیرند و اگر نهاد انتظامی قضات به وظیفه خود به درستی عمل نکند و قضات نسبت به تصمیمات خود پاسخگو نباشند یعنی اتفاق امروز می‌افتد. امروز در مجلس طرحی داریم که بر طبق آن نهاد انتظامی قضات به صورت کارآمدتر عمل خواهد کرد. یکی از مفسدان غیر دولتی که در زندان به سر می‌برد، روزانه زندانبان وی را عوض می‌کردند زیرا این فرد زندانی تا شب زندانبان خود را می‌خرید و حتی در بازجویی به بازجویی که از افراد وزارت اطلاعات بود گفت که بنده آنقدر خرج خواهم کرد که این پرونده به سلامت تمام شود و آنگاه بنده می‌دانم و شما. بعضی از اعضای قوه قضائیه امین اموال وی شده بودند. آنگاه به نظر شما این افراد می‌توانند با مفسدان اقتصادی برخورد کنند. در واقع سطح برخورد از شهرام جزایری به سطح سیاسی می‌رسد و در این لحظه پرونده متوقف خواهد شد.

عمده‌تر از مفاسد اقتصادی در کشور مفاسد سیاسی است. مفاسد سیاسی یعنی آنانی که باید در سیاست‌گزاری بر اساس منافع ملی تصمیم‌گیری کنند تصمیم بر اساس منافع خود را در سرلوحه اقدامشان قرار می‌دهند و به همین دلیل در ادامه مسئله را رها خواهند کرد. اگر روزی معلوم شود که دانشگاه آزاد به منتخبین مردم قبل از ورود به مجلس شورای اسلامی چقدر پول داده و این دانشگاه در آرایش سیاسی کشور چقدر نقش دارد و چه نمایندگانی با چنین پشتوانه‌هایی به مجلس راه پیدا می‌کنند مگر می‌توان به این افراد کمتر از گل گفت. البته همین پول در دستگاه قضا هم هزینه می‌شود و این باعث انتشار فساد سیاسی در کشور می‌شود یعنی فساد از سطح فردی فراتر رفته و به صورت سازمان‌یافته گسترش پیدا می‌کند و در انتها با اتصال به مرکز قدرت به فساد سیاسی تبدیل می‌شود. به همین دلیل هیچ‌گاه مفسدان نگران نمی‌شوند.

چرا افرادی جرأت می‌کنند با جعل اسناد و با انواع حيله از شبکه بیمه‌ای کشور میلیاردها پول را خارج کنند؟ این افراد پشتشان به یک آدم سیاسی گرم است.

یکی از راه‌های مقابله با مفاسد اقتصادی را یافتن و بریدن اتصالات شبکه‌های قدرت و ثروت است. افرادی از دیوان محاسبات کشور و دادستانی تهران یکی شده و وارد ستاد مبارزه با قاچاق کالا می‌شوند و یا مبارزه با مفاسد اقتصادی را به دست می‌گیرند و این افراد مدعی خواهند شد.

بعضی از دوستان در دولت در زمان مطرح شدن بحث آقای رحیمی مصاحبه کرده و گفتند که پرونده وی در دستگاه قضا رسیدگی نشده و محکومیتی نیز در کار نیست. البته اگر دستگاه قضا می‌توانست وی را محکوم کند، ما چه کاره بودیم که در مجلس این بحث را دنبال کنیم زیرا در صورت محکومیت، رادیو و تلویزیون بحث آقای رحیمی را مطرح می‌کردند.

وظیفه ما همین است که در ابتدا اطلاعات موجود را به دستگاه قضایی بدهیم که چند سال نیز از تحویل اطلاعات موجود به دستگاه قضایی گذشت و اقدامی صورت نگرفت و حتی به مسئول بالاتر از آقای رحیمی نیز مدارک را دادیم و هیچ اقدامی صورت نگرفت و حتی در جلسه هیئت دولت نیز اعلام شد که هر فردی با آقای رحیمی طرف شود یا وی برخورد می‌کنیم آنگاه در این صورت ما باید چه کنیم؟

در 25 مهرماه سال گذشته آقای رحیمی علیه بنده به اتهام افتراء و تشویش اذهان عمومی شکایت کرد و بنده

نیز در خصوص این شکایت که آقای رحیمی آورده بود هیچ گاه از عنوان دکتر استفاده نکردم و اعلام کردم که اگر وی مدرک دکتری دارد ارائه کرده و اگر ندارد چرا خود را دکتر معرفی می‌کند و البته آقای رحیمی گفتند که بنده هیچ‌گاه خود را دکتر معرفی نکردم اما مگر دروغ از این بزرگتر هم می‌توان گفت.

از یکی از مقامات عالی قوه قضائیه پرسیدم که با اشراف شما به دستگاه قضایی آیا اتهامی متوجه آقای رحیمی نیست، که وی پاسخ داد البته که هست.

اگر کسی از عنوان دکتر علی‌رغم آنکه نداشته باشد استفاده کند صلاحیت مدیریت ندارد و اگر فردی دروغ هم بگوید دیگر صلاحیت مدیریت نخواهد داشت که این دو مسئله شامل آقای رحیمی می‌شود.

شورای اطلاع‌رسانی دولت در یکی از جلسات خود اعلام کرد که مدرکی یافته است که بر طبق آن بنده در تصادف به صورت فعلی درآمده‌ام و جانباز نیستم. البته بحث جانباز بودن من اظهر من الشمس است و همه شهر از آن باخبر هستند اما یکی از مقام‌های حاضر در آن جلسه نیز اعلام کرد که این مدرک را نگه دارید تا به وقتش آن را افشا کنیم و بنده اعلام می‌کنم که هر کس هر مدرکی علیه بنده داشت به من دهد تا آن را افشا کنم.

من به بازپرس پرونده گفتم که اسناد مربوط به آقای رحیمی و اعلام دکتر بودن وی موجود است و این نامه دیوان محاسبات سخن بنده را تأیید می‌کند.

آیا چنین فردی صلاحیت معاون اولی رئیس‌جمهوری را داراست که اگر برای رئیس‌جمهور اتفاق بیفتد با اجازه رهبری رئیس‌جمهور خواهد شد.

آن زمانی که آقای رحیمی می‌خواست رئیس دیوان محاسبات شود بنده در یکی از جلسات با نمایندگان مجلس زمانی که آقای باهنر و عبدالهی در موافقت با آقای رحیمی صحبت کردند در مخالفت با وی به ایراد سخن پرداختم.

در زمان مدیریت آقای هاشمی رفسنجانی آقای رحیمی استاندار کردستان بود و در سفر آقای هاشمی به این استان برای خوشامدگویی تراکتورهای استان را جمع و با آنها جمله «درود بر هاشمی» را نوشت و اگر با این اعمال در آن زمان برخورد می‌شد کار به اینجا نمی‌رسید.

این نماینده مردم در خانه ملت با بیان اینکه مقام معظم رهبری در مناسبت‌های مختلف بحث مبارزه با مفاسد اقتصادی را مطرح می‌کنند، تصریح کرد: ایشان همچنین خواستار زندگی ساده مسئولان می‌شوند زیرا نگران به وجود آمدن چنین مسائلی هستند.

اگر بحث مبارزه با مفاسد اقتصادی به صورت جدی دنبال می‌شد دانشگاه آزاد اقدامات کنونی را انجام نمی‌داد و بحث هادوی پیش نمی‌آمد. البته بحث مربوط به هادوی بحث امروز نیست و وی به خاطر کمک به علم زمین‌های خود را به دانشگاه آزاد اهدا کرد اما آنها تصمیم داشتند مابقی زمین را نیز از وی بگیرند

درگیری شدید در همایونشهر اصفهان

همایونشهر - 11 اردیبهشت - در ساعت 16 تظاهرات روز کارگر مردم و کارگران محروم این شهر در خیابان موسوم به خمینی درگیری شدیدی بین مزدوران سرکوبگر و مردم درگرفت و 16 نفر بشدت مجروح شدند . مجروحین این درگیری به بیمارستان خورشید اصفهان منتقل شدند . یادداشت از خواننده ای در فیسبوک

احضار محمود صالحی و محمد عبیدی پور از طرف نیروهای حفاظت اطلاعات

بر اساس گزارش رسیده امروز شنبه مورخ 89/2/11، محمود صالحی و محمد عبیدی پور به جرم شرکت در مراسم روز جهانی کارگر، ساعت 11 صبح از طرف نیروهای حفاظت اطلاعات بنا به دستور دادستان سقز دستگیر شده و تا ساعت 3 بعد از ظهر در محل آگاهی در بازداشت به سر بردند.

لازم به ذکر است که از نامبردگان خواسته بودند تعهد دهند که در مراسم روز کارگر شرکت نکنند . اما با عدم تعهد نامبردگان مواجه شدند و سر انجام آنها را ساعت 3 بعد از ظهر آزاد کردند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

11 اردیبهشت 89

کارگران، دست از مبارزه بر ندارید!

پیام علی نجاتی از زندان، به مناسبت روز جهانی کارگر
• علی نجاتی رهبر زندانی سندیکا کارگران نیشکر هفت تپه از زندان دزفول به مناسبت اول ماه مه پیام داده است ...

کارگران ایران و جهان!

روز جهانی کارگر، اول ماه مه را به همه ی کارگران و خانواده هایشان تبریک و شاد باش میگویم.
این روز یادگار همبستگی و اتحاد تمامی کارگران در سرتاسر جهان است و لازم است ما کارگران بدانیم که ما

برای رسیدن به خواسته ها و اهدافمان چاره ای جز اتحاد و همبستگی نداریم. کارگران بدون داشتن تشکل های مستقل خود نمیتوانند برای به دست آوردن مطالبات خود کاری کنند. من و دیگر همکارانم در نیشکر هفت تپه به دلیل ایجاد سندیکایی که خواست خودمان بود محاکمه شدیم و به زندان انداخته شدیم. ولی ما کارگران نباید به هیچ وجه دست از مبارزه برای خواسته هایمان و ایجاد تشکل های مستقلمان برداریم. امید دارم که کارگران در هر جا که هستند بتوانند با اتحاد و با تشکل خود برای دفاع از حقوق و خواسته های خود موفق و سربلند باشند.

زنده باد اتحاد و همبستگی جهانی کارگران

علی نجاتی

رئیس هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

زندان دزفول

اول ماه مه ۲۰۱۰ - یازده اردیبهشت ۱۳۸۹

درخواست مادر فرزند کمانگر از مادران برای اعتصاب در مقابل زندان

من با این تن مریضم، با این روح بیمار و زخم دیده ام از تمام مادرانی که فرزندانمان بازداشت، زندان و یا اعدام شده، تقاضا دارم همه باهم مقابل زندان، دادگاه و دیگر نهاد های دولتی کفن پیوشیم و اعتصاب کنیم. حاضریم مقابل گلوله هایمان بایستیم و کشته شویم. خون ما از خون دانشجویانی که در خیابانهای تهران کشته شدند رنگین تر نیست. نمی دانم تا کی باید با چشمان پر از اشکم انتظار فرزندم را بکشم. می خواهم از تمام مسئولان بپرسم: آیا زندانی کردن و اعدام فرزندان این سرزمین، رفت اسلامی و پایبندی به اصول اسلام است؟ حاضریم برای اثبات بی گناهی پسر معلم مقابل همان اسلحه ای قرار بگیریم که دانشجویان با گلوله آن کشته شدند. می خواهم که مادران داغدار به فرزندانمان افتخار کنند، همانگونه که من به فرزندم افتخار می کنم.

برخی گزارش ها از اول ماه مه (11 اردیبهشت 1389) ایران

سنندج

صبح روز شنبه ۱۱ اردیبهشت برابر با اول ماه مه مراسم روز جهانی کارگر با حضور جمعی از فعالین کارگری و جمعی از کارگران و دستفروشان و فعالین دانشجویی شهر سنندج در محل بازار اصلی شهر برگزار شد. به گزارش جمعی از فعالین کارگری شهر سنندج، ابتدا مراسم با پخش شیرینی و تراکت های اول ماه مه و قطعنامه و فراخواندن حاضرین برای تجمع شروع شد و سپس یکی از کارگران قطعنامه ۱۰ بندی منتخب جمعی از کارگران و جمعی از فعالین شورایی را قرائت کرد. در پایان مراسم تجمع با تشویق کارگران و حاضرین و سردادن شعار پایان یافت.

قطعنامه ی صادر شده در این مراسم به قرار زیر است:

کارگران؛ اول ماه روز جهانی طبقه کارگر و روز جدال و تخاصم طبقاتی همیشگی اکثریت جامعه با اقلیت مفت خور سرمایه دار است. در طول تاریخ پر فراز و نشیب این پیکار پرولتری همواره کارگران با موج شدیدی از سرکوب و ارباب مواجه شده اند ولی این جنبش جهانی تا به امروز نیز همچنان ادامه دارد. امسال در حالی به استقبال مراسم این روز می رویم که جناح های مختلف بورژوازی ایران اعم از سبز و محافظ سندیکالیستی و فرمیستی چه از نوع راست آن و چه در شمال چپ آن برای این روز فراخوان داده اند و بار دیگر می خواهند نیروی ما را به خدمت امیال خویش گیرند لذا ما به عنوان جمعی از کارگران و فعالین کارگری اعلام می کنیم که مبارزه ما با نظام بردگی مزدی مستقل از هر گرایش و فرقه بازی ثنا گویان فرمیسم تا الغای کامل استثمار انسان از انسان ادامه دارد.

بنا به این ضرورت ما قسمتی از مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران را به شرح زیر اعلام می کنیم:

- ۱- حداقل دستمزد ۲۰۲ هزار تومانی به هیچ وجه کفاف یک زندگی انسانی را نمی دهد. شورای عالی کار مدافع حقوق سرمایه داران است، ما خواهان تشکیل شورایی مرکب از نمایندگان واقعی کارگران و افزایش دستمزد کارگران بر مبنای تولید ناخالص داخلی هستیم.
- ۲- طرح حذف یارانه ها حرکتی در جهت پر کردن جیب سرمایه داران و استثمار هر چه بیشتر کارگران است دولت موظف است ضمن ارائه خدمات عمومی رایگان همچون بهداشت، تحصیل، مسکن و یارانه اقلام اساسی و مورد نیاز افراد جامعه را نیز پرداخت نماید.
- ۳- ما خواهان برابری کامل حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی می باشیم. زنان خانه دار کارگران بدون جیره و مواجب هستند پرداخت حقوق و بیمه تامین اجتماعی زنان خانه دار اساسی ترین حق آنان است.
- ۴- خصوصی سازی و اخراج های گسترده، قرارداد های سفید امضا و موقت سند بردگی مدرن کارگران است ما ضمن محکوم نمودن چنین تعرضاتی خواهان تامین امنیت شغلی و بستن پیمان های جمعی کارگران می باشیم.
- ۵- اعدام، سنگسار، قصاص؛ قطع عضو و شکنجه اعمالی ضد انسانی هستند ما خواهان لغو قوانین انسان ستیز می باشیم.
- ۶- کودکان کار استثمار شده ترین بخش از طبقه ما محسوب می شوند که همواره مورد آزار و تجاوز قرار می گیرند ما خواهان لغو کار کودکان زیر ۱۸ سال می باشیم و تمامی افراد زیر ۱۸ سال باید از تمامی مزایای اجتماعی به صورت رایگان بهره مند باشند.

- ۷- ما خواهان آزادی بی قید و شرط کلیه ی زندانیان سیاسی اعم از فعالین کارگری، دانشجویان، معلمان، روزنامه نگاران و کلیه ی فعالین اجتماعی می باشیم .
- ۸- کارگران میهن ندارند، ما ضمن اعلام حمایت و پشتیبانی از کلیه اعتراضات کارگری در سراسر جهان خواهان پایان بخشیدن به اخراج و برخورد با کارگران مهاجر هستیم .
- ۹- هر گونه لشکر کشی و جنگ افروزی و رقابت تسلیحاتی دولت های امپریالیستی محکوم است.
- ۱۰- اول ماه مه باید به عنوان تعطیل رسمی اعلام گردد. کارگران باید از حق ایجاد تشکل مستقل، اعتصاب و اعتراض به شرایط کاری خود برخوردار باشند.
- کارگران در راه آزادی و برابری جز زنجیر هایشان چیزی برای از دست دادن ندارند. کارگران جهان متحد شوید. جمعی از فعالین کارگری شورایی - سنندج

شیراز

محمدرضا نسب عبداللهی خبرنگار از شیراز گزارش داده است که ساعت ۱۰ صبح امروز ۱۱ اردیبهشت (اول می) کارگران در شیراز به مناسبت روز کارگر، تجمع اعتراضی برپا کردند.

این تجمع که در دقایق اولیه نزدیک به پنجاه کارگر در آن حضور داشتند در مقابل استانداری فارس در خیابان آزادی شیراز در حال برگزاری است.

تجمع کنندگان با در دست داشتن پلاکاردهایی تاکید کرده بودند که اخراج کارگران، آن ها را به "سرنوشت سیاه" دچار می کند. همچنین در پلاکارد دیگری نوشته شده بود: "کارگر، روز بیکاریت مبارک، تا حق خود را نگیریم از پا نمی نشینیم".

یکی از کارگران حاضر در این تجمع گفت که حدود چند ماه است از مجتمع صنعتی گوشت فارس اخراج شده و هفت ماه است که حقوق نگرفته است.

این کارگر که نام خود را اعلام نکرد، تاکید کرد بیش از دو ماه است که مجتمع صنعتی گوشت فارس به دلیل خصوصی سازی تعطیل شده و نزدیک به ۱۲۰۰ کارگر این واحد صنعتی از کار بیکار شده اند.

کارگران این واحد صنعتی ۲۲ فروردین گذشته و پنجم اردیبهشت نیز مقابل دفتر مجتمع صنعتی گوشت تجمع کرده بودند.

همچنین سایت کلمه، پایگاه خبری نزدیک به میرحسین موسوی، از برگزاری تجمع های اعتراضی کارگران در شهرهای شیراز، تبریز و قزوین خبر می دهد.

بر اساس گزارش این سایت، تعداد زیادی از کارگران کارخانه چینی البرز که ماه هاست حقوق دریافت نکرده اند، در ورزشگاه یادگار امام قزوین تجمع کرده و شعارهای اعتراضی سر داده اند.

سایت کلمه همچنین گزارش هایی را نقل کرده است که بر اساس آنها، کارگران در تبریز در مقابل اداره کار این شهر تجمع کرده و در اعتراض به اخراج های گسترده، بی کاری و فقر شعار داده اند.

در شیراز هم کارگران با در دست داشتن پلاکاردهایی با شعار "سرنوشت سیاه"، "کارگر، روز بی کاری ات مبارک!" و "تا حقوق نگیریم، از پا نمی نشینیم" در مقابل استانداری فارس تجمع کرده اند.

گزارش های مربوط به تجمع های روز کارگر در شهرهای مختلف ایران نشان می دهد که بخش عمده تجمع کنندگان، کارگرانی هستند که فعالیت واحدهای تولیدی آنها به دلیل مشکلات مالی یا مدیریتی متوقف شده است.

قزوین

هزاران نفر از کارگران قزوین روز جهانی کارگر را گرامی داشتند و خواهان رسیدگی به مطالبات خود شدند.

به گزارش فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، کارگران علیه اخراج ها و سایر مشکلات خود اعتراض کردند. بنابر این گزارش، از حوالی ساعت نه صبح هزاران نفر از کارگران قزوین در ورزشگاه یادگار امام تجمع کردند و روز جهانی کارگر را گرامی داشتند. نمایندگان کارگران طی سخنرانیهای خود خواستار پایان دادن به قرار دادهای موقت و رسمی شدن کارگران، حق بیمه، و سایر مشکلات کارگری شدند. کارگران اقدام به دادن شعارهایی علیه شرایط فاجعه بار خود کردند. این تجمع تا ساعت یک بعد از ظهر ادامه یافت.

بنابر این گزارش، از صبح امروز نیروهای سرکوبگر در نقاط مختلف شهر قزوین از جمله چهار راه ها و میدانی مستقر شده و با خودروها در سطح شهر گشت می زدند. حضور نیروهای سرکوبگر در سطح شهر بی سابقه گزارش شده است

وضعیت امنیتی تهران در صبح روز کارگر

تهران - 11 اردیبهشت - ساعت 10 تا 11 صبح

- در میدان بهارستان ، نیروی انتظامی با گله های خودرو و مزدوران خود در وحشت از تهاجم مردم ، جلوی مجلس صف بسته است .

- میدان توپخانه ، مملو از نیروی انتظامی و مزدوران است .
- دور تادور میدان ولی عصر نیروهای لباس شخصی با ماشینهای سواری سیاه‌رنگ خود مستقر شده اند .
- در میدان آزادی از سمت ورودی غربی آن ، پست بازرسی برقرار است و به کنترل شدید تگ تگ خودرو ها مشغولند .
- در پارک دانشجو ، يك كانكس كه از دو روز قبل مستقر شده است ، محل فرماندهی نیروی انتظامی در این منطقه است و سرکردگان انتظامی در آن مستقر هستند .
- در انتهای غربی خیابان مولوی که ورودی تهران است نیز پست بازرسی با کنترل کارت ملی برقرار است
- در ساعت 11 در خیابان آزادی بهبودی ، مزدوران انتظامی و بسیجی و سپاهی ، به عابرین حمله میکنند و با ضرب و شتم مردم و دستگیری آنها سعی در ممانعت از شکل گیری هر نوع تجمعی دارند .

برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در شهر سنندج

- بنا بر خبر های دریافتی امروز شنبه 11 اردیبهشت 1389، مراسمی به مناسبت گرامی داشت روز جهانی کارگر در سه راه نمکی شهر سنندج توسط کارگران و فعالین کارگری برگزار شد.
- بر اساس این خبر ساعت 6 بعد از ظهر، بیش از 100 نفر از کارگران و اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، شورای زنان و اتحادیه آزاد ایران، با در دست داشتن پلاکاردهائی در سه راه نمکی حضور یافتند.
- شرکت کنندگان با سر دادن شعار " زنده باد طبقه کارگر" و " اول مه گرامی باد " مراسم را در فضای امنیتی شروع کردند که بلا فاصله با برخورد پلیس مواجه شد.
- پلیس مستقر در منطقه به صفوف شرکت کنندگان حمله ور شد و در نتیجه تعدادی از شرکت کنندگان از جمله فواد شبکی فر از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در این مراسم دستگیر شد.
- ما اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن محکوم کردن برخورد پلیس به صف تجمع کنندگان خواستار آزادی فوری فواد شبکی فر و دیگر دستگیر شدگان هست
- کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

11 اردیبهشت 89

برگزاری مراسم روز کارگر در سقز

- یک بار دیگر کارگران شهر سقز در برابر چشم هزاران نفر از نیروهای انتظامی و لباس شخصی در خیابانهای شهر در روز جهانی کارگر اقدام به راهپیمایی کردند.
- مسئولان استانی و شهرستانی از تاریخ 89/1/25 اقدام به تهدید کارگران و فعالان کارگری کرده بودند و فرماندار شهر نیز در سخنانی اظهار کرده بود که "تا من فرماندار این شهر باشم به هیچ کارگری اجازه نخواهم داد که بجز مراسم های دولتی هیچ مراسمی دیگری برگزار کنند و... " با توجه به سخنان فرماندار نیروهای انتظامی و لباس شخصی در کوچه و خیابانهای شهر مستقر شدند تا قدرت خود را به کارگران نشان دهند.
- صبح روز شنبه مورخ 89/2/11 چند نفر از ماموران حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی به محل کار محمود صالحی و محمد عبدی پور دو تن از فعالین و چهره های سرشناس جنبش کارگری رفته و از آنان می خواهند تا خودشان را به نیروهای اطلاعاتی معرفی کنند. ساعت 11 صبح این دو فعال کارگری به مرکز نیروهای انتظامی واقع در میدان یادبود رفته و در آنجا به آنان ابلاغ می شود که به دستور دادستان، بازداشت هستند و این حکم تا ساعت 8 شب می باشد.

لازم به ذکر است که این برخورد مورد اعتراض محمود صالحی و محمد عبدی پور قرار گرفته و از طرفی دیگر مردم نیز با فرستادن اس ام اس نیروهای دولتی را تهدید کردند که اگر آن دو فعال کارگری را آزاد نکنند روز کارگر را جلو اداره اماکن برگزار خواهند کرد. در اثر فشارهای وارده، محمود صالحی و محمد عبدی پور هر دو ساعت 3 بعد از ظهر آزاد شدند. کارگران عزم خود را جزم کردند و تصمیم به برگزاری مراسم گرفتند، به همین منظور ساعت 7 بعد از ظهر به میدان عقاب شهر سقز رفتند که با صدها نفر از ماموران دولت مواجه شدند. کارگران و مردم بلافاصله محل تجمع را تغییر داده و خودشان را به بازار پایین (میدان کارگران ساختمانی) رساندند و در آن محل مراسم خود را برگزار کردند. سید صالح حسینی یکی از کارگران دخانیات در حالیکه تجمع کنندگان با پرفراشتن پرچم قرمز دور او حلقه زده بودند و از ایشان محافظت میکردند، سخنرانی کرد.

بعد از سخنرانی سید صالح حسینی قطعنامه کارگران ایران در بین مردم و تجمع کنندگان پخش شد. بعد از آن شرکت کنندگان با پخش شیرینی و شکلات به طرف میدان عقاب حرکت کردند که با کوهی از نیروهای انتظامی و لباس شخصی روبرو شدند. اما مردم و شرکت کنندگان با بی اعتنایی به نیروهای حکومتی به راهپیمایی خود ادامه داده و مسیرهای جامعه، پل هوایی، چهار راه آزادی و بانک صادرات مرکزی را پیمودند که در آخرین مسیر مورد حمله نیروهای امنیتی قرار گرفتند و آنان را از ادامه راه باز داشتند.

قبل ذکر است که علیرغم هجوم نیروهای امنیتی، مراسم با پخش شیرینی و شکلات به پایان رسید اما نیروهای امنیتی تا پاسی از شب در خیابانهای شهر مستقر بودند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

11 اردیبهشت 89

تجمع اعتراضی کارگران شرکت نفت

سایت آژانس ایران خبرنگار نوشت: روز شنبه 11 اردیبهشت 500 نفر از کارگران شرکت نفت اقدام به تجمع اعتراضی در خیابان آزادی کردند، فریاد این کارگران و برخی از کارگران شهاب خودرو که حقوق حقه خود را طلب میکردند در خیابان طنین انداز شد.

احضار محمود صالحی و محمد عبدی پور از طرف نیروهای حفاظت اطلاعات

بر اساس گزارش رسیده امروز شنبه مورخ 89/2/11، محمود صالحی و محمد عبدی پور به جرم شرکت در مراسم روز جهانی کارگر، ساعت 11 صبح از طرف نیروهای حفاظت اطلاعات بنا به دستور دادستان سقز دستگیر شده و تا ساعت 3 بعد از ظهر در محل آگاهی در بازداشت به سر بردند.

لازم به ذکر است که از نامبردگان خواسته بودند تعهد دهند که در مراسم روز کارگر شرکت نکنند. اما با عدم تعهد نامبردگان مواجه شدند و سر انجام آنها را ساعت 3 بعد از ظهر آزاد کردند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

11 اردیبهشت 89

احضار علی نجاتی به دادگاه در استانه ی آزادی وی

بر اساس خبر دریافتی، علی نجاتی رئیس هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه که به مدت شش ماه به خاطر نمایندگی و احقاق حقوق کارگران هفت تپه در زندان دزفول محبوس بوده است طبق یک احضاریه رسمی به شعبه دو دادگاه انقلاب شوش فراخوانده شده است. علی نجاتی در روز 22 اردیبهشت آخرین روز حبس شش ماهه ی خود را خواهد گذراند و آزاد خواهد شد اما وی را برای روز 29 اردیبهشت برای جلسه ی دادگاه فراخوانده اند! نجاتی و دیگر همکارانش، فریدون نیکوفرد، جلیل احمدی، قربان علیپور و محمد حیدری مهر، به اتهامات واهی تبلیغ علیه نظام و نظایر آن محکوم به تحمل حبس شده بودند، و این در حالی است که نجاتی، دوباره به همان اتهام باید در دادگاه پاسخگو باشد و از خود دفاع کند. این بدین معنی است که نجاتی برای یک اتهام واحد، در یک مقطع زمانی دوبار محاکمه میشود، حال آنکه در یکی از این محاکمات وی محکوم به حبس شده و دوره ی حبس را نیز گذرانیده است.

ما بار دیگر احضار و بازداشت فعالین کارگری را شدیداً محکوم کرده و خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط همه کارگران دربند هستیم

سایت "کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری" دوباره فیلتر شد

دولت سرمایه داری جمهوری اسلامی در آستانه اول ماه مه روز جهانی کارگر، برای بار دوم در طول یک ماه گذشته سایت "کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری" را فیلتر کرد. در شرایطی که میلیون ها کارگر در بی حقوقی کامل و فقر مطلق به شدیدترین و وحشیانه ترین شکل ممکن استثمار می شوند،

و تهاجم سرمایه داری و دولت مدافع آن به آخرین لقمه نان کارگران هر روز ابعاد گسترده تری پیدا می کند، دولت سرمایه داری با سرکوب کارگران و محروم کردن آنها از ابتدایی ترین حقوق خود از جمله حق آزادی بیان، آزادی نشریات و مطبوعات، آزادی تجمعات و تظاهرات تلاش می کند جلو هرگونه اعتراض کارگران به وضعیت غیر انسانی موجود و تعرض آنان به سرمایه را بگیرد. تلاش دولت سرمایه داری جمهوری اسلامی برای خفه کردن صدای ما به عنوان جمع کوچکی از فعالان جنبش ضد سرمایه داری طبقه کارگر نیز در همین راستاست و هدفی جز جلوگیری از آگاهی کارگران و ایجاد مانعی دیگر بر سر راه ایجاد تشکل سراسری و سرمایه ستیز طبقه کارگر ندارد. ما این اقدام را نقض آشکار حق آزادی بیان می دانیم و شدیداً آن را محکوم می کنیم. ما همچنان تاکید می کنیم که چنین اعمالی هرگز کوچکترین خللی در عزم ما برای مبارزه با نظام سرمایه داری به وجود نخواهد آورد.

بدین وسیله نشانی جدید سایت "کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری" را به اطلاع عموم کارگران می رسانیم:

www.hamaahangi.net

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

تجمع جانبازان ۷۰ درصد در مقابل مجلس

به نوشته سایت کلمه در تاریخ 11 اردیبهشت آمده است: شماری از جانبازان ۷۰ درصد جنگ تحمیلی مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. به گزارش فارس حدود ۲۰ تن از جانبازان ۷۰ درصد دوران دفاع مقدس امروز دوشنبه به نمایندگی جمعی از جانبازان ۷۰ درصد مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. به گفته نماینده جانبازان مذکور عدم تصویب لایحه خدمات جامعه ایثارگران علیرغم بررسی ۱۰ ساله، مشکلات بیمه بهداشت و درمان جانبازان و نیز لغو معافیت گمرکی خودروی جانبازان از جمله مواردی است که جانبازان ۷۰ درصد در اعتراض به آن تجمع کردند. براساس این گزارش جانبازان مذکور پس از بیان اعتراضات خود از سوی مسئولان اجازه یافتند تا با حضور در مجلس با نمایندگان خود دیدار و درخصوص مشکلاتشان با آنان به گفت و گو بنشینند.

سپاه پاسداران، چرا به بخش گاز و نفت ایران دست انداخته است؟

به نوشته یزدان حاج حمزه در سایت پارس دیلی نیوز در تاریخ 11 اردیبهشت 89 آمده است: دلهره سیاسی رهبر وقوه مجریه رژیم ولایت فقیه را می توان با یک شاخص به خوبی تشخیص داد. سپردن بیش از پیش، تصدی امور حکومتی به دست «سپاه پاسداران». هرچه عرصه سیاسی در داخل و خارج کشور بر این رژیم تنگتر می شود، از سایر ارگانها بیشتر خلع ید می کنند و کارهای آنها را بیشتر به سپاه انتقال می دهند. در شرایطی که رژیم زیرمگنه فشار سیاسی داخلی و خارجی قرار گرفته، به مرور زمان شاهد آن هستیم که: اولاً، اختیارات نظامی و انتظامی بیشتری از ارتش و نیروی انتظامی سلب می گردد و به سپاه تفویض می شود. دوماً، عوامل تشکیلاتی سپاه بیش از پیش در دولت و عرصه سیاسی مصدرکارها می شوند. سوماً، بخش بیشتری از تصدی امنیتی وزارت اطلاعات به واحد امنیتی سپاه داده می شود. چهارماً، بخش گسترده تری از تصدی اقتصادی بخش دولتی و بخش خصوصی واقعی به سپاه واگذار می شود. گویا به این نتیجه رسیده اند که لازمه حفظ نظام قرون وسطایی ولایت فقیه در قرن بیست و یکم تقویت همه جانبه «سپاه پاسداران» و حکمفرما کردن اراده فرماندهی آنها بر امور حکومتی است!!

ابعاد دست اندازی جدید سپاه به بخش گاز و نفت در عرصه اقتصاد، طی چند ماه اخیر، دست اندازی آشکار سپاه پاسداران به بخش نفت و گاز کشور، به صورتی شتابزده افزایش یافته است. به دستور دولت احمدی نژاد وزارت نفت «قرارگاه خاتم» سپاه را، با وجود آنکه تجربه صلاحیت فنی اجرای پروژه های بزرگ استخراج و مایع سازی گازکشور را ندارد، با وجود آنکه پول و سرمایه

لازم برای اجرای این پروژه‌ها را ندارد، طرف حساب و طرف قرارداد اجرای این پروژه‌ها کرده است. اجرای فازهای 18، 19، 22، 23، 24 بهره برداری از ذخایر مشترک ایران و قطر در منطقه «پارس جنوبی» را، یکی بعد از دیگری، بدون انجام تشریفات مناقصه، به سپاه داده اند. (شانا، خبرگزاری نفتی رژیم، 21 فروردین 89). در سال 1385 نیز، بعد از آنکه یک شرکت نفتی دولتی نروژ وادار شد که در اجرای فازهای 15 و 16 پارس جنوبی، دست از همکاری با سپاه بردارد، کارپیمانکاری این دو فاز را نیز به سپاه سپردند که تا به حال نتوانسته کاری از پیش ببرد و نداشتن اعتبار مالی را بهانه می‌کند. سرمایه ارزی و ریالی لازم برای اجرای هر یک از این فازها را، چیزی حدود 2 میلیارد دلار برآورد می‌کنند. دولت وزارت نفت در رساندن اعتبار مالی و پول به سپاه برای اجرای فازهای 7 گانه فوق الذکر کوتاهی نکرده است. بیش از 2 میلیارد دلار از «حساب ذخیره ارزی» به حساب سپاه ریخته است. وزارت نفت به دستور دولت برای تأمین مالی این پروژه‌ها میلیون‌ها دلار اوراق قرضه خارجی و میلیاردها تومان اوراق قرضه داخلی منتشر کرده است. (برای دستیابی به ریزار قام رجوع کنید به خبرگزاری شانا 14/ دی 88 و 8 اردیبهشت 89). یاد آوری می‌شود که سپاه علاوه بر بهره برداری از ذخایر پارس جنوبی، در شروع کار دولت احمدی نژاد اجرای خط لوله انتقال گاز بندر عسلویه تا ایرانشهر را نیز به عهده گرفت و اخیراً قرارداد اجرای 1810 کیلومتر خط لوله برای انتقال فرآورده های نفتی در شهرهای مرکزی و شرقی ایران را نیز با وزارت نفت امضا کرده است (شانا، 24 اسفند 1388). با این حساب در حال حاضر سپاه پاسداران بیش از هر پیمانکار دیگری داخلی و خارجی و حتی بیش از خود شرکت ملی گاز و شرکت ملی نفت ایران اجرای پروژه های نفت و گاز را به دست گرفته است. تا جاییکه به دست اندازی سپاه به 7 فاز از ذخایر گاز پارس جنوبی برمی‌گردد، 5 فاز آن در شرایطی به سپاه واگذار شده که عرصه سیاست خارجی رژیم ایران تنگ شده و شرکت های نفتی خارجی، حتی شرکت های نفتی ترکیه، زیر فشار آمریکا، وادار شده اند از مشارکت پرسود در استخراج ذخایر گاز ایران خود داری کنند.

چشم انداز افزایش نقش سپاه در بخش نفت و گاز به موازات افزایش فشار تحریم خارجی، «سپاه پاسداران» یورش اقتصادی - امنیتی خود را برای بهره برداری گسترده تر از ذخایر گاز و نفت ایران، افزایش می‌دهد. چند روز پیش «سردار یدالله جوانی»، رئیس دایره سیاسی سپاه، در مصاحبه با خبرگزاری ایلنا اعلام کرد ه «سپاه پاسداران، به مثابه عضو جدایی نا پذیر رژیم، امروز مفتخر است اعلام کند که توانایی و اطلاعات فنی آنرا دارد که به سادگی جای خالی شرکت های نفتی بزرگ خارجی را پر کند... مامی توانیم به جای شرکت های توتال و شل اجرای پروژه های بزرگ در منطقه عسلویه را به عهده بگیریم» (خبرگزاری فرانسه 24 آوریل 2010) امروز در حالی سپاه به سمت جانشینی شرکت های مثل شرکت فرانسوی توتال و شرکت انگلیسی - هلندی شل می‌رود که این دو شرکت بزرگ زیر فشار آمریکا از اجرای قرارداد های امضا شده خود برای استخراج ذخایر گاز پارس جنوبی و ایجاد کارخانه مایع سازی گاز در بندر عسلویه شانه خالی کرده اند. پیش از این نیز شرکت های ترکیه ای پس از 17 ماه از سرمایه گذاری و مشارکت در بهره برداری از سه فاز مهم ذخایر گاز پارس جنوبی مشترک بین ایران و قطر (فازهای 22 و 23 و 24) منصرف شدند و به دستور دولت در فروردین ماه 1389 این بخش از کار نیز به «قرارگاه خاتم الانبیاء» سپاه پاسداران واگذار شده است.

هدف اصلی سپاه از جنگ اندازی بر ذخایر گاز کشور کمیت و ارزش افزوده فعالیت های اقتصادی سپاه، حدود 30 درصد تولید ملی ایران برآورد می‌شود. اما فراتر از کمیت، آنچه معنا و نقش اقتصادی سپاه را برجسته می‌کند، کیفیت و موضوع اصلی فعالیت های اقتصادی سپاه است که در حال حاضر متوجه بخش نفت و گاز شده است. ذخایر گاز و نفت ایران علاوه بر اینکه پشتوانه و تکیه گاه مالی حکومت نظامی - آخوندی ایران است، وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی داخلی و روابط خارجی ایران را به شدت تحت تأثیر قرار داده و در تحول اوضاع آینده کشور ما به علل زیر اهمیت ژئوپولیتیکی دارد:

الف - ذخایر ایران می‌تواند در معادلات انرژی جهانی نقشی تعیین کننده داشته باشد. مجموع ذخایر گاز و نفتی ایران را منابع معتبر خارجی نظیر *oil and gas journal* معادل 280 میلیارد بشکه نفت و منابع وزارت نفت ایران معادل 313 میلیارد بشکه نفت برآورد می‌کنند (برآورد منابع خارجی به سال 2005 میلادی برمی‌گردد که شامل 125/8 میلیارد بشکه ذخیره قابل برداشت نفت به اضافه ذخایر قابل برداشت گاز کشور که معادل 155 میلیارد بشکه نفت انرژی دارد. برآورد وزارت نفت ایران به سال 1386 برمی‌گردد که شامل 137 میلیارد بشکه نفت باقی مانده و قابل برداشت و معادل 176 میلیارد بشکه ذخایر گاز شناخت شده ایران است). با این حساب ایران هنوز از نظر تصاحب مجموع ذخایر انرژی در ردیف عربستان سعودی، که صاحب بیشترین ذخیره نفتی منطقه است، قرار می‌گیرد و از کشورهای نفت خیزی مثل عراق ذخایر انرژی هیدروکربوری بیشتری دارد. اما به علل زیر ایران، به صورت بالقوه، در تأمین انرژی مورد نیاز آینده جهان بر عربستان و سایر کشورهای نفت خیز منطقه ارجحیت دارد:

1. عربستان با وجود آنکه از ایران ذخیره نفتی بیشتری دارد، در برداشت پایدار از ذخایر نفتی اش به حد ماگزیم رسیده (چیزی حدود 10 میلیون بشکه در روز) و تا 20 سال آینده نمی‌تواند به مقدار قابل توجهی ظرفیت تولیدی پایدار خود را افزایش دهد. حال آنکه ایران حداکثر 4 میلیون بشکه در روز از ذخایر نفتی اش برداشت می‌کند و می‌تواند با استفاده از تکنولوژی پیشرفته و همکاری شرکت های خارجی ضمن افزایش تولید، تاسیسات قدیمی را نوسازی کند و ظرفیت تولیدی نفت خود را به 7 میلیون بشکه در روز برساند. ایران در شرایطی قابلیت دارد که ظرفیت تولید نفت خود را 3 میلیون بشکه افزایش دهد که تقاضا برای خرید نفت در کشورهای مثل چین، هند و آمریکا به شدت در حال افزایش است و، به جز عراق، کمتر کشوری خیز است که قابلیت افزایش این حد از تولید نفتی خود را داشته باشد تا پاسخگوی رشد تقاضای نفتی جهان شود.

2. ایران از لحاظ تأمین انرژی گاز مورد نیاز جهان در موقعیت بهتری از نفت قرار دارد. کشور ما در حدود 17 درصد از ذخایر گاز جهان را در اختیار دارد و از این لحاظ بعد از روسیه دومین کشور گاز خیز جهان است. در حال حاضر روزانه

میزان اندکی، که حدود 500 میلیون مترمکعب است، از ذخایر گاز ایران برداشت می شود که بیشتر به مصرف داخلی می رسد. بنا براین ایران از لحاظ صادرات و فروش گاز امکان بالقوه و قابلیت دارد که کمتر کشور جهان از آن برخوردار است. ایران در شرایطی از امتیاز عرضه گاز به بازار جهانی برخوردار است که امکان تولید پایدار نفت جهان به حد ماگزیوم خود نزدیک شده و پس از آن روندی کاهنده خواهد داشت، مصرف گاز در جهان با سرعت بیشتری از مصرف نفت رشد می کند، به لحاظ زیست محیطی گاز انرژی تمیزتر و مطلوبتری از نفت است.

ب- پاسداران سودای آن دارند که از گاز و نفت ایران بهره برداری سیاسی کنند کنترل و بهره برداری ذخایر گاز و نفت ایران، فراتر از بهره برداری مالی، از آن روی به دست سپاه پاسداران سپرده شده که رژیم آنرا یک ضرورت حاد امنیتی تلقی می کند. با این اقدام می خواهند به جهانی که نیازمند به ذخایر انرژی ایران است، به نوعی، برسند که ایران نیز مانند چین و هند، یک قدرت اتمی - اقتصادی است که سپاه پاسداران کنترل آن را دارد. اینها می خواهند از نیاز جهان به گاز و نفت ایران به مثابه یک حربه سیاسی استفاده کنند و جهان را به تمکین سیاسی در مقابل خود وادار سازند. از عقد قراردادهای بلند مدت نفتی و گازی، به خصوص با قدرتهای اقتصادی، به مثابه یک سپر سیاسی استفاده می کنند. چنانکه چین را تا حدودی به خدمت این هدف گرفته اند. چین علاوه بر خرید نفت، علاوه بر سرمایه گذاری برای مشارکت در بهره برداری از ذخایر گاز و نفت ایران، قراردادی دارد برای خرید یکصد میلیارد دلار گاز مایع طی مدت 25 سال از ایران، که سپاه برای فراهم آوردن شرایط اجرای آن اعلام آمادگی کرده است. هند هدف بعدی آنهاست زیرا این قدرت اقتصادی نیز، هم به خرید گاز ایران چشم دوخته و هم گاز مایع ایران. ترکیه و اروپا نیز برای تنوع بخشیدن به نیاز گاز مصرفی خود متمایل به خرید گاز از ایران هستند و رژیم گوش خوابانده و منتظر فرصت است تا دست آنها را نیز در حنا بگذارد. ادره همین فضا است که می بینیم با وجود آنکه در گروه قدرتهای موسوم به 5+1 بحث تحریم سپاه مطرح است، هنوز بحث تحریم سرمایه گذاری و خرید گاز و نفت ایران، که سپاه روی آن دست انداخته، در سطح شورای امنیت، مطرح نیست. عجلالتا، تا اینجا توانسته اند با تطمیع کشورهای یی مثل چین، مانع تحریم نفتی همه جانبه رژیم شوند.

سلطه سپاه بر ذخایر گاز و نفت ایران، تأمین انرژی جهان را تهدید می کند تا آنجا که به تأمین نیاز جهان از ذخایر گاز و نفت ایران بر می گردد، سپردن کنترل بهره برداری از این ذخایر و شبکه توزیع آن به دست سپاه پاسداران مثل دادن تیغ به دست زنگی مست است. سپاه پاسداران همان زنگی مستی است که با تیغ بمب اتمی و حربه سیاسی گاز و نفت، خیز برداشته که برای حفظ نظام ولایت فقیه ادعاهای منطقه ای و جهانی خود را به طرف حسابهای خارجی رژیم تحمیل کند. اگر سپاه پاسداران و دولت پاسداران کنترل تأمین بخشی از گاز مورد نیاز قدرتهای اقتصادی آسیایی و اروپایی را به دست بگیرند، برای پیشبرد اهداف سیاسی خود می توانند به قطع جریان گاز ایران به کشورهای خریدار دست بزنند و آنرا به حربه ای برای تهدید سیاسی آنها به کار گیرند. شاهد زنده آنکه، چندی پیش یکی از فرماندهان سپاه با این چشم انداز و با تهدید انجام خرابکاری در تنگه هرمز مدعی شد که «اگر اروپا با ما راه نیاید ما می توانیم طعم لرزیدن در زمستانهای سرد را به آنها بچشانیم»! بنا براین قدرتهای جهان صنعتی در مقابل این سؤال مهم قرار گرفته اند که آیا باید مشتری و خریدار بلند مدت انرژی از حاکمیتی شوند که قصد گروکشی سیاسی تأمین آن را دارد یا نه؟ چه می توان کرد؟

اگر این واقعیت ملموس در مد نظر گرفته شود که سپردن کارها به دست سپاه پاسداران، بیش و پیش از آنکه علامت ترساندن مخاطب های داخلی و خارجی رژیم ایران باشد، علامت ترسیدن و هراس این رژیم از تأثیر گذاری فشار آنهاست، آنوقت می توان به آسیب پذیری شدید رژیم در مقابل افزایش فشارهای سیاسی داخلی و خارجی پی برد و آنوقت به این نتیجه می رسیم که افزایش این فشارها را باید به اهرمی تبدیل کرد برای راهی جامعه ایران و جامعه جهانی از شرو وجود این رژیم شرور و تغییرنا پذیر باید مبارزه کرد.

فیلترینگ کلمات معلم، آموزگار، دبیر در پیامک

به نوشته سایت جرس در تاریخ 11 اردیبهشت آمده است: به دنبال بازداشت مسئولان مجامع صنفی معلمان در روزهای اخیر، پیامک های دارای مضامین مربوط به معلم و دبیر و آموزگار هم به صف محدودیت ها شبکه پیامک کشور پیوست. در استانه روز معلم، نگرانی مقامات امنیتی و مخابراتی کشور از استفاده از پیامک به عنوان یک رسانه برای دعوت به تجمع و بیان ناراضی معلمان موجب شد سانسور هدمند پیامک ها در دستور کار قرار گیرد.

بنابر گزارش خبرنگار جرس از روز شنبه 11 اردیبهشت ماه سیستم مخابرات کشور با استفاده از نرم افزارهای وارداتی هرگونه پیامک مربوط به روز معلم، با مضامین های سیاسی یا حتی بدون مضمون سیاسی راسانسور می کنند. سانسور گسترده پیامک حتی شامل تبریک روز معلم نیز می شود.

این در حالی است که در رسانه های رسمی نیز در قیاس با سال های گذشته کمتر نامی از روز معلم برده می شود. گفتنی است بازداشت مسئولان انجمن صنفی معلمان و سازمان معلمان بازتاب گسترده ای در میان این قشر داشته است.

دستگیری تعدادی از عابرین و شرکت کنندگان مراسم روز جهانی کارگر

بنابه گزارشات رسیده از ایران در تاریخ 11 اردیبهشت اطلاع میرسد: در جریان مراسم گرامیداشت روز جهانی کارگر تعدادی از عابرین و شرکت کنندگان دستگیر و به نقطه نامعلومی منتقل شدند. روز شنبه 11 اردیبهشت ماه تعداد از عابرین و شرکت کنندگان در مراسم روز جهانی کارگر در نقاط مختلف تهران

دستگیر و به نقطه نامعلومی منتقل شدند. دستگیرها توسط نیروی سرکوبگر انتظامی صورت گرفت. حوالی ساعت 17:30 دو تن از بانوان عابر در خیابان آزادی مورد یورش وحشیانه نیروهای سرکوبگر قرار گرفتن که دستگیر و به نقطه نامعلومی منتقل شدند. اسامی دو بانوی دستگیر شده به قرار زیر می باشد: خانم میترا 40 ساله و خانم فرزانه 37 ساله می باشند. این 2 بانو در حالی که در خیابان آزادی عبور می کردند دستگیر و توسط یک خودروی نیروی انتظامی به محل نامعلومی انتقال یافتند. هنوز از اسامی و آمار دقیق دستگیر شدگان امروز رقمی در دست نیست. فعالان کارگری در ایران یورش به عابرین و شرکت کنندگان بی گناه در خیابان و دستگیری خودسرانه آنها را در روز جهانی کارگر را که برای ایجاد رعب و وحشت در بین مردم است را محکوم می کند و از کمیسر عالی حقوق بشر ملل متحد و سازمانهای حقوق بشری خواستار اقدامات عملی برای آزادی فوری و بی قید و شرط بازداشت شدگان امروز است.

تجمع صدها تن از کارگران تبریزی در مقابل اداره کار به مناسبت روز جهانی کارگر

سایت آژانس ایران خبر در تاریخ 12 اردیبهشت 89 نوشت: صدها تن از کارگران و مردم در مقابل اداره کار شهر تبریز واقع در خیابان امام خمینی، به مناسبت روز جهانی کارگر (اول ماه مه) دست به تجمع زدند. این تجمع صبح امروز شنبه 11 اردیبهشت ماه آغاز شد و تجمع کنندگان ضمن گرامیداشت روز جهانی کارگر به اخراج های گسترده، بیکاری و فقر موجود اعتراض کردند. به گزارش فعالین حقوق بشر و دموکراسی، با وجود حضور گسترده ی نیروهای امنیتی، هر لحظه بر تعداد شرکت کنندگان افزوده می شد. شایان ذکر است، در حالی کارگران در چنین روزی اعتراض خود را به وضعیت معیشتی اسفبارشان اعلام می دارند که مسئولین و نهاد های امنیتی به طور کلی، از تجمع کارگران عموماً و در روز جهانی کارگر خصوصاً ممانعت به عمل می آوردند.

گزارشی از برگزاری روز جهانی کارگردر شهر بانه

سایت آژانس ایران خبر در تاریخ 12 اردیبهشت 89 نوشت: درشهر بانه مراسم با شکوهی به مناسبت روز جهانی کارگر با حضور دههافعال کارگری و خانواده هایشان در مسیر جاده سورین در ۲ کیلومتری شهر بانه برگزار شد. این مراسم از ساعت ۳ بعد از ظهر برگزار و تا ساعت ۶ونیم عصر ادامه داشت، دراین مراسم به احترام جان با ختگان يك دقیقه سکوت شد و سپس برنامه های متنوعی ارائه شد. از جمله این برنامه ها قرائت نامه فرزاد کمانگر به معلمان و مطلبي به نام شرایط زنان کارگر بود. در انتها قطعنامه اول ماه مه تشکل های کارگری در ایران بمناسبت اول ماه مه سال ۱۳۸۹ در مراسم شهر بانه خوانده و مورد تایید حاضرین قرار گرفت.

احضار علی نجاتی به دادگاه در استانه ی آزادی وی

بر اساس خبر دریافتی، علی نجاتی رئیس هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه که به مدت شش ماه به خاطر نمایندگی و احقاق حقوق کارگران هفت تپه در زندان ذفول محبوس بوده است طبق یک احضاریه رسمی به شعبه دو دادگاه انقلاب شوش فراخوانده شده است. علی نجاتی در روز 22 اردیبهشت آخرین روز حبس شش ماهه ی خود را خواهد گذراند و آزاد خواهد شد اما وی را برای روز 29 اردیبهشت برای جلسه ی دادگاه فراخوانده اند!! نجاتی و دیگر همکارانش، فریدون نیکوفرد، جلیل احمدی، قربان علیپور و محمد حیدری مهر، به اتهامات واهی تبلیغ علیه نظام و نظایر آن محکوم به تحمل حبس شده بودند، و این در حالی است که نجاتی، دوباره به همان اتهام باید در دادگاه پاسخگو باشد و از خود دفاع کند. این بدین معنی است که نجاتی برای یک اتهام واحد، در یک مقطع زمانی دوبار محاکمه میشود، حال آنکه در یکی از این محاکمات وی محکوم به حبس شده و دوره ی حبس را نیز گذرانیده است.

ما بار دیگر احضار و بازداشت فعالین کارگری را شدیداً محکوم کرده و خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط همه کارگران دربند هستیم

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

فواد شبکی فر، صدیق کریسی، و فواد کیخسروی همچنان در بازداشت بسر میبرند

بر اساس گزارش رسیده، روز یکشنبه مورخ 1389/2/12 فواد شبکی فر عضو کمیته هماهنگی را به دادگاه سنندج انتقال دادند اما بدون مشخص کردن وضعیت وی، دوباره او را به بازداشتگاه ستاد امنیت باز گرداندند.

لازم به ذکر است که فواد شبکی فر قبل از برگزاری مراسم اول ماه مه دستگیر و مورد ضرب و شتم نیروهای امنیتی قرار گرفت.

صدیق کریمی و فواد کیخسروی دو تن دیگر از دستگیر شدگان اول ماه سنندج، همچنان در بازداشت به سر می‌برند.

صبح روز یکشنبه مورخ 1389/2/12 خانواده این دو نفر در مقابل اداره اطلاعات تجمع کردند که مورد ضرب و شتم نیروهای امنیتی قرار گرفتند.

ما ضمن محکوم کردن تداوم بازداشت دستگیر شدگان اول ماه، خواستار آزادی بی قید و شرط کلیه فعالین کارگری دربند و نیز پایان دادن به احضار و بازداشت فعالین کارگری هستیم.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

12 اردیبهشت 89

گزارشی از روز جهانی کارگر در شیراز

به نوشته سایت آژانس ایران خبر در 12 اردیبهشت 89 آمده است: در شیراز روز 11 اردیبهشت از ساعت حدود ۱۰ صبح بیش از 1500 نفر از کارگران از تولیدی ها و کارخانههای مختلف، به دعوت اتحادیه کارگران در گرامدداشت روز جهانی کارگر، در میدان جلو استانداری در شیراز تجمع کردند. کارگران روی پلاکاردهای خود موارد مختلفی از جمله حقوق عقب افتاده، جلوگیری از خصوصسازی کارخانه، جلوگیری از اخراج کارگران و باز خرید اجباری و درخواست تامین شغلی نوشته بودند. تعدادی از این کارگران از کارخانه مخابرات راه دور بودند. این کارخانه مدتی است تعطیل شده و تکلیف کارخانه هنوز مشخص نیست. نیروهای سرکوبگر تمام منطقه را پوشانده بودند.

احضار افشین ندیمی به اداره اطلاعات شهرستان کامیاران

بر اساس گزارش رسیده، روز شنبه 11 اردیبهشت 1389، افشین ندیمی از فعالین کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری به اداره اطلاعات شهرستان کامیاران احضار شد.

لازم به ذکر است که ماموران اداره اطلاعات ضمن تهدید افشین ندیمی، وی را به مدت یک ساعت مورد بازجویی قرار داده و از وی خواسته بودند که مکان برگزاری مراسم روز جهانی کارگر را به آنان بگوید. افشین ندیمی به این درخواست ماموران اداره اطلاعات جواب رد داده و سر انجام ساعت 11 آزاد شد.

ما بار دیگر دستگیری و احضار فعالین کارگری را محکوم کرده و خواستار آزادی بی قید و شرط کلیه فعالین کارگری دربند و نیز پایان دادن به احضار و بازداشت فعالین کارگری هستیم.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

12 اردیبهشت 89

خودسوزی يك کارگر در مقابل دانشگاه تهران

سایت آژانس ایران خبر در تاریخ 12 اردیبهشت 89 نوشت: یک کارگر محروم که صبح روز کارگر در مقابل وزارت کار حضور یافته بود، بعد از ظهر روز شنبه یازدهم اردیبهشت در مقابل دانشگاه تهران به نشانه اعتراض به حکومت خود را به آتش کشید.

نیروهای سرکوبگر در شعاع ۴۰۰ متری مانع از تردد مردم به اطراف این کارگر قربانی می شدند.

مراسم روز جهانی کارگر در فضای شدید امنیتی

خبرهای تایید نشده زیادی در مورد تجمع‌های کوچک و بزرگ کارگری در روز اول ماه مه می‌رسد. به گفته منابع موثق، امسال بیشتر کارگران ایران بخاطر فضای شدید امنیتی روز جهانی کارگر را در محافل خودشان و نه در خیابانها، جشن گرفتند.

بسیاری از خبرهایی که تاکنون رسیده‌اند، تایید نشده هستند. این خبرها حاکی از آن‌اند که در شهرهای گوناگون ایران، از جمله در اصفهان، رشت، تبریز، کرج، قزوین، اراک، اهواز تظاهرات کارگری به مناسبت اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) برگزار شده و حتی برخی از این تظاهرات به درگیری با ماموران امنیتی و انتظامی انجامیده است.

فضای شدید امنیتی: روز کارگر بی روز کارگر!

منابع گوناگونی چون وبسایت "کلمه"، نزدیک به میرحسین موسوی، از "فضای امنیتی" و استقرار گسترده نیروهای امنیتی و انتظامی در برخی از نقاط شهر تهران خبر می‌دهند.

فشار بر فعالان کارگری در آستانه روز جهانی کارگر افزایش یافت. به گفته جعفر عظیمزاده، رئیس هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران، در روز جمعه (۳۰ آوریل / ۱۰ اردیبهشت) در شهر سنندج، پنج نفر از اعضای هیئت مدیره این اتحادیه احضار شده‌اند. امروز صبح نیز دو فعال کارگری در سنندج قبل از اینکه در مراسمی شرکت کرده باشند، بازداشت شده‌اند.

شیراز: کارگر، روز بیکاریت مبارک!

به گزارش "نسب آنلاین"، در شیراز کارگران در ساعت ۱۰ صبح امروز به وقت ایران تجمعی اعتراضی برپا کردند. در این تجمع که در برابر استانداری فارس برگزار شد، نزدیک به پنجاه کارگر شرکت داشتند. در روی یکی از پلاکاردها که امضای کارگران اخراجی مجتمع صنعتی گوشت فارس پای آن بود، نوشته شده بود: "کارگر، روز بیکاریت مبارک! تا حق خود را نگیریم از پا نمی نشینیم".

یکی از کارگران اخراجی مجتمع صنعتی گوشت فارس به "نسب آنلاین" گفته است که این مجتمع صنعتی به دلیل خصوصی‌سازی تعطیل شده و نزدیک به ۱۲۰۰ کارگر از کار بیکار شده‌اند.

در تبریز خبری هست؟

خبرهایی مبنی بر تجمع صدها نفر از کارگران این شهر در برابر اداره کار تبریز منتشر شده است. یاشار حکاک‌پور، مسئول روابط عمومی انجمن دفاع از زندانیان سیاسی آذربایجانی در ایران، به دوپچه وله گفت که هر سال روز جهانی کارگر در کارخانه‌های تبریز برگزار می‌شد و با آنکه مراسم حکومتی بود، کارگران پس از مراسم با شعارهایی خواست‌های خود را مطرح می‌کردند.

به گفته این فعال مدنی، امسال کارفرماها، شوراهای اسلامی و خانه کارگر و نهادهای امنیتی با هم هماهنگی کرده و مراسم را به خارج از کارخانه‌ها کشاندند و سه جا را برای برگزاری مراسم تعیین کردند: اطراف اداره کار و در برابر خانه کارگر، در برابر راه‌آهن تبریز، که بیشتر کارگران تصمیم گرفتند در این مراسم شرکت نکنند.

حکاک‌پور با استناد به گفته اصناف در تبریز گفت که چنین تجمعی به این صورت که در برخی خبرها آمده، انجام نگرفته است. حکاک‌پور افزود که از طرف خانه کارگر، کارفرماها و شورای اسلامی کار مراسم دیگری به صورت کوهپیمایی عمومی در کوه "عیناله" خارج از تبریز ترتیب داده شده و کارگران با خود قرار گذاشته‌اند اگر بخواهند در مراسمی شرکت کنند، در این مراسم باشد.

در تبریز نیز از جمله کارخانه نساجی با ۱۲۰۰ کارگر بتازگی اعلام ورشکستگی کرده است

منبع: دوپچه وله

کیواندخت قهاری

تحریریه: داود خدابخش

داستان یک تجاوز به مناسبت روز معلم

بهاره ی مقامی معلم مدرسه ی کودکان که در جریان قیام اخیر مردم ایران توسط نیروهای حکومت در حین رفتن به مسجد قبا توسط پاسداران دستگیر می شود و سپس از سوی حسین طائب فرمانده ی وقت بسیج مورد تجاوز قرار گرفت، به مناسبت روز معلم شرحی از اتفاقاتی که در زمان دستگیری بر او گذشته، نوشته است.

به مناسبت روز معلم

در بلندای اندیشه و در اندیشه ای بلند بود که حافظ گفت آن یار کز او گشت سر دار بلند... جرمش این بود که اسرار هویدا می کرد. حال پس از گذشت صدها سال از این اوج به چنان حسی رسیدیم که رئیس دولتماند - که باید دولتمرد باشد - مخالفین را بزغاله می خواند و گویندگان اسرار را نه تنها بر سر دار سر بلند نمی کند، که در کنج سردابه ها و دخمه های ننگین حرص و هوس به داغی می آلود که دیگر سری برای بلند کردن باقی نمی ماند. سر می ماند، اما جان گویی که از درون جسم رخت بر بسته است. حالا برای سر بلند کردن عبور از دیوار های سترگ فرهنگی پوسیده و متعصب لازم است. از همه سوی پیام های هم وطنانم را می شنوم که می گویند بهار سر بلند کن، آری، از بیرون گود گفتنش آسان است... همین پیام های روح بخش بود اما که مرا به زندگی باز گرداند، زندگی قبلیم نه، یک زندگی جدید، با یک هدف جدید و برای فردایی جدید. نه تکرار وهم آلود قرنهای تبعیض و استبداد و سرکوب. جان اما دیگر برابرم آنقدرها عزیز نیست، می دانم آنقدر فریادم تکثیر شده است که خاموشی نمی پذیرد. در ماه هایی که گذشت بارها آرزوی مرگ کردم، جانم را هم اگر بگیرند به آرزویم رسانده اند، پس می گویم، می گویم چرا که من دیگر شکست ناپذیرم، تبدیل به صدایی شده ام که از هزاران حنجره فریاد می شود، هم میهنم، پروازم را به خاطر بسپار. از حسین می نویسم.

دقت کرده اید که در فیلمها و سریالهای جمهوری اسلامی نام شخصیت جنایتکار و قاچاقچی فیلم همیشه کامبیز است، یا کورش یا جمشید؟ و در مقابل شخصیت مثبت و نجات دهنده همیشه حسین است، یا علی، یا محمد، ترجیحاً ملقب به حاجی و سید؟ در سرگذشت من اما نقشها جابجا شده بود، حسین قصه ی غصه ی من، مرا به گور عشق و امید هدایت کرد. گویی دری از درهای جهنم باز شده بود و موجودی که انگار تجسم هر آنچه زشت و کریه است و منفور پا به جهان گذاشته بود. کوهی از نفرت و توحش که در لباس مردی روحانی به نماز ایستاده بود، و دقایقی پس از پایان نماز در بستر خونین دختری هراسان به تجاوز نشسته... نامش را نمی دانستم، عکسش را که در اینترنت دیدم او را شناختم، کابوس شبان و روزهایم را. صورت پوشیده از ریشش را و نفرین ابدی چشمهای هرزه اش را. عباى متعفن و خیس از عرق تابستانش را. حسین طائب را.

گفت دانشجوی کجایی؟ گفتم دانشجوی دانشگاه تربیت معلم بوده ام، حالا هم درسم تمام شده و کار می کنم، معلم. گفت به دستور کی به خیابان آمدی؟ لیدرت کی بوده؟ گفتم هیچ کس، لیدر نداشتم. پاسخ دست سنگینش بود که پشت سرم فرود آمد، صورتم خورد به میز مقابل و صدای دندانهایم را شنیدم که ریخت توی دهنم. خودش ماها را انتخاب کرده بود، من و هشت دختر دیگر را، از میان گروه ۳۰-۴۰ نفری بازداشت شدگان. نمی دانم بر چه اساسی انتخاب می کرد، هیچ کدام از ما فعال سیاسی نبودیم. ما را جدا کرد و برد به یک بند. گویا در زندان خیابان سنول در قرارگاه ثارالله بودیم، این را از روی شرح حال های دیگرانی که آنجا بوده اند می گویم، چون همه ی ما را وقتی گرفتند چشم بند زدند و با ماشین های سیاه رنگی بردند. همین را می دانم که در زیر زمین بودیم. بعد از حدود یک شبانه روز سرگردانی و بی خبری به بندمان آمد. آمد و یکی از ما را که دختر زیبا و مهربانی به اسم مهسا بود همراه برد. تا بحال شده پرنده کوچکی را در دست بگیرد و ببیند که قلبش چقدر تند می زند؟ قلب مهسا همان طور می طپید. فکر کردیم شاید می خواهند آزادش کنند، یا شاید خانواده اش آمده اند دنبالش، شاید وثیقه بگذارند و ببرندش. هیچ کس نمی دانست که چه سرنوشتی در انتظار است. یکی از دختران همینند که شوخ طبع و سرخوش بود سعی می کرد که جوک بگوید و بقیه را بخنداند و حال و هوا را کمی عوض کند. همه اما از بی خبری و انتظار در عذاب بودند. ناگهان صدای ضجه جگرخراش مهسا بلند شد. صدای فریاد او آنقدر جانسوز بود که همه ما را در جا میخکوب کرد. همه در سکوت و بهت و ناباوری به هم خیره شدند. رعب و وحشت بر تن همه مان سایه انداخته بود، دیگر کسی جوک نگفت، دیگر کسی نخندید، مهسا را دیگر ندیدم...

یادآوری این صحنه ها هنوز هم برای من سهمگین است، هنوز هم نگاه آخر او را به خاطر دارم، هنوز هم صدایش در گوشم می پیچد. با این حال در نهایت نا امید می نویسم مهسا جان، اگر هستی و این را می خوانی از خودت پیغامی بده. بگو که هستی، بگو که زنده ای.

حسین پس از اینکه بازجویی!! را تمام کرد مرا به دست دو زندانبان بی صبری که دم در مراقب بودند سپارد تا آنها هم به من تفهیم اتهام کنند و محاکمه و حکم، همه را یک جا برگزار کرده باشند. چه بودم برایشان؟ غنیمت جنگی؟! اما کدام جنگ؟ واجب القتل؟! اما به کدامین جرم؟ مفسد فی الارض؟! برای معلمی؟ خس و خاشاک؟! آری، من خسی بودم در چشم تنگ نظر و متعصب و ذهن متوحش و هرزه ی آنان...

دست در دست هم دهیم به مهر
میهن خویش را کنیم آباد
یار و غمخوار یکدگر باشیم
تا بمانیم خرم و آزاد

شعری ساده و کودکانه، که شاید باید بیشتر بخوانیمش.

یک سال پیش در چنین روزی وارد کلاس درس که شدم بوی گل به استقبال آمد. نوجوان کوچکم را دیدم که هر یک شاخه گلی در دست داشتند و لیخندی به لب. در یک لحظه عالمی را سیر کردم، آینده ی این ۳۲ غنچه ی زیبا را دیدم که هر کدام برای خودشان دختر خانمی شده اند و شاهدهی یا مادری یا مدیری. در همه وجودم لیخند شکفت و شادی غنچه کرد. این دومین سالی بود که روز معلم را به عنوان یک معلم تجربه می کردم، و امسال سومین سال است... امسال اما کلاس خالیست، از لیخند و غنچه و شکوفه خیری نیست. از خوابی شیرین برخاسته ام انگار، گلستان ایرانم را می بینم که از سیاهی، به لجنزاری مانند است، ابرهای تباهی را می بینم که جلوی نور مهرآمیز خورشید ایرانم را گرفته اند و به شهود و ادراک و آزادی اجازه عرض اندام نمی دهند... آری این دیار سخت به آموزگاران نیازمند است، چرا که در نور معرفت است که لجنزار رنگ می بازد و بهار شکوفه می کند.

بهاره مقامی

۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۹
منبع: اخبار روز

اول مه ۸۹، یک گزارش

به نوشته خودنویس در تاریخ ۱۲ اردیبهشت آمده است: فضای امنیتی شهر تهران در مناطقی که والیان امنیت انتظار تجمع و درگیری می دادند، می تواند نشان دهنده نگرانی های دستگاه های انتظامی و امنیتی از شورش کارگرانی باشد که در سال های اخیر فشار روزافزونی را تحمل کرده اند. گزارش سیاوش شهبانی از نقاط مختلف تهران آنجا جالب می شود که در کنار ماموران نیروی انتظامی شاهد گله مندی ایشان از وضعیت کارشان و عدم افزایش دستمزدهایشان بوده است.

امسال مراسم روز جهانی کارگر، تحت تدابیر دید امنیتی برگزار شد. در تهران علاوه بر لشکرکشی رژیم و اعمال یک حکومت نظامی آشکار، باز هم مردم و کارگران اعتراض خود را به وضعیت موجود اعلام کردند. کارگران شرکت واحد و رانندگان تاکسی، صبح روز ۱۱ اردیبهشت برای مدتی دست به اعتصاب زدند و از سوار کردن مسافری امتناع کردند. در همین حین، از ساعات اولیه صبح، نیروهای انتظامی، میدان انقلاب را به تصرف خود در آورده و هر تحرکی را زیر نظر داشتند. از سرباز صفر گرفته تا سرهنگ تمام، حضور عوامل نیروی انتظامی بسیار پررنگ بود. تقریباً ۳۰ دستگاه ون و الگانس قابل شمارش بود. هنگامی که باران می بارید، در قسمت شمالی میدان انقلاب، در کنار ساختمان بانک رفاه پناه گرفتم تا خیس نشوم، همانجا تعدادی از ماموران نیروی انتظامی حضور داشتند و با هم گفتگو می کردند. بحثی که میان ماموران نیروی انتظامی بود، در نوع خودش نیز جالب بود. آنها نیز، از گرانی، اضافه کاری و عدم افزایش حقوق ها گله مند بودند!

کمی آن سوتر، حد فاصل وزارت کار تا خیابان جیحون نیز تحت نظر شدید نیروهای انتظامی بود. یک اتوبوس گارد ویژه در حیاط پشتی وزارت کار قابل مشاهده بود. اینها بعداً، حوالی ساعت ۴ بعد از ظهر به بعد، به سربازان نیروی انتظامی که در مقابل درب ورودی وزارت کار ایستاده بودند، پیوستند. حضور پررنگ عوامل وزارت اطلاعات با حلیقه های سیاه رنگی که بر تن داشتند نیز مشاهده می شد. در حالت عادی، در کنار هر گروهان نیروی انتظامی، یک نفر مامور لباس شخصی نیز حضور داشت. موتور سواران نیز در قسمتی از میدان انقلاب، و نیز تقاطع شادمان کنترل مسیر را در اختیار داشتند و در مواقعی، در خطوط بی آر تی، مسیر میدان انقلاب را می پیمودند. همچنین چندین دستگاه خودروهای مخصوص یگان های ویژه نیز در حیاط مرکزی پلیس راهنمایی و رانندگی تهران مستقر شده بودند. روبروی این مرکز نیز، انبوهی از ماموران لباس شخصی حضور داشتند.

حوالی ساعت ۴، خبر رسید که درگیری در خیابان نواب آغاز شده است. عده ای از کارگران که به سمت خیابان آزادی حرکت می کردند، با هجوم انبوهی از ماموران و لباس شخصی ها، با باتوم و میل گرد مورد ضرب و شتم قرار گرفته بودند. شلیک گاز اشک آور نیز گزارش شده بود. محدوده ایستگاه دانشگاه شریف تا میدان انقلاب را مجدداً با اتوبوس بی آر تی طی کردم. حضور جوانان در قالب گروه های ۳ تا ۴ نفره بسیار جالب بود. بحث روز کارگر در اتوبوس داغ بود و مشخص بود که همه منتظر آغاز مراسم هستند. ایستگاه های خطوط بی آر تی نیز شاهد حضور بی سابقه جمعیت در این ساعتها بود. کار به

جایی رسید که علاوه بر اتوبوس‌های خط بی آر تی، از اتوبوس‌های عادی نیز برای حمل و نقل مسافری استفاده شد.

در میدان انقلاب چند نفر توسط ماموران دستگیر شده بودند که در مقابل کانکس نیروی انتظامی با دست بند نگه شان داشته بودند. همین مسیر را به سمت وزارت کار دوباره برگشتم. همچنان به نیروهای انتظامی افزوده میشد و تلاش فراوانی نیز برای متفرق کردن مردم صورت می‌گرفت. چند جوان درست روبروی وزارت کار در آن سوی خیابان، اقدام به شعار دادن کردند که ماموران برای دستگیری‌شان اقدام کردند اما آنها توانستند فرار کنند. به سمت میدان آزادی رفتم. آنجا هم به سمت آریا شهر حضور ماموران بسیار چشمگیر بود. روبروی ایستگاه اتوبوس در ابتدای خیابان انقلاب نیز ون‌هایی پر از نیروهای لباس شخصی مشهود بود. مجدداً به سمت میدان انقلاب برگشتم. همچنان حضور نیروهای انتظامی پر رنگ بود. امکان برگزاری مراسم تقریباً دیگر وجود نداشت. از میزان جمعیت هم کم شده بود. به سمت بلوار کشاورز رفتم که در آنجا متوجه شدم کارگران در مقابل وزارت کشور راهپیمایی کوتاهی داشتند.

تجمع خانواده های اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران در مقابل ستاد خبری وزارت اطلاعات در سنندج

فردا خانواده های کارگران بازداشتی و خانواده های کارگری در سنندج دست به تجمع گسترده تری خواهند

بنا بر خبرهای دریافتی توسط واحد خبری اتحادیه آزاد کارگران ایران از صبح امروز ۱۲ اردیبهشت ماه ۸۹ خانواده های صدیق کریمی از اعضای هیئت مدیره اتحادیه، فایق کیخسروی عضو فعال اتحادیه در سنندج و فواد شبکه فرد با همراهی جمعی از خانواده های کارگران عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران و دیگر فعالین کارگری با تجمع در مقابل ستاد خبری وزارت اطلاعات در سنندج خواهان آزادی صدیق کریمی، فواد کیخسروی و فواد شبکه فرد از زندان شدند .

لازم به یاد آوریست فواد شبکه فرد یکی از کارگرانی است که قبل از تجمع و راهپیمایی کارگران سنندج به مناسبت اول ماه مه در خیابان نمکی ، به همراه تعدادی پلاکارد به مناسبت این روز توسط مامورین امنیتی دستگیر شد .

بنا بر این گزارش بدنبال این تجمع مامورین وزارت اطلاعات برادر فایق کیخسروی، (حیدر کیخسروی) را به درون ساختمان ستاد خبری وزارت اطلاعات در سنندج دعوت کردند که پس از این دعوت و ورود حیدر به ساختمان این ستاد، نامبرده با سر و صورتی کبود و ورم کرده از این ستاد خارج شد که این امر خشم و انزجار خانواده های تجمع کننده را برانگیخت و خواهران فواد کیخسروی به همراه تجمع کنندگان با سر دادن شعار و ابراز خشم از وضعیت پیش آمده، مقابل ستاد خبری وزارت اطلاعات در بلوار شبلی را به صحنه اعتراضی تبدیل کردند. بدنبال این وضعیت بلافاصله ۶ دستگاه ماشین نیروی انتظامی در مقابل ستاد خبری وزارت اطلاعات در سنندج حاضر شده و سعی در آرام کردن جمعیت از طریق تهدید و کردند .

بنا بر این گزارش در ادامه این اعتراضات از سوی خانواده های کارگران زندانی و اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران و دیگر فعالین کارگری در مقابل ستاد خبری وزارت اطلاعات در سنندج، نهایتاً مامورین این ستاد به خانواده ها قول دادند امروز ۱۲ اردیبهشت ماه این سه زندانی را به دادگاه جهت تعیین تکلیف اعزام خواهند کرد. بنا بر آخرین اخبار دریافتی توسط اتحادیه آزاد کارگران ایران، خانواده های این زندانیان در معیت سایر خانواده های اعضای اتحادیه در سنندج به مقابل دادگاه انقلاب مراجعه کردند اما ستاد خبری وزارت اطلاعات در سنندج فقط فواد شبکه فرد را به دادگاه اعزام کرده بود و از اعزام دو زندانی دیگر خبری نشد. بر اساس این گزارش فواد شبکه فرد نیز پس از اعزام به دادگاه بار دیگر به ستاد خبری وزارت اطلاعات در سنندج بر گردانده شد. همچنین امروز حدود ساعت ۱۱ صبح سعید کریمی از اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران و کارگر اخراجی فرش غرب بافت سنندج به ستاد خبری وزارت اطلاعات احضار و مورد بازجویی قرار گرفت .

خانواده های سه کارگر زندانی در ستاد خبری وزارت اطلاعات در سنندج به همراه دیگر خانواده های اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران اعلام کرده اند از فردا صبح دست به تجمع گسترده تری در مقابل ستاد خبری وزارت اطلاعات در شهر سنندج خواهند زد .

بنا بر اخبار رسیده به واحد خبر اتحادیه آزاد کارگران ایران در دو روز گذشته و امروز مامورین وزارت اطلاعات طی تماسهای تلفنی با اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران در برخی نقاط کشور، ضمن وارد کردن اتهامات واهی بر آنان با تاکید بیشتری نسبت به سالهای گذشته اعلام کرده اند این اتحادیه باید به فعالیتهای خود پایان دهد و خود را منحل اعلام نماید .

اتحادیه آزاد کارگران ایران با محکوم کردن انتساب اتهامات واهی به اعضای این اتحادیه در سراسر کشور، بدینوسیله اعلام میدارد برگزاری مراسم اول ماه، تجمع و راهپیمایی های اعتراضی حق مسلم کارگران و عموم توده های مردم ایران است و انحلال و تداوم فعالیتهای این اتحادیه فقط متکی به اراده جمعی اعضای این اتحادیه در مجمع عمومی آن است و لاغیر .

اتحادیه آزاد کارگران ایران همچنین خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط صدیق کریمی، فواد کیخسروی، فواد شبکه فرد و دیگر رهبران کارگری در بند از زندان است و مسئولیت جانی کارگران بازداشتی در سنندج و تبعات ناشی از اعتراضات کارگری در این شهر در اعتراض به بازداشت اعضای این اتحادیه را بطور مستقیم متوجه

مسئولین امنیتی و بالاترین مقامات قوه قضائیه دولت جمهوری اسلامی میدانند و همینجا کارگران شهر سنندج و خانواده های آنان را به اعتراضات گسترده تر نسبت به بازداشت صدیق کریمی، فواد کیخسروی و فواد شبکه فرد فرا میخواند .

تجمع کارگران ریخته گری در مقابل اداره کار

بر اساس گزارش رسیده روز یکشنبه مورخ 1389/2/12 تعداد 20 نفر از کارگران کارگاه ریخته گری واقع در شهرک ننه شهر سنندج، در مقابل اداره کار، از ساعت 9الی11 صبح تجمع و نسبت به تعطیلی این واحد صنعتی و بیکاری خود اعتراض کردند. ضمناً نماینده این کارگران با رئیس اداره کار مذاکره و هیچ جواب قانع کننده ای دریافت نکرد. قرار بود صاحب کارگاه نیز در این جلسه حضور داشته باشد اما نیامده بود.

لازم به ذکر است که این واحد صنعتی در تاریخ 1389/2/1 اعلام ورشکستگی نمود، این در حالیست که کارگران هر کدام دارای 10الی 20 سال سابقه کار و بصورت استخدام رسمی بوده اند.

«توضیح» مدیرعامل شرکت واحد در باره علت پایان دادن به خدمت نخستین زن راننده شرکت واحد

به نوشته خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 12 اردیبهشت آمده است : توضیحات شرکت واحد پیرامون يك خبر در پی انتشار خبری با عنوان نخستین زن راننده شرکت واحد حکم اخراج گرفت که در تاریخ 89/1/29 بر روی تارنمای خبرگزاری کار ایران قرار گرفت؛ شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه جوابیه ای را به دفتر این خبرگزاری ارسال کرد.

در پی انتشار خبری با عنوان نخستین زن راننده شرکت واحد حکم اخراج گرفت که در تاریخ 89/1/29 بر روی تارنمای خبرگزاری کار ایران قرار گرفت؛ شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه جوابیه ای را به دفتر این خبرگزاری ارسال کرد.

به گزارش ایلنا، متن این جوابیه که به امضای حسین بیژنی، مدیرعامل شرکت واحد تهران رسیده به شرح ذیل است:

احتراماً با عنایت به خبر منتشره درسایت آن خبرگزاری به تاریخ 89/1/29 تحت عنوان (نخستین زن راننده حکم اخراج گرفت) به اطلاع می‌رسد: در پی سیاستگذاری شرکت واحد مبنی بر بکارگیری رانندگان خانم در خط يك سامانه اتوبوس‌های تندرو، خانم فرحناز شیری با درخواست شخصی از تاریخ 86/6/21 و با امضای قرارداد يك ساله در شرکت واحد مشغول به خدمت شدند که با توجه به نحوه خدمتی قراردادایشان از تاریخ شروع طی دو مرحله طبق روال اداری تا تاریخ 88/1/20 تمدید گردید.

از آنجایی که صدور حکم ثابت برای استخدام کارکنان، مستلزم حصول اطمینان کامل از جمیع جهات (رفتار، انضباط، رعایت شئون اسلامی و اداری و...) و طی يك پروسه زمانی مناسب می‌باشد و با عنایت به اینکه پرونده نامبرده تحت بررسی بوده و امکان صدور حکم ثابت وجود نداشته است از ایشان برای تمدید قرارداد به مدت 6 ماه دیگر دعوت به عمل آمد که از آن امتناع ورزیدند با این وجود آن قرارداد تمدید شده تلقی و ایشان به فعالیت کاری خود ادامه دادند و در پایان مدت قرارداد در تاریخ 88/12/20 به استناد موازین قانونی و به طور يك طرفه، رابطه کاری نامبرده با این شرکت خاتمه یافت.

ضمناً در حال حاضر تعداد کثیری از بانوان شاغل در شرکت واحد استخدام رسمی می‌باشند و قطع رابطه کاری فرد مذکور به منزله اخراج از شرکت واحد نبوده و صرفاً به دلیل عدم تمایل ایشان جهت اشتغال با توجه به ضوابط جاری می‌باشد.

بانگ الله اکبر بر بام خانه های تهران در آخرین ساعات روز کارگر

به نوشته سایت آژانس ایران خبر در تاریخ 12 اردیبهشت آمده است : در آخرین ساعاتی روز کارگر در تهران ، مردم به روی پشت بامها رفتند و بانگ «الله اکبر» و «مرگ پر خامنه ای» سردادند . به طور خاص در این ساعت از میدان توپخانه، تهران نو، بهارستان، آزادی، اکباتان بانگ الله اکبر بلند بود .

تنها جرم ابوالفضل روزنامه نگاری و کمک به سندیکاهای کارگری است

رها نا : ابوالفضل عابدینی نصر ، متولد مهر ماه ۱۳۶۱ است. او یکی از چندین روزنامه نگار و فعال حقوق بشری است که هم اکنون در زندان به سر می برد. وی چندین بار در سالهای اخیر بازداشت شده است. آخرین بار در اسفندماه سال گذشته و طی بازداشت های گسترده فعالین حقوق بشر، در منزل پدری اش در رامهرمز خوزستان دستگیر و از آنجا به زندان اوین منتقل شد. ابوالفضل اخیراً از طرف شعبه یک دادگاه انقلاب اهواز به یازده سال حبس تعزیری محکوم شده که از احکام سنگین صادر شده برای فعالین حقوق بشر است. مادر وی که بعد از چندماه بی خبری از وضعیت ابوالفضل سرانجام موفق به دیدار با وی شد پس از بازگشت از زندان با ارایه نامه ای به دفتر دادستانی تهران با تاکید بر بی گناهی فرزندش، خواستار آزادی ابوالفضل شد.

مهراب عابدینی برادر ابوالفضل در گفتگویی با سایت «تا آزادی روزنامه نگاران» ضمن تشکر از زحمات دکتر اولیایی فر، وکیل ابوالفضل به سوالاتی درباره وضعیت پرونده برادر خود پاسخ داده است:

آقای عابدینی نصر در مورد آخرین وضعیت برادران بگویند؟

ابوالفضل پس از تحمل بیش از ۵۰ روز انفرادی، ششم اردیبهشت ماه به سلول چند نفره منتقل شد. دیروز، هشتم اردیبهشت ماه برای اولین بار با مادر ملاقات حضوری کوتاهی داشت. متأسفانه سایر اعضای خانواده اجازه ملاقات با ابوالفضل را به دست نیاوردند.

روحیه ابوالفضل در اولین دیدارش چگونه بود؟

مادر روحیه ابوالفضل را خوب و امیدوارکننده ذکر کرد. به گفته او ابوالفضل امیدوار بود بعد از پایان دوماه قرار بازداشت به جمع خانواده و دوستانش بازگردد.

برادر شما تا کنون چند بار بازداشت شده است؟

وی در مدت ۶ سال فعالیت مطبوعاتی و حقوق بشری خود مجموعاً ۴ بار بازداشت کوتاه مدت هفتگی و ۵ بار هم به صورت بلند مدت بازداشت شده است. بعد از انتخابات خرداد ماه سال گذشته در مردادماه سال ۸۸ نیز به دستور دادگاه انقلاب اهواز دستگیر و در آبان ماه با قرار وثیقه ۳۰ میلیون تومانی آزاد شد.

گویا ابوالفضل در منزل پدری خود هنگامی که با حکم دادگاه انقلاب اهواز آزاد شده بود، مجدداً بازداشت شد.

بله. قرار وثیقه تا صدور و اجرای رای دادگاه بود. اما ابوالفضل در دوازدهم اسفندماه ۸۸ در منزل پدری خود در رامهرمز خوزستان بنا بر حکم دادستانی تهران و به همان اتهاماتی که در دادگاه انقلاب اهواز داشت دستگیر و در تاریخ ۱۴ اسفندماه به زندان اوین در تهران منتقل شد. ابوالفضل با اتهامات کاملاً مشابه در دادگاه انقلاب اهواز و دادستانی تهران پرونده دارد.

آیا دادگاه بدوی رای خود را در زمینه پرونده صادر کرده است؟

در مدتی که ابوالفضل با اتهامات مشابه و به درخواست دادستانی تهران در اوین به سر می برد، ۲۲ اسفندماه حکم صادره از دادگاه انقلاب اهواز به وکیل وی، دکتر اولیایی فر ابلاغ شد. براساس این حکم وی به ۱۱ سال حبس تعزیری محکوم شد.

این احکام شامل چه مواردی است؟

این حکم شامل پنج سال حبس به دلیل ارتباط با دول متخاصم، پنج سال به دلیل فعالیت در بخش حقوق بشر و ارتباط با حزب پان ایرانیسم و یکسال هم به جرم اقدام علیه امنیت ملی و انجام مصاحبه های مطبوعاتی .

آیا اسنادی هم که جرایم وی را تایید می کنند به دادگاه ارائه شده است؟

خیر. برای نمونه یکی از جرم های ابوالفضل ارتباط با دول متخاصم است اما او هیچ ارتباطی با هیچ کشور خارجی نداشته است. در پرونده وی هم هیچ سند و مدرکی که دال بر این اتهام باشد وجود ندارد. ولی به ۵ سال حبس به دلیل ارتباط با دول بیگانه محکوم شده است.

شما فکر می کنید علت واقعی بازداشت ابوالفضل چه چیزی بوده است؟

تنها جرم ابوالفضل روزنامه نگار بودن و حمایت از سندیکاهای کارگری شرکت واحد و سندیکای کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه خوزستان است. وی تلاش های فراوانی برای دستیابی این سندیکاها به حقوق حقه خود کرده است.

آیا اعتراضی هم به حکم دادگاه بدوی کرده اید؟

درخواست تجدیدنظر توسط وکیل ابوالفضل به همان شعبه ای که رای اولیه در آن صادر شده ارائه شده است. فعلاً این درخواست مراحل اداری خود را طی می کند و منتظر هستیم شعبه دادگاه تجدیدنظر مشخص شود تا لایحه اصلی دفاعیه را ارائه کنیم. هم ما و هم وکیل ابوالفضل امیداریم این رای شکسته شده و وی هر چه سریع تر آزاد شود.

چرا امیدوار هستید که ابوالفضل سریع تر آزاد شود؟

برای این که اتهامات وارده به وی فاقد سند و مدرک معتبر است. به اعتقاد من تنها گناه ابوالفضل میهن پرستی، حس انسان دوستی، کمک به احقاق حقوق انسانی و انتشار اخبار فعالیت های صنفی کارگران بوده است. بنابراین امیدوارم با عدم وجود اسناد کافی در پرونده برای صدور حکم بدوی، این حکم در دادگاه شکسته شود. پایان پیام

بازداشت شماری از معلمان در روز معلم

فعالان معلمان از ایران در تاریخ 13 اردیبهشت گزارش می دهند : شماری از معلمان و فرهنگیان که امروز قصد داشتند به مناسب روز معلم در مزار "دکتر ابوالحسن خانعلی" گرد آیند از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

بنا به همین گزارش صبح امروز برخی از معلمان و فرهنگیان که قصد بزرگداشت روز معلم را داشتند از سوی نیروهای اطلاعاتی و امنیتی در این بابویه و بر سر مزار " دکتر ابوالحسن خانعلی"، بازداشت شدند.

تا کنون از بازداشت محمد تقی فلاحي، ایرج جوادي، فرقاني، محمدی، رئیس زاده، خانم باد پر، زینال زاده، سوری، شیروانی، ایمان زاده، منتجبی اطمینان حاصل شده و از اسامی سایر بازداشت شدگان و تعداد آنها

اطلاعی در دست نیست.

لازم به یادآوریست کانون صنفی معلمان به دلیل صدور فراخوان برای بزرگداشت روز معلم از سوی وزارت اطلاعات تحت فشار قرار گرفته و در هفته گذشته دست کم 8 تن از معلمان در شهرهای مختلف بازداشت شدند.

اسانلوی کارگر هنوز در زندان است و فرزند معلم هنوز زیر حکم اعدام .

خبرها بنگران کننده دریافتی از ایران به تاریخ 13 اردیبهشت آمده است : اسانلو و کارگران بسیاری در زندانند . خانواده اسانلو و کارگران بسیاری در فقرند . کارگران بسیاری اخراج شده اند و یا در معرض بیکاریند .

فرزاد کمانگر و عبدالرضا قنبری ، معلمینی هستند که زیر حکم اعدامند . آدم نکشته اند ، دزدی و هیزی نکرده اند ، آزاد اندیشیده اند و آزاد بیان کرده اند . جرم این است . خانواده فرزاد و رضا زیر فشارند . مادر فرزاد کفن بر تن دارد در آزادی خواهی فرزندش . معلمان دیگری در بندند و در انتظار حکم و معلمان دیگر هم زیر نیمی از خط فقر . به اندازه نصف خط فقر هم حقوق ندارند .

روزهای کارگر و معلم آمد و رفت . حضوری بود و ترس حکومت و بیانیه هایی و اعتراضهایی . اما هیچ چیز تمام نشده است . تازه اول راه است . یادمان نرود که هر روز ، روز کارگر است ، روز معلم است . روز سایر ایرانیان در فشار حکومت نایب امام زمان است . یادمان نرود .

دستگیری بیست و چهار نفر از زنان در روز جهانی کارگر در میدان انقلاب و آزادی

به گزارش خبرنگار آژانس ایران خبر در تاریخ 13 اردیبهشت آمده است : بیست و چهار نفر از زنان آزاده میهن که در روز جهانی کارگر در میدان انقلاب و آزادی دستگیر شده بودند ، صبح روز یکشنبه از ورزرا به زندان اوین منتقل شدند ، خانواده های آنها از ساعت 11 صبح مقابل اوین تجمع کرده بودند و خواهان آزادی عزیزانشان بودند ، ساعت 1300 یکی از بازداشت شدگان به نام مریم توکلی آزاد شد .

نرخ بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی بیشتر است

به نوشته خبرنگاری ایلنا در تاریخ 13 اردیبهشت آمده است : نماینده خمین در مجلس شورای اسلامی گفت : این شهر از بالاترین نرخ بیکاری در استان مرکزی برخوردار است . محمدحسین مقیمی در گفت و گو با خبرنگار ایلنا افزود : در هر خانه ای که می رویم 2 ، 3 نفر بیکار دارد و جالب است که فارغ التحصیلان دانشگاهی بیکاری اشان بیشتر از سایرین است . رییس کمیسیون عمران مجلس با بیان اینکه بعد از انقلاب در خمین سرمایه گذاری نشده است ، تصریح کرد : با وعده و وعید نمی توان به درددل مردم رسیدگی کرد . مقیمی تصریح کرد : از سال 1384 مدیران وقت سایپا قول ایجاد سایت های تولید خودرو را در خمین داده اند که هنوز عملی نشده است . وی افزود : به نظر می رسد مدیرعامل فعلی سایپا قصد دارد این وعده را عملی کند . مقیمی با بیان اینکه نرخ های بیکاری اعلام شده را قبول ندارد ، اظهار داشت : می گویند نرخ بیکاری خمین 13 درصد است اما به نظر من نرخ بیکاری این شهرستان بیشتر از این حرفهاست .

اخراج 120 کارگر شرکت مخابرات گلستان / دردمان از بی پولی است

به گزارش خبرنگار مهر در گرگان ، در حالیکه منابع مردمی از اخراج این تعداد کارگران خبر می دهند ولی تاکنون مسئولان اداره کل کار و امور اجتماعی گلستان از بیکار شدن این تعداد نیروی کار در استان اظهار بی اطلاعی کرده اند و معتقدند کارگران اخراج شده برای پیگیری موضوع به این اداره کل اطلاع رسانی کنند . اخراج نیروهای کارگر وابسته به شرکت مخابرات گلستان تنها گوشه ای از وضعیت بغرنج و نامطلوب جامعه کارگری در استان است و هر روز بر شمار کارگران اخراج شده و کارخانجات دارای مشکل استان افزوده می شوند . وضعیت نامناسب کارگران "نئوپان شמושک" کردکوی و کارگران معدن آزادشهر از دیگر نمونه هایی است که یاس و ناامیدی را در قشر کارگر استان افزایش داده است .

پرداخت نشدن حقوق ، عیدی و پاداش ، سنوات ، قراردادهای سفید امضاء ، سپردن سفته و وثیقه برای ضمانت کار ، بیمه نبودن ، حمایت نشدن و .. گوشه ای مشکلات جامعه کارگری استان گلستان است . در عین حال جمعی از کارگران شرکت نئوپان کردکوی با بیان اینکه چندماه حقوق و مزایا دریافت نکرده اند از مسئولان خواستند تا پاسخ دهند که اگر آنها چند ماه حقوق نگیرند ، زندگیشان با چه وضعیتی روبرو خواهد شد .

برخی از این کارگران به دلیل نبود امنیت شغلی و ترس از اخراج از سوی کارفرمایان خواستند نامشان در گزارش درج نشود.
 یک کارگر شرکت نئوپان شموشک کردکوی گفت: حدود 16 ماه است که حقوق نگرفتیم و مسئولان استان نیز در جریان هستند و تاکنون به حق و حقوق خود نرسیدیم
 وی افزود: کارفرما، کارگران را مجبور به امضای قرارداد سفید می کند تا اگر کارگری اخراج شد نتواند از نظر حقوقی پیگیری لازم داشته باشد و به حق و حقوق دست یابد.
 وی اظهار داشت: طبق قانون قرارداد کارگران باید در چهار نسخه تنظیم و به نهادهای مختلف از جمله اداره کار، بیمه و .. ارسال شود و نسخه ای نیز در اختیار کارگران باشد ولی کارگران از مفاد این قرارداد بی خبرند و نسخه ای از قرارداد به ما داده نشد.
 کارگر دیگری با چشمان اشکبار ادامه داد: شش ماه اجاره منزل به تاخیر افتاد و برای گذران زندگی از تمام دوستان و اقوام پول قرض کرده ام و به همه بدهکارم.
 کارگر دیگری اظهار داشت: شش سال است از عیدی، پاداش، سنوات و ... خبری نیست، مسئولان به داد ما برسند و وعده های حمایت از کارگران را عملی کنند.
 وی خاطرنشان کرد: وضعیت کارخانه ما نامناسب است و مسئولان شرکت پاسخگوی کارگران نیستند و نمی دانم درمان را به کدام ارگان و مسئول بازگو کنیم.
 این کارگر تاکید کرد: مسئولان به جای برگزاری جلسات و دادن شعارهای حمایت از این قشر، حمایت اصولی داشته باشند و برای رفع مشکلات جامعه کارگری اقدام عاجل کنند.

خرید هدیه روز معلم با قرض گرفتن پول از همکاران

کارگر دیگری گفت: فرزند خردسالم از من خواست به مناسبت روز معلم، هدیه ای تهیه کنم تا به معلمش بدهد، در حالیکه نمی داند، پدرش پول کرایه رفت و برگشت به محل کار را از دوستانش قرض می گیرد .
 وی عنوان کرد: کار می کنیم تا مخارج زندگیمان را تامین کنیم و اکنون از اینکه نمی توانم ابتدایی ترین خواسته خانواده ام را تامین کنم باید شرمندۀ آنان باشیم.
 عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی با تأیید مشکلات کارگران شرکت نئوپان شموشک گفت:
 کارگران این شرکت دارای مشکلات جدی هستند و چند ماه حقوق و مزایای آنها پرداخت نشده است .
 منصوری افزود: تاکنون سعی شد جلساتی با مدیران شرکت برگزار شود که در چند جلسه نماینده سوم شرکت حضور یافت و باید برای رفع مشکلات این کارگران برنامه ریزی شود .
 وی عنوان کرد: کارگران معدن آزادشهر نیز چندماه حقوق نگرفته اند و مسائل جامعه کارگری باید از سوی متولیان امر بررسی ویژه شود .
 مدیرکل کار و امور اجتماعی گلستان نیز در نشست بررسی مشکلات جامعه کارگری افزود: شرکت نئوپان شموشک حدود 14 ماه تعطیل بوده و از زمان شروع به کار مجدد سه ماه است که حقوق کارگران پرداخت شده است .
 رحمت الله نوری افزود: تاکنون نشستهای مختلفی با ورثه مهندس درویش و مالکان شرکت برگزار شده و اقداماتی برای رفع مشکلات کارگران این شرکت صورت گرفته است.
 وی اظهار داشت: مشکل اصلی این شرکت این است که هیئت مدیره ندارد و بین وراثت اختلاف وجود دارد و قرار است هیئت مدیره جدید تشکیل شود.
 وی عنوان کرد: اساسنامه معدن آزادشهر نیز مشکل دارد و باید اصلاح شود و کارگران این شرکت نیز حدود 9 ماه است حقوق دریافت نکرده اند .
 به گفته نوری، اعتبار برای پرداخت معوقات کارگران شرکت نئوپان شوشک و معدن آزادشهر در بانک ملی موجود است و در صورت رفع مسائل حقوقی مشکلات رفع می شود.
 مدیرکل کار و امور اجتماعی گلستان گفت: در سال جاری باید بیش از یک میلیون و 100 هزار شغل در کشور ایجاد شود که سهم استان از این میزان، 187 هزار شغل است.
 داداشی یک مسئول در اداره کل کار و امور اجتماعی گلستان در پاسخ به اخراج 120 کارگر شرکت مخابرات گلستان در سال جاری افزود: از این قضیه اطلاعی ندارم و در صورت صحت، کارگران اخراج شده برای بررسی بیشتر به این اداره کل مراجعه کنند .
 روند اخراج نیروهای کارگری در شرکت های گلستان در حالیست که این استان بر اساس ارزیابیهای دولت دهم در زمینه بیکاری در کشور سکاندار و جزء استانهای 29 و 30 است و تداوم اخراج کارگران، موجب برتری استان در این بخش می شود.

سقوط یک کارگر از ساختمان

بر اساس گزارش رسیده روز جمعه مورخ 1389/2/10 یک کارگر ساختمانی، با نام فواد از طبقه سوم ساختمانی واقع در شهرک 5 آذر سهندج سقوط و بشدت آسیب دید. خوشبختانه وی از مرگ حتمی نجات یافته و اکنون از وضعیت جسمانی نسبتاً خوبی برخوردار است.

برگزاری مراسم روز معلم در کوه آبیدر سنندج

به نوشته سایت آژانس خبری موکریان/سرویس اجتماعی در 13 اردیبهشت آمده است : در پی فراخوان انجمن صنفی معلمان کردستان مبنی بر صعود به کوه آبیدر بمناسبت روز معلم ، جمع کثیری از فرهنگیان و معلمان شاغل و بازنشسته سنندجی با حضور بهنگام در برابر موزه حیات وحش صعود خود را آغاز کردند. فرهنگیان پس از رسیدن به کانی شفا (یکی از چشمه های آبیدر) با نصب پلاکارد حضور خود را اعلام و مراسم را آغاز کردند. ابتدا بها ملکی ، گزارشی سالانه از فعالیت انجمن ارائه داد که از سوی فرهنگیان حاضر در مراسم مورد استقبال قرار گرفت سپس پیمان نودینیان به تبیین نظرات و دیدگاه انجمن صنفی درباره بیانیه شورای هماهنگی پرداخت و حمایت انجمن صنفی را از این بیانیه اعلام نمود. در خاتمه مراسم با قرائت بیانیه اختصاصی انجمن صنفی معلمان کردستان و پذیرایی و توزیع بیانیه پایان یافت. گفتنی است حضور زنان فرهنگی در این صعود و مراسم ، چشمگیر و حائز اهمیت بود .

گزارش تکمیلی از روز جهانی کارگر در شهر سقز

به نوشته سایت آژانس ایران خبر در 13 اردیبهشت آمده است : یک بار دیگر کارگران شهر سقز در برابر چشم هزاران نفر از نیروهای انتظامی و لباس شخصی در خیابانهای شهر در روز جهانی کارگر اقدام به راهپیمایی کردند. مسئولان استانی و شهرستانی از تاریخ 89/1/25 اقدام به تهدید کارگران و فعالان کارگری کرده بودند و فرماندار شهر نیز در سخنانی اظهار کرده بود که "تا من فرماندار این شهر باشم به هیچ کارگری اجازه نخواهم داد که بجز مراسم های دولتی هیچ مراسمی دیگری برگزار کنند و... " با توجه به سخنان فرماندار نیروهای انتظامی و لباس شخصی در کوچه و خیابانهای شهر مستقر شدند تا قدرت خود را به کارگران نشان دهند. صبح روز شنبه مورخ 89/2/11 چند نفر از ماموران حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی به محل کار محمود صالحی و محمد عبدی پور دو تن از فعالین و چهره های سرشناس جنبش کارگری رفته و از آنان می خواهند تا خودشان را به نیروهای اطلاعاتی معرفی کنند. ساعت 11 صبح این دو فعال کارگری به مرکز نیروهای انتظامی واقع در میدان یادبود رفته و در آنجا به آنان ابلاغ می شود که به دستور دادستان، بازداشت هستند و این حکم تا ساعت 8 شب می باشد. لازم به ذکر است که این برخورد مورد اعتراض محمود صالحی و محمد عبدی پور قرار گرفته و از طرفی دیگر مردم نیز با فرستادن اس ام اس نیروهای دولتی را تهدید کردند که اگر آن دو فعال کارگری را آزاد نکنند روز کارگر را جلو اداره اماکن برگزار خواهند کرد. در اثر فشارهای وارده، محمود صالحی و محمد عبدی پور هر دو ساعت 3 بعد از ظهر آزاد شدند. کارگران عزم خود را جزم کردند و تصمیم به برگزاری مراسم گرفتند، به همین منظور ساعت 7 بعد از ظهر به میدان عقاب شهر سقز رفتند که با صدها نفر از ماموران دولت مواجه شدند. کارگران و مردم بلافاصله محل تجمع را تغییر داده و خودشان را به بازار پایین (میدان کارگران ساختمانی) رساندند و در آن محل مراسم خود را برگزار کردند. سید صالح حسینی یکی از کارگران دختانیات در حالیکه تجمع کنندگان با برافراشتن پرچم قرمز دور او حلقه زده بودند و از ایشان محافظت میکردند، سخنرانی کرد. بعد از سخنرانی سید صالح حسینی قطعنامه کارگران ایران در بین مردم و تجمع کنندگان پخش شد. بعد از آن شرکت کنندگان با پخش شیرینی و شکلات به طرف میدان عقاب حرکت کردند که با کوهی از نیروهای انتظامی و لباس شخصی روبرو شدند. اما مردم و شرکت کنندگان با بی اعتنایی به نیروهای حکومتی به راهپیمایی خود ادامه داده و مسیرهای جامعه ، پل هوایی، چهار راه آزادی و بانک صادرات مرکزی را پیمودند که در آخرین مسیر مورد حمله نیروهای امنیتی قرار گرفتند و آنان را از ادامه راه باز داشتند. قابل ذکر است که علیرغم هجوم نیروهای امنیتی، راسم با پخش شیرینی و شکلات به پایان رسید اما نیروهای امنیتی تا پاسی از شب در خیابانهای شهر مستقر بودند.

آب سرمایه یک کارگر را برد و کشت

یکی از کارگران سد ژاوه در نزدیکی روستای دولاب از توابع شهر سنندج در حین کار و در شرائطی که مجبور بوده است بدون هیچ نوع امکانات ایمنی، در مرگبارترین و خطر ناک ترین مکان ها کار کند طعمه جریان آب شد و جان خود را از دست داد. این کارگر محمود رحمتی نام داشته و اهل شهر پاوه بوده است. آخرین خبرها حاکی است که جسد مقتول هنوز پیدا نشده است.

13 اردیبهشت 1389

لوموند: از آغاز سال جدید در ایران بیش از ۵۰ درصد از پروانه های کار کارگران لغو شده است

به نوشته سایت سخام نیوز در 13 اردیبهشت آمده است: رئیس جمهوری پوپولیسست ایران پنج سال است وعده پول نفت بر سر سفره هایشان را دریافت می کنند، تریک گفته است. لوموند در ادامه می نویسد، اما نگاهی دقیقتر نشان می دهد که این روز بر خلاف دیگر نقاط جهان برای کارگران ایران با شادی همراه نبوده است. از آغاز سال جدید در ایران بیش از ۵۰ درصد از پروانه های کار کارگران لغو شده است. در این میان، نهاد دولتی موسوم به شورای اسلامی کار اعلام کرده است که میزان شکایات کارگران بیش از هفتاد درصد افزایش یافته؛ و در تهران و شهرهای بزرگ ایران، بیش از چهل درصد به تعداد کارگران بیکار، افزوده شده است. روزنامه لوموند در پایان نوشته است در روز جهانی کارگر، جمعیت چند صد نفری تظاهر کنندگانی که در برابر ساختمان وزارت کار در تهران اجتماع کرده بودند توسط نیروهای امنیتی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و دستکم پنج نفر دستگیر شدند.

اعتصاب غذای فرزاد کمانگر معلم محکوم به اعدام

به نوشته سایت آژانس ایران خبر در 13 اردیبهشت آمده است: فرزاد کمانگرازمعلمین دریند ومحکوم به اعدام, در همبستگی با روز جهانی کارگر و روز معلم دست به اعتصاب غذای دو روزه در زندان اوین زد.

سالانه حدود ۱۸۰ هزار تحصیل کرده از ایران خارج می شوند

به نوشته سایت بی بی سی در تاریخ 13 اردیبهشت آمده است: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ایران ضمن تایید این مسئله که دانشگاههای جمهوری آذربایجان از فهرست دانشگاههای معتبر این وزارتخانه حذف شده اند از دانشجویان دختری که در این دانشگاهها تحصیل می کنند خواست به دلیل مشکلاتی که برایشان ایجاد شده به ایران بازگردند.

محمد علی محقق، معاون آموزشی وزارت بهداشت در گفتگو با خبرگزاری مهر بر حذف نام دانشگاههای جمهوری آذربایجان از فهرست دانشگاههای معتبر و مورد تایید وزارت بهداشت تاکید کرد و گفت دیگر هیچ دانشجویی از ایران برای تحصیل در رشته های تخصصی پزشکی و مربوط به آن به این کشور نمی رود. آقای محقق همچنین اخباری که پیشتر در مورد اجبار برای استفاده دختران دانشجوی از عکس های بی حجاب منتشر شده بود را تایید کرد و گفت با دختران دانشجویی که به دلیل این مشکلات به ایران بازگردند مساعدت های لازم انجام می شود.

این مقام بلند پایه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تاکید کرد که این مساعدت ها در چارچوب آیین نامه های موجود انجام می شود.

بر اساس گزارش صندوق بین المللی پول، ایران در آمار مهاجرت نخبگان، از میان ۹۱ کشور دنیا رتبه اول را دارد. صندوق بین المللی پول پیشتر گزارش داده بود که سالانه حدود ۱۸۰ هزار تحصیل کرده به امید زندگی و یافتن موقعیت های شغلی بهتر از ایران خارج می شوند. به گزارش این صندوق رقم خروج حدود ۱۸۰ هزار نخبه تحصیل کرده از ایران، به معنی خروج سالانه ۵۰ میلیارد دلار ارز از ایران است. این در حالی است که طبق آمارهای رسمی نسبت خروج فارغ التحصیلان از ایران به تعداد کل این افراد، ۱۵ درصد است.

تا پیش از این فارغ التحصیلان ایرانی که تصمیم به ادامه تحصیل در کشورهای خارجی می گرفتند، بیشتر به مقصد کشورهای غربی ایران را ترک می کردند اما آمار نشان می دهد جوانان در سالهای اخیر به دلایل مربوط به پذیرش و هزینه های تحصیلی بیشتر به کشورهای شرق اروپا و آسیا سفر می کنند. از آنجایی که به گفته دست اندر کاران امور آموزش عالی در ایران برخی از این دانشگاهها از کیفیت آموزشی مناسبی برخوردار نیستند، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی فهرستی را منتشر کرده و دانشگاههایی را که مدارکشان را معتبر نمی داند در این فهرست معلوم کرده است. دولت ایران به خانواده ها هشدار داده که بدون کسب اطلاعات کافی فرزندان خود را به کشورهای مختلف نفرستند.

نامه خانم بهاره ی مقامی معلم مدرسه ی کودکان که از سوی حسین طائب فرمانده ی وقت بسیج مورد تجاوز قرار گرفت

به نوشته سایت میهن در تاریخ 13 اردیبهشت آمده است: خانم بهاره ی مقامی معلم مدرسه ی کودکان که در جریان اعتراضات بعد از انتخابات، توسط نیروهای حکومت دستگیر و سپس از سوی حسین طائب فرمانده ی وقت بسیج مورد تجاوز قرار گرفت، به مناسبت روز معلم شرحی از اتفاقاتی که در زمان دستگیری بر او گذشته، نوشته است.

وی یادآوری کرده است که این نوشته به بهانه ی مقاله ای است که روز جمعه ی گذشته تحت عنوان «برای معلم کودکان، بهاره مقامی» منتشر شد:

به مناسبت روز معلم در بلندای اندیشه و در اندیشه ای بلند بود که حافظ گفت آن یار کز او گشت سر دار بلندجرمش این بود که اسرار هویدا می کرد. حال پس از گذشت صدها سال از این اوج به چنان هزیری رسیده

ایم که رئیس دولتمان که باید دولتمرد باشد مخالفین را بزغاله می خواند و گویندگان اسرار را نه تنها بر سر دار سربلند نمی کند، که در کنج سردابه ها و دخمه های ننگین حرص و هوس به داغی می آلود که دیگر سری برای بلند کردن باقی نمی ماند. سر می ماند، اما جان گویی که از درون جسم رخت بر بسته است. حالا برای سر بلند کردن عبور از دیوار های سترگ فرهنگی پوسیده و متعصب لازم است. از همه سوی پیام های هم وطنانم را می شنوم که می گویند بهاره سر بلند کن، آری، از بیرون گود گفتنش آسان است همین پیام های روح بخش بود اما که مرا به زندگی باز گرداند، زندگی قبلیم نه، یک زندگی جدید، با یک هدف جدید و برای فردایی جدید. نه تکرار وهم آلود قرنهای تبعیض و استبداد و سرکوب. جان اما دیگر برایم آنقدرها عزیز نیست، می دانم آنقدر فریادم تکثیر شده است که خاموشی نمی پذیرد. در ماه هایی که گذشت بارها آرزوی مرگ کردم، جانم را هم اگر بگیرند به آرزویم رسانده اند، پس می گویم، می گویم چرا که من دیگر شکست ناپذیرم، تبدیل به صدایی شده ام که از هزاران حنجره فریاد می شود، هم میهنم، پروازم را به خاطر بسپار. از حسین می نویسم. دقت کرده اید که در فیلمها و سریالهای جمهوری اسلامی نام شخصیت جنایتکار و قاچاقچی فیلم همیشه کامبیز است، یا کورش یا جمشید؟ و در مقابل شخصیت مثبت و نجات دهنده همیشه حسین است، یا علی، یا محمد، ترجیحاً ملقب به حاجی و سید؟ در سرگذشت من اما نقشها جایجا شده بود، حسین قصه ی غصه ی من، مرا به گور عشق و امید هدایت کرد. گویی دری از درهای جهنم باز شده بود و موجودی که انگار تجسم هر آنچه زشت و کریه است و منفور یا به جهان گذاشته بود. کوهی از نفرت و توحش که در لباس مردی روحانی به نماز ایستاده بود، و دقایقی پس از پایان نماز در بستر خونین دختری هراسان به تجاوز نشست.

.. نامش را نمی دانستم، عکسش را که در اینترنت دیدم او را شناختم، کابوس شبان و روزهایم را. صورت پوشیده از ریشش را و نفرین ابدی چشمهای هرزه اش را. عیای متعفن و خیس از عرق تابستانش را. حسین طائب را. گفت دانشجوی کجایی؟ گفتم دانشجوی دانشگاه تربیت معلم بوده ام، حالا هم درسم تمام شده و کار می کنم، معلم. گفت به دستور کی به خیابان آمدی؟ لیدرت کی بوده؟ گفتم هیچ کس، لیدر نداشتم. پاسخ دست سنگینش بود که پشت سرم فرود آمد، صورتم خورد به میز مقابل و صدای دندانهایم را شنیدم که ریخت توی دهنم. خودش ماها را انتخاب کرده بود، من و هشت دختر دیگر را، از میان گروه ۳۰-۴۰ نفری بازداشت شدگان. نمی دانم بر چه اساسی انتخاب می کرد، هیچ کدام از ما فعال سیاسی نبودیم. ما را جدا کرد و برد به یک بند. گویا در زندان خیابان سئول در قرارگاه ثارالله بودیم، این را از روی شرح حال های دیگرانی که آنجا بوده اند می گویم، چون همه ی ما را وقتی گرفتند چشم بند زدند و با ماشین های سیاه رنگی بردند. همین را می دانم که در زیر زمین بودیم. بعد از حدود یک شبانه روز سرگردانی و بی خبری به بندمان آمد. آمد و یکی از ما را که دختر زیبا و مهربانی به اسم مهسا بود همراه برد. تا بحال شده پرنده کوچکی را در دست بگیرید و ببینید که قلبش چقدر تند می زند؟ قلب مهسا همان طور می طپید. فکر کردیم شاید می خواهند آزادش کنند، یا شاید خانواده اش آمده اند دنبالش، شاید وثیقه بگذارند و ببرندش. هیچ کس نمی دانست که چه سرنوشتی در انتظار است. یکی از دختران همینند که شوخ طبع و سرخوش بود سعی می کرد که جوک بگوید و بقیه را بخنداند و حال و هوا را کمی عوض کند. همه اما از بی خبری و انتظار در عذاب بودند. ناگهان صدای ضجه جگرخراش مهسا بلند شد. صدای فریاد او آنقدر جانسوز بود که همه ما را در جا میخکوب کرد. همه در سکوت و بهت و ناباوری به هم خیره شدند. رعب و وحشت بر تن همه مان سایه انداخته بود، دیگر کسی جوک نگفت، دیگر کسی نخندید، مهسا را دیگر ندیدم یادآوری این صحنه ها هنوز هم برای من سهمگین است، هنوز هم نگاه آخر او را به خاطر دارم، هنوز هم صدایش در گوشم می پیچد، با این حال در نهایت نا امید می نویسم مهسا جان، اگر هستی و این را می خوانی از خودت پیغامی بده. بگو که هستی، بگو که زنده ای. حسین پس از اینکه بازجویی!! را تمام کرد مرا به دست دو زندانبان بی صبری که دم در مراقب بودند سپارد تا آنها هم به من تفهیم اتهام کنند و محاکمه و حکم، همه را یک جا برگزار کرده باشند.

چه بودم برایشان؟ غنیمت جنگی؟! اما کدام جنگ؟ واجب القتل؟! اما به کدامین جرم؟ مفسد فی الارض؟! برای معلمی؟ خس و خاشاک؟! آری، من خسی بودم در چشم تنگ نظر و متعصب و ذهن متوحش و هرزه ی آنان ***** دست در دست هم دهیم به مهر میهن خویش را کنیم آباد یار و غمخوار یکدیگر باشیم تا بمانیم خرم و آزاد شعری ساده و کودکانه، که شاید باید بیشتر بخوانیمش. یک سال پیش در چنین روزی وارد کلاس درس که شدم بوی گل به استقبال آمد. نوگلان کوچکم را دیدم که هر یک شاخه گلی در دست داشتند و لبخندی به لب. در یک لحظه عالمی را سیر کردم، آینده ی این ۳۲ غنچه ی زیبا را دیدم که هر کدام برای خودشان دختر خانمی شده اند و شاهدهی یا مادری یا مدیری. در همه وجودم لبخند شکفت و شادی غنچه کرد. این دومین سالی بود که روز معلم را به عنوان یک معلم تجربه می کردم، و امسال سومین سال است امسال اما کلاس خالیست، از لبخند و غنچه و شکوفه خبری نیست. از خوابی شیرین برخاسته ام انگار، گلستان ایرانم را می بینم که از سیاهی، به لجنزاری مانند است، ابرهای تباهی را می بینم که جلوی نور مهرآمیز خورشید ایرانم را گرفته اند و به شهود و ادراک و آزادی اجازه عرض اندام نمی دهند آری این دیار سخت به آموزگاران نیازمند است، چرا که در نور معرفت است که لجنزار رنگ می بازد و بهار شکوفه می کند.

بهاره مقامی ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۹

تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه هنر تهران در اعتراض به پوشیدن اجباری مقنعه

به نوشته سایت آفتاب در تاریخ 13 اردیبهشت آمده است: دانشجویان دانشگاه هنر تهران در اعتراض به پوشیدن اجباری مقنعه در دانشگاه، تجمع برگزار کردند. ماجرا از آنجا شروع شد که حدوداً از شروع ترم جدید خانمی به نهبانان درب دانشگاه اضافه شد، و وظیفه این خانم در ابتدا صرفاً تذکر دادن به دخترها بود، اما چندی نگذشت که از ورود دخترانی که شال می پوشیدند جلوگیری به عمل آمد. بسیاری از دانشگاه‌های شهر تهران از جمله دانشگاه تهران اجباری برای پوشیدن مقنعه در دانشگاه ندارند. بسیاری از دانشجویان دختر در حالی که شال یا روسری به سر داشتند مقابل تالار فارابی دانشگاه متحصن شده بودند، از آنجایی که روز دوم بود، اما این کار ایشان از سوی مسئولان چندان جدی گرفته نشد. دانشجویان تصمیم گرفتند مقابل درب اصلی دانشگاه متحصن شوند. پس از چندی آقای فرجی، رئیس حراست دانشگاه در جمع دانشجویان حضور پیدا کرد. آقای فرجی از دانشجویان خواست که جلو درب متحصن نشوند. قرار بر این شد که معاونت دانشجویی دانشگاه نیز بیاید و برای دانشجویان صحبت کند، پیشنهاد آقای فرجی این بود که در تالار فارابی جمع شوند اما دانشجویان تنها راضی شدند که مقابل درب تالار بنشینند. در این هنگام تعداد کثیری از دانشجویان پسر نیز به جمع دانشجویان دختر اضافه شد. رئیس حراست در جمع دانشجویان از آنها خواست تا خواسته‌های خود را عنوان کنند، یکی از دخترها گفت ما تنها حقی را می‌خواهیم که همه‌ی این سال‌ها نیز داشته‌ایم؛ احترام و آزادی. سپس آقای فرجی، شروع به صحبت کرد و گفت: در ابتدا باید بگویم که خواسته شما غیرقانونی است چرا که مقنعه جز فرم دانشگاه است، و دوم اینکه تحصن و نوع اعتراض شما نیز غیر قانونی است. سپس یکی از دانشجویان پسر گفت با توجه با اصل 27 قانون اساسی تحصن ما کاملاً قانونی است. در این هنگام معاونت دانشجویی وارد شد و از دانشجویان خواست که به تحصن خود پایان دهند و اعتراض خود را با نوشتن نامه بیان کنند.

تجمع اعتراضی خانواده‌های دستگیر شدگان روز کارگر در مقابل زندان اوین

خانواده‌های دستگیر شدگان روز کارگر صبح امروز در مقابل زندان اوین تجمع کردند و خواستار آزادی فوری عزیزان خود شدند. روز دوشنبه 13 اردیبهشت ماه تعداد زیادی از خانواده‌های دستگیر شدگان روز جهانی کارگر مقابل زندان اوین تجمع کردند و خواستار آزادی عزیزانشان شدند. این تجمع از ساعت 09:00 صبح آغاز و تا پایان وقت اداری ادامه داشت. خانواده در مقابل ساختمانی که بازپرسان امنیتی در آن مستقر هستند تجمع کردند. درب این محل بر روی خانواده‌ها بسته است و کسی جوابگوی آنها نیست. برخوردها و رفتار نهبانان بازپرسان امنیتی با خانواده‌ها توهین آمیز و غیر انسانی است. بدلیل رفتارهای غیر انسانی نهبانان بازپرسان امنیتی در چند مورد بین خانواده‌ها و آنها درگیری لفظی روی داد. پاسدارهای مستقر در آنجا به طرز توهین آمیزی خطاب به خانواده‌ها می‌گفتند: اگر از اینجا دور نشوید، شما را پایین می‌ریزیم. در جریان برگزاری روز جهانی کارگر بیش از 30 نفر از زنان و مردان دستگیر و به زندان اوین منتقل شدند. تعدادی از آنها عابرین و کسانی بودند که در فروشگاه در حال خرید بودند که از فروشگاه بیرون کشیده شدند و به زندان اوین منتقل شدند. تعداد بسیار کمی از آنها در اثر تلاش‌های خانواده‌ها آزاد شدند ولی هنوز اکثر آنها در زندان اوین بسر می‌برند. در یکی از نقاط خیابان آزادی 12 نفر از زنان و مردان شرکت کننده در مراسم روز جهانی کارگر دستگیر و مستقیماً به زندان اوین منتقل شدند. لازم به یادآوریست که قانون صنفی معلمان به دلیل صدور فراخوان برای بزرگداشت روز معلم از سوی وزارت اطلاعات تحت فشار قرار گرفته و در هفته گذشته دست کم 8 تن از معلمان در شهرهای مختلف بازداشت شدند.

معلمان بازداشتی روز معلم آزاد شدند، اما هنوز سه معلم در بند هستند

وبلاگ اتحادیه معلمان ایران: صبح امروز دوشنبه ۱۳ اردیبهشت ۸۹ همه‌ی معلمان با زداشتی در روز معلم آزاد شدند. از تمامی معلمان بازداشتی تعهد گرفته شده که از این پس فعالیت و تجمع "غیر قانونی" نداشته باشند. معلمانی که دراستان روز معلم با زداشت شده‌اند همچنان در زندان بسر می‌برند. آقایان هاشمی بهشتی و باغانی هنوز در بند می‌باشند و هیچگونه اطلاعی از آنان در دست نیست.

زنان کارگر، قربانیان خاموش حوادث شغلی

سایت مدرسه فمینیستی در 14 اردیبهشت نوشته است: محمد صفوی: هر ساله در کشور ما، مسئولان اداره‌ی کار و سازمان‌های تأمین اجتماعی آمارهایی در مورد حوادث شغلی منتشر می‌کنند که بنابه گفته بسیاری از پژوهشگران مستقل کشور و یا برخی از مسئولین خانه‌ی کارگر، این آمارها تنها بخشی از شرایط ناهنجار و غیرایمنی کار را بازتاب می‌دهند. در گزارش سال‌های اخیر سازمان تأمین اجتماعی می‌خوانیم در سال ۱۳۸۲،

۱۶ هزار و ۲۸۳ نفر و در سال ۱۳۸۳، ۱۸ هزار نفر در حین کار دچار حادثه شده‌اند و ۸۳ نفر جان باخته‌اند. در سال ۱۳۸۴ بیش از ۲۰ هزار کارگر آسیب دیده‌اند. در سال ۱۳۸۵، بیش از ۲۱ هزار و در سال ۱۳۸۶ با رشد معادل ۹ درصد تعداد حوادث کار ۲۳ هزار مورد شده است. در سال ۱۳۸۷ جمعاً، ۲۲ هزار ۱۳۴ حادثه کار، ثبت شده است که سهم زنان فقط ۳۱۵ نفر گزارش شده است. با اوج‌گیری حوادث شغلی و ناامن بودن محیط‌های کار در کشورمان دولت آقای احمدی‌نژاد دست به یک "ابتکار جالب" می‌زند و برای این که نشان دهد شرایط کار در سال ۱۳۸۸ بهبود یافته، آمار حوادث شغلی را فقط ۹ هزار و ۸۵۹ نفر اعلام می‌کند. در گزارش خبرگزاری کار ایران می‌خوانیم این آمار مربوط به بیمه شدگان است و در سال گذشته فقط ۱۵۹ زن کارگر آسیب دیده‌اند. آیا برآستی این آمارها تمام حوادث شغلی و فضای ناامن محیط‌های کاری را نشان می‌دهد؟ آیا واقعا می‌توان به چنین آمارها و ادعاهایی مبنی بر بهبود شرایط کار و رفاه اجتماعی مردم، باور داشت؟ فقط نگاهی گذرا به گزارشات مستقل و غیردولتی و یا گفته های اشخاصی که هنوز در این سیستم کار می‌کنند کافی است تا آمارسازی‌های جعلی مبنی بر «بهبود شرایط کار» را، بی‌اعتبار کند.

زنان کارگر بافنده ی قالی و گلیم

بخش بیماری‌های پوستی دانشگاه شهید صدوقی در یزد، گزارشی را منتشر کرده که نشان می‌دهد ۹۲ درصد گلیم بافان و قالی بافان زن هستند. نیمی از این کارگران زن، دختران جوان و نوجوان زیر ۱۶ سال هستند که بین ۱۲ تا ۱۶ ساعت کار می‌کنند. در این مرکز پزشکی پس از تحقیقات آسیب‌شناسی بیش از ۱۰ نوع بیماری‌های پوستی، عضلانی و استخوانی در میان زنان کارگر شناسایی شده است. عکسبرداری‌های داخلی از استخوان انگشت‌ها نشان می‌دهد که در برخی موارد استخوان انگشت بافندگان تغییر شکل داده‌اند. در پژوهش دیگر که از ۲۸۳ کارگاه قالی بافی در اصفهان انجام شده است موارد زیر شناسایی شده‌اند، بیماری‌های تنفسی، سردرد شدید، ناراحتی‌های چشمی، امراض پوستی و به خصوص ناراحتی‌های عصبی و روانی در میان زنان کارگر همه‌گیر است.» (Line Journal Dermatology on) بیمارستان شهید صدوقی یزد. Skin Lesion in carpet industry)

آزار جنسی زنان کارگر در محیط‌های کار

افزون بر تبعات ویرانگر و زندگی سوز حوادث شغلی و محیط‌های ناایمن کار در کشور، مسئله آزار جنسی زنان کارگر نیز از معضلات و گرفتاری‌های همیشگی کارگران زن در ایران است. طبق کنوانسیون ۱۱۱ سازمان جهانی کار، آزار و اذیت جنسی و اعمال خشونت در محیط‌های کار جزء شرایط «غیرایمنی کار» طبقه‌بندی شده است. زنان کارگر جدا از این که مثل همکاران مرد خود قربانی حوادث گوناگون شغلی می‌شوند، لیکن به خاطر زن بودن قربانی آزار و اذیت جنسی در محیط کار قرار می‌گیرند. در گزارشی می‌خوانیم: «زنان به خاطر فشار مالی یا مجبورند که به درخواست برخی از کارفرمایان تن در دهند یا فشار مالی را با تمام عوارض روحی و روانی‌اش تحمل کنند. برای نمونه ۶۸ درصد از آگهی دهندگان (کارفرمایان) خواهان کار نامشروع با متقاضیان زن هستند.» (شماره کاکاوند روزنامه‌ی ایران شماره‌ی ۲۲۰۶)

در سال ۱۳۸۲ کمیته‌ی جمع‌آوری اسناد و گزارش ستاد مبارزه با خشونت علیه زنان گزارشی تحت عنوان «خشونت کاری اعمال سلطه کارفرمایان» منتشر ساخت که زنان از رواج گسترده آزار جنسی در محیط‌های کاری ایران توسط کارفرمایان و یا مردان کارگر سخن می‌گویند. پرسش این است آیا وزارت کار و یا تأمین اجتماعی زنان و کودکان کار و کارگران جنسی زن را که قربانی حوادث شغلی هستند جزء قربانیان حوادث شغلی به حساب می‌آورد؟

همچنین طی سال‌های اخیر به تدریج با مصوبه‌های مجلس و تأیید شورای نگهبان بیش از ۷۰ درصد از نیروی کار از مشمول قانون و پوشش‌های حمایتی خارج شده‌اند. این اخراج سازه‌ها طبعاً ضربه مهلک و جبران ناپذیری به خانوارهای کارگری به خصوص به زنان سرپرست خانوار، وارد می‌کند. از سوی دیگر، می‌دانیم که آمارهای دولتی حوادث کاری فقط مربوط به کسانی است که دارای بیمه هستند. نکته بعدی این که در این گزارش به آمار کارگران - به ویژه زنان کارگر - که به خاطر مشاغل سخت و زیان آور به تدریج دچار بیماری‌های خطرناک - و از کارافتادگی - شده‌اند هیچ اشاره‌ای نشده است. وانگهی، ۵۱ درصد از کل جمعیت کارگری کشور در کارگاه‌های کوچک زیر ده نفر مشغول به کارند که از بسیاری قوانین حمایتی و امکانات وزارت کار معافند و حوادث شغلی این کارگاه‌ها هیچگاه به درستی ثبت و پیگیری نمی‌شود.

از سوی دیگر سازمان تأمین اجتماعی حوادثی را «حوادث شغلی» می‌نامد که فقط در محیط کاری صورت گرفته باشد. به این ترتیب حوادث جاده‌ای کشور جایی که کارگران و کارمندان و یا کارگران حمل و نقل شهری و بیابانی که در حین سفر یا در حین کار، دچار سوانح رانندگی می‌شوند در این آمارها جایی ندارند. «سالانه بیش از ۲۵ هزار نفر کشته و ۲۸۰ هزار نفر بر اثر تصادفات رانندگی مجروح می‌شوند. (خبرگزاری ایرنا ۳/۱۱/۱۳۸۸). دایره این برخورد غیرمسئولانه متولیان امر و چشم پوشی شان نسبت به ریشه یابی برای ممانعت از مرگ و میر شهروندان، بسیار گسترده تر از اینها است برای نمونه از آمار حوادث شغلی کارگران روزمزد و فصلی کشاورزی که عمدتاً زنان کارگر هستند در گزارشات دولتی نشانی نیست. این در حالی است که: «نزدیک به ۳ میلیون و ۴۰۰ هزار کارگر کشاورزی در ۱۸/۵ میلیون هکتار در حال کار هستند هر سال فقط در استان گلستان ۵۰۰ کارگر کشاورزی به خاطر نداشتن لباس‌های ایمنی و نبود آموزش، به خاطر استفاده از مواد دفع آفات نباتی جان خود را از دست می‌دهند. علت مرگ ۳۵۰ نفر سرطان معده و ۱۵۰ نفر سرطان حلق و حنجره و سرطان خون گزارش شده است.» (pesticides news-www.pan.uk.org/pestnews).

در همین رابطه یکی از پژوهشگران تأمین اجتماعی اظهار می‌دارد: «کارفرمایان به ویژه در محیط‌های کاری غیردولتی در ثبت و نگه‌داری و گزارش حوادث شغلی به طور سلیقه‌ای عمل می‌کنند. در بسیاری موارد از گزارش حوادث نیز خودداری می‌کنند. اغلب حوادث شغلی که در کارگاه‌های کوچک خانوادگی، کشاورزی و به طور کلی در محیط‌های سنتی رخ می‌دهند به دلیل عدم وجود حمایت قانونی در جایی درج نمی‌شود. به نظر می‌رسد که آمار فراوان حوادث شغلی در ایران بالاتر از مقادیر فوق است». (گزارش قدس حوادث شغلی ۴ هزار ساعت کار از بین می‌رود/ شادی قندهاری).

با توجه به موارد و آمارهای فوق، به نظر می‌رسد که توصیه‌های اخیر وزیر کار - آقای شیخ الاسلامی - به هیئت مدیره‌ی کارفرمایان (که به نمایندگی از ایران عازم سازمان جهانی کار بودند) مبنی بر بهبود شرایط کار، توسعه‌ی اقتصادی، و عدالت اجتماعی و افزایش رفاه در کشور، چندان واقعی نباشد زیرا نه فقط آمارهای فوق الذکر بلکه گزارشات و پژوهش‌هایی دیگری وجود دارد که خلاف ادعای ایشان را نشان می‌دهند. هم اکنون طبق آمار محافظه‌کارانه، «۴ میلیون بیکار و بین ۶ تا ۷ میلیون نفر دیگر درگیر مشاغل کاذب دستفروشی و آدامس فروشی و فروش کالاهای قاچاق و داروها و لوازم آرایش قلابی و تکدی‌گری هستند که در زیر خط فقر زندگی می‌کنند» (روزنامه خراسان، ۱۲ اسفند/ ۱۳۸۸ مشاغل کاذب...).

در کنار این اقتصاد فلاکت‌بار و ستم اقتصادی، هر گونه تلاش حق‌خواهی و عادلانه‌ای برای بهبود شرایط کار و ایجاد تشکل‌های مستقل صنفی نیز با خشونت و سرکوب روبرو می‌شود. کارگرانی که برای مطالبات عادلانه خود و تشکل خواهی، دست به تلاش مسالمت آمیز زده اند مانند منصور اسانلو و ابراهیم مددی و علی نجانی و صدها زندانی دیگر زن و مرد، مورد انواع بد رفتاری و اعمال قرون وسطایی قرار می‌گیرند

تجمع اعتراضی خانواده‌های دستگیر شدگان روز کارگر در مقابل زندان اوین

به نوشته سایت آژانس ایران خبر در تاریخ ۱۴ اردیبهشت آمده است: بنابه گزارشات رسیده به "فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران"، خانواده‌های دستگیر شدگان روز کارگر صبح امروز در مقابل زندان اوین تجمع کردند و خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط عزیزان خود شدند.

روز دوشنبه ۱۳ اردیبهشت ماه تعداد زیادی از خانواده‌های دستگیر شدگان روز جهانی کارگر مقابل زندان اوین تجمع کردند و خواستار آزادی عزیزانشان شدند. این تجمع از ساعت ۰۹:۰۰ صبح آغاز و تا پایان وقت اداری ادامه داشت. خانواده در مقابل ساختمانی که بازپرسان امنیتی در آن مستقر هستند تجمع کردند. درب این محل بر روی خانواده‌ها بسته است و کسی جوابگوی آنها نیست.

برخوردها و رفتار نگرهبانان بازپرسان امنیتی با خانواده‌ها توهین آمیز و غیر انسانی است. بدلیل رفتارهای غیر انسانی نگرهبانان بازپرسان امنیتی در چند مورد بین خانواده‌ها و آنها درگیری لفظی روی داد. پاسدارهای مستقر در آنجا به طرز توهین آمیزی خطاب به خانواده‌ها می‌گفتند: اگر از اینجا دور نشوید، شما را پایین می‌ریزیم. در جریان برگزاری روز جهانی کارگر بیش از ۳۰ نفر از زنان و مردان دستگیر و به زندان اوین منتقل شدند. تعدادی از آنها عابرین و کسانی بودند که در فروشگاه در حال خرید بودند که از فروشگاه بیرون کشیده شدند و به زندان اوین منتقل شدند. تعداد بسیار کمی از آنها در اثر تلاش‌های خانواده‌ها آزاد شدند ولی هنوز اکثر آنها در زندان اوین بسر می‌برند. در یکی از نقاط خیابان آزادی ۱۲ نفر از زنان و مردان شرکت کننده در مراسم روز جهانی کارگر دستگیر و مستقیماً به زندان اوین منتقل شدند

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه چینی البرز و درخواست لغو انحلال کارخانه

به گزارش ایلنا در ۱۴ اردیبهشت ۸۹ آمده است: در پی پرداخت نشدن ۷ ماه مطالبات معوقه کارگران چینی البرز و نیز اعلام انحلال این کارخانه، جمعی از کارگران این واحد تولیدی، صبح امروز در مقابل دفتر سهام‌دار عمده چینی البرز تجمع کردند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، پیش از ظهر امروز گروهی از کارگران چینی البرز قزوین با مراجعه به دفتر شرکت چینی مقصود در حوالی پارک ساعی تهران، خواستار لغو انحلال کارخانه چینی البرز و دریافت مطالبات معوقه خود شدند.

به گفته کارگران، در پی واگذاری کارخانه چینی البرز به بخش خصوصی، شرکت چینی مقصود ۵۰ درصد از سهام این کارخانه را خرید.

تجمع کنندگان که پلاکارت‌هایی با موضوعاتی چون اعتراض به عدم پرداخت مطالبات و انحلال کارخانه در دست داشتند؛ اعلام کردند: پس از واگذاری، مالکان جدید با اعتبار کارخانه تا سقف هزار میلیارد تومان درخواست تسهیلات بانکی کردن که تاکنون ۶۰۰ میلیون تومان به انا پرداخت شده است. کارگران چینی البرز می‌گویند: این پول به جای آنکه در چینی البرز سرمایه‌گذاری شود به نام پروژه‌های دیگری که به ظاهر در شهرستان‌هایی چون همدان قرار دارد؛ هزینه شده است.

بنابر مشاهده خبرنگار ایلنا، در پی این تجمع، درهای ساختمانی که دفتر کارخانه چینی مقصود در آنجا قرار داشت به روی کارگران چینی البرز بسته شد و مسوولان آن از پاسخگویی خودداری کردند. پیش از این نیز عید علی کریمی، دبیر اجرایی خانه کارگر قزوین گفته بود: در اقدامی عجیب و کم سابقه کار، خانه چینی البرز در آخرین روزهای سال ۸۸ به دلیل ورشکستگی منحل شده است.

معادن کرمان از داشتن حداقل امکانات ایمنی محروم هستند

به گزارش ایلنا در تاریخ 14 اردیبهشت 89 آمده است: یک فعال کارگری با تاکید بر اینکه معادن زغالسنگ همواره باعث نگرانی هستند؛ گفت: این معادن یا امکانات ایمنی ندارند و یا ضعیفترین امکانات را دارند به همین دلیل بسیاری از حوادث کار این معادن ناشی از رعایت نکردن اصول ایمنی و به کار نرفتن تجهیزات و دستگاه‌های ایمنی محیط کار معادن است.

عباس کاریخش در گفت‌وگو با ایلنا، با تاکید بر اینکه معادن کرمان از داشتن حداقل امکانات ایمنی محروم هستند؛ گفت: در گذشته معادن بخش خصوصی وضع بهتری داشتند اما امروزه معادن دولتی امکانات ایمنی بهتری دارند و کارگران معادن خصوصی در فشار ناشی از کمبود تجهیزات ایمنی کار به سر می‌برند. وی با اعلام اینکه کرمان 70 معدن دارد که همه‌گی در حوزه‌های استخراج طلا، مس، کروم، شن و ماسه، گچ، آهک، آهن و زغال سنگ فعال هستند؛ گفت: به غیر از معادن مس سرچشمه که تجهیزات مدرن دارند بقیه با مشکل ایمنی روبه‌رو هستند و معادنی همچون «گل‌گهر» و «کرومیت اسفند قه بافت» کمترین امکانات ایمنی را دارند و برخی نیز به حدی مشکل دارند که به جای سیستم روشنایی برق هنوز از چراغ موشی استفاده می‌شود.

دبیر اجرایی خانه کارگر کرمان با اعلام اینکه در حال حاضر 15 هزار کارگر در معادن کرمان فعالیت می‌کنند؛ گفت: اکثر این کارگران به دلیل نبود ایمنی و بهداشت کار در بدترین شرایط روحی به سر می‌برند و هر لحظه در انتظار بروز حادثه‌ای ناگوار در معادن ناامن منطقه هستند.

وی با تاکید بر اینکه معادن کرمان فراموش شده‌اند؛ گفت: روال این‌طور است که فاجعه‌ای در معادن رخ می‌دهد و جان کارگران بسیاری به فنا تبدیل می‌شود

آنگاه از دستگاه‌ها و ادارات گوناگون برای بررسی دلیل به وجود آمدن حادثه بسیج می‌شوند اما پس از آنکه مدتی گذشت همه چیز فراموش می‌شود تا حادثه دیگری رخ دهد.

کاریخش با اعلام اینکه در اوایل انقلاب معادن زغالسنگ 17 هزار کارگر داشته اما اکنون سه هزار کارگر دارد گفت: برخی معادن تجهیزات جدید آورده و نیروی انسانی را حذف کردند و برخی نیز کارگران را تعدیل و استخراج را کاهش داده‌اند.

وی گفت: پس از مدتی، کارگرانی که ریه‌های آنها بر اثر تنفس گرد زغال معلق در فضای معدن مسدود می‌شود؛ به بیماری اکوپونومیوز که یک بیماری ریوی است دچار می‌شوند و چون گرده زغال چسبندگی دارد این مواد در ریه‌ها رسوب می‌کند و باعث تنگی نفس کارگر می‌شود.

دبیر اجرایی خانه کارگر کرمان با اعلام اینکه کارگر متوجه نیست چه بلایی به سرش می‌آید؛ گفت: پس از آنکه 70 درصد ریه کارگران مسدود شد متوجه بیماری‌هایشان می‌شود که آن هم خیلی دیر است.

وی با اعلام اینکه بیش از 6 هزار کارگر طی سال‌های گذشته به این بیماری دچار شده‌اند؛ گفت: این کارگران قبل از آنکه به سن بازنشستگی برسند جان خود را از دست می‌دهند.

کاریخش با اعلام اینکه در گذشته کارگران با 15 سال سابقه بازنشست می‌شدند؛ گفت: متأسفانه با اجرای قانون کار و قانون سخت و زیان‌آور این مدت به 20 سال افزایش یافته که عمق فاجعه و بدترین روش اجرای قانون بدون در نظر گرفتن شرایط کارگاه است.

انحصار شرکت مخابرات توسط سپاه از دلایل اصلی اخلاف در شبکه اینترنت

آژانس ایران خبر در 14 اردیبهشت نوشت: بسیاری از کاربران اینترنت کشور معتقدند دلیل واقعی افت سرعت اینترنت در کشور از سوی مسئولان عنوان نمی‌شود. به گزارش پارلمان نیوز در دو هفته اخیر شاهد سرعت بسیار پایین، قطعی و اختلالات گسترده در شبکه اینترنت بودیم، موضوع قطع اینترنت از این قرار بود که ظاهراً کابل بین‌المللی و دریایی شبکه اینترنت بین‌الملل smw4 قطع شده بود. اختلالات به‌خاطر این قطعی قرار بود روز 31 فروردین و بعد از تعمیر کابل دریایی که منشأ آن هم در کشور ایتالیا است به پایان برسد ولی این امر محقق نشد. کاربران کشورهای دیگری مانند مصر، ایتالیا، فرانسه، عراق، لبنان، ترکیه و هند که ارتباط آنها از طریق همین کابل برقرار می‌شد سریعاً مشکلشان حل شد اما در ایران این مشکل به قوت خود باقی است. پس این اتفاق نمی‌توانست عامل اصلی این افت سرعت و اختلال باشد. قطعی کابل مذکور نیز نهایتاً بیش از 2 تا 3 روز نمی‌توانست اینترنت کشور را دچار اختلال کند.

اکنون سؤال هم به قوت خود باقی است که چرا سرعت اینترنت پرسرعت و رایگان در کشوری مانند کره جنوبی 500 برابر سرعت اینترنت معمولی در ایران است که برای آن پول هم پرداخت می‌کنیم؟ یکی از کارشناسان اینترنت در زمینه افت سرعت اینترنت در کشور می‌گوید: یکی از دلایل عمده عدم کیفیت مناسب اینترنت در کشور انحصار کردن این شبکه به وسیله مخابرات و شرکت زیر ساخت است». شرکت مخابرات اکنون در انحصار سپاه پاسداران است.

تجمع در مقابل ستاد خبری وزارت اطلاعات در سنج

آژانس ایران خبر در 14 اردیبهشت 89 نوشت: بر اساس گزارش رسیده، خانواده فعالین بازداشت شده روز کارگر و تعدادی دیگر از فعالین روز یکشنبه مورخ 12 اردیبهشت در مقابل ستاد خبری وزارت اطلاعات در سنج دست به

تجمع زدند.

بنا بر گفته شاهدین فواد شبکی فر فعال کارگری دستگیر شده را به دادگاه شهر سنندج انتقال دادند اما بدون مشخص کردن وضعیت وی، دوباره او را به

بازداشتگاه ستاد امنیت باز گردانند. لازم به ذکر است که فواد شبکی فر قبل از برگزاری مراسم اول ماه مه دستگیر و مورد ضرب و شتم نیروهای امنیتی قرار گرفت. فواد شبکیه فرد یکی از کارگرانی است که قبل از تجمع و راهپیمایی کارگران سنندج به مناسبت اول ماه مه در خیابان نمکی، به همراه تعدادی پلاکارد به مناسبت این روز توسط مامورین امنیتی دستگیر شد. بنا بر این گزارش بد نبال این تجمع مامورین وزارت اطلاعات برادر فایق کیخسروی، (حیدر کیخسروی) را به درون ساختمان ستاد خبری وزارت اطلاعات در سنندج دعوت کردند که پس از این دعوت و ورود حیدر به ساختمان این ستاد، نامبرده با سر و صورتی کبود و ورم کرده از این ستاد خارج شد که این امر خشم و انزجار خانواده های تجمع کننده را بر انگیخت و خواهان فواد کیخسروی به همراه تجمع کنندگان با سر دادن شعار و ابراز خشم از وضعیت پیش آمده، مقابل ستاد خبری وزارت اطلاعات در بلوار شبلی را به صحنه اعتراضی

تبدیل کردند. بدنبال این وضعیت بلافاصله 6 دستگاه ماشین نیروی انتظامی در مقابل ستاد خبری وزارت اطلاعات در سنندج حاضر شده و سعی در آرام کردن

جمعیت از طریق تهدید و کردند. خانواده های این زندانیان در معیت سایر خانواده های فعالین دیگر به مقابل دادگاه انقلاب مراجعه کردند، اما ستاد خبری وزارت اطلاعات در سنندج فقط فواد شبکیه فرد را به دادگاه اعزام کرده بود و از اعزام دو زندانی دیگر خبری نشد. بر اساس این گزارش فواد شبکیه فرد نیز پس از اعزام به دادگاه بار دیگر به ستاد خبری وزارت اطلاعات در سنندج بر گردانده شد. همچنین امروز حدود ساعت 11 صبح سعید کرمی از اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران و کارگر اخراجی فرش غرب بافت سنندج به ستاد خبری وزارت اطلاعات

احضار و مورد بازجویی قرار گرفت. صدیق کرمی و فواد کیخسروی نیز همچنان در بازداشت به سر می برند.

مشکلات اقتصادی، عامل مهم شیوع اختلالات روانی در تهرانی‌ها

خبر آنلاین در 14 اردیبهشت 89 نوشت: مشکلات اقتصادی، عامل مهم شیوع اختلالات روانی در تهرانی‌ها و رخت بر بستن شادی از میان آنهاست؛ به طوری که تفاوت فاحش درآمدی در تهران و افزایش فاصله طبقاتی، اختلالات رفتاری زیادی را به وجود آورده است.

در شرایطی که به گفته روانپزشکان، ابتلا به اختلالاتی از قبیل افسردگی و اضطراب در تهران بیشتر در سنین 15 تا 44 سالگی بروز پیدا می‌کند، روز گذشته دکتر سید محمدهادی ایازی، معاون اجتماعی و فرهنگی شهردار تهران اعلام کرد: "نتایج یک نظرسنجی نشان داد 42 درصد افراد اغلب شاد، 30 درصد گاهی اوقات شاد و گاهی عبوس و 28 درصد مایقی همیشه عبوس هستند."

دکتر ایازی با بیان اینکه متأسفانه باید بپذیریم برای گذران اوقات فراغت مردم تهران برنامه مدون و مناسبی وجود ندارد، اقدام برای ایجاد نشاط و شادی در شهروندان را بسیار حائز اهمیت دانست و عنوان کرد: "تمامی دستگاه‌هایی که به‌نحو مرتبط با این موضوع هستند موظفند جدی‌تر به آن بپردازند چرا که شرایط کنونی جامعه اقتضا می‌کند برنامه‌های شاد و مفرح برای جامعه جوان داشته باشیم."

ایازی در خصوص شرایط شاد بودن جامعه گفت: "گروهی معتقدند انسان زمانی شاد است که زندگی بر وفق‌مراد باشد و دغدغه‌ای نداشته باشد که متأسفانه 3 موضوع مهم شغل، ازدواج و مسکن در حال حاضر به دغدغه اصلی جوانان تبدیل شده است."

شنیدن این عبارات از زبان معاون اجتماعی شهردار تهران در حالی است که به عقیده روانپزشکان مشکلات اقتصادی، عامل مهم شیوع اختلالات روانی در تهرانی‌ها و رخت بر بستن شادی از میان آنهاست؛ به طوری که تفاوت فاحش درآمدی در تهران و افزایش فاصله طبقاتی، به هیچ عنوان قابل تحمل و دفاع نیست و اختلالات رفتاری زیادی را به وجود آورده است. به این ترتیب متأسفانه اکثر مردم تهران عصبی و عبوس شده‌اند و نشاط و سرزندگی در بین آنها کمتر دیده می‌شود.

اما اینکه چرا در شهرهای بزرگی مثل تهران، مردم بیشتر انواع اختلالات روانی را تجربه می‌کنند، موضوعی است که روانپزشکان نظرات مختلف اما تقریباً هم جهتی درباره آن دارند.

دکتر پرویز مظاهری، دبیر انجمن روانپزشکان ایران در گفت‌وگو با خبر آنلاین با بیان اینکه در شهرهای بزرگ عدم رسیدگی به شهروندان به علت تراکم جمعیت منجر به افزایش شیوع انواع اختلالات روانی به خصوص اضطراب و افسردگی می‌شود، می‌گوید: "البته این اختلالات در شهرهای کوچک هم دیده می‌شود. اما چون در این شهرها مردم زندگی آرام‌تری دارند، کمتر دچار اضطراب می‌شوند؛ ضمن اینکه همین مردم به دلیل نبود امکانات کافی و تسهیلات، افسردگی کمتری را تجربه می‌کنند."

دکتر محمد علی شهرکی، روانپزشک و مدیر اجرایی جمعیت ترک اعتیاد آفتاب نیز با بیان این عبارات و با تأکید بر اینکه شهرهای بزرگی مثل تهران احتیاج به بازسازی فضای تبلیغاتی دارند، به خبر آنلاین می‌گوید: "همین بیلبردهای تبلیغاتی تجهیزات گران‌قیمت و متنوعی هستند که خواه ناخواه چه قبولشان داشته باشیم و چه نداشته باشیم، به صورت ارزش در می‌آیند و در این میان، رسانه‌ها هم به این تبلیغات دامن می‌زنند."

جامعه نایمن و برون‌ریزی‌های مختلف به گفته کارشناسان، در طول سال‌های گذشته، اگر چه تهران توسعه یافته ولی رفاه و امکانات مردم این شهر به همان اندازه توسعه نیافته است. همین امر هم باعث شده مردم بیشتر نگرانی و افسردگی و خشم خود را

به کانون خانواده بپردازد و آن هم به صورت انواع اختلالات خواب، سردرد و دیگر اختلالات روان‌تنی خود را نشان دهد.

دکتر مهرداد متین‌راد، روانشناس و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی با اشاره به اینکه استرس‌های مختلف زندگی شهری، خود را به صورت اختلالات مختلف روانپزشکی و روان‌تنی نشان می‌دهند، این طور توضیح می‌دهد: "معضل عمده ما این است که ما یک جامعه ناپایمن داریم به طوری که شاهد بی‌ثباتی عمیقی در وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم هستیم. در کنار این، مردم ما عادت کرده‌اند که هر روز از رسانه‌های مختلف اخبار نگران‌کننده بشنوند و همیشه در اضطراب و حیرت باشند." نتیجه این بی‌نظمی هم نمود خود را در رانندگی، خرید کردن، حضور در مکان‌های شلوغ و حتی در رفتارهای روزمره نشان می‌دهد.

دکتر شهرکی نیز با اشاره به اینکه معضل کار و فعالیت هم عمده‌ترین زمان مردم را اشغال کرده، توضیح می‌دهد: "می‌توان گفت دیگر چیزی به نام تعطیلات آخر هفته و استراحت برای بازسازی افکار و پرداختن به جنبه‌های فردی باقی نمی‌ماند و همین استرس‌ها هم وقتی مدام افزایش می‌یابند، قاعدتاً باعث بروز انواع بیماری‌های پنهان دیگر می‌شوند."

به گفته وی، چنین فردی در چنین شهری به تدریج دچار وادادگی می‌شود و علاوه بر سایر اختلالات روانپزشکی، انواع آسیب‌های اجتماعی نیز در او نمود پیدا می‌کنند.

دکتر شهرکی با بیان اینکه با توجه به ساخت شهرهای بزرگ و اینکه مردم بیشتر زمان خود را در داخل شهر سپری می‌کنند، لزوم بازنگری در معماری و طراحی ساخت چنین شهرهایی را ضروری می‌داند و می‌گوید: "این طراحی باید با تمرکز بر جنبه‌های روانی مردم صورت گیرد یعنی محیطی ساخته شود که اضطراب را از شهروندان دور کند." خود درمانی یا فرار

به گفته کارشناسان در خوش‌بینانه‌ترین حالت، 20 درصد افرادی که به علت مشکل میهمی به پزشک مراجعه می‌کنند، یا بیماری‌شان کاملاً روانپزشکی است که به صورت مشکل جسمی بروز کرده یا اینکه اختلال روانپزشکی روی مشکلات دیگر پزشکی فرد سوار شده است.

دکتر شهرکی در این باره می‌گوید: "البته مردم ما در بیشتر موارد چنین وضعیتی را که همراه با فشارهای روانی است تحمل می‌کنند، در درجه دوم هم در صورت تحمل نکردن شرایط، به خود درمانی یا درمان‌های جایگزین می‌پردازند مثلاً سراغ تکنیک‌های مختلف آرام‌سازی و یا تفکر مثبت می‌روند یا اینکه از کتاب‌های عمومی روانشناسی استفاده می‌کنند."

به گفته وی، باید در نظر داشت اگرچه این روش‌ها به جای خود مثبت هستند ولی ممکن است فرد را به این فکر خطا بیندازند که دیگر نیازی به مراجعه به روانپزشک نیست.

به عقیده دکتر شهرکی در نهایت هم بیماران با انواع علائم جسمی مثل سردرد، سرگیجه، خستگی مفرط و تپش قلب به پزشک مراجعه می‌کنند و تازه در این زمان است که پزشک فرد را برای تشخیص اختلال روانی به روانپزشک ارجاع می‌دهد.

این در حالی است که به گفته روانپزشکان خیلی از مردمی که دچار مسائل وابسته به استرس می‌شوند، اصلاً نمی‌دانند که باید هنگام مواجهه با این علائم چه کرد به همین دلیل یا این استرس را سرکوب می‌کنند یا دائماً از آن در حال فرار هستند.

دکتر راد نیز خاطر نشان می‌کند: "در یک جامعه ناپایمن مهم‌ترین نقش مسئولان ما این است که مردم را با روش‌های مختلف مدیریت استرس و مقابله با آن آشنا کنند تا مردم بتوانند با باورهای اجتماعی این استرس را کنترل کنند تا بیش از این شاهد بی‌دقتی و بی‌تمرکز در امور روزمره، اتلاف وقت، بالا رفتن هزینه‌ها و کاهش بهره‌وری نباشیم."

تلاش مدیریت جدید کارخانه کیان تایر برای عدم پرداخت دستمزدهای کارگران در سال جدید و ادامه اعتصاب کارگران این کارخانه

بنا بر خبرهای رسیده از فعالان کارگری از ایران در تاریخ 14 اردیبهشت آمده است: بدنبال عدم شروع تولید در کارخانه کیان تایر و بلاتکلیفی کارگران این کارخانه از شروع سال جدید، اوایل اردیبهشت ماه سازمان حمایت از صنایع، سرمایه‌گذار و مدیریت جدیدی را به این کارخانه معرفی کرد.

بدنبال استقرار مدیریت جدید در کارخانه کیان تایر، این مدیریت به کارگران اعلام نمود مسئولیت پرداخت دستمزد کارگران در ایام سال جدید تا زمان شروع بکار کارخانه با آنها نیست و کارگران باید بدون دریافت دستمزد این ایام از مدیریت جدید، تولید را شروع کنند. اما کارگران کیان تایر اعلام کردند تا دریافت دستمزد معوقه شان در سال جدید و روشن شدن تکلیف 5 ماه دستمزد معوقه خود از سال 87، استارت تولید در کارخانه را نخواهند زد.

بنا بر این گزارش در ادامه این کشمکش میان کارگران و مدیریت جدید از اوایل اردیبهشت ماه تاکنون و تلاش این مدیریت برای شروع تولید، یکی از مسئولین کارخانه امروز تلاش نمود کارگران انبار را وادار به کار کند اما یکی از کارگران تهدید به آتش زدن خود با بنزین کرد.

بدنبال این وضعیت کارگران کارخانه کیان تایر امروز 14 اردیبهشت ماه در اقدامی متحدانه طی نامه ای رسمی به مدیریت کارخانه که آنرا بر تابلوی اعلانات کارخانه نیز نصب کردند، اعلام نمودند تا دریافت دستمزد معوقه خود در سال جدید بر سر کارهای خود حاضر نخواهند شد و استارت تولید در کارخانه را نخواهند زد.

این کارگران اعلام کرده اند با استقرار مدیریت جدید در سال هشتاد و هفت، 5 ماه از دستمزدها پشان تاکنون پرداخت نشده است و این بار با استقرار مدیریت جدید دیگری، اجازه نخواهند داد همان بلای سال 87 بر سرشان بیاید. همچنین کارگران کیان تایر مصرانه خواهان روشن شدن تکلیف 5 ماه دستمزد معوقه خود در سال 87 شده اند.

آزادی فواد شبکه فر و امجد آذری نیوفر از زندان و ملاقات صدیق کریمی و فواد کیخسروی با خانواده هایشان

بر پایه خبر دریافتی از ایمیل آمده است: طی دیروز و امروز مورخه 89/2/14 خانواده‌های صدیق کریمی و فواد کیخسروی در معیت تعدادی از خانواده های کارگران عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران و دیگر فعالین کارگری به تجمع در مقابل ستاد خبری وزارت اطلاعات در شهر سنندج ادامه داده و خواهان آزادی عزیزانشان از زندان شدند.

بنا بر این خبر در پی ایستادگی خانواده ها مبنی بر کسب اطلاع از وضعیت عزیزانشان امروز خانواده صدیق کریمی و فواد کیخسروی موفق به دیدار با آنها شدند و فواد شبکه فر به همراه امجد آذری نیوفر که نامبرده نیز در روز اول ماه مه دستگیر شده بود به دادگاه اعزام شدند و آقای فواد شبکه فر با سپردن وثیقه ده میلیون تومانی و امجد آذری نیوفر بدون سپردن وثیقه همانجا آزاد شدند.

مامورین امنیتی اعلام کرده اند صدیق کریمی عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و فواد کیخسروی عضو فعال اتحادیه در شهر سنندج تا روز 20 اردیبهشت ماه به دادگاه اعزام خواهند شد.

کارگران عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران در شهر سنندج و خانواده های صدیق کریمی و فواد کیخسروی اعلام کرده اند در صورت تداوم بازداشت این دو نفر بر دامنه اعتراضات خود خواهند افزود. همچنین بنا بر خبر تایید نشده ای فواد کیخسروی اعلام کرده است در صورت تداوم بازداشت خود دست به اعتصاب غذا خواهد زد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران با محکوم کردن تداوم بازداشت صدیق کریمی و فواد کیخسروی، هر گونه تلاش برای پرونده سازی نسبت به این کارگران را قویا محکوم میکند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط آنان از زندان است.

عدم پرداخت حقوق کارگران کارخانه قند ممسنی به مدت 8 سال!!!

به نوشته سایت آژانس ایران خبر در تاریخ 15 اردیبهشت آمده است: عدم پرداخت حقوق کارگران کارخانه قند ممسنی به مدت 8 سال بزرگترین پرونده کارگری مطالبات کارگران از سال 82 است. مسولان شهرستان ممسنی و رستم هنوز با وجود وعده هایی که به کارگران داده اند هیچ اقدامی انجام نداد ه اند. این کارخانه در سال 44 خورشیدی تاسیس شدو در سال 79 با سالانه 350 کارگر در یک فصل کاری به بخش خصوصی واگذار شد، و در سال 82 توسط صاحبان بخش خصوصی تعطیل و کارگران تعدیل و اخراج شدند. از آن تاریخ به بعد مسولین کارخانه با ابراز بهانه های واهی سعی در پرداخت نکردن مطالبات کارگران دارند و هنوز بعد از گذشت 8 سال حقوق کارگران را نداد ه اند و کارگران در بلاتکلیفی به سر میبرند.

15تجمع اعتراضی کارگران چینی مقصود

به نوشته سایت آژانس ایران خبر در تاریخ 15 اردیبهشت آمده است: روز سه شنبه، 14 اردیبهشت، بیش از 300 نفر از کارگران چینی مقصود به دلیل اخراجهای بی رویه و حقوق معوقه شان از ساعت 12 جلوی دفتر مرکزی این شرکت تجمع کرده و با پلاکاردهایی خواستار رسیدگی به مطالباتشان شدند به گزارش خبرنگار آژانس ایران خبر، کارگران در این تجمع اعتراضی شعار می دادند: کارگر می میرد ذلت نمی پذیرد کارگران با دزد خواندن مسئولین شرکت حکومت را عامل این جریانات معرفی کردند.

تداوم بازداشت سه تن از فعالین صنفی معلمان

خبر دریافتی از فعالان معلمان ایران در 15 اردیبهشت نوشت: با گذشت یک هفته از بازداشت دبیر کل سازمان معلمان ایران و دو تن از اعضای ارشد کانون صنفی معلمان ایران، ایشان کماکان در بند امنیتی 209 زندان اوین محبوس اند.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، بازداشت علی رضا هاشمی دبیر کل سازمان معلمان ایران، علی اکبر باغانی

دبیرکل کانون صنفی معلمان و محمد بهشتی لنگرودی سخنگوی این کانون با توجه به سپری شدن روز معلم در حالی ادامه می یابد که تاکنون قرار بازداشتی برای ایشان صادر نشده و در اصل بازداشت ایشان غیرقانونی است.

گفتنی است ایشان صبح روز چهارشنبه، هشتم اردی بهشت ماه با مراجعه ی ماموران وزارت اطلاعات به منازل شخصی شان بازداشت شدند.

شواهد حاکی از آن است که بازداشت هاشمی، باغانی و بهشتی لنگرودی و فشار بر دیگر معلمان، بیانیه ای باشد که شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان در اعتراض به صدور احکام سنگین حبس و اعدام برای معلمان زندانی صادر و در پی آن اعلام کرده بود که از ۱۲ تا ۱۸ اردی بهشت ماه دست به اعتصاب غذا میزنند. این در حالیست که روز یکشنبه ۱۲ اردی بهشت ماه نیز نیروهای امنیتی با معلمانی که در این بابویه بر سر مزار ابوالحسن خانعلی گرد هم آمده بودند، برخورد بسیار بدی داشتند و برای متفرق کردن جمعیت اقدام به ضرب و شتم ایشان و بازداشت بسیاری از آنان نمودند. برخی از این افراد پس از اخذ تعهد کتبی مبنی بر عدم حضور در هرگونه تجمعی آزاد شدند.

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه چینی البرز

خبرگزاری آفتاب در ۱۵ اردیبهشت نوشت: در پی پرداخت نشدن ۷ ماه مطالبات معوقه کارگران چینی البرز و نیز اعلام انحلال این کارخانه، جمعی از کارگران این واحد تولیدی، صبح امروز در مقابل دفتر سهامدار عمده چینی البرز تجمع اعتراضی برپا کردند.

هم چنین پیش از ظهر امروز گروهی از کارگران چینی البرز قزوین با مراجعه به دفتر شرکت چینی مقصود در حوالی پارک ساعی تهران، خوستار لغو انحلال کارخانه چینی البرز و دریافت مطالبات معوقه خود شدند.

به گزارش آفتاب، تجمع کنندگان که پلاکارتهایی با موضوعاتی چون اعتراض به عدم پرداخت مطالبات و انحلال کارخانه در دست داشتند؛ اعلام کردند: پس از واگذاری، مالکان جدید با اعتبار کارخانه تا سقف هزار میلیارد تومان درخواست تسهیلات بانکی کردند که تاکنون ۶۰۰ میلیون تومان به ایشان پرداخت شده است.

کارگران چینی البرز میگویند: این پول به جای آنکه در چینی البرز سرمایه گذاری شود به نام پروژههای دیگری که به ظاهر در شهرستانهایی چون همدان قرار دارد؛ هزینه شده است

سدهای فارس خطری برای بوشهر / دو میلیون اصله نخل در آستانه خشک شدن

خبرگزاری مهر در تاریخ ۱۵ مهر نوشت: سدهای احداث شده یا در حال احداث بر روی رودخانه مشترک استانهای فارس و بوشهر در بالادست موجب کم آبی و کاهش آبهای کشاورزی در پایین دست این رودخانه ها در استان بوشهر شده است.

به گزارش خبرنگار مهر در بوشهر، امروزه احداث سد در کشورهای خشک و کم آبی مانند ایران یک ضرورت به شمار می آید اما چگونگی و نحوه احداث این سدها و چگونگی بهره وری مناطق مختلف کشور از این سدها باید مدنظر قرار گیرد.

در چند ساله اخیر از تزییع حقوق استان بوشهر در بخش های زیادی شامل نفت و گاز، فرصت های شغلی و... سخن به میان آمده است اما این بار اتفاقی در بخش کشاورزی استان در حال روی دادن است که در صورت بی توجهی و غفلت نمایندگان و مدیران ارشد استانی فاجعه ای بس عظیم روی خواهد داد.

دولت در سفر اول خود به استان فارس مصوبه ای مبنی بر احداث سد نرگسی در بالادست رودخانه دالکی به تصویب رساند که هرچند ممکن است رضایت کشاورزان منطقه کارزون را کسب کند اما روزگار بدی را برای کشاورزان بوشهری در پایین دست این رودخانه رقم خواهد زد.

هرچند سرشاخه رودخانه دالکی به عنوان رودخانه های مشترک استانهای فارس و بوشهر در استان فارس است اما اقدام غیرکارشناسی و غیر اصولی که با حمایت دولت در حال انجام است مناطق کشاورزی بوشهر را با چالشی جدی روبرو خواهد کرد.

تداوم خشکسالی ها و نبود منابع آبی مناسب در استان بوشهر از یک سو و از سویی دیگر احداث سدهایی همچون سد نرگسی در بالادست رودخانه های مشترک دو استان جز نابودی مناطق کشاورزی و حذف فرصتهای شغلی و افزایش ناهنجاری ها در منطقه دالکی که قطب تولید خرما استان بوشهر محسوب می شود چیزی دیگر به همراه نخواهد داشت.

مرگ دو میلیون اصله نخل با احداث سد نرگسی

در صورت ایجاد این سد در بالادست این رودخانه بیش از دو میلیون اصله نخل منطقه دالکی بوشهر که از آب این رودخانه سیراب می شوند، دچار مرگ تدریجی خواهد شد.

متأسفانه چند سالی است که به دلیل وقوع خشکسالی های متعدد رودخانه دالکی دیگر دارای نشاط و شادابی همیشگی نبوده و گویا قهر طبیعت دامان کشاورزی منطقه را گرفته است اما آنچه موجب نگرانی بیشتر مردم این منطقه شده بهره برداری بی رویه کشاورزان بالادست این منطقه در استان فارس بوده که اندک آب سرازیر شده به استان بوشهر را نیز تهدید می کند.

این موضوع که تاکنون توسط باعداران بالادست صورت می گرفت اکنون با اتمام مطالعات سد نرگسی در استان

فارس وارد فاز تازه ای شده است، فارسی ها هم اکنون و با جدیت تمام، بدون درنظر گرفتن حق السهم بوشهری ها درصدد اجرایی کردن احداث سد نرگسی در این استان هستند. محیط زیست دالکی در خطر است/ رودخانه دالکی در آستانه شور شدن به گفته یکی از کارشناسان آب استان با احداث سد نرگسی در فارس، علاوه بر اینکه کشاورزی منطقه تهدید خواهد شد محیط زیست منطقه دالکی نیز تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. وی که نخواست نامش در این گزارش آورده شود با بیان اینکه هم اکنون آب ورودی به منطقه دالکی از کیفیت پایینی برخوردار بوده که برای کشاورزی مناسب نیست، اظهار داشت: احداث سد نرگسی شوری آب منطقه دالکی را افزایش خواهد داد. وی اضافه کرد: با اتمام این سد شاهد پایین رفتن سطح آبهای زیرزمینی، از بین رفتن کشاورزی منطقه، نابودی محیط زیست و به مخاطره افتادن زندگی هزاران کشاورزی خواهیم بود که در این منطقه به کشاورزی مشغولند. این کارشناس حوزه آب افزود: اگر قرار بود این سد در بالادست سد دالکی احداث شود می بایست با استان بوشهر رایزنی هایی صورت می گرفت که اگر این کار انجام می شد به طور قطع بوشهری ها با آن مخالفت می کردند. احداث سد دالکی در بوشهر توجیه اقتصادی ندارد این کارشناس با اشاره به احداث سد دالکی در پایین دست این رودخانه گفت: مقرر شده سدی در منطقه دالکی احداث شود که اگر سد نرگسی در بالادست این رودخانه ایجاد شود احداث این سد هیچ گونه توجیه اقتصادی ندارد زیرا آبی نمی ماند که پشت سد ذخیره شود. وی اضافه کرد: احداث سد هزینه های سنگین و سرسام آوری دارد و زمانی توجیه اقتصادی و اجتماعی دارد که تمامی تدابیر در نظر گرفته شود. احداث سد نرگسی پیامدهای منفی اجتماعی برای استان بوشهر دربر خواهد داشت چندی پیش نیز مشاور سد دالکی معتقد بود احداث سد نرگسی در استان فارس ممکن است پیامدهای منفی اجتماعی برای استان بوشهر در پی داشته باشد. مرتضوی گفت: با توجه به اینکه برای سد نرگسی فارس، هم نیازهای شرب، هم صنعت و هم آبیاری 11 هزار و 700 هکتار از اراضی کشاورزی منطقه دیده شده است لذا این موضوع شرایطی منفی برای این طرح به وجود خواهد آورد. وی افزود: متأسفانه مشاور سد نرگسی هیچ توجهی به پایین دست این سد نکرده و تمامی هدف خود را معطوف به آبیاری 11 هزار و 700 هکتار از اراضی کشاورزی منطقه کرده است. سدهای احداث شده در فارس مناطق کشاورزی بوشهر را با خطر روبرو کرده است نماینده مردم بوشهر، گناوه و دیلم در مجلس نیز در گفتگو با مهر گفت: سدهای احداث شده بر روی رودخانه های مشترک استان فارس و بوشهر که سرشاخه های آن در استان فارس است مناطق کشاورزی بوشهر را با خطر روبرو کرده است. غلامعلی میگلی نژاد افزود: متأسفانه بدون مطالعه و کارشناسی دقیق سدهای زیادی در بالادست ایجاد شده و نخیلات و مناطق کشاورزی پایین دست که صدها سال از همین رودخانه مشروب می شدند را با مشکلات عدیده ای مواجه کرده است. وی اظهار داشت: هم اکنون سدهایی بر روی رودخانه دائمی دالکی در بالادست و در استان فارس ایجاد شده است که کشاورزان و نخلداران پایین دست این رودخانه که در استان بوشهر وجود دارند، با چالشی جدی روبرو شده اند. میگلی نژاد افزود: هم اکنون حدود شش سد در استان فارس که بر روی رودخانه مشترک دو استان بوشهر احداث شده است کشاورزی استان را تحت تأثیر قرار داده است. وی اظهار داشت: متأسفانه مسئولان وزارت نیرو و مسئولان استان فارس بدون در نظر گرفتن حقایق استان بوشهر اقدام به سدسازی کرده اند و حق کشاورزان استان بوشهر نادیده گرفته شده است. هیچکس خود را پاسخگو نمی داند نماینده مردم بوشهر، گناوه و دیلم در مجلس گفت: متأسفانه به رغم پیگیری های فراوان هیچکس خود را در وزارت نیرو پاسخگو نمی داند. وی اضافه کرد: در همین راستا در خصوص مشکلات کشاورزان استان بوشهر نشست با حضور وزیر نیرو و رئیس کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی جهت بررسی موضوع داشته ایم. حال این سؤال مطرح است که علیرغم نیاز مبرم منطقه دالکی به سدی مخزنی، صدور مجوز جهت احداث سد نرگسی آن هم در بالادست این سد با چه نیتی صورت گرفته است؟ آیا رود دالکی آنچنان پرآب بوده که ظرفیت احداث دو سد مخزنی بزرگ مانند نرگسی در استان فارس و دالکی در استان بوشهر را داشته باشد؟ اگر تاکنون چنین بوده پس اطلاع رسانی های مسئولان در خصوص کمبود آب در این منطقه چیست و اگر چنین نیست آیا هزینه کرد در نقطه بسیار کم آبی مانند دالکی آن هم دو سد مخزنی، هدر دادن بیت المال نیست؟ سئوالاتی که امیدواریم مدیران آبی کشور پاسخگو باشند.

گزارش یک مادر داغدار از روز جهانی کارگر و روز معلم

[/http://maadaraan.tk](http://maadaraan.tk)

به نوشته سایت مادران عزا در تاریخ 15 اردیبهشت آمده است : دیروز ساعت 16/30 برای همراهی با کارگران،

خودم را به جلوی وزارت کار در خیابان آزادی رساندم. ابتدا جمعیت زیاد نبود ولی حدود ساعت 17 جمعیت رو به فزونی می رفت. مردم به صورت پراکنده در پیاده روها مشغول راه پیمایی بودند. برخی نیز در کنار خیابان و یا سکوها و یا در ایستگاه اتوبوس نشسته و برخی نیز در سر چهار راه ایستاده بودند. همه منتظر فرصتی بودند تا بتوانند یکجا جمع شوند و اعتراض خود را به وضع موجود نشان دهند و خواسته های خود را مطرح کنند. آن طرف خیابان نیز شلوغ شده بود. گاهی ماشین ها نیز با مردم همراهی می کردند و بوق می زدند. نیروهای امنیتی در لباس های مختلف به صف شده بودند. بخصوص در جلوی وزارت کار نیروهای امنیتی موج می زدند. لباس شخصی ها نیز در میان جمعیت به وفور دیده می شدند.

ابتدا مأمورین کاری به مردم نداشتند ولی وقتی جمعیت زیاد شد، بخصوص لباس شخصی هایی که خیلی تر و تمیز لباس پوشیده بودند و معلوم بود از افراد رده بالای اطلاعات یا سپاه هستند، تلاش می کردند مردم را متفرق و از ایستادن آنها جلوگیری کنند. شیوه برخورد و لباس پوشیدنشان آدم را یاد ساواکی های زمان شاه می انداخت. یک سرهنگ سپاه با قد بلند و حدود پنجاه سال سن که لباس سبز تیره پوشیده و بلوزش را روی شلوار انداخته بود، دایم اینطرف و آنطرف می رفت و کلافه بود. او حتی با نیروهای آگاهی نیز برخورد کرد که چرا مردم را متفرق نمی کنند. آنها نیز به مردم نگاه می کردند و معلوم بود که زیاد دلشان نمی خواهد با مردم درگیر شوند.

گویا کارگران در مناطق دیگری نیز تجمع داشتند. بر اساس اظهارات یک شاهد عینی، تعدادی از کارگران در میدان فردوسی تجمع کرده بودند که نیروهای امنیتی با آنها درگیر می شوند، تعدادی نیز در چهارراه نواب جمع شده بودند که با برخورد نیروهای امنیتی متفرق می شوند. وزارت کار به شدت محافظت می شد. ماشین های ون و سواری در داخل آن مستقر شده بود. امکان هر حرکتی را سلب کرده بودند و در آماده باش کامل بودند. مردم در خیابان و در داخل اتوبوس ها در رفت و آمد بودند. برخی با هم صحبت می کردند که اینها تا کی می توانند با زور سرنیزه بر مردم حکومت کنند. درون خودشان نیز که پوسیده است و هیچ کدام دیگری را قبول ندارد.

بر اساس اظهارات شاهدان عینی، چند نفر از خانم هایی که در آنطرف خیابان روبروی وزارت کار ایستاده و همچنین چند دختر جوان که اینطرف در ایستگاه اتوبوس نشسته بودند را دستگیر کردند. شکل دستگیری خانم های آنطرف خیابان بدین شکل بوده که مأمورین به شکلی توهین آمیز و با تهدید مردم را به حرکت وامی دارند و آنها نسبت به برخورد مأمورین معترض می شوند. این اعتراض به مذاق مأمورین خوش نمی آید و تصمیم می گیرند برای عبرت دیگران این خانم ها را دستگیر کنند. با اینکه آنها راه می افتند و حتی یک نفر هم به مغازه ای وارد می شود، ولی مأمورین آنها را دنبال می کنند و پس از دستگیری به داخل ون می اندازند. خانم های اینطرف که در ایستگاه اتوبوس نشسته و با هم مشغول صحبت بودند و هیچ کاری نمی کردند، توسط چند لباس شخصی جوان که همانجا بودند، معرفی و دستگیر می شوند.

انتظار می رفت که سران جنبش سبز و بخصوص آقایان موسوی و کروبی از این حرکت کارگران حمایت کنند و در جلوی وزارت کار حضور یابند. ولی کاملاً مشخص بود که این حرکت جدی گرفته نشده است، همانطوری که 17 اسفند (8 مارس) روز جهانی زن جدی گرفته نشد. واقعاً جای تأسف است.

چرا آقایان حاضر نیستند برای پیگیری خواسته های کارگران و زنان و معلمان هزینه کنند؟

چرا برای پیگیری خواسته های آنان حداکثر به یک اعلامیه و یا اطلاعیه اکتفا می شود؟

چرا در زمانی که روز کارگر و روز معلم در پیش است، از شرکت در راهپیمایی 22 خرداد صحبت می شود؟

سران جنبش سبز به خوبی آگاهند که بدون حمایت کارگران، زنان، معلمان، دانشجویان و ...، امکان پیروزی میسر نیست. ولی چرا زمانی که خواسته های مشخص یک گروه مطرح می شود آنها در کنار مردم حضور ندارند؟

شاید فکر می کنند که حرکت های صنفی و سندیکایی و یا حرکت هایی که برای رفع تبعیض های جنسیتی و ... می شود؛ حرکت هایی چپ روانه و خشونت آمیز است. اینها و بسیاری چراهای دیگر، سوالاتی است که بایستی به آنها توجه شود و به دنبال پاسخش باشیم و ساده از روی آنها رد نشویم.

امسال خوشحالم که صحبت های بسیاری راجع به مطالبات و خواسته ها و مشکلات کارگران، معلمان و سایر زحمتکشان جامعه در سطح ملی و بین المللی صورت گرفت، ولی ناراحتیم از اینکه حمایت های لازم آنطور که شایسته و بایسته آنان است در حرکت های اعتراضی و بیرونی مردم صورت نگرفت و به همین دلیل نتوانست صدای این اعتراض ها و درخواست مطالبات به میان مردم کوچه و بازار برسد.

من نیز به عنوان یک مادر داغدار، با صدای بلند اعلام می کنم که برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی-عقیدنی و بخصوص بازداشت شدگان اخیر، روزهای 11 و 12 اردیبهشت را اعتصاب غذای تر کردم.

به امید روزی که تمامی مردم ایران با پیگیری خواسته ها و مطالباتشان، بتوانند محیطی بدون تبعیض اقتصادی، جنسیتی، سیاسی و ... بسازند و در آسایش و آرامش و آزاد زندگی کنند.

یک مادر داغدار

اعصاب غذای معلمان مشهدی در اعتراض به بازداشت یک معلم فعال

یکی از فعالان حقوق بشر به کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران گفت که جمعی از اعضای گروههای صنفی معلمان در مشهد روز معلم ۱۲ اردیبهشت، در اعتراض به ادامه نگهداری مهندس هاشم خواستار، معلم دربند مشهدی در زندان، اعتصاب غذا کردند و در حالی که در اعتصاب غذا بودند در منزل مهندس خواستار حاضر شدند.

در روز معلم جمع گسترده ای از مردم عادی و فعالین، صنفی، سیاسی و دانشجویی مشهد با حضور در منزل این معلم در بند مشهدی ضمن تبریک روز معلم به خانواده و همسر ایشان، خواستار آزادی آقای خواستار شدند.

آقای خواستار یک بار در تاریخ ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ دستگیر و بعد از یک ماه و نیم به قید وثیقه ۲۵ میلیون تومانی آزاد شد. بعد از ۴۹ روز یعنی از ۲۵ شهریور ۸۸ دوباره وی بازداشت و همچنان وی در زندان به سر می برد. طی مدت یاد شده چندین بار خبرهایی از وضعیت نامناسب سلامتی وی توسط خانواده این معلم منتشر شد. اما با مرخصی وی موافقت نشده است.

برنج‌های آلوده همچنان وارد می‌شوند

به نوشته سایت مردمک در ۱۵ اردیبهشت ۸۹ آمده است: انوشیروان محسنی بندپی، نایب رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، از نتایج آنالیز فلزات سنگین ۶۲ مورد برنج وارداتی و آلوده بودن ۱۳ نوع از آنها به سرب و آرسنیک بیش از حد مجاز خبر داد.

این عضو فراکسیون خط امام (فراکسیون اصلاح‌طلبان) مجلس شورای اسلامی روز سه‌شنبه ۱۴ اردیبهشت در گفت‌وگو با خبرنگاری مهر توضیح داد که آنالیز انجام شده برای اندازه‌گیری میزان آرسنیک، سرب و کادمیوم موجود در برنج‌های وارداتی بوده و از اینکه در ایران به دلیل نبود استاندارد برای تشخیص سلامت برنج به ناچار از استاندارد کشور چین استفاده می‌شود، ابراز تأسف کرد.

آقای محسنی ادامه داد: براساس این استاندارد میزان آرسنیک مجاز در برنج، پانزده صدم پی.تی.ام در نظر گرفته شد و از میان ۶۲ نمونه برنج وارداتی برنج‌هایی با نام‌های «سوفی کلاسیک»، «شیرخوان فرهادجان»، «آریا» (خرده فروشی در تهران)، «آریا» (نمونه‌گیری از مبادی ورودی) و «کمال ملکی» دارای آرسنیک بیش از حد مجاز شناخته شدند.

وی افزود: همچنین براساس استاندارد کشور چین میزان سرب مجاز موجود در برنج نیز دو دهم پی.تی.ام است که بررسی‌ها در این ۶۲ نمونه نشان داد نمونه‌های «عطر گل پاس»، «دل مبارکه کامونکی»، «سارال»، «کیمیا»، «جادوگر»، «هاشمی ۱۱۲۱»، «عرمان» و «حاجی مرادی» هم دارای سرب بالاتر از حد استاندارد هستند.

وی در عین حال تصریح کرد که میزان کادمیوم موجود در برنج‌های وارداتی نیز در این بررسی‌ها اندازه‌گیری شد و نمونه‌های آزمایش شده در این مورد مشکلی نداشت.

آقای محسنی تأکید کرد که درباره آلودگی‌های موجود در برنج‌های آزمایش شده، گزارشی تهیه شده که پس از جمع‌بندی به رئیس مجلس و وزارتخانه بهداشت و درمان، وزارت بازرگانی و موسسه استاندارد داده می‌شود.

عضو فراکسیون خط امام مجلس در ادامه گفت: «در این گزارش توصیه کرده‌ایم، از نمونه‌های آزمایش شده‌ای که میزان سرب و آرسنیک آنها پایین نشان داده شده به عنوان واردات مورد استفاده قرار گیرد یا اینکه قبل از ورود به کشور میزان غلظت این مواد در برنج‌ها بررسی شده و سپس وارد کشور شود.

آقای محسنی اختلاف‌های موجود در گذشته بر سر بررسی نمونه‌ها را به دلیل نوع آزمایش و نحوه نمونه‌گیری دانست.

وی گفت: پس از توافق‌های به عمل آمده برای شیوه آزمایش و نمونه‌گیری، هشت نهاد از جمله سازمان بازرسی کل کشور، وزارت بازرگانی، پژوهشگاه استاندارد و استاندارد تهران ناظر بر آزمایش‌های انجام شده بودند و تمام مراحل آزمایش و نحوه آماده کردن نمونه‌ها و خواندن آنالیزها با حضور همه این ناظران انجام شد.

داستان برنج‌های آلوده

اوایل مهرماه سال ۸۸، موسسه استاندارد ایران از آلودگی ۱۳ نوع برنج خارجی وارداتی، به فلزات سنگین از جمله سرب، روی و کادمیوم خبر داد.

موسسه استاندارد از مصرف‌کنندگان خواسته بود تا از خرید برنج‌های وارداتی با نام‌های آریا، خاطره، ۱۸۱، مینویک، پاندا، محسن، مه کلاسیک، آفرین، مزده، کریستال، جادوگر، کمال ملکی و طوبا طلایی خودداری کنند.

پس از اعلام خبر واردات برنج‌های آلوده به بازار داخلی، کمیسیون کشاورزی دستگاه‌های مسئول در این زمینه را موظف کرد تا این موضوع را بررسی کرده و در این مورد به کمیسیون توضیح دهند.

با این حال ستاد ملی بررسی سلامت برنج که نمایندگانی از وزارت بهداشت، بازرگانی، جهاد کشاورزی و موسسه استاندارد در آن حضور دارند، در آن زمان با تأکید بر اینکه همه برنج‌های وارداتی سالم هستند، اعلام کرده بود که ۱۳ نوع برنج وارداتی دارای مجوز را بررسی کرده و همه آنها از نظر رعایت معیارهای بهداشتی و استانداردهای لازم، مورد تأیید بودند.

اما با وجود اعلام سازمان استاندارد مبنی بر آلودگی شدید بیش از پنج نوع برنج، سازمان گمرک، با این تصور که اگر مجوز اداره کل استاندارد را داشته باشد معنی برای واردات ندارد، این برنج‌ها را وارد بازار کرده بود.

به دنبال آن، جمیل علیزاده شایق، دبیر انجمن برنج ایران، در اسفند ماه سال گذشته اعلام کرد که «هیچ مرجع رسمی که نظر قطعی خود را راجع به آلوده بودن یا نبودن برنج‌های وارداتی اعلام کند، وجود ندارد و در نهایت هیچ نهادی میان نظر مجلس، موسسه استاندارد و وزارت بهداشت نیست که بر سر این مسئله مهم حکمیت کند.»

از سوی دیگر پس از گذشت ماه‌ها از کشمکش بر سر آلودگی برنج‌های وارداتی، مرضیه وحید دستجردی، وزیر بهداشت در دیدار با علی لاریجانی، رئیس مجلس بار دیگر ادعا کرد که در سالم بودن این برنج‌ها شک وجود ندارد.

وزیر بهداشت گفته بود که پس از آزمایش آرسنیک برنج‌های وارداتی در آزمایشگاه مرجع وزارت بهداشت، مشخص شد که برنج‌های وارداتی آلوده نیست. وزارت بهداشت در چند ماه گذشته و در پی جنجال برسر آلودگی برنج‌های وارداتی، بارها تاکید کرده بود که اثری از آلودگی در برنج‌های وارداتی نیست. بحث آلودگی برنج‌های وارداتی در حالی مطرح می‌شود که آمار منتشر شده از سوی گمرک ایران نشان می‌دهد سالانه بیش از یک میلیون تن برنج به کشور وارد می‌شود که این میزان دو برابر نیاز مصرف کشور است.

اخراج ۲۰۰ کارمند شرکت هواپیمایی تابان

به نوشته سایت کلمه در تاریخ ۱۵ اردیبهشت آمده است: با ممنوعیت پرواز هواپیماهای روسی توپولف بیش از ۲۰۰ کارمند یک شرکت هواپیمایی ایرانی در آستانه اخراج قرار گرفتند. یک منبع آگاه در سازمان هواپیمایی کشور با اعلام این خبر گفت: در پی دستور العمل سازمان هواپیمایی کشور مبنی بر توقف پرواز توپولف‌های استیجاری، شرکت هواپیمایی تابان علاوه بر زیان شدید اقتصادی به دلیل از رده خارج شدن ۵ فروند هواپیمای توپولف اجاره ای، مجبور است نیمی از ۷۰۰ پرسنل ایرانی خود را تعدیل و اخراج کند. به گفته وی براساس دستورالعمل سازمان هواپیمایی کشوری از ابتدای اردیبهشت امسال اجازه پرواز برای هیچ هواپیمای توپولف صادر نشده و در این مدت بیش از ۲۰۰ پرواز شرکت تابان لغو شده که این مساله زیان شدیدی را متوجه این شرکت کرده است. گفتنی است شرکت هواپیمایی تابان ۱۰ فروند هواپیما در اختیار داشت که پنج فروند آن توپولف اجاره ای بود و اخیراً با اجرای دستورالعمل سازمان هواپیمایی کشور برنامه پرواز این شرکت دچار بی نظمی‌ها و تاخیرهای زیادی شده و مسافران این شرکت بعد از ساعت‌ها سرگردانی در فرودگاه‌های داخلی و خارجی مجبور به استفاده از سایر خطوط هواپیمایی شدند. اوایل بهمن ماه سال گذشته پرواز آبادان - مشهد هواپیمای شرکت هوایی تابان هنگام فرود در باند فرودگاه شهید هاشمی نژاد مشهد دچار سانحه و آتش سوزی شد که ۳۰ نفر از مسافران زخمی شده بودند.

اختلاس میلیاردری حسابدار شرکت دولتی

به نوشته سایت کلمه در تاریخ ۱۵ اردیبهشت آمده است: حسابدار یکی از شرکت‌های دولتی به خاطر یک میلیارد تومان اختلاس تحت تعقیب قرار گرفت. به گزارش تهران امروز در دی ماه سال ۸۸ نماینده حقوقی یکی از سازمان‌های دولتی به شعبه پنجم بازپرسی دادسرای ناحیه ۷ تهران شکایتی بر علیه جوان ۳۰ ساله‌ای به نام «محمد ر» را تنظیم کرد: از ابتدای سال ۸۸ این فرد با مدرک دانشگاهی کارشناسی رایانه به صورت قراردادی در شغل حسابداری مشغول به کار شد. پس از چند ماه در حالی که وی پس از اختلافات و تناقضی که در برخی اسناد مالی و دریافت‌های سازمان به وجود آمده بود و در این رابطه انگشت اتهام متوجه وی شده بود به یک پاره در محل کار حضور نیافته و با حساسیت بیشتری که در این خصوص به وجود آمده بود، در بررسی‌های بیشتر معلوم شد وی با جعل تعدادی از اسناد مالی در مجموع مبالغی نزدیک به یک میلیارد تومان به نفع خود از حساب‌های دولتی خارج کرده است. در این رابطه بررسی‌های بعدی نیز نشان می‌داد مدرک کارشناسی رایانه وی نیز جعلی است. با تشکیل پرونده و پس از بررسی‌های زیادی که از سوی کارآگاهان به عمل آمد و اطمینان از این که «محمد ر» بعد از این ماجرا زندگی مخفیانه‌ای را در پیش گرفته دستور انتشار عکس بدون پوشش وی صادر شد. سرهنگ کارآگاه فریدون رهبریان معاون مبارزه با جرائم خاص و رایانه‌ای پلیس آگاهی تهران بزرگ می‌گوید: از شهروندان محترم درخواست می‌کنیم تا هر گونه اطلاعاتی که از متهم یا مخفیگاه وی دارند با مراجعه به اداره سیزدهم پلیس آگاهی واقع در خیابان وحدت اسلامی یا شعبه پنجم بازپرسی دادسرای ناحیه ۷ تهران اعلام نموده یا با شماره تلفن ۵۱۰۵۵۴۳۴ تماس حاصل نمایند.

اعصاب غذای معلمان مشهدی در اعتراض به بازداشت یک معلم فعال

برپایه ایمیل دریافتی به ایمیل ما آمده است: که جمعی از اعضای گروه‌های صنفی معلمان در مشهد روز معلم ۱۲ اردیبهشت، در اعتراض به ادامه نگهداری مهندس هاشم خواستار، معلم دربند مشهدی در زندان، اعتصاب غذا کردند و در حالی که در اعتصاب غذا بودند در منزل مهندس خواستار حاضر شدند. در روز معلم جمع گسترده‌ای از مردم عادی و فعالین، صنفی، سیاسی و دانشجویی مشهد با حضور در منزل این معلم دربند مشهدی ضمن تبریک روز معلم به خانواده و همسر ایشان، خواستار آزادی آقای خواستار شدند.

آقای خواستار یک بار در تاریخ ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ دستگیر و بعد از یک ماه و نیم به قید وثیقه ۲۵ میلیون تومانی آزاد شد. بعد از ۴۹ روز یعنی از ۲۵ شهریور ۸۸ دوباره وی بازداشت و همچنان وی در زندان به سر می‌برد. طی مدت یاد شده چندین بار خبرهایی از وضعیت نامناسب سلامتی وی توسط خانواده این معلم منتشر شد. اما با مرخصی وی موافقت نشده است.

بحران های کارگری و ادامه بازداشت دستگیرشدگان روز کارگر

کارگران چینی البرز در اعتراض به تعطیلی و صدور حکم انحلال کارخانه و همچنین عدم دریافت ۷ ماه حقوق معوقه خود، دست به تحصن اعتراضی زدند و همزمان واحدهای تولیدی کیان تایر (لاستیک البرز) و گندله سازی گل گهر در کرمان در آستانه تعطیلی، اقدام به اخراج کارگران و عدم پرداخت ماهها دستمزد آنان کردند. به گزارش سایت اصلاح طلب جرس، در اعتراض به اعمال سیاست های ضدکارگری رژیم، کارخانه کیان تایر (لاستیک البرز) واحد تولیدی دولتی در آستانه تعطیلی قرار گرفته و تصمیم به اخراج کارگران خود گرفته است.

این درحالی است که هم اکنون شش ماه حقوق کارگران آن واحد تولیدی به تعویق افتاده و کسی در این زمینه پاسخگوی کارگران نیست.

دو هفته پیش نیز کارگران این واحد تولیدی که در اسلامشهر (جنوب غربی تهران) واقع شده است، در ادامه اعتراض به بلاتکلیفی خود، دست به تجمع اعتراضی در پشت نرده های کارخانه مشرف به جاده اسلامشهر زدند و بدلیل عدم دریافت پاسخ قانع کننده مسئولان، تجمع اعتراضی خود را به پشت نرده های کارخانه مشرف به جاده اسلامشهر کشاندند و با آتش زدن لاستیک و سر دادن شعار خواهان رسیدگی به مطالبات و خواست های خود شدند. به گزارش خبرگزاری حکومتی ایلنا، در پی پرداخت نشدن ۷ ماه مطالبات معوقه کارگران چینی البرز و نیز اعلام انحلال این کارخانه، جمعی از کارگران این واحد تولیدی، صبح امروز سه شنبه ۱۴ اردیبهشت ماه، در مقابل دفتر سهامدار عمده چینی البرز تجمع اعتراضی برپا کردند. بر اساس این گزارش، پیش از ظهر نیز گروهی از کارگران چینی البرز قزوین با مراجعه به دفتر شرکت در حوالی پارک ساعی تهران، خواستار لغو انحلال کارخانه چینی البرز و دریافت مطالبات معوقه خود شدند.

فعالیت کارخانه گندله سازی گل گهر سیرجان که در سفر اخیر احمدی نژاد به استان کرمان به عنوان بزرگترین شرکت گندله سازی در خاورمیانه رسماً افتتاح شده بود، (در کمتر از دو هفته) متوقف شد. یک منبع آگاه خاطرنشان کرد "تعطیلی موقت کارخانه به دلایل فنی یا مشکلات تأمین نیروی انسانی نیست، بلکه بنا بر اعلام نیاز رسمی شرکت گاز منطقه - برای عملیات لوله گذاری در ۵۰ کیلومتری خطوط انتقال گاز فشار قوی، که از اواخر خرداد سال ۸۸ آغاز و تاکنون ادامه دارد - و نیز تداخل این موضوع با افتتاح رسمی کارخانه توسط رئیس دولت، موجب شد که عملیات راه اندازی کارخانه و افتتاح آن در فروردین ۸۹ انجام شود و اینک خط تولید کارخانه خاموش است."

لازم به ذکر است اکنون کارگران این واحد صنعتی دولتی، بعد از دو هفته در بلاتکلیفی به سر می برند. همزمان رسانه های خبری و فعالان حقوق بشری، از ادامه بازداشت گروهی از دستگیر شدگان روز کارگر خبر دادند که خبری از آنها در دست نمی باشد

هفت میلیون و پانصد هزار نفر در حاشیه شهرها زندگی می کنند

خبرگزاری حکومتی مهر در تاریخ ۱۵ اردیبهشت نوشت: معاون دبیرخانه ستاد ملی توانمند سازی و ساماندهی سکونتگاههای غیر رسمی کشور گفت: بر اساس برآوردها هفت میلیون و ۵۰۰ هزار نفر در مناطق حاشیه ای شهر های کشور ساکن هستند. حیدر حسین زاده در نشست بررسی راههای مقابله با حاشیه نشینی افزود: مشکل عمده ساکنان سکونتگاههای غیر رسمی کشور در مرحله نخست مسکن نیست. وی ادامه داد: معمولاً حاشیه نشینی با مشکلات اجتماعی و اقتصادی بویژه مشکل اشتغال همراه است و بر اساس برآوردها هفت میلیون و ۵۰۰ هزار نفر در مناطق حاشیه ای شهر های کشور ساکن هستند. معاون دبیرخانه ستاد ملی توانمند سازی و ساماندهی سکونتگاههای غیر رسمی کشور گفت: ۹۱ درصد سکونتگاههای غیر رسمی در محدوده شهرهای کشور واقع اند که ۸۵ درصد آنها قدمت بیش از ۱۵ سال دارند. حسین زاده ادامه داد: هم اکنون ایران ششمین کشور جهان، اولین کشور خاورمیانه و سومین کشور آسیایی است که دارای سند ملی به منظور رسیدگی به وضعیت این گونه سکونتگاهها است. حسین زاده گفت: باید با در نظر گرفتن مشوق های خاص، حاشیه نشینان شهرها را برای بازسازی و ساماندهی این مکانها بسیج کرد. وی از عوامل دخیل در توانمندسازی سکونت گاههای غیر رسمی خواست تا با همکاری و تلاش مضاعف زمینه لازم را برای ساماندهی این نقاط فراهم آورند.

کارخانه های لرستان تعطیل می شوند؛ در اینجا اشتغال رو به مرگ است

به نوشته سایت لرنا در تاریخ ۱۵ اردیبهشت آمده است: رضا رحیمی نسب نماینده خرم آباد با اشاره به اینکه قبل از انقلاب ۶ کارخانه بزرگ در لرستان وجود داشت؛ گفت: کارخانه چرم و پوست تعطیل شده و کشت و صنعت نیز که علاوه بر تامین دام، شیر و لبنیات استان، نیازهای کشور را تامین می کرد در بحران کامل به سر می برد. چنانچه نقدینگی به کارخانه پارسیلون تزریق نشود بحران واقعی در آن غیر قابل انکار خواهد بود. شرایط کارخانه یخچال سازی بوژان نیز بحرانی است. بر مبنای آمارهای اعلام شده لرستان با ۲۴ درصد بالاترین میزان بیکاری را دارد اما آمار واقعی بیکاری را بیش از ۴۰ درصد نشان می دهد

ایلنا: عضو کمیسیون اجتماعی مجلس هشتم با تاکید بر اینکه در حال حاضر استان لرستان با معضل بیکاری جدی روبه رو است گفت: سالهاست با شعار کشاورزی، مانع صنعتی شدن لرستان می شوند و در حال حاضر نه تنها صنعتی نداریم بلکه در بخش کشاورزی نیز با چالشهای اساسی روبه رو هستیم. رضا رحیمی نسبت در گفت و گو با خبرنگار ایلنا، با تاکید بر اینکه به صنعت استان لرستان هیچ توجهی نشده

است؛ گفت: در حال حاضر کمترین مجموعه، بنگاه صنعتی و کارخانه را در لرستان داریم. وی با اعلام اینکه قبل از انقلاب 6 کارخانه بزرگ در لرستان وجود داشت؛ گفت: کارخانه چرم و پوست تعطیل شده و کشت و صنعت نیز که علاوه بر تامین دام، شیر و لبنیات استان، نیازهای کشور را تامین می‌کرد در بحران کامل به سر می‌برد و این بحران از هنگامی آغاز شد که بانک ملی سهام این شرکت را واگذار کرد. نماینده خرم آباد با انتقاد از نحوه واگذاری کشت و صنعت به بخش خصوصی، گفت: این وحد را با چندین هکتار زمین، سوله، تجهیزات به قیمت 30 میلیارد تومان واگذار کردند که بارها به این واگذاری اعتراض کردم اما به جایی نرسید تا امروز بحرانی شده است.

وی در مورد کارخانه پارسیلون نیز گفت: اگرچه با تلاش بسیار این واحد را فعال کرده ایم اما همچنان به لحاظ کمبود نقدینگی مشکل دارد و چنانچه نقدینگی به این واحد تزریق نشود بحران واقعی در آن غیر قابل انکار خواهد بود.

وی شرایط کارخانه یخچال‌سازی بوژان را نیز بحرانی توصیف کرد و گفت: نه تنها جلوی واردات بی‌رویه کلاهی مشابه را نمی‌گیرند بلکه کمک و یاری به صنعت نمی‌شود و اکثر واحدها با بحران نقدینگی ناشی از شرایط به اقتصادی روبه رو هستند.

رحیمی نسب در مورد کشاورزی لرستان گفت: این استان روی آب قرار دارد به نوعی که از طریق رودهای دز و کرخه 13/5 میلیارد متر مکعب خروجی آب داریم اما این حجم آب بیش از 2 هزار هکتار زمین‌های خوزستان را آبیاری می‌کند در حالی که کشاورزی لرستان ناگزیر به استفاده از آبیاری دیم است. وی گفت: این فاجعه‌ای بزرگ برای استانی است که با این حجم خروجی آب، باید زمین‌های کشاورزی‌اش در بی‌آبی به سر برند.

وی با اعلام اینکه بر مبنای آمارهای اعلام شده لرستان با 24 درصد بالاترین میزان بیکاری را دارد؛ گفت: آمار واقعی بالای 40 درصد است و بارها این معضل را در مجلس فریاد زده و به گوش مسوولان رسانده ایم حتی در قالب جلسات متعدد مشکلات را به دولت انعکاس داده ایم اما لرستان مانده و گوش‌هایی که شنوا نیستند. عضو کمیسیون اجتماعی مجلس از حجم بالای بیکارانی خبر داد که به دفتر نمایندگانشان در مجلس مراجعه می‌کنند و گفت: وقتی جوان تحصیل کرده اما بیکاری به دفتر مراجعه می‌کند که حاضر است هر کاری بکند به شرط آنکه بیکار نباشد به غیر از خجالت برای مسوولان چه حرف دیگری باقی می‌ماند.

وی با اعلام اینکه لرستان بیش از 70 هزار فارغ التحصیل بیکار دارد؛ گفت: در استانی که از 170 هزار بیکار 70 هزار نفرش تحصیل کرده دانشگاهی باشد آیا می‌توان ادعا کرد که این استان از نظر توان علمی و عملی مشکل دارد یا باید باور کنیم که مسوولان نمی‌دانند چگونه برای این قشر تحصیل کرده چگونه اشتغال ایجاد کنند.

رحیمی نسب جمعیت استان را یک میلیون و 700 هزار نفر اعلام کرد و گفت: با توجه به اینکه 10 درصد جمعیت کل استان بیکار هستند آیا نمی‌توان ادعا کرد که در هر خانه‌ای 2 تا 3 نفر بیکار وجود داشته باشد.

وی با اعلام اینکه بسیاری از مردمان لرستان طرح اشتغالزای برای دریافت تسهیلات ارائه داده‌اند گفت: بانک‌ها تسهیلات نمی‌دهند و به نظر من بانک‌ها یک حکومت مستقل تشکیل داده و مستقل عمل می‌کنند زیرا حاضر نیستند یک ریال خارج از آنچه خودشان باور دارند پرداخت کنند.

نماینده خرم آباد در مجلس هشتم از فشارهایی که به وسیله مجلس و نهاد ریاست‌جمهوری به بانک‌ها برای پرداخت تسهیلات وارد شده است؛ خبر داد و گفت: برای بانک تنها امضایی که ارزش دارد امضای رئیس بانک است و به غیر از آن به هیچ مسوولی پاسخگو نیستند؛ به همین دلیل متقاضیان لرستان نمی‌توانند تسهیلات بگیرند.

وی آینده لرستان را در شرایط فعلی تاریک توصیف کرد و گفت: لرستان با بحران جدی روبه رو است و افشار تحصیل کرده و نیروی کار این استان به شهرها و استانهای دیگر مهاجرت می‌کنند که همین امر به زودی بحران جدیدی تحت عنوان نبود نیروی کار با انگیزه را در لرستان رقم می‌زند.

تکذیب مخالفت با استخدام 40 هزار معلم

به نوشته سایت تابناک در تاریخ 15 اردیبهشت 89 آمده است: نمایندگان، دیروز، دو فوریت طرحی را تصویب کردند که بر اساس آن مجلس، مشخص شدن وضع نیروهای حق التدریس و در اولویت قرار گرفتن آنها برای استخدام را خواستار شده بود و این موضوع مخالفتی با استخدام 40 هزار معلم جدید ندارد. رئیس کمیسیون آموزش مجلس گفت: آنچه دیروز در مجلس تصویب شد، ساماندهی وضع معلمان حق التدریس بود نه مخالفت با استخدام 40 هزار معلم جدید.

عباسپور در گفتگو با پایگاه اطلاع رسانی شبکه خبر افزود: نمایندگان، دیروز، دو فوریت طرحی را تصویب کردند که بر اساس آن مجلس، مشخص شدن وضع نیروهای حق التدریس و در اولویت قرار گرفتن آنها برای استخدام را خواستار شده بود و این موضوع مخالفتی با استخدام 40 هزار معلم جدید ندارد.

وی گفت: آنچه دیروز مجلس با دو فوریت تصویب کرد فراهم شدن اولویت برای استخدام 60 هزار نفر نیروی حق التدریس توسط آموزش و پرورش بود.

رئیس کمیسیون آموزش مجلس در پایان گفت: وزارت آموزش و پرورش می‌تواند در استان‌ها بر اساس رشته‌هایی که نیاز دارد، از طریق آزمون، نیروی جدید استخدام کند.

برخی سایت‌ها و خبرگزاری‌ها دیروز با اشاره به تصویب طرح دو فوریتی اصلاح قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان اعلام کرده بودند، مجلس با استخدام 40 هزار نیروی جدید در وزارت آموزش و پرورش مخالفت کرده است.

این در حالی است که بر اساس مصوبه مجلس، ابتدا باید وضع معلمان حق‌التدریس این وزارتخانه که حدود 60 هزار نفر هستند، مشخص و پس از آن برای استخدام نیروهای جدید اقدام شود.

مطالبات ۶۰۰ کارگر بازنشسته ۶ میلیارد؛ مبلغ پرداختی ۱۰ میلیون تومان

سایت کلمه در تاریخ 15 اردیبهشت نوشت: کارگران بازنشسته شرکت واگن پارس برای دومین بار در سال جاری پس از اجتماع اعتراض آمیز نسبت به عدم پرداخت مطالبات معوق در روز ۸ اردیبهشت ماه و انعکاس مشکلات خود به دفتر ریاست جمهوری به صورت حضوری در آن زمان با توجه به گذشت زمان سپری شده از پاسخگویی این دفتر به مشکلاتشان بار دیگر روز گذشته در مقابل در ورودی شرکت اجتماع کرده و بر تحقق خواسته‌های خود تاکید کردند.

به گزارش ایلنا، مداحی، نماینده کارگران بازنشسته شرکت واگن پارس، با اشاره به وعده مسئول دفتر ریاست جمهوری در خصوص پیگیری درخواست مطالبات کارگران بازنشسته این شرکت از طریق وزیر صنایع و معادن و قول پاسخگویی حداکثر تا پایان روز ۱۲ اردیبهشت ماه گفت: متأسفانه با گذشت سه روز از زمان موعود به رغم مراجعه ما به دفتر ریاست جمهوری، هیچگونه پاسخی تا این لحظه دریافت نکرده‌ایم.

وی ضمن تاکید بر پیگیری مطالبات بازنشستگان شرکت واگن پارس که هر یک بیش از ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان از شرکت طلب دارند مجموع مطالبات ۶۰۰ کارگر بازنشسته واگن پارس را بالغ بر ۶ میلیارد تومان عنوان کرد و افزود: در اجتماعی که دیروز صبح ساعت ۱۱ در مقابل شرکت با حضور همه کارگران بازنشسته داشتیم مسئولین شرکت از واریز مبلغ ۱۰ میلیون تومان از کل مطالبات کارگران خبر دادند. که گویا این مبلغ از طریق «رزازی» مدیرعامل شرکت از منبعی تامین شده است.

مداحی با بیان اینکه این مبلغ با توجه به جمعیت کارگران بازنشسته و میزان مطالبات هر کدام هیچ مشکلی را از آنان درمان نمی‌کند تصریح کرد: مدیران شرکت یا باید در رابطه با اختلاف شرکت‌های زمینس و رجا پیگیری نمایند تا به مطالبات ما پاسخ گویند و یا پیگیری وعده دفتر ریاست جمهوری باشند.

وی گفت: طبق گفته مسئولین شرکت پاسخ دفتر ریاست جمهوری شاید تا ۱۰ روز دیگر به مدیران شرکت ابلاغ گردد.

مداحی گفت: کارگران به احترام قانون و به منظور حفظ آرامش کشور ۱۰ میلیون تومان را پذیرفته‌اند و تا ۱۰ روز دیگر نیز صبر می‌کنند اما پیگیری آنان برای دریافت مطالبات صنفی و به حقشان به هر صورت ممکن ادامه دارد.

سی تی از کارگران مخابرات کردستان

بر اساس گزارش رسیده، روز چهارشنبه مورخ 89/2/15 سی نفر از کارگران شرکت مخابرات کردستان که به صورت قراردادی از 12 تا 14 سال سابقه کار دارند، اخراج شدند

لازم به ذکر است که این کارگران از طرف مخابرات به یک شرکت خدماتی واگذار شده است.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

15 اردیبهشت 89

www.khamahangi.com

معلم عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان به یک سال زندان محکوم شد

حسن صالح زاده، عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان استان کردستان، از سوی بیدادگاه انقلاب اسلامی به یک سال زندان به مدت 2 سال تعلیق محکوم شد.

به گزارش هرانا، حسن صالح زاده، معلم مقطع متوسطه و مدیر آموزشگاه علمی ریباز شهرستان سقز، 21 تیرماه سال 88 توسط نیروهای اطلاعاتی بازداشت شد. گفتنی است وی مدت 26 روز تحت شکنجه های جسمی و روحی در زندان های اداره اطلاعات سقز و سنندج نگهداری شد. وی با قید وثیقه تا فرار رسیدن دادگاهش آزاد شد.

مرگ یک کارگر بر اثر حادثه در محل کار

طبق گزارش ارسالی به کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری روز سه شنبه مورخ 24/1/89 کارگر جوانی بنام حامد نصیحتی که فقط 18 سال داشت بر اثر سقوط تعداد زیادی MDF بر روی وی دچار آسیب دیدگی شدید شد و به دنبال این حادثه، بلافاصله به بیمارستان رازی رشت انتقال یافت. نامبرده در کارگاه برشکاری سعید واقع در ابتدای جاده انزلی، بدون برخورداری از بیمه تامین اجتماعی مشغول بکار بود. متأسفانه به دلیل شدت جراحات وارده، به خصوص در اندامهای داخلی، پس از 11 روز بستری شدن، در تاریخ

4/2/89 جان خود را از دست داد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری ضمن ابرازهمدردی، این حادثه ناگوار را به خانواده ایشان تسلیم می گوید.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

15 اردیبهشت 89

اخراج سی تن از کارگران مخابرات کردستان

بر اساس گزارش رسیده، روز چهارشنبه مورخ 89/2/15 سی نفر از کارگران شرکت مخابرات کردستان که به صورت قراردادی از 12 تا 14 سال سابقه کار دارند، اخراج شدند

لازم به ذکر است که این کارگران از طرف مخابرات به یک شرکت خدماتی واگذار شده است

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

15 اردیبهشت 89

دومین تجمع کارگران بازنشسته شرکت واگن پارس در سال جاری

ایلنا خبرگزاری دولتی ایران در تاریخ 15 اردیبهشت اعلام داشت: کارگران بازنشسته شرکت واگن پارس برای دومین بار در سال جاری پس از اجتماع اعتراض آمیز نسبت به عدم پرداخت مطالبات معوق در روز ۸ اردیبهشت ماه و انعکاس مشکلات خود به دفتر ریاست جمهوری به صورت حضوری در آن زمان، با توجه به عدم پاسخگویی این دفتر به مشکلاتشان بار دیگر روز گذشته، مورخ چهاردهم اردی بهشت ماه، مقابل در ورودی شرکت اجتماع کرده و بر تحقق خواسته های خود تاکید کردند.

به گزارش ایلنا، مداحی، نماینده کارگران بازنشسته شرکت واگن پارس، با اشاره به وعده مسئول دفتر ریاست جمهوری در خصوص پیگیری درخواست مطالبات کارگران بازنشسته این شرکت از طریق وزیر صنایع و معادن و قول پاسخگویی حداکثر تا پایان روز ۱۲ اردیبهشت ماه گفت: متأسفانه با گذشت سه روز از زمان موعود به رغم مراجعه ما به دفتر ریاست جمهوری، هیچگونه پاسخی تا این لحظه دریافت نکرده ایم.

وی ضمن تاکید بر پیگیری مطالبات بازنشستگان شرکت واگن پارس که هریک بیش از ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان از شرکت طلب دارند مجموع مطالبات ۶۰۰ کارگر بازنشسته واگن پارس را بالغ بر ۶ میلیارد تومان عنوان کرد و افزود: در اجتماعی که دیروز صبح ساعت ۱۱ در مقابل شرکت با حضور همه کارگران بازنشسته داشتیم مسئولین شرکت از واریز مبلغ ۱۰ میلیون تومان از کل مطالبات کارگران خبر دادند. که گویا این مبلغ از طریق «رزازی» مدیرعامل شرکت از منبعی تأمین شده است.

مداحی با بیان اینکه این مبلغ با توجه به جمعیت کارگران بازنشسته و میزان مطالبات هر کدام هیچ مشکلی را از آنان درمان نمی کند تصریح کرد: مدیران شرکت یا باید در رابطه با اختلاف شرکت های زمینس و رجا پیگیری نمایند تا به مطالبات ما پاسخ گویند و یا پیگیری وعده دفتر ریاست جمهوری باشند. وی گفت: طبق گفته مسئولین شرکت پاسخ دفتر ریاست جمهوری شاید تا ۱۰ روز دیگر به مدیران شرکت ابلاغ گردد.

مداحی گفت: کارگران به احترام قانون و به منظور حفظ آرامش کشور ۱۰ میلیون تومان را پذیرفته اند و تا ۱۰ روز دیگر نیز صبر می کنند اما پیگیری آنان برای دریافت مطالبات صنفی و به حقشان به هر صورت ممکن ادامه دارد.

فعالین سندیکایی آلمان خواستار آزادی منصور اسانلو

فعالین سندیکایی آلمان طی ماههای اخیر با جمع آوری امضاء خواستار آزادی منصوراسانلو وکارگران زندانی در ایران شدند. مسئولین سندیکایی در اشتوتگارت آلمان در ۲۰ فوریه ۲۰۱۰ طی فراخوانی با تشریح وضعیت کنونی منصوراسانلو بعنوان یک کارگرنزدانی که تحت فشار و توطئه چینی عوامل سرکوب در زندان می باشد برای درخواست آزادی وی کمپینی را برای جمع آوری امضاء سازماندهی نمود. درباره ی وضعیت کارگران زندانی تا کنون گزارشات متعددی در سطح افکاربین المللی انعکاس یافته است و در ادامه این کمپین درروزاول ماه مه ۲۰۱۰ نیز آقای برنارد لوفر رئیس بخش منطقه ای اتحادیه ی سندیکاهای کارگران آلمان (د. گ. ب) طی سخنرانی خود بمناسبت اول ماه مه در اشتوتگارت آلمان مجدد به وضعیت منصوراسانلو در زندان پرداخت. آقای لوفر گفت:

همکاران عزیز

از آنجا که مراسم اول ماه مه جشن همبستگی جهانی است امروز ما در اینجا فعالین سندیکایی سرکوب شده نظیر منصور اسانلو رئیس هیات مدیره سندیکای شرکت واحد را بیاد می آوریم. وی سپس با تشریح

فشارهایی که تاکنون بر منصور اسانلو وارد شده است اضافه کرد :
ایران و آلمان شریک اقتصادی یکدیگرند و دولت آلمان امکاناتی در اختیار دارد که به دولت ایران می تواند فشار وارد نماید تا دست از نقض دائمی حقوق بشر بردارد. ما این درخواست خود را به تمامی نمایندگان احزاب در مجلس نوشته ایم که متأسفانه تاکنون فقط فراکسیون سوسیال دمکراتها در مجلس آلمان به نامه ما پاسخ مثبت داده اند و از خواستههای ما حمایت کرده اند .
همچنین شرکت "دایملر" نیز اعلام کرد روابط اقتصادی خود را با ایران کمتر می کند و به نظر ما این قدمی مثبتی است که باید دیگران نیز در این راه گامی بچلو گذارند .
زمانیکه منصور اسانلو در فوریه امسال به سلول انفرادی برده شد فدراسیون بین المللی سندیکاهای اتوبوس رانی نیز کمپین اعتراضی سازماندهی نمود که تأثیرات خود را بر جا گذاشت . با این وجود منصور اسانلو و تعدادی دیگر از فعالین سندیکایی همچنان در زندان هستند و بهمین دلیل اعتراضات بین المللی باید با مطالبه ی آزادی کارگران زندانی در ایران ادامه یابد.

در خاتمه آقای لوفر از تمامی شرکت کنندگان در مراسم اول ماه مه در شهر اشتوتگارت آلمان دعوت کرد فراخوان برای آزادی منصور اسانلو که از سوی دفتر سندیکای (د. گ . ب) در اختیار عموم قرار داده شده است را امضا نمایند . در این فراخوان از دولت آلمان خواسته شده است با حمایت از سیاست تحریم، دولت ایران تحت فشار قرار داده شود تا حقوق بشر را رعایت و زمینه برای آزادی کارگران زندانی را فراهم نماید .

کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران - برلین نیز ضمن شرکت فعال در تظاهرات اول ماه مه در شهر برلین با فعالیت تبلیغی بنفع زندانیان سیاسی ایران در افکار عمومی بویژه در حمایت از کارگران زندانی و منصور اسانلو توانستند ۴۰۰ امضاء در حمایت از فراخوان سندیکای د.گ.ب. اشتوتگارت آلمان جمع آوری نماید و متن کتبی امضا ها به دفتر سندیکا در اشتوتگارت ارسال گردید.
گزارش از: کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران - برلین

نامه انتقادی دبیر کل کنفدراسیون اتحادیه های کارگری به احمدی نژاد

سایت های کارگری خبر دادند : گای رایدر، دبیر کل کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری، با ارسال نامه ای برای محمود احمدی نژاد، رئیس جمهوری اسلامی ایران، از بازداشت محمد اولیایی فرد، وکیل مدافع شماری از فعالان کارگری در ایران، به شدت انتقاد کرد.

آقای اولیایی فرد همزمان با روز جهانی کارگر، در دادگاه انقلاب تهران، به بخش اجرای احکام دادگاه معرفی و پس از جلب به زندان اوین منتقل شد.

این وکیل مدافع اکنون در بند ۳۵۰ زندان اوین به سر می برد. طی سه ماه گذشته این دومین باری است که محمد اولیایی فرد توسط بخش اجرای احکام دادگاه انقلاب تهران به بهانه گذراندن محکومیت یک ساله اش، به اتهام تبلیغ علیه نظام از طریق مصاحبه، بازداشت و به زندان منتقل شده است. این در حالی است که حکم مذکور تاکنون به آقای اولیایی فرد و هیچ یک از وکلایش به طور قانونی ابلاغ نشده و بازداشت او بدون رعایت مهلت بیست روزه اعتراض و تجدید نظر خواهی در دادگاه تجدید نظر استان تهران صورت گرفته است.

دبیرکل کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری، در نامه اش به محمود احمدی نژاد، به نیابت از سوی ۱۷۶ میلیون عضو این اتحادیه، بازداشت آقای اولیایی فرد را، که در ادامه بازداشت شماری از فعالان کارگری، روزنامه نگاران و وکلای مدافع در ایران صورت گرفته است، محکوم کرد. سازمان عفو بین الملل نیز روز جمعه در بیانیه ای، ضمن انتقاد از بازداشت محمد اولیایی فرد، خواستار آزادی این وکیل مدافع شد.

در همین حال کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسی در گزارشی اعلام کرد که محمد اولیایی فرد در روزهای اخیر به دلیل عدم دسترسی به داروهایش دچار حملات صرع شده است. این گزارش تاکنون از سوی منابع دیگر مورد تایید قرار نگرفته است. پیش از این تنها اعلام شده بود که آقای اولیایی فرد مبتلا به بیماری میگرن شدید است و قبل از بازداشت تحت مراقبت های پزشکی قرار داشته است. در همین ارتباط، برخی از سایت های فعال در زمینه حقوق بشر نوشته اند که خانواده و وکلای آقای اولیایی فرد تاکنون موفق به ملاقات و تحویل داروهای او نشده اند

نامه اعتراضی اتحادیه کارگران حمل و نقل خطوط آهن و دریایی نیوزیلند

The Rail & Maritime Transport Union of New Zealand

به مسئولین مربوطه:

به نمایندگی از رئیس کشوری، کمیته مدیریت کشوری، و اعضای اتحادیه کارگران حمل و نقل خطوط آهن و دریایی نیوزیلند اعدام فرزاد کمانگر، معلم و فعال کارگری و حقوق انسانی و چهار زندانی سیاسی دیگر را توسط جمهوری اسلامی ایران قویا محکوم می کنیم.

جمهوری اسلامی ایران، کارگر آموزش و پرورش، معلم و فعال حقوق بشر، فرزاد کمانگر، و چهار زندانی سیاسی دیگر را در ۹ مه ۲۰۱۰ اعدام کرده است. طبق آخرین گزارشات، آقای فرزاد کمانگر، آقای علی حیدریان، آقای فرهاد وکیلی، خانم شیرین علم هولی و آقای مهدی اسلامیان همگی امروز اعدام شده اند. هیچیک از وکلا و یا خانواده های این زندانیان از این اعدامها با خبر نشده بودند.

اعضای آر-ام-تی-یو تداوم تهاجم شرم آور علیه حقوق کارگری و انسانی در ایران را محکوم میکنند و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی، و کارگران و دانشجویان در بند هستند.

اعضای آر-ام-تی-یو از دولت ایران می خواهند که حقوق کارگری و انسانی، از جمله آزادی بیان و ابراز وجود و نیز حق تشکل، تجمع و اعتراض، را کاملا محترم شمرد. ما از جمهوری اسلامی ایران می خواهیم که تعقیب و اذیت و آزار فعالین کارگری و حقوق بشر و سازمانهای سیاسی و عدالت اجتماعی را متوقف کند و مانع فعالیتهای آنان نگردد. هیچ فردی نباید بخاطر پراتیک کردن ابتدایی ترین حقوق انسانی خود مورد اذیت و آزار، حبس و خشونت قرار بگیرد. شکنجه و اعدام باید فورا متوقف گردد.

وین باتسون

دبیر کل، اتحادیه کارگران حمل و نقل خطوط آهن و دریایی نیوزیلند

Wayne Butson

RMTU General Secretar

زندگی 8.5 میلیون نفر در بافتهای فرسوده

خبرگزاری دولتی مهر ایران در تاریخ 16 اردیبهشت نوشت : معاون وزیر مسکن از وجود 65 هزار بافت فرسوده در کشور خبر داد و گفت : در این وسعت بیش از 8.5 میلیون نفر زندگی می کنند. به گزارش خبرنگار مهر در زنجان، احمد صادقی طهر پنجشنبه در جمع خبرنگاران با بیان اینکه قبل از برنامه چهارم توسعه حدود یک هزار هکتار از بافت فرسوده کشور احیا و نوسازی شده، افزود: در حال حاضر شاهد رشد چشمگیری در بازسازی بافت فرسوده در کشور هستیم ولی با این وجود کارهای زیادی باقی مانده که باید صورت بگیرد.

صادقی افزود: در طول فعالیت دولت های نهم و دهم تا به امروز 3500 هکتار از بافت های فرسوده کشور احیا شده که این رقم در مقایسه با گذشته روند رو به رشد و چشمگیری داشته است. بافتهای فرسوده متعلق به مردم 18 میلیارد تومان ارزش دارد و با بیان اینکه نقش مردم در احیای بافت فرسوده کلیدی و تاثیر گذار است، افزود: از 65 هزار هکتار بافت فرسوده موجود در کشور 6500 میلیون متر مربع متعلق به مردم است که 18 میلیارد تومان ارزش دارد. صادقی اجرای اهرمهای تشویقی برای احیای بافت فرسوده را در کشور مهم و ضروری دانست و گفت : ما باید با اجرای اهرم های ویژه، اعطای تسهیلات و تخفیف های ویژه مردم را برای احیای بافت فرسوده و نوسازی واحد های مسکونی خود تشویق کنیم.

وی از رشد 20 برابری اعتبارات بخش احیای بافت های فرسوده طی سال جاری در کشور خبر داد و گفت: سال گذشته به 39500 واحد بافت فرسوده در کشور تسهیلات ویژه نوسازی اعطا شد که امسال این تعداد به 50 هزار واحد افزایش یافته است .

وام 20 میلیون تومانی برای احیای وامهای فرسوده صادقی گفت: سال گذشته رقم وام برای احیای بافت فرسوده 15 میلیون تومان بود که امسال به 20 میلیون تومان افزایش یافته است

وی تخفیف برای اعطای پروانه در اکثر استانهای کشور را برای بافت فرسوده 50 درصد عنوان کرد و گفت: این میزان در استانهای تهران، کرمانشاه و مرکزی 100در صد است تهران بیشترین و ایلام و چهارمحال و بختیاری کمترین بافت فرسوده را دارند صادقی استان تهران را دارای بیشترین وسعت در زمینه بافت فرسوده اعلام کرد و گفت: در این میان استانهای ایلام و چهارمحال بختیاری دارای کمترین وسعت در بافت فرسوده هستند. معاون وزیر با بیان اینکه تا به امروز حدود 7 درصد از بافت فرسوده شهر تهران احیا و بازسازی شده افزود: با توجه به اینکه برنامه احیاء بافت فرسوده در برنامه های اول، دوم و سوم محقق نشده است زمان زیادی برای احیاء بافت فرسوده در کشور نیاز است.

وی با بیان اینکه طبق پیش بینی فرار است در برنامه پنجم 15 درصد از بافت های فرسوده کشور احیاء شود، افزود: با احتساب 7 درصد بافت های فرسوده احیاء شده شهر تهران امیدواریم این میزان را در پایان برنامه پنجم به 23 درصد در کشور برسانیم.

تجمع اعتراضی ۶۰۰ کارگر شرکت واگن پارس

خبرگزاری حکومتی ایرنا در تاریخ 16 اردیبهشت نوشت: کارگران بازنشسته شرکت واگن پارس برای دومین بار در سال جاری پس از اجتماع اعتراض آمیز نسبت به عدم پرداخت مطالبات معوق در روز ۸ اردیبهشت ماه و انعکاس مشکلات خود به دفتر ریاست جمهوری به صورت حضوری در آن زمان با توجه به گذشت زمان سپری شده از پاسخگویی این دفتر به مشکلاتشان بار دیگر روز گذشته در مقابل در ورودی شرکت اجتماع کرده و بر تحقق خواسته های خود تاکید کردند.

به گزارش ایلنا، مداحی، نماینده کارگران بازنشسته شرکت واگن پارس، با اشاره به وعده مسئول دفتر ریاست جمهوری در خصوص پیگیری درخواست مطالبات کارگران بازنشسته این شرکت از طریق وزیر صنایع و معادن و قول پاسخگویی حداکثر تا پایان روز ۱۲ اردیبهشت ماه گفت: متأسفانه با گذشت سه روز از زمان موعود به رغم مراجعه ما به دفتر ریاست جمهوری، هیچگونه پاسخی تا این لحظه دریافت نکرده ایم.

وی ضمن تاکید بر پیگیری مطالبات بازنشستگان شرکت واگن پارس که هریک بیش از ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان از شرکت طلب دارند مجموع مطالبات ۶۰۰ کارگر بازنشسته واگن پارس را بالغ بر ۶ میلیارد تومان عنوان کرد و افزود: در اجتماعی که دیروز صبح ساعت ۱۱ در مقابل شرکت با حضور همه کارگران بازنشسته داشتیم مسئولین شرکت از واریز مبلغ ۱۰ میلیون تومان از کل مطالبات کارگران خبر دادند. که گویا این مبلغ از طریق «رزازی» مدیرعامل شرکت از منبعی تأمین شده است.

مداحی با بیان اینکه این مبلغ با توجه به جمعیت کارگران بازنشسته و میزان مطالبات هر کدام هیچ مشکلی را از آنان درمان نمی کند تصریح کرد: مدیران شرکت یا باید در رابطه با اختلاف شرکت های زمینس و رجا پیگیری نمایند تا به مطالبات ما پاسخ گویند و یا پیگیری وعده دفتر ریاست جمهوری باشند. وی گفت: طبق گفته مسئولین شرکت پاسخ دفتر ریاست جمهوری شاید تا ۱۰ روز دیگر به مدیران شرکت ابلاغ گردد.

مداحی گفت: کارگران به احترام قانون و به منظور حفظ آرامش کشور ۱۰ میلیون تومان را پذیرفته اند و تا ۱۰ روز دیگر نیز صبر می کنند اما پیگیری آنان برای دریافت مطالبات صنفی و به حقشان به هر صورت ممکن ادامه دارد.

نامه آتنا بهمنی، دانش آموز اخراجی بندر عباس، تقدیم به فرزاد کمانگر معلم اعدامی کردستان

دانش آموز اخراجی: بخش اول بی عدالتی، بخش دوم نابرابری، بخش سوم خشونت

آتنا بهمنی دانش آموز اخراجی شهر بندر عباس و دختر سما بهمنی فعال حقوق بشر که هم اکنون به دلیل فعالیت حقوق بشری در زندان مهاباد به سر می برد در نامه ای به فرزاد کمانگر معلم اعدامی کرد، روز معلم را به وی تبریک گفته است.

متن کامل نامه این دانش آموز که به دلیل فعالیت حقوق بشری مادرش از مدرسه اخراج شده است، به این قرار است.

سلام ای آموزگار کلاس ما در مدرسه ی خورشید. امروز روز توست. روزی که باید تو را سپاس گفت و قدر دانست. من هیچ هدیه ای نیافتم که در شان تو باشد. آخر هیچ هدیه ای که با ارده ی تو برابر باشد، نیست که تقدیم دستان پرمهرت کنم. از برایت نوشتم با قلمی که روزی تو خود در دستانم نهادی و نوشتن را به من و هزاران من دیگر آموختی. دیروز این تو بودی که بر سطح سیاه تخته ی سیاه الفبای سپیدی را حک کردی و امروز در نبودنت سیاهی تخته سیاه به یک خلا می ماند. آن روز تو بودی که میله های قفس را از دور پرنده ای در نقاشی شاگردت خط زدی. امروز این تویی که خود پرنده گشته ای در میان قفس. یاد روزهایی به خیر که به شاگردانت سرمشق زندگی می دادی و از آن ها می خواستی به عنوان تمرین، حاصل جمع دسته ی شقایق را حساب کنند. هنوز یادت هست زنگ تفریح با شاگردانت با چه شور و هیجانی از کلاس بیرون می دودی. ای کاش یک بار دیگر سر کلاس ریاضی حاصل ضرب زمین در ضربان دل ها را حساب می کردی و دوباره اولین سوال امتحانی ات خانه ی دوست کجاست می گذاری. کاش می شد یک بار دیگر سر کلاس دینی بگویی من مسلمانم قبله ام یک گل سرخ... اما حیف حیف که ایام خوش گذشته دگر تکرار نخواهد شد. حیف که از این پس نه تو پشت میزت می نشینی نه من پشت نیمکت. از این پس نه تو روز معلم هدیه می گیری و نه من روز دانش آموز.

معلم ای که به من راه و رسم آزادگی آموختی، درس شجاعت را و طریقه ی زندگی کردن را. اگر هنوز هم قادری که پاسخگوی پرسش های کودکانه ی من باشی به من بگو که قانون چند بخش است. احتمالاً پاسخ دهی -ن. دو بخش است. این چیزی است که کتاب ها به ما آموخته ات اما درس زندگی چیز دیگری است. در درس زندگی و ادبیات جمهوریت ما قانون پنج بخش است بخش اول بی عدالتی، بخش دوم نابرابری، بخش سوم خشونت، بخش چهارم طبقه ی اجتماعی و بخش پنجم و سرنوشت ساز پول. می بینی حتی ادبیات را هم زیر سوال برده اند. فقط متعجب نشو اگر فهمیدی 2ضربدر 2 برای بچه های فقرا چهار تا می شود و برای ثروتمندان چهارصد تا! تو به شاگردانت واقعیت ها را آموختی و ندانستی که این جامعه دروغ می طلبد و امروز با مشت و لگد خوب پاسخ خوبی هایت را دادند. آری؛ ای معلم درس انسانیت، ای که آموختی که قفس چیز بدی است، و تویی که گفتی باید تلاش را در پشتکار ضرب کرد و با امید و ایمان جمع کرد و منهای بدی ها کرد تا برابر شود با موفقیت.

دیدنی که امروز به جرم انسانیت و تلاش و پشتکار و خط زدن نابرابری ها تو را هم چون کیوتی در قفس انداختند. تو همیشه عادت داشتی که از خوبی ها و پاکی ها سخن بگویی. اما من یک سوال دارم که زیاد خوب نیست؛ آیا هنوز می توان امیدوار بود؟ می دانم چه خواهی گفت: آری می توان. اما هنگام گفتن این جمله لرزشی در صدایت پدیدار خواهد گشت چرا که تو هم شک داری اما خیالت راحت. ما حتی اگر امید هم نداشته باشیم هنوز یکدیگر را داریم. مطمئن باش که تو گرچه پشت دیوارهای خشن و میله های سردی و شاگردانت این بیرون اما هنوز بهترین آموزگار این زمانه ای. چرا که تو آموختی که باید صبور بود، باید واقع گرا بود و باید حقیقت ها را گفت. تو همان داستان های قدیمی را در مورد دیو سیه نقل کردی اما با این تفاوت که در داستان تو، هرچند پایانش ناپیداست اما دیو سیاه مغلوب افکار سپید شد. همین است که تو آنجایی چرا که افکارت روشن بود و قلمت شاخه ی نور. تو در جستجوی آزادی اسیر شدی اما هنوز هرآنچه آموخته ایم در بیرون در جریان است و تک تک غنچه ها آموخته هایت را به گوش هم می رسانند و با اینکه دیوارهای دورت بلنداند اما روح والای تو از این دیوارها نیز بلند تر است.

اما بدان آموزگار جوانمردی و مردانگی، تو جنجال برانگیز شدی چرا که حقیقت طلب بودی و با اینکه خود اسیری، تو آزادگی را به همگان آموختی. پس لایق آنی که بشنوی صدای تک تک گلبرگ های گل رز، قطرات شبنم و پرستوها را که به تو می گویند: روزت مبارک. آتنا بهمنی، دانش آموز اخراجی بندر عباس

چند گزارش از کارخانه ها، شرائط کار و مبارزه کارگران

احکام دادگاه سرمایه در باره متهمان حادثه انفجار معدن باب نیزو

شعبه سوم دادگاه تجدید نظر استان کرمان، رای خود را در باره متهمان پرونده انفجار معدن باب نیزو در 30 فروردین سال 88 که منجر به مرگ 11 کارگر و یک مهندس شد را صادر کرده است. براساس رای صادره، یکی از متهمان به نام ح ز به تحمل 3 سال حبس و متهم دیگر به نام الف ز، به یکسال حبس محکوم شده است. نامبردگان باید فقط 32/3 در صد دیه حق اولیای دم را بپردازند. موارد محکومیت، قتل غیر عمد 12 کارگر بر اثر عدم رعایت قوانین ایمنی و فنی کار اعلام شده است. در این معدن به دلیل صرفه جویی و سود اندوزی بی هیچ حساب و کتاب سرمایه داران دولتی و سپس خصوصی کمترین امکانات لازم ایمنی برای حفظ جان کارگران وجود ندارد. به طور واقعی قتل گاه کارگران معدنچی و قربان گاه بردگان مزدی در پای بت سرمایه است. سرمایه داران حاضر به قبول هیچ ریالی هزینه ایمنی محیط کار نمی شوند تا حرص سیری ناپذیر سوداندوزی خود را سیر کنند. تنها در 5 سال گذشته 23 کارگر معدنچی کشته شده است و خانواده های آنان به عزای نان آور خود نشسته اند. و حالا سیستم قضایی سرمایه قاتلان سرمایه دار این کارگران را حتی به پرداخت دیه کامل یک انسان هم محکوم نکرده است و چنان که معلوم است این معدن با همین وضع به کار خود ادامه خواهد داد تا باز هم خون کارگران دیگری ریخته شود، تا باز هم بر کوه سرمایه های صاحبان این معدن بیش از پیش افزوده شود. در این میان یک چیز بسیار روشن است. این تنها مبارزه متحد کارگران است که می تواند جلو این قتل عام ها و کشتارها را بگیرد. کارگران برای جلوگیری از وقوع این حوادث شوم راهی ندارند جز این که به طور شورایی و ضد سرمایه داری متشکل شوند و با اعمال قدرت طبقاتی خود از جان خود و از حقوق انسانی خود دفاع کنند.

19 اردیبهشت 89

از کارگران شهرداری رشت چه خبر؟

طبق آخرین درد دلی که کارگران شهرداری رشت با ما کردند، کارگران منطقه 3 و 2 رشت از اول خرداد 89 دیگر قراردادی با شرکت یاقوت سرخ نخواهند داشت و با شرکت تعاونی شهرداری رشت قرارداد کاری خواهند بست. از کارگران رفتگر و راننده برای بستن قرارداد با شرکت تعاونی شهرداری رشت فتوکپی مدارک شناسایی خواسته اند. باند این زد و بند و پیمانکاری عبارتند از: صفرزاده، محسنی، دوستدار، که محسنی و بهره‌بر سرکارگر منطقه رشتیان هستند. اما درمورد وضعیت کارگران شهرداری منطقه یک رشت گلسار، لازم به توضیح است که گلسار جزء مناطق سرمایه دار نشین و به قولی اعیان نشین رشت محسوب می شود و اکثر عالی مقامان دولتی نیز در این منطقه زندگی می کنند. این منطقه از شهرداری رشت تبدیل به تبعیدگاه کارگران زحمتکش شهرداری شده است - هر کس حتی اگر در منطقه دیگر بخواهد یک ساعت یا کمتر مرخصی بگیرد و موی دماغ حضرات شهرداری شود به تبعیدگاه - شهرداری منطقه یک - تبعید می شود. هنوز کارگران منطقه یک شهرداری عیدی و پاداش سال 88 و حتی حقوق و دستمزد ماه فروردین سال 89 را دریافت نکرده اند و ماهانه 200 هزار تومان و تا کنون در مجموع نفری 800 هزار تومان بابت اضافه کاری از شهرداری منطقه یک

گلسار طلب کار هستند. آخرین خبر اینکه راننده اخراجی میر حلاج برای بازگشت به کار تلاش می کند اما هنوز دعوت به کار نشده است.

از کارخانه کنف کار چه خبر ؟

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری از قول فعالان ضد سرمایه داری گیلان در تاریخ 19 اردیبهشت 89 خبر می دهد: در کنف کار حدود 187 کارگر مشغول به کار بودند که کارخانه تهدید به تعطیل شد. همان طور که می دانید این کارخانه به همت کارگران و با مقاومت آن ها در راستای دفاع از وضعیت معیشتی خویش، دوباره برپا شد و اجازه کلاهبرداری و سوء استفاده به وارثان زهرابی و جزایری عرب داده نشد. آخرین خبر اینکه حدود 47 نفر از کارگران بازنشسته شده اند. حدود 60 کارگر که بین 20 تا 24 سال سابقه دارند فرم بازنشستگی را پر کرده و منتظر دستورالعمل جدید وزارت کار در مورد بازنشستگی پیش از موعد افراد دارای 20 سال سابقه کار در شرائط سخت هستند. در حال حاضر بخش های گارد، حلاجی، ریسندگی، کلاف، بافندگی، آهار، اتمام و حتی انبار مشغول به کار هستند. کارخانه تمامی محصولات خود را تا پایان سال 88 به فروش رسانده است. مواد اولیه، کنف، از کشورهای پاکستان و بنگلادش وارد می شود. محصولات جدید در سال جدید نیز در انبار ذخیره شده تا در بازار به قیمت مناسب فروخته شود

ریزش ساختمان در چین جان 10 کارگر را گرفت

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری از قول فعالان ضد سرمایه داری گیلان در تاریخ 19 اردیبهشت 89 خبر می دهد: به گزارش خبرگزاری شین هوا بر اثر ریزش یک ساختمان سه طبقه در حال ساخت در چین 10 کارگر جان باختند. در جهان سرمایه داری لحظه ای نمی گذرد که میلیون ها کارگر در حین کار و استثمار شدن قتل عام نشوند. تمام این کشتار تنها به این دلیل انجام می شود که جان و سلامتی بردگان مزدی هیچ ارزشی برای سرمایه داران ندارد و آنان سود بیشتر و هرچه بیشتر را بر جان شمار کثیر کارگران ترجیح می دهند. وجود میلیون ها کارگر بیکار، این ارتش ذخیره نیروی کار که خود زائیده اجتناب ناپذیر نظام سرمایه داری است به سرمایه داران این اطمینان را می دهد که هزینه هر چه کمتری را صرف ایمنی و بهداشت محیط کارکنند زیرا هر چه شمار بیشتری از کارگران بر اثر سوانح ناشی از عدم ایمن سازی محیط کار کشته شوند باز خیل عظیم کارگران بیکار و گرسنه هستند که در دم و با همان شرایط جای کارگر کشته شده را پر می کنند. بی تردید این قساوت و جنایت و توحش در چهار گوشه جهان سرمایه داری ادامه خواهد داشت و در کشورهای نظیر چین و ایران که کارگران در بی حقوقی مطلق استثمار می شوند بیش از پیش مرزهای معمول قساوت و جنایت و توحش را در هم خواهد شکست، مگر آن که کارگران به ضرب نیروی متشکل شورایی و ضد سرمایه داری خود به پیکار علیه آن برخیزند.

گوشه ای از دردها و مطالبات کارگران از زبان خودشان

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری از قول فعالان ضد سرمایه داری گیلان در تاریخ 19 اردیبهشت 89 خبر می دهد:

همسر راننده بیمه شده: چرا حتی پایه حقوق مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی را هم به طور کامل به رانندگان وسایل نقلیه سنگین پرداخت نمی شود؟

کارگر بازنشسته: با دفترچه خدمات درمانی به آزمایشگاهی در افسریه مراجعه کردم از کل هزینه 37 هزار و 460 تومان، مبلغ 32 هزار و 200 تومان سهم من بیمه شده بود و فقط 5 هزار و 260 تومان سهم اداره بیمه است. از دولت می خواهم پاسخ دهد که این معنای بیمه در مورد بازنشستگی که یک عمر زحمت کشیده اند همین است؟! آیا این نوع بیمه بیشتر به مسخره کردن کارگران شباهت ندارد؟

کارگر بازنشسته: بازنشسته قبل از سال 79 هستم. متأسفانه سه پسرم فوت کرده اند خودم بیمارم و خانه ام نیاز به تعمیر دارد. با این وضع بفرمایید واگذاری سهام کارخانه ها به جای پرداخت نقدی مطالبات معوقه چه فایده ای برای من دارد؟

معلم بازنشسته: پس از رفت و آمد های بسیار بالاخره توانستم کارت منزلت دریافت کنم. وعده داده بودند که بازنشسته ها با این کارت می توانند از بعضی خدمات رایگان استفاده کنند. اما به زدوی متوجه شدم که به هیچ دردی نمی خورد. حتی اتوبوس های بلیتی شرکت واحد هم آن را نمی پذیرند معلوم نیست چرا این همه وقت و هزینه صرف چاپ و توزیع کارت های منزلت شده است. کاش به جای این کارت ها لاقل مبلغی کمک هزینه ایاب و ذهاب به حقوق ماهانه فرهنگیان بازنشسته اضافه می شد.

کارگر بازنشسته: در شرایطی که نان سنگک تا دانه ای 1000 تومان، گوشت کیلویی تا 20 هزار تومان، برنج بیش از 2800 تومان شده است، 500 هزار تومان وامی که قرار است آن هم با قرعه کشی به بازنشستگان تامین اجتماعی بپردازند چه مشکلی را از آنان حل خواهد کرد. آیا این قبیل وام ها ی جزئی فقط برای تحقیر کارگران بازنشسته نیست؟

کارگر بازنشسته: اکثر بازنشستگان و مستمری بگیران سالهای قبل سازمان تامین اجتماعی حدود 450 هزار تومان در ماه حقوق می گیرند که باید با آن هزینه خوراک و مسکن و دارو و درمان و تحصیل فرزندانشان را بپردازند. مثل روز روشن است که آنان با این مبلغ ناچیز قادر به اداره زندگی خود حتی در نازل ترین سطح هم نیستند. تامین اجتماعی باید حقوق بازنشستگان را افزایش دهد.

کارگر ساختمانی: از کارگران یک شرکت ساختمانی واقع در جاده آستارا - تالش هستم که 7 ماه حقوق به اضافه عیدی ما را نپرداخته اند. وقتی هم اعتراض می کنیم کارفرما می گوید چون دولت طلب ما را نپرداخته، ما هم قادر به پرداخت حقوق و مزایای شما نیستیم. دعوای زرگری کارفرما و دولت و طلب و بدهی آن ها چه ربطی به من کارگر دارد. من برای کارفرما کار کرده ام و او باید دستمزد مرا بدهد.

کارگر بازنشسته: همانطور که بانک ها بابت تاخیر در پرداخت مطالباتشان جریمه می گیرند دولت هم باید بابت تاخیر در پرداخت مطالبات بازنشسته ها به آن ها جریمه بپردازد .
کارگر قراردادی شرکت نفت: تعداد چشمگیری از نیروهای جوان و تحصیلکرده، جزء کارگران قراردادی وزارت نفت و از جمله شرکت ملی نفت ایران هستند. آنان استخدام نشده اند و با قراردادهای کوتاه مدتی کار می کنند که در آن هیچ حق و حقوقی برای کارگر در نظر گرفته نشده است . کارگران قراردادی باید به طور رسمی و با حقوق و مزایای مکفی استخدام شوند.

19 اردیبهشت 89

کارگر راه آهن: مزایای خدمت در مناطق محروم در سال های 86 و 87 کارگران راه آهن هنوز پرداخت نشده است . این مزایا را بپردازید .
کارگری از یزد: اواخر اسفند 1388 مسئولان وعده دادند که حق مسکن و خواربار کارگران تحت پوشش تامین اجتماعی به 50 هزار تومان در ماه افزایش می یابد اما هنوز هیچ خبری نشده است و مثل همه وعده ها دروغ از آب در آمده است.

اخبار و گزارشات مبارزات کارگران

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری در تاریخ 19 اردیبهشت 89 خبر می دهد :
لاستیک البرز: کارگران لاستیک البرز حدود 40 روز است که در حال بلاتکلیفی، اعتراض و اعتصاب به سر می برند. کارگران 5 ماه است که دستمزد نگرفته اند. آنان در اعتراض به این وضعیت، از آغاز سال جاری شروع کار را به پرداخت کلیه مطالبات معوقه خویش موقوف ساختند. نهاد دولتی موسوم به سازمان حمایت از صنایع، به جای پرداخت دستمزدها، سرمایه دار دولتی مدیر شرکت را به جای دیگری فرستاده و سرمایه دار دولتی دیگری را به جای او منصوب کرده است. هدف از این کار صرفاً آن بوده است که پرداخت دستمزدها را باز هم برای مدتی طولانی به تعویق اندازند و شاید هم هیچ گاه پرداخت نکنند. مدیر عامل جدید کارخانه در آغاز به کار، مطابق نقشه، اعلام می کند که در قبال دستمزدهای معوقه مسئولیتی ندارد و کارگران باید کار را شروع کنند. این اقدام کارفرما با تشدید اعتراض کارگران مواجه می گردد. چند صد کارگر متحداً اعلام می کنند که به اعتصاب ادامه خواهد داد. مدیرعامل شرکت با توسل به زور تلاش می نماید تا یکی از کارگران بخش انبار را مجبور به شروع کار سازد، اما او تهدید می نماید که خود را آتش خواهد زد. کارگران کارخانه با اطلاع از این واقعه به یاری همزنجیر خویش شتافته اند و یکدل و یکصدا فریاد کشیده اند که اعتصاب تا پرداخت همه دستمزدها ادامه خواهد یافت.

چینی مقصود:

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری در تاریخ 19 اردیبهشت 89 خبر می دهد :
300 کارگر چینی مقصود در مقابل دفتر مرکزی شرکت اجتماع کردند و دست به اعتراض زدند. کارگران مدت هاست که دستمزد نگرفته اند و به طور مدام تهدید به اخراج و بیکاری می شوند. سرمایه داران شرکت در ماه های اخیر شماری زیادی از کارگران را اخراج کرده اند.

جنایتی دیگر در جمهوری اسلامی: زن کارمند پس از اخراج خود را آتش زد

سایت حکومتی تابناک در تاریخ 19 اردیبهشت نوشته است : خانم کارمندی به دنبال اخراج خود از محل کارش، دست به خودسوزی زد. به گزارش تابناک، خانم "د" که به دلیلی نامشخص از شرکت ملی پخش و پالایش نفت منطقه تهران اخراج شده بود، عصر روز گذشته مقابل ساختمان بهار این شرکت واقع در خیابان سمیه دست به خود سوزی زد که به دنبال سوختگی حدود 80 در صد به بیمارستان سوانح سوختگی تهران منتقل شده است. بنابراین گزارش، این خانم کارمند حدوداً 40 ساله که به صورت پیمانی مشغول کار در این شرکت بود به دلائل نامشخصی پس از جا به جایی های مکرر در قسمت های مختلف این شرکت از جمله قسمت مهندسی، کپی و ... و به دنبال اعتراض نسبت به این جا به جایی های مکرر از شرکت متبوع خود اخراج شده بود.
خانم "د" پس از اخراج به سراغ مدیر منطقه رفته که پس از عدم نتیجه گیری و دعوایی که در آنجا بوجود می آورد با ریختن بنزین بر روی خود اقدام به خودسوزی می کند که علی رغم سعی وم تلاش کارمندان این شرکت متأسفانه موفق به نجات این زن نشده و این خانم کارمند با سوختگی 80 درصد مواجه می شود.

تعليق فعالان سندیکاى شرکت واحد اتوبوس رانى تهران و حومه ادامه دارد

کمیته انضباطی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران روز شنبه امیر قانعی فعال کارگری عضو سندیکاى کارگران شرکت اتوبوس رانى تهران و حومه را از کار تعلیق کرد. امیر قانعی با بیش از 15 سال سابقه کار، حدود یک ماه پیش به کمیته انضباطی احضار شد و به اتهام واهی تحریک کارگران مورد بازجویی قرار گرفت. روز دوشنبه 17 خردادماه به او اطلاع داده شد که از کار تعلیق شده است و صبح روز سه شنبه 18 خرداد ماه از ادامه کار او ممانعت به عمل آمد. "فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران" در ادامه این گزارش می نویسند: امیر قانعی از جمله رانندگانی است که دارای بیش از 15 سال سابقه کار است و در خط 2 اتوبوسهای تند رو معروف به بی. آر . تی مشغول به کار بود. آقای قانعی در جریان اعتصابات کارگران شرکت اتوبوس رانى تهران و حومه در سال 1384 دستگیر شد و 10 روز در زندان اوین در بازداشت بسر برد و بیش از 6 ماه بدون داشتن حقوق و مزایا از کار خود تعلیق شد. او با یک پروسه حقوقی طولانی موفق به بازگشت بکار شد.

کمیته انضباطی شرکت اتوبوس رانى تهران و حومه از ارگانهای سرکوب کارگران در این شرکت می باشد و تاکنون تعدادی از کارکنان شرکت واحد و به خصوص فعالین سندیکا را با دلایل واهی از کار اخراج کرده

است. سرگرد پاسدار یحیی عظیمی که پیش از این در آگاهی مشغول بکار بوده است در حال حاضر رئیس کمیته انضباطی شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه می باشد. او توسط مدیر عامل شرکت اتوبوس رانی تهران سرهنگ پاسدار اردشیر مقیم پور که با نام مستعار حسین بیژنی در این شرکت مشغول بکار است منصوب شده است. کمیته انضباطی یکی از ابزارهای سرکوب علیه کارگران در محیط کار می باشد و تا به حال اقدام به تعلیق تعدادی از کارگران نموده است که از جمله آنها عطا باباخانی بازرس سندیکای شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه آقای عبدالله حسینی و خانم فرحناز شیری و ناصر محرم زاده می باشند. لازم به یادآوری است که رهبران سندیکای اتوبوس رانی تهران و حومه آقایان منصور اسالو و ابراهیم مددی تنها به دلیل حق داشتن سندیکای کارگری چند سال است که در شرایط طاقت فرسایی در زندانهای اوین و گهردشت زندانی هستند.

اعتراضات کارکنان فولاد مبارکه اصفهان و بی خبری از بازداشت شدگان روز کارگر

سایت جرس در تاریخ 20 اردیبهشت نوشته است: در ادامه اعتراض کارکنان شرکت های پیمانکاری شاغل در فولاد مبارکه اصفهان به وضع موجود و نابسامانی خود، این اعتراضات طی دو روز گذشته به ساختمان مرکزی مدیران این کارخانه کشیده شد.

بنا به گزارش منابع خبری جرس، این اعتراضات که به دلیل وضعیت نابسامان اقتصادی و تبعیض های موجود بین کارکنان رسمی و غیر رسمی از هفته پیش منجر به اعتصاب از کار شده بود، در پی بی توجهی مسئولان، ادامه یافته و روزهای شنبه و یکشنبه هفته جاری، کارکنان ساختمان مرکزی مدیران فولاد نیز به این جمع پیوستند. هفته گذشته نیز گروهی از کارگران چینی البرز در اعتراض به تعطیلی و صدور حکم انحلال کارخانه و همچنین عدم دریافت 7 ماه حقوق معوقه خود، دست به تحصن اعتراضی زدند. همزمان با گذشت یک هفته از مراسم روز کارگر، از دستگیر شدگان آن روز که به زندان اوین منتقل شده بودند، کماکان خبری در دست نیست.

اطلاعیه جمعی از کارگران پیشرو تبعیدی-سویس در محکومیت اعدام 5 انسان بیگناه

رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی بار دیگر جنایتی بزرگ آفرید، این رژیم که تنها هنرش نابودی وتباهی است، سحرگاه یکشنبه 19 اردیبهشت 1389 پنج زندانی سیاسی بیدفاع و بیگناه را برای پیشبرد اهداف شومش و به خیال خام خود برای تهدید و ارعاب کارگران، معلمین، دانشجویان، زنان و دیگر زحمتکشان جامعه (که همگی خواهان نابودی این حکومت سیاه و ننگین میباشند) جنایتکارانه اعدام نمود. حکومت جانباختگان بلفطره که تا کنون از هیچ جنایتی در مقابله با عدالت طلبی و آزادیخواهی مردم ایران دریغ نکرده، بیشرمانه با نوشتن یکسری اتهامات واهی که بیشتر جنبه کمدی پیدانموده (و میدانند که حتی عوامل و مزدوران جیره خوارشان نیز آن را باور ندارند)، میخواهند جنایات خود را توجیه نمایند.

فرزاد کمانگر معلمی شجاع، دلسوز، آگاه و فرزند رنج و محرمیت بود او را که هیچگاه در مقابل جلادان جمهوری اسلامی سر خم نیاورد برای عبرت معلمین مبارز و آگاه قربانی نمودند غافل از اینکه این خیال باطل را بگور خواهند برد، همانطور که رژیم جنایتکار شاهنشاهی نتوانست با قتل صمد بهرنگی و دیگر معلمین آگاه راه آنان را سد کند این رژیم وحشی نیز نخواهد توانست به اهداف شومش برسد.

شیرین علم هولی زن مبارز و شجاعی که علیه بیعدالتی، زن ستیزی و ارتجاع جمهوری اسلامی بپاخواسته بود برای ارعاب زنان مبارز و زحمتکش کشورمان قربانی نمودند.

فرهاد وکیلی، علی حیدریان، مهدی اسلامیان سه بیگناه دیگر که تنها جرمشان مخالفت با حکومت دلالان و جاقوکشان بوده برای ارعاب مردم بجان آمده ایران قربانی شدند.

ما بر این اعتقاد هستیم جمهوری اسلامی ایران با سابقه بیش از سی سال جنایت و کشتار مردم بیدفاع، شکنجه و تجاوز به زندانیان بیدفاع، غارت منابع، نابودی صنایع، شرکت در تمامی کارهای مافیایی مانند خرید و فروش مواد مخدر در سطح بین المللی، خرید و فروش ارز و وارد نمودن انواع کالاهای بنجل و فاسد بخاطر سود بیشتر و پولشویی و هزاران خلاف دیگر خود باید در دادگاه عدالت به محاکمه و بسزای اعمال ننگینش برسد.

ما جنایات جمهوری اسلامی را هیچگاه فراموش نکرده و این رژیم با تمامی جنایتکاران تشکیل دهنده اش را مستحق نابودی میدانیم در این راه از هیچ کوششی فرو گذار نخواهیم نمود.

یاداین گلهای سرخ شجاعت و ایستادگی را گرامی میداریم.

زنده باد همبستگی کارگران، معلمان، دانشجویان و دیگر زحمتکشان علیه نظام خون آشام جمهوری اسلامی ایران

نابود باد سرمایه داری در جهان ونظام سرمایه داری انگلی جمهوری اسلامی ایران

جمعی از کارگران پیشرو تبعیدی- سوبیس

20 اردیبهشت 89

فواد کیخسروی پس از 9 روز بازداشت در میان استقبال اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران از زندان آزاد شد

بنا بر گزارشهای رسیده از فعالان کارگری از ایران در تاریخ 20 اردیبهشت 89 آمده است : فواد کیخسروی از اعضای فعال اتحادیه آزاد کارگران ایران در شهر سمنج که صبح روز شنبه اول ماه مه (11 اردیبهشت) پس از احضار به ستاد خبری وزارت اطلاعات بازداشت شده بود دیروز 19 اردیبهشت ماه 89 در میان استقبال اعضای اتحادیه و خانواده اش از زندان آزاد شد.

به فواد کیخسروی و صدیق کریمی پس از بازداشت در صبح روز اول ماه مه، اتهام مسائیل مربوط به مراسم این روز را وارد کرده بودند اما در دادگاه به این دو نفر اتهام اقدام علیه امنیت ملی از طریق عضویت در اتحادیه آزاد کارگران ایران را وارد کرده اند.

فواد کیخسروی در دادگاه حاضر به سپردن قرار وثیقه نبود اما با اصرار خانواده اش قرار وثیقه 20 میلیون تومانی را برای آزادی اش قبول کرد. صدیق کریمی و فواد کیخسروی در طول بازداشت خود از برگزاری مراسم اول ماه مه و عضویت در اتحادیه آزاد کارگران ایران به مثابه یکی از بدیهی ترین حقوق کارگران دفاع کرده اند.

کارگران ایران با تبریک صمیمانه آزادی فواد کیخسروی از زندان به خانواده وی، اعضا اتحادیه و عموم کارگران، پرونده سازی علیه صدیق کریمی و فواد کیخسروی را از طریق وارد کردن اتهام واهی اقدام علیه امنیت ملی به آنان قویا محکوم میکند و برگزاری مراسم اول ماه مه، برپائی تشکلهای کارگری و عضویت و فعالیت کارگران در اتحادیه آزاد کارگران ایران و دیگر تشکلهای کارگری را یکی از پایه ای ترین و بدیهی ترین حقوق اجتماعی کارگران میداند و عموم کارگران در سراسر ایران را به بر پائی تشکلهای کارگری فرا میخواند.

تجمع اعتراضی کارگران اخراجی نوشابه سازی ساسان

خبرگزاری حکومتی ایلنا در تاریخ 20 اردیبهشت آمده است : صبح امروز جمعی از کارگران اخراجی نوشابه سازی در اعتراض به دریافت نکردن مقرری بیمه بیکاری در محل کار سابق خود تجمع کردند. به گزارش خبرنگار گروه کارگری ایلنا، تجمع کنندگان که خواستار برقراری مقرری بیمه بیکاری خود بودند؛ گفتند: در زمستان سال گذشته بنابر اجبار کارفرما مجبور شدیم تا در ازای دریافت سالی 2 ماه حقوق و مزایا و استفاده از مقرری بیمه بیکاری، ترک کار خود را اعلام کنیم. این کارگران افزودند: هرچند کارفرما باگذشت حداقل چهار ماه از ترک کار اجباری، به وعده خود مبنی بر پرداخت سالی 2 ماه سنوات عمل کرده است اما هنوز از پرداخت مقرری بیمه بیکاری توسط سازمان تامین اجتماعی خبری نشده است. کارگران سابق نوشابه سازی ساسان می گویند: در پی مراجعه ای که برای پیگیری برقرار شدن بیمه بیکاری خود به سازمان تامین اجتماعی داشته اند؛ مسوولان سازمان به آنها گفته اند که به دلیل انتشار آگهی استخدام کارگر جدید در نوشابه سازی ساسان، نمی توانند به آنها اجازه استفاده از مقرری بیمه بیکاری را بدهند. تجمع کنندگان می گویند: چون سازمان تامین اجتماعی به بهانه استخدام کارگر جدید با درخواست برقراری بیمه بیکاری موافقت نمی کند و کارفرمای نوشابه سازی ساسان هم حاضر به استخدام کارگران تازه اخراج شده نیست؛ تصمیم گرفتیم به منظور روشن شدن وضع خود این تجمع اعتراضی آرام را برگزار کنیم.

این کارگران مدعی هستند که کارفرما برای کاهش هزینه نیروی انسانی در سال 88 حداقل 700 کارگر، راننده و فروشنده متخصص را با سوابق کاری مختلف را وادرا به ترک کار اجباری کرده است و درمقابل با انتشار آگهی استخدام قصد دارد تا به جای آنها نیروی انسانی ارزان قیمت جذب کند.

فعال آذربایجانی در شهر صوفیان دستگیر شد

ساوالان سسی : آیت مهرعلی بیگلو فعال سابق دانشجویی آذربایجان ظهر روز دوشنبه ۲۰ اردیبهشت ۸۹ در منزل شخصی خود در شهر صوفیان از توابع شهرستان تبریز بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. به گفته نزدیکان خانواده مهرعلی بیگلو، ماموران امنیتی بدون در دست داشتن حکم جلب وارد منزل این فعال مدنی آذربایجانی شده و پس از ضرب و شتم شدید مهرعلی بیگلو، او را بازداشت کرده اند. ماموران پس از بازداشت مهرعلی بیگلو اقدام به تفتیش منزل نموده و کامپیوتر، کتابها و سایر وسایل شخصی وی را با خود برده اند.

این فعال مدنی آذربایجانی پیش از این نیز در مراسم بزرگداشت پروفیسور زهتابی در ۲۱ آذر ۸۱ و مراسم سالروز تولد بابک در تیرماه ۸۲ بازداشت و به احکام حبس محکوم گردیده بود. آیت مهر علی بیگلر مدیر مسئول سابق نشریه دانشجویی قویوز و فارغ التحصیل فوق لیسانس مدیریت از دانشگاه تربیت مدرس تهران می باشد.

بیانیه ی کانون صنفی معلمان ایران در محکومیت اعدام پنج زندانی سیاسی *اعدام های گسترده دهه 60 هم ابتدا از مناطق کردنشین شروع شد..

بیانیه کانون صنفی معلمان ایران در رابطه با اعدام پنج نفر از هم میهنان عزیز از جمله شهید فرزاد کمانگر معلم کردستانی

انسانهای آزاده و ملت بزرگ و صاحب فرهنگ ایران خبر اعدام 5 نفر از عزیزترین فرزندان این آب و خاک در سحرگاه 19 اردیبهشت روح و روان همه انسانهای آزاده و وجدانهای بیدار را در سراسرجهان به درد آورد و در این میان دل ملت ایران و معلمان این مرزوبوم را بیشتر اندوهگین ساخت و این نگرانی را پدید آورده که اعدام این عزیزان توسط صاحبان زر و زور سرآغاز فصل جدیدی از اعدام گسترده آزادی خواهان و فعالین سیاسی و مدنی در کشور باشد.

ملت عزیز ایران و انسان های آزاده و معلمان عزیز ، کانون صنفی معلمان ایران در حالی تأسف و تأثرشدید خود را از این اقدام ضد انسانی و ضد میهنی اعلام می دارد ، که چهارنفر از این عزیزان از هم میهنان کرد مابودند که در این میان همکار و معلم آزاده و دلسوز روستاهای کردستان آقای فرزادکمانگر یکی از این پنج نفر بود که خبر اعدام وی توسط شب پرستان به همراه چهار نفر دیگر از هموطنانمان به صورت دسته جمعی و در نهایت بی خبری و بدون اجرای حداقل تشریفات قانونی و با وجود اشکالات و ابهامات فراوان در پرونده این عزیزان و نحوه ی دادرسی پرونده های آنها که بدون حضور وکلای تعیینی آنها در جریان تشکیل دادگاههای فرمایشی و اعمال شکنجه های فراوان روحی و جسمی این عزیزان در زمان بازداشت همراه بوده ، دل هر انسان با شرف و با وجدانی را از هر قوم ، ملیت ، مذهب و زبانی به درد می آورد .

هم میهنان عزیز، اعدام این هموطنان آن هم در آستانه 22 خرداد سالروز کودتای انتخاباتی از طرف حاکمیت زر و زور و جهل و در این میان اعدام 4 هموطن کرد تداعی کننده اعدام های گسترده دهه 60 می باشد که در آن زمان هم چرخه ی اعدام های گسترده و ضد میهنی ابتدا از مناطق کردنشین شروع شد و بعدها و با سکوت جامعه و نهادهای مدنی و احزاب وقت به دیگر مناطق کشورمان سرایت کرد و تاکنون نیز ادامه داشته و قطعاً با سکوت مردم و نهادهای سیاسی و مدنی و دانشگاهی و دانشجویان این روند در آینده و درمناطق بیشتری از کشور و با شدت بیشتری ادامه خواهد یافت.

ملت عزیز و بزرگوار ایران کانون صنفی معلمان ایران که در حال حاضر دهها نفر از اعضای آن یا در زندان ها و سیاه چال های قرون وسطایی هستند و یا در مناطق مختلف کشور در تبعید می باشند ضمن ابراز تأسف شدید خود از این اقدام بی شرمانه و وقیحانه ی صاحبان قدرت ، این رفتار ضد انسانی و ضد میهنی آنها را به شدت محکوم می کند.

هم وطنان عزیز کانون صنفی معلمان ایران به نمایندگی از طرف همه معلمان کشور از یک طرف شهادت معلم آزاده و دلاور نستوه برادر عزیزمان شهید فرزادکمانگر عضو این کانون را خسرانی بزرگ برای آموزش و پرورش کشور می داند و از طرف دیگر وی را مایه افتخار و مباحات همه ملت ایران خصوصاً معلمان این آب و خاک می داند و بر این باور است که درسی که شهید فرزاد کمانگر به همه مردم ایران خصوصاً دانشجویان، معلمان و دانش آموزان این آب و خاک داده است در تاریخ ماندگار خواهد شد و شهید فرزاد که تا آخرین لحظه و در طول 4 سال تحمل شدیدترین شکنجه های شکنجه گران در بیدارگاههای دیزل آباد کرمانشاه ، گوهردشت کرج و اوین تهران استقامت و رزید و جلا دادن شمر گونه را در حسرت یک آه باقی گذاشت و حتی حاضر نشد که از رهبر جمهوری اسلامی درخواست عفو و بخشش کند ، چرا که معتقد بود گناهی را مرتکب نشده است ، پس دلیلی ندارد که درخواست عفو بدهد و بر این باور بود که این مسئولین حکومت هستند که باید به خاطر اعمال شکنجه های فراوان روحی، روانی و جسمی اش در مدت بازداشت باید از وی طلب بخشش کنند.

همکاران عزیز بدون شک این وظیفه تک تک شما عزیزان است که در شرایط فعلی ، که کشور مان با بحران های فراوان سیاسی ، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی روبروست با الهام گرفتن از اندیشه ی همه انسان های راه اندیشه و قلم از جمله شهید فرزاد در جهت تنویر و آگاه سازی افکار عمومی برای نجات کشور بیش از گذشته تلاش نمایید و در این رابطه از هیچ تلاشی دریغ نوزید. امید است که خون شهید فرزاد و همه شهیدان راه دفاع از حیثیت و کیان ایران زمین همانند چراغی فروزان ما را در رساندن به قله های آزادی و افتخار ایران و ایرانی رهنمون سازد.

کانون صنفی معلمان ایران ضمن تسلیت مجدد به همه ملت ایران و خانواده پ های هر 5 شهید روز 19 اردیبهشت ، خصوصاً معلم آزاد اندیش و اهل قلم شهید فرزاد کمانگر، خود را از صمیم قلب در غم و اندوه آنها شریک می داند و از ایزد منان برای این شهیدان راه سربلندی ایران علو درجات را مسئلت می نماید و امیدوار است که همه گروههای سیاسی و تشکل های مدنی و اجتماعی با همبستگی و همدلی و به دور از خود خواهی و غرور در راه نجات میهن عزیزمان از هیچ تلاشی دریغ نوزند.

کانون صنفی معلمان ایران در پایان ضمن هشدار به صاحبان قدرت از حاکمیت مصرانه می خواهد که نسبت به آزادی همه زندانیان سیاسی ، مدنی و صنفی (دانشجویان، روزنامه نگاران، کارگران) ، خصوصاً معلمان دربند از جمله آقایان عبدالرضاقنبری (که به اعدام محکوم شده است) ، سید هاشم خواستار، رسول بدایق، عبدالله مؤمنی ، محمود بهشتی لنگرودی، علی اکبر باغانی، محمد داوری، علیرضا هاشمی، حسین باستانی نژاد و قربان احمدی

اقدام نماید و بیش از این کشور را به ورطه ی نابودی نکشاند، چراکه ادامه بازداشت معلمان در بند و برخوردهای امنیتی با معلمان می تواند عواقب پیش بینی نشده ای را به دنبال داشته باشد و فضایی را در کشور ایجاد کند که دیگر هیچ کس و قدرتی توان کنترل آن را نداشته باشد و در این رابطه کانون معلمان ایران به حاکمان زر و زور و جهالت هشدار می دهد که این کانون مسئولان نابخرد را مسئول عواقب پیش بینی نشده اتفاقات آینده کشور و اعتراضات معلمان می داند و باید خود آنها در برابر ملت بزرگ ایران پاسخگو باشند.
کانون صنفی معلمان ایران
21 اردیبهشت 1389

معلمان کامیاران با صدور بیانیه ای ضمن ابراز تاسف از اعدام فرزاد کمانگر، برای شرکت در اعتصاب پنج شنبه، 23 اردیبهشت ماه اعلام آمادگی نمودند

به نام جانباختگان راه آزادی
مردم آزادیخواه و معلمان راستین دلسر اسر ایران و کردستان

ما معلمان کامیاران در نهایت افتخار به همکاری بودن با معلمی انسان دوست و آزاداندیش و راستین همچون ((شهید فرزاد کمانگر)) ضمن اعلام انزجار و نفرت از اعدام بی گناهانه این معلم شهید از صمیم قلب به خانواده ی ایشان و جامعه فرهنگیان سراسر ایران بخصوص کردستان تسلیت عرض نموده و خود راضی عزای این معلم شهید می دانیم. ما معلمان کامیاران هیچ گاه تلاش ها و زحمات اثرگذار این همکار شهید خود را فراموش نخواهیم نمود. و یاد و خاطره او در قلب هایمان جای داشته و خواهد داشت. و آرمانهای انسان دوستانه و عاشقانه این شهید سرلوحه ی کار و پیشه ی مان خواهد بود. ما هرگز شیوه ی معلم بودن او را فراموش نخواهیم نمود و هر روز و هر سال به دانش آموزان مان از عشق وی به انسان و انسانیت و گذشت و فداکاری و تحمل رنج و مرارت بسیار وی برای آزادی خواهیم گفت

خواهیم گفت: که در دور افتاده ترین روستاها با چه انگیزه ای به محروم ترین دانش آموزان این مرز و بوم درس ایثار و از خود گذشتگی میداد و چگونه در چندین روستا برای دانش آموزان و جوانان کتابخانه تاسیس نمود. و خواهیم نوشت روی تخته ی کلاس هایمان که فرزاد حقوق ناچیزش را به دانش آموزان بی بضاعت می داد که بی کفش و بی دفتر نباشند. فریاد خواهیم زد که فرزاد با چه خون دلی سعی در راه اندازی انجمن صنفی معلمان کامیاران نمود. و با چه همتی نشریه ی ماندگار ((رویان)) را به راه انداخت و هرگز حسادت و طعنه باعث نشد از تاسیس انجمن سبز ((آسک)) دلسرد شود. آیا ما معلمان میتوانیم قرائت آتشین بیانیه اولین تحصن معلمان کامیاران را توسط این شهید از یاد ببریم. آیا معلمان کامیاران افشاگریهای صریح و صادقانه ی فرزاد را در مورد تعاونی مسکن و فروشگاه فرهنگیان و دهها کار تاثیر گذار و ماندگار را از یاد خواهند برد؟
آبادانش آموزان فرزاد که به همت وی خواندن و نوشتن به زبان مادری را آموختند او را می توانند فراموش کنند؟

فرزاد تا زمانی که در میان ما بود یکپارچه شور و عشق و حماسه ساز بود برای مردم و معلمان کامیاران که تاریخ اندیشان به خیال خویش با زندانی نمودن وی معلمان کامیاران دیگر صدایی نخواهند داشت. اما غافل از اینکه فرزاد در زندان به صدای معلمان و تمامی انسانهای آزادیخواه ایران وجهان تبدیل می شود. و با خلق نامه های ماندگار خویش خود و معلمان کامیاران را جهانی می نماید. ما معلمان کامیاران به پاس قدردانی از این معلم شهید روز 19 اردیبهشت را به نام روز معلم نامگذاری می نماییم. همچنین یکدل و یک صدا از تمامی معلمان ایران و کردستان می خواهیم که همگام با سایر اقشار مختلف جامعه کلاس های خود را در روز پنج شنبه 23/2/89 تعطیل نموده و به اعتصاب سراسری بپیوندند.
زنده باد یاد و خاطره معلم شهید فرزاد کمانگر و شهیدان " شیرین علم هولی-علی حیدریان-فرهاد و کیلی و مهدی اسلامیان"

89/2/21
معلمان کامیاران

برافروختن آتش بر فراز کوه به نشانه تجلیل از 5 زندانی سیاسی اعدام شده

بعد از ظهر روز سه شنبه 21 اردیبهشت، شماری از مردم سنندج بر فراز کوه "آویه" به نشانه ی تجلیل از 5 زندانی سیاسی اعدام شده در زندان اوین، اقدام به برافروختن آتش نمودند.
به گزارش آژانس ایران خبر، مردم سنندج همچنین با سردادن شعارهای انقلابی، این اقدام جنایتکارانه ی را به شدت محکوم نمودند. گفتنیست بعد از این اقدام مردم مامورین انتظامی و امنیتی به طور سراسیمه به کوه سرازیر شده و به دنبال تجمع کنندگان می گشتند

فعال آذربایجانی در تبریز دستگیر شد

ساوالان سسی : علیرضا حسین زاده فعال مدنی آذربایجانی در تبریز ۲۱ اردیبهشت ۸۹ توسط ماموران امنیتی در مغازه اش بازداشت شد. همسایگان حسین زاده می گویند ماموران امنیتی ظهر روز سه شنبه ۲۱ اردیبهشت ۸۹ با مراجعه به مغازه کامپیوتری این فعال مدنی آذربایجانی در منطقه نصف راه تبریز وی را بازداشت کردند. ماموران امنیتی پس از بازداشت حسین زاده به منزل این فعال آذربایجانی مراجعه و منزل را مورد تفتیش قرار داده اند و کیس کامپیوتر، سی دی ها و پارچه نوشته های تشویق تیم فوتبال تراکتورسازی را با خود برده اند.

همسر علیرضا حسین زاده می گوید به هنگام مراجعه ماموران به منزل در خانه حضور نداشته و پس از بازگشت به منزل و مشاهده اوضاع به هم ریخته خانه شده متوجه این امر شده شده است. به گفته خانم حسین زاده او پس دیدن دست خط همسرش مبنی بر بازداشت توسط نیروهای امنیتی از بازداشت وی مطلع شده اما پس از مراجعات مکرر به نهادهای قضایی و امنیتی هیچ نهادی تا کنون مسئولیت بازداشت همسرش را بر عهده نگرفته و از محل بازداشت او اطلاعی در دست نیست.

این فعال مدنی آذربایجانی پیش از این نیز بدنبال چاپ و انتشار گسترده پوسترهای تبلیغاتی تیم فوتبال تراکتورسازی در شهرهای مختلف آذربایجان در اواخر دی ماه ۸۸ بازداشت و پس از یک روز بازداشت موقت به قید وثیقه آزاد شده بود.

ایران 'بیش از هشتاد هزار پناهجوی افغان را اخراج کرد'

به گزارش سایت فارسی بی بی سی در تاریخ 21 اردیبهشت 89 آمده است : مقامات افغان می گویند، در دو ماه اخیر، بیش از هشتاد هزار پناهجوی افغان از ایران به شکل اجباری اخراج شده اند.

اداره عودت مهاجرین افغانستان در غرب این کشور می گوید، بیش از پنجاه هزار نفر از این پناهجویان از مرز نیمروز و حدود سی هزار نفر دیگر نیز از مرز اسلام قلعه در هرات، به افغانستان بازگردانده شده اند.

مقامات می گویند، شماری از این پناهجویان، به صورت ناگهانی رد مرز شده اند، به شکلی که شماری از اعضای خانواده های شان در ایران باقی مانده و خود مجبور به ترک ایران شده اند.

امان الله سلطانی، رییس اداره عودت مهاجرین در ولایت نیمروز افغانستان می گوید، بیش از نیمی از این اخراج شدگان زنان هستند.

آقای سلطانی حد اوسط اخراج افغانها از ایران را روزانه سی تا سی و پنج خانواده تنها از مرز نیمروز اعلام کرد.

مقامات می گویند، برخی از این پناهجویان پس از بازگشت به افغانستان، نسبت به "رفتار نامناسب و لت و کوب" خود از سوی ماموران ایرانی شکایت کرده اند.

ایران تا حالا واکنشی در این رابطه نشان نداده و این آمار را رد و یا تأیید نکرده است.

بیکاری و نا امنی

بازگرداندن پناهجویان افغان از کشورهای همسایه ایران و پاکستان، چالش بزرگی برای افغانستان در سالهای اخیر بوده است.

افغانستان ظرفیت پذیرش میلیونها پناهجوی خود را که در ایران و پاکستان زندگی می کنند، ندارد و از سوی دیگر، افرادی که به زور به افغانستان فرستاده می شوند، از بیکاری و نداشتن سرپناه رنج می برند.

اداره پناهجویان سازمان ملل متحد می گوید، با افرادی که به تازگی به افغانستان بازگردانده شده اند کمک می کند تا به محلات اصلی شان منتقل شوند، اما این پناهجویان، از "بی سرنوشتی" خود پس از بازگشت به افغانستان شکایت دارند.

شماری از این افراد می گویند، برخی اعضای خانواده هایشان در ایران باقی مانده و از سوی دیگر، خود نیز توان مالی بازگشت به مناطق اصلی شان را ندارند.

براساس برخی آمار، هنوز حدود دو میلیون پناهجوی افغان در ایران زندگی می کنند که از این میان، تنها نهمصد هزار نفر آن اسناد قانونی اقامت در این کشور دارند.

سازمان ملل متحد و دولت افغانستان در سالهای اخیر تلاش کرده اند زمینه بازگشت داوطلبانه این افراد را به افغانستان فراهم کنند، اما ادامه نا امنی ها در افغانستان و بیکاری گسترده در این کشور، مانع از بازگشت پناهجویان به کشورشان می شود.

از سوی دیگر، صدها نفر از پناهجویانی که در سالهای اخیر به افغانستان بازگشته اند نیز به دلیل نبود کار و مشکلات اقتصادی، دوباره تلاش می کنند از راه های قانونی و غیرقانونی به ایران و پاکستان بازگردند.

روزنامه نگار زندانی به یازده سال زندان محکوم شد

ابوالفضل عابدینی نصر، روزنامه نگار و فعال حقوق بشر از سوی شعبه یک بیدادگاه انقلاب اسلامی اهواز به 11 سال زندان محکوم شد. هرانا؛ شعبه یکم دادگاه انقلاب اهواز ابوالفضل عابدینی خبرنگار مستقل و از مسئولین سابق مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران را به اتهامات ارتباط با دول متخاصم (5 سال)، عضویت در مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران (5 سال) و تبلیغ علیه نظام از طریق مصاحبه با رسانه های بیگانه (1 سال) و در مجموع به 11 سال حبس تعزیری محکوم نمود. یکی از استنادات دادستان در خصوص اتهام عضویت در مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران کارت ویزیت عابدینی با عنوان "مسئول روابط عمومی مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران" است که ضمیمه پرونده شده بود. حکم زندان ابوالفضل عابدینی اواخر اسفندماه 1388 صادر شده و 9 فروردین ماه امسال به آقای دکتر محمد اولیایی فرد وکیل ایشان ابلاغ شد. این حکم مربوط به پرونده پیشین آقای عابدینی است که به بازداشت ایشان در تیرماه سال گذشته 1388 و آزادی با قید وثیقه 300 میلیونی در آبان ماه همان سال منجر شد. ابوالفضل عابدینی آخرین بار نیمه شب 11 اسفند ماه 1388 در منزل مسکونی خود در رامهرمز با محاصره منزل و ضرب و شتم شدید دستگیر گردید و به انفرادی بند 2 الف زندان اوین منتقل شد که علیرغم گذشت بیش از یکماه، اتهامات پرونده جدید هنوز به دکتر اولیایی وکیل ایشان ابلاغ نگردیده است.

احضار سه تن دیگر از معلمان سنندج به اطلاعات

آژانس خبری موکریان/سرویس حقوق بشر در تاریخ 21 اردیبهشت نوشته است: احضار سه تن دیگر از فرهنگیان سنندجی به ستاد خبری اطلاعات صبح روز دوشنبه بیستم اردیبهشت ماه سال جاری سه تن دیگر از فعالان انجمن صنفی معلمان کردستان به نام های حیدر زمان، مصطفی سرپازان و رامین زندیا به ستاد خبری اطلاعات سنندج احضار شدند. گفته می شود این افراد پیرامون اعدام فرزند کمانگر معلم کامیارانی و پیامدهای آن بازجویی شده اند. یادآور می گردد روز یکشنبه نیز پیمان نودینیان، پدا... زارعی، هیوا پیرخضرانیان و بها ملکی از فعالان انجمن صنفی معلمان کردستان در سنندج بازداشت شده بودند که پس از بازجویی های طولانی نیمه شب همان روز آزاد شدند.

استاد دانشگاه قزوین دستگیر شد

حسین رئیسسیان استاد دانشگاه بین المللی خمینی قزوین همزمان با موج جدید احضار های دانشجویی به کمیته انضباطی دانشگاه و اداره اطلاعات، دستگیر شد. دانشجویوز: دکتر حسن رئیسسیان عضو هیئت علمی گروه فیزیک دانشگاه بین المللی امام خمینی، دبیر اسبق انجمن مدرسین این دانشگاه، عضو شورای مرکزی حزب مشارکت استان قزوین و عضو ارشد ستاد انتخاباتی مهندس میر حسین موسوی یکشنبه هفته گذشته 89/2/13 توسط نیروهای اطلاعاتی استان قزوین بازداشت شد.

به گفته خانواده وی، دکتر رئیسسیان در روز یکشنبه ی هفته گذشته بعد از خارج شدن از دانشگاه در خیابان نوروزیان و در روبروی خوابگاه مرکزی دانشگاه بین المللی توسط نیروهای انتخاباتی بازداشت شده است. ستاد خبری اطلاعات شهر قزوین و حراست دانشگاه بین المللی دلیل بازداشت وی را داشتن رابطه نامشروع اعلام کردند و در خبرهای خبرگزاری فارس و همچنین تشکل های شبه دانشجویی حامی دولت کودتا، محل دستگیری وی اتوبان قزوین - رشت اعلام شد. این در حالی است که بعد از دیدار کوتاه همسر دکتر رئیسسیان با وی ایشان دلیل دستگیری خود را سیاسی و محل دستگیری خود را خیابان منتهی به دانشگاه و در مجاورت مجتمع خوابگاه های دانشگاه اعلام کرد و اتهامات وارد شده را انگ اخلاقی و سناریویی از پیش طراحی شده برای ترور شخصیت و حذف خود دانست.

لازم به ذکر است که دکتر رئیسسیان با 20 سال تدریس در این دانشگاه یکی از با سابقه ترین اساتید دانشگاه محسوب می شود که در زمان ریاست دکتر بهشتی سررشت عضو هیئت رئیسه دانشگاه بود. وی در 25 خرداد سال گذشته و در جریان اعتراضات دانشجویی پس از انتخابات و تعلیق امتحانات، به همراه چند تن از اساتید و دانشجویان دیگر توسط نیروهای اطلاعاتی دستگیر شده بود و بعد از چند روز بازداشت با قرار وثیقه آزاد شد. در همین راستا پرونده وی به دادگاه

تظاهرات اعتراضی کارگران کارخانه ساسان

کارگران کارخانه ساسان ماه هاست که هیچ ریالی دستمزد دریافت نکرده اند. 200 کارگر شرکت به همین دلیل و زیر فشار گرسنگی افراد خانواده در مقابل ساختمان شرکت اجتماع و شروع به تظاهرات کردند. آنان سکوت کارفرمایان را با شکستن شیشه ها و ورود به محوطه کارخانه پاسخ گفتند و مطالبات خویش را فریاد زدند. بر اساس اخبار، دقایقی پس از اجتماع کارگران، نیروهای سرکوب و کشتار دولت سرمایه داری به محل تجمع توده های کارگر هجوم آوردند تا کارگران را متفرق کنند. اجتماع کنندگان در مقابل هجوم اشرا سرمایه مقاومت کردند و به تظاهرات اعتراضی خویش ادامه دادند. گزارش ها از فضای ملتهب و آماده درگیری حکایت دارد.

عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس: کارفرمایان هرچه را تمایل دارند به کارگران تحمیل می‌کنند

به گزارش خبرگزاری کار ایران- ایلنا در تاریخ 22 اردیبهشت 89 آمده است: نماینده ولیعهد و محلات در مجلس با تاکید بر اینکه امروزه قانون‌گیران قانون‌دان برای بهره‌کشی از قشر کارگر به ترفندهای بسیار پیچیده‌ای روی آورده‌اند، گفت: قرارداد موقت از ترفندهایی است که محیط کارگاه را به نفع کارفرما و به زیان کارگر تنظیم کرده است.

علیرضا سلیمی در گفت‌وگو با ایلنا با تاکید بر اینکه کارگران یکی از شریف‌ترین اقشار جامعه هستند، گفت: تولید، تعالی، پیشرفت، سازندگی و هرآنچه در جامعه مشاهده می‌شود مدیون تلاش کارگران است و گرامیداشت این قشر زحمت‌کش یکی از وظایف دولت‌هاست.

وی امنیت شغلی، اصلاح نظام دریافت مزد، پوشش‌های حمایتی از جمله بیمه و دوره‌های تکمیلی را از جمله موارد تکریم کارگران دانست و گفت: اگرچه اقدامات قابل توجهی برای تکریم کارگران به وجود آمده اما با وضعیت مطلوب فاصله بسیاری داریم.

عضو کمیسیون آموزش مجلس قرارداد موقت را ابزاری برای دوری از عدالت در عرصه‌های کار دانست و گفت: قرارداد موقت ابزار کارآمدی است تا کارفرما بتواند پایش را بر گلوئی نیروی کار فشار داده و هرگاه که کارگر خواست نفس بکشد، کارفرما او را تهدید به اخراج کند.

وی از قوانین ناکارآمد انتقاد کرد و گفت: باید بگویم که صرف وجود قانون بدون نظارت جدی بر اجرای آن نتوانسته حقوق حق کارگران را تامین کند.

سلیمی با انتقاد از روند خصوصی‌سازی‌ها و کاهش تصدی‌گری دولت گفت: با مشاهده دقیق متوجه می‌شویم که نه تنها دولت کوچک نشده بلکه در قالب قرارداد موقت و سپردن کار به پیمانکار نیروی انسانی، هزینه مضاعفی بر دولت تحمیل شده است.

وی با اعلام اینکه کارفرمایان با استفاده از قرارداد موقت به روابط کارگر و کارفرما رابطه ارباب و رعیتی داده‌اند، گفت: امروزه کارفرمایان هرآنچه را تمایل دارند به کارگران تحمیل می‌کنند و کارگر نگویند بخت نیز ناچار به تحمل شرایط است.

نماینده ولیعهد و محلات با یادآوری وعده‌هایی که احمدی‌نژاد برای از بین بردن قراردادهای موقت داد، گفت: جالب نیست که رئیس‌جمهور وعده‌هایی بدهد که هرگز عملیاتی نشود بنابراین لازم است دولت در راستای اطاعت از دستورات احمدی‌نژاد قراردادهای موقت را از عرصه روابط کار دولت حذف کند.

پایان پیام

انجمن صنفی معلمان استان کردستان در اعتراض به اعدام فرزند کمانگر، معلم کامارانی، بیانیه‌ای منتشر کرده است.

متن بیانیه‌ی مذکور به شرح زیر است:

به نام خداوند جان خرد
فرهنگیان عزیز

هفته بزرگداشت مقام معلم، هفته‌ای که مملو از قدردانی، تکریم، تجلیل و پاسداشت معلمان بود را پشت سر گذاشتیم اما ناگهان در ظهر آخرین روز این هفته پر خیر و برکت !!! انتشار خبر اعدام فرزند کمانگر، معلم کامیارانی، همگی ما را غافلگیر کرد و در اندوه او گریستیم. فرزند یکی از معلمان دلسوز این مرز و بوم، در حالی که پاي چوبه دار برده شد که دوازده سال به فرزندان روستاهای این سرزمین درس عشق و گذشت و مردانگی داده بود. به گفته‌ی وکیل وی هیچ مدرکی که چنین مجازات سنگینی را برای او دربر داشته باشد، در پرونده‌ی فرزند وجود نداشته است. حکم اعدام برای يك معلم با چنین پرونده‌ای از يك طرف، و این همه تجلیل از مقام والای معلم از طرفی دیگر، انسان را به تفکر و امیدوار که واقعاً جایگاه معلم در جامعه‌ی ما کجاست؟! فعالین صنفی فرهنگیان سراسر کشور همیشه از طرف دولتهای رنگارنگ مورد تهدید و تهمتهای گوناگون قرار داشته‌اند اما تابحال این تهدیدها رنگ اعدام به خود نگرفته بود. در چند سال اخیر و بعد از صدور حکم اعدام برای فرزند کمانگر، فعالان صنفی سراسر کشور بارها و با انواع شیوه‌های قانونی از مسئولین درخواست لغو حکم اعدام وی را نمودند اما دستگاه قضائی هیچ وقعی به درخواست معلمان‌ی که در این ایام (هفته‌ی معلم)، مطالبها در مقامشان سرانیده میشود، ننهادند و این جای بسی تأسف و تألم است.

فرزند کمانگر را بسیاری از مردم، فرهنگیان و خصوصاً دانش‌آموزان میشناختند و از وضعیت او باخبر بودند و هیچ کس انتظار اجرای حکم اعدام او را نداشت. فعالان صنفی نیز با گوشزد کردن تأثیر روحی-روانی شدید اجرای حکم بر فرهنگیان و بخصوص دانش‌آموزان، به مسئولین قضائی، خواهان لغو آن شدند اما دریغ از نیم نگاهی. انجمن صنفی معلمان استان کردستان اعدام فرزند کمانگر، معلم دلسوز کامیارانی را محکوم نموده و مراتب تأسف و تأثر شدید خود را نسبت به این امر تألم‌بران ابراز داشته، و این مصیبت دردناک را به خانواده‌ی داغدار

کمانگر تسلیت عرض مینماید.

در پی اجرای این حکم و در راستای ایجاد فشار و تهدید و مسکوت نمودن فعالین فرهنگی، عصر یکشنبه 89/2/19 همکاران فرهنگیمان آقایان پیمان نودینیان، بهاء ملکی، یدالله زارعی و هیوا پیرخضریانان از فعالین انجمن صنفی بازداشت شدند که از مکان بازداشت آنان اطلاعی در دست نیست. ما فرهنگیان استان کردستان خواهان آزادی سریع و بیقید و شرط این عزیزان میباشیم و هرگونه پیامد این بازداشت متوجه مسئولین امر خواهد بود.

انجمن صنفی معلمان استان کردستان

عضو شورای عالی تامین اجتماعی: زیر بار قانون شکنی نخواهیم رفت

به گزارش خبرگزاری کار ایران- ایلنا در تاریخ 22 اردیبهشت 89 آمده است: عضو هیات مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور گفت: هنوز وزارت رفاه مکانسیم تبدیل سازمان تامین اجتماعی به صندوق را تبیین نکرده است.

محمد احمدی در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا افزود: صندوق شدن یعنی کاهش محدوده فعالیت تامین اجتماعی که این موضوع می‌تواند برای تامین اجتماعی نامطلوب باشد.

عضو شورای عالی تامین اجتماعی با اشاره به نامه محصولی به ذبیحی برای تحویل دبیرخانه این شورا به دبیر هیات امنای سازمان تامین اجتماعی گفت: این کار به منزله نفی فعالیت‌های شورای عالی تامین اجتماعی است.

وی بایان اینکه فعالیت شورای عالی تامین اجتماعی تناقضی با طرح 2 فوریتی مجلس ندارد، تصریح کرد: برای احقاق حقوق شرکای اجتماعی به اداره قوانین مجلس و دیوان عدالت اداری مراجعه خواهیم کرد و زیر بار قانون شکنی نخواهیم رفت.

احمدی ترکیب 9 نفره هیات امنای سازمان تامین اجتماعی را برخلاف اصل 3 جانبه گرایي دانست و گفت: وجود 2 نماینده از کارگران و کارفرمایان در این هیات به معنای اختیار مطلق دولت‌ها برای تصمیم‌گیری در تامین اجتماعی است.

او در پایان اشاره به کنگره کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور در مشهد گفت: در این کنگره 2 بازرسی اصلی و یک بازرسی علی‌البدل انتخاب خواهند شد. پایان پیام

توزیع هزاران فراخوان اعتصاب در کردستان

هزاران نسخه از فراخوانی به منظور اعتصاب عمومی در اعتراض به اعدام‌های نوزده اردیبهشت، در شهرهای مختلف استان کردستان توزیع شده است. هرانا: در پی انتشار فراخوان جمعی از فعالین سیاسی و مدنی کرد داخل و خارج از کشور مبنی بر اعتصاب عمومی در روز پنج‌شنبه مورخ 23 اردیبهشت ماه، مردم مناطق مختلف کردنشین خود را برای اعتصاب عمومی در این روز آماده می‌کنند. در همین راستا شب گذشته هزاران فراخوان در سطح شهرهای سنندج، کامیاران، سقز، مریوان، بوکان و مهاباد پخش شده است. در این فراخوان‌ها از مردم خواسته شده در جهت محکومیت و اعتراض به اعدام‌های نوزده اردیبهشت با تعطیلی مغازه‌ها و محل کار و عدم حضور در کلاس درس در مدارس مراتب اعتراض خویش را به این عمل غیر انسانی نشان بدهند.

سازمان تامین اجتماعی کودک کار را تشویق به جان‌کندن کرد

به گزارش خبرگزاری کار ایران- ایلنا در تاریخ 22 اردیبهشت 89 آمده است: سازمان تامین اجتماعی، با انتشار ویژه نامه‌ای به مناسبت هفته کارگر، تمام قوانین و کنوانسیون‌هایی را که ایران برای حمایت از حقوق کودکان، به رسمیت شناخته بود را زیر پا گذاشت.

به گزارش خبرنگار ایلنا، در این ویژه‌نامه عکسی از دو کودک کارگر کوره‌پزخانه در ابعاد بزرگ و با این توضیح: «آهای بچه‌ها، خوب فهمیده‌اید که سرمایه جاودانی است کار»

منتشر شد که به‌سادگی چند جمله، همه قوانین و به‌خصوص کنوانسیون حقوق کودک را زیر پا گذاشته است. این تصمیم سازمان تامین اجتماعی، صدای اعتراض انجمن‌ها و نهادهای مدافع کودکان را درآورد، در واکنش به این اقدام، یکی از اعضای انجمن حمایت از حقوق کودکان به ایلنا گفت: همه دلسوزان و فعالان حقوق کودک مدت‌ها است که تلاش دارند تا لزوم برخورداری از رفاه و تامین اجتماعی حداقلی خانواده‌های فقیر در کشور را نهادینه کنند و بر لزوم تحصیل کودکان این خانواده‌ها به جای انواع اشتغال خطرناک پافشاری می‌کنند، اما وقتی وزارت کار در مقابل مقابله نامه‌های منع اشتغال کودکان پاسخگو نیست و

هر ساله گزارش و آمارهای نادرست و متناقض به مجامع داخلی و بین‌المللی ارائه می‌دهد در مقابل سازمان تامین اجتماعی هم آشکارا به کمک کارفرمایانی

می رود که از این کودکان بهره کشی کرده و حق و حقوقشان را نمی‌پردازند، نمی‌توان انتظاری داشت. علی اکبر اسماعیل پور افزود: سالهاست که گزارش‌های متعدد رسانه‌ها و خبرنگاران متعهد از وضعیت زندگی اسفبار این کودکان و اشتغال آنها دل هر انسان دردمندی را آزرده می‌کند و تشکل‌های غیر دولتی حامی کودکان ممنوعیت اشتغال کودکان و لزوم پایبندی مسئولان به انواع و اقسام مقابله نامه‌ها و تعهد نامه‌های منع اشتغال کودکان را فریاد می‌زنند، حال تشویق به اشتغال کودکان از طرف سازمان تامین اجتماعی چه توجیهی می‌تواند داشته باشد؟

به گفته این فعال حقوق کودکان، شاید مسئولان این سازمان در سال جدید به جای گسترش تامین اجتماعی در بین لایه‌های پایین دست جامعه به این فکر افتادند تا کودکان این خانواده‌ها بار تورم و گرانی و نیز گرانی دارو و درمان والدین خود را بر دوش بکشند.

عضو انجمن حمایت از حقوق کودکان ادامه داد: هزاران کودک در کارگاه‌های زیر زمینی به اشتغال جانفرسا مشغولند و از تامین اجتماعی و بیمه بهره‌ای نبرده‌اند؛ شاید تامین اجتماعی خواسته از بار عذاب وجدان احتمالی ماموران خود بکاهد که وقتی تصادفاً کودکی را در یک کارگاه می‌بینند که کارفرما یادش رفته تا پنهانش کند، برای چشم پوشی اشتغال آن کودک اذیت نشود!

اسماعیل پور عنوان کرد: سازمان تامین اجتماعی نمی‌تواند در قبال اشتغال کودکان تا این اندازه غیر مسئولانه برخورد کند؛ تشویق به اشتغال کودکان با تمام اهداف این سازمان که یک سازمان حمایتی است مغایر بوده و بر خلاف تمام معاهدات بین المللی حمایت از کودکان عمل می‌کند.

او ادامه داد: تامین اجتماعی باید تکلیف خودش را روشن کند که آیا در راستای حل مشکلات محرومین جامعه عمل می‌کند یا برخلاف آن، اگر با محرومین جامعه است چاپ عکس جان‌کندن کودکان در کوره‌پزخانه بر روی جلد نشریه داخلی این سازمان و تشویق سایر کودکان به اشتغال، نادیده گرفتن مسلم حقوق محرومین است. به اعتقاد عضو انجمن حمایت از حقوق کودکان، دلیل دیگر چاپ عکس فوق می‌تواند بیانگر آن باشد که مسئولین سازمان تامین اجتماعی اندک اطلاعی از قوانین کار و مقابله نامه‌ها و پیمان نامه جهانی حقوق کودک ندارند و اگر اینچنین باشد باید به حال متولیان تامین اجتماعی این کشور متاسف و متأثر بود. او با اشاره به لزوم توجه هر چه بیشتر مسئولان تامین اجتماعی افزود: لازم است که مسئولین ارشد این سازمان بابت این نادیده گرفتن آشکار کودکی و حقوق کودک از کودکان و بعد از والدین آنها عذرخواهی کنند. پایان پیام

بیانیه انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه در باره اعدام فرزاد کمانگر و چهار زندانی دیگر

روز یکشنبه 5 نفر به اسامی فرزاد کمانگر، فرهاد وکیلی، مهدی اسلامیان، شیرین علم هولی و علی حیدریان زندانیان عقیدتی در زندان اوین و آنطور که از رسانه های رسمی اعلام شده 6 نفر به جرائم عمومی در زندان قزل حسار اعدام شدند.

امروز در قرن 21 از نظر بشریت متمدن اعدام به هر بهانه و جرمی پدیده ای زشت و قبیح به حساب می‌آید و در بسیاری از کشورها ممنوع شده است. اما با کمال تأسف در ایران هنوز بر این عمل ضد انسانی علی‌رغم خواست اکثریت جامعه مبنی بر جلوگیری از خشونت و منع اعدام، پافشاری می‌شود. انجمن کارگران برق و فلزکار کرمانشاه خود را در غم از دست رفتن این انسانها شریک می‌داند.

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه

80 کارگر با سابقه نوشابه سازی ساسان اخراج شدند: برای ما، اینجا آخر دنیاست

به گزارش خبرگزاری کار ایران- ایلنا در تاریخ 22 اردیبهشت 89 آمده است: 15 سال و 2 ماه و 17 روز ... ، 15 سال و 2 ماه و 25 روز ... یا 15 سال و ... اما نه هیچ وقت به ماه سوم نرسید که بیرونم کردن؛ اصلاً چه فرقی داره؟ 15 سال و سه ماه کم یا زیاد هر روز تو نوشابه سازی ساسان کار کردم؛ جان‌کندم و جوونیم رو گذاشتم و آخرش از کارخانه اخراج شدم؛ درست عین ضایعات تولید، من رو هم با 37 سال سن و چند سرعائله بیرون کردن.

فقط من نبودم خیلی بودیم؛ 680 کارگر، راننده و فروشنده و چیزی که به حساب نیومد سن و سابقه و مهارت بود. همه با اجبار کارفرما قبل از این که مهلت یک ماهه قرارداد تمام بشه اخراج شدیم. همه چیز از زمستان پارسال شروع شد؛ اصلاً وقتی فکرش را می‌کنم می‌بینم که سال 88 سال خوبی نبود از همان اول سال اخراج شروع شد؛ درست تو فصل بهار که درخت‌ها جوانه زدند کارگران را مثل برگ خزان، اخراج کردن؛ تقریباً هر ماه یک گروه کارگر بدون این که خودشون خواسته باشن اخراج می‌شدن؛ فقط کافی بود قرارداد تمام بشه؛ تا اینکه نوبت به ما رسید.

اواخر پاییز بود که مدیریت کارخانه برای چندین بار تغییر کرد. می‌گفتن تیم جدید 52 درصد کارخانه را خریده و در مشهد، فزوپن و شیراز نوشابه تولید و پخش می‌کنه؛ می‌گفتن آنها هم پول دارن و هم برنامه و همین برای نجات کارخانه کافیه.

فکر می‌کردیم که دیگر دوران سختی تمام شده و دیگه لازم نیست برای خرید شکر و اسانس و مواد دیگه چند ماه بی پولی بکشیم؛ فکر می‌کردیم حالا آنقدر تولید می‌کنیم که همه دوستان اخراج شده برمی‌گردن یا حداقل دیگه با در آخر هر ماه هیچ کارگری اخراج نمی‌شه اما همه چیز با آنچه که فکرش را می‌کردیم فرق داشت.

وقتی به نوشابه سازی ساسان آمدم؛ سال 75 بود. فقط 24 سال داشتم. تازه از سربازی برگشته بودم و هنوز مجرد بودم. کارم را با یک قرار داد یکساله شروع کردم که بعداً به صورت قرارداد 6 ماهه و بعد 3 ماهه تمدید شد و حتی این آخری‌ها به یک ماه رسیده بود. تازه یک سال از آمدنم به ساسان گذشته بود که ازدواج کردم و الان سه تا بچه دارم. در این 15 سال و چند ماهی که به عنوان کارگر در نوشابه سازی ساسان کار کردم درست مثل بقیه کارگرا درصدی از سهام کارخانه را صاحب شدم؛ حدود هزار سهم به من رسید و اینطوری شد که من هم مثل بقیه شدم سهامدار جایی که کار می‌کردم و توی سود و زیانش شریک شدم و همین بیشتر ما کارگرای سهامدار را وابسته کرد طوری که فراموش کردیم قراردادی هستیم و ممکنه به روز اخراج شویم. اما مالک جدید کارخانه جور دیگری فکر می‌کرد؛ از نظر او نوشابه سازی ساسان یک کشتی در حال غرق شدن بود که او سرمایه‌اش را بار آن کرده بود.

با همین نگاه وقتی اداره کارخانه را به دست گرفت به گوش کارگران رساند که برای نجات کشتی در حال غرق ساسان چاره‌ای جز اخراج بیشتر کارگر نیست؛ گفت: اگر 30 درصد دیگه از کارگرای ساسان تعدیل بشن؛ میشه کارخانه را حفظ کرد و این طوری بود که فهمیدیم اوضاع با آنچه که ما فکرش را می‌کردیم خیلی تفاوت داره. شنیده بودیم فقط موقع غرق شدن کشتی سرنشینان برای نجات از مرگ خود را به دریا می‌اندازند اما نمی‌دانستیم که ممکنه برای نجات کشتی از غرق شدن؛ سرنشینان را به دریا بریزند.

همان چیزی که از آن می‌ترسیدیم را بر سرمان آوردند؛ اخراج‌هایی که فکر می‌کردیم با تغییر کارفرما متوقف شوند؛ سرعت گرفتند. این بار با پایان هر ماه اسامی کارگران بیشتری در فهرست اخراجی‌ها نوشته و بر در دیوار شرکت چسبانده می‌شد؛ این بار حتی کارگرانی را که به تازگی قرارداد یک ماه خود را تمدید کرده بودند، برای تسویه حساب احضار می‌شدن.

می‌گفتند دستگاه‌ها باید بازسازی و تعمیر بشن به همین دلیل از مدتی قبل تولید روزانه کاهش یافته بود و در عوض از شیراز، قزوین و مشهد نوشابه را برای توزیع به تهران می‌آوردند.

کارفرما گفته بود: حاضر هستیم برای تسویه حساب به هر کسی که اسمش در لیست آمده تا 2 ماه سنوات بدهم و بعد از اخراج او را به بیمه بیکاری معرفی کنم تا مقرری دریافت کند اما اگر کسی مقاومت کند در زمان خاتمه قرار داد به او طبق قانون تنها یک ماه سنوات می‌دهم و تازه از مقرری بیمه بیکاری هم خبری نیست. تاثیر این آخری از همه بیشتر بود؛ همه کارگرانی که قرار بود اخراج شوند برای دریافت پول بیشتر و استفاده از بیمه بیکاری به تدریج ترک کار کردن تا این‌که نوبت من شد و من هم در یکی از آخرین روزهای سال 88 و پس از 15 سال و اندکی کار کردن در نوشابه سازی ساسان به اجبار ترک کار کردم تا بتوانم حداقل با دریافت سالی 2 ماه سنوات و مقرری بیمه بیکاری زندگی خود و خانواده‌ام را تامین کنم.

می‌دانستیم که کارفرما قصد دارد تا با پیش کشیدن سنوات بیشتر و مقرری بیمه بیکاری کارگران را به همکاری با خود متقاعد کند و شنیده بودیم اما باور نداشتیم که این پیشنهاد از طرف یک کارگر بازنشسته که زمانی حقوق صنفی کارگر دفاع می‌کرده مطرح شده باشه تا این‌که بالاخره او را دیدیم و باور کردیم که یک کارگر هم می‌تواند برای اخراج کارگران دیگر به کارفرما مشاوره بدهد.

بعد از اخراج، زمانی که عصبانی از پرداخت نشدن بیمه بیکاری به کارخانه بازگشتیم تا از کارفرما بخواهیم که به وعده خودش عمل کند؛ او را دیدیم؛ خودش بود؛ آمده بود تا ما را آرام کند؛ قبلاً عکسش را در روزنامه چاپ دیده بودیم و در آن خوانده بودیم که او از پایین بودن حقوق کارگران و نبود امنیت شغلی انتقاد کرده است. این بیشتر ما را عصبانی کرد.

بعد از عید بود؛ طبق وعده کارفرما، هرکدام از ما، 680 کارگر اخراج شده از 3 تا 8 میلیون تومان سنوات گرفته بودیم و بیشتر آن را در همین مدت کوتاه بابت خوراک، پوشاک، مخارج عید، اجاره‌خانه و دیگر بدهی‌ها هزینه کرده بودیم اما هنوز هیچ کس مقرری بیمه بیکاری را دریافت نکرده بود.

پس از اخراج کارفرما برای جذب کارگر جدید به روزنامه آگهی استخدام داده بود و سازمان تامین اجتماعی همین را بهانه کرده بود؛ سازمان گفت: اگر «زیادی» نبودید پس چرا اخراج شدید؟... وقتی کارفرما به جای شما نیروی جدید استخدام می‌کند؛ بیمه بیکاری به شما تعلق نمی‌گیرد.... با این شرایط حداقل با شما قرار داد ببندند و بخشی از دستمزد شما را بدهد تا باقیمانده حقوق شما به صورت بیمه بیکاری به شما پرداخت شود.

وقتی آگهی استخدام را دیدیم تازه فهمیدیم موضوع از چه قرار است؛ کشتی ساسان برای ما جا نداشت اما کارفرما برای استخدام کارگر راننده و فروشنده در روزنامه آگهی داده بود؛ حاضر نبود با 680 کارگر اخراجی تا پایان قرارداد کار کند حتی وقتی هم که برای یادآوری قولش به کارخانه رفتیم باز حاضر نشد از میانمان کسی را استخدام کند. حتماً برای این‌که در هزینه دستمزد صرفه جویی کرده باشد کارگران ساده و بی تجربه را به ما ترجیح داد چون تا زمانی که اخراج نشده بودیم دریافتی ماهانه هر کارگر با سابقه، حداقل 200 الی 300 هزار تومان از یک کارگر ساده بیشتر بود.

دیگر خسته شده‌ایم؛ من، ستاری، قربانی، سلطانی، شفيعی، مرادی... همه و همه 680 کارگر اخراجی نوشابه ساسان هستیم که نه از مراجعه پی‌درپی به شعبه سازمان تامین اجتماعی و سرگردان شدن در اتاق‌های آن برای دریافت کردن مقرری بیمه بیکاری نتیجه گرفتیم و نه از هر روز رفتن به کارخانه و منتظر شدن در پشت دیوارهای آن برای استخدام دوباره به جایی رسیدیم.

همه بیکار هستیم و فعلاً از جیب می‌خوریم؛ دنبال کار هستیم اما با این شرایط برای افرادی به سن و سال ما پیدا کردن کاری که بتوان آبرومندانه زندگی کرد شدنی نیست بعضی از ما یا در رستوران و مغازه‌ها شاگردی می‌کنن و یا در ساختمان‌ها به عنوان نگهبان و نظافتچی مشغول به کار هستن عده‌ای با ماشین راننده آژانس شدن و یا به دست فروشی مشغول هستن.

در این مدت اندوخته‌ای که پس‌انداز کرده بودیم به همراه پولی که بابت تسویه حساب از کارخانه گرفتیم بابت خرج و مخارج زندگی هزینه شده و رو به اتمام است و نمی‌دانیم که پس از این چه باید بکنیم؟ در عرض چند روز

زندگی ما زیر و رو شد. شاید ما تجربه‌ای باشیم برای سایر کارگران که هرگز از یاد نبرند شاید اینجا برای ما آخر دنیا باشد.
نویسنده پانید فاضلیان

پایان پیام

اخراج از کار فعالین آذربایجانی

فیروز یوسفی درجه دار نیروی زمینی ارتش و از فعالین حرکت ملی آذربایجان از اشتغال در ارتش ایران اخراج شد. کمسیون رسیدگی به تخلفات کارکنان ارتش طی حکمی در ۱۲ اسفند ۸۸ (۳ مارس ۲۰۱۰) دلیل اخراج یوسفی را همکاری با افراد و گروه‌های تجزیه طلب، اقدام علیه امنیت ملی و ترویج قومیت گرایی و پان ترکیسم در شهرهای تهران و مراغه عنوان شده است. پرونده این درجه دار نیروی زمینی با پیشنهاد حفاظت اطلاعات ارتش در کمسیون رسیدگی به تخلفات کارکنان رسیدگی شده و کمسیون رای به عدم صلاحیت امنیتی یوسفی و بازخرد اجباری وی داده است.

فیروز یوسفی از فعالین مدنی آذربایجان است که در نیمه دوم سال ۸۷ (۲۰۰۸) در رابطه با شرکت در مراسم گرامیداشت ستارخان در تهران و پخش پیام تبریک سال نو به زبان ترکی در مراغه بازداشت شده بود. این فعال مدنی آذربایجانی هم اکنون به قید وثیقه و ضمانت به صورت موقت آزاد است اما پرونده وی در دادگاههای انقلاب تهران و مراغه در جریان است و تا کنون حکمی برای وی صادر نشده است. صدور حکم اخراج این نظامی آذربایجانی در حالی صادر می گردد که طبق قوانین ایران صدور احکام در کمسیونهای رسیدگی به تخلفات کارکنان ارگانهای حکومتی، پیش از صدور حکم دادگاه را مجاز نمی باشد و صرفا طرح اتهاماتی به افراد نمی تواند مستمسکی برای اخراج آنها از مشاغلشان باشد.

شایان ذکر است که در سالهای اخیر فشار بر افسران و درجه داران آذربایجانی که مدافع خواسته های زبانی و ملی آذربایجانیها هستند افزایش یافته و عده زیادی از افسران و درجه داران ارتش ایران صرف تاکید بر هویت آذربایجانی خود از سوی حفاظت اطلاعات ارتش تحت فشار قرار گرفته و تبعید یا اخراج شده اند.

خبرهای پی‌درپی درباره تعطیلی هفته آینده

به نوشته سایت مردمک در تاریخ 22 اردیبهشت آمده است: براساس آخرین خبرهای منتشرشده درباره تعطیلی روزهای شنبه و یکشنبه هفته آینده، مدارس و دانشگاه‌های شهر تهران در این دو روز تعطیل خواهند بود و این تعطیلی مدارس شهرستان‌های توابع تهران، ادارات دولتی و برخی دانشگاه‌ها را شامل نمی‌شود.

دولت در مصوبه روز 19 اردیبهشت خود، شنبه و یکشنبه هفته آینده را به‌طور کلی تعطیل اعلام کرده بود اما پس از آن اظهارات ضد و نقیضی از سوی مقام‌های مسئول در این باره مطرح شد که سردرگمی‌هایی را نیز در پی داشت.

موضوع از آنجا آغاز شد که هیئت دولت در جلسه روز 19 اردیبهشت خود با توجه به تعطیلی روز 27 اردیبهشت به مناسبت شهادت حضرت فاطمه و نیز به دلیل برگزاری اجلاس جی.۱5 در تهران، روزهای شنبه و یکشنبه 25 و 26 اردیبهشت را در تهران تعطیل اعلام کرد.

اما پس از آن اخبار متناقضی از سوی استانداری تهران در مورد تعطیلی روزهای شنبه و یکشنبه منتشر شد. استانداری تهران 21 اردیبهشت اعلام کرد که تعطیلی هفته آینده شامل مدارس، دانشگاه‌ها و موسسات دولتی خواهد بود.

استانداری تهران در پی اعلام این خبر، اطلاعیه دیگری را منتشر کرد مبنی بر این‌که «تعطیلی روزهای شنبه و یکشنبه فقط شامل مدارس و دانشگاه‌های شهر تهران و شمیرانات بوده و مدارس شهرستان‌های توابع تهران و همچنین ادارات دولتی را شامل نمی‌شود».

علی سلیمانی، مدیر کل روابط عمومی سازمان آموزش و پرورش شهرستان‌های استان تهران نیز روز 20 اردیبهشت به خبرگزاری فارس گفت که «تمامی مدارس شهرستان‌های استان تهران شنبه و یکشنبه هفته آینده دایر است».

اطلاعیه استانداری و روابط عمومی آموزش و پرورش، این مفهوم را داشت که مدارس تهران در این دو روز تعطیل است اما کلاس‌های مدارس شهرستان‌های تابع تهران برگزار خواهد شد و این مدارس تعطیل نخواهند بود. وضعیت تعطیلی دانشگاه‌ها

در پی بروز ابهاماتی در مورد تعطیلی شنبه و یکشنبه هفته آینده در تهران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری هم اعلام کرد که دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در تهران، روزهای شنبه و یکشنبه 25 و 26 اردیبهشت تعطیل خواهند بود.

به گزارش امروز خبرگزاری مهر، کامران دانشجو، وزیر علوم گفته که «با توجه به برگزاری اجلاس سران گروه جی.۱5 در تهران، روزهای شنبه و یکشنبه مراکز آموزش عالی و دانشگاه‌ها فقط در تهران تعطیل است». اما برخی از دانشگاه‌های تهران اعلام کرده‌اند که در روزهای شنبه و یکشنبه تعطیل نخواهند بود و به فعالیت آموزشی خود ادامه می‌دهند. دانشگاه‌های شهید بهشتی، تهران، صنعتی شریف، امیرکبیر، تربیت معلم و دانشگاه هنر، اعلام کرده‌اند که براساس تصمیم هیئت رئیسه در روزهای شنبه و یکشنبه تعطیل نخواهند بود.

دانشگاه آزاد اسلامی نیز در اطلاعیه‌ای اعلام کرده که آزمون کارشناسی ارشد این دانشگاه بر اساس جدول اعلام شده، در روزهای شنبه و یکشنبه 25 و 26 اردیبهشت برگزار می‌شود اما فعالیت آموزشی این دانشگاه در شهر تهران تعطیل خواهد بود. واکنش شورای شهر تهران شورای شهر تهران در جلسه اخیر خود نسبت به تصمیم دولت مبنی بر تعطیلی روزهای شنبه و یکشنبه مدارس و دانشگاه‌های تهران در میانه امتحانات پایان سال، اعتراض کرد. شماری از نمایندگان شورای شهر تهران اعلام کردند که به دلیل تصمیمات چندگانه دولت، در جریان جزییات تعطیلات نبوده و اطلاعات آنها به نقل از خبرگزاری‌ها است. مهدی چمران رئیس شورای شهر در پاسخ به اعتراض محمدعلی نجفی، عضو این شورا، گفت که هیچ خبری از تعطیلات ندارد اما ظاهراً در هیئت دولت در این زمینه اختلاف نظر وجود داشته اما بعد به این نتیجه رسیده‌اند که تعطیلات تنها برای مراکز آموزشی باشد». با تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها در روزهای شنبه و یکشنبه آینده در پایتخت، تهران از روز پنجشنبه تا دوشنبه هفته آینده به حال نیمه تعطیل در خواهد آمد.

در محکومیت اعدام پنج تن از زندانیان سیاسی

بنا بر خبرهای منتشره، بامداد روز یکشنبه 19 اردیبهشت حکم اعدام معلم مبارز و دلسوز کودکان کردستان، فرزاد کمانگر و چهار زندانی سیاسی دیگر به نام‌های شیرین علم هولی، علی حیدریان، فرهاد وکیلی و مهدی اسلامیان در زندان اوین به اجرا در آمد. این در حالی است که این محکومین، حتی بر اساس قوانین جزایی موجود محاکمه نشده و از ابتدایی ترین حقوق هر متهمی محروم بودند و به گفته وکیل آنها، رای محکومیت شان در دادگاه‌های چند دقیقه ای صادر شده است.

در شرایطی حکم اعدام پنج زندانی سیاسی به اجرا در می‌آید که کارگران و دیگر اقشار جامعه، مطالبات چندین ساله خود را طرح کرده و خواهان دستیابی به خواسته‌های خود هستند. بی‌تردید، سرکوب، زندان و اعدام زندانیان سیاسی، پاسخگوی مردم نیست و نمی‌تواند خواسته‌های برحق آنها را به عقب براند.

ما خواهان لغو اعدام بوده و ضمن محکوم کردن اعدام پنج زندانی سیاسی در زندان اوین، اعلام می‌کنیم که آزادی بیان و اندیشه سیاسی، حق طبیعی و برسمیت شناخته شده‌ی جهانی است و هیچ یک از احاد جامعه را نباید به این دلیل محاکمه و مجازات کرد.

کمیته هم‌هنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری جان‌باختن این عزیزان را صمیمانه به خانواده آنان و همه انسا نه‌ای شریف و آزاده تسلیم می‌گوید .

کمیته هم‌هنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

22 اردیبهشت 89

اطلاعیه شورای موقت کارگران منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی ماهشهر در محکومیت اعدام ۵ فعال سیاسی

مردم شریف و آزاده ، کارگران !

درسحرگاه روز یک شنبه 19 اردیبهشت 1389، پنج زندانی سیاسی به نام‌های شیرین علم هولی، فرزاد کمانگر، علی حیدریان، فرهاد وکیلی و مهدی اسلامیان را اعدام کردند.

ما نیز مانند همکارانمان ، کارگران سندیکای شرکت واحد، کمیته هم‌هنگی برای ایجاد تشکل‌های کارگری و همه انسان‌های آزادیخواه ، اعدام این عزیزان را محکوم می‌کنیم. این‌ها بخاطر مبارزاتشان برای آزادی و برابری و انسانیت زندانی و اعدام شدند. ما صمیمانه به خانواده آنها و به همه انسان‌های آزادیخواه و همه مردم ایران تسلیم می‌گوییم. نامه‌های فرزاد کمانگر از زندان، صدای انسانیت و آزادیخواهی بود، ما با اعتراضمان به این اعدام‌ها این صدا را ارج می‌گذاریم.

ما خود را در اعتراضات خانواده‌های اعدام‌شدگان و مردم کردستان و همه کسانی که به این اعدام‌ها معترضند ، شریک میدانیم و همراهیم . ما بار دیگر تاکید می‌کنیم که همه زندانیان سیاسی باید آزاد شوند. منصور اسانلو. ابراهیم مددی ، علیرضا قنبری و همه معلمان‌هایی که در بندند و همه دانشجویان زندانی ، همه و همه ، باید آزاد

شوند. ما می‌خواهیم احضار فعالین کارگری و فعالین سیاسی به دادگاهها اکیدا متوقف شود. دستگیر شدگان اول مه باید آزاد شوند. ما خواهان لغو مجازات اعدام هستیم. زندگی انسانی حق مسلم ماست.

خانواده های اعدام شدگان ،

ما هم ، در غم از دست دادن این عزیزان داغداریم ، ما را در کنار خودتان بدانید و در غمتان شریک .

زنده باد آزادی

زنده باد انسانیت

شورای موقت کارگران منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی ماهشهر

89/2/22

رتبه کسب و کار ایران ۱۴۳ از میان ۱۸۰ کشور است

به نوشته سایت کلمه در تاریخ 22 اردیبهشت آمده است : کارآفرینان موتور توسعه کشورهای توسعه یافته هستند که مورد حمایت ویژه دولت‌ها نیز هستند. مسعود کاراندیش، کارآفرین بخش کشاورزی درگفت‌وگو با ایلنا افزود: در کشور ما حمایت دولت از کارآفرینان کم است که باید مورد تجدید نظر مسوولان قرار گیرد. وی اقتصادکشور را تقریباً دولتی عنوان کرد و اظهار داشت: در کشورهای توسعه یافته که میزان بیکاری در آنها بسیار پایین است اقتصاددرستان بخش خصوصی است. او با انتقاد از قوانین دست و پاگیر درکشور برای توسعه فعالیت‌های کارآفرینان، تصریح کرد: در سال ۲۰۰۹ میلادی طبق اعلام مراجع معتبر جهانی رتبه کسب و کار ایران ۱۴۳ بود که این عدد در میان ۱۸۰ کشور بوده است. کاراندیش خاطرنشان کرد: کارآفرینان بخش کشاورزی با مشکلات بیشتری نسبت به کارآفرینان بخش صنعت مواجه هستند. این کار آفرین با اشاره به بیکاری ۸۰ هزار فارغ التحصیل بخش کشاورزی درکشور گفت: دولت می‌تواند با ترویج فرهنگ کاردر میان مسوولان میانی دولت موجبات اشتغالزایی کارآفرینان را فراهم آورد. کاراندیش تصریح کرد: خیلی از کشورهایی که امکانات کمتر ازکشور ما داشته‌اند توانسته‌اند در زمینه اشتغالزایی بهتر از ما عمل کنندکه لازمه تحقق این امر درکشور توجه به بخش خصوصی است.

دستگیری پانزده تن از فعالین دانشجویی مریوان

خبرهای دریافتی از کردستان در تاریخ 23 اردیبهشت آمده است : پس از تجمعات اعتراضی دانشجویان دانشگاه پیام نور مریوان در اعتراض به اعدام های نوزده اردی بهشت، طی روزهای دوشنبه و سه شنبه و دعوت مردم مریوان به شرکت در اعتصاب عمومی، حداقل 15 تن از فعالین دانشجویی این شهر بازداشت و به مکان های نامعلومی منتقل شده اند. برپایه همین خبرآمده است : آرام ویسی، فواد مرادی، توفیق پرتوی، دانا لنجاوایی و سامان زندی 5 تن از دانشجویان بازداشت شده ی مریوانی هستند. هم چنین اداره ی اطلاعات مریوان طی چند روز اخیر با اکثر فعالین شهر به صورت تلفنی تماس برقرار نموده و آنها را تهدید کرده است که در صورت تلاش برای برپایی اعتصاب و همراهی با آن عواقب بسیاری بدی در انتظارشان خواهد بود. شایان ذکر است در حال حاضر جو امنیتی بر فضای شهر مریوان حاکم است و شهر توسط یگانهای ضد شورش به کنترل کامل در آمده است.

اتحادیه معلمان سوئد اعدام فرزاد کمانگر و چهار زندانی سیاسی دیگر را محکوم کرد

فعال اتحادیه ای در ایران اعدام شد!

فرزاد کمانگر، فعال اتحادیه ای روز یکشنبه در ایران اعدام شد. اتحادیه جهانی معلمان پیش تر به حکم اعدام فرزاد کمانگر اعتراض کرده و اکنون مشغول بحث بر سر چگونگی واکنش نسبت به این اعدام است. فرزاد کمانگر

35 ساله یکی از فعالین ایجاد تشکل های اتحادیه ای در ایران بود. بر سر این فعالیت ها فرزاد کمانگر در یک دادگاه نمایشی 5 دقیقه ای در فوریه 2008 به اعدام محکوم شد. اتحادیه معلمان چندین بار به رژیم ایران در این رابطه نامه نوشته و در کمپین آموزش بین المللی و عفو بین الملل برای نجات جان فرزاد کمانگر شرکت کرده است.

ما خبر این اعدام را دیروز دریافت کردیم. این اعدام بطور مخفی روز یکشنبه بدون اطلاع به خانواده اعدامی و کیل ایشان به اجرا در آمد. 4 زندانی دیگر همزمان اعدام شدند.

یورگن لیندروم سکرتر بین المللی اتحادیه معلمان می گوید که این حادثه وحشتناک و تراژیک است. ما هم اکنون مشغول بحث بر سر چگونگی واکنش به این اعدام هستیم.

ترجمه از اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران- سوئد

بیانیه مادران عزادار در محکومیت اعدام های اخیر

متأسفانه با خبر شدیم که حکومت اسلامی پنج نفر از زندانیان سیاسی (شیرین علم‌هولی، فرزاد کمانگر، فرهاد وکیلی، علی حیدریان و مهدی اسلامیان) را که به اتهامات واهی و خارج از موازین قانونی و انسانی به اعدام محکوم کرده بود، مظلومانه و حتا بدون اطلاع وکلا و خانواده هایشان اعدام کرده است. گرچه ما و بسیاری از آزاد اندیشان و آزادی خواهان جهان بر این نکته اذعان داریم که هر شخصی هر گونه جرمی را مرتکب شده باشد نمی توان خارج از موازین انسانی، قانون، تمدن و عرف، به محاکمه ی وی نشست و اعدام را که پایان دادن به زندگی انسانی به دست دیگر انسان هاست نوعی از کشتار و خونریزی می دانیم. اما سال هاست که حکومت اسلامی از راه های مختلفی دست به خشونت و اعدام و نسل کشی سیاسی زده و بر شمار مادران عزادار و خانواده های داغ دیده می افزاید. خانواده ها و مادران عزاداری که فرزندان شان هیچ جرمی مرتکب نشده اند جز این که آزادی و عدالت را فریاد زده اند و در برابر سانسور و اختناق قهرمانانه ایستاده اند و تن به ظلمی که بر آن ها و جامعه و میهن شان رفته نداده اند.

ما مادران عزادار نفس هر گونه اعدام و به خصوص اعدام های اخیر را محکوم کرده و خواهان توقف اعدام و آزادی زندانیان سیاسی دیگر می باشیم. همین طور از تمام نهادهای بین المللی خواهانیم که حکومت ایران را به حذف حکم اعدام و برجیدن چوبه های دار و جوخه های تیرباران اش ملزم نموده تا از این پس شاهد کشتار و خونریزی و اعدام در کشور ایران نباشیم.

در پایان ضمن ابراز تأسف شدید از این واقعه ی دردناک که صرفا یک اقدام سیاسی برای ایجاد رعب و وحشت می باشد، به خانواده ها و مادران عزادار این پنج نفر تسلیت گفته و آرزوی محاکمه ی عاملان این جنایات را داریم، همین طور خشونت طلبان رژیم را به نگرشی دوباره در مشی خونریزانه شان دعوت می کنیم که اگر نکنند مردم حتمن برای سرنوشت خودشان متمدنانه تصمیم خواهند گرفت. به امید روزی که امید و نشاط و شادی تمام میهن مان را فرگیرد.

مادران عزادار

اردیبهشت ۱۳۸۹

آغاز اعتصاب سراسری در شهرهای کردستان

بوکان:

در پاسخ به فراخوان اعتصاب عمومی مردم کردستان در محکوم نمودن اعدام 5 فعال سیاسی کورد از طرف حکومت اسلامی ایران مردم بوکان در یک اقدام هماهنگ دست به اعتصاب زدند. کلیه مغازه ها، بازار، پاساژها، اماکن عمومی به حالت تعطیل درآمده اند. تا این لحظه (ساعت 10:30) صبح مردم در یک اقدام هماهنگ حکومت اسلامی را دچار شوک و وحشت کردند. نقاط حساس شهر به اشغال نیروهای امنیتی و گارد شورش درآمده است..

امروز شهر بوکان تماما در اعتصاب به سر می بره، در اکثریت مناطق بوکان همراه با سراسر کردستان از ماکو تا ایلام تمامی مغازه ها خیابان های اصلی شهر و بازارهای سطح شهر بوکان تعطیل بوده و مردم شهر خونه هاشون رو امروز ترك نکردند، به امید اینکه با خانواده شهیدان راه آزادی همدردی کرده باشیم و نشون بدیم ملت کورد به شهیدان راه آزادیش افتخار میکنه و راهشون رو ادامه میدیم، به یاد فرزاد میگیم زنده باد آزادی و به قول شیرین به هیوای سه رکه وتن (به امید بیروزی)

سنندج

به رغم تمام اوضاع امنیتی و ملیتاریزه شدن کردستان، خیرها از سنندج حاکی از تعطیلی کامل بازار است و دانشجویان و محصلین نیز سر کلاسهای خود حاضر نشده اند. خیابانهای سنندج مملو از مردم و نیروهای گارد است و شهر عملا تعطیل است.

سکوت و تعطیلی مطلق در دیواندره

ساعت 10:30 صبح 23 اردیبهشت بازار شهر دیواندره کاملاً تعطیله مثل يك شهر متروکه تنها نیروهای پیاده امنیتی در بازار گشت میزنند تا مانع فیلمبرداری شوند.

مهاباد

در شهرستان مهاباد حکوت نضامی برقرار است تمام بازار شهر بسته و مردم در حال اعتصاب بسر میبرند ، شعارهای مرگ بر رژیم ، مرگ بر دیکتاتور همه جا نوشته شده است . لطفا زود پخش شود.

دانش آموزان شهرهای مهاباد و بوکان از رفتن به کلاس درس خوددار می کنند 23-2-89

ادامه اعتصاب سراسری در کردستان و دستگیری جوانان در شهرها

بر اساس اخبار رسیده به کمیون دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی در تاریخ 23 اردیبهشت آمده است: تاکنون شهرهای کرمانشاه، سنندج، مریوان، سقز، بوکان، دهگلان، مهاباد، قروه، بیجار، کرد، سرپل ذهاب، ایلام، گیلان غرب در اعتصاب به سر میبرند و از طرف دیگر تیر اندازی در شهر دهگلان تا يك ساعات به طول انجامیده و جمعی از جوانان و مردم این شهر دستگیر شده اند و فضای این شهر کاملاً نظامی شده است. جوانان انقلابی سنندج در بسیاری از نقاط شهر از جمله شهرک کشاورز در حمایت از اعتصاب پیروزمند سراسری مردم کردستان دست به شعار نویسی زده اند نیروهای سرکوبگر رژیم با هجوم به مغازه ها بخصوص پاساژ آشنا واقع در خیابان فردوسی شهر سنندج خواستار باز شدن مغازه میباشند . همچنین رانندگان شهر با ایجاد ترافیک در سه راه شریف آباد همزمان با بوقهای مکرر از اعتصاب سراسری پشتیبانی میگردند . که موجب وحشت نیروهای رژیم شد گفتنی است که مردم شهر سنندج خود را برای تحصن در ساعت 5 عصر در پارک استقلال آماده میکنند که باعث ایجاد جوی کاملاً غیر عادی که رژیم نیروهای زیادی را به این نقاط از شهر آورده و قصد سرکوب مردم را دارد. لازم به ذکر است جمعی از فعالان مدنی و سیاسی از مردم شهر سنندج خواسته اند که امروز 5 شنبه برای پشتیبانی از خانواده های داغدار راس ساعت 5 عصر در پارک استقلال واقع در خیابان 6 بهمن حضور یابند کمیون دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی

گزارشی از شهرهای کردستان در اولین ساعات اعتصاب عمومی سراسری

به گزارشهای رسیده از بیشتر شهر کردستان که به کمیون دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی رسیده ، شهرهای مریوان، سنندج ، سقز، بوکان، مهاباد ، شنو و دیواندره و طبق خبرهای موقت به طور کامل در اعتصاب بسر میبرند. و مردم مبارزه و آزادیخواه این شهرها در پاسخ به فراخوان احزاب و سازمانهای سیاسی و مدنی و هم دردی با خانوادهاي جان باختگان 19 اردیبهشت مبنی بر اعتصاب عمومی روز جاری از رفتن به محل های کسب خودداری نموده و بسیاری از مغازه های این شهرها می باشند

در شهر کامیارن ماموران رژیم اسلامی با هدف دامن زدن به فضای رعب و وحشت از مردمی که در برابر منزل فرزند کمانگر تجمع کرده اند فیلمبرداری می کنند. این خبر می افزاید حکومت نظامی غیر رسمی در شهر حاکم است

اخبار تکمیلی منتشر خواهد شد .

یک گزارش از اعتصاب عمومی سراسری در کردستان

اعتصاب عمومی مردم در شهرهای کردستان آغاز شده است . کسبه در شهرهای سنندج، مریوان ، بوکان، سقز، مهاباد کامیاران و اشنویه از باز کردن مغازه ها خودداری کرده اند. نیروهای حکومتی با ایجاد ترس و رعب و وحشت در این شهرها و با فشار به کسبه می خواهند مجبورشان کنند مغازه های شان را باز کنند. حضور نیروهای سرکوبگران در تمامی شهرهای کردستان و کردنشین برجسته است.

بنا به این گزارش، شهر بیجار هم امروز در اعتصاب هست و 90٪ از کسبه تا الان که نزدیک ظهره مغازه هاشون رو باز نکردند . در ماکو بیش از 50٪ شهر تعطیل است . در شهر بازرگان نیروهای رژیم مردم را تهدید کرده اند مغزه های شان را باز کنند. در شهر ارومیه تعطیلی حاکم فرماست و در مناطق ترگور و مرگو تعطیلی 90٪ است.

در گیری در خیابان کمربندی 25 سنندج و زخمی شدن دو نفر

به نوشته کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی در 23 اردیبهشت آمده است: بنا به گزارش رسیده به ستاد خبری کمپین، در پی اعتراضات مردمی در سنندج و اعتصاب عمومی در کل شهرهای کردستان در شهر سنندج و در خیابان کمر بندی سنندج در پی درگیری مردم با نیروهای سرکوبگر تیر اندازی این نیروها دو نفر از تظاهرات کنندگان زخمی شده اند که رژیم در پی این اقدام مردمی با توسل به زور و افزایش نیرو مردم را وادار به عقب نشینی ساخته است.

ورود هیئت کنترل بحران وزارت کشور رژیم به سنندج

در پی شرایط بحرانی کردستان و فراخوان عمومی در 23 اردیبهشت برای اعتصاب و اعتراض در تمامی مناطق کردنشین، هیئت کنترل بحران وزارت کشور رژیم امروز وارد سنندج شد. این در حالیست که فعالین در سنندج گزارش داده‌اند که در خیابان کمر بندی این شهر میان نیروهای حکومتی و جوانان خشمگین درگیری روی داده است. درگیری زمانی آغاز شد که نیروهای ضد شورش برای متفرق کردن تظاهرکنندگان بسوی آنها آتش گشودند و دستکم دو نفر را زخمی کردند.

اعتصاب سراسری کردستان؛ و مانور نیروهای سرکوبگر و ایجاد رعب و وحشت در شهرهای کردستان

بنا به آخرین گزارشهای دریافتی از شهرهای کردستان در تاریخ 23 اردیبهشت آمده است: شهرهای مریوان، سنندج، سقز، بوکان، مهاباد، اشنو و دیواندره و شهر بیجار و ماکو و طبق خبرهای موثق به طور کامل در اعتصاب بسر میبرند. میدان آزادی کلا تعطیل است. خیابان فردوسی و بازارچه ها و پاساژها همه تعطیل است. خیابان ششم بهمن و شریف آباد تعطیل است. خیابان انقلاب و خیابان شاهپور (خمینی) تعطیل است خیابان وکیل خیابان آیدر تعطیل است، شهرک صنعتی و فلزکاران یک نفر هم مغازه باز کرده است. پاساژهای عمومی و تجاری همه تعطیل اند. بازار و گذر قدیمی اصف و براتیان و همه مغازه‌های تابعه تعطیل هستند. تنها ادارات دولتی باز کرده اند نیروهای امنیتی و انتظامی با ماشینهایشان آمد و رفت میکنند و کنار بانک ها و ادارات دولتی گروه گروه ایستاده اند. تا این مرحله به شهرم سنندج درود می فرستم که اعتصاب کرده اند. کامیاران: شهر تعطیل است بغیر از ادارات دولتی که حراست ها و نیروهای انتظامی آمدن سرکار همه جا تعطیل است. نیروهای امنیتی در سطح شهر گشت می زنند. مردم به طرف خانه فرزند کمانگر راهی هستند تجمع در مقابل خانه فرزند کمانگر لحظه به لحظه روبه افزایش است. مریوان: شهر مریوان امروز تعطیل است بغیر از مدارس و ادارات دولتی که با کارمندان و نیروهای حراستی اداره می شوند همه مغازه‌ها تعطیل است. طبق گزارش های ارسالی از بانه، بوکان، سقز و دیواندره، مهاباد اکثر مغازه ها و بازاریان تعطیل کرده اند و فضای شهرها کاملا اعتصاب عمومی است. براساس گزارشها در برخی شهرها نیروهای اماکن انتظامی به صاحبان پاساژها و مغازه ها اجبار کرده اند که برخی مغازه ها را بازکنند که با مقاومت و درگیری مردم مواجه شده اند. در کامیاران و سنندج نیروهای امنیتی در نقاط مهم شهر مستقر شده اند. در اکثر شهرهای کردستان نیروهای دولتی حالت حکومت نظامی به خود گرفته اند و میخواهند تشنج آفرینی کنند.

گزارشات تکمیلی از کردستان

شهرهای مریوان، سنندج، سقز، بوکان، مهاباد، شنو و دیواندره و طبق خبرهای موثق به طور کامل در اعتصاب بسر میبرند. و مردم مبارزه و آزادیخواه این شهرها در پاسخ به فراخوان احزاب و سازمانهای سیاسی و مدنی و هم دردی با خانواده‌های جان باختگان 19 اردیبهشت مبنی بر اعتصاب عمومی روز جاری از رفتن به محل های کسب خودداری نموده و بسیاری از مغازه های این شهرها می باشند و در شهر کامیاران ماموران رژیم اسلامی با هدف دامن زدن به فضای رعب و وحشت از مردمی که در برابر منزل فرزند کمانگر تجمع کرده اند فیلمبرداری می کنند. این خبر می افزاید حکومت نظامی غیر رسمی در شهر حاکم است

به رغم تمام اوضاع امنیتی و ملیتاریزه شدن کردستان، خبرها از سنندج حاکی از تعطیلی کامل بازار است و دانشجویان و محصلین نیز سر کلاسهای خود حاضر نشده اند. خیابانهای سنندج مملو از مردم و نیروهای گارد است و شهر عملا تعطیل است.

سکوت و تعطیلی مطلق در دیواندره

ساعت 10:30 صبح 23 اردیبهشت بازار شهر دیواندره کاملا تعطیله مثل يك شهر متروکه

تنها نیروهای پیاده امنیتی در بازار گشت میزنند تا مانع فیلمبرداری شوند

امروز شهر بوکان تماما در اعتصاب به سر میبره، در اکثریت مناطق بوکان همراه با سراسر کردستان از ماکو تا ایلام تمامی مغازه ها خیابان های اصلی شهر و بازارهای سطح شهر بوکان تعطیل بوده و مردم شهر خونه هاشون رو امروز ترك نکردند،

درگیری در انشگاه ارومیه بر اساس اخبار رسیده در دانشگاه ارومیه درگیری سختی میان دانشجویان معترض و مبارز کورد با ماموران صورت گرفته است و دانشجویان از رفتن به کلاسها خودداری کرده اند و نیروهای انتظامی

به خوابگاه دانشجویان یورش برده است. دانشجویان کورد ضمن انزجار از ترور و اعدام پشتیبانی خود را برای مردم کردستان تکرار کرده اند. شایان ذکر است این درگیری هم اکنون ادامه دارد کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی

اوج گیری اعتراضات مردمی و تیر اندازی در دهگلان

بنا به گزارشی که از شهر دهگلان در تاریخ 23 اردیبهشت آمده است: به ستاد خبری کمپین رسیده، تعداد زیادی از جوانان و مردم شهر دهگلان به خیابانهای این شهر ریختند و در حرکتی غرور آفرین اعدام جوانان کرد را محکوم نموده اند که نیروهای سرکوبگر رژیم با تیر اندازی و ایجاد فضای رعب و وحشت با تظاهرات کنندگان درگیر شده اند کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی.

حقوق فعالین سندیکایی شرکت اتوبوس رانی تهران ماه ها است که پرداخت نشده است

بنابه گزارشات رسیده از ایران در تاریخ 23 اردیبهشت آمده است: تعدادی از اعضای سندیکای شرکت اتوبوس رانی تهران که بعضی از آنها از 4 سال پیش بدلیل دفاع از حقوق خود و داشتن حق سندیکای کارگری بدون گرفتن حقوق و مزایا از شغل خود معلق شدند. از آذر ماه 1387 به مرور با حکم اداره کار به محل کارشان بازگشتند ولی از آن زمان تاکنون از دریافت حقوق و مزایای خود محروم هستند. فعالین سندیکایی نسبت به تعلیق خود از کار به اداره کار و سایر مراکز شکایت نمودند که در طی یک پروسه طولانی و با کارشکنی های مستمر مامورین وزارت اطلاعات مواجه بودند. بالاخره اداره کار رای به بازگشت به کار و پرداخت حقوق و مزایای دوران تعلیق داد و کارفرما را موظف به بازگشت آنها بکار و پرداخت حقوق و مزایای دوران تعلیق نمود. تعدادی از فعالین سندیکای شرکت اتوبوس رانی تهران از آذرماه به مرور به سرکار خود بازگشتند ولی علیرغم گذشت چندین ماه از پرداخت حقوق آنها خوداری می کنند و حتی در بعضی از موارد آنها را تهدید به اخراج می کنند.

اسامی تعدادی از فعالین سندیکایی که به سر کار خود بازگشته اند ولی از دریافت حقوق خود هنوز محروم هستند عبارتند از:

1. غلامرضا غلام حسینی 2. مرتضی کمساری 3. حسن سعیدی 4. حبیب رضا پور 5. عبدالله حسینی 6. همایون جابری 7. وهاب محمدی 8. علی اکبر نظری می باشند.
- فردی که از پرداخت حقوق کارگران ممانعت می کند حسین بیژنی مدیر عامل شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه می باشد. نام اصلی این فرد سرهنگ پاسدار اردشیر مقیم پور می باشد ولی در شرکت اتوبوس رانی و مکاتبات اداری آن از نام مستعار حسین بیژنی استفاده می کند.
- کارگرانی که از کار اخراج شده اند و یا حقوق آنها پرداخت نشده است همچنین افرادی که در اثر تصادف با اتوبوسهای شرکت واحد متحمل خسارتی شده اند. وقتی که به مدیر عامل شرکت اتوبوس رانی تهران که با نام مستعار حسین بیژنی شناخته می شود مراجعه می کنند از حل مشکل و پاسخگویی به آنها خوداری می کند. آنها ناچار شدند که علیه این فرد به دادگاههای رسیدگی به جرایم دولت در شعبه های 1050 و 1060 از او شکایت کنند دادگاههای مزبور به آنها گفته است که چنین شخصی مدیر عامل شرکت اتوبوس رانی تهران نمی باشد. تا اینکه آقای حسین جنای وکیل حسین بیژنی برای دفاع از او در دادگاه جرایم دولت پرده از نام اصلی او برمی دارد. نام اصلی وی سرهنگ پاسدار اردشیر مقیم پور می باشد. این مسئله باعث شگفتی رئیس دادگاه می شود و به دلیل استفاده از نام جعلی پرونده جدیدی علیه او گشوده می شود. در حال حاضر ده ها پرونده علیه این فرد باز می باشد.
- فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، عدم پرداخت حقوق کارگران شرکت اتوبوسرانی تهران و حومه که مدت بسیار طولانی از کار معلق بوده اند و این مسئله باعث ایجاد مشکلات حاد معیشتی برای خانواده های آنها گردیده را محکوم می کند و از سازمان جهانی کار خواستار اقدامات عملی علیه این رژیم برای رعایت قوانین بین المللی کار که ایران عضو آن است می باشد.

اعتصابات عمومی سراسر استان کردستان را فرا گرفته است

گزارش خوانندگان ما در تاریخ 23 اردیبهشت حاکی از این است: که اعتصابات سراسری استان را فرا گرفته و اکثر مغازه های این شهر بسته شده است. حالتی از سکوت تمام شهرها ی این استان را فرا گرفته است. همچنین درتمام این شهرها حالت حکومت نظامی اعلام نشده است. پلیس ها در تمام خیابانهای اصلی شهرها دوتا دوتا و سه تا سه تا در رفت و آمدند و گشت های پلیس نیز در حال گشت زنی هستند. موتورسوارها و لباس شخصی ها هم به چشم می خورند که بعضی از این لباس شخصی ها در حال فیلم برداری از مغاز های بسته شده هستند که شاید این کار را برای ارباب مردم انجام می دهند. خبرهای تکمیلی در گزارشهای بعدی به اطلاع شما خواهد رسید

منبع: وبلاگ تلاش برای روشننگری و آزادی www.sahrezor.blogfa.com

اوج گیری اعتراضات مردمی و تیر اندازی در دهگلان

کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی در تاریخ 23 اردیبهشت نوشته است : بنا به گزارشی که از شهر دهگلان به ستاد خبری کمپین رسیده ، تعداد زیادی از جوانان و مردم شهر دهگلان به خیابانهای این شهر ریختند و در حرکتی غرور آفرین اعدام جوانان کرد را محکوم نموده اند که نیروهای سرکوبگر رژیم با تیر اندازی و ایجاد فضای رعب و وحشت با تظاهرات کنندگان درگیر شده اند

درگیری در سنندج و زخمی شدن دو نفر

کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی در تاریخ 23 اردیبهشت نوشته است : بنا به گزارش رسیده به ستاد خبری کمپین ، در پی اعتراضات مردمی در سنندج و اعتصاب عمومی در کل شهرهای کردستان در شهر سنندج و در خیابان کمر بندی سنندج در پی درگیری مردم با نیروهای سرکوبگر و تیر اندازی این نیروها دو نفر از تظاهر کنندگان زخمی شده اند که رژیم در پی این اقدام مردمی با توسل به زور و افزایش نیرو مردم را وادار به عقب نشینی ساخته است .

درگیری و تعطیلی بازار در سنندج

کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی : بنا به گزارش رسیده به ستاد خبری کمپین ، باتوجه به استقبال بی سابقه مردم مناطق کردنشین بخصوص شهر سنندج از اعتصاب سراسری در محکومیت اعدام زندانیان سیاسی . نیروهای سرکوبگر رژیم با وحشت نظاره گر اوضاع در شهر سنندج میباشند . نیروهای رژیم با هجوم به مغازه ها بخصوص پاساژ آشنا واقع در خیابان فردوسی شهر سنندج خواستار باز شدن مغازه ها شدند . همچنین رانندگان شهر با ایجاد ترافیک در سه راه شریف آباد همزمان با بوقهای مکرر از اعتصاب سراسری پشتیبانی میکردند که این موجب وحشت نیروهای رژیم شد. از طرف دیگر مردم شهر سنندج خود را برای تحصن در ساعت 5 عصر در پارک استقلال آماده میکنند که باعث ایجاد جوی کاملاً غیر عادی در شهر شده . لازم به ذکر است جمعی از فعالان مدنی و سیاسی از مردم شهر سنندج خواسته اند که امروز 5 شنبه برای پشتیبانی از خانواده های داغدار راس ساعت 5 عصر در پارک استقلال واقع در خیابان 6 بهمن تجمع کنند.

تعطیلی بازار در سنندج

اژانس خبری موکریان/سرویس حقوق بشر : صبح امروز پنجشنبه 23 اردیبهشت ماه 1389 مردم شهرسنندج به منظور اعتراض نسبت به اجرای احکام اعدام فرزاد کمانگر و 4 شهروند دیگر ایرانی، مغازه و محل کسب خود را به حالت تعطیل در آوردند. این اعتراض مدنی در کلیه مناطق و خیابان های اصلی شهرسنندج از جمله بازارچه فریدونی ، بازارچه های خیابان سیروس ، بازار طلا فروشان ، بازار فرش فروشان ، خیابان فردوسی ، وکیل ، سفری ، شش بهمن ، میدان اقبال ، میدان انقلاب و شریف آباد به چشم میخورد. شایان ذکر است خبرهایی از نقاط دیگر کردستان مبنی بر تعطیلی بخشی از بازار توسط مردم به دستمان رسیده است که گزارش های تکمیلی بعداً به اطلاع خواهد رسید.

ورود هیئت کنترل بحران وزارت کشور رژیم به سنندج و برافروختن آتش برفراز کوه

کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی در تاریخ 23 اردیبهشت نوشته است : : در پی شرایط بحرانی کردستان و فراخوان عمومی برای اعتصاب و اعتراض در تمامی مناطق کردنشین، هیئت کنترل بحران وزارت کشور رژیم امروز وارد سنندج شد. این در حالیست که فعالین در سنندج گزارش داده اند که در خیابان کمر بندی این شهر میان نیروهای حکومتی و جوانان خشمگین درگیری روی داده است. درگیری زمانی آغاز شد که نیروهای ضد شورش برای متفرق کردن تظاهرکنندگان بسوی آنها آتش گشودند و دستکم دو نفر را زخمی کردند.

. موج عظیم اعتصاب عمومی در کردستان آغاز شد

کومه له در تاریخ 23 اردیبهشت نوشت : طبق تازه ترین خبرهای رسیده به مرکز خبری کومه له، اکثریت شهرهای کردستان تا لحظه تنظیم این خبر در اعتصاب عمومی بسر میبرند. شهرهای سنندج، سقز، مریوان، کامیاران، دیواندره، بوکان و مهاباد، اشنویه و پیرانشهر تاکنون بازار و مراکز کاری خود را تعطیل نموده و به موج عظیم اعتصاب عمومی در کردستان پیوسته اند. مدارس باز هستند اما دانش آموزان از رفتن به مدارس خود داری کرده اند. ادارات به حالت نیمه تعطیل در آمده اند.

در سنندج میدان آزادی کلاً تعطیل است . خیابان فردوسی وبازارچه ها وپاساژها همه تعطیل است . خیابان ششم بهمن و شریف اباد تعطیل است . خیابان انقلاب و خیابان شاهپور (خمینی) تعطیل است خیابان وکیل خیابان آبیدر تعطیل است ، شهرک صنعتی و فلزکاران یک نفرهم مغازه باز نکرده است. پاساژهای عمومی وتجاری همه تعطیل اند. بازار وگذر قدیمی اصف و براتیان وهمه مغازهای تابعه تعطیل هستند. تنها ادارات دولتی باز کرده اند نیروهای امنیتی وانتظامی با ماشینهایشان آمد ورفت میکنند و کنار بانک ها و ادارات دولتی گروه گروه ایستاده اند. تا این مرحله به شهرم سنندج درود می فرستم که اعتصاب کرده اند.

کامیاران : شهر تعطیل است بغیر از ادارات دولتی که حراست ها و نیروهای انتظامی آمدن سرکار همه جا تعطیل است. نیروهای امنیتی در سطح شهر گشت می زنند. مردم به طرف خانه فرزند کمانگر راهی هستند تجمع در مقابل خانه فرزند کمانگر لحظه به لحظه روبه افزایش است.

مربیان : شهر مربیان امروز تعطیل است بغیر از مدارس و ادارات دولتی که با کارمندان و نیروهای حراستی اداره می شوند همه مغازه ها تعطیل است.

طبق گزارش های ارسالی از بانه ، بوکان ، سقز و دیواندره ، مهاباد اکثر مغازه ها و بازاریان تعطیل کرده اند و فضای شهرها کاملا اعتصاب عمومی است .

بر اساس گزارشها در برخی شهرها نیروهای اماکن انتظامی به صاحبان پاساژها و مغازه ها اجبار کرده اند که برخی مغازه ها را بازکنند که با مقاومت و درگیری مردم مواجه شده اند. در کامیاران و سنندج نیروهای امنیتی در نقاط مهم شهر مستقر شده اند. در اکثر شهرهای کردستان نیروهای دولتی حالت حکومت نظامی به خود گرفته اند و میخواهند تشنج آفرینی کنند. گاردویژه و اطلاعات با آوردن نیروهای بسیار زیادی از دیگر جاهای کشور در سراسر شهرهای کردستان مستقر شده و از ترس هرگونه تنشهای فضای امنیتی مناطق مذکور را تشدید نموده اند. حکومت نظامی اعلام نشده ای در کردستان حاکم شده است.

وحشت نیروهای رژیم از تحصن مردم شهر سنندج در ساعت 5 عصر در پارک استقلال

کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی بنا به گزارش رسیده در تاریخ 23 اردیبهشت آمده است : به ستاد خبری کمپین ، بانوجه به استقبال بی سابقه مردم مناطق کردنشین بخصوص شهر سنندج از اعتصاب سراسری در محکومیت اعدام زندانیان سیاسی . نیروهای سرکوبگر رژیم با وحشت نظاره گر اوضاع در شهر سنندج میباشند . از اینرو با هجوم به مغازه ها بخصوص پاساژ آشنا واقع در خیابان فردوسی شهر سنندج خواستار باز شدن مغازه میباشند . همچنین رانندگان شهر با ایجاد ترافیک در سه راه شریف آباد همزمان با بوقهای مکرر از اعتصاب سراسری پشتیبانی میکردند . که موجب وحشت نیروهای رژیم شد. از طرفی مردم شهر سنندج خود را برای تحصن در ساعت 5 عصر در پارک استقلال آماده میکنند که باعث ایجاد جوی کاملاً غیر عادی در شهر شده . لازم به ذکر است جمعی از فعالان مدنی و سیاسی از مردم شهر سنندج خواسته اند که امروز 5 شنبه برای پشتیبانی از خانواده های داغدار راس ساعت 5 عصر در پارک استقلال واقع در خیابان 6 بهمن حضور بهم رسانند.

نامه اعتراضی کنفدراسیون عمومی کارگران فرانسه (ت ژ ت)

۱۰ مه ۲۰۱۰

رهبر جمهوری اسلامی

تهران، ایران

info@leader.ir

Fax: 98-21-774-22-28

موضوع: اعدام فرزند کمانگر و چهار زندانی سیاسی دیگر

مقام رهبری،

اعدام معلم و فعال اتحادیه ای فرزند کمانگر من را بشدت منزجر کرد.

ت ژ ت مطلع شده است که فرزند کمانگر، همراه با چهار زندانی سیاسی دیگر، در روز یکشنبه ۹ مه اعدام شده اند.

فرزند کمانگر در شرایطی محکوم شده بود که پروسه دادگاه وی با توجه به استانداردهای بین المللی و یا

استانداردهای ایران پروسه ای عادلانه نبود.

ت ژ ت مخالف مجازات مرگ است و قاطعانه اعدام را محکوم میکند. ما همچنین رفتار غیر انسانی با خانواده فرزند کمانگر، که پیشاپیش از اعدام وی مطلع نشده بودند، را محکوم میکنیم. به مادر فرزند در روز مادر هم اجازه داده نشد که با وی بدرود نماید.

در نامه های قبلی به شما، من علیه شدت یافتن سرکوب فعالین کارگری و ایرانیانی که با حکومت شما توافق

نظر ندارند اعتراض کرده بودم. اعدام سبعمانه فرزند کمانگر ماهیت سرکوبگرانه مقامات حکومتی ایران را تایید

میکند. این نشانگر عدم هر گونه احترام حکومت شما نسبت به تعهدات بین المللی است.

من از شما درخواست میکنم که سرکوب فعالیت کارگری و نقض حقوق انسانی علیه فعالین کارگری را متوقف

کنید. ت ژ ت به "کمیته آزادی تشکل" سازمان جهانی کار در ارتباط با این نقض کامل استانداردهای سازمان

جهانی کار شکایت خواهد کرد.

ژان فرانسوا کورب

نامه اعتراضی اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا

۱۳ مه ۲۰۱۰

رهبر جمهوری اسلامی

دفتر مقام رهبري، خيابان جمهوری اسلامي، انتهای خيابان شهيد کشور دوست
تهران، جمهوری اسلامی ایران
info@leader.ir

من این نامه را به نمایندگی از ۶۰۰ هزار زن و مر عضو اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا می نویسم. برای ما بشدت هولناک بود که مطلع شدیم معلم و فعال اتحادیه ای، فرزاد کمانگر، همراه با چهار زندانی سیاسی دیگر، آقای علی حیدریان، آقای فرهاد وکیلی، خانم شیرین علم هولی و آقای مهدی اسلامیان، همگی اعدام شده اند.

آقای کمانگر در شرایطی به اعدام محکوم شده بود که پروسه دادگاه وی با استانداردهای بین المللی و یا استانداردهای ایران پروسه ای عادلانه نبود. ما این اعدامها را محکوم میکنیم و نسبت به نحوه رفتار با خانواده آقای کمانگر که حتی از اعدام وی با خبر نشده بودند معترضیم.

اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا از تداوم سرکوب فعالین کارگری و تمامی ایرانیانی که جرات میکنند در مورد عدالت و انصاف صحبت نمایند بشدت منجر است. میزان سبیت بکار گرفته شده برای ما شوک آور بوده است و بی احترامی کامل شما نسبت به حقوق انسانی را نشان میدهد.

از شما می خواهم که سرکوب فعالین کارگری و حقوق انسانی را متوقف کنید و حقوق مردم ایران مبنی بر آزادی بیان، تشکل و اعتراض و زندگی بدون ترس را محترم بشمارید. هیچکس نباید مورد تعقیب و اذیت و آزار بخاطر اعتقاداتش قرار بگیرد.

اعضای اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا به اعتراض خود علیه سرکوب و خشونت ادامه خواهند داد و در کنار خواهران و برادران ایرانی خود خواهیم ایستاد.

با احترام،

پال مویست

رئیس کشوری

اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا

رونوشت: سفیر ایران، استان مارشال و مارک هانوک (هیئت اجرایی سراسری اتحادیه)، کن جورجیتی رئیس کنگره کار کانادا، پیتر والدورف، دبیر کل فدراسیون جهانی خدمات عمومی

يك مقام کارفرمائي درگفت‌وگو با ایلنا: تبدیل تامین اجتماعی به صندوق ترقی معکوس است

به گزارش خبرگزاری کار ایران- ایلنا در تاریخ 23 اردیبهشت 89 آمده است: يك مقام کارفرمائي تبدیل سازمان تامین اجتماعی به صندوق را ترقی معکوس نامید و گفت: مشخص نیست این دست آورد خواست دولتمردان یا خواست نمایندگان مجلس است.

محمد مروج حسینی درگفت‌وگو با خبرنگار ایلنا افزود: اصلاحیه ماده 113 قانون مدیریت خدمات کشوری بدون مشورت با کارگران و کارفرمایان و به صورت کاملاً عجولانه تصویب شد. عضو شورای عالی تامین اجتماعی گفت: هر 9 عضو هیات امنای تامین اجتماعی حتی نمایندگان کارگری و کارفرمائي آن به صورت انتصابی هستند.

وي اعضاي 7 نفره کارگري و کارفرمائي شوري عالی تامین اجتماعی را انتخابی عنوان کرد و اظهار داشت: علاوه بر این نمایندگان کارگري کارفرمائي در هیات نظارت نیز حاضر بودند.

مروج تصریح کرد: سازمان با این سازوکار و با وضع نا به سامان که اظهار من الشمس است ظاهراً قرار است با هیات امنایی که می‌خواهد همه صندوق‌های بیمه‌ای را اداره کند اداره شود پس مبارک است.

او با اشاره به اشتغال 60 هزار نفر در سازمان تامین اجتماعی گفت: علاوه بر کارگران و کارفرمایان، کارکنان این سازمان هم باید منتظر تبعات بیشتر اقدامات عجولانه برخی از مسوولان باشند.
پایان پیام

ساکنان خانه‌های شصت خانوار فقیرکه در آستانه تخریب قرار دارد به دلیل فقر شدید قادر به گرفتن وکیل نیستند.

به گزارش خبرگزاری کار ایران- ایلنا در تاریخ 23 اردیبهشت 89 آمده است: با تصمیم شهرداری مشهد برای ایجاد پارک، خانه‌های شصت خانوار فقیر در رباط‌طرق در آستانه تخریب قرار دارد و ساکنان این خانه‌ها به دلیل فقر شدید حتی قادر به گرفتن وکیل نیستند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، پس از آنکه شهرداری مشهد تصمیم گرفت که طرح جامع تفصیلی در منطقه 7 مشهد به اجرا بگذارد، قراردادی را با آستان قدس رضوی امضا کرد و حدود شصت هزار متر زمین را به مدت 10 سال از آستان قدس اجاره کرد. شهرداری به آستان قدس اعلام کرد که همه این زمین‌ها باید و بدون مصرف افتاد است. این در حالی بود که در محدوده اجرای طرح جامع شهرداری شصت خانوار زندگی می‌کردند و به‌گفته وکیل مدافع این پرونده، شهرداری از اعلام این موضوع به آستان قدس خودداری کرده بود.

رضا علیزاده وکیل مدافع تعدادی از مالکان زمین‌های رباط‌طرق در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا، گفت: این منطقه شامل شصت هزار متر زمین می‌شود که قبلاً کاربری کشاورزی داشته است اما به دلیل کمبود آب و شرایط جوی تغییر کاربری داده و هم‌اکنون جزء منطقه شهری محسوب می‌شود. وی افزود: از این مقدار زمین حدود سیصد نفر اقدام به ساخت خانه در منطقه کرده‌اند که بیش از شصت خانه در محدوده طرح جامع شهرداری قرار گرفته است. علیزاده خاطرنشان کرد: بقیه این زمین‌ها، زمین‌های بایر است که متصرفانی دارد و مالکان این زمین‌ها از شهرداری شکایت کرده‌اند، اما مالکان شصت خانه مورد اشاره به دلیل فقر شدید حتی دادخواست نداده و وکیل هم نگرفته‌اند. شهرداری که کل زمین‌ها را به آستان قدس رضوی "بایر" اعلام کرده بود پس از امضای این قرارداد اقدام به تخریب چهار خانه کرده و در کنار تعداد زیادی از خانه‌ها درخت‌های چندین ساله کاشته تا با ریشه دواندن این درخت‌ها، خانه‌های ساکنان خراب شود. ساکنان این منازل و زمین‌ها خواستار اجرای ماده‌ای از قرارداد شهرداری و آستان قدس هستند که بر اساس آن، قرارداد بین این دو نهاد لغو شود. به گزارش ایلنا، بیشتر ساکنان این منازل مسکونی که چندین سال است در منطقه رباط‌طرق ساکن هستند، کارگر و بسیار فقیرند که تنها توانسته‌اند یک بار در اعتراض به تخریب خانه‌هایشان تجمع کنند، اما به دلیل فقر شدید نمی‌توانند دادخواست داده و وکیل بگیرند.

اخراج کارگران کارخانه نوشابه سازی ارم

به نوشته سایت آژانس ایران خبر در تاریخ 23 اردیبهشت آمده است: کارخانه نوشابه سازی ارم در اسفند ۸۸ بیش از ده نفر از کارگران خود را اخراج کرده و با اینکه ۲ ماه از سال جدید می‌گذرد ولی هنوز کارگران حقوق و مزایا، عیدی و اضافه کاریهای سال گذشته را دریافت نکرده‌اند. مدیریت به کارگران اعلام کرده به هیچ کارگری اضافه کاری پرداخت نخواهیم کرد و مطالبات آنها را هم در چند ماه آینده به صورت اقساط پرداخت خواهیم کرد. مدیرعامل کارخانه نفوذ بسیاری در دولت دارد و در گرفتن وام‌ها و گسترش کارخانه ابایی ندارد.

بازداشت موقت محمود صالحی در بیمارستان شهر سقز

بر پایه خبری که هم اینک دریافت کردیم محمود صالحی از رهبران سرشناس جنبش کارگری ایران روز پنجشنبه ۲۳ اردیبهشت ماه در حالی که به دلیل وضعیت وخیم جسمانی در بیمارستان شهر سقز بستری بود، در همان حال از ساعت ۸ بامداد تا ساعت ۱۲ ظهر تحت بازداشت نیروهای امنیتی رژیم قرار داشت. بازداشت و تحت الحفظ بودن محمود صالحی تنها زمانی از سوی نیروهای امنیتی رژیم به پایان رسید که پزشکان اعلام کردند وی به دلیل خونریزی شدید بایستی به تهران منتقل گردد. از سوی دیگر همزمان محمد عیدی پور و اندک زمانی بعد جلال حسینی از فعالین کارگری شهر سقز توسط نیروهای امنیتی رژیم بازداشت و به اداره اماکن منتقل شده‌اند. همچنین خبر ارسالی می‌افزاید نیروهای انتظامی رژیم در محله "حمال آباد" سقز ۵ جوان زیر ۱۵ سال را دستگیر نموده‌اند.

500 کارگر کارخانه نساجی پارسیلون 5 ماه است که حقوق نگرفته‌اند

به نوشته سایت آژانس ایران خبر در تاریخ 23 اردیبهشت آمده است: بیش از 500 کارگر از کارگران نساجی پارسیلون 5 ماه است که حقوق نگرفته‌اند و وضعیت زندگی برخی از خانواده‌ها در حال فروپاشی است. این کارخانه چند سال قبل به بخش خصوصی واگذار گردیده است. کارگران این کارخانه با اینکه اکثراً از خانواده‌های کشته شدگان و مجروحین جنگ تحمیلی می‌باشند زندگی‌شان با مشکل روبرو شده و اخیراً با تجمع در جلوی استانداری لرستان خواستار حل مشکل خود و راه اندازی مجدد کارخانه می‌باشند.

نماینده قائمشهر در مجلس شورای اسلامی: راه اندازی نساجی مازندران جدی است

نماینده قائمشهر در مجلس شورای اسلامی گفت: کارخانه‌ای چون نساجی مازندران یک برند بین المللی و با سابقه در صنعت نساجی ایران محسوب می‌شود که قربانی سوء مدیریت شده است. عزت الله اکبری در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا، گفت: در حال حاضر ستونهای سالنهای نساجی مازندران را بریده‌اند؛ سقف آن را فرو ریخته و ماشین آلات آن را بعنوان آهن قراضه فروخته شده‌اند و هر هفته از طریق رسانه‌های مختلف به دروغ اعلام می‌شود که سرمایه گذار خارجی تمایلی به سرمایه گذاری ندارد. عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس افزود: از حدود یک سال و نیم پیش که تلاش‌ها برای راه اندازی دوباره

کارخانه آغاز شد؛ گروهی با شایعه پراکنی و سنگ اندازی‌های مکرر قصد دلسرد کردن سرمایه گذار خارجی نساجی مازندران را دارند.

وی گفت: این درحالی‌است که سرمایه گذار انبارها را از مواد اولیه پر کرده است و نیروهای فنی از خارج برای راه اندازی کارخانه به ایران اعزام شده‌اند. نماینده قائمشهر در مجلس شورای اسلامی گفت: تمام کسانی که امروز بر طبل عدم احیای نساجی می‌کوبند همان‌هایی هستند که با مدیریت خود نساجی مازندران را به تعطیلی کشاندند.

اکبری افزود: پس از دستور ریاست جمهوری مبنی بر احیای کامل نساجی مازندران، چون نه مالک کارخانه و نه هیچ سرمایه‌گذار داخلی دیگری تمایلی به این کار نداشت؛ گزینه جذب سرمایه گذاری خارجی بصورت جدی مطرح شد و پس از چند ماه مذاکره با گروه‌های مختلف و مشورت با صاحبان صنعت نساجی در کشور، سرمایه گذاری ترک برای این مهم انتخاب شد. وی باین اینکه برای راه‌اندازی دوباره نساجی مازندران به وسیله سرمایه‌گذار ترک، مطالعات لازم انجام شده است؛ افزود: از زمان شروع شایعه پراکنی از سوی گروه‌های سودجو، روند احیای نساجی مازندران با کندی پیش می‌رود.

اکبری همچنین درخصوص حقوق معوقه کارگران نساجی مازندران، گفت: سرمایه گذار مذکور از زمان تعهد خود حقوق کارگران را همه ماهه در موعد مقرر و به صورت کاملاً منظم پرداخت کرده است اما موضوع مطالبات معوقه کارگران به دوره مدیریت شرکت سرمایه گذاری بانک ملی بر این مجموعه مربوط است که برای پرداخت آن نیز تدابیری اندیشیده شده‌است.

نماینده خانه ملت تصریح کرد: معوقات کارگران و زیان انباشته و ضرر انبوه کارخانجات نساجی حاصل سوء مدیریت و بی لیاقتی افرادی است که در طول این سالها کارخانه را به خاک سپاه کشاندند و این اواخر حتی مذاکراتی را هم برای فروش زمینهای آن آغاز کرده بودند چنانچه آگهی فروش زمین های نساجی مازندران نیز در روزنامه های چاپ شد و بخش گونی بافی نساجی مازندران نیز به قیمت ناچیز فروخته شد. وی افزود: اعضای انجمن صنایع نساجی معتقدند که تخریب و نابودی نساجی مازندران کمتر از خیانت به خون شهدا و نظام مقدس جمهوری اسلامی نیست و قوه قضاییه باید با عاملان این جنایت برخورد کند. اکبری در ادامه خاطر نشان کرد: حتی وزیر اقتصاد و دارائی نیز ادامه به همکاری با سرمایه گذار خارجی برای بازگشایی دوباره کارخانه نساجی مازندران تاکید ویژه دارد.

پایان پیام

احضار مادر فعال دانشجویی به اداره اطلاعات تبریز

مهناز مدیری مادر فعال دانشجویی به اداره اطلاعات تبریز احضار شد. روز سه شنبه 21 اردیبهشت ماه ماموبین وزارت اطلاعات تبریز طی تماس تلفنی با مهناز مدیری مادر فعال دانشجویی پیمان عارف او را به اداره اطلاعات تبریز احضار کردند. فرد تماس گیرنده از او می‌خواهد که روز چهارشنبه 22 اردیبهشت بدون اطلاع فرزندش خود را به اداره اطلاعات تبریز معرفی کند. "فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران" در این باره می‌نویسد: زمانی که مدیری علت احضار را جویا می‌شود فرد مذکور که از بردن نام خود خوداری می‌کند. دلیل احضار را مصاحبه های او با رسانه های بین المللی فارسی زبان در مورد دوران اسارت فرزندش و شرایط غیر انسانی که بر او روا داشته شده بود بیان می‌کند. ایم مدیری از رفتن به اطلاعات امتناع می‌کند. روز چهارشنبه این فرد مجدداً با خانواده عارف تماس می‌گیرد و این بار با تهدید با پیمان عارف صحبت می‌کند. پیمان عارف به او می‌گوید که حضور مادرش در اداره اطلاعات را منوط به احضاریه کتبی و رسمی است. پیمان عارف به دلیل فشارهای غیر انسانی در دوران اسارتش دچار ناراحتی حاد قلبی است و به این دلیل به مدت 3 هفته به صورت مشروط آزاد است. او در حال حاضر در حال دیدار برای خانواده و بستگانش در تبریز به سر می‌برد.

کشتزارهایی که بوی مرداب گرفته‌اند: چایکاران همچنان از واردات، قاچاق و قیمت اندک برگ سبز چای می‌برند

به گزارش خبرگزاری کار ایران- ایلنا در تاریخ 24 اردیبهشت 89 آمده است: اوایل هفته گذشته از شمال خبر رسید که بهره‌برداری از برگ سبز چای آغاز شده اما چایکاران شمال همزمان با شادی برداشت چای به استقبال هزاران نگرانی و مشکل کهنه و نو رفته‌اند. دور اول بهره‌برداری از برگ سبز چای در حالی آغاز شده که قیمت برگ سبز چای تغییری نسبت به سال گذشته نکرده و با وجود تورم سالانه چایکاران محصول خود را باید با همان نرخ سال قبل به فروش برسانند.

در حالی که انتظار می‌رفت با تشکیل سازمان چای مشکلات تولیدکنندگان تا حدی مرتفع شود اما گویا این انتظار بی جایی بود.

در این شرایط رئیس اتحادیه چایکاران شمال هشدار می‌دهد: در صورت ادامه این روند و عدم افزایش قیمت از کاشت چای در دوره‌های بعد خبری نخواهد بود.

از تشویش تا تلاش برای قیمت برگ چای

همزمان با شروع بهره‌برداری از برگ سبز چای، قیمت خرید آن نیز در هفته گذشته اعلام شد که برخلاف تصور خوش بینانه برخی چایکاران منتظر افزایش قیمت، همان بهای سال گذشته است.

قیمت خرید چای از کشاورز در حال حاضر 290 تومان برای چای درجه دو و 540 تومان برای چای درجه یک است. رئیس اتحادیه چایکاران شمال در این باره می‌گوید: کارخانجات قرارداد بسته‌اند و سازمان چای با جدیت و نظم

شروع به کار و گماردن ناظران خرید در کارخانه‌ها کرده اما چابکار شدت از لحاظ قیمت در تشویب هستند چون تا الان همان قیمت سال گذشته را اعلام کرده‌اند.

ایرج هوسمی اضافه می‌کند: سال قبل هم به این قیمت اعتراض شد، اما وقتی به این اعتراض گذاشته نشد. با این که در جلسات راهبردی کارشناسی شد 360 و 660 تومان، مورد توجه قرار نگرفت. به همان ترتیبی که خودشان می‌خواستند، پرداخت کردند. امسال هم اعلام کرده‌اند دقیقاً روی همان قیمت سال گذشته خرید بشود.

رئیس اتحادیه چایکاران شمال یادآور می‌شود: اگر این گونه سیاست‌گذاری کنند، کشاورز ممکن است این دور به تعهد اخلاقی که سپرده، عمل و بهترین برگ را ارائه کند اما در دوره‌های بعدی نمی‌تواند به کاشت ادامه دهد. او سپس گلایه می‌کند: 290 تومان حتی دستمزد کارگر برداشت برگ سبز چای را تامین نمی‌کند. جدای از سایر اقلام، قیمت قند و چای از گذشته‌ها همیشه با هم بوده، زمانی قند کیلویی 22 قران و چای کیلویی 25 قران بود. الان قند به کیلویی هزار تومان رسیده و می‌گویند چای را 290 تومان بفروشید. ظلم در حق تولیدگر بالاتر از این!

همچنین رئیس هیئت مدیره سندیکای کارخانجات چای شمال به بعد دیگر این معضل اشاره می‌کند. نعمت یاورزاده، می‌گوید: قیمت مناسب نیست ولی وضعیت فروش چای هم مناسب نیست. البته استاندار وعده داده از طریق هیات دولت، افزایش قیمت خرید تضمینی برگ سبز چای را پیگیری کند. وی با اشاره به شروع بهره‌برداری از برگ سبز چای از اوایل هفته گذشته از لاهیجان اظهار می‌کند: سرما حرکت چای را کند کرده اما هنوز تاثیر سوئی نگذاشته است و پیش‌بینی من مبنی بر این که تا دور اول بهره‌برداری 50 تن برداشت می‌کنیم، تا امروز باقی است.

او درباره وضعیت کارخانجات نیز ابراز می‌کند: اکثر قریب به اتفاق کارخانجات قرارداد بسته‌اند، تسهیلاتی دریافت و فعالیت خود را شروع کرده‌اند. از نظر کارخانجات و برداشت محصول مشکل نداریم. مشکل ما همان قیمت است که به حیات چایکار بستگی دارد.

طبق اعلام معاون فنی سازمان چای کشور در حال حاضر در گیلان 220 کارخانه چای وجود دارد که 170 عدد آن فعال هستند و قراردادهای نیز با این 170 کارخانه بسته شده است. یاورزاده نیز با اشاره به این که پیش‌بینی‌ها برای برداشت چای تا آخر سال در حدود 200 هزار تن برگ سبز است، می‌گوید: سرمایه هوا چین را عقب انداخته، اما به سازمان چای بر اساس بودجه‌ای که برایش تعریف کرده‌اند، اختیار داده‌اند که 150 هزار تن برگ سبز در سال خریداری کند. چنگ مافیای چای در قلب چایکاران

در ادامه رئیس اتحادیه چایکاران شمال با اشاره به سال‌ها فعالیت مثبت و موثر سازمان چای انحلال این سازمان در سال 83 و سپس واگذاری امور چای را به سازمان تعاون روستایی که در این کار تجربه و تخصصی نداشت، کاری بی جهت توصیف و اضافه می‌کند: زمانی که سازمان چای بود، در هیچ زمینه مرتبط با چای مشکلی وجود نداشت، از روزی که منحل شد، بدبختی کشاورز شروع شد و تا امروز هم ادامه دارد. بس که مراجعه و گلایه و شکایت و استدلال کردیم، پذیرفتند که انحلال سازمان چای خبط و خطا بوده است.

هوسمی با ابراز رضایت از تشکیلات و عملکرد سازمان چای فعلی و تولی‌گری دوباره این سازمان در امور چای، تاکید می‌کند: ساز و کار و سیاستگذاری در اختیار اینها نیست. مافیای چای هنوز هم چنگ و بالش هست! سابقاً که سازمان چای کشور یا اداره چای کشور بود، اموری مثل تعیین قیمت، تنظیم سیاست واردات و فروش چای به تاجر در اختیار خودش بود.

رئیس اداره چای شمال نیز گرچه در بحث تعیین قیمت چای اذعان می‌کند: «ما تابع دولت هستیم. شورای اقتصاد این قیمت را به ما داده و من هم وظیفه دارم بر اساس مصوبه شورای اقتصاد کارها را پیگیری کنم» این سخن هوسمی را که سیاستگذاری و اختیارات سازمان چای سابق بیش از سازمان چای جدید بود، تایید نکرده و ادعا می‌کند: «در سازمان چای چنین چیزی نبود. الان سازمان چای هم سیاستش بالا رفته، هم از نظر قدرت زیر نظر وزارت جهاد کشاورزی است. قبلاً شرکت سهامی چای ایران بود.»

او اضافه می‌کند: این سازمان در کاشت، داشت و برداشت، چایکار را حمایت می‌کند، وام به زراعی می‌دهد، کلاس آموزشی برگزار می‌کند و برگ سبز چای را می‌خرد.

محرر درمورد چای سنوات باقی مانده در انبارها، اظهار می‌کند: «آنها مال سال گذشته است. اصلاً من در جریان سال گذشته نیستم. من امسال مسئولیت دارم و مسئولیت من همین امسال است» تنظیم بازار و جلوگیری از واردات بی‌رویه چای را نیز از دیگر حمایت‌های سازمان چای از چایکاران عنوان می‌کند.

اظهارات چندگانه محرر بر انگیزاننده پرسشی مهم است: سازمانی که قدرت اعمال نظر درباره قیمت خرید چای از دولت را نداشته و خود را تابع دستور می‌داند، چگونه خواهد توانست به ادعای تنظیم بازار و جلوگیری از واردات بی‌رویه چای که کمر چایکاران را خم کرده است، جامه عمل بپوشاند؟

سیاست جلوگیری از واردات بی‌رویه در حالی از سوی این مسئول طرح می‌شود که بر اساس گزارش‌های موجود آخرین آمارهای گمرک نشان می‌دهد: «این واردات از 21 هزار تن در سال 83 به 47 هزار تن در سال 87 افزایش یافته و در سال 88 نیز تا پایان سه فصل سال این میزان 33 هزار تن بوده است. درمورد قاچاق نیز گرچه نمی‌توان به آمار دقیق رسید، آخرین رقمی که از سوی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی وزارت بازرگانی منتشر شده، این میزان در سال 89، 81 هزار تن بود. کارشناسان نیز در سال 86 رقم 80 هزار تن را برای قاچاق این محصول اعلام کرده‌اند.»

در همین زمینه هوسمی می‌گوید: مسئله واردات و قاچاق چای به جای خود باقی است. در این زمینه هیچ کس هیچ اقدام مفید و مثبتی انجام نداده است و واردات غیر قانونی همچنان ادامه دارد. او درمورد 170 هزار تن چای سنوات باقی مانده در انبارها نیز تاکید می‌کند: در انبارها چایی‌هایی که از گذشته

بود، به همان صورت هست و تصمیمی درباره اش نگرفته‌اند. اما اظهار کرده‌اند که یک تاجر گفته من همه آنها را می‌خرم. در سازمان چای این را شنیده و جویا شدیم این فرد کیست؟ آقای مدیر کل اسم نبرد. یاورزاده نیز اظهار می‌کند: برای مشکلات مربوط به واردات، قاچاق و چای باقی مانده در انبارها فکری نشده و مشکل باقی است.

او تعداد چایکاران شمال را 67 هزار خانوار تخمین می‌زند و در مورد تغییر کاربری اضافه می‌کند: طی دو-سه سال اخیر خیلی سخت تغییر کاربری می‌دهند. قانونی نیست و جلوگیری هم می‌کنند اما بنا شده که با تاسیس مجدد سازمان چای نقشه برداری مجددی کنند و معیار درستی انتخاب کنند. هوسمی نیز در همین باره با اعلام اینکه هم اکنون حداقل 60 هزار خانوار چایکار در گیلان و مازندران سکونت دارند، در پاسخ به این پرسش که آیا این تعداد نسبت به گذشته تغییری داشته؟ عنوان می‌کند: این تعداد تغییرپذیر نیست چون باغ که از بین نمی‌رود. ممکن است برای کشاورز ورود به باغ و کار در آن صرفه اقتصادی نداشته باشد و آن را رها کند. تغییر کاربری فقط در حاشیه شهرها اتفاق می‌افتد. الان تعدادی از این باغات در لاهیجان، کومله، املش، رحیم آباد و رودسر تبدیل به ساختمان شده‌اند اما به آن صورت و به آن معنا نیست که در سطح وسیع تغییر کاربری داده باشند، چون سازمان‌های کشاورزی نظارت کامل دارند و اجازه نمی‌دهند.

افزایش حقوق مستمری بگیران و بازنشستگان تامین اجتماعی به تعویق افتاد

بر پایه گزارش خبرگزاری مهر در تاریخ 24 اردیبهشت 89 آمده است: علی اکبر خبازها در گفتگو با خبرنگار مهر با اشاره به ماده 96 قانون مصوب تامین اجتماعی گفت: با اعلام نرخ تورم که هر ساله از سوی بانک مرکزی تأیید می‌شود، این سازمان افزایش میزان حقوق بازنشستگان و مستمری بگیران را به هیئت دولت ارائه می‌کند. سابقاً برای ارائه این طرح به دولت موضوع پس از طرح و تصویب در هیئت مدیره سازمان به تصویب شورای عالی سازمان و مدیر عامل و در نهایت تأیید وزیر رفاه می‌رسید اما با جابه جایی پیش آمده در سازمان این اتفاق عملاً ناممکن است.

وی افزود: بر اساس آخرین اظهارات ذیحجی مدیرعامل سازمان وی اعلام کرد تصمیم گیری در این مورد به نظر دولت بستگی دارد و هر تصمیمی که دولت بگیرد اعمال می‌شود.

خبازها با اشاره به اعتراض کانون بازنشستگی به روند گزینش هیئت امنای جدید سازمان تامین اجتماعی که هفته پیش از سوی وزیر رفاه و تامین اجتماعی انجام شد، بیان داشت: طی هفته گذشته هیئت امنایی جدید برای سازمان تامین اجتماعی تعیین و معرفی شد که بنده از طرف جامعه بازنشستگان تامین اجتماعی که بیش از 30 میلیون نفر زیر پوشش این سازمان قرار دارد، نسبت به این انتخاب اعتراض داشته و معتقدم مدیرانی که معرفی شدند باید متخصص بوده و تمام وقت در این سازمان حضور داشته باشند، این درحالی است که آقایان دارای مشغله کاری در امورات خود هستند.

وی با اعلام اسامی این افراد که به عنوان مدیران بالادستی هیئت مدیره سازمان تامین اجتماعی به اتخاذ تصمیم می‌پردازند، اظهار داشت: "حافظی، مدیرعامل سازمان بیمه خدمات درمانی، موسوی، مدیر عامل صندوق بیمه روستایی و عشایر، عسگریان، معاون توسعه و مدیریت وزارت رفاه و تامین اجتماعی، ترابی، مشاور وزیر رفاه و تامین اجتماعی، مرادی، مشاور و قائم مقام وزیر در امور بین الملل با حفظ سمت قبلی خود به عنوان هیئت امنای سازمان انتخاب شده اند."

رئیس کانون بازنشستگان و مستمری بگیران در ادامه افزود: در تعریف هیئت امنا یا هیئت مدیره در قانون خدمات کشوری آمده است که این افراد باید در حوزه تامین اجتماعی دارای تخصص گوناگون بیمه ای و به اصطلاح افرادی فنی و "درآمدچی" باشند. این افراد حتی باید حقوقدان و آشنا به مسائل حقوقی جاری در مسائل تامین اجتماعی باشند که بررسی تخصص آنها نشان می‌دهد این پنج نفر اطلاعاتی در این زمینه ها ندارند. وی تأکید کرد: در سازمان تامین اجتماعی کارشناسان زنده ای وجود دارند که در طول 55 سال عمر این سازمان دارای تجربه و مهارت‌های بالایی هستند اما عملاً به وجود این افراد هیچگونه توجهی نشد و آقایان برای چیدمان این هیئت از بیرون از سازمان اقدام کردند.

رئیس کانون بازنشستگان و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی کشور با انتقاد از وزیر رفاه و تامین اجتماعی در خصوص بی توجهی به نظر مسئولان کانون بازنشستگان در این مورد اظهار داشت: بهتر بود آقای محصولی برای انتخاب این هیئت امناء از ترکیب سه جانبه سازمان که متشکل از کارگر، کارفرما و دولت است حمایت می‌کردند. سازمان تامین اجتماعی بخشی خصوصی تلقی می‌شود که تحت نظر دولت است و تمام اموال و دارایی‌های آن از عرق جبین کارگران این مجموعه به دست آمده است. حال چطور ممکن است که در تعیین هیئت مدیره این سازمان هیچ جایی برای نماینده این افراد قائل نشده اند و در حالیکه اگر از سوی این افراد کسی حضور نداشته باشد پس چه کسی باید از حقوقشان دفاع کند.

وی اضافه کرد: این انتظار را از وزیر رفاه و تامین اجتماعی داریم که از ما به عنوان یکی از صاحبان اصلی صندوق برای احقاق حق خود مشورت خواسته و نسبت به بازنگری در انتخاب این هیئت اقدام کنند. وی برای این اقدام خود با مسئولان اصلی صندوق هیچ گونه مشورت و یا نشت و نظرخواهی نداشته است.

خبازها با اشاره به اینکه بیش از 80 درصد مستمری بگیران این سازمان زیر خط فقر قرار دارند، از مسئولان و وزارت دولتی در راستای شعار مهرورزی و عدالت گستری خواست تا به افراد تحت پوشش این سازمان توجه ویژه ای نشان دهند.

وی با اشاره به ارسال اعتراض کتبی خود به وزارت رفاه و تامین اجتماعی اضافه کرد: ما بیش از پنج بار اعتراض کتبی خود را نسبت به انتخاب این هیئت امناء و یا درخواست دیدار حضوری به وزیر رفاه اعلام و ارسال کرده ایم

اما تاکنون به هیچ نتیجه ای در این باره نرسیده ایم. بنده طی ماه گذشته چندین بار خدمت جناب رئیس جمهور رسیدم و ایشان با روی باز و گشاده از من استقبال کردند و اینک برای بنده جای بسی تعجب است که چگونه وزیر این دولت نمی خواهد از رئیس خود تبعیت کند. وی با یادآوری ماده 134 قانون کار در خصوص تامین اجتماعی و وزارت رفاه خاطر نشان کرد: بر اساس این قانون وزارت رفاه موظف به همکاری با کانون بازنشستگی موظف است در حالیکه مسئولان این وزراتخانه در اقدام اخیر خود نشان دادند که هیچ گونه توجهی به قانون در انجام مسئولیت خود نشان نمی دهند

دبیر اجرایی خانه کارگر مازندران: کارگران نگران موقعیت اقتصادی خود هستند

به گزارش خبرگزاری کار ایران- ایلنا در تاریخ 24 اردیبهشت 89 آمده است: دبیر اجرایی خانه کارگر مازندران دریابان هفته کارو کارگر گفت: هفته کارگر در حالی در مازندران به پایان رسید، که بسیاری از مشکلات جامعه کار و تولید به گوش مسئولین رسید.

نصراله دریابیگی، دبیر اجرایی خانه کارگر مازندران در گفتگو با ایلنا، با ابراز خرسندی از دیدار کارگران با رهبر معظم انقلاب در هفته کارگر، گفت: امروز کارگران از فرمایشات رهبر خویش دلگرم شده اند و در سال همت مضاعف و کارمضاعف با جان و دل با رهبر خویش تجدید پیمان کردند که در سنگر کار و تولید به آرمانهای مقدس نظام جمهوری اسلامی وفادار بمانند.

دریابیگی نقش پررنگ کارگران در تمام شئون زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور را یادآور شد و تصریح کرد: در سراسر دوران انقلاب اسلامی، کارگران جزو بهترین، فعالترین و موثرترین افشار جامعه بودند و انقلاب با حرکات تمامکننده کارگران در قالب اعتصابات به پیروزی رسید.

دبیر اجرایی تشکیلات خانه کارگر مازندران با توجه به اینکه کارگران همواره در خدمت انقلاب و آرمانهای نظام اسلامی آن بوده اند؛ گفت: در سالهای ابتدای پس از پیروزی انقلاب که گروههای چپ فعالیت گسترده با شعارهای کارگر پسند داشتند، کارگران با هوشیاری و وفاداری از افتادن در دام آنها پرهیز و خود را وقف نظام اسلامی کردند.

وی نقش کارگران در دوران جنگ، سازندگی و پس از آن را بی نظیر عنوان کرد و تاکید کرد: این قشر معزز در ابتکار، تولید و جنگ هیچ چیزی کم نگذاشتند.

این فعال کارگری گفت: با توجه به اجرای قطعی قانون هدفمند کردن یارانهها، جامعه به ویژه کارگران در انتظار يك شوک بی سابقه تورمی در التهاب به سر می برند.

وی افزود: احتمالاتی مبنی بر اینکه هدفمند کردن یارانهها حداقل 37 درصد بار تورمی به همراه دارد باعث شده است تا کارگران نگران موقعیت اقتصادی، اجتماعی خود در سال پیشرو باشند.

به اعتقاد دریابیگی این حقیقت که با آزادسازی قیمتها، فعالیت واحدهای تولیدی هرچند برای مدتی کوتاه دچار اشکال می شود؛ باعث نگرانی کارگران است؛ زیرا در سالهای گذشته مشاهده شده که در صورت وارد آمدن آسیب به بنگاههای اقتصادی کارگران قربانی می شدند.

این فعال کارگری افزود: در بحرانهای مالی هرچند زودگذر، کارفرمایان و صاحبان سرمایه به دلیل تمکین مالی که دارند می توانند دوران سختی را به نحوی سپری کنند. اما کارگران که با تعطیلی کارخانه هیچ محل درآمد دیگری ندارند با بروز بحرانهای مالی در معرض خطر قرار می گیرند.

وی افزود: آسیبهای اجتماعی از جمله زیانهای هستند که در جریان تغییرات اقتصادی به طبقه، آسیب پذیر کارگر و حقوق بگیر وارد می شود.

دریابیگی یادآور شد: چنانچه تحولات اقتصادی ناشی از هدفمند کردن یارانهها به تعطیلی بنگاههای اقتصادی یا تعدیل نیرو منجر شود؛ باز هم این نگرانی وجود دارد که کارگران چگونه هزینه های زندگی خود را با دستمزدهای ناچیز تامین می کنند.

به اعتقاد عضو پیشین شورای عالی کار، در خصوص دستمزد سال جاری گفت: حداقل مزد سال 89 باید با رویکرد به تغییر قیمت سبد کالاهای کارگری در سال هدفمند کردن یارانهها تعیین می شد.

وی افزود: اینکه شورای عالی کار دستمزد کارگران را بر مبنی نرخ تورم سال قبلی تعیین کند زمانی قابل تامل است که هیچ نگرانی از بابت افزایش هزینه های زندگی وجود نداشته باشد.

دریا بیگی تصریح نمود: آنچه که در قانون اساسی، راجع به قانون کار و وظیفه مسوولان در برابر کارگران به آنها اشاره شده است فاصله داریم که این مهم نیازمند حضور جدی کارگران در عرصه است.

وی تقویت نهادهای کارگری را رمز موفقیت این قشر ارزیابی کرد و اظهار داشت: تمام امید ما به نظام مند شدن قراردادهای موقت کار و تهیه آیین نامه تبصره های یک و دوی ماده 7 قانون کار است.

دریا بیگی در قسمت دیگری در خصوص مسائل تامین اجتماعی گفت: جامعه کارگری امروز اعتماد زیادی به ماندگاری و تداوم ارائه خدمات سازمان تامین اجتماعی ندارند زیرا سازمانی که برای پرداخت بخشی از دیون خود مجبور می شود از خط اعتباری بانکی استفاده کند در حالی که دولت به عنوان بزرگترین بدهکار سازمان نزدیک به 20 هزار میلیارد تومان به آن بدهکار است و این ذهنیت را که دولت نسبت به این سازمان بی توجه است تقویت می کند و این است که بی اعتمادی افزایش می یابد درحالی که هم قانون تامین منابع سازمان وجود دارد و هم مجلس در مصوبات خود برای دولت تکلیف معین کرده است

دبیر اجرایی خانه کارگر مازندران خاطر نشان کرد: در سال گذشته مجلس دولت را مکلف کرده که 2500 میلیارد تومان در قالب شرکت های قابل واگذاری را به سازمان تامین اجتماعی پرداخت کند و از محل این همین درآمد

قانون همسان سازی بین بازنشستگان کشوری و لشگری اجرا گردد ولی با همه پیگیری ها ظاهراً بیش از 40 درصد این رقم محقق نشده، این در حالی است که نزدیک به یک میلیون و چهارصد هزار نفر مستمری بگیر هر ماه از سازمان مقرر می‌گیرند و تامین منابع اجرای این تعهد سنگین باید همواره یک دغدغه جدی برای مسئولین باشد.

وی افزود: سرعت تغییرات مدیریتی در سازمان، ثبات و تداوم سیاست ها را متزلزل کرده و این آفتی است که به سایر مشکلات سازمان تامین اجتماعی اضافه شده است.

در بابیگی با بیان اینکه هزینه‌های زندگی هر روز در حال افزایش است و امروز ما شاهدیم نان، گوشت، شیر، حمل و نقل عمومی و هزینه‌های درمان از 25 تا 75 درصد در ابتدای سال افزایش پیدا کرده است؛ گفت: با اجرایی شدن قانون اصلاح قیمت ها تورم ایجاد شده فشار سنگینی بر کارگران و بازنشستگان و در کل همه حقوق بگیران وارد خواهد کرد و با توجه به منابع پیش بینی شده به نظر می‌رسد جایگزین مناسبی برای تامین هزینه‌های تحمیل شده به جامعه کار و تولید نمی‌تواند وجود داشته باشد.

عضو سابق شورای عالی کار کشور تصریح نمود این اتفاق حاصل بی تفاوتی به مقوله‌هایی چون بهره‌وری در ابعاد ملی و خرد است که باعث شده امروزه ما مجبور باشیم در قالب یک جراحی بزرگ و عمیق اقتصادی هزینه‌های بزرگ آن را پرداخت کنیم.

دربا بیگی گفت: به یقین نقش سیاستگذاران و مجریان که قاعداً باید طراح و اجراکننده سیاست ها باشند بیش از دیگران است ولی امروز این قشرهای ضعیف جامعه هستند که باید بیشترین هزینه‌های آن را پرداخت کنند و واقعاً مهم نیست از چه واژه‌هایی برای اجرای این سیاست استفاده کنیم و منت اجرای آن را گردن چه گروهی بیاوریم.

دبیر اجرایی خانه کارگر در بخش دیگری از سخنان خود با اظهار تاسف از اینکه اشتغال کشور متولی ندارد، گفت: به همین دلیل هر دستگاهی که برای اشتغالزایی ردیف بودجه داشته نمایندگان آن را افزایش داده‌اند. وی با اعلام اینکه نمایندگان اعتبار اشتغالزایی صندوق مهر امام رضا را 200 میلیارد تومان افزایش دادند؛ گفت: این صندوق برای ازدواج و اشتغال ردیف‌های بودجه دارد اما با توجه به حساسیت بیکاری، بودجه اشتغالزایی را که 450 میلیارد تومان بود، به 650 میلیارد تومان افزایش دادیم تا در قبال این افزایش دولت را مکلف کنیم تا یک میلیون و 100 هزار شغل ایجاد کند.

دربابیگی گفت: مساله اول در کشور مدیریت دولت است که اگر این مدیریت ضعیف باشد هرچقدر هم بودجه اختصاص یابد مشکل بیکاری حل نخواهد شد.

دربابیگی در ادامه با اشاره به وضعیت کارگران استان مازندران؛ گفت: بارها و بارها از طریق تریبون ها و رسانه ها تشکیلات خانه کارگر مازندران به وضعیت اسفناک جامعه کارگری این استان ولایتمدار اشاره می‌کند ولی متأسفانه طی این سالها علاوه بر اینکه گوش شنوایی پیدا نشد شاهد تعطیلی یکی پس از دیگری کارخانجات و بیکار شدن هزاران کارگر معتقد به نظام جمهوری اسلامی هستیم .

وی افزود: آن چیزی که طی این سالها کارخانجات این استان سرسبز و لایتمدار را دچار رکود و ورشکستگی نمود سوء مدیریت و قرار گرفتن کارنجات در بین بافت اصلی شهرها است که سهامداران به بهانه‌های مختلف از قبیل نداشتن فروش، فرسودگی ماشین آلات هر روز کارگران را تعدیل نمودند و با فروش زمین های کارخانجات به ثروت های هزاران میلیاردی رسیدند .

این فعال جامعه کارگری گفت: باید این حقیقت تلخ را پذیرفت که طی ده سال گذشته نه تنها شغل پایداری ایجاد نشد بلکه 20 هزار نیروی کار شغل خود را ازدست داده اند .

وی یادآور شد: امروز خوشحالیم که مسئولین بلند پایه استان مازندران از طریق سخنرانی ها در جلسات متعدد خود اعلام می‌دارند که باید در سال جاری 40 هزار فرصت شغلی بوجود آید

ولی جامعه کارگری از این دلسوزان و مسئولین در استان می‌خواهد که در الویت اول به حفظ اشتغال موجود توجه کنند زیرا اگر قرار است برای 40 هزار نفر ایجاد اشتغال بشود نگذارند 40 هزار شغل دیگر هم از دست برود

دبیر اجرایی خانه کارگر مازندران با انتقاد از ورود کالاهای خارجی اعلام کرد: همانطوریکه با ورود هر توریست به سرزمین جمهوری اسلامی ایران می‌شود 10 شغل ایجاد کرد در مقابل با ورود هر کالای خارجی 10 نفر بیکار و شغل خود را از دست می‌دهند.

عضو سابق شورای عالی کار کشور خاطر نشان کرد: امسال با توجه به نامگذاری سال "همت مضاعف، کار مضاعف" باید به نیروی کار به طور جد به دور از نگاه های سیاسی نگاه کرد.

وی در قسمت دیگر اهمیت مسائل کار و تولید و کارگر پرداخت و گفت: مسائل کارگری و تشکل کارگران باید بدور از جناح بندی سیاسی کاملاً صنفی باشد ولی متأسفانه در هفته کارگر سال 89، دخالت دولت در ستاد هفته کارگر در شهرستان آمل سبب پاره ای نگرانی گردید و امید داریم با درایتی که از مسئولین استان سراغ داریم در سال آتی این معضل نیز برطرف شود.

دربابیگی ضمن اعلام حضور گسترده خانواده کارگری در برگزاری ایام هفته کارگر از همه کسانی که در هفته کارگر سال 89 با ستاد این هفته همکاری نمودند تقدیر و تشکر کرد.

وی در پایان به افتتاح و راه اندازی ساختمان جدید مرکز آموزش علمی - کاربردی خانه کارگر تحت نظارت دانشگاه جامع در هفته جاری خیرداد و افزود: اکنون در مازندران کارگران دارای دانشگاه علمی و کاربردی هستند که در این دانشگاه 1500 دانشجو در 8 رشته تحصیلی مورد نیاز جامعه صنعتی در مقطع کاردانی و یک رشته دارای کارشناسی مشغول به تحصیل خواهند شد.

پایان پیام

نایب رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار:

کارگران ایران به اتحاد صنفی باور ندارند

به گزارش خبرگزاری کار ایران- ایلنا در تاریخ 24 اردیبهشت 89 آمده است: نماینده کارگران کشور با بیان اینکه تشکلهای کارگری و کارفرمایی در ایران نهادینه نشده است؛ گفت: یا نمایندگان کارگری مسئولیت‌هایشان را درست انجام ندادند و یا جامعه کارگری نسبت به نمایندگان‌شان بی‌اعتماد شده‌اند.

اولیا علی‌بیگی در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا، گفت: اگر دنبال تأمین منافع کارگری هستیم باید رابطه تشکلهای با جامعه کارگری را مستحکم کنیم.

وی گفت: این فاصله و بی‌اعتمادی که میان جامعه کارگری با تشکلهای وجود دارد باید از بین برود و کارگران به این نتیجه برسند که اگر تشکلهای به عنوان زبان‌گویای آنان فعالیت نکنند هرگز به خواسته‌هایشان نخواهند رسید.

نایب رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار با اشاره موفقیت برخی تشکلهای کارگری در برخی از کشورها، گفت: تنها تشکلهایی که يك خط معقول را دنبال کرده؛ موفق می‌شوند چون اعضای‌شان با حضور مستمر خود از آن تشکل حمایت می‌کنند و در نتیجه دولت‌ها را متوجه قدرت جمعی کارگران می‌شوند.

علی‌بیگی افزود: در ایران چنین خط‌فعالیتی برای تشکلهای صنفی کارگری وجود ندارد در نتیجه دولت‌ها تنها به چند دستگی و تفرقه در جامعه کارگری پی‌برده‌اند.

نماینده کارگران کشور با تأکید بر اینکه کارگران ایران هنوز به خودباوری نرسیده‌اند گفت: هنوز هم دیر نشده و اگر جامعه 30 میلیون نفری کارگر به این باور برسد که باید متحد شوند؛ مشکلات حل خواهد شد.

نایب رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار با تأکید بر اینکه جامعه کارگری نباید به سرنوشت خودش بی‌تفاوت باشد؛ گفت: اگر می‌خواهیم جایگاه کارگران در نقاط حساس و کلیدی تعریف شود باید به اتحاد جامعه کارگری برسیم و تا زمانی که این مهم محقق نشود به خواسته‌های برحقمان نمی‌رسیم.

علی‌بیگی گفت: این واقعیتی انکارناپذیر است که هر دولتی روی کار آمد تشکل هم‌فکر خودش را تقویت کرد بنابراین به جای آنکه از دولت‌های دیگر باشیم، بهتر است خودمان را سرزنش کنیم زیرا در قرآن آمده که سرنوشت هیچ قومی تغییر نمی‌کند مگر آنکه خودش بخواهد.

وی بهانه‌های قراردادی و نبود امنیت شغلی برای گریز از تشکل‌گرایی را مردود دانست و گفت: امروز در همه کشورهای توسعه‌ساخته قرارداد موقت رشد عجیبی دارد و شرکت‌های پیمانکاری کارگران را استثمار می‌کنند اما مشاهده می‌کنیم که این معضلات باعث تضعیف تشکلهای نشده است.

نایب رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور با تأکید بر اینکه امروزه کارگران زیر خط فقر قرار دارند، حقوق ناچیزی دریافت می‌کنند و امکان ادامه زندگی برای خانواده‌هایشان در پایین‌تری حد ممکن قرار دارد؛ گفت: این حرف‌ها را چه کسی باید منتقل کند فرض کنیم که منتقل هم شد وقتی تشکل قدرت چانه‌زنی و

حق‌خواهی ندارد هر چقدر هم فریاد بزند صدایش به جایی نمی‌رسد چرا که تاکنون نرسیده و اگر می‌رسید و گوش شنوایی بود امروز چنین وضعیتی نداشتیم.

پایان پیام

کاهش روزانه ۷۵۰ هزار بشکه تولید نفت در کشور به علت تحریم‌ها

به نوشته جرس به تاریخ 24 اردیبهشت 89 آمده است: با اِعمال و تشدید تحریم‌های گسترده بین‌المللی و همزمان سیاست‌های نفتی دولت که صرفاً جنبه تبلیغاتی پیدا کرده، عملاً ایران با کاهش تولید ۷۵۰ هزار بشکه ای نفت و سقوط تولید به زیر سه و نیم میلیون بشکه در روز روبرو شده و آمار فروش نفت کشور نیز، از کاهش ۴۵۰ هزار بشکه ای خبر می‌دهد.

به گزارش منابع خبری موثق، طی یک سال اخیر و بعد از انتخابات ریاست جمهوری دهم، اتخاذ تحریم‌های "هوشمند" ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی، عملاً تحریم‌هایی - بدون اینکه نیازی به تصویب قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد داشته باشد- علیه ایران در بر داشته است.

بنا بر این گزارش، با آغاز تحریم‌های شورای امنیت، دولت آمریکا نیز در چهارسال گذشته بر اعمال تحریم‌های موسوم به داماتو علیه ایران افزوده و مقررات سختگیرانه‌ای بر علیه شرکت‌هایی که در بورس‌های آمریکا حضور دارند و از سرمایه آمریکایی بهره‌میرند و در بازار نفت ایران نیز مشارکت داشتند، وضع کرده و آنها را مورد پیگیری قرار داده است.

لازم به ذکر است تمام شرکت‌های مهم نفتی اروپایی مانند شل، توتال، استات اویل و بی‌پی، در بورس‌های آمریکا حضور فعال دارند و از این رو به خاطر حفظ مصالح سهامداران مجبور به ترک بازار ایران شده‌اند.

منبع خبری جرس همچنین افزوده است "از سوی دیگر به خاطر فقدان توجه و سرمایه‌گذاری دولت و تحریم ادوات و ابزارهای تکنولوژیکی، عملاً تولید نفت ایران روزانه ۷۵۰ هزار بشکه کاهش یافته است. و از سوی دیگر ۴۵۰ هزار بشکه در روز هم کاهش فروش گزارش شده است که بیشتر مربوط به چین می‌باشد که عربستان نیاز چین را تأمین می‌کند.

خبرگزاری فرانسه نیز چندی پیش گزارش داده بود "تولید نفت خام ایران سه دهه پیش روزانه بالغ بر شش میلیون بشکه در روز بود که اینک بدلیل کاهش سرمایه‌گذاری، بی‌توجهی، نداشتن برنامه جامعه اکتشاف و تولید و عدم استفاده از تکنولوژی پیشرفته به حدود سه و نیم میلیون بشکه در روز کاهش یافته است. صادرات نفت خام ایران نیز در آن تاریخ روزانه دو و نیم میلیون بشکه در روز بود که این میزان به اندکی بیش از دو میلیون بشکه در روز تقلیل یافته و در صورت ادامه وضع موجود، طی ده سال آینده ایران عملاً از صادرات نفت خام محروم خواهد ماند."

در راستای گزارش جرس آمده است هم کانون کشتی های مخزن دار نفتی ایران برای فروش در وسط آبهای خلیج فارس و دریای عمان و اقیانوس هند معطل مانده و بدلیل اینکه نگهداری نفت در کشتی نیز هزینه های هنگفتی دارد و خریداران نیز کم شده اند، دولتمردان جمهوری اسلامی سرمایه ملی را زیر قیمت می فروشند تا وضعیت فعلی کشور را پاسخگو باشند.

سامانه خبری دویچه وله چندی پیش خاطرنشان کرده بود تحریم های سازمان ملل، کیفیت پایین و قیمت بالای نفت ایران باعث شده که جمهوری اسلامی در پیدا کردن خریدار برای نفت خود مشکل داشته باشد. سال گذشته نیز سایت اصولگرای تابناک، نزدیک به محسن رضایی (دبیر مجمع تشخیص مصلحت) به این موضوع اشاره کرده بود.

منبع خبری جرس همچنین خاطرنشان کرده است "کاهش فروش روزانه ۴۵۰ هزار بشکه نفت ایران، آثار تعیین کننده ای بر دیگر بخشهای اقتصاد وابسته ایران داشته است."

گزارش مذکور افزوده است "در گذشته پالایشگاههای شمال کشور در معاملات سوپ، نفت آسیای میانه را پالایش می کردند که با کساد بازار به دلیل تحریمهای عملی شرکتهای آمریکائی مواجه شده و بناچار ایران مجبور است نفت آسیای میانه را در خلیج فارس تحویل بگیرد و در نتیجه نفت خود را از جنوب به پالایشگاههای شمال برساند، اما استانداردهای پالایشگاههای شمال با شرایط نفت آسیای میانه تنظیم شده بود و تا تنظیم مجدد آن بر اساس استانداردهای نفت ایران زمان زیادی لازم است."

از سوی دیگر خبرنگار جرس از منطقه اقتصادی عسلویه گزارش می دهد که سهام شرکتهای خارجی که طرف قرارداد جمهوری اسلامی در عسلویه بوده اند بتدریج توسط کمپانیهای آمریکائی خریداری شده و با تبدیل ملیت این شرکتهای مشمول قوانین تحریم کنگره آمریکا شده منطقه را ترک گفته اند

یکی از دست اندرکاران منطقه صنعتی عسلویه به خبرنگار جرس گفت در پایان دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی، تعداد کارگران مشغول به کار در عسلویه ۶۰ هزار نفر شغل مستقیم و ۲۰۰ هزارشغل غیر مستقیم بود که مطابق برنامه می بایست به دو برابر و به مرز ۱۲۰ هزارشغل مستقیم طی سال ۸۵ می رسید، ولی هم اکنون اکثر پروژه ها به دلیل سیاست های و اقدامات دولت محمود احمدی نژاد، متوقف شده و تعداد کارگران شاغل در عسلویه حداکثر به چهار هزار و پانصد نفر می رسد؛ یعنی در طی پنج سال دولت احمدی نژاد ۹۲ درصد کاهش نیروی کار فقط در عسلویه یعنی فعال ترین قطب صنعتی کشور اتفاق افتاده است."

نامه اعتراضی اتحادیه کارگران پست کانادا

۱۳ مه ۲۰۱۰

محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور

جمهوری اسلامی ایران

خیابان فلسطین، تقاطع آذربایجان

dr-ahmadinejad@president.ir

آقای عزیز،

به نمایندگی از ۵۴ هزار عضو اتحادیه کارگران پست در سراسر کانادا اعدام فرزند کمانگر و چهار زندانی سیاسی دیگر را توسط جمهوری اسلامی ایران قویا محکوم می کنم.

جمهوری اسلامی ایران، کارگر آموزش و پرورش، معلم و فعال حقوق بشر، فرزند کمانگر، و چهار زندانی سیاسی دیگر را در مه ۲۰۱۰ اعدام کرده است. طبق آخرین گزارشات، آقای فرزند کمانگر، آقای علی حیدریان، آقای فرهاد وکیلی، خانم شیرین علم هولی و آقای مهدی اسلامیان همگی در یک روز اعدام شده اند. نه وکلا و نه خانواده های این زندانیان از اعدامها آنها با خبر شده بودند.

اتحادیه کارگران پست کانادا این حملات مداوم علیه حقوق کارگری و انسانی در ایران را محکوم میکند. ما خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی، و کارگران و دانشجویان در بند هستیم.

اتحادیه کارگران پست کانادا از دولت ایران می خواهد که حقوق کارگری و انسانی، از جمله آزادی بیان و ابراز وجود و نیز حق تشکل، تجمع و اعتراض، را کاملاً محترم شمرد. ما از جمهوری اسلامی ایران می خواهیم که تعقیب و اذیت و آزار فعالین کارگری و حقوق انسانی و سازمانهای سیاسی و عدالت اجتماعی را متوقف کند و مانع فعالیتهای آنان نگردد. هیچ کس نباید بخاطر انجام ابتدایی ترین حقوق انسانی خود مورد اذیت و آزار، حبس و خشونت قرار بگیرد. شکنجه و اعدام باید فوراً متوقف گردد.

تايد حكم دو فعال كارگري

به نوشته سايت آژانس ايران خبر در 24 ارديبهشت آمده است: بر اساس دادنامه تسليمي به تاريخ چهارم فروردين 1389 به جوانمير مرادي عضو هيئت مديره اتحاديه آزاد كارگران ايران و رئيس هيئت مديره انجمن برق و فلزكار كرمانشاه و طه آزادي عضو اتحاديه آزاد كارگران ايران، حكم دادگاه بدوي مبنی بر شش ماه زندان برای آنان که به جريمه نقدي معادل دو ميليون تومان برای هريك از اين دو نفر تبديل شده بود، از سوی دادگاه شعبه يك تجديد نظر بوشهر تايد و قطعی اعلام گردیده است.

تعلیق از کار فعالين سنديكايي شرکت اتوبوسراني تهران و حومه ادامه دارد

بنابه گزارشات رسیده از ايران در تاريخ 24 ارديبهشت آمده است: یکی ديگر از کارکنان اتوبوس رانی تهران و حومه توسط کمیته انضباطی تعلیق از کار شد. کارکنانی که از کار تعلیق میشوند از حقوق و مزایا محروم می شوند.

آقای ناصر محرم زاده از کارکنان شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه که دارای 11 سال سابقه کار و در منطقه 5 تهران شاغل می باشد. روز 23 فروردین ماه تعلیق از کار شد.

او بصورت شفاهی به کمیته انضباطی شرکت اتوبوس رانی تهران اخطار شد. اما آقای محرم زاده بدلیل اینکه اخطار بصورت کتبی و رسمی نبود و همچنین نامشخص بودن علت اخطار از حضور در کمیته انضباطی خودداری کرد. او در اعتراض به عدم رعایت قوانین کار و آیین نامه های داخلی شرکت واحد از حضور در این کمیته خودداری کرد کمیته انضباطی در یک اقدامی غیر معمول و خودسرانه در جا او را از کار تعلیق کرد. هنگامی که آقای محرم زاده نسبت به تعلیق ظالمانه خود اعتراض کرد به او گفته شد شما می توانید مرخصی بدون حقوق بگیرید تا نسبت به اعتراض شما رسیدگی شود.

آقای ناصر محرم زاده یکی از فعالين سنديكايي است که در جریان اعتصابات كارگران شرکت اتوبوس رانی تهران در سال 1384 به مدت یک سال از کار تعلیق شده بود و در طی این مدت از داشتن حقوق و مزایا محروم بود. او با شکایت به اداره کار و پیگیری حقوقی، کارفرما را موظف به بازگشت به کار و پرداخت حقوق معوقه خود کرد. هنگامی که آقای محرم زاده به کار بازگشت برای تحت فشار قرار دادن او، او را به منطقه 5 تهران منتقل کردند که با منزلش فاصله زیادی دارد و برای تردد زمان زیادی نیاز دارد تا از این طریق او را وادار به اخراج کنند. کمیته انضباطی یکی از ابزارهای سرکوب علیه کارگران در محیط کار می باشد و تا به حال اقدام به تعلیق تعدادی از کارگران نموده است که از جمله آنها آقای عبدالله حسینی و خانم فرحناز شیری می باشند. در حال حاضر منصور اسالو و ابراهیم مددی از رهبران سندیکای کارگری شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه در زندان بسر می برند.

در پی اعتصاب عمومی سراسری در كردستان ۱۵ دانشجوی مریوانی دستگیر شدند

پس از تجمعات اعتراضی دانشجویان دانشگاه پیام نور مریوان در اعتراض به اعدام های نوزده اردی بهشت، طی روزهای دوشنبه و سه شنبه و دعوت مردم مریوان به شرکت در اعتصاب عمومی، حداقل 15 تن از فعالين دانشجویی این شهر بازداشت و به مکان های نامعلومی منتقل شده اند. هرانا: آرام ویسی، فواد مرادی، توفیق پرتوی، دانا لنجاوایی و سامان زندی 5 تن از دانشجویان بازداشت شده ی مریوانی هستند. هم چنین اداره ی اطلاعات مریوان طی چند روز اخیر با اکثر فعالين شهر به صورت تلفنی تماس برقرار نموده و آنها را تهدید کرده است که در صورت تلاش برای برپایی اعتصاب و همراهی با آن عواقب بسیاری بدی در انتظارشان خواهد بود. شایان ذکر است در حال حاضر جو امنیتی بر فضای شهر مریوان حاکم است و شهر توسط یگانهای ضد شورش به کنترل کامل در آمده است.

جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان در نمایشگاه متاب تهران تعطیل شد

بنا به اطلاعیه جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان در تاریخ جمعه 24 اردیبهشت 89 آمده است: پس از تعطیلی غرفه این نهاد مدنی در بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران است:

ظهر امروز ۸۹/۲/۲۳ ماموران حراست نمایشگاه بین المللی کتاب با مراجعه به غرفه ی تبلیغاتی جمعیت دفاع اظهار داشتند که به دستور مدیر ستاد هماهنگی، غرفه باید تخلیه شود و اعضای حاضر از نمایشگاه خارج شوند.

با وجود پیگیری مسئولین جمعیت دفاع در واحدها و بخش‌های مختلف نمایشگاه، نه تنها هیچ حکم کتبی ارائه نگردید بلکه هیچ مدرک و دلیلی برای این حکم صادره اعلام نشد و حتی حاضر به افشای نام نهادی که این حکم را صادر کرد نیز نشدند.

با توجه به اینکه تهدید مأموران حراست مستقیماً متوجه اعضاء جمعیت دفاع بود؛ مسئولین غرفه مجبور به تخلیه غرفه و ترک نمایشگاه شدند.

در نهایت ساعت ۱۵ روز ۲۳ اردیبهشت غرفه تعطیل گردید.

روابط عمومی جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان

حبس خانگی محمود صالحی توسط نیروهای حکومتی

به نوشته سایت آژانس ایران خبر در 24 اردیبهشت آمده است: محمود صالحی از فعالین کارگری و از اعضاء کمیته هماهنگی امروز توسط نیروهای حکومتی حبس خانگی شده، همچنین یکی دیگر از اعضاء کمیته هماهنگی به نام حمه عبدی پور نیز در سقز دستگیر شده است. مردم سقز که در اعتصاب سراسری به سر می‌برند، اعلام کردند که علیرغم این فشارها به تحسن خود ادامه خواهند داد.

یک دانشجو به خاطر شرکت در مراسم خاوران به سیزده سال زندان محکوم شد

میثاق یزدان نژاد دانشجویی که در ارتباط با نوزدهمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی دستگیر شد، به سیزده سال زندان محکوم گردید. حکم وی را شعبه 36 بیدادگاه تجدیدنظر تأیید کرد. "فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران" در این باره می‌نویسد: زندانی سیاسی میثاق یزدان نژاد از دستگیر شدگان مراسم نوزدهمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی سال 1367 می‌باشد که در روزهای اخیر حکم سنگین و غیر انسانی 13 سال زندان توسط فردی بنام صلواتی رئیس شعبه 15 دادگاه انقلاب محکوم شده بود عین حکم صادره شده در شعبه 36 تجدید نظر توسط فردی بنام بابائی مورد تأیید قرار گرفت. زندانی سیاسی میثاق یزدان نژاد 23 ساله، دانشجوی رشته مترجمی پیام نور بود. او در تاریخ 19 شهریور ماه 1386 با یورش مامورین وزارت اطلاعات دستگیر و به سلولهای انفرادی بند 209 زندان اوین منتقل گردید و بیش از 6 ماه در بند مخوف 209 تحت شکنجه های جسمی و روحی بازجویان وزارت اطلاعات قرار داشت. که 3 ماه آن را در سلولهای انفرادی بدون داشتن حق تماس با خانواده اش بسر برد. پس از 6 ماه او را به بند 350 زندان اوین منتقل کردند و سپس به دستور صداقت رئیس زندان اوین و مصطفی بزرگ نیا رئیس بند 350 به زندان گوهردشت کرج منتقل شد.

نارضايتی کارگران لاستیک البرز از شورای اسلامی کار

بر پایه گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا آمده است: کارگران لاستیک البرز می‌گویند: در حال حاضر مواد اولیه برای ادامه تولید داریم و مدیریت وعده داده‌است که مطالبات مربوط به سال گذشته را تا پایان بهار پرداخت خواهد کرد.

یکی از کارگران کارخانه لاستیک البرز در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا، گفت: کارفرما بابت حقوق فروردین امسال و 70 درصد حقوق بهمن و اسفند سال گذشته طلبکار هستند.

وی با بیان اینکه بابت این مطالبات تاکنون به هر کارگر فقط 200 هزار تومان علی‌الحساب پرداخت شده‌است؛ افزود: کارفرما وعده داده است که طلب باقیمانده کارگران را تا پایان 2 ماه آینده پرداخت خواهد کرد. به گفته این کارگر هم اکنون در لاستیک البرز اضافه‌کاری برای هیچ کارگری وجود ندارد و دریافتی کارگران تنها به هشت ساعت کار روزانه محدود می‌شود اما مدیریت کنونی برای استمرار فعالیت کارخانه تهیه مواد خام را در دستور کار خود قرار داده‌است.

وی با بیان اینکه هنوز در خصوص نحوه پرداخت مطالبات معوقه سالهای 86 و 87 کارگران صحبتی نشده است؛ یادآور شد: 1400 کارگر لاستیک البرز بابت عملکرد نادرست مدیریت سالهای 86 و 87، نزدیک به 5 ماه حقوق و مزایای پرداخت نشده طلبکار هستند.

این کارگر لاستیک البرز همچنین در خصوص وضعیت شورای اسلامی کار این واحد تولیدی گفت: اعتبار اعضاء شورای اسلامی کار این واحد تولیدی مدتی است به پایان رسیده‌است اما به دلیل نارضایتی که از عملکرد برخی از اعضاء شورای اسلامی کار وجود دارد کارگران انگیزه ای برای برگذاری انتخابات شورای جدید نداشته و ترجیح می‌دهند که بصورت دسته‌جمعی و خودجوش مطالبات خود را پیگیری کنند.

وی یادآور شد: در جریان اعتراض‌های صنفی کارگران لاستیک البرز در 2 سال پیش، برخی از اعضاء شورای اسلامی کار به وظیفه نمایندگی خود عمل نکردند از این رو کارگران نسبت به حضور دوباره این اشخاص در ترکیب شورای اسلامی کار جدید هیچ تمایلی ندارند.

انفجار لوله گاز در میدان منیریه

سایت پارسینه در تاریخ 25 اردیبهشت می نویسد: در میدان منیریه تهران انفجار مهیبی رخ داده است که آتش زیاد تمام این میدان را فرا گرفته است و به برخی مغازه‌ها آسیب وارد کرده است. انفجار لوله گاز در خیابان ولیعصر تهران پایین‌تر از میدان منیریه منجر به ریزش تونل مترو و سقوط یک خودرو جمع‌آوری زباله شهرداری در گودال به‌وجود آمده، شد. شاهدان عینی گفتند که انفجار لوله گاز و آتش سوزی بعد از آن، که ماموران شرکت گاز و آتش نشانی سرگرم بررسی علت آن هستند، ساعت 20 دقیقه پامداد رخ داده است. آتش سوزی همچنان ادامه دارد و زبانه‌های آتش شعله‌ور است. ماموران نیروی انتظامی مسیرهای منتهی به محل وقوع حادثه را مسدود کرده و نیروهای آتش نشانی با استقرار در محل حادثه در حال اطفای حریق می‌باشند. نیروهای شرکت گاز نیز در تلاش هستند تا ضمن قطع گاز به اطفای سرب‌عتر حریق کمک کنند. ساکنان خانه‌های اطراف محل آتش‌سوزی تخلیه شده و مردم نگران در خیابان‌ها و کوچه‌ها به‌سر می‌برند و منتظر خاموش شدن آتش برای بازگشت به منازل خود هستند. شیشه‌های خانه‌ها و مغازه‌های اطراف محل وقوع حادثه شکسته و در سطح خیابان ریخته شده است.

فراخوان جمعی از دانشجویان به اعتصاب سراسری در دانشگاه‌ها و مدارس

فراخوان اعتصاب سراسری دانشجویان و دانش‌آموزان کشور!

شیرین علم‌هولی، فرزاد کمانگر، فرهاد وکیلی، علی حیدریان و مهدی اسلامیان در سحرگاه 19 اردیبهشت به دار آویخته شدند. با وجودیکه شش روز از اعدام این عزیزان می‌گذرد اما هنوز جنازه‌هایشان را تحویل نداده‌اند و بیم آن می‌رود که حکومت مخفیانه از ترس اعتراضات مردم جسم بی‌جان‌شان را بی‌سروصدا در جایی دفن کند.

اعتراضات و واکنش‌های سراسری در ایران و سایر کشورها ادامه دارد. خانواده‌های این عزیزان چند روز است که در جلوی زندان اوین برای تحویل جنازه‌ها تحصن کرده‌اند اما آنها را سرگردان و تهدید به بازداشت کرده‌اند. روحیه مبارزه جویانه خانواده‌ها ستودنیست. آنها همچون عزیزانشان که در برابر جنایتکاران رژیم سر فرود نیاوردند و استوار و محکم و خشمگین ایستاده‌اند. بند 350 زندان اوین که بند زندانیان سیاسی می‌باشد به دلیل اعتصاب غذای زندانیان منحل شده و زندانیان را به بندهای دیگر منتقل کرده‌اند. درود بر مقاومت و صلابت همه آنها.

در برابر اینهمه جنایت و وحشیگری درنگ و سکوت جایز نیست. ما ضمن حمایت از تمام فراخوانهای اعتراضی و مبارزاتی و ضمن همراهی با مردم مبارز کردستان در اعتصاب سراسری روز پنجشنبه 23 اردیبهشت، در اعتراض به این جنایت نابخشودنی از همه دانشجویان و دانش‌آموزان، معلمان و استادان سراسر کشور می‌خواهیم که در روز سه‌شنبه 28 اردیبهشت از حضور در کلاسهای درس خودداری کنند. حضور دانش‌آموزان در این اعتصاب سراسری بسیار مهم و تاثیرگذار است. دانش‌آموزان دغدغه‌همیشگی فرزاد کمانگر بودند و در زندان نیز هیچگاه در نوشته‌هایشان دانش‌آموزان از قلم نیفتادند از همین رو برای اعتراض به رژیم و یاد معلم عزیزمان فرزاد شما نیز به این اعتصاب بپیوندید. این اعتصاب فرصت مناسبی برای اتحاد عمل سراسری بدور از هر گونه اختلافات سیاسی می‌باشد. همه با هم در روز سه‌شنبه 28 اردیبهشت کلاسهای درس را تعطیل می‌کنیم.

دانشجویان کرد دانشگاه تهران

بخشی از دانشجویان دانشگاه امیرکبیر

بخشی از دانشجویان دانشگاه کردستان

بخشی از دانشجویان دانشگاه تبریز

بخشی از دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه

برای حمایت از این فراخوان با آدرس زیر تماس بگیرید. و در رساندن این فراخوان به گوش همگان ما را یاری دهید.

fetesab@yahoo.com

25 اردیبهشت 1389

روند صعودی نرخ بیکاری در ایران

خبر آنلاین در تاریخ 25 اردیبهشت نوشت: بالاخره نرخ بیکاری سال 88 اعلام شد که حکایت از روند صعودی این نرخ در سال 88 دارد.

ابراهیم علیزاده: طبق اعلام معاون وزیر کار، نرخ بیکاری سال گذشته با 1.5 درصد افزایش نسبت به سال 87، به 11.9 درصد رسید.

پس از گذشت حدود دو ماه از پایان سال 88 سرانجام نرخ بیکاری کشور اعلام شد که این رقم نشان از روند صعودی این نرخ دارد. براین اساس قبل از این، نرخ‌های بیکاری سه فصل بهار، تابستان و پاییز سال گذشته به ترتیب 11.2، 11.3 و 11.3 درصد اعلام شده بود که با اعلام نرخ بیکاری 11.9 برای سال گذشته مشخص می‌شود که این نرخ در فصل زمستان 13.8 درصد بوده است.

این رقم 11.9 درصدی نرخ بیکاری سال گذشته را در حالی معاون کارآفرینی و توسعه اشتغال وزارت کار اعلام

می کند که مرکز آمار و وزیر کار تاکنون در این مورد سیاست سکوت را در پیش گرفته بودند. حمید حاجی عبدالوهاب با اعلام این نرخ، عواملی چون بحران اقتصادی جهانی و کاهش سرمایه گذاری در ایران را از جمله مسائل موثر در افزایش نرخ بیکاری عنوان می کند. وی در مورد فاصله 3.5 درصدی نرخ بیکاری پایان سال آخر برنامه چهارم با نرخ بیکاری مدنظر این برنامه نیز به این موضوع اشاره می کند که برخلاف آنچه در برنامه ذکر شده که با ایجاد سالانه 920 هزار شغل جدید نرخ بیکاری 8.4 درصدی محقق خواهد شد، در عمل برای تحقق این نرخ نیاز به ایجاد سالانه یک میلیون و 200 هزار شغل بوده است. به گفته او، در این چهار سال رقمی نزدیک به همان 920 هزار شغل مدنظر برنامه چهارم، فرصت شغلی ایجاد شد که سهم طرح بنگاه های زودبازده از این میزان شغل ایجاد شده طی سه سال اجرا، سالانه 380 هزار شغل بود. طبق اعلام معاون وزیر کار، توسط بنگاه های زودبازده طی سه سال بیش از یک میلیون و 160 هزار فرصت شغلی ایجاد شد که به عبارتی سالانه بیش از 380 هزار شغل می شود. عبدالوهاب در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه بقیه شغل های ایجاد شده طی این سال ها از چه طریقی به وجود آمدند؟ می گوید: بقیه این شغل ها توسط طرح های بزرگ صنعتی و بخش های معدنی که سرمایه گذاری برای آن ها صورت گرفت ایجاد شدند و همچنین مقداری شغل هم در بخش کشاورزی، خدمات، خودروسازی، پتروشیمی، IT و بخش های دیگر به وجود آمد. به هر حال این نرخ 11.3 درصدی حاکی از استمرار روند صعودی نرخ بیکاری است که از همان ابتدای سال گذشته در مقایسه با مدت مشابه در سال 87 شروع بود. این میزان افزایش در فصل بهار در مقایسه با مدت مشابه در سال قبل از آن 1.6 درصد، در تابستان 1.1 درصد، در پاییز 1.8 درصد و در زمستان 1.3 درصد بوده است که در نهایت در پایان سال نسبت به نرخ بیکاری سال 87، 1.5 درصد شد. جدای از این، نرخ بیکاری سال 88 در حالی نسبت به سال 87 به میزان 1.5 درصد افزایش یافته که این نرخ در سال 87 نسبت به سال قبل خود، به میزان 0.2 درصد، در سال 86 نسبت به سال قبل خود 0.6 درصد و در سال 85 نسبت به سال قبل خود 0.2 درصد کاهش یافته بود.

پلمپ غرفه جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان در نمایشگاه کتاب

به گزارش خبرگزاری کار ایران- ایلنا در تاریخ 25 اردیبهشت 89 آمده است: روز گذشته بنا به دلایل نامعلوم، غرفه جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان از سوی حراست نمایشگاه کتاب تعطیل شد. به گزارش خبرنگار ایلنا، بازدید کنندگان از غرفه های نمایشگاه کتاب در روز گذشته با یکی از غرفه های خالی مواجه شدند که عکس و پستر های مربوط به کودکان کار و خیابان در آن نصب شده بود، اما خالی بودن این غرفه، بازدید کنندگان را با ابهاماتی مواجه کرد. پیگیری خبرنگار ایلنا از غرفه های اطراف و برخی از مطلعین، حاکی از آن است که این غرفه به یکی از سازمان های غیر دولتی (جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان) بوده که به اجبار از سوی ماموران حراست این نمایشگاه تعطیل شده است. بر اساس اعلام شاهدان و بازدید کنندگان که روز های گذشته از این غرفه بازدید کرده بودند، در این غرفه فعالیت های همیشگی و هرساله انجام شده و کارها در راستای وظایف يك سازمان غیر دولتی پیش رفته است و اقدام غیر قانونی که خلاف مقررات تعریف شده نمایشگاه نیز صورت نگرفته است. به گزارش خبرنگار ایلنا، این جمعیت قبل از تعطیل شدن در بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب، اقدام به عرضه کتاب پستال و داستان هایی که به قلم کودکان کار و خیابان نگاشته شده کرده و کتاب هایی از جمله زیرگذر، برج غار، غار تارو ترس غار نیز در این غرفه عرضه شده بود.

آغاز آزمایشی حذف پارانه ها در سه استان

سایت بی بی سی در تاریخ 25 اردیبهشت نوشت: صادق محصولی وزیر رفاه و تامین اجتماعی خبر داده است که از سه روز دیگر نخستین مرحله از طرح هدفمند کردن پارانه ها در استانهای ایلام، خراسان شمالی و گیلان به صورت آزمایشی آغاز می شود. به گفته آقای محصولی، اجرای نخستین مرحله از طرح حذف پارانه ها روز سه شنبه 28 اردیبهشت در سه استان کشور شروع می شود و خانوارهایی که فرم اطلاعات اقتصادی را پر کرده اند می توانند از این روز (سه شنبه) به مدت یک هفته به سایت وزارت رفاه مراجعه و شماره حساب خود را در آن ثبت کنند. به گفته وزیر رفاه، ثبت شماره حساب برای دریافت پارانه نقدی تنها از طریق سایت وزارت رفاه امکان پذیر است و سرپرستان خانوار که به اینترنت دسترسی ندارند به "مراکز خدمات اینترنتی دولتی و خصوصی پیش بینی شده در شهرها و روستاها مراجعه کنند". بر اساس قانون مصوب مجلس، برنامه حذف پارانه ها باید از اول سال اجرا می شد اما دولت هنوز برنامه روشنی ارائه نکرده ولی محمود احمدی نژاد رئیس جمهور، گفته است که اجرای این طرح در نیمه دوم شروع می شود. به نظر می رسد شروع برنامه ای که آقای محصولی پیگیر آن است مربوط به پارانه نقدی است در حالی که پایه اصلی حذف پارانه ها، افزایش قیمت مواد سوختی و کالاهای اساسی است. به این معنی که دولت با اضافه

کردن قیمت ها، می تواند بخشی از درآمدهای ناشی از این افزایش قیمت را به صورت نقدی به خانوارها بدهد. مبنای توزیع نقدی پارانه ها، اطلاعاتی است که مرکز آمار ایران از خانوارهای ایرانی جمع آوری کرده و بر اساس آن توانایی مالی خانوارها اندازه گیری خواهد شد.

طرح "اطلاعات اقتصادی خانوارها" که نشان دهنده توانایی مالی خانوارهاست، پرسشنامه ای است که سرپرست خانواده اطلاعاتی نظیر درآمد ماهانه، واحد مسکونی ملکی یا اجاره ای، سطح زیر بناک واحد مسکونی، ارزش تقریبی واحد مسکونی، ارزش دیگر املاک و مستغلات و تعداد خودروهای شخصی را در اختیار مرکز آمار گذاشته است.

فرمهای اطلاعات اقتصادی به نام سرپرست خانوار است اما اطلاعات اقتصادی نظیر شغل، میزان درآمد و سایر اطلاعات اقتصادی اعضای خانواده نیز در آن ثبت می شود.

دولت تصمیم دارد بعد از جمع آوری توانایی مالی خانوارها، میزان پارانه نقدی خانوارها را تعیین کرده و آن را از طریق حساب های بانکی سرپرست خانوار، به حساب آنها واریز کند.

بنابر به گفته آقای محصولی، ۹۵ درصد از سرپرستان خانوار که فرم اطلاعات اقتصادی را پر کرده اند دارای حساب بانکی هستند و افراد فاقد حساب بانکی نیز می توانند به یکی از شعب بانکهای کشور مراجعه و حساب بانکی باز کنند.

ظاهراً مرحله تازه ای که دولت از آن به عنوان "مرحله اجرای آزمایشی هدفمند کردن پارانه ها" یاد کرده، در حد باز کردن حساب بانکی برای دریافت پارانه نقدی است و مشخص نیست که قیمت ها چه وقت و به چه میزان افزایش خواهد یافت و پرداخت پارانه های نقدی چه موقع شروع می شود؟
بنابر قانون حذف پارانه ها، پارانه شانزده قلم کالا و خدمات با اجرای قانون جدید حذف و این کالاها و خدمات به قیمت بین المللی عرضه می شود.

پارانه موادی نظیر بنزین، گازوئیل، گاز، نفت، برق، آب، گندم (نان)، شکر، برنج، روغن، شیر، شکر، در مدت پنج سال حذف شده و این کالاها و خدمات با قیمت بازارهای منطقه خلیج فارس عرضه می شود.

بر اساس قانون حذف پارانه ها، دولت می تواند نیمی از درآمد حاصل از افزایش قیمت را به صورت نقدی بین خانوارها توزیع کند. بنابر قانون دولت می تواند در سال جاری ۲۰ هزار میلیارد تومان از محل افزایش قیمت کالاها و خدمات و حذف پارانه ها درآمد داشته باشد.

برای مقابله با تورم ناشی از افزایش قیمت کالاها، نیمی از درآمدهای حاصل از افزایش قیمت، در اختیار خانواده های کم درآمد و فقیر قرار خواهد گرفت و بخشی نیز به تولید داده می شود و بقیه نیز در طرح های عمرانی هزینه خواهد شد.

سازمان تامین اجتماعی کودکان کار را تشویق به جانکندن کرد

عکس مورد نظر در مقاله را در لینک سایت منبع ببینید
<http://www.ilna.ir/newsText.aspx?ID=123430>

به گزارش خبرگزاری کار ایران- ایلنا در تاریخ 25 اردیبهشت 89 آمده است: سازمان تامین اجتماعی، با انتشار ویژه نامه ای به مناسبت هفته کارگر، تمام قوانین و کنوانسیون هایی را که ایران برای حمایت از حقوق کودکان، به رسمیت شناخته بود را زیر پا گذاشت.

به گزارش خبرنگار ایلنا، در این ویژه نامه عکسی از دو کودک کارگر کوره پزخانه در ابعاد بزرگ و با این توضیح: «آهای بچه ها، خوب فهمیده اید که سرمایه جاودانی است کار»

منتشر شد که به سادگی چند جمله، همه قوانین و به خصوص کنوانسیون حقوق کودک را زیر پا گذاشته است. این تصمیم سازمان تامین اجتماعی، صدای اعتراض انجمن ها و نهادهای مدافع کودکان را درآورد، در واکنش به این اقدام، یکی از اعضای انجمن حمایت از حقوق کودکان به ایلنا گفت: همه دلسوزان و فعالان حقوق کودک مدت ها است که تلاش دارند تا لزوم برخورداری از رفاه و تامین اجتماعی حداقلی خانواده های فقیر در کشور را نهادینه کنند و بر لزوم تحصیل کودکان این خانواده ها به جای انواع اشتغال خطرناک پافشاری می کنند، اما وقتی وزارت کار در مقابل مقاله نامه های منع اشتغال کودکان پاسخگو نیست و هر ساله گزارش و آمارهای نادرست و متناقض به مجامع داخلی و بین المللی ارائه می دهد در مقابل سازمان تامین اجتماعی هم آشکارا به کمک کافرماپانی

می رود که از این کودکان بهره کشی کرده و حق و حقوقشان را نمی پردازند، نمی توان انتظاری داشت.

علی اکبر اسماعیل پور افزود: سالهاست که گزارش های متعدد رسانه ها و خبرنگاران متعهد از وضعیت زندگی اسفبار این کودکان و اشتغال آنها دل هر انسان دردمندی را آزرده می کند و تشکل های غیر دولتی حامی کودکان ممنوعیت اشتغال کودکان و لزوم پایبندی مسئولان به انواع و اقسام مقاله نامه ها و تعهد نامه های منع اشتغال کودکان را فریاد می زنند، حال تشویق به اشتغال کودکان از طرف سازمان تامین اجتماعی چه توجیهی می تواند داشته باشد؟

به گفته این فعال حقوق کودکان، شاید مسئولان این سازمان در سال جدید به جای گسترش تامین اجتماعی در بین لایه های پایین دست جامعه به این فکر افتادند تا کودکان این خانواده ها بار تورم و گرانی و نیز گرانی دارو و درمان والدین خود را بر دوش بکشند.

عضو انجمن حمایت از حقوق کودکان ادامه داد: هزاران کودک در کارگاه های زیر زمینی به اشتغال جانفرسا مشغولند و از تامین اجتماعی و بیمه بهره ای نبرده اند؛ شاید تامین اجتماعی خواسته از بار عذاب وجدان احتمالی

ماموران خود بکاهد که وقتی تصادفا کودکی را در یک کارگاه می بینند که کارفرما یادش رفته تا پنهانش کند ، برای چشم پوشی اشتغال آن کودک اذیت نشود!

اسماعیل پورعنوان کرد: سازمان تامین اجتماعی نمی تواند در قبال اشتغال کودکان تا این اندازه غیر مسئولانه برخورد کند ؛ تشویق به اشتغال کودکان با تمام اهداف این سازمان که یک سازمان حمایتی است مغایر بوده و بر خلاف تمام معاهدات بین المللی حمایت از کودکان عمل می کند.

او ادامه داد: تامین اجتماعی باید تکلیف خودش را روشن کند که آیا در راستای حل مشکلات محرومین جامعه عمل می کند یا برخلاف آن ، اگر با محرومین جامعه است چاپ عکس جانکندن کودکان در کوره پزخانه بر روی جلد نشریه داخلی این سازمان و تشویق سایر کودکان به اشتغال ، نادیده گرفتن مسلم حقوق محرومین است. به اعتقاد عضو انجمن حمایت از حقوق کودکان ، دلیل دیگر چاپ عکس فوق می تواند بیانگر آن باشد که مسئولین سازمان تامین اجتماعی اندک اطلاعی از قوانین کار و مقاله نامه ها و پیمان نامه جهانی حقوق کودک ندارند و اگر اینچنین باشد باید به حال متولیان تامین اجتماعی این کشور متاسف و متاثر بود .

او با اشاره به لزوم توجه هر چه بیشتر مسئولان تامین اجتماعی افزود: لازم است که مسئولین ارشد این سازمان بابت این نادیده گرفتن آشکار کودکی و حقوق کودک از کودکان و بعد از والدین آنها عذرخواهی کنند

عضو هیات ریسه کانون عالی شوراهای شرط عضویت در مجمع کانون عالی، شورایی بودن است

به گزارش خبرگزاری کار ایران- ایلنا در تاریخ 25 اردیبهشت 89 آمده است: عضو هیات ریسه کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور گفت: شرط عضویت در مجمع کانون عالی شاغل بودن و عضو شورایی اسلامی کار بودن است.

عبدالله اتابکی در گفت و گو با خبرنگار ایلنا افزود: کسی که اعتبار نامه شورایی نداشته باشد صلاحیت قانون عضویت در کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار را هم ندارد.

عضو هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان آذربایجان غربی گفت: از شاغل بودن و عضو شورایی اسلامی کار بودن آقای صالحی اطلاعی ندارم اما در جلسه هفته آینده کانون عالی شوراهای اسلامی کار این مساله را موشکافی خواهیم کرد تا کانون عالی از حاشیه ها به دور باشد و مشخص شود که آقای صالحی شورایی و شاغل است یا خیر؟

اتابکی با اشاره به ورود چهره های جدید به کانون های کارگری گفت: شرایط روز به روز به سود کارگران می شود و چهره های جدید حتی بهتر از ما می توانند از منافع کارگران دفاع کنند.

پایان پیام

کارگران همچنان زیر خط فقر باقی مانده اند

به گزارش خبرگزاری کار ایران- ایلنا در تاریخ 25 اردیبهشت 89 آمده است: نماینده اردستان در مجلس شورایی اسلامی با انتقاد از ناهماهنگی میان دستمزد با تورم و خط فقر، گفت: افزایش دستمزد کارگران به حدی نبود که زندگی کارگران را به روز کند.

سید مصطفی طباطبایی نژاد در گفت و با خبرنگار ایلنا، با تاکید بر اینکه دستمزد باید رابطه ای مستقیم با شرایط زندگی نیروی کار داشته باشد؛ گفت: زندگی هر انسانی یک سری هزینه های اساسی دارد و نمی شود به هیچ وجه از تامین آنها شانه خالی کرد.

وی هزینه های جاری معمول از قبیل خوراک، پوشاک و حمل و نقل را هزینه های معمولی دانست و گفت: شاید بشود در خوراک با نان خالی ساخت و یا پوشاک ساده پوشید و از وسایل نقلیه ارزان استفاده کرد اما آیا می شود هزینه های تحصیل فرزندان را پرداخت نکرد، آیا می توان در بحث ازدواج فرزندان نسبت به تامین هزینه های بی تفاوت بود.

عضو کمیسیون قضایی مجلس با اشاره به بالا بودن هزینه های پزشکی، گفت: کارگری که 300 هزار تومان در ماه حقوق می گیرد اگر با به یک بیماری نه چندان سخت مبتلا شود باید قید زندگی اش را بزند.

وی در خصوص قیمت های سرسام آور مسکن، گفت: با دستمزد 300 هزار تومانی خرید خانه رویایی بیش نیست چنانچه هزینه اجاره خانه هر ماهه بخش قابل توجهی از دستمزد کارگران را به خود اختصاص می دهد.

طباطبایی نژاد تاکید کرد: انتظار می رود در تعیین حداقل دستمزد آنچنان تصمیم گیری شود که کارگران بتوانند يك زندگی ساده را بچرخانند اما با دستمزد فعلی گمان می کنم که کارگران همچنان زیر خط فقر باقی مانده اند.

وی با تاکید بر پایین بودن دستمزدهای فعلی کارگران گفت: این در حالی است که اسلام به تامین نیازهای انسان تاکید دارد.

نماینده اردستان از مسئولان خواست تا به فکر رشد جامعه از لحاظ فکری و فرهنگی باشند.

طباطبایی نژاد گفت: فکر سالم در بدن سالم است و با این دستمزد نمی شود نیازهای غذایی کارگران را برای حفظ سالمتهی تامین کرد.

وی با یادآوری بحث هدفمند کردن یارانه ها گفت: نگرانی ها از آن است که این قانون تورم ایجاد کند و زندگی برای حقوق بگیران سخت شود اما امیدواریم دولت چنان مدیریت کند که برای کارگران مشکل ساز نشود.

پایان پیام

وزیر رفاه و تامین اجتماعی: هدفمند کردن یارانه‌ها از سه‌شنبه اجرا می‌شود

به گزارش خبرگزاری کار ایران- ایلنا در تاریخ 25 اردیبهشت 89 آمده است: وزیر رفاه و تامین اجتماعی گفت: با دریافت شماره حساب سرپرستان خانوار برای واريز نقدي يارانه‌ها، نخستين مرحله اجراي آزمایشي قانون هدفمند کردن یارانه‌ها این هفته در سه استان آغاز می‌شود.

به گزارش ایلنا به نقل از روابط عمومی وزارت رفاه و تامین اجتماعی، صادق محصولی بایان این مطلب افزود: نخستین مرحله از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها دریافت شماره حساب سرپرستان خانوار است که این مرحله به صورت آزمایشی سه‌شنبه این هفته در سه استان ایلام، خراسان شمالی و گیلان آغاز می‌شود.

وزیر رفاه و تامین اجتماعی با بیان اینکه سامانه ویژه ای برای دریافت شماره حساب سرپرستان خانوار طراحی شده است؛ تصریح کرد: سرپرستان خانوار در این سه استان که فرم اطلاعات اقتصادی را پر کرده اند می‌توانند از 28 اردیبهشت به مدت یک هفته به سامانه refahi.ir مراجعه و شماره حساب خود را در آن ثبت کنند.

آقای محصولی ثبت شماره حساب برای سرپرستان خانوار واحد شرایط درسه استان ایلام، خراسان شمالی و گیلان را در این یک هفته ضروری دانست و گفت: اگر به هر دلیلی فردی در این سه استان نتوانست در این مدت شماره حساب خود را ثبت کند می‌تواند در زمان اجرای نهایی و سراسری این طرح شماره حساب خود را به ثبت رساند اما توصیه ویژه ما این است که مردم این سه استان از این فرصت یک هفته ای حتماً استفاده کنند.

وی افزود: ثبت شماره حساب برای دریافت نقدي يارانه فقط از طریق این سامانه اینترنتی امکان پذیر است و سرپرستان خانواری که احیاناً در منزل و محل کار به اینترنت دسترسی ندارند می‌توانند به مراکز خدمات اینترنتی دولتی و خصوصی پیش بینی شده در شهرها و روستاها مراجعه کنند.

وزیر رفاه و تامین اجتماعی با بیان اینکه چگونگی ثبت شماره حساب در سامانه طراحی شده refahi.ir در بسته آموزشی ای آموزشی ارائه خواهد شد؛ تصریح کرد: با هماهنگی صورت گرفته با سازمان صدا و سیما این بسته آموزشی ظرف چند روز آینده از شبکه های استانی ایلام، خراسان شمالی و گیلان در فواصل مناسب پخش خواهد شد و آن دسته از هموطنان که تمایل دارند پیش از ثبت شماره حساب خود به دقت با مراحل ثبت در این سامانه آشنا شوند در جریان قرار خواهند گرفت.

آقای محصولی استفاده آزمایشی از خدمات این سامانه را فقط مختص سه استان مشخص شده دانست و گفت: از دیگر هموطنان عزیز تقاضا می‌کنیم برای هرچه بهتر انجام شدن آزمایشی این کار از مراجعه به این سامانه تا اعلام نهایی خودداری کنند.

وزیر رفاه تاکید کرد برای پرداخت مبالغ نقدي ناشي از اجراي قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، داشتن حداقل یک حساب بانکی نزد شبکه بانکی کشور الزامی است.

مهندس محصولی به بررسی حساب بانکی واجدان شرایط در شبکه بانکی کشور اشاره کرد و افزود: براین اساس هم اکنون حدود 95 درصد از سرپرستان خانوار که فرم اطلاعات اقتصادی را پر کرده اند دارای حساب بانکی هستند و آن دسته از هموطنان واجد شرایط هم که فاقد هرگونه حساب بانکی هستند باید حداکثر ظرف دو هفته آینده با مراجعه حضوری به یکی از شعب بانک های کشور اقدام به افتتاح حساب کنند.

وی همچنین تصریح کرد: برای افتتاح حساب در بانک های کشور هیچ گونه محدودیتی وجود ندارد و هر کدام از واجدان شرایط فاقد حساب بانکی می‌توانند به هر بانک دلخواه و مورد نظر خود مراجعه و افتتاح حساب کنند.

وزیر رفاه و تامین اجتماعی از اطلاع رسانی سریع و دقیق به همه مردم در ادامه مراحل اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها خبر داد و افزود: امیدواریم مثل همیشه با همکاری مردم بتوانیم این قانون را که یک گام بزرگ در حرکت رو به جلوی کشور و نظام جمهوری اسلامی به شمار می‌آید و بزرگترین طرح اقتصادی 50 سال گذشته است به بهترین شکل اجرا کنیم و در این راه از پیشنهادات سازنده مردم استقبال می‌کنیم.

سازمان هدفمند سازی یارانه‌ها

صادق محصولی در پاسخ به سوالي در خصوص زمان تشكيل سازمان هدفمند سازی یارانه‌ها نیز گفت: با توجه به اینکه مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان قانون اساسی ایراداتی به اساسنامه این سازمان وارد کرده بودند هم اکنون در حال رفع این ایرادات و مذاکره با این دونهاد محترم هستیم و پس از رفع این ایرادات تکلیف سازمان هدفمند سازی یارانه‌ها به صورت تشکیلاتی مشخص خواهد شد.

پایان پیام

تجمع صنفی کارگران مخابرات در مقابل مجلس

جمعی از کارگران مراکز مخابرات روستایی از صبح امروز در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، جمعی از کارگران مراکز مخابرات روستایی کل کشور در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کرده و خواستار اجرایی شدن بیمه آنها طبق ضوابط قانون کار مصوب مجلس شورای اسلامی شدند.

این کارگران که از استان لرستان به نمایندگی از استان‌های کشور در مقابل مجلس، حضور یافته‌اند؛ به دنبال حق و حقوق خود در قبال کار بیمه و سنوات سال‌های گذشته هستند. به گفته آنها، این مساله سه بار در مجلس تصویب شده است اما متأسفانه اجرا نمی‌شود و در برخی از استان‌ها براساس سلیقه مسئولان عمل می‌شود.

این کارگزاران همچنین خواستار قراردادی واحد در کل کشور طبق قانون کار هستند و می‌گویند که اکنون هر استانی قرارداد خاصی دارد.

بیانیه بخش بین المللی اتحادیه معلمان آلمان در محکومیت اعدام فرزاد کمانگر

ایران: فرزاد کمانگر اعدام شد.

۱۴ مای ۲۰۱۰

در صبحگاه روز نهم مای، فرزاد کمانگر، معلم و عضو اتحادیه به‌مراه چهار زندانی سیاسی دیگر اعدام شدند. اولریش تونه، دبیرکل اتحادیه معلمان آلمان این قتل را محکوم می‌کند.

اتحادیه‌ها و سازمان‌های حقوق بشر سراسر جهان با تنفر، خشم و نگرانی نسبت به خبر اعدام فرزاد کمانگر معلم عکس‌العمل نشان دادند. کمانگر، معلم و عضو اتحادیه، اهل کردستان ایران به‌مراه ۴ زندانی سیاسی دیگر علی‌حیدریان، فرهاد وکیلی، شیرین علم‌هولی و مهدی اسلامیان اعدام شد زیرا آنان مخالف رژیم حاکم بر ایران بودند. این اعدام‌ها به‌طور مخفیانه در زندان اوین تهران در صبحگاه روز ۹ مای ۲۰۱۰ انجام گرفت. کمانگر، معلم ۳۵ ساله، عضو اتحادیه معلمان به اتهام "اخلال در امنیت ملی" و "مبارزه" در ایران زندانی بود. در فوریه ۲۰۰۸ کمانگر در یک دادگاه ناعادلانه و در چند دقیقه به مرگ محکوم شد. او در زندان تحت شکنجه و فشار روانی قرار داشت. اولریش تونه، دبیرکل اتحادیه معلمان آلمان که در گذشته بارها از دولت ایران و سفارتخانه‌اش در برلن، خواستار لغو حکم اعدام فرزاد کمانگر و رعایت حقوق انسانی‌اش شده بود، این اعدام را شدیداً محکوم می‌کند: "رژیم ایران برنامه ریزی شده حقوق بشر و حق اتحادیه‌ای را نقض می‌کند و از قتل دولتی نیز نمی‌هراسد. اعدام فرزاد کمانگر یک اقدام زشت است."

فردون لویون، دبیرکل فدراسیون جهانی معلمان (بین‌الملل آموزش) در مورد سرنوشت سایر زندانیان عضو اتحادیه‌های ایران ابراز نگرانی کرد. این فدراسیون از مقامات ایران خواستار توقف فوری اعدام‌ها، برسمیت شناختن اتحادیه‌های مستقل و رعایت پایه‌ای‌ترین حقوق انسانی از جمله حق حیات و آزادی بیان شد. فدراسیون جهانی معلمان همه را در سراسر جهان فرامی‌خواند تا به دولت ایران و سفارتخانه‌ها پیش به‌خاطر کشتن کمانگر اعتراض کنند و همچنین خواستار آزادی رسول بلاغی، هاشم خواستار، بهمن گودرزاده و عبدالرضا قنبری شوند.

(اتحادیه معلمان آلمان خواسته است که نامه‌های اعتراضی به زبان انگلیسی یا آلمانی به آدرس رئیس جمهور، حامنه‌ای و سفیر ایران در برلن ارسال شود.)

منبع خبر

15 مای 2010

ترجمه: میلا مسافر

http://www.gew.de/Iran_Farzad_Kamangar_hingerichtet.html

ما در ماتم معلمي هستيم که ابزارش گچ و قلم بود و کودکاني را تعليم ميداد که بسياري از آن‌ها شبها گرسنه سر بر بالين ميگذاشتند

اعدام و ارباب محکوم است

ما در ماتم معلمي هستيم که ابزارش گچ و قلم بود و کودکاني را تعليم ميداد که بسياري از آن‌ها شبها گرسنه سر بر بالين ميگذاشتند. جرم او دفاع از حقوق بشر بود. جرمي که در صد سال گذشته بسياري را در خاک و خانواده‌هايي را در ماتم فروبرده است. در چهار سال گذشته بسياري از نهادهاي ملي و بين‌المللي زنداني بودن فرزاد کمانگر را محکوم کرده و مهمتر از آن خواهان رسيدگي قانوني و بيطرف به پرونده‌اش بودند، نمايندگان سازمانهاي جهاني در چندین نوبت خواستار اعزام هيئتي براي ديدار مستقيم با او شدند، که هيچ‌گاه مورد موافقت قرار نگرفت.

متاسفانه خانواده ايشان این حق را نداشتند و نتوانستند در آخرين لحظه عزيز خودشان را ببينند، این اعدامها زماني در جامعه ما اتفاق افتاد که مردم ما هميشه و در هر مکاني هر نوع خشونت را نفي کرده اند.

جنبش کارگري ايران و جهان معلمي را از دست داد که حتي در زندان نیز از يادگيري و ياددهي کوتاهي نکرد. ما از دست دادن فرزاد را به خانواده کمانگر و هم طبقه اي هاي ايشان در سراسر جهان تسليت ميگويم.

ما همانطوري که در چند سال گذشته مکرراً اعلام کرده ايم خواهان لغو مجازات اعدام هستيم و احکام دادگاههاي غير قانوني را مردود ميشماريم و خواهان آزادي کلیه زندانيان جنبش مدني از جمله آقایان مددي و اسالو هستيم .

با امید به گسترش صلح و عدالت در تمام جهان

سندیکا ی کارگران شرکت واحد

اتوبوسرانی تهران و حومه

اردیبهشت 1389

عدم تمدید دفترچه درمانی و پرداخت دستمزد کارگران نورد لوله صفا

بنا بر گزارشهای رسیده از فعالین کارگری داخل در تاریخ 25 اردیبهشت 89 آمده است: کارفرمای کارخانه نورد لوله صفا دستمزد فروردین ماه کارگران این کارخانه را پرداخت نکرده است و در اردیبهشت ماه نیز تاکنون از پرداخت مساعده به کارگران سرباز زده است..

بنا بر این گزارش کارفرمای نورد لوله صفا همچنین از بهمن ماه تا کنون پول بیمه این کارگران را به حساب سازمان تامین اجتماعی واریز نکرده و همین مسئله باعث عدم تمدید دفترچه های درمانی این کارگران از سوی سازمان تامین اجتماعی شده است.

بنا بر اظهار کارگران این کارخانه هم اکنون بسیاری از کارگران که خود و یا خانواده هایشان دچار بیماری شده اند به دلیل عدم تمدید اعتبار دفترچه های درمانی شان از درمان خود عاجزند و دچار مشکلات حادی در این زمینه شده اند.

لازم به یادآوری است مسئله عدم پرداخت دستمزد کارگران نورد لوله صفا از سال گذشته شروع شده است و کارگران این کارخانه در بهمن ماه سال گذشته در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان بمدت دو روز دست به اعتصاب هشدار زدن و انزمام موفق به دریافت دستمزدهای معوقه خود شدند. کارخانه نورد لوله صفا با 1300 کارگر در کیلومتر 9 اتوبان تهران ساوه قرار دارد.

تهدید روستاییان بنای بدلیل پیگیری خسارات سیل کاوه سودا!

به نوشته خبرنگاری مهر در تاریخ 26 اردیبهشت 89 آمده است: بیش از دو هفته از شکسته شدن حوضچه های پساب کارخانه کاوه سودا مراغه و سیل ویرانگر آن در بناب می گذرد اما نه تنها اقدامی برای تامین خسارات صورت نگرفته بلکه روستاییان منطقه برای پیگیری شکایات خود تحت فشار بوده و تهدید می شوند! گزارش خبرنگار مهر از بناب حاکی است، بروز سیل در این منطقه که بر اثر بی مبالاتی مسئولان کاوه سودا صورت گرفت، موجب تخریب 30 واحد مسکونی و صدها هکتار از مزارغ و باغات و اراضی کشاورزی در روستاهای تازه کند زوارق، بنگی کند خوشه مهر و خوشه مهر از توابع شهرستان بناب شد. درحالیکه طی دو هفته گذشته مردم سیل زده و خسارت دیده در انتظار اقدام جدی و کارساز مسئولان بودند اما نه تنها جلسه درمانی مسئولان امر به جایی نرسیده بلکه برخی محافل نسبت به تهدید روستاییان اقدام کرده اند!

حوضچه پساب های کاوه سودا در همین حال، ضیاء الله اعزازی نماینده مردم بناب در مجلس ضمن محکوم کردن هرگونه اعمال فشار و تهدید روستاییان منطقه گفت: اینجانب به عنوان نماینده مردم شهرستان بناب به هیچ وجه اجازه تهدید روستاییان را نخواهم داد.

وی در عین حال تصریح کرد: به نظر می رسد متاسفانه عاملان و مقصران این حادثه از سوی برخی افراد بانفوذ حمایت می شوند!

اعزازی با اشاره به حجم خسارات وارد شده به منطقه اظهار داشت: باید تمام مسئولان این حادثه مشخص و مورد محاکمه قرار گیرند.

نماینده بناب با اشاره به اینکه کارخانه ای مخرب و آلوده کننده محیط زیست که باید در مناطق کویری ساخته می شد در منطقه حاصلخیز بناب سر درآورده است تاکید کرد: باید تمام مسئولان وقت از جمله محیط زیست که مجوز تاسیس چنین بلای خانمان سوزی را داده اند محاکمه شوند.

اعزازی در پاسخ به اینکه چه اقداماتی از سوی مسئولان برای تعطیلی کاوه سودا و نیز جبران خسارات مردم منطقه صورت گرفته است گفت: به نظر می رسد جلسه درمانی آقایان تاکنون نتیجه ای در بر نداشته است!

سیل ناشی از شکستن حوضچه های پساب کاوه سودا وی یادآور شد: تخمین خسارات به این زودی امکانپذیر نیست چراکه علاوه بر خسارات مالی، آثار مخرب و جبران ناپذیر زیست محیطی و حتی بهداشتی که پساب های روان در منطقه روی مردم خواهد گذاشت به این زودی

ها نمایان نمی شود.

به دنبال این حادثه با تشکیل کارگروه های متعدد و اعزام کارشناسان به محل حادثه در نشست مدیریت پسماندهای استان که با حضور معاونت عمرانی استاندار آذربایجان شرقی برگزار شد قرار بود ظرف یک هفته خسارات برآورد شده و پرداخت شود.

همچنین مدیریت کارخانه کاوه سودا متعهد شده بود هر چه سریعتر ادامه طرح لوله گذاری به مسافت چهار کیلومتر تا دریاچه ارومیه را اجرا و نواقص موجود را برطرف کند که تاکنون هیچ کدام از آن ها اجرا نشده و روستاییان خسارت دیده از این حادثه از عدم اقدام جدی مسئولین به ستوه آمده اند. حسن پرمو باغدار خوشه مهری در گفتگو با خبرنگار مهر گفت: 4.5 هکتار باغ شامل دو هزار درخت آلوچه، گردو، آلبالو و 2 هزار مو تاکستان من در این حادثه کلاً تخریب شدند و علیرغم قول و وعده های مسئولین همچنان در بلا تکلیفی به سر می بریم. عضو شورای اسلامی روستای خوشه مهر نیز با اشاره به مشکلات ناشی از سیل اخیر گفت: طی هشت سال گذشته علیرغم این که با طومارهای متعدد خود، مسئولان را در جریان مشکلات زیست محیطی کارخانه کاوه سودا قرار دادیم ولی گوش شنوایی نبود که به درد مردم و روستاییان برسد.

پساب های خطرناک وارد مزارع کشاورزان شد اسماعیل شتابی افزود: بر اساس دستور سرکار خانم جوادی معاون رئیس جمهور و رئیس وقت سازمان حفاظت محیط زیست قرار شده بود ظرف چهارماه این واحد صنعتی تعطیل گردد ولی هنوز چهار سال از آن تاریخ گذشته و همچنان این کارخانه به فعالیت خود ادامه می دهد.

به گفته وی بیش از 500 هکتار از باغات و اراضی کشاورزی روستای خوشه مهر 100 در صد تخریب شده و در این مدت فقط مسئولان شهرستان قول دادند به زودی خسارات را برآورد و پرداخت خواهند شد که تاکنون چنین اتفاقی صورت نگرفته است و مسئولین همچنان بی تفاوت هستند.

شتابی تصریح کرد: طی 15 روز گذشته به دلیل نفوذ پساب کارخانه کاوه سودا به چاه های آب شرب رعب و وحشت بین اهالی وجود دارد و علیرغم ادعای مسئولین مبنی بر تعطیلی واحد تولیدی هم اینک پساب این واحد در حال سرریز بوده و از طریق صوفی جای پساب این واحد اهالی سایر روستاهای منطقه و خود بناب را نیز تهدید می کند.

روستاییان خسارت دیده منطقه آلوده را ترک می کنند عضو شورای اسلامی روستای خوشه مهر تاکید کرد: مردم هیچ رغبتی به ادامه حضور در روستا ندارند و صدها خانوار قصد مهاجرت از روستا را دارند.

محمد عزیزی ساکن روستای "ینگگی کند" خوشه مهر که منزلش بر اثر سیل پساب کارخانه تخریب شده بود گفت: دارای خانواده پنج نفری هستیم و در دو روز اول مقداری بیسکویت و تن ماهی و برنج دادند و قرار شد هر چه سریعتر در خصوص منزل تصمیم گیری کنند ولی بعد از دو هفته دیگر مسئولان را در روستا ندیدیم و هم اکنون نیز در چادر زندگی می کنیم و چشم به راه مساعدت مسئولان هستیم و هیچ سرپناهی جهت اسکان نداریم.

دهیار روستای ینگگی کند خوشه مهر نیز گفت: در جریان سیل اخیر 30 واحد مسکونی این روستا و بیش از 300 هکتار از اراضی این روستا دچار خسارت جدی و صد در صد شدند و همچنان نیز پساب این واحد صنعتی در حال سرریز می باشد که مسئولین علیرغم مشاهده خلاف آن را می گویند.

مصطفی جمشیدزاده افزود: اهالی این روستاها واقعاً مظلوم واقع شده اند و هیچ جواب قانع کننده ای به اهالی نمی دهند. این در حالی است که مدیران واحد صنعتی نه تنها هیچ دل جویی از اهالی و خسارت دیدگان نکردند بلکه روستاییان را نیز با پول تهدید کردند که بیاید به صورت توافقی مبالغی دریافت کنید والا در محاکم قضایی نمی توانید مطالبات خود را بگیرید.

روستاییان خسارت دیده در مقابل فرماندار بناب - اعتراض مردم خسارت دیده تاکنون به جایی نرسیده است وی تصریح کرد: در حادثه سیل اخیر ناشی از پساب کارخانه کاوه سودا تعداد کثیری از اهالی بیکار شده و برای امرار معاش بایستی در شهر سیگار فروشی کنند.

گزارش خبرنگار ما از مناطق سیل زده حاکی است در حالیکه هر روز اراضی آلوده ناشی از آثار پساب کارخانه کاوه سودا در منطقه افزایش می یابد اما تاکنون توان یا اراده برخورد با افراد خاطی در منطقه بوجود نیامده است!

زنان مهندس، کار ندارند

الناز محمدی

آمار اشتغال زنان در برخی رشته های مهندسی، بسیار پایین تر از تعداد دانش آموختگان زن آن رشته است. شاید زمان برگزاری انتخابات های ریاست جمهوری را باید بیشترین زمانی دانست که بیشترین شعارها در مورد وضعیت زنان و بهتر کردن وضعیت اشتغال زنان سر داده می شود. شعارهایی که حتی گاهی زیاد بودنشان و غیر قابل اجرا کردنشان عکس العملی جز تعجب ندارد. با اینکه درانتخابات سال پیش، محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور فعلی، جزء کاندیداهایی بود که کمترین شعار را در مورد زنان به زبان آورد، اما در حال حاضر جزء رئیس جمهورهایی است که پیشنهادهای و طرح های زیادی را در مورد زنان به زبان می آورد. شاید زیاد بودن همین طرح ها است که باعث شده حتی نمایندگان طرفدار او و مدیران دولتی به عملکرد دولت در حوزه زنان اعتراض کنند؛ به طوری که اعضای فراکسیون زنان در چند روز گذشته نسبت به بودجه اختصاص داده شده به حوزه زنان اعتراض کرده اند و می گویند که بودجه در نظر گرفته شده برای مرکز امور زنان و خانواده در لایحه بودجه سال

89 تقریباً مشابه سالهای گذشته است.

به گفته زهره الهیان، نماینده تهران، اعضای فراکسیون زنان در تلاشند تا اعتباری مستقل برای امور زنان استانداریها لحاظ شود، چرا که در بودجه امسال دولت اعتباری برای اداره کل امور زنان و مشاوران امور بانوان استانداریها در نظر گرفته نشده است. چاره اندیشی برای وضعیت اشتغال زنان

اما به غیر از این مسئله، روز گذشته معاون آموزش و پژوهش مرکز امور زنان و خانواده با اشاره به انجام پژوهشی در خصوص وضعیت شغلی زنان فارغالتحصیل برخی رشته های مهندسی، نسبت به وضعیت اشتغال زنان در کشور اعتراض کرده است. به گزارش ایسنا، زهرا سجادی گفته است که «برخی از حوزه های استخدامی نظر مثبتی نسبت به استخدام زنان در چنین مشاغلی ندارند، اما در بیشتر موارد، عدم تمایل خود این زنان، مانع اشتغالشان در مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی شان شده است.» او با اشاره به اینکه بالغ بر 60 درصد ورودی رشته های مهندسی در کشور را زنان تشکیل می دهند، گفت: «این درحالیست که آمار اشتغال زنان در برخی رشته های مهندسی، بسیار پایین تر از تعداد دانش آموختگان زن آن رشته است.»

این مقام مسئول در پایان از برگزاری جلسه مشترک مرکز امور زنان با وزارت علوم در این مورد در آینده نزدیک خبر داده است.

در چند سال گذشته، مطالعات متعددی در مورد تجزیه و تحلیل موقعیت زنان در سطوح منطقه ای، ملی، میزان اشتغال آنان و عوامل بازدارنده فعالیت زنان، نگرش ها و تمایلات زنان و نقش زنان در توسعه انجام شده است که سعی در آماده سازی افکار عمومی ملت ها، سیاستگذاران و برنامه ریزان جهت حل مشکلات مربوط به دستیابی زنان به اشتغال بیشتر را داشته است.

لیلی بروجردی، رئیس کمیته زنان و جوانان مجمع تشخیص مصلحت نظام در این مورد به خبر می گوید: «از آنجا که تصمیمات و اقدامات انجام شده در خصوص مسائل زنان در کشور با نوعی اعمال سلیقه و افراط و تفریط روبه رو بوده، ضروری است یک رویکرد مشخص مبنای عمل و تصمیمات دولت ها در آینده قرار گیرد.» او ادامه می دهد: «رویکردی که هویت مستقل و برابر زن را در اجتماع به رسمیت شناخته و همزمان هویتی تکاملی و تعادلی برای او در خانواده قائل باشد. بر این اساس رویکرد «تناسب در حقوق و وظایف زن و مرد در خانواده و تساوی حقوق و تکالیف زن و مرد در اجتماع» می تواند راهگشای چالش ها و پیچیدگی های تصمیم گیری و برنامه ریزی در این زمینه باشد.»
خبرآنلاین

تجمع اعتراضی کارگران مخابرات در مقابل مجلس ارتجاع اسلامی

به گزارش خبرگزاری حکومتی فارس در تاریخ 26 اردیبهشت آمده است: کارگران مخابرات صبح امروز در مقابل مجلس ارتجاع تجمع کردند. شماری از کارگران مخابرات به نمایندگی از طرف همه همکاران خود در سراسر کشور، صبح امروز یکشنبه بیست و شش اردیبهشت در مقابل مجلس ارتجاع اسلامی تجمع و خواستار دریافت حق و حقوق خود بر پایه سقف تعیین شده حقوق وزارت کار شدند. براساس این گزارش کارگران معترض اعلام کردند که سالهاست از سوی پیمانکار مخابرات به صورت قراردادی برای پست بانک، مخابرات و پست کار می کنند اما هنوز حقوق آنان به میزان قانون کار نیست و باید این رویه اصلاح شود.

تجمع کارگران مخابرات مقابل مجلس

سایت کلمه در تاریخ 26 اردیبهشت 89 آمده است: کارگران مخابرات صبح امروز در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

به گزارش فارس، شماری از کارگران مخابرات به نمایندگی از هم همکاران خود در سراسر کشور صبح امروز یکشنبه در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع و خواستار دریافت حق و حقوق خود بر پایه حقوق وزارت کار شده است.

براساس این گزارش این معترضین اعلام کرده اند که سالهاست از سوی پیمانکار مخابرات به صورت قراردادی برای پست بانک، مخابرات و پست کار می کنند اما هنوز حقوق آنان به میزان قانون کار نیست و باید این رویه اصلاح شود.

مرحله چهارم کمک های مالی کارگران سقز به کارگران اخراجی هفت تپه

به نوشته سایت کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در تاریخ 26 اردیبهشت 89 آمده است: در تاریخ 18/2/89 طی دو فیش جداگانه به شماره های 419401 و 419402 مبلغ 6870000 ریال به شماره حساب جاری 0302895180008 بنام علی نجاتی توسط محمود صالحی واریز شد.

اسامی کمک کننده ها:

1- سامان محمدی 1100000 ریال

2- نژاد محمدی 1100000 ریال

3- علی رحیمی 1100000 ریال

4- آرزیتا صالحی 1100000 ریال

5- آسو علی نژاد 1100000 ریال

6- خدر علی پور 430000 ریال

7- سید صالح حسینی 100000 ریال

8- جلال حسینی 100000 ریال

9- منصور محمدی 70000 ریال

10- مریم جواهری 100000 ریال

11- علی رحمانی 100000 ریال

12- اسماعیل نیازی 50000 ریال

13- پدram عبدی پور 20000 ریال

14- محمد عبدی پور 150000 ریال

15- لطیفه فیطاسی 50000 ریال

16- نجیبه صالح زاده 50000 ریال

17- محمود صالحی 150000 ریال

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

26 اردیبهشت 89

www.khamahangi.com

مرحله پنجم کمک های مالی کارگران سنندج به کارگران زندانی نیشکر هفت تپه

به نوشته سایت کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در اردیبهشت 89 آمده است : طی فیش شماره 659740 مبلغ 2/ 000/000 ریال در تاریخ 28/1/89 توسط کارگران شهر سنندج به حساب علی نجاتی واریز گردید .

همچنین در تاریخ 28/1/89 طی فیش شماره 659741 مبلغ پنجاه هزارریال توسط ناهید به شماره حساب اعلام شده توسط علی نجاتی ، برای کمک به کارگران هفت تپه واریز شد .

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

مرحله ششم کمک های مالی کارگران سنندج به کارگران اخراجی هفت تپه

به نوشته سایت کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در تاریخ 26 اردیبهشت 89 آمده است: در تاریخ 26/2/89 طی فیش شماره 951877، بانک ملی مبلغ دو میلیون ریال توسط کارگران سندج به شماره حساب جاری 0302895180008 بنام علی نجاتی، رئیس هیئت مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه واریز شد.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

26 اردیبهشت 89

www.khamahangi.com

فعال کارگری محمود صالحی در بیمارستان به سر می برد

آژانس ایران خبر در تاریخ 26 اردیبهشت 89 آمده است: محمود صالحی به دلیل بیماری و مشکلات جسمی در حال حاضر در تهران در بیمارستان بسر می برد، حمه عبدی از اعضای کمیته هماهنگی همچنان در زندان تحت بازداشت است. لازم به ذکر است اخیرا مامورین حکومتی برای دستگیری محمود صالحی، به خانه اش رفته و منزل ایشان را تحت محاصره کامل قرار داده بودند.

اعتراض کارگران صنایع فلزی به پرداخت نشدن مطالبات معوقه

به گزارش خبرگزاری کار ایران- ایلنا در تاریخ 26 اردیبهشت 89 آمده است: کارگران کارخانه صنایع فلزی(1) می گویند در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات معوقه خود از چهارشنبه گذشته تاکنون اعتصاب کرده اند. این کارگر در گفت وگو با ایلنا، گفت: 250 کارگر کارخانه صنایع فلزی(1) در چهارمین روز از اعتصاب خود در محوطه کارخانه تجمع کردند.

وی افزود: کارگران نزدیک به 6 ماه حقوق و مزایای پرداخت نشده از کارفرما طلب کار هستند. به گفته این کارگر، علاوه بر حقوق فروردین و اردیبهشت امسال، کارفرما بابت دستمزد ماه های تیر، خرداد، بهمن و اسفند سال 88 به کارگران مقروض است.

وی افزود: پیش از این کارفرما به منظور پایان دادن به وضع پیش آمده از کارگران خواسته بود تا تحمل شرایط کنونی به فعالیت خود ادامه دهند اما کارگران که امید خود را نسبت به پایان بحران و دریافت مطالبات خود از دست داده اند از چهارشنبه گذشته اعتراض خود را آغاز کردند. به گفته این کارگر در پی ادامه یافتن این حرکت اعتراضی، کارفرما با کارگران وارد گفت وگو شده است. کارخانه صنایع فلزی(1) در منطقه جاده قدیم کرج واقع است و در زمینه ساخت لوازم اداری و کانکس های فلزی فعالیت دارد.

خبر تکمیلی

ما کارگران خواهان کار و دستمزدهایمان هستیم

بنا بر گزارشهای رسیده از ایران در تاریخ 26 اردیبهشت آمده است: کارگران صنایع فلزی شماره یک(شرکت مصنوعات زرین تهران) که از چهارشنبه گذشته در اعتصاب بسر میبرند امروز 26 اردیبهشت ماه با تجمع در محوطه کارخانه و نصب دو پلاکارد بر روی نرده های کارخانه مشرف به خیابان صنایع فلزی، خواهان رسیدگی به مطالبات خود شدند. کارگران بر روی این پلاکاردها نوشته بودند: ما کارگران خواهان کار و دستمزدهایمان هستیم

کارگران صنایع فلزی شماره 1 دستمزدهای خرداد، تیر، بهمن و اسفند ماه سال گذشته و همچنین دستمزد فروردین و اردیبهشت ماه امسال خود را دریافت نکرده اند و این کارخانه مدتهاست با 20 درصد مواد اولیه مورد نیاز همیشگی خود مشغول تولید است.

بنا بر این گزارش پس از تجمع اعتراضی امروز کارگران صنایع فلزی شماره یک در محوطه کارخانه نماینده هایی از اداره کار اسلامشهر و پلیس امنیت در محل کارخانه حاضر شدند و با شرکت مدیر کارخانه و نماینده های کارگران حوالی ظهر جلسه ای تشکیل دادند. در این جلسه نماینده اداره کار از کارگران خواست تا دست به شکایت بزنند و در قبال دستمزدهای معوقه خود توقیف اموال کارخانه را بگیرند. که مورد موافقت نماینده های کارگران قرار نگرفت. سپس کارفرما اعلام کرد تا دو هفته آینده ریالی به کارگران پرداخت نخواهد کرد و پس از دو هفته، فقط دستمزد یکماه از مطالبات معوقه آنان را پرداخت خواهد نمود که این امر نیز مورد مخالفت نماینده های کارگران واقع شد.

بدنبال این وضعیت نماینده اداره کار اسلامشهر به میان کارگران آمد و تلاش نمود آنها را به پایان اعتصاب و صبر و تحمل تشویق کند که این امر خشم کارگران را برانگیخت و نماینده اداره کار با مشاهده خشم کارگران ناچار شد به صحبت‌های خود خاتمه داده و از میان کارگران برود.

بنا بر آخرین گزارش‌های رسیده؛ تجمع و کشمکش کارگران صنایع فلزی شماره یک با مدیریت و نماینده اداره کار و پلیس امنیت تا آخرین دقایق ساعت کاری ادامه داشت و کارگران حاضر به ترک کارخانه نبودند و میخواستند از خروج مدیریت نیز تا تعیین تکلیف خود از کارخانه جلوگیری کنند که نهایتاً حوالی ساعت 17 و در حالی که یک ساعت از ساعت پایانی کار میگذشت مدیر کارخانه اعلام کرد حاضر است با نماینده های کارگران در روز سه شنبه 28 اردیبهشت ماه به شورای تامین استانداری تهران جهت دریافت وام یک و نیم میلیارد تومانی که گویا از سال گذشته تصویب شده است مراجعه کند و از کارگران خواست روز سه شنبه به اعتصاب خود پایان دهند.

بدنبال این وعده و اظهارات از سوی مدیر کارخانه، کارگران ضمن موافقت جهت مراجعه به شورای تامین استانداری تهران اعلام کردند روز سه شنبه کار را شروع نخواهند کرد و تا روشن شدن تکلیف شان همچنان به اعتصاب خود ادامه خواهند داد.

لازم به یاد آوری است کارگران صنایع فلزی شماره یک فروردین ماه امسال نیز در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان دست به اعتصاب زده بودند که با وعده های کارفرما به اعتصاب خود پایان دادند.

رسیدگی به پرونده اختلاس و فساد مالی محمدرضا رحیمی، با حکم حکومتی خامنه ای متوقف شده

سایت جرس در تاریخ 26 اردیبهشت 89 آمده است: در حالی که روند رسیدگی به پرونده اختلاس و فساد مالی محمدرضا رحیمی، معاون اول و سخنگوی دولت محمود احمدی نژاد، با حکم حکومتی رهبر جمهوری اسلامی متوقف شده، خبرنگار جرس از قول منابع آگاه، به ابعاد دیگری از این فراز و نشیب دست یافت. ماه گذشته و در اوج بحث و جنجالی که پیرامون اظهارات رئیس قوه قضائیه و نمایندگان مجلس شورای اسلامی راجع به فساد مالی گسترده معاون اول احمدی نژاد و ضرورت تعقیب او ایجاد شده بود، احمدی نژاد نزد آقای خامنه ای رفته و شرعاً شهادت می دهد که "مبالغ یادشده تنها در راه انتخابات هزینه شده و هرگز به هیچ مصرف دیگری (شخصی یا خانوادگی) نرسیده است و باز کردن این پرونده، کل انتخابات را زیر سوال می برد؛" که آقای خامنه ای نیز با صدور حکمی حکومتی، دستور توقف و عدم پیگیری این پرونده را صادر می کند. طی یک ماه اخیر که پیگیری و بحث پیرامون این پرونده ملی به محاق رفته، خبرنگار جرس از قول منابع آگاه و موثق، پشت پرده های توقف رسیدگی به پرونده اختلاس معاون اول احمدی نژاد را چنین گزارش می دهد: "...زمانی که صادق لاریجانی رئیس قوه قضائیه، خبر برخورد قضائی با مفاسد اقتصادی دولت محمود احمدی نژاد را صادر کرد و توسط چند تن از نمایندگان مجلس، شاه مهره این پرونده فساد اقتصادی (محمدرضا رحیمی) معرفی شد، احمدی نژاد در جلسه هیأت دولت در پاسخ به صادق لاریجانی با ادبیات خاص خود می گوید: تو می خواهی معاون اول مرا دستگیر کنی؟! توصیه می کنم اول به پرونده برادرت (محمد جواد) رسیدگی کنی، بعد سراغ دولت بیانی."

این گزارش می افزاید: احمدی نژاد سپس برای وزیران کابینه توضیح داد که محمدجواد لاریجانی (برادر ارشد لاریجانی ها) که در حال حاضر معاون حقوق بشر قوه قضائیه می باشد، در ورامین و گرمسار، هزار هکتار زمین را در تملک گرفته پروژه های گسترده اقتصادی از قبیل پرورش گاو، شترمرغ، گوسفند و مرغ به راه انداخته است. گزارش خبرنگار جرس سپس به تبعات این تهدید و گروکشی احمدی نژاد اشاره کرده و خاطرنشان می کند "بعد از پاتک احمدی نژاد به لاریجانی، دو اتفاق مهم افتاد: اول، جواد لاریجانی برای حفاظت از پروژه های متعدد در دست اجرایش شروع به موضع گیری بسیار تند علیه میرحسین موسوی و مهدی کروبی و نیز حمایت شدید از احمدی نژاد کرد.

نتیجه دوم: رسیدگی به پرونده رحیمی عملاً متوقف شد؛ چرا که پس از دیدار صادق لاریجانی با خامنه ای، احمدی نژاد با رهبر ملاقات کرده به وی متذکر می شود: اولاً، پرونده رحیمی توسط حفاظت اطلاعات قوه قضائیه تشکیل شده و این نهاد غیرقانونی است! ثانیاً اگر پرونده رحیمی به جریان بیفتد، انتخابات زیر سؤال می رود، چون تمام مبالغ مورد بحث در پرونده رحیمی خرج انتخابات شده است. بالاخره احمدی نژاد، آقای خامنه ای را متقاعد می کند که با حکم حکومتی ولو موقتاً جلو رسیدگی به پرونده رحیمی را بگیرد."

خبرنگار جرس در تشریح ابعاد گسترده پرونده فساد مالی دولت محمود احمدی نژاد یادآوری می کند: "از نظر قاضی پرونده شصت میلیارد تومان اختلاس محرز است، اما این تنها کمتر از یک سوم حجم ادعاهای مطرح در پرونده است زیرا کل اتهام بالغ بر دویست میلیارد تومان است. برای پاسخگویی به شصت میلیون تومان اختلاس احرار شده محمدرضا رحیمی تا کنون چند بار به دادگاه احضار شده و به قاضی پاسخ داده است." گزارش مذکور در ادامه آورده است: "رحیمی حسابی بنام خودش (البته متفاوت با حساب شخصی اش) در یکی از بانکها دارد که برای تک تک ارقامش توجیه مشخصی دارد. او ریز مخارجی را که در انتخابات نهم برای احمدی نژاد و قبل از آن برای علی لاریجانی کرده، در اختیار قاضی قرار داده است. به گفته او اکثر این مبلغ در روستاها و شهرهای کوچک خرج انتخابات شده است. برای قاضی و در نتیجه قوه قضائیه محرز شده اختلاس جنبه

سازمانی دارد و پای خیلی از شخصیت‌های اصلی نظام از جمله شخص محمود احمدی نژاد و انتخابات ریاست جمهوری او در میان است. اکنون معنای حکم حکومتی آقای خامنه ای برای توقف موقت رسیدگی به پرونده فساد مالی رحیمی بیشتر مشخص می شود.

طی ده هفته ای که گذشت، ابتدائاً رئیس قوه قضائیه و سپس چند تن از نمایندگان اصولگرای مجلس همچون احمد توکلی، الیاس نادران و علی مطهری، ضمن مطرح کردن "کشف و شناسایی باند بزرگ مفاسد اقتصادی" و "شبهه های فساد مالی و اختلاس و زدو بند"، طبق اسناد و شواهدی شخص معاون اول رئیس دولت را از متهمین رده اول و سردسته این شبکه های فساد معرفی نموده و از عدم برخورد قضائی با وی، ابراز ناخرسندی کرده بودند. پیش تر از آن نیز، مدرک تحصیلی جعلی و عملکرد رحیمی در زمان ریاست بر دیوان محاسبات، مورد پرسش و مواخذه قرار گرفته بود که با حملات مقامات دولت به پرسش کنندگان و منتقدین روبرو شده بود.

نام گذاری روز اعدام فرزاد کمانگر به عنوان روز جهانی معلم

گروه معلمان صلح "GPT"، از سازمان یونسکو، خواسته است، تا روز 9 می، روز اعدام فرزاد کمانگر، معلم کرد، بعنوان روز جهانی معلم در سراسر جهان اعلام شود. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی نوروز تی وی در بیانیه گروه معلمان صلح آمده است: همانگونه که مستحضر هستید مدتهای زیادی روزنامه نگاران، نویسندگان و معلمان کشور ایران در معرض شدیدترین سرکوب و خشونت توسط حکومت جمهوری اسلامی قرار دارند. در روزهای گذشته یکی از معلمان کشور ایران که تنها به لحاظ عقیدتی مخالف حکومت جمهوری اسلامی بود به همراه 4 زندانی سیاسی دیگر پس از تحمل مدتها زندان و شکنجه در صبحگاه یکشنبه 9 می 2010 اعدام شد.

نام این معلم فرزاد کمانگر بود. او معلمی جوان بود که 12 سال از عمر خود را صرف تدریس در مناطق فقیر و محروم ایران کرد. او همواره بر رعایت حقوق بشر و پرهیز از خشونت و نیز توجه بیشتر به معیشت معلمان اصرار می کرد.

سازمان معلمان صلح "GPT"، در پایان بیانیه خود، در خواست کرده است که با توجه به اینکه نامگذاری بسیاری از روزهای سال در یونسکو بر اساس رویداد های مهم و مرتبط با عنوان همانروز است از شما تقاضا می کنیم روز جهانی معلم را در حمایت از آموزگار اعدام شده ایرانی از 5 اکتبر، سالروز صدور بیانیه به 9 می تغییر دهید. همچنین پیشنهاد می شود روز 9 می هر سال معلمان سراسر جهان با سفری نمادین به مناطق محروم دنیا و آموزش کودکان فقیر در این روز توجه جامعه جهانی را به آموزش مناسب به فقرا جلب کنند.

دو فعال زن که در خارج کشور به سر می برند، به سال ها زندان و شلاق محکوم شدند

به نوشته ایلنا در تاریخ 26 اردیبهشت آمده است: محمد مصطفایی وکیل دو تن از فعالان زن از برگزار ی دادگاه رسیدگی به اتهامات شادی صدر و محبوبه عباسقلی در روز 18 اردیبهشت ماه خیر داد. وی در گفت و گو با خبرگزاری حکومتی ایلنا، با بیان اینکه شادی صدر و محبوبه عباسقلی در خارج از کشور به سر می برند، اعلام کرد که این دادگاه بدون حضور آنها برگزار شد. به گفته وی اتهامات این دو نفر عبارت بود از: اقدام علیه امنیت کشور از طریق اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت عمومی، اختلال در نظم عمومی و تمرد در برابر مامورین. وکیل شادی صدر از حکم 5 سال حبس تعزیری به جهت اقدام علیه امنیت کشور و یکسال حبس تعزیری و تحمل 74 ضربه شلاق به جهت اختلال در نظم عمومی و تمرد در برابر ماموران دولت خبر داد.

وی افزود: محبوبه عباسقلی زاده هم به جهت اقدام علیه امنیت کشور به 2 سال حبس تعزیری و 6 ماه حبس تعزیری و تحمل 30 ضربه شلاق جهت اختلال در نظم عمومی محکوم شده است.

مصطفایی با بیان اینکه این حکم امروز در شعبه 26 بیدادگاه انقلاب اسلامی به وی ابلاغ شده است، افزود: بنده 20 روز مهلت دارم که اعتراض را به دادگاه ابلاغ کنم که به دلیل سنگینی احکام صادره، حتما اعتراض را اعلام خواهم کرد.

به گفته وی، دستگیری 33 نفر از فعالان زن در روز 13 اسفند سال 85 علت صدور این احکام بوده است. البته برخی از این افراد تبرئه شده و برخی دیگر نیز احکام تعلیقی داشته اند. ولی احکام صادره برای صدر و عباسقلی زاده از سنگین ترین احکام بوده است.

پزشک کرد در تبریز دستگیر شد

نیروهای امنیتی متین فتاحیان پزشک کرد ساکن تبریز را دستگیر کردند. به گزارش هرانا، متین فتاحیان طی هفته گذشته از سوی نیروهای امنیتی در تبریز دستگیر و به مکان نامعلومی منتقل شد. ماموران امنیتی در یورش به منزل شخصی این پزشک، ضمن تفتیش منزل می برخی از وسایل نامبرده را نیز ضبط و با خود بردند.

عضو کمیته هماهنگی شبکه یاری کودکان کار ایران در گفت و گو با ایلنا: وزارت رفاه در قبال خط فقر شانه خالی نکند

به گزارش خبرگزاری کار ایران- ایلنا در تاریخ 27 اردیبهشت 89 آمده است: عضو کمیته هماهنگی شبکه یاری کودکان کار ایران گفت: وزارت رفاه نباید از زیر بار مسئولیت خط فقر شانه خالی کند؛ چرا که خط فقر مقوله‌ای سیاسی نیست، بلکه اقتصادی است.

فاطمه قاسمزاده در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا، با اعلام اینکه متأسفانه به‌جای پذیرش خط فقر و وجود بیش از سه و نیم میلیون کودک کار و کودک خارج از چرخه تحصیل، این مسئله انکار می‌شود، تأکید کرد: در حال حاضر سازمان‌های متعدد حمایتی در کشور با موازی‌کاری و واگذاری مسئولیت‌ها به سازمان‌های دیگر، در حق قشر فقیر جامعه کوتاهی می‌کنند، به طوری که سازمان بهزیستی با بودجه اندک، بخشی از کودکان خیابانی را حمایت می‌کند و کودکان کار که اغلب از قشر فقیر جامعه هستند نیز فراموش می‌شوند.

او افزود: کاهش فقر و عوارض آن در کشور ما یا هر کشور دیگری از عهده سازمان‌های فعلی برنمی‌آید و وزارت کار، رفاه، بهداشت و بهزیستی نمی‌توانند با موازی‌کاری و مدیریت‌های چندپاره معضلات را ریشه‌کن کنند. عضو کمیته هماهنگی شبکه یاری کودکان کار ایران با طرح این مسئله که معضل فقر نیاز به عزم ملی دارد، خاطر نشان کرد: هزاران کودک در معرض آسیب در کشور وجود دارد که مجلس و کمیسیون‌های مربوطه باید تدبیر جدی برای آنها که آینده‌ساز مملکت هستند، ببندیشند.

به گفته قاسمزاده، با افزایش فقر در کشور آسیب‌های وارده به خانواده‌ها و کودکان آنها بیشتر می‌شود و تأثیر افزایش فقر بر روی گروه‌های کم‌درآمد بیشتر است؛ چرا که این افراد بیشتر در معرض آسیب هستند. قاسمزاده ادامه داد: فقر یک واقعیت است؛ حال هر چه مقامات مختلف به انکار آن بپردازند چه آن را تایید کنند، یک واقعیت بوده و جلوی دید اذهان عمومی است.

او با بیان اینکه خط فقر به ضرر مردم بوده و انکار آن بیشتر ضرر دارد، گفت: خط فقر مسئله سیاسی نبوده و تنها مختص ایران نیست که مسئولان به جای پذیرش، آن را انکار کنند.

عضو کمیته هماهنگی شبکه یاری کودکان کار ایران، یادآور شد: وزارت رفاه که در حال حاضر مجری قانون هدفمند کردن یارانه‌ها است، به جای تجزیه و تحلیل فقر از زیر بار مسئولیت در برابر این معضل شانه خالی می‌کند.

او گفت: حتی نبود آمار در مورد کودکان کار و خیابان یکی از نمودهای این غفلت‌ها بوده به طوری که آمار و ارقام مربوط به این قشر از جامعه با واقعیت‌های موجود مطابقت ندارد.

پایان پیام

مرکز آمار ایران: 24.7 درصد جوانان بیکار بودند

به گزارش خبرگزاری مهر در تاریخ 27 اردیبهشت 89 آمده است: بررسی نرخ بیکاری جوانان 15 تا 24 ساله نشان می‌دهد که در سال 88 حدود 24.7 درصد از فعالان این گروه سنی بیکار بودند.

گزارش مرکز آمار ایران از نتایج طرح آمارگیری از نیروی کار نشان می‌دهد که بررسی نرخ بیکاری افراد 10 ساله و بیشتر حاکی از آن است که طی سال گذشته 11/9 درصد از جمعیت فعال (شاغل و بیکار)، بیکار بوده‌اند. روند تغییرات این نرخ حاکی از آن است که این شاخص نسبت به سال 1387، 1/5 درصد افزایش داشته است.

در سال گذشته 38/9 درصد جمعیت در سن کار (10 ساله و بیشتر) از نظر اقتصادی فعال بوده‌اند؛ یعنی در گروه شاغلان یا بیکاران قرار گرفته‌اند. بررسی تغییرات نرخ مشارکت اقتصادی حاکی از آن است که این شاخص نسبت به سال 1387، 0/9 درصد افزایش یافته است.

بررسی نرخ بیکاری جوانان 15 تا 24 ساله نیز نشان می‌دهد که در سال 88 حدود 24.7 درصد از فعالان این گروه سنی بیکار بوده‌اند. همچنین، تغییرات نرخ بیکاری جوانان 15 تا 24 ساله نشان می‌دهد که این نرخ نسبت به سال 1387، 1/7 درصد افزایش پیدا کرده است.

بررسی سهم اشتغال ناقص بیانگر آن است که در سال 1388، 9/5 درصد جمعیت شاغل به دلایل اقتصادی (فصل غیرکاری، رکود کاری، پیدا نکردن کار با ساعت بیشتر و) کمتر از 44 ساعت در هفته کار کرده و آماده برای انجام کار اضافی بوده‌اند. این در حالی است که 41/4 درصد از شاغلین 15 ساله و بیشتر، بیش از 49 درصد در هفته کار کرده‌اند.

بررسی اشتغال در بخش‌های عمده اقتصادی نشان می‌دهد که در سال 1388، بخش خدمات با 47/4 درصد بیشترین سهم اشتغال را به خود اختصاص داده است. بخش‌های صنعت با 31/8 درصد و کشاورزی با 20/8 درصد در مراتب بعدی قرار دارند.

عضو کمیته پیگیری به ۲ سال محکوم شد

به گزارش هرانا، امیر خسرو دلیر ثانی عضو کمیته پیگیری دستگیری‌های خودسرانه، از سوی شعبه ۲۸ بیدادگاه انقلاب اسلامی به چهار سال زندان محکوم شد. امیر خسرو دلیر ثانی روز یکشنبه مورخ 26 اردیبهشت از زندان اوین جهت ابلاغ حکم به شعبه 28 بیدادگاه انقلاب اسلامی منتقل شد، تا حکم به وی ابلاغ شود.

اتهام دلیرثانی که در پی اعتراضات مردمی 6 دی ماه (عاشورا) بازداشت شده "اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرایم علیه امنیت کشور" عنوان شده است.

اظهاریات مدیر کل روابط عمومی شرکت مخابرات پس از تجمع دیروز کارگران مخابرات مقابل مجلس

مدیرکل روابط عمومی شرکت مخابرات در مورد عدم پرداخت حق بیمه کارگزاران دفاتر ارتباطی روستایی که منجر به تجمع این کارگزاران در مقابل مجلس شد گفت: پرداخت حق بیمه کارگزاران دفاتر خدمات ارتباطی روستایی در قانون بودجه سال 89 کشور آمده و دولت مکلف به پرداخت آن است. داوود زارعیان در گفتگو با خبرنگار مهر با اشاره به روند قانونی شدن بیمه کارگزاران دفاتر مخابرات روستایی گفت: این قانون ابتدا در صحن علنی مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید اما شورای نگهبان آن را تایید نکرد و بار دیگر از سوی نمایندگان مجلس مطرح و به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال شد که این مجمع با تصویب این قانون، دولت را موظف به پرداخت آن کرد.

وی گفت: اجرایی نشدن حق بیمه کارگزاران خدمات مخابراتی روستایی ارتباطی با شرکت مخابرات ایران که هم اکنون خصوصی شده است ندارد و دولت مکلف به پرداخت آن شده است. زارعیان با بیان اینکه دولت در بودجه امسال مبلغ 20 میلیارد تومان برای حق بیمه کارگزاران اختصاص داده است افزود: پرداخت این مبلغ توسط دولت به کارگزاران نیازمند تصویب آیین نامه در هیئت وزیران است. به گزارش مهر، شماری از کارگزاران مخابرات روستایی روز یکشنبه در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع و خواستار دریافت حق و حقوق خود و اجرایی شدن قانون بیمه کارگزاران روستایی شدند.

8 درصد تورم پشت درهای بانک مرکزی

خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 27 اردیبهشت 89 گزارش می دهد: درحالی که انتظار می رود با اجرای مصوبه جدید شورای پول و اعتبار 9 بانک خصوصی تبدیل به موسسه اعتباری شوند، کارشناسان پیش بینی می کنند که با اجرای این مصوبه به طور متوسط 8 درصد تورم ایجاد شود.

به گزارش خبرنگار ایلنا، شورای پول و اعتبار در اولین جلسه خود در سال جاری مصوبه ای را از تصویب گذراند که می توان گفت بانک های خصوصی برای ادامه کار با اما و اگر مواجه خواهند شد. اگرچه هدف اصلی این شورا افزایش توان تسهیلات دهی بانک ها است اما به نظر می رسد اگر بانک های خصوصی مورد تاکید این مصوبه نتوانند خواست شورای پول و اعتبار را برآورد کنند، ناچار باید تبدیل به موسسه اعتباری شوند. هرچند به نظر می رسد این تبدیل برای این بانک ها به نوعی فرار از تسهیلاتی که تبدیل به مطالبات معوق می شوند نیز امری مفید واقع شود.

ایجاد بانک خصوصی برای ایجاد زمینه رقابت بین بانک های دولتی و تبدیل بانک های دولتی به خصوصی نخستین بار در برنامه سوم توسعه مورد توجه قرار گرفت. از ورود اولین بانک خصوصی در سال 80 که به امضای مرحوم دکتر نوریخس رسمیت یافت 9 سال می گذرد. در این مدت به جز بانک های دولتی نظیر تجارت و ملت که در فرآیند خصوصی سازی، سهامشان واگذار شد، 11 بانک به عرصه بانک های کشور اضافه شد. هرچند که افزایش تعداد بانک های خصوصی به همراه فرآیند خصوصی سازی در نگاه اول مثبت به نظر می رسد اما واکاوی رویدادها و سیاست های 9 سال گذشته نظام بانک های خصوصی نشان می دهد که آنچه در نهایت موجب بروز مشکلات امروز سیستم بانکی و کاهش توان رقابت و تسهیلات دهی بانک ها شده، سیاست های متغیر بانک مرکزی در سال های اخیر بوده است.

از بنگاه های زودبازده تا...

با ورود اولین بانک های خصوصی به عرصه رقابت بانکی، بانک مرکزی تصمیمی برای افزایش تعداد بانک ها تا پایان برنامه سوم نداشت. تقاضای بسیاری برای تاسیس بانک خصوصی پشت درهای بانک مرکزی باقی ماند. مرحوم دکتر نوریخس در شرایط آن روزهای اقتصاد که فضای رقابت چندان باز نبود، خیلی تمایلی به افزایش تعداد بانک های خصوصی نداشت. با مرگ نابهنگام وی در سال 82 و جایگزینی ابراهیم شیبانی سیاست بانک مرکزی برای دو سال ادامه روند گذشته بود. اما با تغییر دولت که همزمان با تغییر سیاست های اقتصادی نیز بود، ناگهان درهای بانک مرکزی برای اعطای مجوز به درخواست هایی که انبار شده بود، باز شد و این چنین بود که هرروز يك بانک خصوصی در گوشه و کنار هر شهر شعبه زد و در عرض کمتر از 4 سال 8 بانک خصوصی متولد شدند. ورود بانک های خصوصی و اجرای طرحی که به طرح بنگاه های زودبازده معروف شد را به عنوان یکی از مهمترین رویداد های تاریخ اقتصاد دهه اخیر نامید چه آن که در کمتر از سه سال ناگهان حجم عظیمی از منابع بانک های دولتی و خصوصی تحت عنوان تسهیلات به طرح های زودبازده ای که وزارت کار تایید و روانه بانک ها می کرد، از بانک ها خارج شد. نتیجه اگرچه به روایتی انحراف 3،8 درصد به گفته وزیر سابق کار و 40 درصد انحراف به روایت آمارهای بانک مرکزی بود، اما آنچه در نهایت باقی ماند حجم عظیمی از مطالبات معوقی بود که هر سال سنگین تر از گذشته می شود.

لایحه ناکام

با تغییر مدیریت بانک مرکزی و جایگزینی طهماسب مظاهری، آنچه تحت عنوان اولین خواسته از رییس کل جدید مطرح بود، ادامه سیستم بی قید و بند اعطای تسهیلات بانکی بود. اما افزایش 3،5 برابری حجم نقدینگی، تورم بیش از 25 درصد و وضعیت قرمز برداشت بانک ها از ذخایر قانونی نزد بانک مرکزی سبب شد تا رییس کل تصمیم

به ارایه لایحه‌ای بگردد که در راهروهای مجلس باقی ماند. در نهایت حتی دفاع محکم و لابی‌های طهماسب مظاهری نیز نتوانست مجلس هفتم را برای رای به لایحه 15 هزار میلیارد تومانی که افزایش توان تسهیلات‌دهی بانک‌ها را هدف قرار داده بود، راضی کند. لایحه باقی ماند و مجلس هشتم روی کار آمد. رییس کل هم برکنار شد و رییس جدید این بار قصد احیای لایحه نداشت. اگرچه مشکلات همان مشکلات قدیمی بود اما بهمنی تنها طرح مسئله کرده بود. رکود و ناتوانی بانک‌ها به اعطای تسهیلات برخی از نمایندگان را برآن داشت که لایحه دولت را تبدیل به طرحی با مشخصات لایحه گذشته دولت کنند. اما حتی این تلاش هم نتیجه نداد تا سرانجام این بار شورای پول و اعتبار از درون سیستم بانکی به دنبال راه حل بگردد.

شورایی برای پول یا اعتبار با تصمیم اخیر بانک مرکزی، دو راه برای بانک‌هایی که نتوانند خواست شورای پول و اعتبار را برآورده کنند، باقی نمی‌ماند. یا باید ادغام شوند و تحت یک نام واحد به فعالیت در سیستم بانکی ادامه بدهند و یا تبدیل به موسسه اعتباری شوند. هر کدام از این راه حل‌ها تورمزا خواهد بود. با احتساب تورم حاصل از هدفمند کردن یارانه‌ها، می‌توان از امروز روزهای سختی را برای سیاستگذاران برج فیروزه‌ای میرداماد پیش‌بینی کرد. آیا محمود بهمنی باز هم می‌تواند هر ماه از کاهش نرخ تورم خبر بدهد؟

موج تازه مهاجرت پزشکان از ایران

خبرگزاری حکومتی ایلنا در تاریخ 28 اردیبهشت آمده است: نایب رئیس انجمن پزشکان عمومی کشور اعلام کرد: متأسفانه بسیاری از پزشکان که در آزمون دستیاری شرکت کرده و موفقیت حاصل نکرده‌اند، به دلیل بی‌اعتمادی به آزمون سال آینده و یا سخت‌تر شدن آن به سفارتخانه‌ها مراجعه کرده‌اند تا از کشور خارج شوند. مسعود مسلمی فرد افزود: اگر برای این دسته از پزشکان که به دنبال تحقق آرزوهای خود به خارج از کشور سفر می‌کنند برنامه‌ای نداشته باشیم ضربه سنگینی به نظام سلامت کشور وارد می‌شود؛ چرا که زحمات زیادی کشیده شده تا این گروه به درجه پزشکی عمومی رسیده‌اند.

وی ادامه داد: چرا پزشکان عمومی کشور تا این اندازه حریص برای گذراندن دوره تخصصی شده‌اند و چرا وضعیت پزشکان عمومی در کشور نابسامان است و شرایطی ایجاد شده تا پزشکان نخواهند دیگر در کسوت عمومی خدمت کنند؟! مسلمی فرد با اشاره به پیگیری مطالبات پزشکیانی که در آزمون دستیاری شرکت کرده بودند، گفت: نباید پزشکان عمومی کشور به دلایلی غیر از مسائل علمی آنچنان به آزمون دستیاری هجوم بیاورند که خود و خانواده‌هایشان را دچار نگرانی و چالش کنند.

نایب رئیس انجمن پزشکان عمومی کشور گفت: در همه جای دنیا پزشک عمومی نگرهبان سلامت در قالب پزشک خانواده است و از نظر علمی و مادی در امنیت بالایی قرار دارد و برای رفتن به مراحل بعدی تحصیلی یا از ابتدا مسیر تحصیلی آنها مشخص است یا در طرح پزشک خانواده کار می‌کنند و بر اساس امتیاز به تخصص روی می‌آورند. اما در ایران متأسفانه پزشکان عمومی بدون اینکه جایگاه خوبی برای آنها تعریف شده باشد، فعالیت کرده به طوری که در سال‌های اخیر دیگر کرسی‌های استادی در دانشگاه را نیز ندارند و ولع برای بازگرداندن آن، این چنین هجومی را به آزمون‌ها به وجود می‌آورد.

فریبرز رییس دانا: وزیر کار باید استعفاء کند و برود

عبدالرضا شیخ الاسلامی، وزیر کار و امور اجتماعی ایران می‌گوید که دولت نمی‌تواند برای همه شغل ایجاد کند.
۱۳۸۹/۰۲/۲۸

بهروز کارونی

معاون سرمایه انسانی و توسعه وزیر کار و امور اجتماعی اعلام کرده است که نرخ بیکاری در ایران در زمستان سال گذشته ۱۱ و ۹ دهم درصد بوده است. بر اساس این گزارش، نرخ بیکاری در زمستان سال گذشته نسبت به دوره مشابه در سال ۱۳۸۷، دو و شش دهم درصد افزایش داشته است.

در همین حال، عبدالرضا شیخ الاسلامی، وزیر کار و امور اجتماعی، گفت که دولت نمی‌تواند برای همه شغل ایجاد کند.

فریبرز رییس دانا، اقتصاددان در تهران، در گفت و گو با رادیو فردا نرخ بیکاری اعلام شده از سوی دولت محمود احمدی نژاد را نادرست می‌داند و در پاسخ به اظهارات وزیر کار ایران می‌گوید که وی باید استعفاء کند. رادیو فردا: آقای رییس دانا، آمار که در باره نرخ بیکاری ارائه می‌شود تا چه حد با واقعیت‌های جامعه ایران مطابقت دارد؟

فریبرز رییس دانا: من نرخ بیکاری را زمانی که می‌گفتند ۱۰ درصد است و یک رقمی می‌خواهد بشود، برآورد من آن زمان این بود که نرخ بیکاری دور و بر ۱۸ درصد است. برای اینکه روش محاسبه موجود را نادرست می‌دانستم.

اگر کمی با دیدگاه‌های جامعه‌شناسی کاربردی هم در شهر ظاهر شوید، در داخل محله‌ها، خیل عظیم بیکاران شهری را می‌بینید. در شهرهای کوچک مثلاً شهرهای ساحلی جنوب الان بروید می‌بینید که ساعت

۱۰ یازده صبح که اوج کار است، انبوه زیادی از جوانان کنار دریا نشستند و دارند با هم حرف می‌زنند یا در قهوه‌خانه‌ها نشستند در شهرهای مرکزی.

فریبرز رییس دانا، اقتصاددان

شماری از زنانی را که به دلیل بیکاری خانه‌دار شده بودند، به عنوان جمعیت غیرفعال به حساب می‌آوردند و در نتیجه به حساب فعالیت و شغل نمی‌آوردند. شمار زیادی از دانشجویان پشت کنکور را کماکان دانشجویان به حساب می‌آوردند. شمار زیادی از افغانی‌های ایرانی شده را به حساب نمی‌آوردند. از همه مهمتر اینکه اصلاً سربازان را در میان شاغلان به حساب می‌آوردند که خارج از استاندارد است. به اضافه دلایل دیگر. الان که گفته می‌شود بیکاری دوازده درصد شده نسبت به گذشته، آن رقم ۱۷.۸ یا ۱۸ درصد من باید نزدیک‌های ۲۰ درصد شده باشد.

اگر يك کمی با دیدگاه‌های جامعه‌شناسی کاربردی هم در شهر ظاهر شوید، در داخل محله‌ها، خیل عظیم بیکاران شهری را می‌بینید. در شهرهای کوچک مثلاً شهرهای ساحلی جنوب الان بروید می‌بینید که ساعت ۱۰ یازده صبح که اوج کار است، انبوه زیادی از جوانان کنار دریا نشستند و دارند با هم حرف می‌زنند یا در قهوه‌خانه‌ها نشستند در شهرهای مرکزی، یا در تهران در داخل محله‌ها به ویژه محله‌های کم‌درآمد، یا خانواده‌ها را می‌بینید که در آنها بیکاری فراوانی وجود دارد.

این در حالی است که برای طرح‌های اشتغال زای زود بازده هزینه‌های زیادی داده شده، نرخ بهره برای سرمایه‌گذاری‌های اعتباری، برای وام‌هایی که مشارکتی نیستند، وام‌های عقود مبادله‌ای اند، پائین آمده. مقدار زیادی سرمایه در اختیار سرمایه‌گذاران نوظهور خودمانی قرار گرفته و باز این بیکاری بالا رفته. شما به طرح‌بنگاه‌های زودبازده اشاره کردید. طی این همه‌سالی که می‌گذرد مطرح شده است که از لحاظ اقتصادی این طرح خوب بوده و چهار تا پنج درصد بیشتر انحراف نداشته و باعث اشتغال‌زایی شده. به نظر شما آیا این طرح موفقیت‌آمیز بوده؟

نه، چهار درصد فقط شوخی است. شمار زیادی از این وام‌ها رفت تبدیل شد به خرید پژو و سمند و اینها که مسافر کشی شود. شماری رفت بابت پرداخت قسط‌ها و بدهی‌های دیگر و یا رفت توی معاملات کوچک‌دلالتی و واسطه‌گی. این انحراف خیلی زیاد است.

پنج سال پیش محمود احمدی‌نژاد عنوان کرد که پول نفت را بر سر سفره همه خواهد آورد. در این پنج سال بارها در مورد ایجاد اشتغال برای مردم از سوی دولت‌مردان جمهوری اسلامی ایران، اعضای دولت محمود احمدی‌نژاد صحبت شد. وزیر کار جدید، عبدالرضا شیخ‌الاسلامی در گفت‌وگو با خبرنگاری مهر عنوان کرد که دولت نمی‌تواند برای همه شغل ایجاد کند. شما این اظهارات را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ ایشان اگر این اعتراف را دارد می‌کند، حتماً باید فردا برود استعفاء بدهد. برای اینکه برابر قانون اساسی دولت موظف است که کار ایجاد کند. وقتی ابراز عجز و ناتوانی می‌کند، می‌گوید نمی‌توانم وظیفه‌ام را به قانون اساسی انجام دهم، این یعنی اینکه دولت‌ها شکست خورده‌اند. برای اینکه نمی‌توانند به آنچه که میثاق مورد قبول عمومی است، یعنی قانون اساسی، پاسخ دهند.

به نظر من اظهار عجز نسبت به آنچه که قانون اساسی گفته یعنی تامین اجتماعی همگانی، آموزش رایگان برای همگان، تامین مسکن، اینها به منزله این است که قانون اساسی دارد نادیده گرفته می‌شود. و کسی هم نیست به آنها بگوید وقتی نمی‌توانی این قانون را اجرا کنی و دست کم در راستای هدف‌های این قانون حرکت کنی، باید رها کنی بگذاری بروی

وزیر راه و ترابری :

20 سال از صنایع دریایی عقب مانده‌ایم

ساخت راه‌آهن خرمشهر- شلمچه تا يك ماه دیگر تمام می‌شود

به گزارش خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران- ایسنا در تاریخ 28 اردیبهشت 89 آمده است : وزیر راه و ترابری با بیان این که 20 سال در صنایع دریایی عقب افتاده‌ایم، گفت: 300 نقطه موج شکن در بنادر صیادی و تجاری کوچک از خرمشهر تا چابهار مکان‌یابی شده که برای ساخت 40 نقطه به مبلغ 80 میلیارد تومان قرارداد امضا شده است .

به گزارش خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، حمید بهبهانی امروز با اشاره به وجود 11 بندر بزرگ در شمال و جنوب کشور اظهار کرد: با وجود این که در جهان رشد و توسعه در کنار سواحل صورت گرفته، متأسفانه ما با وجود سواحل طولانی از آب فراری بودیم و این اواخر پس از پیروزی انقلاب اسلامی در این بخش کارهایی انجام داده‌ایم .

وی افزود: با توجه به این که حمل و نقل دریایی ارزان‌ترین حمل و نقل است، هیچ استفاده‌ای در بخش بار و مسافر نکرده‌ایم که البته این کار باید توسط بخش خصوصی انجام شود. در این صورت 30 تا 40 درصد از ترافیک خطوط ساحلی از بین می‌رود .

بهبهانی بر ایجاد پایانه‌های مسافری و باری و همچنین ایجاد تعاونی‌های حمل و نقل تأکید کرد. وزیر راه و ترابری با بیان این‌که توسعه بنادر و سواحل دریای عمان یکی از دل‌مشغولی‌های مقام معظم رهبری است، گفت: بنادر چابهار و جاسک در شان کشور ما نیست؛ این در حالی است که بنادر ایران باید به هاب منطقه تبدیل شوند.

وی اظهار کرد: به زودی موج شکن بندر رجایی تکمیل می‌شود و لایروبی در این بندر انجام خواهد شد. وی با بیان این‌که تا دو سال قبل ایران نفت را به بندر فجیره امارات صادر می‌کرد و از آن جا به کشتی‌ها نفت رسانی می‌شد، گفت: هم اکنون پایانه‌های نفتی تشکیل شده که 20 درصد سوخت کشتی‌ها خلیج فارس را تأمین می‌کند و طبق برنامه پنجم توسعه به 50 درصد خواهد رسید.

او در مراسم افتتاح هجدهمین همایش ارگان‌های دریایی بر بومی کردن تکنولوژی جمع‌آوری نفت‌های نشت کرده در ایران تأکید کرد و گفت: حفظ تالاب‌ها و حفظ محیط زیست دریایی اهمیت دارد و با توجه به این‌که صاحب لاک‌پشت‌های دماغ عقابی هستیم که هر کدام 600 تا 700 کیلو وزن دارند، باید از این گونه محافظت شود و نسل آن‌ها کم نشود.

وی اظهار کرد: در منطقه شلمچه نیز وظیفه اصلی ما ساخت راه‌آهن خرمشهر به شلمچه است که تا یک ماه دیگر تمام می‌شود و در حال برنامه‌ریزی هستیم که این خط وارد قلمرو کشور عراق شود. در این راستا سه روز و سه شب با وزیر راه عراق مذاکره کردیم که بتوانیم شلمچه را به بصره متصل کنیم، اما در حالی که قرار است ما پول و اعتبار دهیم، آنان مقاومت کردند و عنوان کردند به وزیران کشورهای عربی قول داده‌ایم که به ایران وصل نشویم.

وزیر راه و ترابری درباره خروج شناورهای مغروق در رود اروند که اغلب آن‌ها مربوط به دوره‌ی جنگ تحمیلی است، گفت: با مشخص شدن خط مرزی تالوی در رودخانه اروند، شناورهای مغروق از آب بیرون کشیده می‌شوند. در این راستا طبق قوانین بین‌المللی باید با حضور دو کشور مرزگذاری و سپس کشتی‌ها خارج شود، اما طی سال‌های اخیر کشور عراق حاضر به چنین کاری نشد. هم اکنون وزارت امور خارجه این موضوع را پیگیری می‌کند و هر وقت وزارت امور خارجه اعلام کند، شناورهای مغروق را از آب خارج خواهیم کرد. به گفته وی اگر این شناورها از آب خارج کنیم، نقطه عمیق آب به سمت ایران افتاده و قسمتی از خاک ایران به کشور عراق می‌رود، لذا در این راستا منتظر اعلام وزارت امور خارجه هستیم.

انتهای پیام

اطلاعیه بازسازی سایت انجمن کارگری جمال چراغ ویسی

اردیبهشت ۱۳۸۹ - 18 می ۲۰۱۰ بدینوسیله به اطلاع عموم میرسانیم که سایت انجمن کارگری جمال چراغ ویسی مجدداً راه اندازی شد. با بوزش از تمامی علاقه مندان به خاطر وقفه چند ماهه، برای دریافت اخبار و گزارشات کارگری از طریق سایت انجمن... به آدرس زیر مراجعه کنید.

www.ijcwa.com

انجمن کارگری جمال چراغ ویسی

05.2010/18

تغییر حکم اعلام شده به سه فعال کارگری شهر مریوان

طبق گزارش ارسالی به کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری در 28 اردیبهشت آمده است : سه فعال کارگری شهر مریوان به اسامی سلام قادری ، خالد اسدی و آزاد حسینی که قبلاً هر کدام به 3 سال و 10 ماه زندان تعزیری از سوی دادگاه انقلاب شهر مریوان محکوم شده بودند ، در اعتراض به حکم صادره و ارسال آن به مراجع قضایی و تجدید نظر استان کردستان ، حکم نامبرده گان از طرف دادگاه تجدید نظر استان به 1 سال و 10 ماه زندان تعزیری تغییر و کاهش یافت و حکم به آنان ابلاغ گردید . طبق این گزارش ارسالی ، 1 سال زندان تعزیری به اتهام عضویت در یکی از گروه های ضد رژیم و عضویت در کمیته هماهنگی و 10 ماه دیگر آن به خاطر فعالیت تبلیغی علیه نظام بوده است .

ما اعضای کمیته هماهنگی دستگیری، بازداشت و تعقیب فعالین کارگری را محکوم کرده و خواستار پایان دادن به این دستگیری ها و آزادی تمامی فعالین کارگری در بند می باشیم .

گزارشی از شرکت نیرو رخس کردستان ، واقع در شهر سنندج

به نوشته سایت کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در تاریخ 28 اردیبهشت 89 آمده است : شرکت نیرو رخس واقع در شهر سنندج با ده سال سابقه و تعداد 45 نفر کارگر در دوشیفت کاری مشغول به فعالیت می باشد . این شرکت به بخش خصوصی تعلق داشته و عمده تولیدات آن سیم و ترانس برق می باشد ، با تولید پنج تن سیم در ماه و تحویل آن به مشتریان، متاسفانه کارگران این شرکت شش ماه حقوق و همچنین عیدی سال 88 را دریافت نکرده و در وضعیت فلاکت باری به سر میبرند. کارگران بارها به استانداری و اداره کار مراجعه کرده و نسبت به عدم پرداخت حقوق از طرف کارفرمای شرکت اعتراض کرده اند اما تا زمان ارسال این گزارش کسی پاسخگوی آنها نبوده و در هر اعتراض کارفرما با عنوان کردن این نکته که شما در تولید اخلال ایجاد می کنید، آنها را تهدید به اخراج کرده است .

همچنین در سال 87 نیز کارفرمای شرکت از پرداخت چند ماه حقوق وعیدی کارگران خودداری کرد که در این مورد نیز کارگران دست از کار کشیدند و خواستار پرداخت حقوق معوقه خود شدند . به دنبال این اعتراض، صاحب کارخانه تعدادی از کارگران را اخراج کرده و تعداد 12 نفر از کارگران زن را جایگزین آنها نمود. کارفرما از این کارگران تعهدی گرفت، مبنی بر اینکه در صورت به تعویق افتان حقوق ، حق اعتراض ندارند و در چنین شرایطی و با وجود بیکاری و اخراج سازی ، این کارگران را وادار به کار سخت با ساعات طولانی و قرارداد های موقت سفید امضاء نمود تا هر چه بیشتر آنها را استثمار کرده و سود بیشتری به چنگ آورد که متاسفانه با مراجعه کارگران به اداره کار و شکایت از کار فرما، هیچ حمایتی از آنها صورت نگرفت و تا به این زمان این کارگران نتوانسته اند برای دریافت حقوق معوقه خود کاری از پیش ببرند.

(گزارش ارسالی شده از طرف یکی از کارگران شرکت نیرو رخس کردستان)

اعتصاب کارگران کارخانه صنایع فلزی

به نوشته سایت کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در تاریخ 28 اردیبهشت 89 آمده است : زمان تأخیر در پرداخت دستمزدهای کارگران کارخانه صنایع فلزی از 6 ماه نیز بیشتر شد. نیم سال است که کارگران هیچ ریالی دستمزد دریافت نکرده اند و فشار فقر و گرسنگی و خطر آوارگی و از دست دادن کومه استیجاری مسکونی از همه سو آنان را و زنان و کودکانشان را در خود غرق کرده است. کارگران به کرات دست به اعتراض زده اند، در طول سال های اخیر به اشکال مختلف مبارزه روی نهاده اند، یک بار سرمایه دار مدیرعامل شرکت را با برنامه ریزی بسیار سنجیده به گروگان گرفته اند و به پاره ای کارهای دیگر دست زده اند. مبارزات کارگران به دلیل بی سازمانی، پراکندگی، بی افقی، تأثیرپذیری از سندیکالیسم و راه حل های رفرمیستی که نتیجه چندانی به بار نیاورده است، سرمایه داران همچنان با کمال قدرت و بسیار یکه تازانه حتی از پرداخت دستمزدهای معوقه نیم ساله کارگران دریغ می ورزند. در چنین وضعی کارگران باز هم در اعتراض به جنایات سرمایه داران، دست به اعتصاب زدند. 250 کارگر کارخانه شماره 1 این مجتمع از روز چهارشنبه 22 اردیبهشت چرخ کار و تولید را به طور کامل متوقف کرده اند و خواستار پرداخت هر چه سریع تر همه مطالبات معوقه خود شده اند. سرمایه دار شرکت مطابق معمول به دادن وعده و وعید روی آورده است تا شاید کارگران را به سر کار بازگرداند و روند تولید اضافه ارزش ها و افزایش سرمایه ها را از توقف باز دارد. صاحب کارخانه در همان حال سلاح تهدید و توسل به نیروی سرکوب را از نیام بیرون کشیده است. اما کارگران نه در مقابل وعده و وعید کارفرما و نه در برابر موج تهدیدات او حاضر به پایان اعتصاب و بازگشت به کار نشده اند.

گزارشی کوتاه از وضعیت اسفناک کارگران شرکت حمل و نقل خلیج فارس

به نوشته سایت کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در تاریخ 28 اردیبهشت 89 آمده است : در راستای هر چه عملی تر نمودن اصل 44 قانون اساسی در ایران ، چند سالی است که توزیع آرد به 512 نانوائی داخل شهر سنندج و حومه نیز به یک شرکت خصوصی بنام حمل و نقل خلیج فارس واگذار شده است که این شرکت نیز با دو کارخانه آرد فجر و فرزانه قرارداد بسته و توانسته فرصت شغلی برای 36 نفر ایجاد نماید .

شایان ذکر است که از این تعداد کارگر، 24 نفر از آنها بعنوان عمله و مایقی بصورت راننده در این شرکت مشغول بکار می باشند که متاسفانه حتی طبق قانون کار اعلام شده نیز به آنها حقوق پرداخت نمی شود . دریافتی این کارگران ماهانه 220 هزار تومان می باشد. این در حالی است که بر اساس مصوب اداره کار ، پایه حقوق در سال 1389 حدود 303 هزار تومان تعریف شده است. همچنین این حقوق تعریف شده از طرف اداره کار برای 8 ساعت کار می باشد، اما این کارگران، روزانه 10 ساعت متوالی کار می کنند و با داشتن کار سخت و امکان وقوع هر لحظه حادثه ، هیچ نوع بیمه (درمانی ، از کار افتادگی و ...) شامل حال آنها و خانواده هایشان نمی شود و حتی از ایام تعطیلی در هفته و یا ماه نیز برخوردار نیستند .

اخراج کارگران کارخانه زرین توسط اطلاعات دولت سرمایه

به نوشته سایت کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در تاریخ 28 اردیبهشت 89 آمده است: یک ماه پیش بود که 400 کارگر کارخانه زرین خراسان، در شهر مشهد، دست به تشکیل اجتماع زدند و تظاهرات اعتراضی راه انداختند. کارگران ماه ها بود که کار می کردند و هیچ ریالی دستمزد نمی گرفتند. فشار سهمگین گرسنگی و سفره بی نان فرزندان، آنان را به اعتراض کشاند. آن ها جمع شدند تا علیه این همه درندگی و ددمنشی سرمایه داران اعتراض کنند، تا بهای نیروی کار فروخته شده خویش در چند ماه پیش را مطالبه کنند. تا بگویند که از کوه عظیم ارزش هایی که تولید می کنند دستمزد ناچیزشان را می خواهند. کارگران به این خاطر جمع شدند و فریاد اعتراض سر دادند. اجتماع و تظاهرات کارگران مطابق معمول مورد هجوم نیروی سرکوب قرار گرفت و به هیچ نتیجه ای منتهی نشد. اما قوه قهریه و ماشین کشتار سرمایه به این حد نیز بسنده نکرد و دست از سر کارگران برنداشت. اطلاعات شهر مشهد از همان روز تک تک توده های کارگر را مورد تعقیب و تجسس و بازپرسی قرار داد. آنان را یکی یکی احضار کرد و مجبورشان ساخت تا کسانی را به عنوان نیروی محرک تظاهرات معرفی کنند. کارگران را زیر فشار نهاد تا همه چیز را وارونه بازگویند، دروغ های مطابق میل عمله و اکره سرمایه را علیه دوستان و همزنجیران خویش بر زبان رانند و به رسم معمول اعتراف کنند که تظاهراتشان نه زیر فشار بی نانی و گرسنگی و خطر مرگ فرزندان گرسنه و بدون دکتر و دارو بلکه بنا به خواست «مقدمین علیه امنیت» بوده است!! اداره اطلاعات به دنبال این ترفندها و برنامه ریزی های شوم کارگر کش سرانجام 15 کارگر را بیکار کرده و سایر کارگران را نیز تهدید نموده است که اگر در باره دستمزدهای پرداخت نشده خود سخنی بر زبان رانند حتماً اخراج و زندانی خواهند شد.

اعتصاب عمومی در کردستان و موضع طبقه کارگر

به نوشته سایت کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در تاریخ 28 اردیبهشت 89 آمده است: روز یکشنبه 19 اردیبهشت 1389، شیرین علم هولی، فرزاد کمانگر، علی حیدریان، فرهاد وکیلی و مهدی اسلامیان در زندان اوین به جوخه اعدام سپرده شدند. ما در همان روز بی درنگ نه تنها این اقدام جمهوری اسلامی بلکه به طور کلی مجازات اعدام را محکوم کردیم و همچنان بر این محکومیت پا می فشاریم.

هم چنین، ما حق اعتراض به این عمل ضدانسانی را برای خانواده های اعدام شدگان، مردم کردستان، تمام مردم ایران و به طور کلی تمام انسان ها در هر نقطه از جهان به رسمیت می شناسیم.

چهار تن از این اعدام شدگان از مردم کردستان بودند. اعتراض به کشتار کردها در میان مردم کردستان سابقه دیرینه ای دارد. آخرین نمونه این گونه اعتراض ها در سال 1384 روی داد که در جریان آن، به دنبال کشتار جوانی به نام شوانه سید قادر، ابتدا مردم مهاباد و سپس چند شهر دیگر کردستان دست به اعتراض و اعتصاب عمومی زدند. به طور کلی این احساس ستمکشانه و قابل همدردی در میان مردم کردستان وجود دارد که هر زمان حکومت های مرکزی خواسته اند برای اهداف سیاسی از جمله ایجاد رعب و وحشت برای بازداشتن مردم از پیگیری مطالباتشان دست به کشتار بزنند، افراد اقلیت های قومی به ویژه کردها را قربانی این اهداف کرده اند. از همین رو، پیش بینی می شد که مردم کردستان به اعدام های اخیر نیز واکنش نشان دهند. بر اساس همین پیش بینی بود که احزاب و سازمان های سیاسی کردستان مردم این منطقه را به اعتصاب عمومی در روز پنجشنبه 23 اردیبهشت 89 فراخواندند. این فراخوان با پاسخ مثبت مردم کردستان روبه رو شد و اکثریت مردم کوچه و بازار و خیابان در شهرهای کردستان مراکز کسب و کار خود را تعطیل کردند. تا آنجا که به اعتصاب عمومی به عنوان راهکار (تاکتیک) اعتراض به این اعدام ها مربوط می شود، همین پاسخ مثبت مردم از درست بودن اتخاذ این راهکار حکایت می کرد. به عبارت دیگر، اگر طبقه کارگرمتشکل و خودآگاه ایران یا در این مورد خاص کارگران کردستان قرار بود مردم را به اعتراض فراخواند باید همین راهکار را در پیش می گرفتند. تاکید بر این نکته حائز اهمیت است که در شرایط خاص کنونی، مردم معترض به دولت به راهکاری پاسخ مثبت می دهند که بتواند درعین بسیج بیشترین جمعیت معترضان حاوی کمترین هزینه برای آنان باشد. در این مورد خاص، می توان گفت که یک علت عدم شرکت فعال آن بخش از مزدبگیران که در بخش دولتی کار می کنند امکان اخراج و از دست رفتن شغل بود که در اوضاع کنونی برای کارگران حتی از محکومیت به زندان نیز هولناک تر است. اما عدم شرکت فعال این بخش از مردم و به طور کلی کارگران بخش های دولتی و خصوصی کردستان را فقط با این عامل نمی توان توضیح داد. چراکه اگر اعتصاب عمومی به صورتی واقعا عمومی و گسترده در این بخش ها نیز رخ می داد، دولت (و نیز کارفرمایان خصوصی) در مقابل عمل انجام شده قرار می گرفتند و نمی توانستند تمام پرسنل خود را اخراج یا حداقل از امکانات دولتی محروم کنند. به عنوان مثال، به رغم آن که امکان شناسایی رانندگان تاکسی اعتصاب کننده و محروم کردن آنان از امکانات دولتی از جمله بنزین با نرخ دولتی به راحتی برای دولت وجود دارد، رانندگان تاکسی در سنج به طور گسترده و فعالانه در این اعتصاب شرکت کردند. بنابراین، ضمن این که باید پذیرفت که اخراج و بیکاری و محکومیت به زندان به عنوان عوامل بازدارنده شرکت گسترده و فعالانه کارگران کردستان در این اعتصاب عمومی نقش داشته اند، اما عدم شرکت گسترده و فعالانه کارگران را نمی توان صرفاً با این عوامل توضیح داد و برای آن باید به جستجوی عوامل دیگر پرداخت.

به نظر ما، یک عامل مهم در این مورد کم رنگ بودن جنبه طبقاتی این اعتصاب به بهای پررنگ شدن جنبه های غیرکارگری و به طور خاص جنبه های رفرمیستی و ناسیونالیستی آن بود. از رفرمیسم و در این مورد خاص رفرمیسم چپ یا سرنگونی طلبانه شروع می کنیم. توضیح این نکته را با این پرسش آغاز می کنیم که اگر قرار

بود طبقه کارگر متشکل و خودآگاه در اعتراض به این اعدام‌ها فراخوان اعتصاب عمومی می‌داد، مردم را به طور مشخص حول کدام مطالبات به این اعتصاب فرامی‌خواند؟ پاسخ این پرسش را باید از خود رویدادی که اتفاق افتاده است بیرون کشید. واقعیت این است که اعدام شدگان کسانی بودند که می‌خواستند فعالیت سیاسی بکنند و این فعالیت - مستقل از دیدگاه ما درباره مضمون آن - حق مسلم آنان بود. اما مشکل آنان این بود که راه هر گونه فعالیت سیاسی به طور کامل بر آنان بسته شده بود. در مورد این نکته که آیا آنان به فعالیت نظامی برای براندازی حکومت رو آورده بودند یا نه با قطعیت نمی‌توان سخن گفت. چرا که در این مورد از یک سو قوه قضائیه جمهوری اسلامی با برگزاری دادگاه‌های چند دقیقه‌ای در پشت درهای بسته نه تنها کوچک‌ترین کمکی به توضیح این نکته و روشننگری افکار عمومی نکرده بلکه تا کنون چیزی جز ادعا و اتهام تحویل مردم نداده است و، از سوی دیگر، به گفته خانواده‌های اعدام شدگان و وکلایشان، اعدام شدگان به صراحت این اتهام را نپذیرفته‌اند. بگذریم از این که حتی اگر این اتهام صحت داشته باشد مسئولیت اجتماعی آن بازهم متوجه طرفی است که راه هر گونه فعالیت سیاسی مسالمت‌آمیز را بر شهروندان بسته و بدین سان آنان را به سوی فعالیت نظامی براندازانه سوق داده است. بنابراین، نخستین مطالبه‌ای که از تجزیه و تحلیل این اعدام‌ها بر می‌آید و طبقه کارگر باید آن را مطرح کند، آزادی فعالیت سیاسی مسالمت‌آمیز و ملزومات آن از جمله آزادی ایجاد هرگونه تشکل، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی زندانیان سیاسی، اعتصاب، تجمع، تظاهرات و نظایر آن‌ها است. مطالبه دوم از بررسی نحوه محاکمه اعدام شدگان نتیجه می‌شود. اعدام شدگان حق داشتند که از شرایط محاکمه عادلانه برخوردار شوند، حال آن که بر اساس قرائن و شواهدی که وکلای اعدام شدگان و خانواده‌های آنان اعلام کرده‌اند، حتی قوانین موجود و جاری در ایران از جمله وجود هیئت منصفه، علنی بودن محاکمه و ... در مورد اعدام شدگان رعایت نشده است، به طوری که حتی روند دادرسی آنان به طور کامل سپری نشده و پرونده‌های آنان هنوز در دست بررسی بوده است. بنابراین، دومین مطالبه‌ای که از بررسی این اعدام‌ها ناشی می‌شود و طبقه کارگر باید آن را طرح می‌کند، حق برخورداری تمام شهروندان از محاکمه عادلانه بر اساس هنجارهای حقوقی متعارف و رایج در دنیای متمدن کنونی است، دنیایی که اگرچه آن نیز سرمایه‌داری است و به این معنا بدور از هر گونه انسانیت و آکنده از زشتی و پلشتی و جنایت است اما به هر حال به یمن مبارزات تاریخی طبقات کارگرش، نسبت به جامعه ما که در آن انسان‌های ستمکش و محروم و سیه‌روز با مجازات‌هایی چون قطع دست و پا، سنگسار و شلاق رو به رویند، به تمدن انسانی نزدیک‌تر است. اما سومین و مهم‌ترین مطالبه‌ای که طبقه کارگر باید در این مورد خاص مردم را حول آن به اعتصاب عمومی فرا می‌خواند، لغو مجازات اعدام بود. برچیدن بساط مجازات اعدام اکنون به درستی به یکی از مطالبات پایه‌ای اکثریت مردم ایران تبدیل شده است و طبقه کارگر باید در برافراشتن پرچم این مطالبه نیز پیشتاز و پیشرو باشد، چرا که مجازات اعدام چیزی نیست جز قتل عامدانه و سازمان‌یافته‌ای که فقط و فقط به دو برابر شدن کشتار و خون‌ریزی می‌انجامد و هیچ‌گونه قرائن و شواهدی در دست نیست که نشان دهد اجرای این مجازات به کاهش جرم منجر شده است. عامل دیگری که الغای مجازات اعدام را به یکی از مطالبات مهم طبقه کارگر ایران تبدیل کرده این است که این امر مانع آن می‌شود که دولت‌های سرمایه‌داری از آن به عنوان عاملی برای ایجاد رعب و وحشت در جهت بازداشتن کارگران از طرح و پیگیری مطالبات آزادی خواهانه و عدالت طلبانه شان استفاده کنند. و سرانجام نکته آخری که لازم است در مورد مطالبه لغو مجازات اعدام بگوییم این است که بین این مطالبه و مطالبه توقف اجرای احکام اعدام تفاوت بسیار وجود دارد. تقلیل و فروکاستن مطالبه الغای مجازات اعدام به توقف اجرای احکام اعدام، که در برخی از فراخوان‌های اعتصاب عمومی دیده می‌شود، به هر حال به معنای تایید مجازات اعدام است، حال آن که مطالبه طبقه کارگر ایران نه فقط توقف اجرای احکام اعدام بلکه، و مهم‌تر از آن، برچیدن کل بساط مجازات اعدام و سپردن آن به موزه‌های تاریخ است. اینجا جای بسط و تفصیل این نکته نیست که چرا مجازات اعدام - و نه توقف اجرای احکام اعدام - یکی از مطالبات پایه‌ای و ضدسرمایه‌داری طبقه کارگر ایران است. از این رو، این نکته را در مقاله جداگانه‌ای، که به پیوست آمده است، توضیح داده ایم.

نمی‌توان گفت که این مطالبات یا دست کم برخی از آنان در فراخوان‌های احزاب و سازمان‌های سیاسی مطرح نشدند. اما تمام سخن بر سر این است که حتی در مواردی که این مطالبات در فراخوان‌ها مطرح شدند، آن‌ها در میان جار و جنجال‌ها و هیاهوهای سرنگونی طلبانه رفرمیستی و دادن «پاسخ قاطعانه» به رژیم گم‌شدند و به گوش کارگران نرسیدند. یک وجه مشخصه این فراخوان‌ها همین رژیم ستیزی و سرنگونی طلبی فراطبقاتی بود که نه تنها هیچ ربطی به مبارزه طبقاتی و ضدسرمایه‌داری طبقه کارگر ندارد، بلکه به علت ماهیت صرفاً ضدرژیمی و رفرمیستی‌اش از جمله عوامل به بیراهه کشیده شدن مبارزات کارگران است. بی تردید، مبارزه طبقه کارگر باید با چشم انداز ضدسرمایه‌داری و لغو کار مزدی از طریق کسب قدرت سیاسی توسط شوراهای انقلابی کارگران صورت گیرد. اما با همین قطعیت باید گفت که کسب قدرت سیاسی فقط در حالتی به سود طبقه کارگر است که اولاً توسط توده‌های کارگر متشکل در شوراهای انقلابی انجام گیرد و، ثانیاً، از موضع ستیز با رابطه اجتماعی سرمایه و برای الغای کارمزدی باشد. بنابراین، مبارزه طبقه کارگر به هیچ وجه ابتدا به ساکن مبارزه‌ای سرنگونی طلبانه نیست و کارگران صرفاً از طرح مطالبات جاری (و البته ضدسرمایه‌داری) خود عزیمت می‌کنند، مطالباتی که تحقق آن‌ها توان مادی و معنوی طبقه کارگر را برای تحقق چشم انداز فوق فراهم می‌کند. بدین سان، حتی در صورتی که برای پیشروان و فعالان طبقه کارگر روشن و معلوم باشد که تحقق این مطالبات در گرو کنارزدن حاکمیت کنونی است، بازهم ضرورت اتخاذ راهبرد جنبشی برای متحد و متشکل شدن توده‌های کارگر با هدف رهایی آنان به نیروی خود ایجاد می‌کند که این پیشروان و فعالان نه از سرنگونی طلبی برای کسب قدرت سیاسی بلکه از مبارزه برای تحقق مطالبات جاری طبقه کارگر با دورنمای از میان برداشتن

سرمایه داری عزیمت کنند، مگر آن که مسئله این فعالان کارگری (و طبعاً احزاب همسو با آنان) نه رهایی طبقه کارگر به نیروی خود بلکه صرفاً کسب قدرت سیاسی برای اداره همان نظام سرمایه داری در شکلی دیگر باشد.

اما سرنگونی طلبی فراطبقاتی تنها وجه مشخصه این فراخوان ها نبود. در برخی از فراخوان ها و تبلیغات رسانه ای مربوط به آن ها گرایش کاملاً ارتجاعی، سرمایه دارانه و ضدکارگری حاکم بود و آن همانا ناسیونالیسم بود. بوی گند و تعفن ناسیونالیسم در برخی از فراخوان ها و تبلیغات حول و حوش آن ها کار را به آنجا کشانده بود که تبلیغات ماهواره ای این جریان ها حتی تصویر مهدی اسلامیان را - که کرد نبود - سیاه کرده بودند و تنها از اعدام چهار نفر سخن می گفتند، گویی اعدام انسان های غیرکرد ایراد و اشکالی ندارد و نباید به آن اعتراض کرد. این گرایش یکسره ارتجاعی و ناسیونالیستی و ضدکارگری به ویژه در حزب پ.ک.ک در کردستان ترکیه به چشم می خورد که در راه پیمایی اعتراضی خود به سوی مرز ایران و ترکیه تصویر مهدی اسلامیان را به طور کامل از پلاکاردهای خود حذف کرده بود. اما این ناسیونالیسم به جریان های ارتجاعی چون پ.ک.ک و پژاک محدود نمی شد و به درجات کمتری در بسیاری از احزاب و سازمان های سیاسی کردستان ایران نیز به چشم می خورد، احزاب و سازمان هایی که دقیقاً به علت ماهیت سرمایه دارانه شان سرنوشت سیاسی خود را به جناحی از نمایندگان طبقه سرمایه دار ایران یعنی «اصلاح طلبان» حکومتی گره زده اند. به این معنا، می توان گفت که رفرمیسم و ناسیونالیسم این احزاب و سازمان ها در واقع دو روی یک سکه است و نمی توان آن ها را از هم جدا کرد. به سخن دیگر، همان گونه که نقد ناسیونالیسم اینان بدون افشای «اصلاح طلبی» شان نقدی الکن و ناپیگیر است، نقد اصلاح طلبی سرمایه دارانه آنان نیز بدون حمله به ناسیونالیسم شان نشان می دهد که منتقد در نقد ناسیونالیسم ناپیگیر است و خود او نیز به این گرایش آشکارا سرمایه دارانه آغشته و آلوده است.

بدین سان و به عنوان نتیجه گیری این بحث اعلام می کنیم که ما ضمن استقبال از راهکار اعتصاب عمومی برای شرایط کنونی جنبش اعتراضی مردم ایران، تعمیم و سراسری شدن آن را در گرو مبارزه با رفرمیسم و ناسیونالیسم از طریق برافراشته شدن پرچم منشور مطالبات پایه ای و ضدسرمایه داری طبقه کارگر ایران توسط شوراهای کارگری می دانیم.

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

28 اردیبهشت 1389

متن زیر طوماری است که به ابتکار ژنرال اپینال واقع در 380 کیلومتری شرق پاریس تهیه شده است و در میان اتحادیه های مختلف ژنرال در سراسر فرانسه پخش شده و در حال امضا می باشد.

همبستگی با فعالان سندیکائی و کارگران ایران دولت ایران از سازمان بین المللی کار باید اخراج شود!

نزدیک یک سال است که کارگران و اکثریت مردم ایران با رژیم دیکتاتوری مبارزه می کنند. هزاران تظاهر کننده و فعال دستگیر و غالباً شکنجه شده اند. آنها برای سرنگونی رژیم و نیز برای دست یابی به حقوق سندیکائی مبارزه می کنند. این حرکت به ایجاد سندیکاهای زیرزمینی و نیمه قانونی مانند سندیکای حمل و نقل عمومی تهران منجر شده است.

مقامات می خواهند این جنبش دموکراتیک را درهم بشکنند.

در تاریخ نهم می امسال مقامات رژیم اسلامی ایران 5 مبارز به نام های علی حیدریان، فرهاد وکیلی، شیرین علم هولی و مهدی اسلامیان و نیز فرزاد کمانگر سخنگوی سابق سندیکای آموزگاران فنی کردستان و عضو انجمن دفاع از حقوق بشر را اعدام کردند.

این فعالان وحشیانه ترین شکنجه ها را تحمل کردند و در دادگاه های فرمایشی محاکمه شدند.

هدف رژیم از اعدام آنها ارباب توده های مردم بود اما این استراتژی خونین مؤثر واقع نشد.

روز 13 مه چندین سازمان زیرزمینی برای اعتراض به اعدام ها و جلوگیری از اعدام 20 مبارز دیگر فراخوان به اعتصاب عمومی در کردستان دادند.

این فراخوان به اعتصاب، به رغم برقراری حکومت نظامی توسط رژیم، با موفقیت بزرگی در شهرهای مختلف این استان روبرو شد.

نیروهای انتظامی دیکتاتوری حاکم کوشیدند مانع اعتصاب و تظاهرات گردند و درگیری هائی در برخی شهرها به وجود آمد. بسیاری از ادارات، مدارس و دانشگاه های استان بسته بودند و اکثریت کسبه نیز به فراخوان پاسخ مثبت دادند. این حرکت، عدم مشروعیت رژیم را نزد کارگران و اکثریت مردم ایران و نیز وسعت اعتراض آنها را نسبت به خشونت رژیم به نمایش گذارد.

همبستگی بین المللی

اما بار پیکار برای احترام به آزادی های دموکراتیک و سندیکائی در ایران نباید تنها بر دوش رفقای ایرانی ما باشد. ارزیابی ما این است که سازمان های سندیکائی فرانسوی و بین المللی باید به این مبارزه بپیوندند و یک همبستگی یکپارچه بین المللی را به پیش برند. روز دوم ژوئن کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار در ژنو بازگشایی خواهد شد. تشکل های کارگری مستقل ایران سال ها است از سازمان جهانی کار می خواهند که دولت ایران از لیست دول شرکت کننده در این نهاد بین المللی اخراج شود. چگونه می توان پذیرفت دولتی که آزادی های سندیکائی را به رسمیت نمی شناسد، دولتی که فعالان سندیکائی را می کشد و مورد تجاوز و شکنجه قرار می دهد بتواند در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار شرکت کند؟

ما سازمان های سندیکائی از نمایندگان خود در سازمان بین المللی کار می خواهیم مصرانه خواستار اخراج دولت دیکتاتوری ایران از این نهاد بین المللی باشیم.

سازمان های سندیکائی امضا کننده

فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل خواستار آزادی فوری منصوراسانلو شد

فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل با انتشار بیانیه ای خواستار آزادی فوری و بی قیدوشرط منصور اسانلو، رئیس سندیکای اتوبوسرانی تهران شد. به گزارش رادیو فردا این فدراسیون با اشاره به انتقال منصور اسانلو به بند معتادان و سپس به بند اطلاعات زندان رجایی شهر، افزوده که آقای اسانلو تحت فشارهای جسمی و روحی شدیدی قرار دارد. فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل، با توجه به وضعیت جسمانی آقای اسانلو ضمن محکوم کردن آنچه که توطئه های اخیر علیه وی خوانده، از تمام سازمانها و تشکلهای کارگری خواسته که برای آزادی فوری و بی قید و شرط آقای اسانلو همصدا شوند.

گزارشی از کارخانه ایری پارس در رشت

به نوشته سایت کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری از قول فعالان ضد سرمایه داری گیلان در تاریخ اردیبهشت 89 آمده است: کارخانه ایری پارس واقع در شهر صنعتی رشت، که تا چندی پیش به تولید ماشین آلات کشاورزی و قرقره های فلزی کابل های سیمی مشغول بود، تعطیل شده است. سرمایه دار صاحب کارخانه اصغر وهابی است. همسر وی رژین نجد حسینی مدیر کارخانه است. 19 نفر از کارگران قراردادی کارخانه اخراج و جهت دریافت بیمه بیکاری به اداره کار معرفی شده اند. در حال حاضر 10 نفر از کارگران که استخدام رسمی هستند در کارخانه باقی مانده اند که از 7 صبح به کارخانه می روند و تا یک بعد از ظهر در آنجا بلا تکلیف هستند. این کارگران از اول فروردین امسال تا کنون دستمزدی نگرفته اند. اصغر وهابی ضد کارگر در گذشته با زدن یک تابلو در زمینی خالی با ترفند و باند بازی توانست وامی 10 میلیارد تومانی جهت ایجاد کارخانه ای به نام «راد کابل شمال پارس» دریافت کند. این زمین جنب زمین تامین اجتماعی شماره 3 در شهر صنعتی رشت قرار دارد. وی همچنین بابت راه اندازی ایری پارس از بانک کشاورزی رشت وام میلیاردی گرفته که هنوز بازپرداخت نکرده است. کارگران پی برده اند که وی قصد دارد از ایران فرار کند و در آینده نه چندان دور کارگران می مانند با این کارخانه ورشکسته و صاحب فراری آن که مطالبات آنان را پرداخت نکرده و کارگران دیگر دستشان به او نخواهد رسید. خواسته کارگران این است که وهابی تا زمانی که مطالبات کارگران را پرداخت نکرده ممنوع الخروج شود تا شاید به این ترتیب به سرنوشت کارگران اخراجی دیگر کارخانجات ورشکسته گیلان دچار نشوند. اما کارگران باید بدانند که مشکل آن ها با ممنوع الخروج شدن سرمایه دار صاحب کارخانه حل نمی شود. او حتی اگر ممنوع الخروج شود، همان طور که با زدو بند و رشوه توانسته وام های چند میلیاردی بگیرد به همان ترتیب هم خواهد توانست مشکل ممنوع الخروجی اش را حل کند. کارگران برای گرفتن مطالباتشان باید به نیروی خودشان تکیه کنند. تمام آن کارخانه و وسایل و تجهیزات و تولیدات آن حاصل کار کارگران است. کارگران چرا به جای متوسل شدن به این یا آن نهاد دولتی برای ممنوع الخروج کردن سرمایه دار صاحب کارخانه می توانند با تصرف کارخانه جلوی تعطیل آن را بگیرند و با راه اندازی دوباره کارخانه نه تنها به مطالبات معوقه خود برسند، بلکه با اداره آن توسط شورای ضد سرمایه داری و فشار به دولت برای تهیه مواد اولیه و دیگر امکانات تولید خود و خانواده های خویش را از بیکاری و گرسنگی برهانند.

سالهای دور از خودکفایی برنج !/

عضو هیات مدیره انجمن برنج کشور :

تولید برنج تا ۱۵ درصد افزایش می یابد به واردات هم نیازی نیست

به گزارش خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران- ایسنا در تاریخ 28 اردیبهشت 89 آمده است: عضو هیات مدیره انجمن برنج کشور، سطح زیرکشت برنج در سال جاری را با اندکی تفاوت نسبت به سال گذشته حدود 238 هزار

هکتار ذکر کرد و گفت: با توجه به مساعد بودن شرایط اقلیمی پیش‌بینی می‌کنیم امسال هشت تا 15 درصد افزایش تولید برنج نسبت به سال قبل داشته باشیم اما امسال هم به خود کفایی برنج دست نمی‌یابیم .

غلامعلی قربانی در گفت‌وگو با خبرنگار کشاورزی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) تأکید کرد: برای رسیدن به خود کفایی در تولید برنج طی چهار تا پنج سال آینده به اهرم‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیازمندیم. وی با تأکید بر ضرورت تسطیح زمین‌های زراعی به عنوان یکی از راه‌های رسیدن به خود کفایی در برنج ادامه داد: اگر در مورد تجهیز شالیزارها تا کنون کاری انجام شده باید برای رسیدن به خود کفایی برنج در سریع‌ترین زمان، این کارها مضاعف شود ضمن اینکه کوچک شدن زمین‌های زراعی برنج به دلیل بحث ارث مانع دیگری در راه رسیدن به خود کفایی برنج محسوب می‌شود که در این زمینه نیز نیازمند قانون مجلس هستیم .

قربانی با اشاره به اینکه کشاورزان نیز باید با همکاری دولت برای قابل رقابت کردن محصول برنج کشورمان با برنج‌های ارزان قیمت وارداتی تلاش کنند، ادامه داد: چنانچه ذائقه مردم به برنج‌های وارداتی عادت کند، تغییر این ذائقه کار بسیار دشواری است ضمن اینکه برنج ایرانی یکی از سالمترین برنج‌های دنیاست که باید روی عادت دادن ذائقه مردم به مصرف برنج‌های ایرانی کار گسترده‌ای انجام شود .

عضو انجمن برنج کشور تأکید کرد: اگر مقداری در واردات برنج به کشور مراعات شده و این واردات در حد نیاز کشور انجام شود به طور حتم مردم کشورمان از تولید داخلی استقبال می‌کنند ضمن اینکه سلامت آنها نیز تضمین می‌شود. به گفته قربانی برای نگهداری برنج‌های وارداتی که مدت بسیاری داخل انبار می‌ماند انواع سموم استفاده می‌شود ضمن اینکه در این مدت انواع بوها را نیز به خود گرفته و به همین دلیل سلامت مردم را به خطر می‌اندازد .

عضو انجمن برنج کشور با درخواست از مسئولین برای تجدید نظر در واردات برنج، گفت: چنانچه از کشاورزان داخلی حمایت شود به طور حتم حداکثر تا چهار سال آینده تولید بسیار مطلوبی خواهیم داشت و مردم نیز از این تولید استقبال شایسته‌ای می‌کنند. قربانی از ایجاد یک کانون برنج در مرکز تحقیقات برنج خبرداد و در ادامه ضمن اینکه مصرف سرانه برنج را در کشور 36 کیلوگرم دانست، افزود: ما اعتقاد داریم نیاز کشور به واردات برنج 350 تا 400 هزار تن است که البته با توجه به واردات بی‌رویه‌ای که سال‌های گذشته در مورد برنج صورت گرفته از نظر ما امسال به هیچ وجه نیازی به واردات برنج نیست چرا که هنوز از واردات سال‌های قبل در انبارها موجود است .

انتهای پیام

تحصن و اعتصاب دهها روزنامه نگار ایرانی در پاریس

به گزارش رادیو فرانسه در تاریخ 28 اردیبهشت آمده است: جمعی از روزنامه نگاران ایرانی ساکن پاریس با انتشار فراخوانی خواستار برگزاری یک تحصن اعتراضی علیه اعدام‌ها در جمهوری اسلامی ایران گردیدند. به گزارش منابع خبری ایرانی، روزنامه نگاران در بیانیه‌ی خود در باره آغاز تحصن از جمله می‌نویسند: با انتشار خبر تلخ و ناباورانه اعدام فرزاد کمانگر، فرهاد و کیلی، علی حیدریان، شیرین علم‌هولی، مهدی اسلامیان در ایران که به گفته آگاهان و فعالان دلسوز، بدور از انصاف و در عدم رعایت استانداردهای حقوق بشر، در داخل کشور موج تازه‌ای از نارضایتی را در بین مردم رقم زد، ما جمعی از فعالان سیاسی مدنی از طیف‌های مختلف فکری که در ماه‌های اخیر و پس از رویدادهای انتخاباتی مجبور به جلاک وطن شده‌ایم، ضمن حمایت از مبارزات حق طلبانه و آزادی خواهانه مردم ایران و محکومیت رفتارهای نسنجیده و ضد بشری حاکمیت، بار دیگر در همدردی با خانواده‌های زندانیان سیاسی و جانب‌خاستگان اعدام‌های اخیر و همراهی با جنبش سبز مردم ایران، قصد داریم در حرکتی مدنی، اعتراض خود را نسبت به ادامه روند ناعادلانه قضائی در داخل کشور اعلام کرده و همگان را نسبت به شرایط حاکم بر میهنمان، آگاه سازیم. از این رومای جمعی از ایرانیان مقیم فرانسه در راه انجام وظیفه انسانی و مدنی خود در خارج از کشور، در روزهای چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه مورخه نوزده، بیست و بیست و یکم ماه می با حضور در میدان حقوق بشر (تروکادرو) اقدام به تحصن به مدت سه روز خواهیم کرد تا صدای همدردی و همدلی و همراهی خودمان را به هموطنانمان در ایران برسانیم.

این بیانیه را بیش از سی نفر از ایرانیان ساکن پاریس امضاء کرده‌اند. در پایان بیانیه امضاءکنندگان از ایرانیان مقیم پاریس خواسته‌اند تا در این اقدام اعتراضی علیه خشونت و اعدام علیه شهروندان ایران در داخل کشور شرکت نمایند.

شش روزنامه نگار و فعال فرهنگی آذربایجانی دستگیر شدند

ساوالان سسی: مهندس مصطفی جمشیدی و رامین جباری روزنامه نگاران آذربایجانی و مهندس حافظ سردارپور، مهناز کریمی، نادر عزیز و مهدی زینالی از فعالان فرهنگی آذربایجانی بازداشت شدند. نزدیکان خانواده‌های جباری، عزیز و سردارپور می‌گویند ماموران امنیتی روز دوشنبه ۲۷ اردیبهشت ۸۹ این فعالین را در یکی از خیابانهای اصلی این شهر بازداشت کرده‌اند.

به گفته نزدیکان خانواده های بازداشت شدگان ماموران امنیتی ساعتی پیش از بازداشت این فعالین ضمن تماس تلفنی با آنها و معرفی خود به عنوان کارمند فرمانداری، آنها را برای جلسه ای با فرماندار پارس آباد(مغان) به محل فرمانداری این شهر دعوت کرده بودند.

همین منابع می افزایند ماموران پس از بازداشت این افراد به منازل آنها رفته و بدون در دست داشتن حکم قاضی اقدام به تفتیش منزل و تهدید خانواده بازداشت شدگان کرده اند و کیسهای کامپیوتر، کتابها و سایر وسایل شخصی آنها را با خود برده اند.

ماموران امنیتی همچنین روز سه شنبه ۲۸ اردیبهشت ۸۹ مهناز کریمی شاعر آذربایجانی و مهدی زینالی را بازداشت و با مراجعه به منازل داود مقامی و حسن بالایی از فعالین مدنی آذربایجانی اقدام به تفتیش منازل این افراد کرده اند اما به دلیل عدم حضور این فعالین در منزل موفق به بازداشت آنها نشدند.

از سوی دیگر مصطفی جمشیدی روزنامه نگار آذربایجانی و دبیر هنرستان فنی حرفه ای امیرکبیر گرمی ظهر روز سه شنبه ۲۸ اردیبهشت ۸۹ در یکی از خیابانهای شهر گرمی توسط مامورین امنیتی بازداشت شده است.

ماموران پس از بازداشت جمشیدی با مراجعه به خانه پدری این روزنامه نگار آذربایجانی ضمن تفتیش منزل اتومبیل این فعال آذربایجانی، کیس کامپیوتر، کتابها و سایر وسایل شخصی وی را با خود برده اند.

اخبار رسیده همچنین حاکی از احضار تلفنی مرتضی فرجیان استاد جامعه شناسی و عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور گرمی و سر دبیر هفته نامه ندای مغان توسط ماموران اداره اطلاعات است. فرجیان ضمن رد احضار تلفنی از حضور در اداره اطلاعات گرمی خودداری کرده است.

منابع محلی احتمال می دهند بازداشت این افراد پس از پخش گسترده اعلامیه هایی در رابطه با ۱ خرداد سالروز اعتراضات گسترده به چاپ کاریکاتور توهین آمیز روزنامه ایران نسبت به آذربایجانیها در سطح شهر پارس آباد صورت گرفته باشد.

رامین جباری وبلاگ نویس و عضو هیات تحریریه نشریات بایرام، یاشیل مغان، ندای مغان، پاراق، سردبیر ویژه نامه نشریه دانشجویی لاجین دانشگاه تهران و منتقد ادبی، مصطفی جمشیدی عضو هیات تحریریه هفته نامه های یاشیل مغان و ندای مغان و مدیر مسئول سابق نشریه دانشجویی اینام دانشگاه شهید رجایی تهران و دبیر هنرستان فنی حرفه ای امیرکبیر گرمی و حافظ سردارپور شاعر آذربایجانی و مدیر مسئول سابق نشریه دانشجویی کیملیک دانشگاه کردستان و نادر عزیزی دانشجوی علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور گرمی و شاعر آذربایجانی می باشند.

تبریز رتبه دوم حاشیه نشینی در ایران

به گزارش خبرگزاری مهر در تاریخ 29 اردیبهشت 89 آمده است: کلانشهر تبریز بر اساس اعلام مسئولان با حدود نیم میلیون حاشیه نشین پس از مشهد رتبه دوم کشور را در این زمینه دارد. اغلب مناطق حاشیه نشین تبریز در بخش شمالی شهر و در کوه "عینالی" قرار دارد.

6 هزار پایگاه بسیج در مدارس ابتدایی ایجاد شده است

به گزارش خبرگزاری مهر در تاریخ 29 اردیبهشت 89 از قول رئیس بسیج دانش آموزی کشور آمده است: از آبان سال گذشته تا کنون 6 هزار پایگاه بسیج در مدارس ابتدایی سراسر کشور با هدف گسترش و توسعه فرهنگ بسیج ایجاد شده است.

سردار محمد صالح جوکار در گفتگو با خبرنگار مهر با اعلام این خبر افزود: هدف از ایجاد پایگاههای مقاومت بسیج در مدارس ابتدایی، آشنایی دانش آموزان این دوره با بسیج و عناصر فرهنگی مربوط به آن است تا دانش آموزان در مقطع راهنمایی با آمادگی کامل وارد واحدهای بسیج شوند. در آبان ماه سال گذشته سردار جوکار از ایجاد واحدهای مقاومت بسیج در مدارس ابتدایی برای اولین بار در کشور خبر داده بود.

رئیس بسیج دانش آموزی کشور ادامه داد: الویت ثبت نام در واحدهای بسیج در مدارس ابتدایی با دانش آموزان پایه چهارم و پنجم ابتدایی است. هم اکنون چهار میلیون و 600 هزار دانش آموز در مقطع راهنمایی و متوسطه و 320 هزار فرهنگی و معلم عضو بسیج هستند

هشتمین روز اعتصاب و تجمع کارگران صنایع فلزی شماره یک از 22 اردیبهشت ماه همچنان ادامه دارد

بنا بر گزارشهای رسیده از ایران در تاریخ 29 اردیبهشت آمده است: اعتصاب و تجمع کارگران صنایع فلزی شماره یک که از چهارشنبه هفته گذشته مورخه 89/2/22 آغاز شده است همچنان ادامه دارد و این کارگران امروز 29 اردیبهشت ماه نیز ضمن تداوم اعتصاب خود، دست به تجمع در محوطه کارخانه زده و خواهان رسیدگی به مطالبات شان شدند.

بنا بر این گزارش نماینده های این کارگران امروز به استانداری تهران مراجعه کرده و خواهان رسیدگی به خواسته های خود شدند. مسئولین استانداری تهران نیز به این کارگران وعده دادند یکشنبه آینده با برگزاری جلسه ای به این امر رسیدگی خواهند کرد.

کارگران صنایع فلزی شماره یک دیروز 28 اردیبهشت ماه مدیر تولید این کارخانه را از کارخانه بیرون کرده و حاضر به برداشتن پلاکاردهای خود از روی نرده های کارخانه نشده اند و امروز اعلام کردند تا رسیدگی به خواسته هایشان به اعتصاب خود ادامه خواهند داد.

رئیس اداره بهداشت گفت: مردم از دوره‌گردها مواد غذایی نخرند

به گزارش خبرگزاری مهر در تاریخ 29 اردیبهشت 89 آمده است: رئیس اداره بهداشت مواد غذایی و بهسازی اماکن عمومی وزارت بهداشت از شهروندان خواست از تهیه مواد غذایی، آب میوه، بستنی، فالوده، ساندویچ، آب انار، آب زرشک و... که توسط دوره‌گردها عرضه می‌شود جداً خودداری کنند.

به گزارش خبرگزاری مهر، مهندس رضا غلامی افزود: با توجه به گرم شدن هوا و عرضه این محصولات توسط دستفروشان شهروندان ضمن خودداری از خرید این محصولات توسط این افراد، حتماً مایحتاج خود را از مراکزی که دارای مجوز هستند تهیه کنند.

وی تصریح کرد: با شروع فصل گرما فعالیت همکارانمان در بهداشت محیط تشدید شده و این عزیزان حتی در روزهای تعطیل نسبت به نمونه برداری از مواد غذایی و برخورد با متخلفین اقدامات لازم را انجام می‌دهند.

غلامی افزود: شهروندان می‌توانند در صورت مشاهده موارد تخلف، به شماره تلفن 09678، ستاد فوریت سلامت محیط، گزارش دهند تا برخورد قانونی لازم صورت گیرد.

اعتصاب کارگران معادن پروده طبس

به گزارش خبرگزاری فارس از طبس، صبح امروز حدود 150 نفر از کارگران معادن ذغالسنگ پروده طبس در اعتراض به شرایط کاری خود، دست از کار کشیده و در محل معادن تجمع کردند. بلافاصله پس از این اعتصاب، تنی چند از مسئولان شهرستان طبس برای پیگیری موضوع به محل معادن ذغالسنگ پروده طبس آمده و از نزدیک در جریان مشکلات کارگران این مجموعه قرار گرفتند. کارگران دلیل این اعتصاب را نامطلوب بودن شرایط کاری از جمله کمبود حقوق و مزایا اعلام کردند. بنا به گفته این کارگران، تعویض دفترچه‌های درمانی شرکت ملی فولاد با دفترچه‌های خدمات درمانی مشکل دیگری است که با توجه به شرایط کاری مشکل در معادن، دفترچه درمانی شرکت ملی فولاد خود یک مزیت محسوب شده و سبب دلگرمی کارگران می‌شود. کارگران همچنین خواستار خارج شدن کارگران دارای بیش از 27 سال سابقه از مشمولیت قانون کار و شمول آنان به قانون خدمات کشوری و همچنین توزیع شیر به‌عنوان تغذیه شدند. بخشدار مرکزی طبس طی گفت‌وگو با کارگران قول مساعدت و پیگیری برای رفع مشکلات مطرح شده را داد و بیان داشت: تمامی مواردی که حق قانونی کارگران است، طبق قانون اعمال خواهد شد. احمد طالبیان مقدم ادامه داد: لازم است کارگران مشکلاتی را که نیاز به پیگیری دارد را از طریق مکاتبه به فرمانداری اطلاع دهند تا پیگیری لازم انجام شود. مهدی قاسمی‌زاده، رئیس اداره کار و امور اجتماعی شهرستان طبس، غلامرضا محمدی مدیر خانه کارگر طبس و محمدحسن چمنزاري عضو شورای اسلامی شهر طبس نیز برای اطلاع از مشکلات کارگران به محل معادن آمده بودند.

پس از این تجمع که از ساعت 6:30 صبح امروز در محل معادن ذغالسنگ پروده طبس آغاز و تا ساعت 10:30 ادامه داشت، کارگران به محل کار خود بازگشتند. رمضان کریمی‌ثانی، مدیرعامل شرکت معادن ذغالسنگ پروده طبس طی گفت‌وگویی تلفنی با خبرنگار فارس، در مورد دفترچه‌های درمانی کارگران معادن پروده طبس اظهار داشت: فعلاً قرار نیست این دفترچه‌ها تعویض شود چراکه ما تابع قانونی هستیم که از سوی دولت ابلاغ شده است. به گزارش فارس؛ چندی پیش در روز جهانی کار و کارگر که طبق قانون کارگران تعطیل هستند نیز این شرکت رسماً به تمام کارگران خود اعلام کرده بود که در آن روز باید به سر کار بروند.

انصراف بهبهانی و فروزنده از دریافت یارانه نقدی

به گزارش خبرگزاری مهر در تاریخ 29 اردیبهشت 89 آمده است: در پی انصراف وزیر اقتصاد و سخنگوی کارگروه تحول اقتصادی دولت از دریافت یارانه نقدی، وزیر راه و ترابری و معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس

جمهور نیز اعلام کردند که با وجود تکمیل فرم اطلاعات اقتصادی خانوار، از دریافت پارانه نقدی انصراف خواهند داد.

به گزارش خبرنگار مهر، حمید بهبهانی وزیر راه و ترابری و لطف الله فروزنده معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور امروز چهارشنبه در حاشیه جلسه هیئت دولت اعلام کردند که با وجود اینکه فرم اطلاعات اقتصادی را پر کرده اند اما از دریافت پارانه نقدی انصراف خواهند داد.

سید شمس الدین حسینی وزیر امور اقتصادی و دارایی از تمامی کسانی که وضع درآمدی خوبی دارند، درخواست کرده است برای کمک به اجرای بهتر قانون هدفمندی پارانه ها که در واقع کمک به روند توسعه ملی کشور است، با انصراف از دریافت نقدی پارانه به اجرای این طرح بزرگ ملی یاری رسانند.

وی افزوده است: با خودانصرافی و در واقع از خود گذشتگی افراد متمکن، دست دولت برای حمایت مؤثرتر از اقشار ضعیف و متوسط بازخواهد شد و این بزرگترین راه کمک به اجرای این قانون است.

برهمن اساس، شمس الدین حسینی خودانصرافی از دریافت پارانه نقدی را از خود آغاز کرد و در ادامه محمد رضا فرزین سخنگوی کارگروه تحول اقتصادی دولت نیز از دریافت پارانه نقدی انصراف داد.

بررسی موضوع بیکاری در مجلس با حضور وزیران اقتصاد و صنایع

به گزارش خبرگزاری مهر در تاریخ 29 اردیبهشت 89 آمده است: نایب رئیس مجلس شورای اسلامی در پی تذکر یک نماینده درباره موج بیکاری در کشور، خواستار حضور وزیران اقتصاد و صنایع در مجلس برای توضیح در این باره شد.

به گزارش خبرنگار مهر، داریوش قنبری در جلسه روز چهارشنبه مجلس طی اخطار قانون اساسی با استناد به اصل 28 اظهار داشت: دولت موظف شده است امکان اشتغال برای آحاد ملت را فراهم کند.

وی گفت: در نطق نمایندگان نیز از بحث بیکاری و بی توجهی دولت به این مسئله گلایه می شود اما نمی بینیم به این نطق ها ترتیب اثری داده شود، گویی دولت وظیفه خود در بحث اشتغال را فراموش کرده و هیچ طرح و برنامه ای در این زمینه ندارد.

عضو فراکسیون خط امام (ره) مجلس ادامه داد: درخواست من این است که از نظر نقش نظارتی مجلس از مسئولان دولتی بخواهیم تا با حضور در مجلس استراتژی دولت پیرامون بحث اشتغال را توضیح دهند.

قنبری گفت: نرخ امید به زندگی در جوانان رو به کاهش است و شاهد گسترش پدیده خودکشی در جوانان هستیم. در دو ماه اخیر در یکی از شهرستانهای حوزه انتخابیه بنده 11 مورد خودکشی داشته ایم که شرعا و قانونا در قبال آن مسئول هستیم و نمی توانیم ساده از کنار این بحث مهم بگذریم. وی گفت: دولت نهم طرح بنگاه های زودبازده را در دستور داشت که در شرایط فعلی آن را هم رها کرده است و استراتژی خاصی در خصوص اشتغال نمی بینیم. محمد حسن ابوترابی فرد نایب رئیس مجلس که ریاست جلسه علنی پس از لاریجانی را بر عهده داشت در پاسخ به قنبری گفت: از رئیس کمیسیون اقتصاد می خواهیم جلسه ای با مسئولان ذیربط از جمله وزرای اقتصادی و صنایع گذاشته و موضوع اشتغال را مورد بحث قرار دهند. وی ادامه داد: در صورتی که لازم باشد می توانیم در این باره جلسه غیر علنی داشته باشیم.

برای برون رفت از وضع کنونی سازمان تامین اجتماعی: گروهی از تشکلهای کارگری اتحاد خود را اعلام کردند

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 29 اردیبهشت 89 آمده است: به تازگی گروهی از تشکلهای کارگری اعلام کرده اند: به منظور بهبود وضع صنفی و حقوقی کارگران شاغل و بازنشسته ایرانی به ویژه برون رفت وضع تامین اجتماعی از موقعیت کنونی باید دیگر متحد شده اند. به گزارش ایلنا، کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران، کانون کارگران بازنشسته و مستمری بگیر سازمان تامین اجتماعی، حزب اسلامی رفاه کارگران و جامعه اسلامی کارگران قصد دارند تا به منظور وحدت بیشتر کارگران شاغل و بازنشسته در برون رفت از وضع پیش آمده برای سازمان تامین اجتماعی و سایر موضوعات صنفی کارگری با یکدیگر متحد شوند.

علی اکبر خبازها، رئیس کانون کارگران شاغل و بازنشسته سازمان تامین اجتماعی درباره این وحدت، گفت: در حال حاضر کارگران شاغل و بازنشسته در بحث خدمات سازمان تامین اجتماعی مشکلاتی دارند و به همین منظور کانونهای کارگری قصد دارند تا از طریق اتحاد با یکدیگر این مشکلات را برطرف کنند.

وي بيان اینکه مي توان از اين اتحاد براي پيگيري ساير مطالبات کارگران نيز استفاده کرد؛ گفت: از حضور نماينده تشکيلات خانه کارگر نيز براي حضور در اين اتحاد استقبال مي کنيم.

اين فعال صنفی يادآور شد: کارگران به عنوان يکي از سه شريك اصلي گفت وگوهاي اجتماعي، نقش موثري در تصميم گيريها ندارند و همين امر موجب رنجش جامعه کارگري شده است.

خبازه با بيان اینکه اين نارضائتي در بخش سازمان تامين اجتماعي بيش از پيش به چشم مي خورد؛ گفت: از آنجا که در شرايط کنوني هرروز با بازنشسته شدن کارگران، عده بيشتري به خانواده يك ميليون و 400 هزار نغري مستمری بگيران سازمان تامين اجتماعي اضافه مي شود؛ انتظار داريم تا حداقل سهمي از کرسیهاي تصميم گيرنده اين سازمان به اين قشر اختصاص يابد.

سرافراز، مسوول حزب اسلامي رفاه کارگران با بيان اینکه کارگران در سالهاي گذشته همراه با دستمزد و بيمه مشکل داشتند؛ گفت: حل اين مشکلات نيازمند آسيب شناسي جدي است. وي با بيان اینکه استفاده از اقدامات تسکيني نمي تواند موضوع بيمه و مزد کارگران را حل کند؛ گفت: براي اين موضوع بايد کارگران در سياست گذاري کشور نقش پررنگ تر و متحد تري را ايفا کنند.

سرافراز با بيان اینکه اين نقش به معني آلوده شدن کارگران به بازپهاي سياسي نيست؛ گفت: کارگران يك اکثريت هستند که اگر در انتخاباتهاي پيشرو حضور فعال و متحدي داشته باشند مي توانند کرسیهاي تصميم گيري را به نفع خود در اختيار گيرند. وي افزود در اين ميان اتحاد تشکلهاي صنفی کارگري بر سر مسائل کليدي ميتواند به پررنگ شدن نقش کارگران در تصميم گيريهاي کلان جامعه بيشتتر کمک کند.

ناصربرهاني، رئيس کانون هماهنگي شوراهاي اسلامي کار استان تهران، نيز گفت: در حال حاضر کارگران هم در بحث قانون کار و هم در بحث قانون تامين اجتماعي با مشکل مواجه هستند اما بحث تامين اجتماعي بايد در اولويت رسيدگي قرار گيرد. وي افزود: دايره خانواده بيمه شدگان تامين اجتماعي از دايره مشمولان قانون کار بيشتتر است و اين درحالي است که دولت نسبت به وضع سازمان توجه کافي ندارد.

اين فعال کارگري با انتقاد از واگذار کردن موسسات و صندوقهاي زيانده به سازمان تامين اجتماعي، گفت: مسوولان سازمان که اداره و نگهداري از منابع سازمان تامين اجتماعي را برعهده دارند تاکنون نسبت به اين بي توجهي واکنش مناسبی نشان نداده اند.

پرويز احمدي پنجکي، معاون دبیر کل جامعه اسلامي کارگران، نيز با بيان اینکه سازمان تامين اجتماعي ارزشي براي تشکلهاي کارگري قائل نيست؛ خواستار اتحاد کانونهاي کارگري شد.

وي گفت: درحالي که کارگران صاحبان اصلي سازمان تامين اجتماعي هستند؛ نبايد اداره سازمان از اين گروه اکثريتي سلب و به دولت واگذار شود.

به گفته پنجکي، صرفه نظر از موضوع تامين اجتماعي، کارگران با مشکلات ديگري چون خصوصي سازي نيز مواجه هستند.

معاون دبیرکل جامعه اسلامي کارگران افزود: در سالهاي اخير کارگران به بسياري به دليل تغيير کاربري کارخانه ها و مزارع خصوصي سازي شده کار خود را از دست مي دهند.

وي افزود: انتظار داريم به وسيله اتحاد بتوان به مجموع اين مشکلات رسيدگي کرد.

پايان پيام

توسعه غير اصولی پارس جنوبی و يك فاجعه محيط زيستي؛ گلوي عسلويه مي سوزد

به گزارش خبرگزاری کار ايران - ايلنا در تاريخ 29 ارديبهشت 89 آمده است: محيط زيست هيچگاه و در هيچ دولتی چه قبل و چه بعد از پيروزی انقلاب اسلامی اولويت اول کشور نبوده است.

دلسوزان محيط زيست کشور بارها بر غير سياسي شدن محيط زيست و حفاظت از آن و ارتباط ندادن آن با رویدادهای سياسي هشدار داده اند. تاريخ محيط زيست کشور نشان داده است که هر گاه آميختگی اين حوزه با سياست و حتی روابط خاص اجتماعي صورت گرفته است، جز آسيب جبران ناپذير چيزی عايد آن نشده است.

يکي از مناطقی که به رعم هشدارهاي کارشناسان در آستانه نابودی قرار دارد منطقه حفاظت شده ناپيند شامل خليج ناپيند، منطقه حفاظت شده ناپيند و جنگلهاي حرا (مانگرو) خورهاي عسلويه، بساتين و هاله است.

اين منطقه در 320 كيلومتری جنوب شرقي بندر بوشهر واقع شده و بدون ترديد يکي از زيباترين مناطق ساحلي در طول سواحل خليج فارس به شمار مي رود. آثار به جا مانده از بندر تاريخي ناپيند و در دماغه ناپيند، حاكي از پيشينه تاريخي طولاني منطقه است.

منطقه حفاظت شده ناپيند با وسعت 22500 هکتار که به صورت دماغه مرتفعي در ساحل جنوبي خليج ناپيند قرار گرفته، به دليل دارا بودن اکو سيستم کم نظير ارزشهاي زيستگاهي براي گونههاي متنوع حيات وحش از جمله: کل و بز، قوچ و ميش و حضور گونههاي نادري از قبيل جيبروچيرفتي مي توان مشاهده کرد.

تحولات صنعت نفت در منطقه عسلويه مرحله تازه اي از تخریب طبيعت و محيط زيست را در پي داشته است که از مهم ترين آنها تاسيس منطقه ويژه اقتصادي انرژی پارس جنوبي در سال 1377 است.

عمده ترين تأثير اين تاسيسات که در حاشيه شمال خليج فارس و در 300 كيلومتری مشرق بندر بوشهر واقع

است بر مناطق جزر و مدی و اکوسیستم دریایی آن منطقه است. که تخلیه پسابها و مجرای خروجی و آبهای خنک کننده تاسیسات مستقیماً وارد محیط زیست شده و باعث بر هم زدن نظم و تعادل اکولوژیک منطقه آبی می‌شود.

طی سال‌های گذشته تخریب محیط زیست منطقه سرعت بیشتری به خود گرفته و مسئولان هرگونه انتقاد و هشدار را به مسائل سیاسی ارتباط می‌دهند.

نابیند که روزگاری یکی از بکرترین مناطق حاشیه خلیج فارس به شمار می‌رفت امروز با تجاوز آدمی و ورود صنعت به آن در آستانه نابودی قرار دارد. بی‌گمان عسلویه که از آن به عنوان شاه‌رگ اقتصاد ایران یاد می‌شود اکنون در زمره آلوده‌ترین مناطق کره خاکی قرار دارد. منطقه‌ای که در بدو ورود، بوی تند گاز و مواد هیدروکربنی در حال سوختن مشعل‌های روشن، شامه آدمی را می‌آزارد.

با گردش چند ساعته در این منطقه تصویری از کارخانه‌های بخار قرن 19 اروپا را نیز خواهید دید. تصویری که در پی خاموش روشن شدن‌های گاه و بی‌گاه مشعل‌ها و ورود دودهای سیاه به آسمان منطقه ایجاد می‌شود. منطقه‌ای که آلودگی آن چندین برابر آلوده‌ترین شهرهای جهان بر آورد شده است و کارگران و مردم بومی دست به دعا از بارش باران هراس دارند. نعمتی که در صورت نزول شدیدترین باران اسیدی را به واسطه وضعیت هوای منطقه رقم خواهد زد.

بی‌شک توسعه غیر اصولی میدان گازی پارس جنوبی و نادیده گرفتن مسائل زیست محیطی نابودی کامل نابیند را در آینده‌ای نه چندان دور رقم خواهد زد.

وجود بیش از 45 مشعل روشن در فازهای 10 گانه و مجتمع‌های پتروشیمی که علاوه بر دود و بوی گاز، مواد شیمیایی بسیار خطرناکی همچون اوره و امونیاک را در آسمان پخش می‌کند توجه هر بیننده‌ای را جلب می‌کند. با سفر به این منطقه نوار زرد رنگ زیبایی از گوگرد را در کنار جاده و اطراف پالایشگاه مشاهده خواهید کرد که با وزش نسیمی به صورت ذرات معلق در هوا در آمده و توسط شما تنفس خواهد شد.

اگر هوس آب تنی نیز کرده باشید با مراجعه به ساحل خلیج نیلگون فارس چیزی جز آلودگی آبهای ساحلی و ورود پس آبهای بدون تصفیه به خلیج فارس نخواهید دید.

آری خلیج نابیند که زمانی خورها، سواحل شنی، درختان حرا، آبنسنگ‌های مرجانی، لاک پشته‌های دریایی، گاو دریایی، دلفین، وال و دستجات پرندگان آبی و مناظر بکر طبیعی را یک جا در بطن خویش جای داده بود، امروز در مقابل آلودگی‌های زیست محیطی ناشی از تکنولوژی‌های صنعتی و فعالیت اقتصادی مخرب انسان نفس‌های آخر خود را می‌کشد.

گزارش از رضا غیبی

پایان پیام

عضو کمیسیون عمران مجلس درگفت‌وگو با ایلنا: کارگران همواره از تورم مسکن عقب هستند

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 29 اردیبهشت 89 آمده است: نماینده شیروان در مجلس شورای اسلامی با انتقاد از نحوه تعیین حداقل دستمزد کارگران گفت: اینکه یک‌بار دستمزد را تعیین کنیم و در طول سال هر بلایی سر اقتصاد و تورم آمد ربطی به دستمزد کارگران نداشته باشد عملکردی است که جای انتقاد دارد. محمدرضا حسین‌نژاد درگفت‌وگو با ایلنا با تأکید بر اینکه کارگران از زحمت‌کش‌ترین و در عین حال از محروم‌ترین اقشار جامعه هستند، گفت: هنگامی که برای نیروی کار سقف دستمزد مشخص می‌شود یعنی این فرد باید در طول سال به نحوی هزینه‌هایش را مدیریت کند که با آن دستمزد پاسخگوی این هزینه‌ها باشد.

وی از شناور بودن تورم در طول سال خبر داد و گفت: تورم گزینه‌ای ثابت نیست به عبارت بهتر یک تورم نقطه‌ای داریم و یک تورم سالیانه، اما حقوق‌بگیران مجبورند تورم را در مقطعی با همان دستمزد ثابت پاسخگو باشند.

عضو کمیسیون عمران مجلس با اعلام اینکه هزینه اجاره و خرید مسکن بخش قابل توجهی از دستمزد نیروی کار را می‌بلعد، گفت: بارها مشاهده شده که تغییرات قیمت مسکن از اوایل سال آغاز می‌شود و تا مهرماه که پایان فصل نقل و انتقالات مسکن است ادامه می‌یابد بنابراین همواره کارگران از تورم مسکن عقب هستند زیرا تورم امسال را باید برای سال آینده دریافت کنند.

وی با یادآوری اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها در اواسط سال گفت: همه اقتصاددانان و کارشناسان بر این مهم تأکید دارند که اجرای این قانون تورم قابل توجهی را به دنبال خواهد داشت در این شرایط کارگران و حقوق‌بگیران با همان دستمزد ثابت چه کنند.

حسین‌نژاد خواهان تعیین حداقل دستمزد برای بار دوم شد و گفت: اگرچه این مساله کار خوبی است و باید همواره ادامه داشته باشد اما اگر دولت بنا ندارد تعیین حداقل دستمزد به صورت دو مرتبه در سال را همیشه اجرا کند بهتر است امسال قانون هدفمند کردن یارانه‌ها که اجرا می‌شود دستمزد را برای بار دوم و این‌بار با توجه به تورم ناشی از هدفمند کردن یارانه‌ها تعیین کند.

وی با اعلام اینکه حداقل دستمزد کارگران نباید کمتر از 600 هزار تومان باشد در برخی شهرها که تورم پایین‌تر است 450 هزار تومان دستمزد خوبی است اما برای تهران دستمزد 600 هزار تومانی جوابگوی نیازهای کارگران است.

پایان پیام

اعتراض به اجرانشدن قانون سخت و زیان آور از سوی تامین اجتماعی؛

کارگران شرکت واحد در وقت خود اعتراض خواهند کرد

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 29 اردیبهشت 89 آمده است: مسوول شورای اسلامی کار شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه می‌گوید: هنوز کارگران و رانندگان این شرکت برای استفاده از بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور با مشکل روبه‌رو هستند.

علی‌اکبر عیوضی درگفت‌وگو با خبرنگار ایلنا گفت: سازمان تامین اجتماعی همچنان از قبول احکام کارگرانی که به‌کمک قانون مشاغل سخت و زیان آور از شرکت واحد بازنشسته شده‌اند خودداری می‌کند و به دنبال ابلاغ آیین‌نامه جدید مشاغل سخت و زیان آور سازمان تامین اجتماعی با این استدلال که کارگران شرکت واحد در موسسات دولتی مشغول کار هستند با بازنشستگی پیش از موعد کارگران شرکت واحد موافقت نکرد. به‌گفته عیوضی ممانعت سازمان تامین اجتماعی از به‌اجراء آمدن قانون بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور در شرکت واحد در حالی است که تا پیش از این رانندگان و کارگران بسیاری به کمک این قانون بازنشسته شده‌اند.

وی یادآور شد: در شرکت واحد مشاغل بسیاری هم به جهت محیط کار و هم به جهت ماهیت کار از نظر قانون، سخت و زیان آور تشخیص داده شده‌اند.

این عضو کانون هم‌اهنگی شورای اسلامی کار استان تهران با یادآوری اینکه سال گذشته جمعی از اعضای شورای اسلامی کار شرکت واحد در اعتراض به این اقدام سازمان تامین اجتماعی مقابل شعب سازمان تجمع کردند، گفت: با وجود وعده‌های مسوولان سازمان و ارائه مدارک و مستندات قانونی هنوز این مشکل حل نشده است.

عیوضی با بیان اینکه باید موضوع پیش آمده باید به صورت قانونی و برای همیشه حل و فصل شود، افزود: چنانچه سازمان نسبت به حل ماجرا اقدامی نکند کارگران شرکت واحد در وقت خود اعتراض خواهند کرد.

پایان پیام

اجرا نشدن خواست رییس‌جمهور در یک واحد تولیدی؛

کارگران پیمانکاری سایکو هنوز هم سردرگم هستند

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 29 اردیبهشت 89 آمده است: با وجود نامه نگاری‌های فراوان کارگران پیمانکاری سایکو با ریاست‌جمهوری و سایر مراجع مربوط و موافقت هیات مدیره این شرکت با تبدیل وضعیت کارگران پیمانکاری به قراردادی هنوز اقدام قابل توجه‌ای برای عملیاتی کردن این تصمیم گرفته نشده است.

جمعی از کارگران پیمانکاری شرکت سایکو درگفت‌وگو با خبرنگار ایلنا افزود: در شرکت سایکو 300 کارگر پیمانکاری شاغل هستند اما با فیلترهایی که در دستورالعمل تبدیل وضعیت کارگران پیمانکاری به قراردادی گذاشته شده است سالانه 60 نفر تبدیل وضعیت خواهند شد که با این ترتیب تبدیل وضعیت این کارگران 5 سال به طول می‌انجامد.

آنان تصریح کرد: سابقه کاری ما از 17 سال تا حداقل 8 سال می‌باشد.

این کارگران پیمانکاری با بیان اینکه شایعاتی مبنی بر اجرای این طرح در مردادماه سال جاری به گوش می‌رسد، تاکید کردند: با این‌کس و قوس‌ها دیگر جایی برای خوشحالی کارگران باقی نمانده است و این درحالی است که سایکو سرمدار بیش از 550 شرکت قطعه ساز است.

پایان پیام

انتصاب جدید در وزارت کار

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 29 اردیبهشت 89 آمده است: عبدالرضا شیخ‌الاسلامی، وزیر کار و امور اجتماعی با صدور حکمی علی‌میرزاخانی را به سمت مدیر کل پشتیبانی وزارت کار منصوب کرد. به گزارش ایلنا به نقل از روابط عمومی وزارت کار و امور اجتماعی، متن حکم انتصاب مدیر کل پشتیبانی وزارت کار به این شرح است:

با عنایت به نقش موثر و کارساز وزارت کار و امور اجتماعی در پیشرفت و تعالی جامعه و برقراری عدالت همه جانبه، و گستردگی و فرابخشی بودن فعالیت‌ها، انتظار دارم با جدیت، حسن تدبیر و سعی و تلاش وافر بتوانید سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی این وزارتخانه را که در قالب «منشور کاری» تدوین شده است، به مرحله اجراء درآوردید. امیدوارم با ایجاد فضایی آکنده از هماهنگی، همکاری و برادری و بهره‌گیری هرچه بیشتر از توانمندی نیروهای شاغل در آن اداره کل و نیز تعامل، همکاری و ارتباط موثر، مثبت و سازنده با معاونین، مدیران، کارکنان و سازمانهای مرتبط در انجام وظایف موفق و پیروز باشید. توفیق روزافزون جناب عالی را از درگاه خداوند متعال مسألت می‌نمایم.

پایان پیام

برای نجات جان محمود صالحی بشتایم

کارگران، زحمتکش‌ان، مردم شریف و انسان دوست!

محمود صالحی، یکی از رهبران سرشناس طبقه کارگر ایران، مدت‌هاست که از بیماری حاد کلیوی رنج می‌برد و در هفته‌های گذشته چنان حال وی رو به وخامت نهاده است که هیچ‌گونه درمانی برای مداوای وی موثر

نیوده است و بنا به تشخیص پزشک متخصص و اوضاع نگران کننده جسمی وی، باید هرچه سریعتر مورد عمل جراحی جهت پیوند کلیه قرار بگیرد.

محمود صالحی، نه متعلق به خود، خانواده و دوستانش که گنجینه ایست که در دامن مبارزه طبقاتی کارگران و زحمتکشان ایران پرورده شده است و هرگونه اتفاق سوئی برای او، ضایعه ای برای جنبش کارگری ایران خواهد بود. بدین وسیله ما از همه شما عزیزانی که می خواهید به محمود صالحی کمک کنید می خواهیم که با تمام توان طبقاتی و اراده انسانی تان به یاری ما برای نجات جان این دوست، همراه و رهبر جنبش کارگری ایران بشتابید و برای اهداء کلیه چه با **همیت** و چه با **قیمت** با گروه خونی (O-) (او/منفی) یا هرگونه کمکی در این راستا در کنار ما قرار بگیرید.

لطفا با ما از طریق تلفن های زیر تماس بگیرید:

08743236198 و 09188747104

دست همه شما را به گرمی می فشاریم.

از طرف خانواده و دوستان محمود صالحی

خبری از آخرین وضعیت جسمی محمود صالحی

به نوشته سایت کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در تاریخ 29 اردیبهشت 89 آمده است: بر اساس آخرین اخباری که به دست ما رسیده است محمود صالحی کماکان در بیمارستانی در تهران بستری است. اوضاع عمومی حال وی رو به بهبودی است اما پزشکان در مورد وضعیت کلیه های وی هشدار داده اند.

به خصوص کلیه چپ وی چند برابر از حد طبیعی بزرگ شده و مملو از کیست های عفونی و خونی است که تعدادی از این کیست ها پاره شده و خون و عفونت به دستگاه ادراری وی وارد میکنند. همچنین بزرگی کلیه ها باعث فشار آوردن به کبد وی شده و کبد از محل خود جابجا شده است. بدین ترتیب در اولین فرصتی که تب و لرز و خونریزی و عفونت وی بهبود یابد، لازم است کلیه چپ وی کلا خارج شده و کلیه ی جدیدی در بدن محمود صالحی پیوند شود. از آنجا که گروه خونی وی O منفی (گروه خونی که تنها از همین گروه خونی امکان دریافت خون و اعضا دارد) میباشد و نیز نظر به سختی شرایط پیوند کلیه برای دریافت کننده و سلامت کامل اهدا کننده، نگرانی ها در مورد آینده ی درمانی وی حتی در صورت یافته شدن فردی داوطلب برای اهدا ی کلیه افزایش یافته است.

29 اردیبهشت 89

www.khamahangi.com

اعتراض و تجمع موفقیت آمیز رانندگان تاکسی شهرستان کامیاران

به نوشته سایت کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در تاریخ 29 اردیبهشت 89 آمده است: در پی تجمع و اعتراض تاکسیرانان شهرستان کامیاران به وضعیت نامناسب کاری، مسئول تاکسیرانی به خواست آنها تن داده و به مسائل آنان رسیدگی کرد.

طبق این گزارش در طول چند روز گذشته طرح ادغام ایستگاه تاکسی فاز یک و دو و سه شهرک بعثت در کامیاران موجب نارضایتی تاکسی رانان شد. در تاریخ 29/2/89 رانندگان تاکسی در جلوی درب ساختمان شورای شهر تجمع اعتراضی بر پا داشتند که بلافاصله ماموران اماکن و اطلاعات در محل حاضر شده و برای ایجاد فضای رعب و وحشت از رانندگان معترض شروع به فیلم برداری کردند. شایان ذکر است که پس از چندین بار تجمع و اعتراض رانندگان تاکسی خواست های خود را به مسئول تاکسیرانی تحمیل کرده و به خواست های خود رسیدند.

www.khamahangi.com

فراخوان همبستگی با اتحادیه کارگران ساختمانی استرالیا

رفقا، دوستان

دفتر مرکزی

Construction, Forestry, Mining and Energy Union (CFMEU)

اتحادیه کارگران ساختمانی، جنگلیانی،
معدن و انرژی استرالیا- بخش ساختمانی در شهر سیدنی پنجشنبه شب گذشته مورد حمله قرار گرفت

بنا به گزارشات منتشره یک اتومبیل سواری که دو روز پیش از آن به سرقت برده شده بود در این حمله بکار گرفته شده است.

این گزارش می افزاید که فرد یا افرادی که هنوز هویت آنان مشخص نشده است در ساعت ۱۰:۲۰ شب پنجشنبه ۱۳ ماه مه ۲۰۱۰ با سرعت زیاد اتومبیل را به زنده حفاظ ساختمان کوبیده و سپس اتومبیل را با در هم شکستن در شیشه ای سالن ورودی، به درون ساختمان وارد میکنند سپس با پاشیدن مواد سوختی (احتمالاً بنزین) ساختمان را به آتش میکشند. این در حالی بوده است که اتومبیل مملو از پیتهای بنزین بوده است که در صورت وقوع انفجار حداکثر خسارت را وارد سازد اما خوشبختانه با دخالت سریع ماموران آتش نشانی این حریق مهار میشود

دبیر اتحادیه آقای آندرو فرگوسن گفته است ساختمان اتحادیه در طول هفته بطور کامل مورد استفاده انجمنها و تشکلات مهاجرین، کارگران و سایر گروهایی اجتماعی قرار دارد و مدتی قبل از انفجار یک گروه، ساختمان را ترک کرده بودند لازم بیادوریست نیروی ویژه ای برای تحقیق در این حمله انفجاری از سوی پلیس تشکیل شده است آقای فرگوسن گفته است که ما به یگی از گروههای کارفرمای ساختمانی مشکوک هستیم که اخیراً ما در مورد دفاع از حقوق کارگران مهاجر با آنان وارد یک مناقشه صنعتی شده بودیم این کارفرما حقوق کارگران را نقض کرده و به آنها توهین کرده و آنان رامرعوب و

تهدید نموده است لازم بیاد وریست که در ظرف سه ماهه منتهی به مارچ سال جاری این اتحادیه مبلغ نزدیک به هفت میلیون دلار دستمزد و مزایای ضایع شده را برای کارگران دوباره بدست آورده است ودر موردی دیگر قبل از پایان سال میلادی گذشته بیش از ۹ میلیون دلار را برای کارگران یک شرکت ساختمانی که بناگهان اعلام ورشکستگی کرد احیا نمود این اتحادیه همچنین یکی از معدود اتحادیه های استرالیا که جنگجویی و میلیتانتی) آن ورد زبان است

عمیقاً به انترناسیونالیزم معتقد است و به همین دلیل بارها خود را در کنار کارگران ایران و خاورمیانه و جنبشهای مترقی و آزادیخواهانه و عدالتخواهانه یافته است CFMEU این اتحادیه بارها نامه های همبستگی به کارگران ایران و منطقه ارسال داشته مستقیماً با چهره ها و رهبران کارگری ایران تماس داشته است سخن کوتاه، این اتحادیه مستقیماً از سوی گروهی از کارفرمایان مورد حمله قرار گرفته است این در حالی است که یکی از شدیدترین و تبعیضی ترین قوانین در استرالیا فقط و فقط برای این اتحادیه و کارگران ساختمانی وضع شده است بنا به این قانون یک نیروی ویژه پلیسی

با بودجه بیش از ۳۰ میلیون دلار در سال تشکیل شده است تا تماس این اتحادیه با کارگران را محدود کند بنا به این قانون هر مقام این اتحادیه یا هر کارگر ساختمانی اگر از بازجویی این نیروی ویژه سر باز زند با ۶ ماه زندان روبرو خواهد بود آنان نمیتوانند حتی وکیل خود را انتخاب کنند و اگر جریان بازجویی را به نزدیکترین فرد خانواده هم بازگو کنند با حکم شش ماه زندان روبرو خواهند شد در استرالیا برای کسی که مرتکب تجاوز جنسی یا سرقت مسلحانه شود چنین قانون شدیدی وضع نشده است قرار است یک کارگر ساختمانی به دلیل اینکه به این بازجویی تن نداده است در اواسط ماه جون یا ژوئن شش ماه زندانی شود

هم اکنون یکی از راههای حمایت شما از این اتحادیه و کارگران آن ارسال نامه های حمایتی است این ایمیل را به سایر نهادها، احزاب و جریانها ارسال کرده و نامه های حمایتی خود را به این ایمیل ارسال کنید
mrazaghi@nsw.cfmeu.asn.au

برای کسب اطلاعات بیشتر به

<http://www.cfmeu-construction-nsw.com.au/>

یا

<http://www.cfmeu.asn.au/>

مراجعه کنید

با سپاس

منصور رزاقی

CFMEU Organiser

خبری دیگر از وضعیت کاری نامناسب سیگار فروشان در شهرستان کامیاران

به نوشته سایت کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در تاریخ 29 اردیبهشت 89 آمده است : مورخ 29/2/89 مامورین دولتی به محل سیگار فروشان ، در شهرستان کامیاران واقع در جاده شیروانه حمله کرده و به زور سیگارهای آنان را با خود بردند .لازم به ذکر است که این چندمین بار است که مامورین به این سیگار فروشان حمله کرده و مانع کسب و کار آنان میشوند .

www.khamahangi.com

حکم 5 سال زندان برای پژمان رحیمی تأیید شد

بر اساس خبر ارسالی به کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری در تاریخ 29 اردیبهشت 89 آمده است: دادگاه تجدید نظر اهواز حکم 5 سال زندان برای پژمان رحیمی از فعالین کارگری خوزستان را تأیید و به وی ابلاغ کرد. همچنین حکم محمد اسماعیل وندی از فعالین فرهنگی و اجتماعی در اهواز نیز در دادگاه تجدید نظر اهواز به مدت 5 سال زندان تأیید شد.

کمیته هماهنگی ضمن محکوم کردن دستگیری، بازداشت و تعقیب فعالین کارگری، خواستار پایان دادن به این دستگیری ها و آزادی تمامی فعالین کارگری در بند می باشد.

www.khamahangi.com

گزارشی از شرکت جهاد نصر کردستان

بر اساس خبر ارسالی به کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری در تاریخ 29 اردیبهشت 89 آمده است: شرکت جهاد نصر یکی از شرکت های نیمه دولتی و نیمه خصوصی است که در استان کردستان فعالیت می کند. این شرکت از جمله مراکز ورشکسته دولتی بود که با سپردن پروژه مسکن مهر توسط ستاد مسکن استانداری کردستان به آن، دوباره رونق گرفت. در حال حاضر جهاد نصر در استان، بر روی پروژه های متفاوتی مانند: تصفیه خانه شهر سقز، سد زیویه و راه سازی مسیره های سنندج به شهرهای کامیاران، مریوان و دهگلان و مهم تر از همه پروژه آماده سازی مسکن مهر کار می کند. در حالی که این شرکت، ماشین آلات خود را از کشور ژاپن خریداری نموده است، اما از پرداخت حقوق کارگران طفره می رود. علاوه بر این، مسئولین این شرکت، بخش هایی از پروژه ها را به پیمانکار داده و خود در آن شریک هستند و از ثروت حاصل از استثمار کارگران و پول اقتشار کم درآمد، سرمایه خود را افزایش می دهند.

بیش از 300 کارگر در شرکت جهاد نصر کردستان کار می کنند که از یک تا ده سال، سابقه دارند و با آنها به صورت یک ماهه و سه ماهه و برای مهندس ها، یک ساله، قرارداد می بندند. قرارداد را در ابتدا با کارگران به صورت سفید امضا و حتی آخر آن را هم بدون تاریخ است. در ابتدای آن هم قید می کنند که کارگر کلیه مطالبات خود را دریافت نموده است. این شیوه سالهاست که ادامه دارد و آخر هر سال تا پنجم سال آینده کارگران قرارداد ندارند و برگ تسویه حساب سالانه را دال بر گرفتن کلیه حق و حقوق به آنها تحمیل و به امضا می رسانند. این شگرد را برای فرار از قوانین نیم بند کار انجام می دهند.

تقریباً اکثر شرکت ها با توان مالی که دارند، از اداره کار و امور اجتماعی بعنوان مشاور حقوقی خود استفاده کرده و با ترفند و تفسیر ماده و تبصره های قانون کار، کارگران را از لحاظ قانونی، بی حقوق و بیشتر استثمار می کنند. کارگران حتی از نماینده کارگر که از راه های قانونی بتواند به آنها کمک کند، محروم هستند.

پروژه مسکن مهر شرکت جهاد نصر در سنندج نیز در دو شیفت کاری مشغول به کار بوده و حدود 100 نفر کارگر در آنجا مشغول به کارند. شیفت روز از ساعت 7 صبح تا 6 غروب و 80 نفر کار می کنند و شیفت شب از ساعت 6 غروب تا 4 صبح و 30 نفر کار می کند. اداره کار و بازرسی آن به راحتی از کنار این مسائل عبور کرده و خود را به بی خبری می زند و از منافع سرمایه داران حمایت می کنند. کارگران این شرکت بر روی حدود 120 دستگاه ماشین آلات سنگین و نیمه سنگین و سبک از قبیل لودر، بیل مکانیکی، بولدوزر، گریدر و کمپرسی و دیگر ماشین های سبک مشغول به کارند.

هر یک از مسئولین شرکت جهاد نصر تعدادی از اقوام و آشنایان خود را استخدام کرده و از مازاد سود کارگران به آنها ماهیانه حدود یک میلیون تومان حقوق پرداخت می کنند. در حالی که کار مفیدی هم انجام نمی دهند. این در حالی است که اضافه کار و حقوق قانونی کارگران به شکل های مختلف پامال می شود. مثلاً حق سنوات سالیانه به حقوق آنها اضافه نمی شود و یا اضافه کار جمعه و روز های تعطیل با روز عادی همسان محاسبه می شود و حق نوبت کاری ندارند. در این شرکت ایمنی محیط کار اهمیت ندارد و لباس و کفش کار، عینک و ماسک مخصوص گرد و غبار هم به کارگران داده نمی شود.

هم اکنون کارگران جهاد نصر که اکثر آنها متاهل و دارای فرزند و مستاجر هستند، چهار ماه است که حقوق نگرفته اند. این در حالی است که مدیران این شرکت با حاصل دسترنج این کارگران، هریک برای خود مشغول مال اندوزی هستند. سال گذشته کارگران پروژه مسکن مهر برای گرفتن مطالبات خود دست به اعتصاب زدند و موفق شدند مطالباتی مانند حقوق معوقه، حق نوبت کاری و حق ماموریت و اضافه کاری را بدست آورند. کارگران باید متحد شوند و اعتراض کنند و چاره ای جز متحد شدن و اعتراض و ایجاد تشکل واقعی خود ندارند.

مادران عزادار همراه دانشجویان در اعلام همبستگی با دانشجویان زندانی

[/http://maadaraan.tk](http://maadaraan.tk)

به نوشته سایت مادران عزا : روز چهارشنبه 29 اردیبهشت مادران عزادار همراه دانشجویان در اعلام همبستگی با دانشجویان زندانی که این روز را روزه گرفته ، در اقدامی هماهنگ با دانشجویان سفره افطار را جلوی زندان اوین برپا کرده و درحالی که عکس دانشجویان زندانی را در دست داشتند خواستار آزادی تمامی زندانیان عقیدتی بخصوص دانشجویان شدند .

این روز همزمان بود با صدمین روز بازداشت علی ملیحی و هشتادمین روز بازداشت مهدی خدایی . مادران عزادار ضمن به فال نیک گرفتن همراهی دانشجویان و مادران در پیگیری مطالبات مشترکشان آرزو می کنند تا هرچه سریعتر شاهد آزادی تمامی زندانیان عقیدتی و سیاسی باشیم و در دیدار بعد همراه با هم به استقبال آزادی تمامی زندانیان بخصوص دانشجویان ، نخبه ترین فرزندان این سرزمین ، برویم و جشن آزادی آنها را در کنار هم هرچه باشکوه تر برگزار کنیم

یک معلم فعال دیگر، عضو کانون صنفی معلمان ایران دستگیر شد

اسماعیل عبدی معلم فعال عضو کانون صنفی معلمان ایران روز چهارشنبه مورخ 29 اردیبهشت ماه در تهران بازداشت شد. به گزارش به گزارش آژانس خبری موکریان ، گفته می شود در پی بازداشت این فرهنگی ، منزل وی نیز توسط مأموران مورد بازرسی قرار گرفته و کامپیوتر وی را نیز همراه خود برده اند . تا لحظه تنظیم خبر از محل نگهداری و وضعیت اسماعیل عبدی و همچنین اتهامات احتمالی این فعال فرهنگی خبری در دست نیست.

معلم آذربایجانی در پارس آباد مغان دستگیر شد

ساوالان سسی، :محمد فرجیان فعال مدنی آذربایجانی و معلم دبستانهای پارس آباد مغان روز چهارشنبه 29 اردیبهشت 89 پس از احضار به اداره اطلاعات پارس آباد(مغان)بازداشت و پس از یک روز بازداشت موقت آزاد شد.به گزارش ساوالان سسی، به گفته نزدیکان فرجیان، حراست اداره آموزش و پرورش پارس آباد(مغان) روز چهارشنبه 29 اردیبهشت 89 ضمن فراخواندن این معلم آذربایجانی از وی خواسته بود که جهت پاسخ دادن به پاره ای سوالات به ستاد خبری اداره اطلاعات این شهر مراجعه کند. بدنبال مراجعه فرجیان به اداره اطلاعات مامورین امنیتی این معلم آذربایجانی را بازداشت و پس از یک روز بازداشت موقت او را آزاد کرده اند. این معلم آذربایجانی روز سه شنبه 28 اردیبهشت 89 طی تماسی تلفنی از سوی مأموران اداره اطلاعات به اداره اطلاعات مغان احضار شده بود اما وی ضمن غیرقانونی خواندن احضار تلفنی از مراجعه به اداره اطلاعات امتناع نموده بود.

بازداشت این معلم آذربایجانی در حالی صورت می گیرد رامین جباری و مهندس مصطفی جمشیدی از روزنامه نگاران آذربایجانی و مهندس حافظ سردارپور، نادر عزیزی، مهناز کریمی و مهدی زینالی طی روزهای گذشته در مغان بازداشت شده بودند که از این میان مصطفی جمشیدی و مهناز کریمی پس از یک روز بازداشت موقت آزاد شده اند و بقیه بازداشت شدگان به اداره اطلاعات اردبیل منتقل شده اند.

کارگران پیمانکاری ساپکو هنوز هم سردرگم هستند

خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 29 اردیبهشت 89 آمده است : با وجود نامه نگاریهای فراوان کارگران پیمانکاری ساپکو با ریاست جمهوری و سایر مراجع مربوط و موافقت هیات مدیره این شرکت با تبدیل وضعیت کارگران پیمانکاری به قراردادی هنوز اقدام قابل توجهی برای عملیاتی کردن این تصمیم گرفته نشده است. جمعی از کارگران پیمانکاری شرکت ساپکو درگفت وگو با خبرنگار ایلنا افزود: در شرکت ساپکو 300 کارگر پیمانکاری شاغل هستند اما با فیلترهایی که در دستورالعمل تبدیل وضعیت کارگران پیمانکاری به قراردادی گذاشته شده است سالانه 60 نفر تبدیل وضعیت خواهند شد که با این ترتیب تبدیل وضعیت این کارگران 5 سال به طول می انجامد.

آنان تصریح کرد: سابقه کاری ما از 17 سال تا حداقل 8 سال می باشد. این کارگران پیمانکاری با بیان اینکه شایعاتی مبنی بر اجرای این طرح در مردادماه سال جاری به گوش می رسد، تاکید کردند: با این کش و قوسها دیگر جایی برای خوشحالی کارگران باقی نمانده است و این درحالی است که ساپکو سردمدار بیش از 550 شرکت قطعه ساز است. پایان پیام

عدم حمایت سازمان بازنشستگان از کارگران بازنشسته

به نوشته سایت آژانس ایران خبر در تاریخ 30 اردیبهشت آمده است : سازمان بازنشستگی شهرداری تهران پاسخگوی کارگران بازنشسته نیست. علی رغم تبلیغات گسترده درمورد وضعیت خوب بازنشستگان شهرداری تهران، کارگران این حوزه از وضعیت مطلوبی برخوردار نیستند. به گونه ای که کارگران بازنشسته ی این حوزه در

مناطق مختلف از داشتن یک اداره ی ثابت در منطقه ی خود نیز عاجز هستند. پراکندگی این ادارات در سطح شهر تهران موجب شده است تا مراجعہ کنندگان به این سازمان همواره با مشکل مواجه باشند. با در نظر گرفتن کوهلت سن اعضای این سازمان ومشکلات رفت وآمدی آنها به خوبی می توان بیان داشت که نبود مراکز ثابت در منطقه ی محل زندگی یکی از نخستین وپیش پاافتاده ترین مشکلات بازنشستگان شهرداری تهران به شمار می رود. از سوی دیگر شنیده ها حاکی از این است که شهرداری وسازمان تحت امر آن از نظر دادن بن های کارمندی وتسهیلات این بازنشستگان چندان به شیوه ی مطلوبی عمل نمی کند. مشکلات بیمه ای این گروه از بازنشستگان کارگری درسطح کشور همچنان ادامه دارد.پرداخت حق ویزیت های کمرشکن با توجه به درآمد کم بازنشستگان از دیگر مشکلات این قشر به شمار می رود.

گزارشی از پرونده عبدالرضا قنبری، معلم محکوم به اعدام

بنا بر گزارشات رسیده از جامعه معلمان ایران در تاریخ 30 اردیبهشت 89 آمده است: عبدالرضا قنبری در روز 14 دی ماه در منزل شخصی اش در پاکدشت بازداشت و راهی بند 209 زندان اوین شد. وی در بازجویی های «مکرر و پرفشار» مجبور به امضای اعتراف شد. او در جواب بازجو تنها قادر به گفتن بلی یا خیر بوده است. این در حالی ست که به گفته نزدیکان این زندانی سیاسی، او در روز عاشورا در پاکدشت حضور داشته و در این باب عده ای از ساکنین محل نیز گواهی می دهند.

در طول بازجویی ها، ایمیل های سال 86 به قبل را نیز به پرونده این دوره اش اضافه کردند در حالی که وی محکومیت آن پرونده را گذرانده بود. قنبری، زمانی که سعی کرده بود در جواب سوالات بازجو از عبارت «این ایمیل ها مربوط به سال 86 است که من محکومیت آن را گذرانده ام» استفاده کند، برگه های بازجویی پاره شد. نکته دیگر، فشار برای قبول ایمیل هایی است که وی در زمان ارسال آنها در بازداشت به سر می برده است. برای مثال او در 14 دی بازداشت شده و مجبور به پذیرش ایمیل هایی می شود که در 20 دی برایش ارسال شده است. حمید بابایی وکیل این زندانی سیاسی در پی دو بار حضور در دادسرای اوین هنوز موفق به مطالعه پرونده نشده است و این در حالی ست که بنا بر قرار قبلی، سه شنبه 7 اردیبهشت دادگاه تجدید نظر وی در شعبه 26 به ریاست قاضی زرگر برگزار شده است.

عبدالرضا قنبری استاد دانشگاه و کارمند آموزش و پرورش و نویسنده پنج جلد کتاب است. وی در بازه زمانی 80 تا 83 در کانون نویسندگان گرمسار عهده دار مسئولیت بوده است. وی استاد دانشگاه آزاد گرمسار و دانشگاه پیام نور پاکدشت، استاد دانشگاه عالی کشاورزی گرمسار و نیز به عنوان معلم در مدارس برتر گرمسار و پاکدشت تدریس کرده است.

در حال حاضر وی به همراه سه معلم دیگر به نام های رسول بداعی، امیدعلی مهرنیا و محمد داوری در بند 250 به سر می برد. بعد از وعده هایی که به عبدالرضا قنبری مبنی بر آزادی داده شد، در همان پرونده، روز قبل از دادگاه بدوی (88/11/9) احضار شد و در حضور دادستان دولت آبادی و قاضی صلواتی و بازجو، تشویق به انجام مصاحبه ای شد که از طرف ایشان تنظیم شده بود. به این زندانی سیاسی گفته شد: «ایراد این متن به نفع تو خواهد بود و موجبات آزادی تو را فراهم می نماید.»

بعد از اخذ مصاحبه و فیلمبرداری، روز بعد (88/11/10) دادگاه بدوی تشکیل و وی محکوم به اعدام شد. این در حالی ست که وکیل تسخیری وی در آن دادگاه در چند ثانیه تنها به تایید کیفرخواست پرداخت. عبدالرضا قنبری، هم اکنون در سلول 9 بند 250 و در شرایط بد روحی به سر می برد. پرونده وی نیز در شعبه اول دادسرای اوین به ریاست بازپرس حاج محمدی است که از ابتدا وی را بارها به اعدام تهدید کرد.

اعتراض "کارگران صنعتی جهان" به مقامات جمهوری اسلامی

خطاب به مقامات جمهوری اسلامی ایران:

کمیسسیون همبستگی بین المللی "کارگران صنعتی جهان" اعدام فرزند کمانگر، معلم و فعال کارگری و حقوق انسانی و چهار زندانی سیاسی دیگر توسط جمهوری اسلامی ایران را قویا محکوم می کند.

جمهوری اسلامی ایران، کارگر آموزش و پرورش، معلم و فعال حقوق بشر، فرزند کمانگر، و چهار زندانی سیاسی دیگر را در 9 مه 2010 اعدام کرده است. طبق آخرین گزارشات، آقای فرزند کمانگر، آقای علی حیدریان، آقای فرهاد وکیلی، خانم شیرین علم هولی و آقای مهدی اسلامیان همگی در تاریخ 9 مه اعدام شده اند. هیچیک از وکلا و یا خانواده های این زندانیان از این اعدامها با خبر نشده بودند.

کمیسسیون همبستگی بین المللی تداوم تهاجم لجام گسیخته علیه حقوق کارگران و انسان در ایران را محکوم میکند. کمیسسیون همبستگی بین المللی خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی، و کارگران و دانشجویان زندانی می باشد.

کمیسیون همبستگی بین المللی از دولت ایران می خواهد که حقوق کارگری و انسانی، از جمله آزادی بیان و ابراز وجود و حق تشکل، تجمع و اعتراض را کاملا محترم شمرد. کمیسیون همبستگی بین المللی از جمهوری اسلامی ایران می خواهد که به تعقیب و اذیت و آزار فعالین کارگری و حقوق بشر و سازمانهای سیاسی و عدالت اجتماعی پایان دهد و مانع فعالیتهای آنان نگردد.

دی ام کلوکر

رئیس کمیسیون همبستگی بین المللی کارگران صنعتی جهان

D.M. Kloker, Chair of the International Solidarity Commission of the I.W.W.

ممانعت از بازگشت به کار فعالین سندیکای شرکت واحد توسط حراست شرکت

بنابه گزارشات رسیده از ایران در 31 اردیبهشت 89 : آقای عطا باباخوانی یکی از فعالین سندیکای شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه که از سال ۱۳۸۴ از کار تعلیق شده بود طی یک پروسه حقوقی طولانی دیوان عدالت اداری رای به بازگشت او به کار را داد ولی حراست شرکت از بازگشت به کار او ممانعت می کند. عطا باباخوانی بازرس سندیکای شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه در جریان اعتصاب گسترده این شرکت در سال ۱۳۸۴ از کار تعلیق شد و در طی این مدت از حقوق و مزایا محروم بود. این مسئله باعث ایجاد شرایط سخت معیشتی برای خود و خانواده اش گردید.

باباخوانی نسبت به تعلیق غیر قانونی خود اعتراض نمود و به دیوان عدالت اداری کشور شکایت کرد پس ۴ سال تعلیق از کار، ماه گذشته دیوان عدالت اداری رای به بازگشت او به کار را صادر کرد و کارفرما را موظف کرد که او را به شغل قبلی اش بازگرداند و حقوق و مزایایی سالهای تعلیق را به او بپردازد.

اما باباخوانی در روز اول بازگشت به کار توسط حراست شرکت اتوبوس رانی احضار و به او گفته شد بدلیل اینکه از فعالین سندیکای شرکت اتوبوس رانی است نمی تواند به کار خود در این شرکت ادامه دهد. او را در معرض دو انتخاب قرار دادند باز خرید و یا تعلیق مجدد از کار، باباخوانی از باز خرید امتناع کرد و خواهان بازگشت به کار خود شد ولی حراست علیرغم حکم دیوان عدالت اداری از ادامه کار او در این شرکت همچنان ممانعت می کند. باباخوانی دارای ۱۸ سال سابقه کار است.

در حال حاضر تعدادی از فعالین سندیکای شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه که از سال ۱۳۸۴ از کار تعلیق شده اند و همچنان در حالت تعلیق از کار بسر می برند عبارتند از: منصور حیات غیبی، هادی کویری، داود نوروزی می باشند.

لازم به یادآوری است که رهبران سندیکای اتوبوس رانی تهران و حومه منصور اسالو و ابراهیم مددی تنها به جرم حق داشتن سندیکای کارگری چند سال است که در شرایط طاقت فرسای در زندان بسر می برند.

گزارش تکمیلی

فعالان کارگری شرکت واحد و کار مشروط

بهنا بر گزارش رادیو صدای آلمان آمده است : تلاش قانونی ۳۱ نفر از فعالان سندیکای شرکت واحد برای بازگشت به کار، با موافقت دیوان عدالت اداری به نتیجه رسید. کار آنها اما با دخالت حراست یا شروطی از سوی کارفرما همراه است. فعالان را به سکوت و انفعال صنفی دعوت می کنند .

سه تن از فعالان سندیکایی شرکت واحد هنوز بلاتکلیف اند و پرونده هایشان همچنان در دیوان عدالت اداری مفتوح است. این سه، منصور حیات غیبی، هادی کویری و داود نوروزی نام دارند. عطا باباخوانی، بازرس سندیکا توانسته پس از ۴ سال تعلیق و فشار مالی، رای دیوان برای بازگشت به کار را دریافت کند. اما حراست با جلوگیری از حضور او در محل کار، وی را در فشار باز خریدی گذاشته است. پیش از این نیز، کارفرما برای سایر فعالان سندیکایی، بازگشت به کار را مشروط به سرزیری و عدم راهنمایی دیگران کرده بود.

رضا شهابی، عضو هیات مدیره سندیکای واحد و نماینده کارگران در هیات حل اختلاف، در مصاحبه با دویچه وله از آخرین خبرهای مربوط به شرکت اتوبوسرانی واحد می گوید.

دویچه وله: دیوان عدالت اداری به چه صورتی در مورد شکایت های شما رای داد؟ چند نفر به کار بازگشتند؟

رضا شهبای: اعتراضات ما در سال ۸۴ موجب شد که بسیاری از اعضای سندیکای شرکت واحد از کار بیکار شوند و تعداد دیگری دستگیر یا احضار شوند. با گذشت زمان، دستگیر شدگان با سند یا وثیقه آزاد شدند. همه‌ی این افراد از شرایط خود به اداره کار شکایت بردند. دو سال طول کشید تا این شکایت‌ها به ثبت رسید و در نهایت، هیات حل اختلاف در اداره کار، رای به اخراج همکاران ما داد. پیگیری‌های ما یکسال دیگر طول کشید تا این‌بار دیوان عدالت اداری رای به ورود عده‌ای و اخراج تعدادی دیگر داد.

چند نفر رای بازگشت به کار گرفتند؟

آن زمان شش نفر از اعضای هیات مدیره سندیکای واحد توانستند رای بازگشت به کار بگیرند و ۲۵ نفر دیگر رای اخراج دریافت کردند. همین باعث شد که ما دوباره شکایت کردیم و گفتیم پرونده‌های همه ما مشابه هم بوده اما چرا شعبه‌های شما تصمیم‌های متفاوتی گرفته‌اند. این پرونده‌ها دوباره بررسی شدند و بالاخره نتیجه گرفتند که همه باید به کار بازگردند. با این همه، هنوز ۷ نفر از ما بلا تکلیف مانده‌اند و دیوان عدالت اداری در موردشان رای قطعی نداده است: اکبر پیرهادی، منصور حیات غیبی، ناصر غلامی، حسن میرزایی، حسن کریمی، حسین کریمی سبزواری و هادی سلیمی.

از قرار آنها هم که بازگشت به کار گرفته‌اند، با مشکلاتی از سوی حراست روبرو شده‌اند؟

متأسفانه کارفرما به رای دیوان احترام نمی‌گذاشت. از من و داود رضوی و سعید ترابیان که اعضای هیات مدیره سندیکا بودیم، می‌خواستند که تعهد عدم فعالیت صنفی بدهیم. ما هم گفتیم اگر قرار به این بود، چند سال هزینه و گرفتاری و مشکل تحمل نمی‌کردیم. ما گفتیم که اگرچنین شرطی لازم بود، دیوان عدالت اداری و اداره کار به ما می‌گفت که رای بازگشت به کار ما را داده است. به تصریح قانون، استنفک کارفرما از پذیرش کسی که دیوان عدالت اداری برایش رای داده، پنج سال انفعال خدمت و پرداخت خسارت در بر دارد.

به این ترتیب به کار برگشتید و کارفرما متقاعد شد؟

بله، خوشبختانه قبول کردند. اما خواستند که وقتی نزد سایرین هستیم، موقع تعویض شیفت‌ها و شروع کار، برای کارگران سخنرانی نکنیم، میتینگ نگذاریم و به کسی مشاوره صنفی ندهیم. ما هم گفتیم ما چون از قانون کار اطلاع کامل داریم، به سوال‌ها در این زمینه جواب می‌دهیم و دیگران را راهنمایی می‌کنیم. من خودم گفتم من از فردا یک چسب به دهانم می‌زنم و هرکس هر چیز پرسید، به آن اشاره می‌کنم که خواست کارفرماست. در نهایت با هم کنار آمدیم و به کار برگشتیم.

من الان به‌عنوان یک فعال کارگری، عضو هیات مدیره و نماینده کارگران اخراجی، پیوسته در وزارت کار و هیات حل اختلاف حاضر می‌شوم. تا امروز توانسته‌ام برای ۱۲۰ کارگر اخراجی، حکم برگشت به کار بگیرم. برای همین کارفرما از من شاکای است. می‌گوید در زمانی که در شرکت واحد کار می‌کنید، حق وکالت و نمایندگی کارگران را ندارید.

در خبرها هست که حراست شرکت واحد، جلوی کار آقای باباخانی همکار شما را گرفته است. چرا؟

آقای عطا باباخانی حکم برگشت به کار دارد و حتی یک‌روز هم کار کرده است. نامه ایشان در اداره مرکزی صادر شده اما مسئول منطقه شش واحد جلوی ادامه کار او را گرفته و گفته که از بالا دستور رسیده است. به باباخانی گفته‌اند چون سندیکایی هستی، حق کار در شرکت واحد را نداری. یا باید باز خرید شوی یا دوباره از کار تعلیق شوی. گفته‌اند ما به رای دیوان عدالت اداری کاری نداریم. باباخانی هم دارد پیگیری قانونی می‌کند تا ماده مربوط به استنفک کارفرما را به جریان بیندازد. کارفرما هم ابراز بی‌اطلاعی می‌کند و می‌گوید مشکل از حراست است.

حراست اصلاً از نظر اداری و اختیارات چه موقعیتی دارد؟

حراست تنها مسئول مراقبت از اموال شرکت واحد است. ابدا نمی‌تواند در مورد استخدام یا اخراج و شرایط کاری کارگران تصمیم بگیرد اما فعلاً جلوتر از همه حرکت می‌کند و رای دیوان عدالت اداری را به هیچ می‌گیرد.

حراست زیر مجموعه چه نهادی است؟

در گذشته، زیرمجموعه کارمندان و کارگران شرکت واحد بوده است. اما از سال ۸۳ به بعد، کلیه حراست‌های ادارات بر اساس مصوبه مجلس، زیر نظر وزارت کشور و وزارت اطلاعات کار می‌کنند. ما اصلاً افراد حراست‌های ده

گانه شرکت واحد را نمی‌شناسیم. آنها در ساختمان اداره مرکزی شرکت واحد مستقرند و در طبقه‌ای هستند که کاملاً محرمانه است. تنها یک نفر را می‌بینیم که منشی است و سوال و جواب‌ها یا کتبی هستند یا از طریق بلندگو انجام می‌شوند. هیچکس چهره کارکنان حراست را ندیده است. مشخص نیست حقوق آنها از کجا تامین می‌شود و به چه کسی جوابگو هستند. فعلاً حرف اول و آخر در شرکت واحد را این‌ها می‌زنند و مدیریت، تابع آنهاست.

از وضعیت آقایان اسانلو و مددی، رییس و نایب رییس سندیکاى واحد چه خبر جدیدی دارید؟

آقای اسانلو در زندان گوهردشت در مزیقه درمانی است. وی باید در خارج از زندان معالجه شود اما کسی توجهی به این نیاز ندارد. آقای مددی نیز در اوین با مشکلات روحی و جسمی مواجه است. ناراحتی معده و پروستات دارد. حکم پنج ساله آقای اسانلو، ۱۳ ماه دیگر تمام می‌شود و آقای مددی هم نیمی از محکومیت خود را سپری کرده است. با توجه به گذشتن نیمی از محکومیت هر دو همکار ما، آنها قانوناً می‌توانند آزاد شوند یا به مرخصی بیایند. اما این حق نیز به آنها داده نمی‌شود.

مصاحبه‌گر: مهیندخت مصباح

تحریریه: شیرین جزایری

پوشش اجباری یکسان برای زنان کارمند وزارت صنایع و معادن

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس در تاریخ 31 اردیبهشت 89 آمده است: ثریا ظفری، مشاور امور بانوان و خانواده وزارت صنایع و معادن، گفت: با توجه به بودجه‌ای که در اختیار این وزارتخانه قرار دارد، برای 400 نفر زن وزارت صنایع و معادن دو دست لباس فرم مخصوص تابستان و زمستان طراحی شده است. ظفری در گفت‌وگو با فارس با بیان اینکه سازمان‌هایی مثل هواپیمایی این اقدام را چندین سال پیش انجام دادند، اظهار داشت: لباس کارمندان زن باید دارای رنگ و شکل یکسان باشد، همانطور که زنان کارگر هر واحد تولیدی با توجه به نوع کار خود لباس مخصوص دارند. وی در ادامه افزود: این اقدام وزارت صنایع و معادن عاملی است برای اینکه سازمان‌های تحت پوشش این وزارتخانه اقدام به تهیه فرم خاص برای پوشش زنان شاغل کنند. ظفری تصریح کرد: سایر وزارتخانه‌ها و سازمان‌های تحت پوشش وزارت صنایع و معادن می‌توانند لباس فرمی را برای پوشش زنان شاغل تعریف کنند که علاوه بر پوشیده بودن، شکیل و زیبا نیز باشد. مشاور امور بانوان و خانواده وزارت صنایع و معادن افزود: پوشیدگی و زیبا بودن فرم‌های کارمندی موجب می‌شود کارمندان زن پوشیدن لباس فرم را امری اجباری تلقی نکنند.

عدم پرداخت دستمزد کارگران شرکت دنا ره سازان در ساوه و دو کارخانه زیر مجموعه شرکت سایپا در اراک

بنا بر گزارشهای رسیده از ایران به تاریخ 31 اردیبهشت آمده است: کارگران شرکت "مهارت" از شرکتهای زیر مجموعه سایپا در اراک 9 ماه است دستمزدی دریافت نکرده اند.

بنا بر این گزارش این کارگران سال گذشته در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود چندین بار دست به اعتراض زدند اما علیرغم این اعتراضات، عدم پرداخت دستمزدهای این کارگران از سوی شرکت مهارت همچنان تداوم پیدا کرده است و هم اکنون این کارگران که تعداد آنها حدود 700 نفر میباشد 9 ماه است دستمزدی دریافت نکرده اند.

بر اساس این گزارش کارگران شرکت "تکران" نیز که آن هم یکی از شرکتهای زیر مجموعه سایپا ادر شهر اراک است و تولید کننده باک پراید می باشد سه ماه است دستمزدی دریافت نکرده اند.

بنا بر گزارش دیگری از ایران نیز رسیده، آمده است کارگران شرکت دنا ره سازان در شهرستان ساوه چهار ماه است دستمزدهای خود را دریافت نکرده اند. لازم به یاد آوری این کارگران اواخر سال گذشته در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود چند بار دست به اعتصاب زدند

کارمندان پس از خروج از تهران تا 10 سال امکان بازگشت ندارند

خبرگزاری فارس در تاریخ 31 اردیبهشت 89 گزارش می دهد: معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور تاکید کرد: کارمندان پس از خروج از تهران تا 10 سال امکان بازگشت ندارند.

لطف الله فروزنده معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور در گفتگو با خبرنگار سیاسی خبرگزاری فارس با یادآوری اینکه آئین‌نامه تشویق کارمندان دولتی برای خروج از تهران بر اساس ماهها کار کارشناسی و در نظر گرفتن همه جوانب تدوین شده است، اظهار داشت: دولت برای اجرای تعهدات مربوط به خود مبنی بر اختصاص مشوق‌های اعلام شده در این آئین‌نامه نهایت تلاش خود را انجام خواهد داد. وی در پاسخ به سوالی مبنی بر امکان شکایت کارکنان دولت از این آئین‌نامه به دیوان عدالت اداری نیز گفت: ما تمامی شرایط و زوایای قانونی را در نظر گرفته‌ایم و با توجه به اینکه هیئت تطبیق مصوبات دولت با قوانین در مجلس شورای اسلامی ایرادی به این آئین‌نامه نگرفته است، لذا به نظر نمی‌رسد امکان شکایت از این موضوع وجود داشته باشد. معاون رئیس جمهور همچنین با اعلام اینکه کارمندان پس از خروج از تهران تا 10 سال امکان بازگشت ندارند، افزود: اگر مشکلی در زمینه ارائه مشوق‌های اعلام شده وجود داشته باشد، کارمندان می‌توانند با اعلام این موضوع، از ما بخواهند تا آنرا پیگیری کنیم.

اخراج سی کارگر در شرکت شمسای ساوه

بنا بر گزارشهای رسیده از فعالان کارگری از ایران در تاریخ 29 اردیبهشت 89 آمده است: شرکت شمسای ساوه سی نفر از کارگران خود را اخراج کرد. بنا بر این گزارش کارفرمای این شرکت دو ماه از دستمزد این کارگران را نیز پرداخت نکرده است و در موردی اقدام به جعل قرارداد یکی از کارگران اخراجی نموده است.

بنا بر اظهار کارگران این کارخانه، این کارگر که کارفرما اقدام به جعل قرارداد وی کرده است پس از اتمام قرارداد سه ماهه خود، شش ماه بدون قرارداد مشغول بکار بوده است که این امر میتواندست به منزله دائمی بودن این کارگر به لحاظ قانونی تلقی بشود به همین دلیل کارفرما با ترفند این کارگر را وادار به امضای قراردادی کرده است که تا پایان اسفند ماه سال گذشته معتبر بوده و پس از پایان اسفند ماه از پذیرش وی بر سر کار سرباز زده است.

یک گزارش و دو خبر شرکت فولاد گیلان

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری در تاریخ 30 اردیبهشت 89 از قول فعالان ضدسرمایه داری گیلان خبر داد:

شرکت فولاد گیلان که در شهر صنعتی رشت واقع است. کارخانه وابسته به بخش خصوصی است. سهامداران عمده آن آقازاده های خاندان هاشمی رفسنجانی هستند. فردی به نام دانیال زاده از سهامداران و مدیر عامل این شرکت است. از فعالیت این کارخانه بیش از 5 سال می گذرد. در این شرکت جمعاً حدود 1200 کارگر با قرارداد موقت مشغول به کار هستند. قسمت تولید کارخانه شامل دو قسمت تولید فولاد گرم با حدود 550 کارگر و فولاد سرد با حدود 450 کارگر است. بقیه کارکنان شامل پرسنل اداری و نگهداری و راننده های تریلر و کارگران خدماتی می شود. محصول شرکت، ورق فولادی است. مواد خام آن از کشورهای روسیه و اوکراین وارد شده در گمرک انزلی تخلیه و توسط تریلی های شرکت بارگیری و به کارخانه حمل می گردد. ورق های فولادی پس از نورد سرد و گرم توسط تریلرهای شرکت بیشتر به کارخانه های شهر صنعتی ساوه حمل می شود. پایه حقوق کارگران مصوبه اداره کار است. کارخانه در سه شیفت کاری فعال است. از غذاخوری کسانی می توانند برای صرف شام و نهار استفاده کنند که حتماً در آن روز اضافه کاری کرده باشند. کارخانه فاقد هرگونه تشکل کارگری است. قراردادهای کارگران یکساله است و کارگران با کوچک ترین اعتراض نسبت به شرایط کار و دستمزد توسط کارفرما، دانیال زاده ضدکارگر، به سرعت اخراج می گردند.

شرکت کارگران سبز زیور در مراسم سوم علی خوشیخت

در عصر روز پنج شنبه 89/2/30 - یک روز پس از خاک سپاری علی خوشیخت - کارگری که بر اثر سقوط از روی ماشین حمل زباله کشته شد - کارگران شهرداری منطقه یک تحت پوشش شرکت سبز زیور در مراسم وی شرکت کردند و با خانواده وی اظهار همدردی نمودند. از نکات قابل توجه این که جمشیدی ضدکارگر، کارفرمای شرکت سبز زیور، حاضر نشد مبنی بوس جهت ایاب و ذهاب کارگران شرکت کننده در مراسم در اختیار آن ها قرار دهد و کارگران در پشت و انتهای وانت نیسان شهرداری سر پا ایستاده و در گورستان محل دفن پیاده شدند و ضمن تسلیت به خانواده کارگر جان باخته دسته گلی با نام شرکت سبز زیور بر روی قبر وی نهادند. در میان زمره های کارگران رسیدگی به وضعیت و علت حادثه به گوش می رسید. کارگران همچنین آزادی راننده نیسان را خواستار بودند که به دنبال شکایت کارفرمای شرکت دستگیر شده بود و شایع بود جمشیدی ضدکارگر گفته وی پس از آزادی از زندان باید برای تنبیه به رفتگری بپردازد. در حالی که از نظر کارگران، راننده مقصر نیست و مقصر اصلی جمشیدی است. کارگران همچنین خواستار تحت پوشش قرار گرفتن تعاونی شهرداری رشت مانند دو منطقه 2 و 3 و نیز خواستار دریافت اضافه کاری عقب مانده 4 ماه خویش معادل 800 هزار تومان هستند. فعالان ضدسرمایه داری گیلان

کشته شدن کارگر اداره برق بر اثر برق گرفتگی

رابر (در استان کرمان) - احمد افضلی کارگر اداره برق که 26 سال سابقه کار در این اداره را داشت بر اثر برق گرفتگی کشته شد. احمد افضلی چند روز قبل هنگام وصل کردن برق به یک دکل مخابرات دچار برق گرفتگی شدید شد و در محل حادثه جان باخت. (منبع: روزنامه اطلاعات) 30 اردیبهشت 1389

فهرست تحریم های احتمالی شورای امنیت علیه ایران

به گزارش بخش فارسی بی بی سی در تاریخ 31 اردیبهشت آمده است: پیش نویس پنجمین قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران بر ادامه مذاکره و حل و فصل دیپلماتیک مناقشه اتمی تأکید دارد، اما تشدید تحریم ها علیه ایران محور اصلی آن است. در متن این پیش نویس پیش از تصویب احتمالا تغییراتی ایجاد خواهد شد. اعضای دائم شورای امنیت و آلمان در این سند ایران را متهم کرده اند که از قطعنامه های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷ و ۱۸۰۳ این شورا تخطی کرده است. اعضای دائم شورای امنیت و آلمان از نقش "عوامل" سپاه پاسداران ایران در فعالیت های حساس اتمی و تولید سیستم های پرتاب کلاهک های هسته ای بطور "جدی" ابراز نگرانی کرده اند. ایران اتهام تلاش برای ساخت سلاح اتمی را رد می کند. در قطعنامه پیشنهادی، درباره ساخت مرکز اتمی فردو در نزدیکی قم ابراز نگرانی جدی شده و ساخت این مرکز ناقص "تهدات" ایران در خصوص تعلیق کامل تمام فعالیت های غنی سازی اورانیوم توصیف شده است. خواسته های اصلی این پیش نویس ایران را موظف می کند که ساخت تمام مراکز غنی سازی اورانیوم یا تاسیسات اتمی آب سنگین (مراکز پلوتونیوم) را متوقف کند و از ساخت تاسیسات مشابه خودداری کند. علی اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران، در اوایل ماه آوریل اعلام کرد که طرح راه اندازی تاسیسات اتمی دیگری را به دولت ارائه کرده است. اعضای دائم شورای امنیت درباره غنی سازی اورانیوم در ایران تا حد ۲۰ درصد نیز ابراز نگرانی کرده اند. ایران روند غنی سازی تا سطح ۲۰ درصد را در تاسیسات نطنز آغاز کرده است و این کار را برای تأمین سوخت راکتور تحقیقاتی تهران لازم می داند. رئیس جمهوری ایران تحریم های بین المللی را بی فایده می داند. قطعنامه پیشنهادی از ایران می خواهد:

با اتخاذ تدابیر لازم برای اعتمادسازی و اثبات اینکه برنامه های اتمی اش بطور "اختصاصی" غیرنظامی است اقدام کند. ابهامات و سوال هایی که آژانس بین المللی انرژی اتمی مطرح کرده است را بر طرف کند و به نگرانی هایی که در پی اعلام ساخت مرکز اتمی قم بوجود آمده است، پاسخ دهد. به سوال هایی که درباره امکان وجود جوانب نظامی برنامه اتمی اش مطرح شده جواب دهد و برای آژانس امکان مصاحبه با پرسنل اتمی، دیدار از مراکز هسته ای و رویت مدارک مورد نظر این نهاد را فراهم کند. مجازات های مندرج در پیش نویس: فعالیت های اتمی تجاری ایران در خارج از این کشور مانند شرکت در طرح های استخراج اورانیوم یا تولید مواد و تکنولوژی های اتمی را ممنوع می کند. دولت ها را موظف می کند از حضور ایران یا اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی در موارد فوق جلوگیری کنند. کشورها را موظف می کند از انتقال مستقیم یا غیرمستقیم هشت نوع سلاح سنگین از جمله تانک، خودروهای زره ای، هواپیماهای جنگی، هلیکوپترهای تهاجمی، کشتی های نظامی و سیستم های موشکی به ایران جلوگیری کنند. فعالیت های ایران در خصوص تولید موشک های بالستیک با توانایی حمل کلاهک هسته ای از جمله آزمایش های موشکی که در آن از تکنولوژی بالستیک استفاده شده باشد را ممنوع اعلام می کند. کشورها را موظف می کند از ورود شمار دیگری از مقام های ایران به قلمروی خود جلوگیری کنند و دارایی های تعداد دیگری از افراد و شرکت های ایرانی را در فهرست تحریم ها برای مسدود شدن قرار می دهد. اسامی این افراد در پیوست قطعنامه اعلام خواهد شد. این پیوست هنوز تکمیل نشده است و قدرت های بزرگ در حال مذاکره برای تدوین آن هستند. پیش نویس قطعنامه همچنین تحریم شمار دیگری از مقام های و شرکت های سپاه پاسداران را در نظر دارد. نام این اشخاص و شرکت ها هنوز اعلام نشده است. تدابیر تنبیهی دیگر:

از دولت ها می خواهد تمام محموله های هوایی و دریایی که به ایران فرستاده یا از آن خارج می شود را در فرودگاه ها، بنادر و آب های قلمروی خود در صورتی که بر این باورند آن محموله ها حاوی مواد اتمی، موشکی یا نظامی ممنوع اعلام شده است، بازرسی کنند. به کشورها اجازه می دهد محموله های دریایی ممنوعه ایران را بر اساس قوانین بین المللی در آب های آزاد بازرسی، توقیف و حتی در صورت لزوم نابود کنند.

به کشورها اجازه می دهد از تامین سوخت یا ارائه خدمات دیگر به کشتی های ایران یا کشتی های خارجی حامل محموله های "غیرقانونی" ایران خودداری کنند. از کشورها می خواهد از ارائه خدمات مالی از جمله بیمه یا مبادلات مالی اشخاص حقیقی و حقوقی در صورتی که گمان می کنند چنین خدماتی با برنامه اتمی یا موشکی ایران مربوط می شود، جلوگیری کنند. از کشورها می خواهد "مراقب" مبادلات مالی اشخاص یا شرکت ها با افراد و کمپانی های ایرانی از جمله شرکت های وابسته به سپاه پاسداران یا خطوط کشتیرانی ایران باشند. از کشورها می خواهد "مراقب" مبادلات مالی بانک های ایرانی از جمله بانک مرکزی این کشور باشند تا از مبادلاتی که مربوط به فعالیت های حساس اتمی این کشور می شود، جلوگیری کنند. از کشورها می خواهد از افتتاح شعبه ها و نمایندگی های بانک های ایران در قلمروی خود در صورتی که معتقدند چنین شعبی با فعالیت های اتمی ایران ارتباط دارند، جلوگیری کنند.

بازداشت اسماعیل عبدی، از اعضای کانون صنفی معلمان ایران

خبرگزاری هرانا در تاریخ 31 اردیبهشت 89 نوشته : - اسماعیل عبدی، از اعضای کانون صنفی معلمان ایران روز چهارشنبه مورخ 29 اردی بهشت ماه توسط نیروهای امنیتی در تهران بازداشت شد. به گزارش آژانس خبری موکریان، در پی بازداشت این فرهنگی، منزل وی نیز مورد تفتیش قرار گرفته و مأموران کامپیوتر وی را نیز همراه خود برده اند. گفتنی است تا لحظه ی تنظیم خبر از محل نگهداری و وضعیت اسماعیل عبدی و هم چنین اتهامات احتمالی این فعال صنفی معلمان اطلاعی در دست نیست. اسماعیل عبدی از فعالان کانون صنفی معلمان ایران روز چهارشنبه مورخ 29 اردیبهشت ماه در تهران بازداشت شد. گفته می شود در پی بازداشت این فرهنگی، منزل وی نیز توسط مأموران مورد بازرسی قرار گرفته و کامپیوتر وی را نیز همراه خود برده اند. تا لحظه تنظیم خبر از محل نگهداری و وضعیت اسماعیل عبدی و همچنین اتهامات احتمالی این فعال فرهنگی خبری در دست نیست.

اعتراض بخشی از کارگران پتروشیمی کارون در ماهشهر به تحمیل کار

اضافه

از سوی کارفرما

بنا بر گزارشهای رسیده از ایران در تاریخ 31 اردیبهشت 89 آمده است : ، از مدتها قبل مدیریت اجرایی پتروشیمی کارون در ماهشهر بجای استخدام نیروی انسانی برای تامین کمبودهای سازمانی دربخش تولید با انتقال کارگران نمونه گیر موادشیمیائی به بخش بهره برداری سعی در جبران کمبود نیرو در این قسمت نمود و بدین ترتیب کار مشکل ومهم نمونه گیری از مواد شیمیائی که در این پتروشیمی بسیار خطرناک هم هست (فرایند تولید ماده سرطانزای ایزوسیاناتها) را به عهده کارکنان موجود در بهره برداری انداخت. یعنی بدون بکارگیری نیروهای جدید وبدون پرداخت دستمزد اضافی، کار ومسئولیت اضافی را بر دوش کارگران محوطه بهره برداری انداخت که علاوه بر کار روتین خود فعالیتهای نمونه گیری از مواد شیمیائی که در هر شیفت چندین نوبت متوالی است ویک کار تخصصی است را هم انجام دهند. این موضوع با کش وقوس بسیار از ماهها پیش موضوع اعتراض کارکنان دائم این پتروشیمی در بخش تولید ومقاومت مدیریت در مقابل این اعتراض بوده است، تا اینکه روز چهارشنبه 29 اردیبهشت ماه حدود ساعت 12 ظهر شیفتهای صبحکار وعصرکار همراه با شیفت شب ودر حالیکه تعدادی از همکارانی که در استراحت بسر می بردند،به آنها پیوسته بودند در مقابل دفتر این پتروشیمی اجتماع کرده واز رفتن بسر کار خودداری کردند. بنا بر این گزارش بدنبال این تجمع، کشمکش های بین این بخش از کارکنان تولید با مدیریت و نیروهای وابسته به آن از جمله حراست ومسئول اموراداری همچنان ادامه داشته است و کارکنان تولید پس از تجمع در 29 اردیبهشت ماه ازفعالیت نمونه گیری از مواد شیمیائی وانجام کار اضافی سر باز زده و متحدانه ومصرانه بر خواست خود پای فشرده وحاضر به انجام کار اضافی نشده اند.

بنا بر اظهار کارگران این کارخانه اعتراضات کارگری در منطقه مهم پتروشیمی ها در ماهشهرعمدتا شامل نیروهای قراردادی تعمیر ونگهداری وکارگران موقت پروژه ای بوده است، به همین دلیل مقاومت کارکنان تولید درپتروشیمی کارون در مقابل تحمیل کار اضافی از سوی مدیریت پتروشیمی که مستقیما بخش کادر ثابت و دائمی این پتروشیمی را شمال میشود از اهمیت ویژه ای برخوردار است لازم به یادآوری است پتروشیمی کارون در فاز یک خود تولید کننده تولوئن دی ایزوسیانات است که با مشارکت سه جانبه ایران وسوئد وآلمان در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر ساخته شده ودرحال بهره برداری است.

اخبار و گزارش های کارگری از گیلان

شرکت چولاب

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری از قول فعالان ضد سرمایه داری گیلان در تاریخ 31 اردیبهشت 89 خبر می دهد: شرکت چولاب در زمینه راه سازی، پل سازی و ساختمان سازی به صورت پروژه ای فعالیت می کند. بیشتر مراکز فعالیت این شرکت در ساوه، رضوان شهر (طالش)، انزلی، کلاچای و ساری قرار دارد. این شرکت در ساخت بزرگراه رشت- تهران در منطقه رودبار نیز مشارکت دارد که کار شرکت در این پروژه در حال اتمام است. در ضمن، سال گذشته این شرکت در مناقصه ساخت سد پلرود در کلاچای شرکت کرد و برنده شد اما به علت اعمال نفوذ یک شرکت دیگر پیمانکار وابسته به سپاه این مناقصه را از دست داد. این شرکت وابسته به بخش خصوصی است و سهامداران آن نیکویه، توپ زاده، آذر مسا وعین اله زاده هستند که در این میان نیکویه که استاد دانشگاه هم هست، مدیر عامل شرکت است. در این شرکت بیش از 800 کارگر استثمار می شوند. پایه حقوق کارگران همان حداقل دستمزد مصوبه اداره کار است. اما همین دستمزد ناچیز بخور و نمیر را هم درست و به موقع به کارگران پرداخت نمی کنند. کارگران از پاییز سال گذشته تا کنون حتی ریالی دستمزد نگرفته اند و دستمزد سه ماهه دی، بهمن و اسفند سال 88 و همچنین فروردین 89 را از سرمایه داران مالک این شرکت طلبکار هستند. در این شرکت هیچ نوع تشکل کارگری وجود ندارد. سرمایه داران مالک شرکت نیز از این ضعف کارگران کمال استفاده را می کنند و در حالی که شیره جان کارگران را در شرایط سخت و مشقت بار کار ساختمان سازی و راه سازی از تنشان بیرون می کشند و به کوه ثروت و سرمایه های خود می افزایند، کارگران و خانواده های آنان را چهار ماه چهار ماه گرسنه و منتظر ننگه می دارند و از بهره حقوق پرداخت نشده کارگران هم می خورند. واقعا کارگران تا کی باید این رنج و ذلت را تحمل کنند؟ کارگران تا وقتی که به نیرویی متحد و متشکل علیه سرمایه تبدیل نشوند اوضاع بر همین منوال خواهد بود. باید دست به کار شویم. دست به دست هم دهیم و به صورت شورایی و ضد سرمایه داری متشکل شویم تا بتوانیم با نیروی طبقاتیمان حقان را از گلوئی سرمایه دار بیرون بکشیم.

شرکت مرغ مادر سپید رود

این شرکت وابسته به شرکت سپید رود رشت واقع در حدود 6 کیلومتری جاده رشت - تهران است. شرکت مرغ مادر سپید رود رشت تحت اجازه سرمایه داری به نام زنجانی است که در ضمن مالک مرغ داری بهرپور در مازندران، اردبیل و با جناق سردار آقاجانی از سران سپاه پاسداران است. در این شرکت 150 کارگر استثمار می شوند. کارگران قراردادی هستند و با قرارداد های یک ساله کار می کنند. کارگران عموماً در یک شیفت از 7 صبح تا 4 بعد از ظهر کار می کنند و اضافه کاری نیز معمولاً تا ساعت 6/5 بعد از ظهر طول می کشد. کارگران در طول ماه بین 50-60 ساعت اضافه کاری می کنند. تعداد کمی از کارگران نیز برای آماده نگه داشتن دستگاه ها در شیفت شب کار می کنند. پایه حقوق کارگران همان حداقل دستمزد مصوبه اداره کار است. کارگران جمعه ها هم کار می کنند و به طور گردش هر دو ماه یک جمعه تعطیل هستند. اکثر کارگران توسط شرکت خدماتی پیمان کاری « سپهر فراز دیلم » در این شرکت به کار گماشته شده اند که بخشی از دستمزد کارگران توسط این شرکت پیمان کاری تصاحب می شود. قبلاً حقوق کارگران توسط شرکت پیمان کاری « سپهر فراز دیلم » به حساب آن ها ریخته می شد. اما اخیراً به علت سوء استفاده این شرکت پیمان کاری شرکت مرغ مادر سپیدرود مستقیماً دستمزد کارگران را بصورت حواله صادر می کند. کارگران این شرکت هیچ تشکلی برای دفاع از حقوق خود در مقابل سرمایه ندارند.

بازگشت به کار دو راننده اخراجی شرکت خدماتی سبز زیور

دو راننده دیگر اخراجی شرکت سبز زیور به نام های میر حلاج و قربانزاده که توسط جمشیدی کارفرمای این شرکت اخراج شده بودند، با پیگیری شکایت خود به شهرداری رشت سرانجام به سر کار خود بازگشتند. اما کارگران خدماتی مناطق 2 و 3 شهرداری از اردیبهشت ماه تحت پوشش شرکت تعاونی شهرداری رشت، بخش خصوصی قرار می گیرند و از پوشش شرکت یاقوت سرخ خارج می شوند. حداقل کارگران این منطقه پس از این قادر خواهند بود دستمزد و اضافه کاری خود را دریافت کنند. کارگران خدماتی شهرداری منطقه یک که تحت پوشش سبز زیور فعال هستند نیز مایل هستند که تحت پوشش شرکت تعاونی شهرداری رشت قرار بگیرند و بتوانند دستمزد کامل و مزایایی مانند کارگران تحت پوشش شرکت تعاونی دریافت کنند. البته هنوز کارگران نتوانسته اند 800 هزار تومان اضافه کاری خود را از شرکت سبز زیور دریافت نمایند. در عین حال کارگر اخراجی دیگری به نام فرهاد سمیعی نیز در حدود یک ماه و نیم است از شرکت سبز زیور اخراج شده است. این کارگر در حدود یک سال در شهرداری مشغول به کار خدماتی بود. وی در گذشته حدود 2 سال در کارخانه فولاد گیلان واقع در شهر صنعتی رشت به عنوان کارگر قراردادی کار می کرد که از آنجا اخراج شد. و حالا پس از یکسال کار در بخش خدماتی شهرداری رشت توسط شرکت سبز زیور اخراج و دوباره بیکار شده است. فعالان ضد سرمایه داری گیلان

نرخ بیکاری برخی استانها: 45 درصد/ حداقل نرخ بیکاری 22 درصد

به گزارش خبرگزاری مهر در تاریخ 31 اردیبهشت 89 آمده است: مجلس: جلوی موج بیکاری را بگیرد/ نرخ بیکاری حداقل 22 درصد خبرگزاری مهر- گروه اقتصادی: در حالی مجلس نسبت به لزوم ارائه برنامه روشن اشتغالزایی از سوی دولت برای جلوگیری از موج بیکاری هشدار داده که نرخ بیکاری در حال حاضر حداقل 22 درصد است. به گزارش خبرنگار مهر، با توجه به اینکه بیش از 70 درصد جمعیت کشور از جوانان زیر 35 سال سن تشکیل شده است، آمارها از نرخ بیکاری 21.8 درصدی این گروه سنی حکایت دارد که البته آخرین نرخ بیکاری کشور مربوط به زمستان 88 نیز از 11.3 درصد پاییز 88 به 13.8 درصد افزایش یافته است که آمار سالانه نیز عدد 11.9 درصد را در سال گذشته نشان می دهد.

مجلسی ها احساس خطر کردند بر اساس این گزارش، عدم برنامه روشن دولت در اشتغالزایی، روشن نبودن وضعیت دستگاههای متولی اشتغال، افزایش نرخ بیکاری و همچنین وقوع موجهای جدید بیکاری و بالا رفتن روزافزون تقاضا در ورود به بازار کار همه و همه باعث شده تا طی روزهای گذشته مجلسی ها دست به کار شوند و از وزیر اقتصاد و صنایع و معادن بخواهند در مجلس حاضر و نسبت به دلایل بالا رفتن بیکاری توضیح دهند که البته دعوت از وزیر اقتصاد و توضیح نخواستن از وزیر کار نیز خود جای سؤال دارد.

در هر حال تغییر مسئولیت اشتغالزایی از وزارت کار و امور اجتماعی به وزارت تعاون نه تنها نقدها و نگرانی هایی را مبنی بر واگذار کردن مسئولیت وزارت کار به تعاون به وجود آورده است، بلکه روشن نبودن ظرفیت تعاونیها در اشتغالزایی، عدم تجربه تعاونیها در اشتغال و همچنین فراهم نبودن زیرساختهای لازم در این بخش به همراه مدیرانی که تجربه فعالیتهای اشتغالزایی ندارند باعث به وجود آمدن نگرانی هایی در حضور تعاون در اشتغال شده است.

ابهام حضور تعاونیها در اشتغال عباس وطن پرور در گفتگو با مهر معتقد است: فارغ از اینکه اعداد و ارقامی که به عنوان اشتغال و نرخ بیکاری مطرح می شود تا چه اندازه قابل استناد باشد و اینکه درست است و یا خیر، همین میزان و نرخهایی که اعلام می شود نیز خود محل نگرانی و دغدغه است.

نماینده اسبق ایران در اجلاس جهانی کار اظهار داشت: متأسفانه مسئله دیگری که به نگرانی ها دامن می زند عدم وجود یک اراده قوی و منطقی برای رفع معضل بیکاری است. در حال حاضر وزارت تعاون که هنوز ظرفیتهای و وضعیت خود را در فضای کسب و کار و تولید کشور پیدا نکرده است چگونه خواهد توانست برای اشتغال و حل بحران بیکاری برنامه بدهد؟

یک سؤال از تعاونیها وطن پرور با بیان اینکه این وزارتخانه از زمان تدوین قانون اساسی به دنبال تثبیت جایگاه خود به عنوان یکی از بخشهای اقتصادی کشور است که متأسفانه به دلیل شکل گیری آن بدون وجود یک دکترین و پایه ریزی منطقی، در توسعه خود دچار چالش است.

وی افزود: به نظر می رسد دولتها از همان ابتدا نیروهای مازاد و با تخصص های مختلف خود را از سایر دستگاهها به تعاون می فرستادند و حال می بینیم که بسیاری از مدیران رده بالای تعاون مأمور به خدمت از دستگاههای دیگر هستند.

وزارت کار مسئولیت خود را واگذار کرد این مقام کارفرمایی با بیان اینکه وزارت کار و امور اجتماعی امروز مسئولیت مستقیم خود را به عهده وزارت تعاون گذاشته است و از زیر بار مسئولیت شانه خالی می کند، تأکید کرد: البته در وزارت تعاون نیز کم لطفی می کنند و بدون داشتن ساختار و ابزار مناسب اشتغالزایی خود را مسئول اشتغال می دانند.

وطن پرور ادامه روشهای آزمون و خطایی را در زمینه اشتغال را نادرست خواند و با ذکر این مطلب که امروز بسیاری از واحدهای تولیدی تعاونی با مشکلات فراوانی روبرو هستند که حل نشده است و بانک توسعه تعاون نیز هنوز نتوانسته برای آنها کاری انجام دهد، تصریح کرد: حال بخش تعاون با چه شهامتی مسئولیت اشتغال کشور را می پذیرد.

وی اجرای هدفمندی یارانه ها را بدون ساز و کار منطقی خواند و تأکید کرد: بر اساس سند چشم انداز و برنامه های موجد برای اشتغال هدفگذاری صورت گرفته است که با وضع موجود نه تنها به آنها نخواهیم رسید، بلکه تثبیت اشتغال موجود نیز با خطر حذف فرصتها مواجه شده است.

مخاطره در تثبیت مشاغل موجود دبیرسابق شورای هماهنگی کارفرمایان کشور اظهار داشت: تنها راهکار عبور از بحران بیکاری و رونق در تولید این است که به تقویت فضای کسب و کار که به شدت در وضعیت بحرانی قرار دارد فکر کنیم و 11 پارامتر اصلی رونق فضای کسب و کار کشور را دنبال کنیم.

به گفته وطن پرور، شفاف نبودن روابط مالیاتی، در نظر گرفتن نرخ 25 درصد بر تمام شئون، روشن نبودن قانون مالیات و همچنین سلیقه ای برخورد کردن با بخشنامه های این سازمان باعث شده تا ضمن خروج کار از حالت یکنواخت، عدالت مالیاتی نیز با مخاطره همراه باشد.

وی در نظر گرفتن افزایش 30 درصدی درآمد مالیاتی در بودجه سالجاری در حالت رکود تورمی را نادرست خواند و با طرح این سؤال که دولت چگونه آن را کسب خواهد کرد؟ افزود: طبیعتاً این موارد باعث حذف فرصتهای شغلی خواهد شد و اینها همه از دلایل افزایش نرخ بیکاری است.

شاغل بودن سرباز، خانه دار و دانشجو! نماینده سابق کارفرمایان در سازمان جهانی کار بیان داشت: شفاف نبودن نرخ بیکاری و تعداد واقعی بیکاران دلایل متعددی دارد. در حال حاضر شاغل حساب کردن سربازان، زنان خانه دار و دانشجویان و همچنین افرادی که در هفته یک یا دو ساعت کار دارند، همه از ابهامات نرخ بیکاری و وضعیت واقعی اشتغال در کشور است.

وطن پرور با بیان اینکه با یک حساب مقدماتی می توان نرخ بیکاری را در حال حاضر بالای 22 درصد دانست، افزود: هم اکنون نه تنها نرخ بیکاری 11.9 و 13.8 نیست بلکه در برخی استانها نرخ بیکاری بالای 45 درصد است. نرخ بیکاری برخی استانها؛ 45 درصد

وی همچنین در خصوص دعوت مجلس از وزرای اقتصاد و صنایع و معادن برای پاسخگویی به موج بیکاری در کشور، گفت: اتفاقاً مشکل اصلی ما در بخش اشتغال و تضعیف فضای کسب و کار مربوط به قوانینی است که در مجلس تصویب می شود چون نگاه غیرکارشناسی مجلس به این مقوله به فضای کسب و کار کشور لطمه زده است.

این مقام کارفرمایی تاکید کرد: در شرایط فعلی اگر یک عزم و اراده ملی برای رفع معضلات بیکاری به وجود نیاید بحرانه ادامه خواهد داشت. متأسفانه وزرای اقتصاد و صنایع که هیچکدام حتی یک ساعت نیز در یک کارگاه و واحد تولیدی کار نکرده اند چه پاسخی برای حل مشکل بیکاری و امواج بیکاران ارائه خواهند داد؟ انبارها پر از کالای خارجی وطن پرور با تاکید بر اینکه حتما وزیر اقتصاد و صنایع هر کاری که از دستشان برآمده است انجام داده اند، تصریح کرد: عدم هماهنگی بین سیاستهای وزارت بازرگانی و صنایع باعث شد تا در حال حاضر انبارهای کشور از اجناس خارجی پر شده باشد در حالی که تولیدکننده داخلی نیازمند تسهیلات است. وی وزارت صنایع را نماینده دولت و مجری برنامه های آن دانست و بیان داشت: اگر وزارت صنایع نماینده واقعی بخش صنعت و تولید بود که حتما در مقابل واردات بی رویه واکنش نشان می داد و برای جلوگیری از آن فکری می کرد درعین حال برای افزایش موجودی به واردات رو نمی آورد.

از خواست های به حق «مادران عزادار» حمایت می کنیم

مادران عزادار در تاریخ ۸۸/۱۲/۱۲ خواستار توقف احکام اعدام، محاکمه علنی آمران و عاملان جنایات سی و یک ساله اخیر و آزادی بدون قید و شرط زندانیان عقیدتی شدند. خانواده های زندانیان سیاسی از همان روزهای آغازین جنبش کنونی به حمایت از فرزندان خود به میدان آمدند. «مادران عزادار» اعتراض خود به سرکوب، زندان و اعدام فرزندان خود را به شکل علنی آغاز کردند. آنان ابتدا به عنوان اعتراض هر هفته شبانه ها در پارک لاله تجمع کرده و با بلند کردن عکس فرزندان خود خواهان مجازات آمران و عاملان کشتار، سرکوب و زندان آنان بودند. تعداد زیادی از مادران داغدار و حامیان آنان، طی چندین نوبت مورد حمله و یورش نیروهای امنیتی قرار گرفتند، دستگیر شدند، خود و خانواده شان مورد تهدید و آزار و اذیت قرار گرفتند ولی همچنان مصمم به اشکال مختلف: تجمع در جلوی زندان اوین و دادگاه انقلاب، تجمع در سایر پارک ها، همراهی با اعتصاب غذای زندانیان، دیدار و همدردی با خانواده جان باختگان در تهران و شهرستانها و اعتراض به اعدام بر خواسته های خود پای می فشارند. این حرکت اعتراضی، به شکلی گسترده مورد حمایت بسیاری از گروه های سیاسی و اجتماعی در سراسر دنیا نیز قرار گرفت. تهدید، دستگیری و سرکوب این خانواده ها نه تنها مانع حرکت اعتراضی آنان نشد بلکه در ر وندی یک ساله امروز از مرز جنبش اخیر، فرزندان خود و جمهوری اسلامی فراتر می روند. برخی از مادران کشته شده ها سکوت خود را شکستند و صدای اعتراض خود را به گوش جهانیان رساندند. اگر روزهای اول خواستشان فقط محاکمه و مجازات آمران و عاملان جنایات جنبش اخیر بود، امروز خواستار محاکمه و مجازات آمران و عاملان جنایات های سی و یکسال گذشته هستند، و این یعنی به چالش کشیدن کلیت نظام جمهوری اسلامی و سی و یک سال حکومتش. آنان امروز خواسته هایشان بشردوستانه تر و دموکراتیک تر است؛ حال نه تنها خواهان آزادی کلیه زندانیان عقیدتی هستند، بلکه مخالفت و ضدیت خود با اعدام را نیز به گونه ای سرلوحه اعتراضات خود قرار داده اند. «مادران داغدار» نیز همچون سایر اعضای جنبش اخیر در روندی یکساله نه تنها برماهیت ضد انسانی رژیم واقف شده و می روند که به حرکتی رادیکال تر تبدیل شده و گستره اعتراضات و مطالبات خود را وسیع تر کنند، بلکه در این روند مطالباتشان دموکراتیک تر و بشردوستانه تر نیز شده است. رژیم که دیگر قادر نیست با فریبکاری خود را از بحران سیاسی و اقتصادی که دچارش شده برهاند، حال روز به روز وحشی تر شده و دست به سرکوب عیان می زند. سببیت و وحشیگری رژیم در یکی دو ماه اخیر و اعدام زنان و مردان انقلابی نه تنها آن طور که رژیم آرزویش را داشته و دارد، باعث رعب و وحشت نیروهای موجود در جنبش نشده بلکه روزبروز چهره ضد انسانی خود را آشکارتر کرده و انتخاب راه را برای نیروهای موجود در جنبش آسان تر میکند. «مادران داغدار» نیز همچون سایر اعضای جنبش در این یک سال به دستاوردهای بسیاری رسیده اند. آنان نیز حال به این آگاهی می رسند که اعتراضاتشان نیاز به پیگیری و پایداری بیشتری دارد و بایستی با اتکا به نیروی خود، راه آزادی و رهایی را بجویند. ما زنانی دیگر ضمن محکوم کردن هر نوع حکم اعدام و جانبداری بی قید و شرط از آزادی بیان و اندیشه، حمایت خود را از خواسته های به حق مادران عزادار اعلام کرده و تمامی جنایات های سی و یک ساله رژیم جمهوری اسلامی را "جنایت علیه بشریت" دانسته و آن ها را محکوم می کنیم. ما با تمامی مادران و خانواده های جان باختگان سی و یک سال گذشته، بخصوص خانواده های جان باختگان جریانات اخیر و همچنین خانواده های 5 جوانی که در چند روز گذشته به دار آویخته شدند، ابراز همدردی می کنیم و برای دادخواهی با آنها همراهیم. زنانی دیگر

اردیبهشت سال ۱۳۸۹

در برخی استانها نرخ بیکاری بالای 45 درصد است

خبرگزاری حکومتی مهر در تاریخ 31 اردیبهشت 89 گزارش داد: با توجه به اینکه بیش از 70 درصد جمعیت کشور از جوانان زیر 35 سال سن تشکیل شده است، آمارها از نرخ بیکاری 21.8 درصدی این گروه سنی حکایت دارد.

در همین حال مجلس شورای اسلامی نسبت به لزوم ارائه برنامه روشن اشتغالزایی از سوی دولت برای جلوگیری از موج بیکاری هشدار داده و می گوید نرخ بیکاری در حال حاضر حداقل 22 درصد است. شفاف نبودن نرخ بیکاری

از سوی دیگر نماینده سابق کارفرمایان در سازمان جهانی کار می گوید، شفاف نبودن نرخ بیکاری و تعداد واقعی بیکاران دلایل متعددی دارد. در حال حاضر شاغل حساب کردن سربازان، زنان خانه دار و دانشجویان و همچنین افرادی که در هفته یک یا دو ساعت کار دارند، همه از ابهامات نرخ بیکاری و وضعیت واقعی اشتغال در کشور است.

وطن پرور با بیان اینکه با یک حساب مقدماتی می توان نرخ بیکاری را در حال حاضر بالای 22 درصد دانست، افزود: هم اکنون نه تنها نرخ بیکاری 11.9 و 13.8 نیست بلکه در برخی استانها نرخ بیکاری بالای 45 درصد است.

وی همچنین در خصوص دعوت مجلس از وزرای اقتصاد و صنایع و معادن برای پاسخگویی به موج بیکاری در کشور، گفت: اتفاقاً مشکل اصلی ما در بخش اشتغال و تضعیف فضای کسب و کار مربوط به قوانینی است که در مجلس تصویب می شود چون نگاه غیرکارشناسی مجلس به این مقوله به فضای کسب و کار کشور لطمه زده است.

این مقام کارفرمایی تاکید کرد: در شرایط فعلی اگر یک عزم و اراده ملی برای رفع معضلات بیکاری به وجود نیاید بحرانها ادامه خواهد داشت. متأسفانه وزرای اقتصاد و صنایع که هیچکدام حتی یک ساعت نیز در یک کارگاه و واحد تولیدی کار نکرده اند چه پاسخی برای حل مشکل بیکاری و امواج بیکاران ارائه خواهند داد؟